

اقتصاد و تعالی

منشور اقتصاد جامعه اسلامی در بیانات رهبر انقلاب



از سلسله کتب
در مسیر پیشرفت
شماره ۱۲

قرن گاه ملی مبارزه
با مفاسد اقتصادی





اقتصاد و تعالی

منشور اقتصاد جامعه اسلامی در بیانات رهبر انقلاب

قارگاه ملی مبارزه با مفاسد اقتصادی

گردآورنده:

سجاد اکبری



@gharargahmelli



fesadsetiz.ir

شناسنامه

نام اثر: اقتصاد و تعالی (منشور اقتصاد جامعه اسلامی در بیانات رهبر انقلاب)

گردآورنده: سجاد اکبری

صفحه آرا: معین الاسوند

تیراژ: محدود

قطع: وزیری

تعداد صفحه: ۴۴۰

نوبت چاپ: چاپ اول - بهمن ماه ۱۴۰۲

سایت: fesadsetiz.ir

شبکه‌های اجتماعی: @gharargahmelli



۰۲۱-۶۶۴۰-۸۷۳۰

۰۹۳۸-۹۳۰-۲۳۵۸



پیشگفتار گردآورنده

در گام دوم انقلاب اسلامی، اقتصاد اولین جبهه‌ای است که فتح آن تاثیر بسیار شگرفی در پیروزی و پیشروی در جبهه‌های دیگر دارد و میشود گفت بدون آن، اقتدار در زمینه‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و تمدنی عملاً مورد تهدید واقع می‌شود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مورخ ۱۳۸۷/۲/۴ با کارآفرینان به این مهم تاکید کرده و می‌فرماید:

"انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد؛ این جرأت را به این ملت داد که در مقابل نظام غیر عادلانه‌ی سلطه در دنیا بایستد. اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه‌گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است."

با مرور مجموعه‌ی بیانات و اقدامات رهبر انقلاب اسلامی طی سالیان اخیر این گزاره به‌روشنی اثبات می‌شود که ایشان هم در مقام نظر و گفتار و هم در مرحله‌ی عمل و اقدام برای حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم و پیشرفت اقتصاد کشور گام‌های مشخص و موثری برداشته‌اند. معظم له با توجه به ضرورت رسیدن به اقتدار اقتصادی ایران اسلامی، همواره در سخنرانی‌های مختلف در طول سالهای پس از انقلاب به تبیین این مهم پرداخته‌اند. و در طول سالهای گذشته، با انتخاب شعارهای سال اقتصادی، همواره ذهن و دلهای امت اسلامی را بر توجه به آن و حرکت در این مسیر متمرکز نموده‌اند. لذا با اعتقاد به این که در جامعه‌ی ولایی، برای فتح قله‌های مختلف از جمله اقتصاد، بدون تنظیم حرکت کلی انقلاب با قطب نمای ولایت فقیه نمی‌شود به موفقیت رسید، کتاب حاضر با عنایات الهی با بررسی تمام بیانات رهبر معظم انقلاب در حوزه‌ی اقتصاد، و طبقه بندی آنها در سه محور مبانی، آرمانها و راهکارهای عملیاتی در ۴ فصل تلاش کرده تا به یک الگوی جامع از نقشه راه اقتدار اقتصادی ایران در فرمایشات معظم له دست یابد. امید است مجموعه‌های فعال در این عرصه به عنوان حلقه‌های میانی، متشکل از جوانان و نخبگان با عمل مجاهدانه و مخلصانه با تکیه بر این نقشه راه بتوانند با شناخت جایگاه موثرشان در تحقق این آرمان بزرگ، برنامه‌های عملیاتی متناسب را در هر دوره و زمان استخراج و اجرا نموده و با ایجاد نهضت تحول اقتصادی زمینه تحقق آرمانهای انقلاب

اسلامی در گام دوم انقلاب را فراهم کنند و الگوی اقتصاد متعالی مد نظر ولایت را پیش روی تمام ملتهای مسلمان و آزاده در سطح جهان قرار دهند.

سجاد اکبری

فهرست

مقدمه.....	۱۱
فصل اول.....	۱۴
بخش اول:.....	۱۵
جایگاه تحول اقتصادی در آرمان‌های نظام اسلامی.....	۱۵
اهداف انقلاب اسلامی.....	۱۵
تحقق حیات طیبه، آرمان نهایی انقلاب اسلامی.....	۱۵
فرآیند تحقق هدف‌های انقلاب اسلامی.....	۱۶
تحول اقتصادی از جمله آرمان‌های خُرد و وسیله‌ای برای تحقق آرمان‌های کلان نظام:.....	۲۰
دلایل اهمیت و حساسیت تحول اقتصادی:.....	۲۲
آرمان‌های اقتصادی گام دوم انقلاب.....	۲۳
لزوم ایجاد یک حرکت عمومی در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی.....	۲۴
ویژگی‌های حرکت عمومی.....	۲۵
جریان سازی حلقه‌های میانی برای تحقق حرکت عمومی:.....	۲۸
بخش دوم: شناخت درست از صحنه.....	۳۱
مقدمه.....	۳۲
شناخت صحنه اقتصاد جهان.....	۳۳
مکاتب اقتصادی شکست خورده.....	۳۳

فهرست

حرف جدید جمهوری اسلامی	۳۴
شناخت صحنه اقتصاد و پیشرفت ایران	۳۶
دستاوردهای بعد از انقلاب	۴۰
استکبار جهانی و جنگ اقتصادی	۴۶
توطئه‌های اقتصادی استکبار بر علیه ایران:	۴۷
توطئه‌های استکبار علیه ملت‌های جهان:	۵۱
بخش سوم: تحول اقتصادی و الزامات راهبردی آن	۶۲
مقدمه	۶۳
الزامات راهبردی نهضت تحول اقتصادی در گام دوم انقلاب اسلامی	۶۵
خصوصیات مکتب امام(ره) به عنوان نقشه راه نهضت تحول اقتصادی	۷۲
فصل دوم	۷۹
بخش اول: اصول و مبانی معرفتی	۸۰
مقدمه	۸۱
ضرورت مراجعه به فکر و اندیشه اسلامی	۸۳
شاخصه‌های اسلام ناب محمدی(ص):	۸۴
تبیین شاخصه‌های اصلی اسلام ناب محمدی(ص)	۸۶
مبانی فکری مکتب انقلاب اسلامی	۹۱
وظایف ما بر اساس مبانی اسلامی و انقلابی:	۹۶
بخش دوم: نظام اقتصاد در جامعه اسلامی	۱۰۰
اهمیت و جایگاه اقتصاد در اسلام	۱۰۱

پایه‌های کلان نظام اقتصاد اسلامی	۱۰۲
سازوکارهای نظام اقتصادی در اسلام:	۱۰۴
فصل سوم.....	۱۳۶
اقتصاد مقاومتی (زیرساخت فکری و نظری حماسه اقتصادی).....	۱۳۶
بخش اول: ضرورت و چرایی اقتصاد مقاومتی	۱۳۸
مقدمه	۱۴۰
انگیزه‌های تدوین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی:	۱۴۱
بخش دوم: چیستی و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی.....	۱۴۷
اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟.....	۱۴۸
بخش سوم: سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی	۱۵۴
سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	۱۵۶
بخش چهارم: الزامات اقتصاد مقاومتی.....	۱۶۰
الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی	۱۶۱
ب) الزامات قانونی و قضایی.....	۱۶۹
ج) الزامات فرهنگی و تبلیغی	۱۷۰
فصل چهارم.....	۱۷۴
بخش اول: اقتصاد بدون نفت	۱۷۵
مقدمه	۱۷۶
دلایلی بر ضرورت قطع وابستگی به درآمد نفت:	۱۷۷
راهبردهای قطع وابستگی اقتصاد به درآمد نفت.....	۱۸۰

فهرست

بخش دوم: علم اقتصادی و اقتصاد علمی	۱۹۰
مقدمه	۱۹۱
الزامات علمی کردن اقتصاد و اقتصادی کردن علم	۱۹۲
بخش سوم: رشد تولید	۲۲۲
مقدمه	۲۲۳
ضرورت پرداختن به تولید ملی	۲۲۴
برکات زیاد تولید برای کشور	۲۲۵
ابزار لازم برای تولید	۲۲۹
الزامات رشد تولید	۲۳۲
بخش چهارم: عدالت گستری و مبارزه با فساد	۲۶۷
اهمیت و ضرورت عدالت گستری	۲۶۸
بیان تعاریف	۲۶۹
موانع برقراری عدالت اقتصادی در جامعه	۲۷۱
الزامات و پیش شرط‌های عدالت گستری	۲۷۴
راهکارهای عملی تحقق عدالت اقتصادی در جامعه	۲۸۲
مرور در یک نگاه فصل چهارم بخش چهارم-عدالت گستری	۲۹۹
اهمیت و ضرورت مبارزه با فساد	۳۰۰
عوامل به وجود آمدن و ریشه دواندن فساد	۳۰۲
آثار و زیان‌های وجود فساد	۳۰۷
الزامات و پیش شرط‌های مبارزه با فساد	۳۱۱

۳۱۶	 راهکارهای عملی برای مبارزه با فساد
۳۲۸	 برکات مبارزه با فساد
۳۳۵	 بخش پنجم: اصلاح و بهبود سیاست‌های پولی و مالی
۳۳۶	 مقدمه
۳۳۷	 راهکارهای تقویت و بهبود نظام پولی و مالی
۳۶۲	 مرور در یک نگاه فصل چهارم بخش پنجم
۳۶۴	 بخش ششم: سیاست‌ها و روابط خارجی
۳۶۵	 مقدمه
۳۶۶	 چهارچوب کلی سیاست‌ها و روابط خارجی:
۳۸۹	 اصول دیپلماسی و مذاکره موفق در رهنمودهای رهبری
۴۰۵	 مرور در یک نگاه فصل چهارم بخش ششم
۴۰۷	 بخش هفتم: فرهنگ و سبک زندگی اقتصاد محور
۴۰۸	 مقدمه
۴۱۱	 الزامات کلان تحقق سبک زندگی ایرانی-اسلامی
	برخی توصیه‌های عملی مهم و راهبردی برای ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی در
۴۱۴	 جهت تحقق نهضت تحول اقتصادی:

مقدمه

امروز یکی از نقدترین و بزرگ‌ترین چالش‌های کشور مسئله‌ی اقتصاد ملی است؛ انتظار به‌حق مردم ما، این است که از یک اقتصاد شکوفا برخوردار باشند، رفاه عمومی باشد، طبقه‌ی ضعیف از وضعیّت غیرقابل قبول خارج بشود، از مشکلات نجات پیدا کند؛ اینها انتظارات مردم ما است و این انتظارات به‌حق است؛ اقتصاد کشور نیازمند یک حرکت جدّی و یک کار بزرگ است که من حالا بعضی از خصوصیات را عرض می‌کنم. من البته چند سال است راجع به اقتصاد حرف می‌زنم. چند سال قبل از این پیش‌بینی کردم و گفتم دشمنان بر روی اقتصاد ما متمرکز خواهند شد^۱ مسئولین باید به فکر باشند، خودشان را آماده کنند؛ کمرها را محکم کنند برای مواجهه‌ی با خصومت دشمنان و سیاستهای خصمانه‌ی دشمنان که روی اقتصاد کشور متمرکز شده‌اند. هدف آنها این است که مردم ایران را در مقابل نظام اسلامی قرار بدهند؛ این را صریحاً میگویند که میخواهیم فشار اقتصادی بیاوریم تا وضعیّت مردم سخت بشود و مردم وادار به اعتراض بشوند در مقابل دولت و در مقابل نظام اسلامی. این را صریحاً میگویند البته بدروغ گاهی ادّعا میکنند که طرفدار ملّت ایرانند که این دروغها را نمیشود باور کرد و نباید از دشمن باور کرد، لکن هدفشان همان هدف سیاسی است. این کاری است که باجدیّت و با شدّت به‌دنبال آن هستند؛ خب این یک شرایط مهم است، این یک چالش بزرگ است. وقتی یک چنین چالشی در کشور وجود دارد، همه‌ی نیروها باید در کنار هم قرار بگیرد، با هم کار کنند و مسئله‌ی اقتصاد را جدّی بگیرند.^۲

۱ اشاره به بیانات در ۱۳۸۶/۱/۱

۲ بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱

صریحاً عرض میکنم تحولاتی که در زمینه‌ی اقتصادی انجام گرفته، متناسب با تحولات در بخشهای دیگر نیست. ما باید میتوانستیم یک الگوی موفق‌تری از اقتصاد به دنیا عرضه کنیم. به طور خلاصه باید ما هم کارآمدی در جهت رشد رونق اقتصاد، هم کارآمدی در جهت تأمین عدالت را به دنیا نشان میدادیم. البته کارهایی را که شده و میدانیم، نمیخواهیم انکار کنیم؛ کارهای بسیار مهمی انجام گرفته، لکن به آن سطحی که باید میرسیدیم، قطعاً نرسیده‌ایم و این برای ما دردناک است.^۳

کار بزرگی که باید در زمینه‌ی حماسه‌ی اقتصادی انجام بگیرد، همچنان در پیش روی ما است و ما موظفیم که این حماسه را به وجود بیاوریم. در اواخر سال ۹۲ بحمدالله یک زیرساخت فکری و نظری برای حماسه‌ی اقتصادی به وجود آمد؛ سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» اعلام شد و زمینه آماده است برای اینکه ان شاءالله تلاش لازم در این باب انجام بگیرد^۴ هم دانشگاه‌ها، هم دستگاه‌های دولتی، هم آحاد مردمی که خوشبختانه توانائی و استعداد این کار را دارند، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ توانائی‌های مالی، باید تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن عمل کنند. این که ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»، این یک شعار نیست؛ این یک واقعیت است. کشور دارد پیشرفت میکند. ما افقهای بسیار بلند و نویدبخشی را در مقابل خودمان مشاهده میکنیم. خب، بدیهی است که حرکت به سمت این افقها، معارضه‌ها و معارضه‌هایی هم دارد. بعضی از این معارضه‌ها انگیزه‌های اقتصادی دارد، بعضی انگیزه‌های سیاسی دارد؛ بعضی منطقه‌ای است، بعضی بین‌المللی است. این معارضه‌ها در مواردی هم منتهی میشود به همین فشارهای گوناگونی که مشاهده میکنید؛ فشارهای سیاسی، تحریم، غیر تحریم، فشارهای تبلیغاتی - اینها هست - لیکن در لابه‌لای این مشکلات، در وسط این خارها، گامهای استوار و هم‌تها و تصمیم‌هایی هم وجود دارد که بناست از وسط این خارها عبور کند و خودش را به آن نقطه‌ی مورد نظر برساند. همیشه آن کسانی که راه‌ها را باز می‌کنند، مانع‌ها را بر می‌دارند، کوه‌های بزرگ را می‌شکافند و به پیش می‌تازند و دیگران به دنبال آن‌ها حرکت می‌کنند، گروه زنده‌ای هستند که سلاح عمده‌ی آن‌ها معرفت است. امروز معرفت و آگاهی

۳. بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰

۴. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۳

۵. بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش‌بنیان ۱۳۹۱/۵/۸

شما باید آن چنان راه را در مقابل شما روشن کند که بتوانید کارهای بسیار بزرگی را که در این دهه و دهه ی بعد بر دوش شما جوانان است، انجام دهید.^۶ ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه ی حل مشکلات اقتصادی به همه ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه ی اسلام و با تعالیم اسلام چگونه میتواند پیشرفت کند.^۷ ما در کشور خودمان منابع زیرزمینی داریم، مناطق راهبردی و استراتژیک داریم، امکانات طبیعی فراوان داریم، انسانهای برجسته داریم، نیروهای انسانی پیشرفته و با استعداد داریم؛ بایستی همت کنیم. خدای متعال هم ان شاء الله به این همت برکت خواهد داد. من به شما جوانها بگویم، آینده مال شماست. شما جوانها به حول و قوه ی الهی و باذن الله آن روز را خواهید دید و ان شاء الله افتخارات خودتان را به نسلهای بعد از خودتان تحویل خواهید داد.^۸

۶ بیانات در جمع دانش‌آموختگان طرح ولایت ۱۳۸۱/۵/۱۷

۷ فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای سال جهاد اقتصادی است که در حرم مطهر رضوی

۸ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

فصل اول

نهضت تحول اقتصادی در گام دوم انقلاب

بخش اول : جایگاه تحول اقتصادی در آرمان‌های نظام اسلامی

بخش دوم : شناخت درست از صحنه اقتصاد جهانی

بخش سوم: الزامات راهبردی نهضت اقتصادی

بخش اول:

جایگاه تحول اقتصادی در آرمان‌های نظام اسلامی

اهداف انقلاب اسلامی

تحقق حیات طیّبه، آرمان نهایی انقلاب اسلامی

هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه‌ی خوبیها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است،

برخوردار شود؛ یعنی یک کشور اسلامی بشود. کشور اسلامی یعنی کشوری که اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط آور، اسلام تحرک آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسانها، و اسلام هدایت‌کننده‌ی انسانها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است؛ اسلامی که با همان شکلی که در قرن اول اسلامی به آن عمل شد، توانست یک مجموعه‌ی پراکنده را به اوج تمدن تاریخی و جهانی برساند و تمدن و دانش او بر دنیا سیطره پیدا کند.^۹

انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن میفرماید: «فلنحييه حياة طيبة»^{۱۰} این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی و زندگی روزمره و رفاه و امنیت و دانش و سواد و عزت سیاسی و استقلال اقتصادی و رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسانهای مؤمن و خداشناس و پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است.^{۱۱} همه باید تلاش کنیم، زحمت بکشیم، فشارها را تحمل کنیم و سختیها را به جان بخریم، برای این که بتوانیم یک الگوی درست از زندگی یک ملت و اداره یک کشور به مردم دنیا ارائه دهیم.^{۱۲}

فرآیند تحقق هدف‌های انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی هدفها و شعارهایی دارد که برای تحقق آن جانهای پاک و خونها فدا شده است. این هدفها رشد معنوی و مادی، ساختن دنیا و آخرت مردم و تأثیرگذاری بر روی آنها، تعالی اخلاقی، رسیدن کشور به نقطه‌ای که شایسته کرامت انسانی است و ایجاد فضایی برای رشد استعدادها و بهره‌بردن افراد از مواهب الهی - چه مواهب مادی و چه مواهب معنوی - است که از جمله آنها میتوان به آزادی، علم و فضایل اخلاقی اشاره کرد.^{۱۳} ما می‌خواهیم آن نظامی، آن

۹ بیانات در خطبه های نماز جمعه ۱۳۸۴/۵/۲۸

۱۰ سوره نحل، آیه ۹۷

۱۱ بیانات در اولین روز ورود به ساری ۱۳۷۴/۷/۲۳

۱۲ بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت ۱۳۷۷/۶/۲

۱۳ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۸/۱۱

تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدفها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد.^{۱۴} یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است.^{۱۵} این خط اگر با جدیت، با پشتکار، با شناخت آنچه که لازم است، با عمل به آنچه که وظیفه است، ادامه پیدا کند، سرنوشت حتمی عبارت است از این که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از عصر ظهور گسترش پیدا کند؛ نه. معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید، یک حرف جدید، یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسائل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبانی نوینی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک میکنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها، تا بتدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند.^{۱۶}

(۱) انقلاب اسلامی

در درجه‌ی اول ما یک حرکت انقلابی لازم داشتیم؛ برای این که بنای ضایع و پوسیده و کج و بدبنیان رژیم‌های استبدادی را از بین ببریم. این کار را ملت با کمال قدرت و با موفقیت کامل انجام داد.^{۱۷} منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه‌ی اول است - حرکت انقلابی است؛ و الا به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل میشود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون میکند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده میکند.^{۱۸}

۱۴ بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۹/۱۲

۱۵ بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

۱۶ بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۱۳۷۹/۷/۱۴

۱۷ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۴/۸/۲۸

۱۸ بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

۲) نظام اسلامی

حلقه‌ی بعد، نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب میکنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزشهای اسلامی همراه است. ما از این حلقه هم عبور کردیم.^{۱۹}

۳) دولت اسلامی

منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیادهای اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور.^{۲۰} وظایفی که دولتها دارند، مشخص و معلوم است؛ اما نمی‌توانیم ادعا کنیم که ما یک دولت اسلامی هستیم؛ ما کم داریم. ما باید خودمان را بسازیم و پیش ببریم. ما باید خودمان را تربیت کنیم. البته اگر در رأس کار یک امام معصوم مثل امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام باشد که قولش، فعلش و منشش الگوست، کار برای کارگزاران نظام آسانتر است؛ چون نسخه کامل را در اختیار دارند و در همه چیزش هدایت هست. وقتی آدمی مثل من در رأس کار باشد، البته کارِ کارگزاران مشکلتر است؛ ولی ثوابشان هم بیشتر است. اگر توانستند در این راه حرکت کنند، اجر الهی‌شان بیشتر خواهد شد. هر کدام از شما تلاش کنید که برای این مسؤولیتها خودتان را با الگوی اسلامی منطبق سازید؛ یعنی دینتان، تقوایتان، رعایتتان نسبت به حال مردم، رعایتتان نسبت به شرع، رعایتتان نسبت به بیت‌المال، اجتنابتان از خودخواهیها و خودپرستیها و رفیق‌بازیها و قوم‌و خویش‌پرستیها و اجتنابتان از تنبلی و بیکارگی و بی‌عملی و هوی و هوس و این چیزها مطابق با الگوی اسلام باشد. هر کدام از شما بتوانید در این زمینه‌ها کار خودتان را بکنید و پیش بروید و خودتان را بسازید، البته ثواب شما از آن کسی که

۱۹ بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

۲۰ بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

در زمان امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام این کار را می‌کرد، یقیناً بیشتر است؛ چون او به امیرالمؤمنین علیه الصلوة والسلام نگاه می‌کرد و آن حضرت الگوی کامل بود؛ اما شما چنین کسی را ندارید که آن‌طور به او نگاه کنید و برایتان الگو باشد؛ لیکن ضوابط در دست همه ما هست و امروز همه‌مان وظیفه داریم^{۲۱}

۴) جامعه اسلامی

بخش بعد از (دولت اسلامی)، جامعه‌ی اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفتهای همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه‌ی ما.

چرا می‌گوئیم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهمترین مسئولیت این جامعه این است که انسانها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون» انسانها به عبودیت برسند. «ليعبدون» را معنا کردند به «ليعرفون». این معنایش این نیست که «عَبَدَ» به معنای «عَرَفَ» است - عبادت به معنای معرفت است - نه؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا میرسد، یعنی به معرفت کامل خدا میرسد، تخلق به اخلاق الله پیدا میکند؛ این، آن نهایت کمال انسانی

است. بنابراین هدف نهائی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والاّی است.^{۲۲}

۵) تمدن اسلامی

وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت.^{۲۳} یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد.^{۲۴}

شاخصه‌ی اصلی و عمومی تمدن اسلامی، بهره‌مندی انسانها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است.^{۲۵} تمدن اسلامی می‌تواند نقطه‌ی رهائی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاقی به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزیِ غربند، باشد.^{۲۶} امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجذّانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده‌ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد.^{۲۷}

تحول اقتصادی از جمله آرمان‌های خُرد و وسیله‌ای برای تحقق آرمان‌های کلان نظام:

بعضی از آرمانها، آرمانهای کلان نظام جمهوری اسلامی‌اند، آرمانهای بلندمدت و میان‌مدت هستند و البته آرمانهای اساسی هستند که باید به آنها توجه کرد؛ مثل تشکیل جامعه‌ی اسلامی یا استقرار عدالت اجتماعی یا مسئله‌ی استقلال، مسئله‌ی آزادی و مانند اینها؛ اینها آن آرمانهای

۲۲ بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴

۲۳ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۴/۵/۲۸

۲۴ بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۶/۱۴

۲۵ بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلام ۱۳۹۲/۲/۹

۲۶ بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۲/۹

۲۷ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۹۴/۱۰/۸

اساسی است. بعضی از این آرمانها در سطوح خردتری هستند و در واقع اجزای تشکیل آن آرمانهای سطح بالا محسوب میشوند؛ مثل مثلاً فرض کنید پیشرفت علمی؛ یک آرمان است - یکی از آرمانهای ما قطعاً پیشرفت علمی است- منتها جزئی از مجموعه‌ای است که جامعه‌ی اسلامی را تشکیل خواهد داد یا استقلال ما را مثلاً تشکیل خواهد داد. یا فرض کنید که اقتدار در سیاست خارجی که به معنای بیرون نگه داشتن کشور و نظام سیاسی از شبکه‌ی اقماری قدرتهای مستکبر و نظام سلطه است ... یا خودکفائی اقتصادی که در واقع یکی از آرمانهای خرد نسبت به آن آرمانهای عمده است.^{۲۸}

اقتصاد البتّه هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد.^{۲۹} با اینکه خود اقتصاد مقاومتی چیز مهمی است، اما در واقع در ذیل آن آرمان قبلی تعریف میشود. سلامت در جامعه، صنعت برتر، کشاورزی برتر، تجارت پر رونق، علم پیشرو، اینها همه‌اش جزو آرمانها است. نفوذ فرهنگی در جهان، نفوذ سیاسی در جهان و در منظومه‌ی سیاسی سلطه در عالم، اینها همه‌اش جزو آرمانها است. رسیدن به عدالت اجتماعی، جزو آرمانها است. بنابراین وقتی می‌گوئیم آرمان، ذهن ما به يك امر غیر قابل تعریف دور از دسترسی نرود؛ آرمان یعنی اینها، اینها همه آرمانهایند؛ البته در درجات مختلف. مجموعه‌ی این خواسته‌ها و هدفها، منظومه‌ی آرمانی اسلام را تشکیل میدهد. شما برای هر کدام از اینها که تلاش کنید، تلاش برای آرمانها کرده‌اید. آن مجموعه‌ای که فرض کنیم در راه اقتصاد مقاومتی کار میکند، یا آن مجموعه‌ای که در زمینه‌ی گسترش فرهنگ انقلابی و اسلامی در دنیای اسلام تلاش میکند، اینها همه دارند کار آرمانی میکنند.^{۳۰}

۲۸ بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۱۴۰۰/۲/۲۱

۲۹ بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

۳۰ بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۲/۵/۶

دلایل اهمیت و حساسیت تحول اقتصادی:

۱) اقتدار اقتصادی زمینه ساز اعتلای سیاسی در داخل و خارج

وقتی که در یک کشور، توسعه سازندگی و زیرساختهای اقتصادی، صحیح و مستحکم بنا میشود و وقتی که حرکت سازندگی در کشور - به معنای واقعی کلمه - به وجود می آید؛ کشور از اعتلای سیاسی هم در داخل و خارج برخوردار میشود.^{۳۱}

۲) اقتدار اقتصادی زمینه ساز حل مسائل فرهنگی، امنیتی و سیاسی

مسأله اقتصادی در امنیت و فرهنگ و عزت و برجستگی حرف سیاسی در کشور و در حضور جهانی تأثیرگذار است. ما مشکل کم نداریم، مشکلات گوناگونی داریم، در زمینه ی فرهنگی، در زمینه ی سیاسی، لکن مسئله ی اصلی و محوری در این سال هم مسئله ی اقتصاد است. یعنی اگر ما بتوانیم ان شاء الله مشکلات اقتصادی را کاهش بدهیم و مسئولین ان شاء الله همت کنند، دقت کنند، تلاشهای مهمی انجام بدهند در این زمینه، خیلی از مسائل دیگر کشور هم حل خواهد شد.^{۳۲}

۳) اقتدار اقتصادی، پشتوانه ی حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی

انقلاب برای ما استقلال سیاسی را به بار آورد؛ این جرأت را به این ملت داد که در مقابل نظام غیر عادلانه ی سلطه در دنیا بایستد. اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه گران عالم حفظ کند، باید پایه های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است.^{۳۳}

^{۳۱} بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۷۵/۶/۸

^{۳۲} بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۴۰۲/۱/۱

^{۳۳} بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان ۱۳۸۷/۲/۴

آرمان‌های اقتصادی گام دوم انقلاب

۱) اقتدار اقتصادی

عزت ملی، امنیت ملی، اقتدار ملی، پیشرفت همه‌جانبه چه جور به دست می‌آید؟ من عرض میکنم بدون اینکه کشور یک اقتصاد قوی داشته باشد، اینها به دست نمی‌آید. نیاز ما اقتصاد قوی، تولید قوی، همراه با مدیریت قوی است؛ نیازمان این است: یک اقتصاد قوی و مطمئن و متکی به خود که دستانمان به سمت دیگران دراز نباشد، بتوانیم انتخاب کنیم، بتوانیم حرکت کنیم، بتوانیم اقدام کنیم، بتوانیم روی قیمت نفت اثر بگذاریم، پول ملی را ارزشمند کنیم، قدرت خرید مردم را بالا ببریم؛ بدون یک اقتصاد قوی این جوری، نه به یک عزت مستمری خواهیم رسید، نه به یک امنیت مستمری خواهیم رسید؛ این چیزها را باید تأمین کنیم.^{۳۴}

۲) الگوسازی برای ملت‌ها

امام در وصیت‌نامه اعلام میکند که این انقلاب گسترش خواهد یافت؛ دست استعمارگران را از جهان اسلام کوتاه خواهد کرد. این پیشگویی امام بزرگوار است. امروز به صحنه که نگاه میکنیم، میبینیم این اتفاق افتاده است. گسترش انقلاب از نظر امام از راه ایجاد فتنه در کشورها نیست، از راه لشگرکشی نیست، از راه گسترش تروریسم نیست - برخلاف برخی از انقلابهای دیگر - گسترش انقلاب در میان ملت‌ها از راه الگوسازی نظام جمهوری اسلامی است. یعنی ملت ایران نظام جمهوری اسلامی را به حدی و مرتبه‌ای برسانند که وقتی ملت‌های دیگر به این الگو نگاه میکنند، شوق پیدا کنند و آن راه را دنبال کنند؛ از راه ترویج معارف اسلامی و از راه صراحت در دفاع از طبقات مظلوم دنیای اسلام و ملت‌های مظلومی که در دنیای اسلام پامال ظلم استکبار شده‌اند^{۳۵} ما هنوز اول راه قرار داریم؛ امروز کارهای فراوان و عظیم و قدم‌های بلند در انتظار ماست. واقعاً دنیای اسلام به رهبری احتیاج دارد؛ آن رهبری را هم این ملت باید بکند. قرآن می‌فرماید: «لتكونوا شهداء على الناس». بنده همیشه در ذهنم بود که این امت چگونه می‌تواند شهید و گواه باشد - شهید، یعنی نمونه و الگو - بعد در قضایای گوناگون خودمان دیدم اتفاقاً اگر

۳۴ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

۳۵ بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴

بخواهیم امتها و ملتها را هدایت کنیم، يك ملت باید بتواند الگو باشد.^{۳۶} اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه مسائل اقتصادی، یک حرکت جهادگونه‌ای انجام بدهد و این گام بلندی را که برداشته است، با گام‌های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران، تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی، به همه دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام، چگونه می‌تواند پیشرفت کند.^{۳۷}

۳) برقراری عدالت و محرومیت زدایی، ثروت آفرینی و رفاه عمومی

اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. البته ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره‌ی بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه‌ریزان باید این باشد. سازمان برنامه و برنامه‌ریزان کشور، با این سیاست کلی و بر این اساس باید برنامه ریزی کنند.^{۳۸}

کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد؛ کشور فقیری نباید باشد؛ باید بتواند با ثروت خود، با قدرت اقتصادی خود، اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد.^{۳۹}

لزوم ایجاد یک حرکت عمومی در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی

خب، ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفت‌ش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوانهای متعهد، محور این حرکتند. جوان هم که می‌گویم، لزوماً مراد من جوان بیست و دوساله و

۳۶ بیانات در دیدار اعضای هیأت علمی کنگره امام خمینی(ره) ۱۳۸۷/۱/۴

۳۷ بیانات رهبر معظم انقلاب در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۰/۱/۱

۳۸ بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۳۷۲/۵/۱۲

۳۹ بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰

بیست و پنج ساله نیست؛ البته از جوانهای بیست و دو ساله و بیست و پنج ساله خیلی کار برمی آید... منتها وقتی من میگویم جوان، منظورم صرفاً جوان دهی بیستی نیست؛ نه، سی ساله، سی و پنج ساله، چهل ساله، اینها هم جوانند، یعنی اینها هم میتوانند در همین عرصه نقش آفرینی کنند، میتوانند کار کنند؛ اینها هستند که اگر متعهد باشند میتوانند در نظام مدیریت کشور یک تحول عظیمی را به وجود بیاورند.

درست توجه کنید! یک حرکت عمومی معقول و منضبط!

وقتی میگوییم منضبط، یعنی حرکت، غوغا سالارانه و بلبشویی و مانند اینها نباشد؛ گاهی حرکت‌های عمومی با بلبشو و غوغا سالاری و مانند اینها همراه است؛ آنها ارزشی ندارد

ویژگی‌های حرکت عمومی

۱) شناخت درست از صحنه

اولاً نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد؛ یعنی این کسانی که این حرکت را انجام میدهند یا محور این حرکتند یا لاقط تحریک‌کننده‌ی این حرکتند، بایستی صحنه را درست بشناسند، عناصر درگیر در این صحنه را بشناسند. امروز شما در کشور خودتان، در جمهوری اسلامی، میخواهید یک حرکت انجام بدهید؛ خوب باید بدانید جمهوری اسلامی امروز در چه وضعی است، با چه کسی روبه‌رو است، با چه کسی مواجه است، فرصتهایش کدامها هستند، تهدیدهایش کدامها هستند، دشمنهایش چه کسانی هستند، دوستهایش چه کسانی هستند؛ این باید دانسته بشود و شناخته بشود.

۲) جهت‌گیری درست در مسیر آرمان‌های نظام

یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد میکنیم و مطرح میکنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدن اسلامی است؛ یعنی میخواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی؛ و

حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته‌ی اسلامی برساند. این هم عنصر دوم.

۳) توجه به نقاط امید بخش

عنصر سوّمی که [این حرکت] نیاز دارد، این است که یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد، یک نقطه‌ی روشنی باید وجود داشته باشد. در هر حرکتی اگر چنانچه این نقطه‌ی روشن، این نقطه‌ی امیدبخش وجود نداشته باشد، حرکت پیش نمی‌رود. این خوشبختانه در کشور ما، برای جامعه‌ی ما، برای مردم ما، کاملاً در دسترس است؛ نقطه‌ی روشن عبارت است از :

• ظرفیت‌ها

ظرفیتهای ملی‌ای که ما اینها را شناخته‌ایم؛ یعنی امروز حتی شما جوانها ظرفیتهای ملت خودتان را شناخته‌اید. ملت ایران نشان داده که میتواند کارهای بزرگ را بخوبی انجام بدهد، از عهده بربیاید؛ ملت ایران انقلاب را راه انداخت، تشکیل جمهوری اسلامی را راه انداخت؛ اینها مثل معجزه است. تشکیل جمهوری اسلامی در دنیای دوقطبی کاپیتالیسم و کمونیسم - که آن روز بود- مثل یک معجزه است؛ واقعاً شبیه معجزه‌ی عبور از دریا برای بنی اسرائیل یا عصای موسی است؛ مثل یک معجزه است. خب ملت ایران این کار را کردند؛ این یک ظرفیت خیلی مهمی است. بعد [هم] توانستند این را نگه دارند. دیگران هم از این کارها همین چند سال قبل از این [کردند]؛ دیدید دیگر؛ بعضی از این کشورهای منطقه‌ی شمال آفریقا و مانند آنها از این کارها کردند،^{۴۰} اما نتوانستند نگه دارند. ملت ایران توانست نگه دارد. ملت ایران توانست در مقابل ابرقدرت‌های بزرگ دوران سینه سپر کند، آنها را به عقب‌نشینی وادار کند؛ پس این خودش یک نقطه‌ی امید است. پس ما این نقطه‌ی امید را داریم. البته نقاط امید زیاد است؛ یکی‌اش این است.

• شکست‌ها و فرسودگی جبهه مقابل

۴۰ اشاره به انقلابهای مردمی در کشورهای عربی که به بهار عربی موسوم گردید.

یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه‌ی مقابل ما است. بنده به طور قاطع می‌گویم -البته یک عده‌ای فوراً بنا میکنند توجیه و تأویل و انکار و مانند اینها، لکن بنده قاطعاً این را می‌گویم، میتوانم این را ثابت هم بکنم که حالا وقتش نیست - امروز تمدن غربی دچار انحطاط است، یعنی واقعاً در حال زوال است: عَلٰی شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ؛ فِی نَارٍ جَهَنَّمَ،^{۴۱} لب گودال است؛ این جواری است. البته حوادث و تحولات جوامع بتدریج اتفاق می‌افتد؛ یعنی زود احساس نمیشود. حتی خود اندیشمندان غربی این را احساس کرده‌اند و بر زبان می‌آورند و می‌گویند. این هم یکی از نقاط امید ما است. تمدن غربی، تمدن مادی در مقابل ما قرار دارد و رو به فرسودگی است. این هم یکی از نقاط امیدبخش است؛

• نصرت الهی

وعده‌ی تخلف‌ناپذیر خدا که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ».^{۴۲} خب، وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا؟^{۴۳} چه کسی از خدا راست‌گوتر است؟ وعده‌ی چه کسی از خدا درست‌تر است؟ خدا می‌گوید: إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ اگر شما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدن اسلام و جامعه‌ی اسلامی و تحقق دین خدا پیش رفتید، خدا شما را یاری میکند؛ نقطه‌ی امید. پس عنصر سؤم هم که وجود نقطه‌ی امید است، وجود دارد.

۴) راهکارهای عملی

عنصر چهارم (از ویژگی‌های حرکت عمومی) این است که بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است. در هر برهه‌ای از زمان راهکارهای عملی مورد نیاز است. خب محل بحث ما اینجا است. آنچه شما سؤال میکنید - یعنی نسل جوان ممکن است سؤال بکند و یک سؤال مستتری است - همین است که بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم

۴۱ سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۱۰۹؛ «... کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مُشرف به سقوط پی‌ریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد.»

۴۲ سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷

۴۳ سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۱۲۲

چیست. خب این چهار عنصری که گفتیم -همه‌ی اینها- که برای یک حرکت عمومی این چهار عنصر نیاز است.

جریان سازی حلقه‌های میانی برای تحقق حرکت عمومی:

تبیین اینها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه، جوانهای جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟

این به عهده‌ی جریانهای حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها میتوانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکلهای دانشجویی از این قبیلند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند اینها از این قبیلند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند اینها به درد نمیخورد.^{۴۴}

مرور در یک نگاه فصل اول بخش اول

فصل اول : نهضت تحول اقتصادی در گام دوم انقلاب		(خلاصه بخش اول): جایگاه تحول اقتصادی در آرمان‌های نظام اسلامی				
اهداف انقلاب اسلامی	۱	فرآیند تحقق اهداف انقلاب	هدف نهایی انقلاب: حیات طیبه ۱۳۷۴/۷/۲۳			
			انقلاب اسلامی			
			نظام اسلامی			
			دولت اسلامی			
			جامعه اسلامی			
		تمدن اسلامی	اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۱/۲۹			
مسئله فوری کشور و مسئله جدی کشور و اولویت کشور ، فعلا مسئله " اقتصاد" است. پیام نوروزی سال ۹۸						
دلایل اهمیت و حساسیت تحول اقتصادی	۲	۱.اقتدار اقتصادی زمینه ساز اعتلای سیاسی ۱۳۷۵/۶/۸	۲.اقتدار اقتصادی زمینه ساز حل مسائل فرهنگی، امنیتی و سیاسی ۱۴۰۲/۱/۱			
				۳.اقتدار اقتصادی، پشتوانه‌ی حفظ استقلال ۱۳۸۷/۲/۴		
					۱.اقتدار اقتصادی ۱۳۹۶/۱/۱	
						۲.الگوسازی برای ملت ها ۱۳۹۰/۱/۱
آرمان‌های اقتصادی گام دوم انقلاب	۳	لزوم ایجاد یک حرکت عمومی در جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی ۱۳۹۸/۳/۱				
		ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم				
		ویژگی‌های حرکت عمومی ۱۳۹۸/۳/۱	۴	۱.شناخت درست از صحنه		
					۲.جهت گیری درست	
						۳.توجه به نقاط امید بخش و ظرفیت‌های درونی
۴.راهکارهای عملی						
	نقش جریان حلقه‌های میانی در ایجاد حرکت عمومی ۱۳۹۸/۳/۱					

بخش دوم : شناخت درست از صحنه

مقدمه

برهه‌ی تاریخی ما هم برهه‌ی تاریخی مهمی است؛ ملت ایران در حال تثبیت عزت خود و در راه ترسیم نقشه‌ی کلان پیشرفت خود به سمت آرمانها است. بنابراین آگاهی جوانها مهم است، بصیرت نسبت به وضعیت موجود مهم است.^۱ عزیزان! نادانسته‌ها را جز با تجربه‌ی خود یا گوش سپردن به تجربه‌ی دیگران نمیتوان دانست. بسیاری از آنچه را ما دیده و آزموده‌ایم، نسل شما هنوز نیازموده و ندیده است. ما دیده‌ایم و شما خواهید دید. دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحناfadeh) است، نزدیک کنید. برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال میکنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره میگیرند. رهنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده‌نظامش نمیتوان شنید.^۲

۱. بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۴/۸/۱۲

۲. بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب

شناخت صحنه اقتصاد جهان

مکاتب اقتصادی شکست خورده

تمدن غربی الگوهای مدیریت و جامعه‌سازی و نظام‌سازی و حکومت را به میدان آورد و نشان داد؛ کمونیسم یک جور -سوسیالیسم و کمونیسم و انواع و اقسام سوسیالیسم‌هایی که دولتهای مختلف به شکل آنها به وجود آمدند- و سرمایه‌داری و به اصطلاح لیبرالیسم و مانند اینها هم یک جور دیگر؛ اینها فراورده‌های غرب است و این فراورده‌ها شکست خورده؛ امروز این محصولات تمدن غربی در مدیریت جامعه و مدیریت بشر شکست خورده است. آن یکی (سوسیالیسم) که جمع شد، این یکی (لیبرالیسم) هم خیمه و خرگاهش در حال اغتشاش و نابسامانی است که دارید مشاهده میکنید. قلّه‌ی باشکوه این الگوی غربی سرمایه‌داری، آمریکا است که وضعیتی آن را مشاهده میکنید که به معنای واقعی کلمه یک الگوی شکست خورده است. بیشتر از همه جا در آمریکا ارزشهای بشری دارد لگدمال میشود. با این نظامهای حکومتی، بایستی ارزشها را زنده کنند؛ حالا ارزشهای دینی به کنار، ارزشهای معنوی که آنها به آن توجه هم ندارند، احساس هم نمیکند آنها را، به کنار؛ ارزشهای بشری، ارزشهایی که عقلهای بشر آنها را میفهمد، [یعنی] مسئله‌ی امنیت، مسئله‌ی سلامت، مسئله‌ی عدالت، اینها دارد بکلی در این الگوی مسلط غربی بیش از همه جا لگدمال میشود. یک روز این طور تصور می‌شد و این طور تبلیغ می‌شد که همه‌ی راه‌های پیشرفت و تمدن به لیبرال دموکراسی، آن هم به شکل آمریکایی‌اش، ختم می‌شود؛ اما امروز این طور نیست. امروز بسیاری از ملتها کاملاً در این مسئله نظر مخالف دارند و البته بعضی هم شک دارند. امروز آمریکا علی‌رغم قدرت روزافزون نظامی و مالی خود، در حقیقت شکست سیاسی است و در دنیا منزوی است. هیچ‌وقت نفرت از آمریکا مثل امروز در دنیا نبوده است. شرق و غرب هم ندارد؛ آسیا و اروپا و آفریقا هم ندارد، همه جا این طور است. این را خود آمریکایی‌ها اعتراف می‌کنند و این حرف من نیست.^۳

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی

۳ بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۸۳/۵/۲۵

کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود.^۴ دو قطبی سرمایه‌داری و کمونیسم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دو قطبی میان مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری آمریکا و ناتو و صهیونیسم است. دو اردوگاه اصلی تشکیل شده است و اردوگاه سومی وجود ندارد.^۵ امروز دنیای غرب که عامل تشدیدکننده‌ی ضعف و عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی بوده است، دستخوش گرفتاریهای بزرگ و حل‌نشده‌ی است. فساد مادی‌گری و نظام سرمایه‌سالاری بتدریج نفوذ خود در پایه‌های آن تمدن مادی را آشکار می‌سازد و بیماریهای مزمنی را که در زیر تشعشع خیره‌کننده‌ی صنعت و سرمایه‌پنهان مانده بود، بتدریج برملا می‌کند و نزدیکی بحران را به آنان خبر می‌دهد. دنیای اسلام، نسیم بیداری اسلامی را بر چهره‌ی ملتهب و رنج‌کشیده‌ی خود حس می‌کند و نشانه‌های آن را در جابه‌جای جهان اسلام، به‌ویژه در ایران مجاهد و سربلند و نیز در فلسطین و لبنان به چشم می‌بیند. فروغ امید، دل‌های جوانان را در همه جا روشن کرده و طلسم تحقیر و تحکّم غرب، در هم شکسته است. این فرصت، آسان به دست نیامده و هزاران جان گرامی در راه آن ایثار شده است. از این پس نیز راه، دراز و دشوار، لیکن مطمئن و بی‌چون و چرا است.^۶

حرف جدید جمهوری اسلامی

ما به برکت اسلام یک راه سوّمی را به دنیا پیشنهاد کرده‌ایم؛ نه راه سوسیالیستی در اقتصاد و تبعات اقتصاد، نه راه لیبرال - دموکراسی غرب با تبعات و خصوصیات که دنبالش هست؛ یک راه سوّمی ما داریم، این راهی که امروز کشور ما دارد می‌رود، راه سوّمی است. البته ما در آرایه‌های گوناگون این راه یک قدری کندی کرده‌ایم، کوتاهی کرده‌ایم لکن وقت زیادی نیست. چهل سال، زمان زیادی برای حرکت یک نظام و رسیدن به یک تمدّن نیست. کشورهای غربی که امروز مثلاً

۴ بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب

۵ خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

۶ پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۷۹/۱۲/۱۲

یک تمدن جاافتاده‌ای دارند، چهار قرن، پنج قرن، با مشکلات دست و پنجه نرم کردند؛ چهل سال، زمان زیادی نیست.^۷

آنچه که ما می‌خواهیم بر آن پا بفشاریم، این است که جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و اسلام این توهم (مکاتب شکست خورده‌ی بشری) را ابطال کرده. ما می‌خواهیم و میتوانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته زندگی کنیم، هم در عین حال متمسک به ارزشهای اخلاقی خودمان و پایبند به ایمان دینی خودمان و عامل به فرائض و لوازم زندگی مذهبی خودمان باقی بمانیم؛ بلکه در این جهت هم پیشتر برویم.^۸ مشکل استکبار با جمهوری اسلامی این است که اگر جمهوری اسلامی، این نظام، پیشرفت بکند، رونق بگیرد، جلوه کند در دنیا، منطق لیبرال دموکراسی دنیای غرب باطل خواهد شد.^۹

متمسکین به نظام پوسیده‌ی سرمایه‌داری غربی ممکن نیست که از این ندای جدید، از این حرف جدید، از این راه جدید استقبال کنند و به آن کمک کنند؛ امکان ندارد. هر چه بتوانند دشمنی میکنند و کرده‌اند؛ البته نمیتوانند، دشمنی‌شان به جایی هم نمیرسد؛ بخصوص آنهایی که دشمنی‌شان واضح است، مثل آمریکا. به حول و قوه‌ی الهی ما پیروز شدیم، بعد از این هم پیروز خواهیم شد.^{۱۰} امروز انقلاب اسلامی توانسته است فکر خود را در دنیا منتشر کند. علی‌رغم همه‌ی سانسورهای که آنها کردند، علی‌رغم فشارهایی که وارد کردند، امروز این فکر، فکری است که رائج شده. فکر مردم‌سالاری دینی، فکر حاکمیت معنویت و حاکمیت دین، فکر حضور مردم در عرصه‌ها، فکر مقابله‌ی در مقابل زورگوئی‌های قدرتهای جهانی و بلوکهای قدرتمند جهانی؛ این فکرها امروز رائج شده. شما می‌بینید که در دنیا این فکرها رائج شده؛ حالا به اسم ایران نیست، نباشد؛ ما اصرار نداریم که حتماً به اسم ایران باشد؛ اما هیچ کس هم در دنیا نیست که تأثیر انقلاب اسلامی و ایستادگی ملت ایران را در این حوادث انکار کند. امروز مسئله این است. بنابراین کار در مسیر صحیحی است. ما احتیاج داریم به این که تلاش کنیم، فعالیت کنیم، درست فکر کنیم،

۷. بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی ۱۳۹۸/۷/۱۷

۸. بیانات در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی ۱۳۸۹/۱/۹

۹. بیانات در دیدار مردم اصفهان ۱۴۰۱/۸/۲۸

۱۰. بیانات در ابتدای درس خارج فقه ۱۳۹۸/۶/۲۶

درست عمل کنیم، با هم متحد باشیم، فضا را فضای تلاش و کار و اخلاص و معنویت و دوری از تظاهر و اینها قرار دهیم؛ امروز یک چنین میدانی است. شما عزیزی که در بخشهای مختلف مسئولیت دارید - هر کدام میتوانید نقش ایفاء کنید. عرض کردیم؛ چه مسئولیتهای رسمی و مقدر و مقرر در قانون باشد، و چه مسئولیتهای اجتماعی؛ مثل روحانیون، مثل روشنفکران، مثل اساتید، مثل دانشمندان، مثل فعالان گوناگون اجتماعی؛ که اینها تأثیرگذارند، اینها مسئولیت دارند؛ ولو اینکه مسئولیت آنها یک اسم دولتی ندارد. همه‌ی ما مسئول هستیم. امیدواریم خدای متعال کمک کند که ان شاء الله بتوانیم به وظائفمان عمل کنیم^{۱۱}

شناخت صحنه اقتصاد و پیشرفت ایران

۱) ایران قبل از انقلاب:

• لطمات اقتصادی زمان قاجار

از اواسط دوران قاجار - از اواخر دوران ناصرالدین شاه به این طرف - سلطه‌ی خارجی هم وارد (کشور) شد؛ یعنی به‌طور دقیق از [سال] ۱۸۰۰ میلادی، نفوذ انگلیس‌ها در ایران شروع شد. نماینده‌ی دولت هند - که دولت انگلیسی بود - وارد کشور شد. ^{۱۲} بتدریج وابستگی به اقتصاد و سیاستهای جهانی و دولتهای بیگانه با دادن امتیازات پی در پی به خارجیها - که به زیان ملت ایران بود - شروع شد. ^{۱۳}

در بیست سال آخر زندگی ناصرالدین شاه، انحصارات خارجی پدر این مملکت را درآورد. انگلیسیها می‌آمدند انحصاری می‌گرفتند - انحصار گمرکات، انحصار دخانیات، انحصار راه‌آهن و ... - باز روسها از آن طرف می‌آمدند و می‌گفتند شما به رقیب ما امتیاز این معامله انحصاری و این به اصطلاح تجارت را دادید، باید به ما هم بدهید؛ به آنها هم چیزی می‌دادند! بعدها اسم این را

۱۱) بیانات در دیدار نخبگان و مسئولان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۵

۱۲) بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

۱۳) بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۲

«موازنه مثبت» گذاشتند؛ موازنه بین روس و انگلیس در سیاست خارجی و ارتباطات اقتصادی؛ منتها بر مبنای مسابقه! یک چیزی به این قدرت بدهند، دیگری فردا بگوید چرا به من ندادید؛ اینها هم بگویند بگیر این هم مال تو! باز او بگوید مال من کم شد، بگویند این هم مال تو! ایران را به نفع خاندان سلطنت - یعنی همان ناصرالدین شاه و درباریها و هر کسی که بتواند از این سفره یغما لقمه‌ای ببرد - غارت می‌کردند.^{۱۴}

• لطمات اقتصادی دوران پهلوی

این نکته را مخصوصاً جوانان بدانند - کسانی که در آن زمان بوده‌اند، وقایع را از نزدیک لمس کرده‌اند - در ایران قبل از انقلاب، نه فقط از لحاظ اقتصاد زمان پهلوی، بلکه از لحاظ حتی پایه‌های اقتصادی - که تا سالها بعد هم اثرش باقی ماند - بزرگترین خیانت را رژیم پهلوی به اقتصاد ایران کرده است! ایران را به انبار کالاهای وارداتی کم ارزش و بی‌فایده غربی تبدیل کردند؛ ابزارهای بنجل و چیزهای زیادی و غیرلازم را با پولهای کلان خریدند! کشاورزی این کشور را که یک روز به کلی خودکفا بود، به کلی نابود کردند؛ به طوری که بعد از گذشت سالها هنوز هم که هنوز است، کشاورزی ما به حال اول برگشته است، چون سیل مهاجرتها‌یی که با تشویق آنها به سمت شهرها به راه افتاد، چیزی نبود که به آسانی بشود جلوش را گرفت. ملت را از لحاظ کشاورزی، وابسته به بیگانه کردند. آن روز گندم ایران را از امریکا می‌خردند؛ سیلوی گندم را هم شورویها می‌ساختند! یعنی هم از لحاظ گندم، هم از لحاظ جای نگهداری گندم، وابسته بودند. آن روز روستاها را تخریب کردند. صنعت کشور را - که وقت پیشرفت آن بود - متوقف نگه داشتند. آن پیشرفتی که باید در صنعت پیش می‌آمد، برای این که بتواند جلو واردات را بگیرد، ایجاد نشد. جلو صنعت فعال در این کشور گرفته شد و آن صنعتی ترویج شد که وابستگی اش به خارج، به قدر کالاهای تولید شده - یا حتی بیشتر بود. علم را متوقف کردند. آن همه دم از دانشگاه و دانشجو زدند، اما عملاً دانشگاههای کشور از کمترین فعالیت علمی برخوردار بودند! هرکس مغز فعال و

استعداد درخشانی بود، اگر میخواست کار کند، اگر در داخل کشور سرکوبش نمیکردند، مجبور بود برود بیرون کار کند؛ این جا نمیشد. کمپانیهای خارجی را بر بیشترین منابع اقتصادی کشور مسلط کردند و بیشترین ذخایر نفتی را به صورت رایگان از دست دادند. البته امروز هم قیمت نفت ارزان است. امروز هم پولی که تولید کنندگان نفت برای نفت میگیرند، حقیقتاً شاید بشود گفت یک دهم پولی است که باید بگیرند. من این را به شما عرض کنم، پولی که امروز دولتهای وارد کننده نفت به عنوان مالیات دریافت میکنند، بیشتر از سودی است که کشورهای صادر کننده نفت از پول فروش نفت به دست می آورند. امروز نیز همین طور است؛ اما آن روز با امروز قابل مقایسه نبود. سالهای متمادی - تا اوایل دهه پنجاه - قیمت هر بشکه نفت زیر یک دلار بود. بعد خود اروپاییها و امریکاییها برای این که بتوانند اجناس خودشان را به قیمت گران به اینها بفروشند، و چون اینها توان پولی نداشتند، به اراده خود آنها قیمت نفت تکانی خورد و به حدود هشت، نه دلار رسید؛ تا اینها پولی پیدا کنند و بتوانند با آن، اجناس کارخانجات آنها را بخرند. همین طور هم شد. در ایران زمان رژیم شاه، در صندوقهای متعلق به امریکاییها پولهایی بیحساب ریخته میشد، تا در مقابل آنها قطعات یدکی هواپیما و چیزهایی که لازم بود، باز بیحساب و کتاب به اینها بدهند و بفروشند و اصلاً مسأله ساخت مطرح نبود. اقتصاد آن روز ایران، برای ملت ایران بدترین اقتصادها بود. البته برای غارتگران و امریکاییها چیز بسیار خوبی بود.^{۱۵}

ایران در دنیا ذلیل شده بود. در مجامع جهانی، نامی از ایران به عنوان صاحب یک نظر، صاحب یک رأی و صاحب یک شخصیت، وجود نداشت؛ صدقه‌بگیر و محل آزمایش دیگران شده بود! بعضی از نظرات اقتصادی و غیره را برای این که آزمایش کنند، این جا عمل میکردند، تا ببینند چگونه جواب میدهد! از لحاظ معنوی، فقیر؛ از لحاظ مادی، فقیر؛ از لحاظ سیاسی، فقیر؛ از لحاظ شخصیتی، فقیر!^{۱۶} آن روز به ما می گفتند شما بروید لوله‌نگ بسازید؛ آفتابه های گلی یی که آن وقت ها می ساختند؛ یعنی آفتابه‌ی حلبی هم نه! ما حتی دسته‌ی بیل را هم از خارج وارد می کردیم؛ همچنین بقیه‌ی چیزهای مورد مصرف و مورد نیاز روزافزون صنعتی را. سطح زندگی

۱۵ بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) ۱۳۷۹/۱/۶

۱۶ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۷/۷/۹

پیشرفت می‌کرد و نیازهای فراوان روزه روز پیش می‌آمد؛ همه‌ی اینها را ما باید از دیگران می‌گرفتیم و وارد می‌کردیم. برنامه ریزان آن وقت افتخار هم می‌کردند!

سال ۴۴ یا ۴۵ در مشهد به دیدن دوستی رفته بودیم و تصادفاً یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی آن روز هم به این جلسه آمده بود. دوره‌ی جوانی و پرشوری ما بود و از وابستگی و تسلط بیگانگان و این گونه مطالب حرفه‌ای زدیم؛ بی توجه به این که این آقا نماینده‌ی مجلس است. نماینده‌ی مجلس آن وقت - یعنی کسی که دربار لیست داده بود که ایشان باید نماینده‌ی فلان جا شود؛ آن وقت که انتخابات نبود - در جواب من یک مقدار با تفرعن و تکبر و اخم و تخم حرفه‌ای زد؛ از جمله این که گفت شما چه می‌گویید و به چه چیزی اعتراض می‌کنید؟ امروز اروپایی‌ها و غربی‌ها مثل نوکر دارند برای ما کار می‌کنند. ما نفت داریم، پول داریم، پول می‌دهیم و آنها کارگر مایند و مثل نوکر دارند برای ما کار می‌کنند! این، منطق یک نماینده‌ی مجلس آن روز است! دوره‌ی انحطاط که می‌گویم، یعنی این. فکر این بود که ما چرا تولید کنیم؟ چرا بسازیم؟ چرا یاد بگیریم؟ ما در خانه‌های خود مثل آقاها می‌نشینیم، برایمان می‌آورند و وسایل لازم را در اختیار ما می‌گذارند؛ ما هم پول نفت داریم، می‌دهیم و زندگی اشرافی می‌کنیم. این، منطق آن روز یک دولتمرد در سطح بالا بود. فرهنگ حاکم آن روز بر دستگاه‌های اداره کننده‌ی کشور، همین بود؛ لذا آن صد سال، دوره‌ی انحطاط ماست.^{۱۷}

۲) ایران بعد از انقلاب:

انقلاب اسلامی و نظام اسلامی کشور را از وابستگی نجات داد؛ این قیدوبندها را برداشت و راه ملت را باز کرد. امروز کشور در صنعت، در تولید، در فناوری، در علم، در تهیه‌ی زیرساخت‌های اساسی برای بنای آینده‌ی کشور، با قبل از انقلاب قابل مقایسه نیست. وقتی آمارها و شاخص‌ها را نگاه میکنیم، بعضی از موارد صدها درصد، بعضی از موارد هزار درصد، و بعضی از موارد هزارها درصد در شاخص‌های اساسی پیشرفت پیدا شده است.^{۱۸}

امام ما رضوان الله تعالی علیه همتش این بود که به ملت بگوید: «ای ملت ایران! ای جوان ایرانی‌ای کارگر ایرانی! ای مهندس وای مدیر ایرانی تو بدون اینکه به بیگانه تکیه کنی خودت

^{۱۷} بیانات در دیدار جمعی از مهندسان ۱۳۸۳/۱۲/۵

^{۱۸} بیانات در دیدار مردم کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱

میتوانی.» امام میخواست روحیه‌ی «توانستن» را در ما زنده کند.^{۱۹} ما توانائیهای خودمان را دست کم نگیریم. از بزرگترین آفتهائی که فرهنگ غربی بر کشورهای اسلامی وارد کرد، دو تصور غلط و انحرافی بود: یکی تلقین و تزریق ناتوانی ملتهای مسلمان؛ باوراندند که از شما کاری برنمی‌آید؛ نه در میدان سیاست، نه در میدان اقتصاد، نه در میدان علم؛ گفتند شما ضعیف هستید. ما کشورهای اسلامی ده‌ها سال طولانی در این باور غلط باقی ماندیم و عقب ماندیم. تلقین دوم و باور دومی که به ما تزریق کردند، بینهایت بودن و غیر قابل شکست بودن قدرت دشمنان ماست. اینجور تفهیم کردند که آمریکا را که نمیشود شکست داد، غرب را که نمیشود به عقب‌نشینی وادار کرد؛ مجبوریم در مقابل اینها تحمل کنیم.^{۲۰}

وقتی جمهوری اسلامی در سی سال قبل تشکیل شد، دشمنان میگفتند انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، اما قادر نیست میدانهای زندگی را یکی پس از دیگری مدیریت کند، و عقب خواهد نشست. امروز جوانان ما به برکت اسلام توانسته‌اند کارهای بزرگی را در عرصه‌ی علم انجام بدهند که در گذشته هرگز به فکر خود آنها هم نمیرسید. امروز به برکت توکل به خدای متعال، جوان ایرانی کارهای بزرگ علمی را انجام میدهد: اورانیوم را غنیسازی میکند، سلولهای بنیادی را تولید میکند و پرورش میدهد، در زیست‌فناوری قدمهای بلند برمیدارد، به فضا دست می‌اندازد؛ همه به برکت توکل به خدای متعال و با شعار «الله اکبر»^{۲۱}

دستاوردهای بعد از انقلاب

دستاوردهای انقلاب حقیقتاً دستاوردهای عظیم و شگفت‌آوری است. البته متأسفانه ما کم کار کرده‌ایم در تبیین این دستاوردها؛ گاهی در سخنرانی، گاهی در یک بیان تلویزیونی یک چیزهایی گفته شده منتها خیلی بیش از این، میدان وجود دارد برای اینکه دستاوردهای انقلاب را بگوییم. حقاً در مهم‌ترین بخشهای حیات اجتماعی، انقلاب دستاوردهای فوق‌العاده و عظیمی دارد که حالا من دو سه موردش را عرض میکنم.

^{۱۹} بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۳/۲/۱۳

^{۲۰} بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

^{۲۱} بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

• پیشرفت‌های علمی

یکی این است که انقلاب چهره‌ی کشور را، چهره‌ی ایران را از یک کشور عقب‌مانده‌ی علمی که بکلی از لحاظ علمی در آخرین صف‌های کشورهای دنیا قرار داشت - کشور عقب‌مانده‌ی علمی، از لحاظ سیاسی طفیلی سیاست قدرتهای بزرگ، از لحاظ اقتصاد وابسته‌ی به قدرتهای بزرگ و در اختیار قدرتهای بزرگ؛ یعنی اقتصاد کشور ما در اختیار کشورهای بزرگ مثل آمریکا در یک برهه و انگلیس در یک برهه بود - تبدیل کرد به یک کشور آزاد، کشور مستقل، کشور عزیز، برخوردار از موفقیت‌های بزرگ علمی در رشته‌های مهم حیاتی امروز. امروز ایران در رشته‌های مهمی در بین پنج کشور دنیا، شش کشور دنیا یا حداکثر ده کشور دنیا حضور دارد؛ این رشته‌ها، رشته‌های بسیار بااهمیتی است. کشور در این قسمت‌ها پیشرفت کرده و کشور مستقل، کشور آزاد، کشور آبرومندی است؛ این یکی از مهم‌ترین کارهایی است که انقلاب انجام داده.^{۲۲}

• تغییر حالت کشور و ملت به سمت تحرک و پویایی

نقطه‌ی دوم [اینکه] ملت ایران را از حال خمودگی و بی‌هدفی و دنباله‌روی بیرون آورده، به ملتی پُر تحرک، پُر نشاط، هدف‌دار، سربلند، آبرومند در دنیا تبدیل کرده. قبل از انقلاب این جور نبود؛ مردم سرشان پایین بود، مشغول زندگی‌های خودشان [بودند]؛ یک هدف والایی، یک کار بزرگی، یک نگاه گسترده‌ای به مسائل جهان ابداً وجود نداشت؛ یک عده‌ی مخصوصی، عده‌ی کمی در مجموعه‌ی کشور چنین حالتی ممکن بود داشته باشند، اما مجموعه‌ی کشور این جور نبود. امروز ملت یک ملت شادابی است، ملت سربلندی است؛ با این همه جوان پُر تحرک. من در یک صحبتی عرض کردم که هزاران هسته‌ی جوان علمی امروز در کشور وجود دارد؛ مجموعه‌های گوناگون فراوان که مشغول کارهای علمی اند، مشغول کارهای فنی اند، مشغول کارهای اجتماعی اند که حالا یک نمونه‌اش مثلاً فرض کنید همین حضور جوانان - که آقای امام‌جمعه‌ی محترم بیان کردند - در قضیه‌ی کرونا، مثلاً در قضیه‌ی کمک‌های مؤمنانه و مواسات با نیازمندان. جوانها وارد

^{۲۲} بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

میدان میشوند، کار میکنند؛ این چیزها اصلاً در گذشته وجود نداشت؛ ملت تغییر کرد، ملت از یک حالت خمودگی به یک حالت نشاط وارد شد.^{۲۳}

• تغییر مدیریت کشور از استبدادی به مردم سالاری و به اوج رساندن مشارکت مردمی در مدیریت جامعه

نکته‌ی سوّم که بسیار مهم است، [اینکه] مدیریت کشور را از یک حکومت استبدادی پادشاهی و فردی تبدیل کرد به یک حکومت مردمی و جمهوریّت و مردم سالاری. امروز حاکم بر سرنوشت ملت ایران خود مردمند؛ مردمند که انتخاب میکنند؛ ممکن است خوب انتخاب کنند، ممکن است بد انتخاب کنند، اما مردم انتخاب میکنند؛ این خیلی چیز مهمی است.^{۲۴} (انقلاب) مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیتهای نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.^{۲۵}

• جهاد سازندگی با تکیه بر ظرفیت‌های درونی

من تعجب میکنم بعضی‌ها که حالا یک حرفهای دیگری میزنند، چطور اینها را نمی‌بینند؟ این حادثه‌ی مهمّ خدمت‌رسانی به مردم را در پدید آوردن زیرساخت‌های اساسی. این همه زیرساخت اساسی در کشور به وجود آمده؛ راه، سد، آب‌رسانی، برق‌رسانی، گازرسانی، توسعه‌ی صنعت، نوسازی کشاورزی، گسترش اعجاب‌آور دانشگاه‌ها. در هر شهر کوچکی یک دانشگاه وجود دارد؛ این همه دانشگاه، این همه دانشجو مثلاً فرض کنید که از ۱۵۰ هزار دانشجو در آن روز، ناگهان برسیم به مثلاً ۱۰ میلیون، ۱۵ میلیون دانشجو؛ که امروز سی برابر، چهل برابر آن روز دانشجو و فارغ‌التحصیل داریم در دانشگاه‌های گوناگون؛ اینها کارهای زیرساختی است و بسیار مهم است.

^{۲۳} بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

^{۲۴} بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

^{۲۵} بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب

و این کاری است کارستان که واقعاً اینها را انقلاب انجام داد و یک دولت معمولی، یک حکومت معمولی که انقلابی نبود، نمیتوانست این همه کار را انجام بدهد.^{۲۶}

• سنگین کردن کفه‌ی عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور

کفه‌ی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند. جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر از اینها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوانها است که در ادامه بدان خواهم پرداخت.^{۲۷}

• افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه

^{۲۶} بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

^{۲۷} بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب

عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تظاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجنزاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد. مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه‌ی برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه‌ی دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌شتافتند دل‌کنند و سپس، آنگاه که با پیکر خون‌آلود یا جسم آسیب‌دیده‌ی آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فداکار آکنده شد. نماز و حج و روزه‌داری و پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه‌جا بویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه‌روز بیشتر و باکیفیت‌تر شده است. و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخشهای عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.^{۲۸}

• استقلال و ایستادگی روزافزون در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان

نماد پُرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال،

^{۲۸} بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب

تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است. قدرتهای انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آنها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند.^{۲۹}

• تقویت نیروی نظامی و دفاعی

علاوه‌ی بر اینها، تقویت نیروی نظامی و دفاعی کشور است. این کشوری است که در برابر حمله‌ی نیروهای محدود انگلیسی و غیر انگلیسی در جنگ [جهانی] دوم، چند ساعت بیشتر نتوانست ایستادگی کند [اما] هشت سال همه‌ی نیروهای قدرتهای جهانی، یعنی آمریکا، شوروی، فرانسه، انگلیس، آلمان و دیگران و پولهای دولتهای مرتجع، زیر اسم صدام با ایران جنگیدند - یعنی یک جنگ بین‌المللی به معنای واقعی کلمه - و بعد از هشت سال هیچ غلطی نتوانستند بکنند و به وسیله‌ی نیروهای نظامی و دفاعی و مردمی ما، از مرزها اخراج شدند؛ این چیز کمی نیست. این مال سالهای اول انقلاب است، مال دهه‌ی اول انقلاب است که یک چنین حرکت عظیمی انجام گرفت. امروز که خب بحمدالله وضع نیروهای نظامی ما بمراتب [بهتر است]؛ یعنی نمیشود گفت ده برابر؛ ده‌ها برابر از آن روز جلوتر هستند. امروز بحمدالله کشور ما یک قدرت بزرگ منطقه‌ای است از لحاظ دفاعی و یک نیروی پُر توان از لحاظ دفاعی در نگاه بین‌المللی است.^{۳۰}

^{۲۹} بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب

^{۳۰} بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

استکبار جهانی و جنگ اقتصادی

تعریف استکبار

در فرهنگ ما، استکبار به آن مجموعه قدرتی گفته میشود که با تکیه بر تواناییهای سیاسی و نظامی و علمی و اقتصادی خود و با الهام از نگرش تبعیض آمیز به نوع بشر، مجموعه‌های بزرگ انسانی - یعنی ملتها و دولتها و کشورها - را با سیطره‌ای قلدرانه و تحقیر آمیز، به سود خود زیر فشار و استثمار میگذارد؛ در کار آنها دخالت و به ثروت آنها دست اندازی میکند؛ به دولتها زور میگوید و به ملتها ستم میورزد و به فرهنگها و سنتهای آنان، اهانت روا میدارد.^{۳۱}

دشمنی استکبار با ایران

ببینید عزیزان من من قدری این مطلب را برای شما باز کنم. جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام انقلابی و به عنوان یک نظام اسلامی - هر کدام جداگانه - دشمنانی دارد؛ یعنی انقلاب، دشمنانی دارد، اسلام هم جداگانه، دشمنانی دارد البته بعضیها، هم با اسلام و هم با انقلاب دشمنند کشور ایران به خاطر موقعیت حساس جغرافیایی خود هم دشمنانی دارد؛ بخصوص بعد از قضایای انحلال امپراتوری شوروی و به وجود آمدن کشورهای مسلمان در نزدیکی ما، که تنها راه آسان وصول به این کشورها هم ایران است. خیلی از سرمایه‌داران و خیلی از دولتهای مستکبر دنیا که مایلند در آن کشورها سرمایه‌گذاری کنند - پول به دست بیاورند و کارهای خودشان را انجام دهند - با خود فکر میکنند اگر ایران در اختیار ما بود، اگر ما در این کشور جای پای داشتیم - مثل امریکا قبل از انقلاب - چقدر کارها میتوانستیم بکنیم فعلاً نفوذ و جای پای ندارند، طبعاً دشمنند پس ملت و کشور ایران به مناسبت موقعیت جغرافیایی خود هم دشمنانی دارد. کشور و ملت ایران به مناسبت سوابق تاریخی هم دشمنانی دارد، به مناسبت منافع اقتصادی و سیاسی هم که در دنیا برای خود تعریف کرده است، دشمنانی دارد البته مخصوص ما هم نیست؛ خیلی از کشورهای دیگر هم چنین دشمنانی دارند.

^{۳۱} بیانات در ۱۸ بیانات در آغاز هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی/ ۱۳۷۶/۹

... اینها مسائلی است که به نظر من نسل جوان ما باید به این مسائل خوب فکر کند. این که میگویم نسل جوان، چون اکثریت کشور ما جوانان و نوجوانانند. نسل جوان ما نمیتواند نسبت به این مسائل، بیتفاوت بماند، چشمش را ببندد و هر کس از هر جا هر چیز گفت، گوش کند؛ نه، باید این چیزها را فکر کند، مسؤولیت مهمی است. این دشمنان، چه کار میکنند؟ هدف این دشمنان، عبارت از نفوذ پیدا کردن در جمهوری اسلامی است؛ همچنان که در خیلی از کشورهای همسایه ما نفوذ دارند. یک دولت را میبزنند، یک دولت را بر میدارند، یک دولت را وادار به یک معامله سیاسی، یا یک معامله اقتصادی میکنند و پایگاه نظامی در آن جاها تشکیل میدهند از آن جا عده و عده جمع میکنند و منافع آن جا را برای خودشان جذب میکنند؛ در خیلی از کشورها این گونه است خوب؛ در کشوری به ثروتمندی ایران، با این همه منابع طبیعی، با (این) جمعیت، با این فضای عظیم، خیلی کمپانیهای بزرگ و قدرتهای مستکبر سیاسی و اقتصادی، از این که نتوانند در این کشور نفوذ داشته باشند، بسیار ناراحتند. پس هدف اولشان چیست؟ پیدا کردن نفوذ در ایران چه کار میکنند؟ نقشه‌های آنها همان چیزهایی است که اگر شما درست توجه کنید، در کارهای تبلیغاتی‌شان - چه به وسیله خودشان، چه به وسیله ایادی‌شان - مبینند.^{۳۲}

توطئه‌های اقتصادی استکبار بر علیه ایران:

۱) ناامید کردن مردم و خراب کردن چهره انقلاب اسلامی

دشمنان ما در خارج از کشور، برای این که بیشترین ضربه خود را بزنند و زهر خود را کاملاً به جسم این ملت خالی کنند، چند کار را با هم انجام میدهند اول، تبلیغ میکنند که وضع ایرانیها از لحاظ اقتصادی خراب است. حالا وضع، هیچ خرابی هم ندارد، اما وضع اقتصادی را طوری تصویر میکنند که اگر کسی این ملت را نبیند، خیال میکند که مردم سران روی هم چاقو میکشند خیال میکند این جا قحطی است

^{۳۲} بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۷/۱/۱

بعضی افراد که از خارج به کشور ما می‌آیند - در تهران، در مشهد، در اصفهان، در تبریز و در هر نقطه این کشور - به کسانی که با آنها هستند، می‌گویند: «ما اصلاً خیال نمی‌کردیم که ایران این‌گونه باشد» دشمنان ما، اول یک ترسیم خیلی بد اقتصادی میکنند این برای ناامید کردن مردم و هرکسی است که صدایشان را می‌شنود. برای خراب کردن چهره انقلاب در چشم ملت‌های دیگر است که انقلاب را بزرگ می‌شمارند و به انقلاب ارادت دارند. می‌خواهند به آنها بگویند که این انقلاب نتوانست «مشکل اقتصادی» را حل کند. این یک کار که میکنند.^{۳۳}

۲) اخلال در انعقاد قراردادهای اقتصادی بین ایران و سایر کشورها

پس از آن‌که علیرغم مجموعه‌ی آن جبهه‌ی ظلمت و کفر و طغیان، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، از نخستین روزهای تشکیل جمهوری اسلامی، انواع دشمنیها و کارشکنیها و تهاجمها و توطئه‌ها را بر ضد ایران و ملت انقلابی آن، به کار بست از کمک فعال به رژیم عراق در جنگ هشت ساله، تا فعالیت برای محاصره‌ی اقتصادی کامل ایران، تا کمک به عناصر خائن و فراری، تا تبلیغات دایمی در همه‌ی دستگاههای تبلیغی مربوط به خود، تا آتش‌باری در اختلافات منطقه‌یی، و سعی وافر برای ایجاد اختلاف میان ایران و همسایگانش، تا تلاشهای براندازی و تروریستی به وسیله‌ی مزدگیران سازمان سیا، تا فعالیت شدید برای جلوگیری از انعقاد قراردادهای اقتصادی میان ایران و کشورهای گوناگون جهان، تا دهها حرکت موزیانه و تهدیدآمیز دیگر در همه‌ی جبهه‌ها و همه‌ی زمینه‌های ممکن^{۳۴}

۳) ایجاد مشکلات اقتصادی برای کشور و بزرگنمایی آن

تا آن‌جا که بتوانند - زورشان برسد و تیغشان ببرد - مشکلات اقتصادی برای کشور درست کنند و بتراشند؛ تحریم اقتصادی کنند و به مجازات شرکتها بپردازند - همینهایی که میشنوید - جلو خط لوله‌ای را که فلان کشور میخواهد از این‌جا بکشد، بگیرند در امر تجارت کشور، اخلال ایجاد کنند؛ مثل دو سال قبل که در دنیا به دروغ شایع کردند پسته ایران سرطان‌زاست در باب صنایع غیر نفتی

^{۳۳} بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۷۷/۱/۱

^{۳۴} پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۷۷/۱/۱۲

هم هر طور که میتوانند، بازارها را اشباع کنند، با دولت‌ها و با کمپانی‌ها بسازند و به طور خلاصه، مشکلات اقتصادی برای کشور درست کنند.^{۳۵}

۴) ایجاد ناامیدی در مردم نسبت به مسئولان نظام

یک جزء دیگر نقشه هم این است که به مردم این طور وانمود کنند که بین مسئولان کشور در سطوح بالا، اختلاف است حالا هر چه مسئولین - بیچاره‌ها - به مردم بگویند که ما با هم صمیمی هستیم، ما با هم کار میکنیم و مرتب از هم تمجید و همدیگر را کمک کنند، فایده‌ای ندارد آنها حرف خودشان را میزنند. طوری وانمود میکنند که گویا فلان کس، دارای فلان مقام، این طور فکر میکند و فلان کس، دارای بهمان مقام، ضد او فکر میکند برای هر کدام هم اسمی میگذارند اینها کارهای دشمن است. حالا شما نگاه نکنید که بعضی از نویسندگان داخلی هم فریب میخورند و همان حرفها را تکرار میکنند حرف، مال آنها نیست؛ اصل حرف، جزو مجموعه توطئه دشمن و از اجزای آن است. خوب؛ در واقع در چنین وضعی، هم مشکلات اقتصادی وجود دارد، هم دشمن آن را ده برابر بزرگ میکند، هم از لحاظ سیاسی به جنجال آفرینی میپردازد و هم دل‌های مردم را نسبت به مسئولین، بی اعتماد میکند در چنین فضایی مسئولین کشور - دولت - آیا قدرت دارند و میتوانند راحت کارهای خودشان را انجام دهند؟ طبیعی است که کارها عقب میافتد. این یک امر قهری است.^{۳۶}

۵) تصرف داراییهای ایران

بعد تصرف و حبس دارائی‌ها و اجناس ایران. رژیم گذشته پول بی حسابی را در اختیار آمریکائی‌ها گذاشته بود، برای اینکه از آنها هواپیما بگیرد، بالگرد بگیرد، سلاح بگیرد. بعضی از این وسائل، آنجا تهیه هم شده. وقتی انقلاب شد، آن وسائل را ندادند؛ آن پولها را که میلیارد‌ها دلار بود، ندادند؛ و عجیب‌تر اینکه این وسائل را در یک انباری جمع کرده بودند، نگه داشته بودند، انبارداری برای خودشان قائل شدند، خود را طلبگار کردند و از حساب قرارداد الجزائر انبارداری

^{۳۵} بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۷/۱/۱

^{۳۶} بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۷/۱/۱

برداشتند مالی را از یک ملت غصب کنند، پیش خودشان نگه دارند، ندهند، بعد انبارداری اش را هم بگیرند این رفتاری بوده که از آن روز شروع شده، الان هم ادامه دارد. هنوز اموال ملت ایران آنجاست.^{۳۷}

۶) تحریم و محاصره اقتصادی

یک کشور به این خوبی، با این همه منابع، منابع طبیعی، با این موقعیت سوق الجیشی، با همه‌ی امکانات، زیر نگین یک قدرتی در دنیا بوده؛ یک روز انگلیسها بودند، یک روز آمریکائیه‌ها بودند - در واقع نظام سلطه، دستگاه سلطه، امپراتوری سلطه. حالا آمریکا یک گوشه‌ای از این امپراتوری است - اینها مسلط بودند بر این کشور؛ انقلاب دست اینها را کوتاه کرده. سلطه می‌خواهد برگردد به این کشور. همه‌ی این تلاشها برای این است. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای بهانه است. آن کسانی که خیال میکنند اگر ما مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را حل کردیم، مشکلات حل خواهد شد، خطا میکنند. مسئله‌ی انرژی هسته‌ای را مطرح میکنند، مسئله‌ی حقوق بشر را مطرح میکنند، مسائل گوناگون را مطرح میکنند، که اینها بهانه است. مسئله، مسئله‌ی فشار است، می‌خواهند یک ملت را به زانو در بیاورند؛ می‌خواهند انقلاب را زمین بزنند. یکی از کارهای مهم همین تحریم اقتصادی است. می‌گویند ما طرفمان ملت ایران نیست دروغ می‌گویند؛ اصلاً طرف، ملت ایران است. تحریم برای این است که ملت ایران به ستوه بیاید، بگوید آقا ما به خاطر دولت جمهوری اسلامی داریم زیر فشار تحریم قرار می‌گیریم؛ رابطه‌ی ملت با نظام جمهوری اسلامی قطع بشود. هدف اصلاً این است. البته ملت ما را نمیشناسند؛ مثل همه‌ی موارد دیگر محاسباتشان غلط اندر غلط است. از نظر نظام سلطه، گناه بزرگ ملت ایران این است که خودش را از زیر بار سلطه آزاد کرده. می‌خواهند مجازات کنند به خاطر این گناه، که چرا خودت را از زیر بار سلطه، ای ملت آزاد کرده‌ای. این ملت راه را پیدا کرده. اصلاً محاسباتشان اشتباه است؛ نمی‌فهمند چه کار باید بکنند و چه کار دارند میکنند. خب، اما فشار می‌آورند؛ فشار اقتصادی از راه تحریمها.^{۳۸}

^{۳۷} بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۸/۸/۱۲

^{۳۸} بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶

توطئه‌های اسکتبار علیه ملت‌های جهان:

(۱) ایجاد دنیای یک قطبی

آنچه مسلم است، این است که یک نظام سلطه جهانی وجود دارد که امروز در رأس آن، رژیم امریکاست. در گذشته دیگرانی بودند، ممکن است در آینده هم قدرتهای دیگری باشند. امروز امریکا منافع خودش را در دنیا تعریف کرده - پنهانی هم نیست - در مقالاتشان نوشته‌اند؛ در تحلیل‌های سیاسیشان، منافع خودشان را تعریف کرده‌اند. منافع آنها عبارت است از ایجاد دنیای یک قطبی؛ یعنی در رأس مجموعه کشورهای عالم، دولتی به نام دولت امریکاست و در بدنه، انواع و اقسام دولتها هستند؛ بعضی دارای قدرت علمی و پیشرفتهای علمی و دارای توان نظامی اند؛ باید با آنها به نحوی ساخت و در معارضه با آنها، منافع آنها را بر منافع خود ترجیح داد - این تحلیل امریکایی است - دولتهایی هم هستند که از اقتدار نظامی یا اقتدار اقتصادی برخوردار نیستند؛ اسمهایی برای آنها گذاشته میشود: کشورهای در حال توسعه، کشورهای - در اصطلاح قبلی - جهان سوم. از همه‌ی فرصتهای اینها که میتوان برای توسعه اقتدار امریکا استفاده کرد، باید استفاده کرد. اگر به انرژی آنها احتیاج داریم - نفت آنها، گاز آنها - باید راه را به سمت نفت و گاز آنها به هر کیفیتی باز کرد. اگر به بازار مصرف آنها احتیاج داریم، به هر کیفیتی که ممکن است، باید این راه را به سوی بازار مصرف آنها باز کرد. اگر به حضور سیاسی و اقتصادی در میان آنها نیاز است، باید این راه را گشود. اگر دولتهای مزاحمی در آن کشورها بر سر کارند، باید آن دولتها را کنار زد. اگر اندیشه‌های مزاحمی در آن کشورها وجود دارد، باید آن اندیشه‌ها را از فضای ذهنی جامعه زدود. اگر شخصیهایی در آن کشورها هستند که میشود آنها را خرید، باید خرید. اگر نیروهایی در آن کشورها هستند که میشود از آنها به عنوان نیروی فشار علیه دولتهایی که با این سیاست مخالفند، استفاده کرد، باید خرج کرد و به کار برد. این سیاست استکباری است. امروز امریکا این سیاست را دارد. یک روز انگلیس داشت؛ آن روزی که در شرق و غرب دنیا حاکمیت پادشاهی انگلیس تثبیت شده بود؛ در آسیا، در شبه قاره هند، در استرالیا، در کانادا و در جاهای

دیگر. قبل از آن هم روسیه تزاری نسبت به همان منطقه محدودی که روی آن نفوذ و فشار داشت، این سیاست را اعمال میکرد. البته امروز ابزارها مدرنتر و وسایل پیشرفته‌تر شده است.^{۳۹}

۲) تامین مقاصد کمپانی‌های بزرگ اقتصادی

در نظام سلطه، مراکز سلطه‌ی جهانی به همه‌ی دنیا به چشم طعمه نگاه می‌کنند؛ همه چیز باید در اختیار آنها قرار بگیرد: منابع مالی دنیا، منابع ثروت دنیا، بازارها و قدرت کار دنیا؛ نظام سلطه اصلاً پایه اش این است. نظام سلطه در واقع زنجیره‌ی از دولت‌ها و قدرتهاست؛ اما پشت سر این دولت‌ها، کمپانی‌ها، مراکز اقتصادی و مراکز مالی هستند؛ تعیین‌کننده‌ی سیاست‌ها امروز در نهایت آنها هستند. فرض بفرمایید آن کمپانی‌هایی که هیأت حاکمه‌ی کنونی امریکا دنباله‌رو و تابع آنهاست، اگر بخواهند در خاورمیانه دست و پای باز کنند؛ ثروت جدیدی پیدا کنند یا احتمالاً از ورشکستگی‌های خودشان جلوگیری کنند، یا بر منابع نفتی در منطقه‌ی خاورمیانه دسترسی پیدا کنند، یا از منافع سرمایه‌دارهای صهیونیسم و دولت صهیونیستی حمایت کنند و به خاطر همه‌ی اینها احتیاج به حضور قوی در خاورمیانه داشته باشند، چه کار می‌کنند، جنگ عراق را طراحی می‌کنند. طراحی یک جنگ؛ طراحی یک حضور نظامی با این همه خسارت. وقتی که سلسله وار دنبال می‌کنید، می‌رسد به مطامع و اغراض آمیخته‌ی اقتصادی و سیاسی قدرتهایی که پشت پرده‌ی سیاست‌های مقتدر دنیا تلاش و فعالیت می‌کنند.^{۴۰}

به من آماری دادند که دولت امریکا از سال ۱۹۴۵ تا امروز در سرنگونی چهل دولت مستقل، که تابع امریکا نبودند، نقش ایفا کرده و در بیست و چند مورد دخالت نظامی داشته است این دخالتها بدون استثناء با کشتار عمومی و با فجایع بزرگ همراه بوده است. البته در مواردی موفق شده و در مواردی هم ناکام مانده و موفق نشده است. آنچه که در ذهن خود ماست و از یاد ماها دور نیست، مثالهای روشنی است؛ از جمله بمباران اتمی ژاپن در پایان جنگ جهانی دوم؛ مثال ویتنام، آن جنگهای خونین، آن فجایع فراموش نشدنی که بالاخره هم با ناکامی امریکا تمام شد؛ مثال شیلی؛ مثال خود ایران در کودتای ۲۸ مرداد - که مأمور امریکایی به تهران آمد و مشغول

^{۳۹} بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

^{۴۰} بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۳/۸/۱۵

برنامه‌ریزی و اقدام شد؛ و بعد هم خودشان این موضوع را اعلام کردند و اسنادش نیز منتشر شد که الان در دسترس همه است - و همچنین در جاهای متعدّد دیگر. عامل همه اینها، کمپانیهای بزرگ اقتصادی، سردمداران مالی بزرگ امریکا، احزاب اقتدارطلب، دستجات پُرنفوذ صهیونیستی، شخصیتهای معیوب از لحاظ فکری و اخلاقی - که در رأس کارها هستند - میباشد.^{۴۱}

۳) دنبال کردن منافع و اغراض اقتصادی و سیاسی خود به هر طریق ممکن

امروز دستگاههای استکباری جهانی از طُرق مختلف در فکر قبضه کردن همه منابع ثروت و امکانات در همه جای دنیا هستند و اگر لازم باشد یک وقت تبلیغ خلافی به صورت وسوسه در دلهای کسانی بیفکنند، حرفی ندارند و این کار را میکنند.^{۴۲} شکی نیست که امروز در بخش قدرتمندی از جهان یک انگیزه قوی وجود دارد که متوجّه فتح و تسخیر همه امکانات جهانی و روی زمین است. وجود ابرقدرتها همیشه به همین معنا بوده است. انحصار ابرقدرتی در یک ابرقدرت، به طور طبیعی این گرایش را شدیدتر و بیشتر میکند. مجموعه دستگاههای اقتصادی و کانونها و بنگاههای فعّال در شکل دادن اقتصاد کشورها و اقتصاد جهان که به دنبال افزایش ثروت و کسب ثروت هستند، کارشان به طور طبیعی این را ایجاب میکند و دنبال آن، حالت تسخیرطلبی وجود دارد و امروز اظهار هم میشود و چیزی نیست که مکتوم بماند. این که قدرتهای سلطه‌گر در دنیا در صدد هستند که منافع خود را در هر نقطه‌ای از دنیا تأمین کنند، چیزی نیست که کسی امروز آن را کتمان کند و پوشیده بدارد. منافی که بناست تأمین شود و مربوط به فلان ابرقدرت است - البته نمیخواهم فقط امریکا را بگویم؛ امریکا برترین و پُرتوقعترینشان است؛ مجموعه‌ای هستند که امریکا در رأس آنها قرار گرفته است - منافی نیست که با منافع کشورها و ملتها و صاحبان سرزمینها تضاد نداشته باشد؛ چنین قیدی برای آن ذکر نکرده‌اند؛ میگویند منافع ما. این منافع اگر با منافع فلان ملت یا فلان کشور یا فلان منطقه در تضاد بود چه؟ آنها

^{۴۱} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۰/۱۲/۲۵

^{۴۲} بیانات در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری سال ۸۰

نمیگویند اگر در تضاد بود، ما در این صورت از منافع خود چشم میپوشیم؛ نه. منافع، منافع است؛ آن را میخواهند.^{۴۳}

۴) تلاش برای سیطره بر منطقه حساس و استراتژیک غرب آسیا (خاورمیانه) و ایجاد خاورمیانه جدید

اینها روی خاورمیانه از قرن نوزدهم برنامه‌ریزی دارند - نه امریکاییها، غرب - چون خاورمیانه منطقه‌ای فاصل بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند است. دریای مدیترانه، محل استقرار دولتهای استعمارگر است و اقیانوس هند، منطقه‌ای مستعمرات؛ و خاورمیانه بین این دو منطقه‌ای حساس قرار گرفته، که نمیتوانستند نسبت به آن بیتفاوت باشند. فشارهای انگلیس روی ایران و نفوذش در قرن نوزدهم، برای حفاظت از هند - که آن روز جزو دولت بریتانیا بود - انجام گرفت و ما آن روز قربانی هند شدیم؛ و این نسبت به همه‌ی خاورمیانه تعمیم دارد. پیدایش اسرائیل هم از همین جاست. بعد، عوامل گوناگون دیگری هم پیدا شد: مسئله‌ی نفت، مسئله‌ی تقسیم متصرفات عثمانی بعد از جنگ اول و مسئله‌ی پیدایش شوروی، که همه‌ی اینها، موضوع را تشدید کرد. غرب، بعد هم در آخر میراث‌خوار غرب - امریکا - روی منطقه‌ی خاورمیانه برنامه‌ریزی دارند.^{۴۴} چندی است که صهیونیستهای حاکم بر فلسطین، تزی را به نام «تزر خاورمیانه جدید» مطرح کرده‌اند. خاورمیانه جدید، یعنی چه؟ یعنی خاورمیانه بر محور کشور اسرائیل شکل بگیرد و اسرائیل بتدریج بر کشورهای عربی و کشورهای منطقه و مناطق نفتی در خلیج فارس سیطره اقتصادی داشته باشد این هدف اسرائیلیهاست. بعضی از دولتها غافلند. وقتی به آنها اعتراض میشود، میگویند ما که رابطه برقرار نکردیم؛ ما به تجارشان اجازه دادیم بیایند اتفاقاً آنها همین را میخواهند. آنها میخواهند اسرائیل با حمایت امریکا و با پشتیبانی از زرادخانه خطرناک خودشان، از غفلت و ضعف بعضی از دولتها استفاده کند و به آن جا وارد شود و مراکز اقتصادی و منابع مالی را در دست گیرد. این خطر خیلی بزرگی برای منطقه است. بزرگتر از همه خطرهای این است. خدا آن روز را نیاورد و نخواهد آورد و ملت‌های مسلمان اجازه نخواهند داد که چنین اتفاقی بیفتد؛ اما

^{۴۳} بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۱۳۸۱/۳/۷

^{۴۴} بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۳/۲۹

نقشه آنها این است که با تکیه بر اقتصاد بتوانند همه مراکز قدرت را در این کشورها در دست گیرند. بنابراین، از لحاظ اسلامی، از لحاظ انسانی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی، از لحاظ سیاسی، امروز وجود اسرائیل، یک خطر بزرگ برای ملت‌ها و کشورهای منطقه است.^{۴۵}

۵) نفوذ سیاسی در کشورها

ما در تحولات بنیانی اساسی جامعه، ممکن است گاهی این طوری عمل کنیم؛ به جای اینکه بنیانه‌ها را حفظ کنیم و بر آنچه که نیاز داریم، پا فشاری کنیم و آنچه را که نداریم، برای خودمان فراهم کنیم، هویت مستقل ملی خودمان را فراموش کنیم که متأسفانه این مسئله در کشور ما و خیلی از کشورهای اسلامی داستان و سرگذشت بسیار غمباری دارد. از این خطرناکتر، این است که سررشته‌ی همین تحولات منفی در سطح بین‌المللی، در دست کسانی باشد که آنها به وسیله‌ی این تحولات می‌خواهند اهداف خودشان را - که یا زر است یا زور - تأمین کنند و برای آنها چیزی به نام هویت ملت‌ها اصلاً ارزش ندارد؛ که متأسفانه این در صد سال، صد و پنجاه سال اخیر، در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی تحولات کشورهای آسیایی و آفریقایی و امریکای لاتین در دام طراحی باندهای قدرت بین‌المللی افتاده است و طراح اینها صهیونیست و سرمایه‌داران بین‌المللی بوده‌اند. برای اینها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولتهای اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانیها، سرمایه‌های عظیم، کارتلها و تراستها را به وجود آورند. هدف این بوده است.^{۴۶}

۶) تحمیل فرهنگ مصرفی غلط

دنیای غرب و سردمداران فرهنگ فاسدِ منحصراً غربی خجالت نمیکشند از اینکه فساد و فحشا و اعتیاد و انواع و اقسام بدبختی‌ها و روسیاهی‌ها را به سراسر عالم صادر کنند. این فرهنگ فحشائی

^{۴۵} بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۸/۱۰/۱۰

^{۴۶} بیانات در دیدار دانشگاهیان دانشگاه سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸

که امروز متأسفانه سراسر دنیا و بیش از همه، دنیای فقیر جهان سوّم را فراگرفته، از کجا آمده؟ این یکی از صادرات فرهنگ غربی و تمدّن استعماری و استکباری است. انواع و اقسام فسادها و انحطاط‌هایی که امروز، بشریت را در فشار گذاشته، همین اعتیادهای خطرناکی که گریبان جوانها را در بسیاری از کشورهای فقیر و عقب‌افتاده گرفته، اینها از کجا است؟ فرهنگ مصرفی غلطی که بر بسیاری از کشورهای اسلامی و غیراسلامی جهان سوّم تحمیل شده، از کجا است؟ اگر شما وارد بازارهای کشورهای فقیر منطقه‌ی خودمان -نفت‌خیز و غیرنفت‌خیز- بشوید، خواهید دید پروپاگاند و تبلیغات اجناس مصرفی زائد غیرلازم غربی، تمام فضای زندگی اینها را پر کرده. آیا بشر به این چیزها احتیاج داشت؟ کشورهای تولیدکننده‌ی نفت، ثروت خداداده‌ی متعلق به همه‌ی مردم را که باید صرف عمران و آبادی کشورشان بشود دارند میدهند و در مقابل، وسایلی میگیرند که جز برای انحطاط و فساد زندگی، تأثیر دیگری ندارد. اینها از کجا آمده؟ همه‌ی اینها صادرات فرهنگ غربی است؛ صادرات اروپا و آمریکا به کشورهای جهان سوّم است.^{۴۷}

۷) اخلاص گری و خرابکاری در کشورها برای اهداف سیاسی و اقتصادی

امروز استکبار در همه جای دنیایی که میخواهد بر آن چنگ بیندازد، با سه عامل کار خود را پیش می‌برد و تلاش میکند... یک عامل، عامل مالی است؛ یک عامل، عامل نظامی است؛ یک عامل، عامل تبلیغی است. به وسیله عامل مالی، انسانها را می‌خرند. منظور من از عامل مالی این نیست که در اقتصاد کشورها دخالت میکنند. هیچ کشوری نمیتواند در اقتصاد کشور دیگر - اگر مردم آن کشور بیدار باشند - تأثیر بلندمدت و تعیین کننده داشته باشد. البته بله؛ اخلاص گری میکنند، خرابکاری میکنند، روی قیمت نفت اثر می‌گذارند، درآمد یک کشور را به نصف میرسانند... عامل مالی که عرض کردم، یعنی رشوه. عناصر ضعیف را می‌خرند. با عامل مالی، استکبار، انسانهای پولدوست را در دنیا برده خود میکند. امروز این کار در دنیا رایج است. دست در کیسه فتوت خودشان - فتوت شیطانی - میکنند، کسانی را که دهانهایشان برای مال دنیا باز است، شناسایی نموده و با پول می‌خرند و اسیر خودشان میکنند در بسیاری از کشورهای دنیا، این صدمه

^{۴۷} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۴/۱۹

بزرگ را به ملت‌ها زدند. آدم‌های طماع، شکم‌پرست و پول‌دوست را با این متاع بیارزش - یعنی پول - خریدند و ملک خودشان کردند

عامل دیگر، عامل نظامی است که وسیله تهدید است. تا دو نفر در گوشه‌ای از دنیا حرفشان میشود، ناوگان آمریکا به آن طرف راه میافتد و تهدید میکند سال‌های متمادی است که ناوگان آمریکا در خلیج فارس است؛ چند نفر از ملت ایران از این ناوگان ترسیدند؟ چند نفرشان از ترس خود را مخفی کردند؟ چند نفر از مسؤولان کشور از ترس ناوگان آمریکا، حرف خودشان را پس گرفتند؟ ملت‌های زنده که نمی‌ترسند. ملت مؤمن که نمی‌ترسد. دلی که با ایمان است، به این چیزها اعتنایی ندارد. آدم‌های ترسو، آدم‌های بیایمان، آدم‌های جبون و انسان‌های نالایق، این ناوگانها و این تهدیدها برایشان ترس دارد و می‌ترسند.

عامل سوم، عامل تبلیغات است. سعی میکنند دل‌ها را بفریبند و حقایق را قلب کنند. عزیزان من بدانید، اول کاری هم که در کشورها میکنند، این است که کانون‌های حقیقی صدق و صفا را در زیر سؤال ببرند؛ رسانه‌های صادق را زیر سؤال ببرند؛ انسان‌های مؤمن را زیر سؤال ببرند؛ تهمتها بزنند؛ مردم را مردّد کنند؛ دل‌ها را برابند و حقایق را قلب کنند. امروز استکبار با این سه عامل در دنیا کار میکند.^{۴۸}

۸) به خاک سیاه نشاندن اقتصاد کشورها

امروز مشکل دنیا، دست‌اندازی و تجاوز دیکتاتورانه قدرتهای بزرگ است؛ مگر غیر از این است؟ قدرتهای بزرگ اراده میکنند، یک یا دو کشور را ظرف چهل و هشت ساعت از همه فعالیت‌های اقتصادی محروم میکنند و به خاک سیاه مینشانند؛ همچنان که چند سال پیش دیدید در اندونزی و مالزی این کارها را کردند. با تسلطی که بر پول و اقتصاد این کشورها داشتند، با بیرون کشیدن پولهای خود از این کشورها، ظرف چند روز، رتبه اقتصادی آنها را چهل، پنجاه درجه پایین آوردند. مردم این سلطه ظالمانه را احساس میکنند. در جاهایی مثل افغانستان، مناطق

^{۴۸} بیانات در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان ۱۳۷۷/۹/۲

مسلمان‌نشین اروپا و جاهای دیگر، مردم دیدند که یک قدرت مستکبر و زورگو، به بهانه‌ای وارد کشوری میشود و هر کاری دلش می‌خواهد، میکند.^{۴۹}

بعضی از کشورهای تحت سلطه رونق ظاهری دارند؛ اما ساخت اقتصادی خراب است؛ یعنی اگر یک شیر را رویشان ببندند؛ یک حساب را مسدود کنند، یا تصرف اقتصادی کنند، همه چیز فروخواهد ریخت و نابود خواهند شد. شما دیدید که یک سرمایه‌دار توانست چند کشور آسیای جنوب شرقی را در مدت دو سه ماه به ورشکستگی برساند؛ آن هم دو سه کشوری که توسعه‌ی نسبتاً خوب و رونق اقتصادی داشتند.^{۵۰}

ماهاتیر محمد، نخست وزیر سابق مالزی - که بسیار هم آدم پُرکار و دقیق و جدی و پایبندی بود - به تهران آمد، به دیدن من هم آمد؛ همان اوقات بود که تحولات گوناگونی در آسیای شرقی اتفاق افتاده بود؛ در مالزی، اندونزی و تایلند، و زلزله‌ی اقتصادی به وجود آمده بود. همین سرمایه دار صهیونیستی و بعد سرمایه دارهای دیگر، با بازیهای بانکی و پولی توانستند چند تا کشور را به ورشکستگی بکشانند. در آن وقت ماهاتیر محمد به من گفت: من فقط همین قدر به شما بگویم که ما یک شبه گدا شدیم البته وقتی کشوری وابستگی اقتصادی پیدا کرد و خواست نسخه‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول را عمل بکند، همین طور هم خواهد شد. خود این بانک جهانی و صندوق بین المللی هم یکی از بخشها و قطعه‌های این پازل بزرگند. این خیلی خطرناک است که سر رشته‌ی تحولات جهانی دست باندهای قدرت بین المللی باشد؛ که امروز هست. اینها صهیونیستها و سرمایه دارهایند و عمدتاً هم در امریکا و در اروپايند.^{۵۱}

^{۴۹} بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۸۱/۶/۲۴

^{۵۰} بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۴/۱

^{۵۱} بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۱۸/۸

مرور در یک نگاه فصل اول بخش دوم

بخش دوم : شناخت درست از

صحنه

فصل اول: نهضت تحول

اقتصادی در گام دوم انقلاب

مکاتب اقتصادی شکست خورده:

امروز این محصولات تمدن غربی در مدیریت جامعه و مدیریت بشر شکست خورده است. ۱۳۹۹/۶/۲

حرف جدید جمهوری اسلامی:

آنچه که ما می‌خواهیم بر آن پا بفشاریم، این است که جمهوری اسلامی و حاکمیت دین و اسلام این توهم (مکاتب شکست خورده ی بشری) را ابطال کرده. ما می‌خواهیم و میتوانیم هم عقلانی و منطقی و علمی و پیشرفته زندگی کنیم، هم در عین حال متمسک به ارزشهای اخلاقی خودمان و پایبند به ایمان دینی خودمان و عامل به فرائض و لوازم زندگی مذهبی خودمان باقی بمانیم؛ بلکه در این جهت هم پیشتر برویم. ۱۳۸۹/۱/۹

شناخت صحنه اقتصاد جهان

۱

دوره قاجار: ۱۳۸۲/۷/۲۲ و ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

- ورود سلطه خارجی
- وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی
- نفوذ دولت‌های بیگانه
- دادن امتیازات پی در پی به بیگانگان

دوره پهلوی: ۱۳۸۷/۷/۹ و ۱۳۷۹/۱/۶

- بزرگترین خیانت را رژیم پهلوی به اقتصاد ایران کرده است!
- ایران را به انبار کالاهای وارداتی کم ارزش و بی‌فایده غربی تبدیل کردند
- کشاورزی این کشور را که یک روز به‌کلی خودکفا بود، به‌کلی نابود کردند
- ملت را از لحاظ کشاورزی و صنعتی وابسته به بیگانه کردند
- جلو صنعت فعال در این کشور گرفته شد و آن صنعتی ترویج شد که وابستگی اش به خارج، به قدر کالاهای تولید شده - یا حتی بیشتر بود.

تحول انقلاب

شناخت صحنه اقتصاد ایران

۲

			• علم را متوقف کردند • ایران در دنیا ذلیل شده بود. در مجامع جهانی، نامی از ایران به عنوان صاحب یک نظر، صاحب یک رأی و صاحب یک شخصیت، وجود نداشت؛ صدقه‌بگیر و محل آزمایش دیگران شده بود!
	شناختن صحنه اقتصاد ایران	بعد از انقلاب	انقلاب اسلامی و نظام اسلامی کشور را از وابستگی نجات داد؛ این قیدوبندها را برداشت و راه ملت را باز کرد. ۱۳۸۴/۲/۱۱ امام ما رضوان الله تعالی علیه همّتش این بود که به ملت بگوید: «ای ملت ایران! ای جوان ایرانی! ای کارگر ایرانی! ای مهندس و ای مدیر ایرانی! تو بدون اینکه به بیگانه تکیه کنی خودت میتوانی.» امام میخواست روحیه‌ی «توانستن» را در ما زنده کند. ۱۳۷۳/۲/۱۳
۳	دستاوردهای بعد از انقلاب اسلامی	۱	پیشرفت‌های علمی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹
		۲	تغییر حالت کشور و ملت به سمت تحرک و پویایی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹
		۳	تغییر مدیریت کشور از استبدادی به مردم سالاری ۱۳۹۹/۱۱/۲۹
		۴	جهاد سازندگی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹
		۵	سنگین کردن کفه عدالت. (بیانیه گام دوم انقلاب)
		۶	افزایش چشم‌گیر معنویت و اخلاق (بیانیه گام دوم انقلاب)

استقلال و ایستادگی در برابر استکبار. (بیانیه گام دوم انقلاب)	۷		
تقویت نیروی نظامی و دفاعی	۸		
۱۳۹۹/۱۱/۲۹			

بخش سوم: تحول اقتصادی و الزامات راهبردی آن

مقدمه

تحول یعنی چه؟ تحول یعنی دگرگونی. می‌خواهیم چه چیزی دگرگون بشود و تغییر پیدا کند؟^۱ مقصود ما از تحول، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی است در همه‌ی بخشهای اداری کشور و بخشهای حکمرانی کشور و همچنین در بخشهایی از سبک زندگی عمومی و به طور خلاصه، حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها و روشها و کارکردها.^۲ خیلی‌ها در دنیا هم وقتی راجع به ما صحبت میکنند، بحث تحول را مطرح میکنند؛ در داخل کشور هم بعضی‌ها که گرایشهای بیشتر غربی و میل به شیوه‌های غربی و مفاهیم غربی دارند، بحث از تحول میکنند، منتها آن تحوّل که مورد نظر آنها است، تحول در اصل انقلاب است؛ یعنی در واقع به یک معنا ارتجاع؛ یعنی تحول آنها به معنای ارتجاع است؛ برگشت به عقب. مفاهیم انقلابی را می‌خواهند نفی کنند. می‌بینیم در اظهاراتی که در باب تحول میکنند، راجع به عادی‌سازی، یعنی به هنجار جهانی نزدیک شدن کشور و انقلاب، بیشتر تحریض^۳ میکنند و تحریص^۴ میکنند و این را در واقع خطّ نشان تحول به شمار می‌آورند. در واقع حرف ما، مراد ما از تحول، تحول برای تقویت انقلاب است؛ مراد آنها از تحول، تحول برای نفی انقلاب و نفی مبانی انقلاب است، مراد آنها نزدیک شدن به هنجارهای نظام سلطه است. خب پس بنابراین آن کلمه‌ی تحول کافی نیست. مراد از تحول در بیان ما و در منطق ما عبارت است از اینکه ما به سمت تقویت مبانی انقلاب و اصول انقلاب و خطوط اصلی انقلاب حرکت کنیم، منتها با شیوه‌های نو و با نوآوری و ابتکار.^۵

چرایی تحول

^۱ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۴۰۲

^۲ بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۲۱/۲/۱۴۰۰

^۳ برانگیختن تمایل یا انگیزه، تحریک کردن

^۴ حریص و مشتاق کردن

^۵ بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۲۱/۲/۱۴۰۰

در مورد این نیاز که «چرا باید تحوّل انجام بگیرد» - که واقعاً بایستی به این نیاز هم اعتقاد داشته باشیم - لذا لزوم این حرکت به [خاطر] این است که در کنار پیشرفتهای کشور و موفقیت‌های کشور که زیاد است (...) در جاهایی عقب‌ماندگی داریم و مشکلات مزمن شده داریم که این مشکلات بایستی حل بشود. در حوزه‌ی اقتصاد، در حوزه‌ی عدالت، به طور جدی مشکل داریم؛ در زمینه‌ی آسیب‌های اجتماعی مشکلات اساسی داریم که بعضی از اینها حقیقتاً به صورت بیماری مزمن هم درآمده و نیاز به راه‌حل‌های جدی دارد؛ علاوه‌ی بر اینکه این عقب‌ماندگی‌ها وجود دارد و ناشی از غفلت‌های ما است - یعنی در طول زمان، در طول این ده‌ها سال، در مواردی غفلت‌های انجام گرفته - بعضی از غرض‌ورزی‌ها هم موجب زاویه‌دار شدن با خطّ انقلاب و تدریجاً پشت کردن به انقلاب شده و بنابراین این وضعیّت ایجاب میکند که ما به فکر یک حرکت تحوّل‌ی باشیم.^۶ ما نقاط معیوب داریم، بخش‌های ضعیف داریم، ضعف‌هایی داریم؛ این ضعف‌ها را باید شناسایی کنیم، این نقاط را باید مشخص کنیم و با اراده‌ی قاطع، ضعف‌ها را برطرف کنیم و تبدیل به قوّت کنیم.^۷ اگر ما در کشورمان چهار پنج نقطه‌ضعف مهم داشته باشیم، در رأس همه‌ی اینها مسئله‌ی اقتصاد کشور است. اقتصاد کشور انصافاً یکی از نقاط ضعف ما است. [البته] بسیاری از سیاست‌های اقتصادی میراث گذشتگان است؛ «گذشتگان» یعنی گذشتگان قبل از انقلاب، بعضی هم بعد از انقلاب پدید آمده؛ بعضی از این مشکلات اقتصادی و زیرساخت‌های اقتصادی اساسی مربوط به قبل انقلاب است، بعضی مربوط به بعد از انقلاب است.^۸ علاوه‌ی بر اینها بر اثر همین غفلت‌های ما، بسیاری از ظرفیتهای معطل مانده. ظرفیتهای بسیاری در کشور وجود دارد، فرصت‌های به معنای حقیقی کلمه فراوان بلکه بی‌شمار در کشور هست که اینها بدون استفاده مانده و این مایه‌ی خسارت برای منافع ملی است. خب این مشکلات را با یک حرکت عادی نمیشود برطرف کرد، با این حرکت معمولی عادی که در کار اداره‌ی حکمرانی کشور هست نمیشود، یک حرکت فوق‌العاده لازم است، یک حرکت جهشی لازم است، یک حرکت ابتکاری لازم است. باید نوآوری وجود داشته باشد و این کار باید انجام بگیرد. این جزو مسلمات این دوره‌ی از انقلاب است برای گام دوم. البته

^۶ بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۲۱/۲/۱۴۰۰

^۷ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۴۰۲

^۸ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۴۰۲

در گذشته و در طول زمان در زمینه‌های تحوّل در بخشی از جاها یک کارهایی انجام گرفته لکن یک حرکت کلی‌تر و عمومی‌تر و جامع‌تری در این زمینه باید انجام بگیرد.^۹

الزامات راهبردی نهضت تحول اقتصادی در گام دوم انقلاب اسلامی

(۱) اعتماد به نفس ملی

اگر یک ملّتی به استعدادهای خود اعتماد دارد، به توانایی‌های خود اعتماد دارد، قادر به اقدامات تحوّل است؛ ملّتی که اعتماد به نفس دارد، میتواند اقدامات تحوّل را بخوبی به سرانجام برساند؛ مسئولان این ملّت هم جرئت میکنند که دم از تحوّل بزنند و اقدام به تحوّل بکنند. خب، ملّت ما بحمدالله از اعتماد به نفس برخوردار است؛ ملّت ما، ملّتی است دارای عزّت نفس، دارای اعتماد به نفس، استقلال‌خواه، شجاع که حالا نمونه‌هایش را همه‌ی شماها دیده‌اید.^{۱۰}

(۲) حرکت جوانانه

جوانهای زنده و خوبی داریم؛ چون در جوان، هم فکر نو هست، هم [توانایی] یافتن شیوه‌های نو هست، هم نیرو و توان لازم هست، هم جرئت اقدام هست؛ اینها همه در جوانها جمع است و خیلی مغتنم است؛ یعنی ابزار لازم برای یک حرکت تحوّل همینها است: فکر نو، ابتکار، جرئت حرکت، میل کامل به این حرکت. اینها از لوازم حتمی یک حرکت تحوّل است و این هم در جوانها وجود دارد، [لذا] بایستی برای یک چنین کاری دنبال جوانهای نخبه رفت.^{۱۱}

^۹ بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۲۱/۲/۱۴۰۰

^{۱۰} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱/۱/۱۴۰۲

^{۱۱} بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۲۱/۲/۱۴۰۰

۳) داشتن پشتوانه فکری

تحول را نباید با یک سلسله کارهای سطحی و دم‌دستی اشتباه گرفت. بعضی از کارهای سطحی، که مته‌ورانه، عجولانه یک کاری انجام میگیرد؛ اینها تحول نیست؛ گاهی اوقات برای فرونشاندن هوس یک کار، این کارها انجام میگیرد که اینها خیلی ارزشی ندارد. تحول، کار عمقی است، کار اساسی است که بایستی اتفاق بیفتد.^{۱۲} تحول پشتوانه‌ی فکری [میخواهد]. فرض کنید یکی از مسائلی که امروز باید حتماً تحول در آن به وجود بیاید، مسئله‌ی عدالت است. در زمینه‌ی عدالت باید تحول ایجاد کنیم و این باید متکی باشد به یک مبنای فکری که اندیشه‌ی متقن و شکل‌یافته‌ی ما در زمینه‌ی عدالت چیست؛ آن وقت بر اساس آن برویم سراغ تحول؛ یعنی این پشتوانه‌ی فکری یکی از چیزهای لازم است که از دارایی‌های معنوی ما است؛ یعنی ما بایستی از دارایی‌های معنوی‌مان در این زمینه استفاده کنیم که عبارت است از احکام اسلام و مقررات اسلامی و آیات کریمه‌ی قرآن و کلمات اهل بیت (علیهم السّلام)؛ از اینها باید استفاده کنیم و بر اساس اینها باید تحول ایجاد بکنیم.^{۱۳}

امام هم هر کاری که در زمینه‌ی تحولات انجام دادند، متکی به همین حرکت اسلامی و مبانی معرفتی اسلام بود؛ امام در چهارچوب آن حرکت کردند. اگر چنانچه یک چنین پشتوانه‌ی فکری‌ای وجود نداشته باشد، این تحول انسان، غلط خواهد بود و احتمالاً انسان قدم را نابجا برمیدارد، بعد هم درست پافشاری نمیکند؛ یعنی ثبات قدم در این حالت تحولی، نخواهد داشت. انسان به یاد بعضی‌ها می‌افتد، ما در انقلاب خودمان داشتیم کسانی را که اینها افراد انقلابی و علاقه‌مند بودند، منتها چون پایه‌های فکری‌شان پایه‌های محکمی نبود، پایه‌های ایمانی‌شان، پایه‌های متین و مستحکم و دارای پشتوانه‌های عقلانی محکم و استدلالی محکمی نبود، بعد از اینکه مدتی گذشت و از سنین جوانی مثلاً یک مقداری عبور کردند، تبدیل شدند به همان فسیل‌هایی که اصلاً انقلاب علیه آن فسیل‌ها بود؛ یعنی انقلاب اسلامی در واقع یک عده فسیل‌های کج‌رو را کنار زد. بعضی جوانهای انقلابی دیروز هم بعد از آنکه وارد مرحله‌های گوناگون زندگی و عبور از سالهای جوانی شدند، در واقع نزدیک شدند - حالا یا بعضی‌ها نزدیک شدند، یا

^{۱۲} سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۳/۱۳۹۹

^{۱۳} سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۳/۱۳۹۹

بعضی‌ها تبدیل شدند- به چیزی شبیه آن فسیل‌ها؛ به قول مرحوم امیری فیروزکوهی که ایشان در یک شعری می‌گوید:

شباب عمر به دانش گذشت و شیب به چهل کتاب عمر مرا فصل و باب، پیش و پس است
واقعاً بعضی این جور هستند.^{۱۴}

۴) مراقبت از استحاله فکری

یک نکته‌ی دیگری که خیلی مهم است، این است که تحوّل را نایستی با استحاله‌ی فکری اشتباه گرفت. اندکی قبل از حکومت پهلوی و بعد، شدتش در دوران حکومت پهلوی، چیزی به نام تجدّد وارد کشور شد، که این را به عنوان یک تحوّل در زندگی ملت ایران به حساب می‌آوردند؛ این تحوّل نبود، این استحاله‌ی ملت ایران بود، هویت ملت ایران را از او سلب کردن بود. یعنی در واقع ملت ایران، هویت دینی خود، هویت ملی خود، هویت تاریخی عمیق خود را در این تجدّد از دست داد. تجدّدی که [طی آن،] در دوران پهلوی، هم یک مقداری به وسیله‌ی رضاخان، هم [به وسیله‌ی] پشوتان‌ها و به اصطلاح روشنفکرهای غرب‌زده و طلسم‌شده‌ی زمان رضاخان - که او را وادار میکردند، هدایت میکردند، کمک میکردند و توجیه میکردند کارهای او را- در واقع هویت ملت ایران سلب شد، یعنی [ملت ایران] از آن هویت واقعی خارج شد؛ این استحاله است، این تحوّل نیست. تحوّل باید رو به جلو باشد، این رو به عقب رفتن بود. ملّتها اگر چنانچه هویت خودشان را از دست بدهند، داشته‌های معنوی خودشان را از دست بدهند، در واقع یک مرگ تمدنی برای آنها به حساب می‌آید؛ این یک مرگ تمدنی است، کما اینکه برای کشور ما هم متأسفانه همین جور هم بود؛ یعنی در بحثهای علمی، بحثهای اجتماعی، بحثهای دانشگاهی، کار را به جایی رساندند که مثلاً حرف یک دانشمند غربی به عنوان قول فصل^{۱۵} شمرده میشود؛ بحث که میکنند، [میگویند] فلان دانشمند غربی این جوری گفته؛ وقتی او این جوری گفته، پس دیگر بحث تمام است. معنای این، آن است که ما راه فکر را ببندیم. وقتی تقلید پیش آمد، مسئله‌ی تقلید از دیگران پیش آمد و اینکه انسان جرئت نداشته باشد در فلان مسئله‌ی علوم انسانی یا امثال آن، روی حرف

^{۱۴} سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۹/۳/۱۴

^{۱۵} سخن نهایی صحیح و متقن

دانشمند غربی حرف بزند، معنایش این است که باید فکر را گذاشت کنار، اجتهاد را باید گذاشت کنار، باید تقلید کرد؛ این درست نقطه‌ی مقابل آن تعلیم انبیا است که «يُثْبِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُول»^{۱۶}؛ آن دفینه‌های عقل را، دفینه‌های اندیشه را در انسانها زنده کردن، شوراندن و به ظهور رساندن؛ این نقطه، درست نقطه‌ی مقابل آنها است.^{۱۷}

۵) تحول با تدریج و هدایت

تحول لزوماً یک حادثه‌ی دفعی نیست؛ گاهی تحول تدریجاً انجام میگیرد؛ بی‌صبری نباید کرد. اگر چنانچه هدف‌گیری و نشان‌گیری درست انجام گرفته باشد و حرکت به معنای واقعی اتفاق بیفتد، اگر چنانچه به هدف تحول هم دیر برسیم ایرادی ندارد؛ عمده این است که راه را برویم، حرکت را انجام بدهیم، و بی‌صبری نباید کرد؛ اینکه تصور کنیم که بایستی حتماً دفعتاً یک کاری انجام بگیرد، نه، این جوری نیست. و اشکال این تجدیدی که حکومت‌های دست‌نشانده به ما دادند این بود که یک دست هدایت‌گری نداشت؛ یکی از اشکالاتش این بود. بایستی در این تحولی که تدریجاً بنا است انجام بگیرد، یک دست هدایت‌گر مورد اطمینانی بالاسر این تحول وجود داشته باشد و بایستی دست‌های مطمئن و قابل اعتماد هدایت کنند این حرکت‌های تحولی را؛ و الا اگر هدایت نکردند، مثل آن وضعی میشود که آن روزها وجود داشت.^{۱۸}

۶) نترسیدن از دشمن

یک شرط مهم برای ایجاد تحول، نترسیدن از دشمن و دشمنی‌ها است. خدای متعال به پیغمبرش میفرماید که «وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ»^{۱۹}؛ از مردم نباید بترسی؛ از حرف این و آن نباید بترسی. بالاخره هر اقدام مثبتی، هر کار مهمی ممکن است یک عده‌ای مخالف داشته باشد؛ مخالف، مخالفت میکند. امروز با حضور فضای مجازی، نوع مخالفتها هم غالباً نوع

^{۱۶} نهج‌البلاغه، خطبه ۱

^{۱۷} سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۳/۱۳۹۹

^{۱۸} سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۳/۱۳۹۹

^{۱۹} سوره‌ی احزاب، بخشی از آیه‌ی ۳۷؛ «... و از مردم میترسیدی، با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی ...»

برخوردکننده و تیز و آزاردهنده است؛ اگر چنانچه یک حرکت مهمّ صحیح متقن محاسبه شده‌ای انجام میگیرد، باید ملاحظه‌ی اینها را نکنند. ملاحظه‌ی دشمن خارجی را هم نباید بکنند؛ هر گونه حرکتی را که در کشور به سمت صلاح انجام بگیرد، یک جبهه‌ی وسیعی از دشمن وجود دارد که اینها نشسته‌اند دارند دائم فکر میکنند که ضربه‌ها بزنند، هم در زمینه‌های سخت‌افزاری، هم در زمینه‌های نرم‌افزاری؛ نرم‌افزاری‌شان همین است که اینها تصمیم‌های مهم و درست و منطقی را که در کشور گرفته میشود، با تبلیغات وسیعی که دارند، زیر سؤال ببرند و با این امپراتوری تبلیغاتی‌ای که دست صهیونیست‌ها هست، این را بکوبند و نابود کنند و از بین [ببرند]. باید از اینها ترسید، باید حرکت کرد؛ و به نظر من راهش هم این است که نیروهای جوان حضور داشته باشند؛ آن که ملاحظه نمیکند و نمیترسد و بدون ملاحظه حرکت میکند نیروی جوان است. [البته] حضور نیروهای جوان با همان شکلی که قبلاً عرض کردیم، به معنای استفاده‌ی از فکر جوان و از روحیه‌ی جوان و از حالت اقدام و جسارت و حرکتی که جوان میکند؛ نه به معنای نفی حضور ذخیره‌های غیر جوان؛ شرطش این است که این کار انجام نگیرد.^{۲۰}

۷) الگو نگرفتن از انحرافات غرب

از غرب نمی‌خواستیم و نمی‌توانستیم الگو بگیریم؛ چون غرب چیزهایی داشت، اما به قیمتِ نداشتن چیزهای مهم‌تری. در غرب، علم بود، اما اخلاق نبود؛ ثروت بود، اما عدالت نبود؛ فناوری پیشرفته بود، اما همراه با تخریب طبیعت و اسارت انسان؛ اسم دموکراسی و مردم‌سالاری بود، اما در حقیقت سرمایه‌سالاری بود، نه مردم‌سالاری؛ امروز هم همین‌طور است. این مطلبی که عرض می‌کنم، ادّعای من نیست. من از قول فلان نویسنده‌ی مسلمانِ متعصّب نقل نمی‌کنم؛ از قول خود غربی‌ها نقل می‌کنم. امروز در کشورهای غربی و در خود امریکا، آن چیزی که به نام دموکراسی و انتخابات وجود دارد، صورت انتخابات است. باطن آن، حاکمیت سرمایه است. من مایل نیستم که از نویسندگان و کتاب‌هایشان اسم بیاورم؛ اما خود نویسندگان امریکایی تشریح می‌کنند و می‌نویسند که انتخابات شهرداری‌ها، انتخابات نمایندگی مجلس و انتخابات ریاست

^{۲۰} سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۳/۱۳۹۹

جمهوری، با چه سازوکاری انجام می‌گیرد. اگر کسی نگاه کند، خواهد دید که در آنجا، آراء مردم تقریباً هیچ نقشی ندارد و آنچه که حرف اول و آخر را می‌زند، پول و سرمایه‌داری و شیوه‌های تبلیغاتی مدرن و همراه با فریب و جذاب از نظر آحاد مردم سطحی‌نگر است اسم دموکراسی هست، اما باطن دموکراسی مطلقاً نیست. پیشرفتهای علمی در غرب بود، اما این پیشرفتهای علمی وسیله‌ای برای استثمار ملتهای دیگر شده بود. غربی‌ها به مجرد اینکه یک قدرت علمی پیدا کردند، آن را به قدرت سیاسی و اقتصادی تبدیل نمودند و به طرف شرق و غرب دنیا راه افتادند. هرجا کشوری ممکن بود رویش دست بگذارند و آن را استثمار کنند، بی‌دریغ کردند. هرجا نکردند، ممکن‌شان نشد در غرب، آزادی بود، اما آزادی همراه با ظلم و بی‌بندوباری و افسارگسیختگی. روزنامه‌ها در غرب آزادند و همه چیز می‌نویسند؛ اما روزنامه‌ها در غرب متعلق به چه کسانی هستند؟ مگر متعلق به مردمند؟ اینکه امر واضحی است؛ بروند نگاه کنند. شما در همه‌ی اروپا و امریکا یک روزنامه‌ی قابل ذکر نشان دهید که متعلق به سرمایه‌داران نباشد پس روزنامه که آزاد است، یعنی آزادی سرمایه‌دار که حرف خودش را بزند؛ هرکس را می‌خواهد، خراب کند؛ هرکس را می‌خواهد، بزرگ کند؛ به هر طرف می‌خواهد، افکار عمومی را بکشد اینکه آزادی نشد^{۲۱}

۸) هضم نشدن در دام اقتصاد جهانی

جهانی شدن، اسم خیلی قشنگی است و هر کشوری فکر می‌کند بازارهای جهانی به رویش باز می‌شود. اما جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان - استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی - و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ و الا جهانی شدنی که ده‌ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال این‌ها - که همه ابزارهای

^{۲۱} بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۹/۲/۲۳

آمریکائی و استکباری بودند- به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین، یک اصل مهم، مسئله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سرابِ پیشرفت است.^{۲۲}

امروز تئوریسین‌ها و تبلیغاتچی‌های غربی در صددند خطِ ارتجاع به غرب خط برگشت به همان تحمیل‌پذیری غربی را دوباره برگردانند. البته همان‌طور که گفتیم، تحت عنوان یک تئوری شبه روشن‌فکرانه؛ به عنوان یک حرف نو؛ تئوری جهانی شدن و تئوری تغییر گفتمان. می‌گویند دانشجوی این دوره دیگر نمی‌تواند دانشجوی دوران ضد استعماری باشد. می‌گویند دوران ضدیت با استعمار و استکبار و مرگ بر استکبار گفتن، گذشته است؛ دوران عدالت‌خواهی و مبارزه‌ی با سرمایه‌داری سرآمده است؛ دوران آرمان‌خواهی و تبری و تولای سیاسی تمام شده است؛ گفتمان جدید دانشجویی عبارت است از گفتمان جهانی، جهانی شدن، گفتمان واقع‌بینی، گفتمان پیوستن به نظم نوین جهانی؛ یعنی سیاهی لشکر امریکا شدن این جهانی شدن، اسمش جهانی شدن است؛ اما باطنش امریکایی شدن است. معنایش این است که ملت ایران علی‌رغم مجاهدتهایی که کرده، علی‌رغم پرچمهایی که بر قله‌های پیروزی کوبیده، علی‌رغم بیداری عظیمی که در ملتهای مسلمان به وجود آورده، باید دوباره مثل دوران قبل از انقلاب، سیاهی لشکر و عمله و ابزار تأمین منافع آمریکاییها شود. هدف به صورت لخت و پوست‌کنده جز این چیز دیگری نیست؛ اما می‌خواهند در زیر نامهای زیبا جهانی شدن و تحوّل و پیشرفت این هدف را پنهان کنند.^{۲۳}

۹) توجه به نقشه راه و اصول مکتب امام خمینی(ره)

ما نقشه‌ی راه داریم. نقشه‌ی راه ما چیست؟ نقشه‌ی راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است؛ آن اصولی که با تکیه‌ی بر آن توانست آن ملت عقب‌افتاده‌ی سرافکننده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز. این اصول، اصولی است که در ادامه‌ی راه هم به درد ما می‌خورد و نقشه‌ی راه ما را تشکیل میدهد.^{۲۴}

^{۲۲} بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۷

^{۲۳} بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۹

^{۲۴} بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۲/۳/۱۴

خصوصیات مکتب امام(ره) به عنوان نقشه راه نهضت تحول اقتصادی

• اثبات اسلام ناب محمدی

اولین مطلبی که در [مکتب] امام وجود دارد، اثبات اسلام ناب محمدی و نفی اسلام آمریکایی است. امام، اسلام ناب را در مقابل اسلام آمریکایی قرار داد. اسلام آمریکایی چیست؟ اسلام آمریکایی در زمان ما و در زمان امام و در همه‌ی زمانها - تا آنجایی که ما می‌شناسیم، ممکن است در آینده هم همین‌جور باشد - دو شاخه بیشتر ندارد: یکی اسلام سکولار، یکی اسلام متحجر؛ لذا امام، آن کسانی را که تفکر سکولاری داشتند - یعنی دین را، جامعه را، رفتار اجتماعی انسانها را، جدای از اسلام می‌خواستند - همواره در ردیف کسانی گذاشت که نگاه متحجرانه‌ی به دین داشتند؛ یعنی نگاه عقب‌افتاده‌ی غیر قابل فهم برای انسانهای نواندیش و متعصبانه‌ی بروی مبنای غلط، تحجر؛ هردوی اینها را امام در کنار هم همواره ذکر کرده است^{۲۵}

• اعتماد و اتکال به خدا

یکی از اصول امام اتکال به کمک الهی، اعتماد به صدق وعده‌ی الهی، و نقطه‌ی مقابل، بی‌اعتمادی به قدرتهای مستکبر و زورگوی جهانی است؛ این یکی از اجزاء مکتب امام است. اتکال به قدرت الهی؛ خدای متعال وعده داده است به مؤمنین؛ و کسانی که این وعده را باور ندارند در کلام خود خداوند لعن شده‌اند: «وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ^{۲۶} وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ^{۲۷}، آن کسانی که «الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَلُّ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ لَعَنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا»^{۲۸}.

^{۲۵} بیانات در سالگرد رحلت حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۹۴/۳/۱۴

^{۲۶} سوره‌ی توبه، بخشی از آیه‌ی ۶۸

^{۲۷} سوره‌ی مجادله، بخشی از آیه‌ی ۱۴

^{۲۸} سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۶

اعتقاد به وعده‌ی الهی، به صدق وعده‌ی الهی - که فرموده است «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»^{۲۹} - یکی از ارکان تفکر امام بزرگوار ما است؛ باید به این وعده اعتماد و اتکال کرد. نقطه‌ی مقابل، به دل خوش گنگ‌های دشمنان، مستکبران، قدرتهای جهانی، مطلقاً نباید اعتماد کرد؛ این هم در عمل امام، در رفتار امام، در بیانات امام به‌طور کامل مشهود است.^{۳۰}

• اعتماد به اراده و نیروی مردم

اعتقاد به اراده‌ی مردم و نیروی مردم، و مخالفت با تمرکزهای دولتی؛ این از جمله‌ی خطوط اصلی حرکت امام است. در آن روزها سعی میشد به‌خاطر یک برداشت نادرست، همه‌ی کارهای اقتصادی کشور به دولت موکول و وابسته شود؛ امام بارها و بارها هشدار میداد - و این هشدارها در بیانات ایشان به‌طور واضح منعکس است - که این مسائل را به مردم بسپارید؛ اعتماد به مردم داشت در مسائل اقتصادی، اعتماد به مردم داشت در مسائل نظامی^{۳۱}

• حمایت از محرومات و تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی

در بُعد مسائل داخلی کشور؛ امام طرفدار جدی حمایت از محرومان و مستضعفان بود؛ امام نابرابری اقتصادی را با شدت و حدت رد میکرد؛ اشرافیگری را با تلخی رد میکرد؛ به معنای واقعی کلمه امام طرفدار عدالت اجتماعی بود؛ طرفداری از مستضعفان شاید یکی از پر تکرارترین مطالبی است که امام بزرگوار ما در بیاناتشان گفتند؛ این یکی از خطوط روشن امام است؛ این یکی از اصول قطعی امام است، همه باید تلاش کنند که فقر را ریشه‌کن کنند؛ همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند و تا آنجایی که در توان کشور است، به محرومان کمک کنند.^{۳۲}

^{۲۹} سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷

^{۳۰} بیانات در سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۹۴/۳/۱۴

^{۳۱} بیانات در سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۹۴/۳/۱۴

^{۳۲} همان

• مخالف قلدان بین المللی

امام صریحاً در جبهه‌ی مخالف قلدان بین‌المللی و مستکبران قرار داشت، هیچ ملاحظه‌ای نمیکرد. این است که امام در مقابله‌ی میان قلدان و مستکبران و قدرتهای زورگوی عالم با مظلومان، در جبهه‌ی مظلومان بود؛ صریح و بدون ملاحظه و بی‌تقیه این را بیان میکرد. طرفدار جدّی مظلومان جهان بود. امام با مستکبرین سر‌آشتی نداشت. واژه‌ی «شیطان بزرگ» برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود. امتداد معرفتی و عملی این تعبیر شیطان بزرگ خیلی زیاد است.^{۳۳}

• رد سلطه‌پذیری

یکی دیگر از نقاط اصلی و خطوط اصلی تفکر امام، مسئله‌ی استقلال کشور، ردّ سلطه‌پذیری [است]؛ این هم یکی از سرفصل‌های مهم است. استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت؛ این معنای استقلال است. اینکه بعضی در زبان یا در شعار دنبال آزادی‌های فردی باشند اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است. چطور ممکن است آزادی فردی اشخاص محترم باشد اما آزادی یک ملت، آزادی در مقیاس یک کشور، در مقابل تحریم‌های مخالفان و بیگانگان، محترم نباشد این اصلاً قابل فهم نیست، قابل قبول نیست.^{۳۴}

• وحدت ملی

یکی دیگر از خطوط اصلی تفکر امام و راه امام و خط امام - مسئله‌ی وحدت ملی است و توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن؛ چه تفرقه‌ی بر اساس مذهب، شیعه و سنی؛ چه تفرقه‌ی بر اساس قومیتها، فارس و عرب و ترک و کرد و لر و بلوچ و امثال اینها. تفرقه‌افکنی یکی از سیاستهای قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما از اول بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت، یک تکیه‌ی کم‌نظیر داشت که این یکی از خطوط است. امروز ما این خط را هم باید دنبال بکنیم.^{۳۵}

^{۳۳} همان

^{۳۴} همان

^{۳۵} همان

• خودباوری

در باور به خود - اعتماد به نفس - امام به مردم ایران «ما میتوانیم» را تعلیم داد. امام قبل از آنکه «ما میتوانیم» را به مردم ایران تلقین کند و تعلیم دهد، «ما میتوانیم» را در وجود خود زنده کرد؛ اعتقاد خود را به توانائی شخصیتی خود، به معنای حقیقی کلمه، به مظهر بروز و ظهور رساند. در روز عاشورای سال ۴۲ امام در عین غربت، در میان طلاب و مردم قم در مدرسه‌ی فیضیه، محمدرضا شاه را که با اتکای آمریکا و قدرتهای خارجی، به طور بی‌قید و شرط و بی‌مهری بر کشور حکومت میکرد، تهدید کرد که اگر اینجور حرکت کنی، این راه را ادامه دهی، من به مردم ایران خواهم گفت تو را از ایران بیرون کنند این را چه کسی میگوید؟ یک روحانی ساکن در قم، بدون سلاح، بدون تجهیزات، بدون پول، بدون پشتوانه‌ی بین‌المللی؛ فقط به اتکاء ایمان به خدا و اعتماد به نفس، که میتواند در این میدان بایستد. آن روزی که امام از تبعید برگشت، در همین بهشت زهرا دولت بختیار را تهدید کرد و با صدای بلند گفت: من توی دهن دولت بختیار میزنم، من دولت تعیین میکنم. این، اعتماد به نفس بود. امام به خود و به نیروی خود و به توانائی‌های خود ایمان و باور داشت. همین باور به خود، در عمل امام، در گفتار امام، به ملت ایران منتقل شد. عزیزان من صد سال به ما ملت ایران تلقین کرده بودند که شما نمیتوانید؛ نمیتوانید کشورتان را اداره کنید، نمیتوانید عزت به دست بیاورید، نمیتوانید ساخت‌وساز کنید، نمیتوانید در میدان علم حرکت کنید، نمیتوانید، نمیتوانید؛ ما هم باورمان شده بود. یکی از ابزارهای مؤثر دشمنان برای تسلط بر ملتها، همین تلقین «نمیتوانید» است؛ که ملتها مأیوس شوند، بگویند ما که نمیتوانیم کاری بکنیم. با این ترفند، صد سال ملت ایران در میدانهای سیاست، علم، اقتصاد و همه‌ی میدانهای زندگی عقب افتاد. امام مطلب را برگرداند، این ابزار تسلط ابرقدرتها را از دست آنها گرفت، به ملت ایران گفت «شما میتوانید»؛ شجاعت را به ما برگرداند، تصمیم و قاطعیت را به ما برگرداند، اعتماد به نفس را به ما برگرداند، ما ملت ایران احساس کردیم میتوانیم؛ حرکت کردیم،

اقدام کردیم؛ لذا ملت ایران در همه‌ی میدانها - که حالا اشاره‌ای خواهم کرد - در این سی و چند سال پیروز شده است.^{۳۶}

• اصول امام در اقتصاد

در اقتصاد، اصول امام تکیه‌ی به اقتصاد ملی است؛ تکیه‌ی به خودکفائی است؛ عدالت اقتصادی در تولید و توزیع است؛ دفاع از طبقات محروم است؛ مقابله‌ی با فرهنگ سرمایه‌داری و احترام به مالکیت است - اینها در کنار هم - امام فرهنگ ظالمانه‌ی سرمایه‌داری را رد میکند، اما احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار را مورد تأکید قرار میدهد؛ همچنین هضم نشدن در اقتصاد جهانی؛ استقلال در اقتصاد ملی؛ اینها اصول امام در زمینه‌ی اقتصاد است؛ اینها چیزهائی است که در فرمایشات امام واضح است.^{۳۷}

مرور در یک نگاه فصل اول بخش سوم

بخش سوم : تحول اقتصادی و الزامات راهبردی آن

فصل اول : نهضت تحول اقتصادی در گام دوم انقلاب

چستی تحول:

مقصود ما از تحول، ایجاد یک حرکت جهشی و جهادی است در همه‌ی بخشهای اداری کشور و بخشهای حکمرانی کشور و همچنین در بخشهایی از سبک زندگی عمومی و به طور خلاصه، حفظ و تقویت اصول و خطوط اساسی انقلاب و نوآوری در شیوه‌ها و روشها و کارکردهاست.

۱۴۰۰/۲/۲۱

تحول

^{۳۶} بیانات در رحلت حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۹۲/۳/۱۴

^{۳۷} بیانات در مراسم بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۲/۳/۱۴

چرایی تحول:

به [خاطر] این است که در کنار پیشرفتهای کشور و موفقیتهای کشور که زیاد است (...) در جاهایی عقبماندگی داریم و مشکلات مزمن شده داریم که این مشکلات بایستی حل بشود. این مشکلات را با یک حرکت عادی نمیشود برطرف کرد، با این حرکت معمولی عادی که در کار اداره‌ی حکمرانی کشور هست نمیشود، یک حرکت فوق‌العاده لازم است، یک حرکت جهشی لازم است. ۱۴۰۰/۲/۲۱

۱	اعتماد به نفس ملی ۱۴۰۲/۱/۱	الزامات راهبردی نهضت تحول اقتصادی
۲	حرکت جوانانه ۱۴۰۰/۲/۲۱	
۳	داشتن پشتوانه فکری ۱۳۹۹/۳/۱۴	
۴	مراقبت از استحاله فکری ۱۳۹۹/۳/۱۴	
۵	تحول تدریجی و با هدایت ۱۳۹۹/۳/۱۴	
۶	نترسیدن از دشمن و اتکال به خدا ۱۳۹۹/۳/۱۴	
۷	توجه به نقشه راه و اصول مکتب امام خمینی (ره) ۱۳۹۲/۳/۱۴ - ۱۳۹۴/۳/۱۴	
۸	الگو نگرفتن از انحرافات غرب ۱۳۷۹/۲/۲۳	
۹	هضم نشدن در دام اقتصاد جهانی ۱۳۷۹/۱۲/۹ - ۱۳۸۸/۲/۲۷	

فصل دوم

مبانی و نظام اقتصاد در جامعه اسلامی

بخش اول : اصول و مبانی معرفتی

بخش دوم: نظام اقتصاد در جامعه اسلامی

بخش اول: اصول و مبانی معرفتی

مقدمه

اسلام، دینِ زندگی است، اما زندگی تهی از شرف و آزادگی و عزت را مرگ می‌شمارد. دینِ عقلانیت است، اما با نفسانیتی که خود را عقلانیت مینمایاند و دستمایه‌ی همان کسانی است که پیامبران خدا را مجنون می‌خواندند، مبارزه می‌کند. دین اتحاد و برادری و صلح جهانی است، اما اتحاد ظالم با مظلوم و فشردن دست جلاد بر سر جنازه‌ی شهیدان عدالت را خیانت می‌شمرد. دین واقع بینی و حسابگری است، اما توجیه ستمهای جهانی بنام واقع بینی را گناه میداند. دین احکام جاودانه است، اما جمود و قشری گری را نمی‌پذیرد. دین اجتهاد و نواندیشی است، اما بدعت‌گذاری و التقاط را رد می‌کند. دین گذشت و اغماض است، اما ظلم‌پذیری و ذلت را مُجاز نمیداند. دین تمدن و علم و آبادانی است، اما علمی را که وسیله‌ی بردگی و کشتار ملتها و تمدنی را که دستاویز تحقیر انسانها باشد، جهل و وحشیگری می‌شمرد. دین جهاد است، اما جنگ بی منطق و قدرت طلبانه را جهاد نمی‌نامد. دین عزت و قدرت و حاکمیت است، اما این را دستمایه‌ی توجیه وسائل ناشرافتمند نمی‌سازد.

اسلام، پاسدار حُرمت و حقوق انسانها است، تضمین کننده اخلاق و فضیلت است، منادی آرامش و امنیت است. زشت‌ترین دروغ و ناجوانمردانه‌ترین تهمت را کسانی مرتکب میشوند که اسلام را در مقابله با حقوق بشر و مدنیت و امنیت قلمداد کرده و این را وسیله‌ای برای توجیه قدرت‌طلبی ظالمانه‌ی خود بر علیه ملتهای مسلمان قرار میدهند.^۱ اسلام با معنا کردن زندگی و هستی و با نشان دادن راه درست آن، انسان را در فراهم آوردن زندگی حقیقتاً سعادتمندانه یاری می‌دهد و صراط مستقیم الهی را به او معرفی می‌کند. همه‌ی احکام و دستورهای اسلامی، و همه‌ی خطوط اصلی در شیوه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی اسلام، و همه‌ی عبادات و مقررات فردی و جمعی اسلام، اجزاء درهم‌تنیده‌ی این نسخه‌ی زندگی‌بخش و سعادت‌آفرین است.^۲ اسلام بر قلب مقدس پیغمبر اکرم نازل شد؛ نماز را آورد، روزه، زکات، انفاقات، حج، احکام خانواده، ارتباطات شخصی، جهاد فی سبیل الله، تشکیل حکومت، اقتصاد اسلامی، روابط حاکم و مردم و وظایف مردم در مقابل حکومت را آورد. اسلام، همه‌ی این مجموعه را بر بشریت عرضه کرد؛ همه را هم

^۱ پیام به کنگره عظیم حج ۳۰/۱۱/۱۳۸۰

^۲ بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۹/۳/۱۳۷۴

پیغمبر اکرم بیان فرمود. «ما من شیء یقربکم من الجنّة و یباعدکم من النار الا و قد نهیتکم عند و امرتکم به»؛ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، همه‌ی آن چیزهایی را که می‌تواند انسان و یک جامعه‌ی انسانی را به سعادت برساند، بیان فرمود. نه فقط بیان، بلکه آن‌ها را عمل و پیاده کرد. خوب؛ در زمان پیغمبر، حکومت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی تشکیل شد، اقتصاد اسلامی پیاده شد، جهاد اسلامی برپا و زکات اسلامی گرفته شد؛ یک کشور و یک نظام اسلامی شد.^۳

ما امروز اگر جمهوری اسلامی هستیم، اگر حکومت علوی هستیم، باید این‌ها را رعایت کنیم. شما مردم هم این‌ها را باید از ما بخواهید. اقامه‌ی دین خدا را باید بخواهید. اینکه ما نگاه کنیم ببینیم شرق و غرب در مفاهیم حکومتی و مفاهیم سیاسی حرفشان چیست، آن‌ها چه می‌گویند، ما هم سعی کنیم خودمان را آن‌طور تطبیق دهیم، این مثل همان خلافت عثمانیه‌است، مثل خلافت بنی امیه و بنی عباس است. آن‌ها هم اسمشان خلیفه‌ی پیغمبر بود؛ اسمشان حاکم اسلامی بود؛ اما رسم و عملشان حکومت کسری و قیصر و حکومت پادشاهان بود. همان‌طور که آن‌ها عمل می‌کردند، این‌ها هم همان‌طور عمل می‌کردند. اسمان حکومت علوی و حکومت اسلامی باشد، بعد برویم سراغ سرمایه‌داری غرب، سراغ حکومتی که سرمایه‌داران و کمپانی‌داران و زشت‌رترین ظالمان و ستمگران عالم آن را اداره می‌کنند؟ این درست است؟ این همان نفاق خواهد شد. پرچمی را با یک نامی بلند کنیم، آن وقت در زیر این پرچم سراغ چیزهای دیگر برویم؟ امروز در نظام اسلامی، همه‌ی کارگزاران حکومت، از پایین تا بالا؛ از رهبری - که خدمتگزار همه است - از رئیس‌جمهور، از وزرا، از مسئولین قضائی، از نمایندگان مجلس و از مدیران گوناگونی که در اکناف کشور هستند، باید هم‌تشان این باشد که دین خدا را اقامه کنند.^۴

ما خواسته‌ایم در میان ظلمات جاهلیت قرن بیستم، خورشید فروزان اسلام را به درخشش دریاوریم. ما خواسته‌ایم در هنگامی که نسلهای بشر از مکتبهای گوناگون - از سرمایه‌داری پلید

^۳ پیام به کنگره عظیم حج ۲۸/۱۲/۱۳۷۷

^۴ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۳۰/۶/۱۳۸۱

غرب تا کمونیسم ملحد شرق - دل زده شدند، بتوانیم مکتب حیات بخش را و راه زندگی سالم و مطلوب و شیرین را به بشر نشان بدهیم و آن، حیات طیبیه اسلامی است.^۵

(ما) در آن بخشهایی که سیاستهای اسلامی عمل شد، به اسلام نزدیک شده ایم و در همان بخشها مردم احساس آرامش و آسایش می کنند. در هر جا هم که وارد مرحله ی اسلام و مقوله ی اسلامی نشدیم، مردم در آنجا همان زندگی دشوار و وضعیت ناخوشایند را دارند. کسانی که اهل تحلیل و استدلال و بحث هستند، بردارند فهرست کنند تا برای مردم روشن بشود.^۶ اگر ما در زمینه ی اقتصادی و در زمینه ی تشکیلات اداری هم توصیه ی اسلام را دقیقاً عمل می کردیم، یقیناً وضعمان بهتر از این بود. ما آنچه را که در زمینه های اقتصادی عمل کرده ایم، متأسفانه یک نسخه ی مخلوط است. چیزهایی از اسلام در آن هست؛ اما مخلوط دارد. آن بخشی مخلوط شده، برای ما هرگز خیری به بار نیاورده است.^۷ حالا من و شما که مسئول در این نظام هستیم، مظهر واقعی و حقیقی صبر ما، صبر بر این اصول و این مبانی و این پایه ها است. باید از میدان در نروید. این جور نباشد که اگر چنانچه در باره ی قصاص اسلامی، در باره ی اقتصاد اسلامی، در باره ی شکل حکومت اسلامی، در باره ی قانون اساسی شما، هو و جنجال و هیاهو در دنیا راه انداختند - که امکان این کار را هم دارند که هیاهو راه بیندازند - شما جا بزنید؛ نه، بر مبانی خودتان پافشاری کنید.^۸

ضرورت مراجعه به فکر و اندیشه اسلامی

تبلیغات استکباری بر ضد اسلام که بخشی از حمله ی صلیبی جدید است، چنین وانمود می کند که اسلام قادر بر سازماندهی زندگی سیاسی و اقتصادی ملت های مسلمان نیست و ملت های مسلمان چاره ای جز این ندارند که با معیارها و شکل و محتوای حکومتها و نظامهای سرمایه داری غرب زندگی کنند این، یک ترفند و دروغ مزورانه است که برای وابسته کردن کشورهای اسلامی به

^۵ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۶۸

^۶ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم قم ۱۹/۱۰/۱۳۶۸

^۷ بیانات در خطبه های نماز جمعه ۹/۷/۱۳۷۸

^۸ بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام ۱۹/۶/۱۳۸۷

اردوگاه استکباری غرب و استثمار منابع مادی آن طراحی شده و سالها است تبلیغ می‌شود. نظام سرمایه‌داری غرب، تا گلو در مشکلات انسانی لاینحل فرورفته و با وجود ثروتهای فراوانی که در اختیار دارد، از استقرار عدالت اجتماعی، به کلی ناتوان مانده است. شورش اخیر سیاهان در امریکا، نشان داد که نظام امریکا نه فقط نسبت به ملت‌های آسیا و آفریقا و امریکای لاتین، که نسبت به ملت خود نیز با بی‌عدالتی عمل می‌کند و در اینجا نیز مانند آنجاها، اعتراض را با خشونت و سرکوب پاسخ می‌دهد. درست است که اردوگاه کمونیزم متلاشی و نابود شد، اما رقیب آن، یعنی اردوگاه سرمایه‌داری هم، با وضع فعلی و بخصوص با غرور و طغیانی که پس از یکه‌تاز شدن در میدان قدرت بدان دچار شده، ماندنی نیست و دیر یا زود، دنیا شاهد سقوط و متلاشی شدن آن نیز خواهد بود.^۹ یکی از نتایج یا حواشی حوادث منطقه‌ی ما - که بالاتر از حواشی است - غلط از آب درآمدن تئوری‌های غربی است. همه‌ی تئوری‌های اینها در زمینه‌ی اقتصاد - که حالا وضع اقتصادی‌شان را دارید مشاهده می‌کنید - در زمینه‌ی سیاست، اداره‌ی سیاسی آنها، مدیریت سیاسی آنها، اینجور دارد در این منطقه به گل می‌نشیند. بعد از این همه کاری که در این منطقه کردند و نفوذی که پیدا کردند، حضور سیاسی و اقتدار سیاسی آنها اینجور دارد نابود می‌شود. اینها نشان می‌دهد که تئوری‌پردازی‌های غربی در زمینه‌ی سیاست، در زمینه‌ی اقتصاد، تئوری‌های ناقص و عقیم و بی‌خاصیتی است؛ ما را بیشتر تشویق می‌کند که برویم به درون خودمان مراجعه کنیم و فکر اسلامی و اندیشه‌ی اسلامی را پیدا کنیم.^{۱۰}

شاخصه‌های اسلام ناب محمدی (ص):

- معنویت
- عقلانیت

^۹ پیام به کنگره عظیم حج ۱۳/۳/۱۳۷۱

^{۱۰} بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۲/۶/۱۳۹۰

- عدالت

اسلام ما با اسلام متحجر از یک سو و اسلام لیبرال از سوی دیگر، در اصول و مبانی کاملاً متفاوت است. ما هم این را رد می‌کنیم و هم آن را. اسلام ما اسلامی است متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت؛ این سه شاخص عمده در آن هست. ما از معنویت به هیچ عنوان صرف‌نظر نمی‌کنیم؛ روح و اساس کار ما معنویت است. عقلانیت مهم‌ترین ابزار کار ماست؛ عقل را به کار می‌گیریم... عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم ما، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارهای ما داراست. از عدالت هم به عنوان یک هدف به هیچ وجه صرف‌نظر نمی‌کنیم. اینکه تصور شود چون دنیای سرمایه‌داری مبتنی بر لیبرال دموکراسی برایش مسأله‌ی عدالت، مسأله‌ی فرعی و درجه‌ی دو و ابزاری است و برای آن‌ها مسأله‌ی نفع و سود و پول مسأله‌ی اصلی است، موجب نمی‌شود که ما از عدالت به معنای یک مسأله‌ی محوری و اصلی صرف‌نظر کنیم. ما در قالب‌های اقتصادی و در کارکرد سیاست داخلی و خارجی مان، مسأله‌ی عدالت محور است. اسلام ما این است: اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت. به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزش‌های غربی و ارزش‌های امریکایی را ترویج کند و از روش‌های آن‌ها استفاده کند و با آن‌ها در بخش‌های مختلف هم‌رنگ و هم‌صدا شود و احياناً دعای ندبه‌ای هم بخواند. ما اسلام متحجر طالبانی را هم قبول نداریم. نه اینکه حالا قبول نداریم، از اول جریان نهضت آن را قبول نداشتیم. از بین شماها، کسانی که سابقه‌ی بیشتری دارند، از پیش از انقلاب یادشان است و جریان‌های اسلامی پیش از انقلاب را می‌شناسند و می‌فهمند من چه می‌گویم. از اول، حرکت نهضت، حرکت روشن‌فکری و عقلانی بود و با تحجر هم مخالف. امروز هم روز به روز همین رویکرد در تفکر اسلامی ما تقویت شده و تضعیف نشده است. ما بین این دو، صراط مستقیم خودمان را انتخاب کرده‌ایم و پیش می‌رویم.^{۱۱} اینها را باید با هم دید. تکیه‌ی بر روی یکی از این ابعاد، بی‌توجه به ابعاد دیگر، جامعه را به راه خطا میکشاند، به انحراف میبرد. این مجموعه، این بسته‌ی کامل، میراث فکری و معنوی امام است. خود امام بزرگوار هم در رفتارش، هم مراقب عقلانیت بود، هم مراقب معنویت بود، هم با همه‌ی وجود متوجه به بُعد عدالت بود^{۱۲}

^{۱۱} بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه ۲۵/۵/۱۳۸۳

^{۱۲} بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۳/۱۳۹۰

تبیین شاخصه‌های اصلی اسلام ناب محمدی (ص)

(۱) معنویت

"و ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون" ^{۱۳} یعنی عبودیت. اصلاً هدف خلقت، عبد خدا شدن است؛ که بالاترین کمالات هم همین عبودیت خداست ^{۱۴} کلّ الینا راجعون ^{۱۵} - و همه به سمت ذات مقدّس پروردگار حرکت میکنند: "الی الله المصیر" ^{۱۶} حرکت آفرینش، به سمت وجود مقدّس باری تعالی عزّ شأنه است. در بینش اسلامی، حرکت و سیورورت انسان و بقیه موجودات آفرینش، به سمت پروردگار است. یعنی با وجود این که اجناس و انواع، مختلف است؛ انگیزه‌ها، به ظاهر مختلف است؛ جاهای جغرافیایی، گوناگون و مختلف است و عناصر تشکیل دهنده موجودات، با یکدیگر تفاوت دارد؛ اما علی‌رغم این تنوّع ظاهری، همه آفرینش، مثل کاروانی است که به طرف یک مقصد حرکت میکند و آن مقصد، خداست. سعادت هر انسانی، این است که این مقصد را بشناسد و رفتار اختیاری خود را با آن تطبیق کند. بدبختی و روسپاهی هر انسان، در این است که این مقصد را نشناسد و رفتار فردی و احساسات و عملکرد او، در جهت این حرکت عمومی و یکسان و جهان‌شمول قرار نگیرد، که ضربه‌اش را هم خواهد خورد. اساس جهان بینی و تفکّر و تصوّر اسلامی از عالم وجود، چنین وحدتی است. به ادعاها و انگیزه‌های ظاهری و کج فهمی و بدفهمی انسانهای ناقص و قاصر، نگاه نکنید. همه عالم وجود، مثل یک رودخانه و یک شطّ جاری، به طرف یک نقطه حرکت میکند و به یک سمت راه می‌برد. هنر بزرگ پیامبران الهی این است که این غایت قصوی و این مقصد اعلی را به بشر معرفی کنند و بشناسانند و راه را نشان دهند و بگویند که صراط مستقیم، یعنی صراط الی الله، و بفهمانند که هر چه از قوای انسانی در اختیار اوست - عقل و احساسات و حواس ظاهری و توانایی و دست و پا و چشم و نعمتهایی که در طبیعت هست - همه و همه وسایلی هستند، برای این که انسان بتواند راحت‌تر این راه را طی کند. بهترین

^{۱۳} ذاریات: ۵۶^{۱۴} بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۲۷/۲/۱۳۹۰^{۱۵} انبیاء: ۹۳^{۱۶} آل عمران: ۲۸

انسانها، آن انسانی است که این راه، یعنی راه خدا و هدف عالم وجود را می‌شناسد - که هدف خلقت هم همین است - و از نیروهای خود و طبیعت، برای رسیدن به این راه، استفاده می‌کند. لذا بندگان صالح خدا، خواب و خوراک و حرف زدن و تجارت و ورزش و درس خواندن و کار سیاسی و اجتماعی و فعالیتهای گوناگون دنیایشان، همه و همه در جهت این هدف است. با حرکت در جهت این هدف، بهشتی در اطراف انسان به وجود می‌آید که از همسانی و هم‌رنگی احساسات و خواست و اراده انسان با مسیر طبیعی عالم وجود، تشکیل شده است. در این زندگی اسلامی توحیدی معنوی، تناقض و تضاد و درگیری و اختلاف نیست.^{۱۷}

پدیده‌ی استعمار- که دهها کشور و میلیونها انسان را سالهای متمادی غرق در سخت‌ترین شدیدترین محنتها کرد- یکی از چیزهایی است که در نتیجه‌ی تفکیک علم از معنویت، سیاست از معنویت و دولت از اخلاق در اروپا اتفاق افتاد. دو جنگ جهانی اول و دوم هم از همان میوه‌های تلخ بود. کمونیزم و حکومت‌های اختناق مارکسیستی هم جزو نتیجه‌ها و میوه‌های تلخ جدایی حرکت علمی و صنعتی از معنویت بود. ویران شدن کانون خانواده، سیلاب فساد جنسی و طغیان سرمایه‌داری افراطی، همه نتایج همان تفکیک است.^{۱۸} یک توهم خطرناکی در ذهنها وجود داشت، تزریق شده بود - شاید در بعضی از ذهنها هنوز هم این توهم وجود داشته باشد - و آن عبارت بود از توهم تقابل و تضاد میان عقلانی زیستن و توسعه‌یافتگی از یک طرف، و معنوی زیستن و اخلاقی زیستن از طرفی دیگر. باور شده بود برای بعضی که اگر جامعه بخواهد عقلانی و عملگرا و رونده و شتاب‌گیرنده‌ی در راه پیشرفت زندگی بکند، ناچار است از اخلاقیات و معنویات و دین و خدا فاصله بگیرد اگر به همبستگی اخلاقی فکر کردیم، به معنویات دل بسته بودیم، ملاحظه‌ی ضوابط و حدود دینی و اخلاقی را کردیم، ناچاریم از پیشرفته بودن کشور صرف‌نظر کنیم؛ از زندگی عقلانی چشم‌پوشیم یک چنین توهمی وجود داشته. دلائل تاریخی روشنی هم دارد این گمان؛ این گمان باطل، و دلائل جامعه‌شناسی هم دارد.^{۱۹} عده‌ای در جامعه طوری حرف می‌زنند و مشی می‌کنند که تصوّر مردم این‌گونه باشد که بله، بزن و بکوب مسابقه‌ی مادیات است؛

^{۱۷} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۷۵/۱۸/۷

^{۱۸} بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۳/۴/۱۴

^{۱۹} بیانات در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی ۱۳۸۹/۱/۹

هرکه پول بیشتری به دست آورد و استفاده‌ی بیشتری کرد، او بُرده است؛ هرکس استفاده‌ی کمتری کرد، کلاهِش پس معرکه است و عقب‌مانده و بدبخت است قضیه این نیست. این مربوط به قانون جنگل حیوانهای مدرن است بله؛ در نظامهای سرمایه‌داری که دعوا بر سر پول و مادیات است، همین‌طور است- چون معنویتی وجود ندارد- اما در جامعه‌ی انسانی، فضیلت و شرف و آبرو و کرامت انسانی و ارزش معنوی حرف اوّل را می‌زند. البته این بهانه نشود برای اینکه به فکر مادیات و ترمیم معیشت نباشند؛ باید باشند و راهش هم همان چیزی است که عرض کردم: پایه‌های اقتصادی را مستحکم کنند.^{۲۰} این وعده‌ی لایتخلف الهی است. اگر تلاش نکنیم، اگر کوتاهی کنیم، اگر خطوط معنوی و اخلاقی را در پیشرفت مادی به دست فراموشی بسپاریم، البته رحمت الهی از ما سلب خواهد شد. ما باید رحمت الهی را برای خود جلب کنیم.^{۲۱} وقتی معنویت در جامعه وجود ندارد، رفاه اقتصادی هم فایده‌ای نمی‌بخشد؛ تبعیض را برطرف نمی‌کند، عدالت اجتماعی به وجود نمی‌آورد، گرسنگی را ریشه‌کن نمی‌کند و فساد را از بین نمی‌برد.^{۲۲}

۲) عقلانیت

مسئله‌ی بعثت نبی مکرم که زبانهای قاصر و ذهنهای کوتاه ما درباره‌ی آن مطالب زیادی گفته است - و همه گفته‌اند - در واقع یک عرصه‌ی عظیمی است که به این زودیاها بیان ابعاد این حادثه‌ی بزرگ میسر نخواهد بود. هرچه زمان به جلو می‌رود و بشر با تجربه‌های گوناگون، نواقص زندگی خود را، آسیبهای خود را بیشتر ادراک میکند، ابعاد گوناگون و بعثت نبی مکرم بیشتر خود را نشان میدهد. این بعثت در واقع دعوت مردم به عرصه‌ی تربیت عقلانی و تربیت اخلاقی و تربیت قانونی بود. اینها چیزهایی است که زندگی آسوده و رو به تکامل انسان به آنها نیازمند است. در درجه‌ی اول، تربیت عقلانی است. یعنی نیروی خرد انسانی را استخراج کردن، آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن، مشعل خرد انسانی را به دست انسان سپردن، تا راه را با این مشعل تشخیص بدهد و قادر بر طی کردن آن راه باشد؛ این اولین مسئله است؛ و مهمترین مسئله هم

^{۲۰} بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۰/۲/۱۳۸۲

^{۲۱} بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه ۱۸/۲/۱۳۸۴

^{۲۲} بیانات در دیدار مردم ساری ۲۲/۷/۱۳۷۴

همین است. علاوه بر اینکه در درجه‌ی اول در بعثت پیغمبر، مسئله‌ی عقل مطرح شده است، مسئله‌ی دانائی مطرح شده است، در سرتاسر قرآن و تعالیم غیر قرآنی پیغمبر هم، هرچه شما نگاه میکنید، میبینید تکیه‌ی بر عقل و خرد و تأمل و تدبر و تفکر و این گونه تعبیرات است؛ حتی در روز قیامت از زبان مجرمان، قرآن میفرماید: «لو کُنَّا نسمع او نعقل ما کُنَّا فی اصحاب السَّعیر»؛^{۲۳} علت اینکه ما دچار آتش دوزخ شدیم، این است که به عقل خود، به خرد خود مراجعه نکردیم، گوش نکردیم، دل ندادیم؛ لذا امروز که روز قیامت است، به این سرنوشت ابدی تلخ مبتلا شدیم.

در کارنامه‌ی همه‌ی پیغمبران، در زندگی همه‌ی پیغمبران - این مخصوص پیغمبر خاتم هم نیست - دعوت به عقل در درجه‌ی اول است. البته در اسلام این قویتر و روشنتر و واضح‌تر است. لذا امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) در علت بعثت انبیاء میفرماید: «لیستأدوهم میثاق فطرته» تا به اینجا که: «و یشیروا لهم دفائن العقول»؛^{۲۴} گنجینه‌های عقل را، خرد را استخراج کنند. این گنجینه‌ی خرد در دل من و شما هست. اشکال کار ما این است که مثل آن انسانی هستیم که بر روی گنجی خوابیده است، از آن خبر ندارد و از آن بهره نمی‌برد و از گرسنگی میمیرد. وضع ما اینجور است. به عقل وقتی مراجعه نمیکنیم، عقل را حکم وقتی قرار نمیدهیم، عقل را تربیت وقتی نمیکنیم، زمام نفس را به دست عقل وقتی نمی‌سپریم، وضع ما همین است. این گنجینه در اختیار ما هست، اما از آن استفاده نمیکنیم. آن وقت از بی عقلی و از جهل و عوارض فراوان آن دچار مشکلات فراوان زندگی در دنیا و در آخرت میشویم. لذا در حدیثی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و اله و سلم) فرمود: «انَّ العقل عقال من الجهل»؛ عقل عقال جهل است. عقال آن ریسمانی است که به پای حیوان - شتر یا غیر شتر - میبندند که حرکت نکند، قابل کنترل باشد. میفرماید عقل عقال جهل است؛ این پایبندی است که مانع میشود از اینکه انسان با جهالت حرکت کند. بعد میفرماید: «و النَّفس کمثل اخبث الدَّواب»؛ نفس انسان مثل شرورترین حیوانات است؛ مثل شرورترین چهارپایان است؛ نفس این است. «فان لم تعقل حارت»^{۲۵}؛ وقتی این نفس

^{۲۳} ملک: ۱۰

^{۲۴} نهج البلاغه، خطبه‌ی اول

^{۲۵} تحف العقول، ص ۱۵

را عقل نکردید، مهار نکردید، کنترلش را در دست نگرفتید، سرگردان میشود؛ مثل حیوان وحشی ای که نمیداند کجا میرود، سرگردان میشود؛ با این سرگردانی است که مشکلات به وجود می‌آید برای انسان در زندگی شخصی خود، در زندگی اجتماعی خود و برای یک جامعه‌ی انسانی. عقل این است. اولین کار پیامبر مکرم ائاره‌ی^{۲۶} عقل است، برشوراندن قدرت تفکر است؛ قدرت تفکر را در یک جامعه تقویت کردن. این، حلال مشکلات است. عقل است که انسان را به دین راهبرد میدهد، انسان را به دین میکشاند. عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار میکند. عقل است که انسان را از اعمال سفیهانه و جهالت‌آمیز و دل‌دادن به دنیا باز میدارد؛ عقل این است. لذا اول کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد؛ تکلیف ما هم این است. ما هم در جامعه‌ی اسلامی، امروز که خواسته‌ایم نمونه‌ای باشد از جامعه‌ی اسلامی پیامبر مکرم، با همه‌ی ضعفهای ما، با همه‌ی حقارت‌هایی که در ماها هست، در قبال آن عظمت بی‌نظیر پیامبر، اینجور حرکت کردیم، اینجور خواستیم که نمونه‌ای از آن درست کنیم. در این جامعه هم باید عقل معیار باشد، ملاک باشد.^{۲۷}

۳) عدالت

عدل همان معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه حوادث دنیا وجود دارد. یعنی یک موازنه صحیح. عدل این است. یعنی رفتار صحیح؛ موازنه صحیح؛ معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این، معنای عدل است.^{۲۸} در یک نظام اجتماعی، عدل از همه چیزها بالاتر و باارزستر است. عدالت، هدف تشکیل نظامهای الهی و فرستادن پیامبران خداست.^{۲۹} لذا در قرآن، یک هدف بزرگ نبوتها و رسالتها، اقامه عدل معرفی شده است: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس

^{۲۶} تحریک کردن

^{۲۷} بیانات در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۸/۴/۲۹

^{۲۸} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱/۱۱/۱۳۷۱

^{۲۹} بیانات در اجتماع بزرگ مردم اهواز ۱۸/۱۲/۱۳۷۵

بالقسط»^{۳۰} اصلاً انزال کتابهای الهی و ارسال رسل برای این بوده است که قسط و عدل در میان جوامع حاکم شود؛ یعنی نمادهای ظلم و زورگویی و فساد از میان برخیزد^{۳۱} ما کارهای گوناگون [رفاه، سازندگی، توسعه] را برای قسط و عدل می‌خواهیم، برای اینکه در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده‌ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسان‌ها می‌توانند رشد کنند، به مقامات عالی بیشتری برسند و کمال انسانی خود را به دست آورند. قسط و عدل یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است.^{۳۲} عدالت فقط عدالت اقتصادی نیست؛ عدالت در همه‌ی امور و شوون زندگی بسیار دشوار است.^{۳۳} مسئله‌ی عدالت و تعمیم آن به همه‌ی میدانهای قضاوت‌های سیاسی و اجتماعی، جزو افکار و نوآوریهای جمهوری اسلامی در عرصه‌ی سیاسی دنیای امروز است که غرب را به چالش می‌کشد^{۳۴} اگر عدالت تامین شد، حقوق انسان و کرامت بشری هم تامین می‌شود و انسانها به حقوق و آزادی خود هم می‌رسند.^{۳۵}

مبنای فکری مکتب انقلاب اسلامی

اگر از این بحث می‌کنیم که باید آزادی باشد، یا انتخاب و اختیار در جامعه برای مردم وجود داشته باشد، یا هر یک از سیاستهای عمومی و کلی را مورد بحث قرار می‌دهیم، برای هر کدام از اینها مبنایی وجود دارد. همه آنچه که در زمینه برنامه‌ریزیها، خطوط اصلی برنامه‌ها را تشکیل می‌دهد، یک سر این برنامه‌های اصلی وصل است به آبخشور اندیشه اسلامی، جهان‌بینی اسلامی، تلقی و برداشت اسلامی؛ که این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست؛ براساس آن برداشت و آن تلقی است که وظایف خودمان را مشخص می‌کنیم و می‌خواهیم به آنها عمل کنیم. آن مبنای فکری

^{۳۰} حدید ۲۵

^{۳۱} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۲۷/۱۲/۱۳۸۰

^{۳۲} سخنرانی در جمع فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی ۱۳۷۶/۴/۲۵

^{۳۳} بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۲/۰۸/۲۳

^{۳۴} بیانات در دیدار روحانیون استان سمنان ۱۳۸۷/۰۸/۱۷

^{۳۵} بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۲/۰۸/۲۳

چیست؟ به طور کوتاه و خلاصه از این جا باید شروع کنیم و ببینیم که آن خطوط اصلی تلقی و بینش اسلام از کائنات، از عالم و از انسان چیست. البته این مخصوص اسلام هم نیست. همه ادیان - اگر تحریف نشده باشند - در مبنای صحیح و ریشه اصلی خودشان همین بینش را دارند. اسلام سالم و دست نخورده و متکی به منابع متقن، در اختیار ماست. بقیه ادیان ممکن است این خصوصیات را نداشته باشند.

آن مجموعه معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آنها به دست می آید - یعنی جهان بینی و بینش اسلامی - فصول متعددی دارد؛ همه هم در عمل و اقدام فرد و دولت دارای تأثیر است؛ که من پنج نقطه مؤثرتر و مهمتر را انتخاب کرده ام و عرض میکنم.

(۱) توحید

از این پنج نقطه، یکی توحید است. توحید، یعنی اعتقاد به این که این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کهکشانها و سحابیها و حفره های عظیم آسمانی و کرات بیشمار و میلیونها منظومه شمسی بگیری، تا سلول کوچک جزء فلان پیکر، فلان جسم و ترکیب ریز شیمیایی - که آن قدر نظم در این ترکیب عظیم متنوع و پیچیده وجود دارد که هزاران قانون از آن استنباط کرده اند؛ چون وقتی نظم غیرقابل تخلف شد، از آن قوانین تکوینی و بیتخلف استفاده میشود - ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. این اعتقاد امری است که هر ذهن سالم و هر انسان عاقل و صاحب تفکر و دور از شتابزدگی در فکر یا بیحوصلگی در تصمیم گیری یا پیشداوری در قضایا این را قبول میکند. نقطه بعدی این که این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بینهایت و توصیف ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده، فلان بت ساخته بشر، یا فلان انسان محدود مدعی خدایی، یا فلان سمبل و نماد افسانه ای و اسطوره ای نیست؛ بلکه ذات واحد مقتدر لایزالی است که ادیان به او «خدا» میگویند و او را با آثارش میشناسند. بنابراین، هم اثبات این قدرت و اراده و مهندسی پشت سر این هندسه عظیم و پیچیده است؛ هم اثبات این که آن مهندس بی نظیر و غیرقابل توصیف، این چیزهای کوچک دم دست بی ارزشی که بشر یا خودش میسازد، یا مثل خودش کسی آنها را میسازد، یا از قبیل خودش یک موجود زایل شدنی است، نیست؛ بلکه «هوالله

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ^{۳۶}

همه ادیان در این بخش از جهان بینی مشترکند؛ ادیان قدیم، ادیان ابراهیمی، ادیان پیش از ادیان ابراهیمی؛ حتی همین ادیان شرک‌آلود هندی فعلی. اگر کسی وداها را نگاه کند، عرفان توحیدی خالصی در کلمات وداها موج میزند که نشان دهنده این است که سرمنشأ، سرمنشأ شفاف و زلالی بوده است. بنابراین، توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم براساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم.

(۲) انسان محوری

رکن دوم، تکریم انسان است؛ یا میتوانیم به آن بگوییم انسان محوری. البته انسان محوری در بینش اسلامی، به کلی با اومانیسزم اروپای قرون هجده و نوزده متفاوت است. آن یک چیز دیگر است، این یک چیز دیگر است. آن هم اسمش انسان محوری است؛ اما اینها فقط در اسم شبیه همنند. انسان محوری اسلام، اساساً اومانیسزم اروپایی نیست؛ یک چیز دیگر است. «الم تروا انّ الله سخر لكم ما فى السموات و ما فى الارض».^{۳۷} کسی که قرآن و نهج البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این تلقی را به خوبی پیدا میکند که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می‌چرخد. این شد انسان محوری. در آیات زیادی هست که خورشید مسخر شماسست، ماه مسخر شماسست، دریا مسخر شماسست؛ اما دو آیه هم در قرآن هست که همین تعبیری را که گفتیم - «سخر لكم ما فى السموات و ما فى الارض»؛^{۳۸} همه اینها مسخر شمايند - بیان میکند. مسخر شمايند، یعنی چه؟ یعنی الان بالفعل شما مسخر همه‌شان هستيد و نمیتوانيد تأثیری روی آنها بگذاريد؛ اما بالقوه طوری ساخته شده ايد و عوالم وجود و کائنات به گونه‌ای ساخته شده‌اند که همه مسخر شمايند. مسخر یعنی چه؟ یعنی توی مشت شمايند و شما ميتوانيد از همه آنها به بهترین نحو استفاده کنید. این نشان دهنده آن است که این موجودی که خدا آسمان و زمین و

^{۳۶} حشر: ۲۳

^{۳۷} لقمان: ۲۰

^{۳۸} جاثیه: ۱۳

ستاره و شمس و قمر را مسخر او میکند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد. همین عزیز بودن هم تصریح شده است: «و لقد کَرَّمنا بنیآدم». ^{۳۹} این «کَرَّمنا بنیآدم» - بنیآدم را تکریم کردیم - تکریمی است که هم شامل مرحله تشریع و هم شامل مرحله تکوین است؛ تکریم تکوینی و تکریم تشریعی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده؛ یعنی پایه‌ها کاملاً پایه‌های انسانی است.

۳) معاد و زندگی پس از مرگ

سومین نقطه اصلی و اساسی در جهان‌بینی اسلامی، مسأله تداوم حیات بعد از مرگ است؛ یعنی زندگی با مردن تمام نمیشود. در اسلام و البته در همه ادیان الهی - این معنا هم جزو اصول جهان‌بینی است و تأثیر دارد. همان‌طور که گفتیم، تمام این اصول جهان‌بینی، در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه‌های حکومت اسلامی و اداره جامعه و اداره عالم مؤثر است. بعد از مرگ، ما وارد مرحله جدیدی میشویم. این‌طور نیست که انسان نابود شود؛ از جوی جستن و رفتن به یک مرحله دیگر است؛ و بعد در آن مرحله، مسأله حساب و کتاب و قیامت و این چیزهاست.

۴) استعداد بی‌پایان انسان در تعالی و کمال

چهارمین نقطه اصلی این جهان‌بینی، عبارت است از استعداد بی‌پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند. در آیه شریفه «لقد خلقنا الإنسان فی احسن تقویم» ^{۴۰}، «احسن تقویم» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ این که مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی نیز همین‌طور است. در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری‌ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد؛ تا آن جایی میرود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست؛ یعنی میتواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه اینها بالاتر برود.

^{۳۹} اسراء: ۷۰

^{۴۰} تین: ۴

اگر بشر بخواهد این سیر را داشته باشد، جز با استفاده از امکانات عالم ماده ممکن نیست. این هم جزو مسلمات است؛ لذا میگوید «خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً».^{۴۱} بنابراین سیر تعالی و تکاملی انسان در خلا نیست؛ با استفاده از استعدادهای ماده است؛ بنابراین با هم سیر میکنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی او اثر میگذارد، او در شکوفایی این اثر میگذارد و پیشرفتهای شگفت آور را به وجود میآورد.

۵) حرکت عالم به سمت حاکمیت حق

آخرین نقطه‌ای که در این زمینه از بینش اسلامی عرض میکنم، این است که از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بروبرگرد هم ندارد. همان طور که یک بار به اشاره گفتم - و الان هم جز به اشاره نمیتوانم بگویم، چون مجال تفصیل نیست - همه انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی‌ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش میتواند بروز کند. انبیا و اولیا این مردم گمگشته را مرتب از این کوه و کمر و دشتهای و کویرها و جنگلها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولیعصر ارواحنافداه محقق خواهد شد؛ لیکن همه این تلاشها اصلاً براساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما بروبرگرد ندارد. قطعاً این طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه میکنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان‌بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.

وظایف ما بر اساس مبانی اسلامی و انقلابی:

حال براساس اینها یک نتایج عملی به دست می‌آید و وظایفی برعهده انسانهایی که معتقد به این مبانی اند، قرار میگیرد. فرق نمیکنند؛ چه حکومت اسلامی باشد و حاکمیت و قدرت در دست اهل حق باشد، چه حکومت اسلامی نباشد - این وظایفی که عرض می‌کنم، در هر دو حالت بر دوش یکایک انسانها هست. این وظایف چیست که اینها نتایج عملی آن بینش است؟

(۱) عبودیت و اطاعت خداوند

چون عالم مالک و صاحب و آفریننده و مدبّر دارد و ما هم جزو اجزاء این عالمیم، لذا بشر موظف است اطاعت کند. این اطاعت بشر به معنای هماهنگ شدن او با حرکت کلی عالم است؛ چون همه عالم «يَسْبَحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ»^{۴۲}؛ «قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»^{۴۳} آسمان و زمین و ذرات عالم، دعوت و امر الهی را اجابت میکنند و بر اساس قوانینی که خدای متعال در آفرینش مقرر کرده است، حرکت میکنند. انسان اگر برطبق قوانین و وظایف شرعی و دینی که دین به او آموخته است - عمل کند، هماهنگ با این حرکت آفرینش حرکت کرده؛ لذا پیشرفتش آسانتر است؛ تعارض و تصادم و اصطکاکش با عالم کمتر است؛ به سعادت و صلاح و فلاح خودش و دنیا هم نزدیکتر است. البته عبودیت خدا با معنای وسیع و کامل آن مورد نظر است؛ چون گفتیم توحید، هم اعتقاد به وجود خداست، هم نفی الوهیت و عظمت متعلق به بتها و سنگها و چوبهای خودساخته و انسانهای مدّعی خدایی و انسانهایی که اسم خدایی کردن هم نمی‌آورند، اما میخواهند عمل خدایی کنند. پس در عمل، دو وظیفه وجود دارد: یکی اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار عالم، و دوم سرپیچی از اطاعت «انداذ الله»؛ هر آن چیزی که میخواهد در قبال حکمروایی خدا، بر انسان حکمروایی کند. ذهن انسان فوراً به سمت این قدرتهای مادی و استکباری می‌رود؛ البته اینها مصادیقش هستند؛ اما یک مصداق بسیار نزدیکتر دارد و آن، هوای نفس ماست. شرط توحید، سرپیچی کردن و عدم اطاعت از هوای نفس است.

^{۴۲} حشر: ۲۴

^{۴۳} فصلت: ۱۱

۲) هدف گرفتن تعالی انسان

تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی - یعنی جامعه تعالی پیدا کند - و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظفند برای این چیزها تلاش کنند: گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خُلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری - نه فقط جنبه‌های معنوی و علمی و اخلاقی یک فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است - و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسانها، و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتع هر چه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره حکومت غیر خدا هم این وظیفه وجود دارد.

۳) ترجیح فلاح و رستگاری آخروی بر سود دنیوی

این هم یکی از وظایف عملی هر انسانی است که معتقد به آن جهان بینی است. یعنی اگر در موردی پیش آمد که یک سود دنیوی در جهت هدفهای آخروی قرار نگرفت، تا آن جایی که ممکن است، انسان باید سعی کند این سود دنیوی را در جهت هدفهای آخروی قرار دهد. اگر یک جا با هم سازگار نبود، انسان یا بایستی از یک سود چشم ببوشت - چه سود مالی، چه سود قدرت و مقام و محبوبیت و... - یا بایستی گناهی را مرتکب شود که موجب وزر آخروی است. لازمه اعتقاد به آن جهان بینی این است که انسان جنبه آخروی را ترجیح دهد؛ یعنی از آن سود صرف نظر کند و آن گناه را مرتکب نشود. برعهده هر مسلمانی است که این گونه عمل کند. انسان باید فعالیتهای خودش را برنامه ریزی کند؛ به نحوی که با تلاشهای عظیم دنیوی که ناگزیر است آنها را انجام دهد، منافاتی پیدا نکند و برخلاف فلاح آخروی و وظایفی که تخلف از آنها ممکن است در آخرت برای انسان وزر و وبال به بار آورد، نباشد.

۴) اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه

یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی - چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع؛ که حکومت و یا یک قدرت باشد - این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تنبلی

و بی‌عملی و بیتعهدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد، اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ میگوید به ما چه کج رویهای برخاسته از هوس نیز همین‌طور است. انسان به اینها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تنبلی و بی‌عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی‌سبیل‌الله باشد.

۵) امید به پیروزی در همه شرایط

کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و نا کامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی‌سبیل‌الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی‌سبیل‌الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی‌سبیل‌الله چیست؟ این است که انسان به سبیل‌الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین میتواند در راه آن مجاهدت کند.^{۴۴}

^{۴۴} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹/۱۲/۲۹

مرور در یک نگاه فصل دوم بخش اول

فصل دوم :		بخش اول : اصول و مبانی معرفتی	
مبانی و نظام اقتصاد جامعه اسلامی			
۱	ضرورت مراجعه به فکر و اندیشه اسلامی:		
	یکی از نتایج یا حواشی حوادث منطقه‌ی ما - که بالاتر از حواشی است - غلط از آب درآمدن تئوری‌های غربی است. همه‌ی تئوری‌های اینها در زمینه‌ی اقتصاد - که حالا وضع اقتصادی‌شان را دارید مشاهده میکنید - در زمینه‌ی سیاست، اداره‌ی سیاسی آنها، مدیریت سیاسی آنها، اینجور دارد در این منطقه به گل می‌نشینند. بعد از این همه کاری که در این منطقه کردند و نفوذی که پیدا کردند، حضور سیاسی و اقتدار سیاسی آنها اینجور دارد ناپود میشود. اینها نشان میدهد که تئوری‌پردازی‌های غربی در زمینه‌ی سیاست، در زمینه‌ی اقتصاد، تئوری‌های ناقص و عقیم و بی‌خاصیتی است؛ ما را بیشتر تشویق میکند که برویم به درون خودمان مراجعه کنیم و فکر اسلامی و اندیشه‌ی اسلامی را پیدا کنیم . ۱۳۹۰/۶/۲		
۲	شاخصه های اسلام ناب محمدی ۱۳۹۰/۳/۱۴	۱	معنویت
		۲	عقلانیت
		۳	عدالت
وقتی معنویت در جامعه وجود ندارد، رفاه اقتصادی هم فایده‌ای نمی‌بخشد؛ تبعیض را برطرف نمی‌کند، عدالت اجتماعی به وجود نمی‌آورد، گرسنگی را ریشه‌کن نمی‌کند و فساد را از بین نمی‌برد 1374/22/7			
در کارنامه‌ی همه‌ی پیغمبران، دعوت به عقل در درجه‌ی اول است. ۱۳۸۸/۴/۲۹			
در یک نظام اجتماعی، عدل از همه چیزها بالاتر و باارزشتر است. عدالت، هدف تشکیل نظامهای الهی و فرستادن پیامبران خداست. ۱۳۷۵/۱۲/۱۸			
۳	مبانی فکری مکتب انقلاب اسلامی ۱۳۷۹/۹/۲۹	۱	توحید
		۲	انسان محوری و کرامت انسان
		۳	معاد و زندگی پس از مرگ
		۴	استعداد بی پایان انسان در تعالی کمال
		۵	حرکت عالم به سمت حاکمیت حق
۴	وظایف ما بر اساس این مبانی فکری ۱۳۷۹/۹/۲۹	۱	عبودیت و اطاعت خدا
		۲	هدف گرفتن تعالی انسان
		۳	ترجیح فلاح و رستگاری اخروی
		۴	تلاش و مبارزه و جهاد
		۵	امید به پیروزی در هر شرایط

بخش دوم: نظام اقتصاد در جامعه اسلامی

اهمیت و جایگاه اقتصاد در اسلام

در مورد آنچه مربوط به امت اسلامی و مربوط به کل مسلمانها است، دو نکته باید مورد توجه قرار بگیرد که درباره‌ی آن مختصری صحبت میکنیم. یکی مسئله‌ی اداء حق جامعیت اسلام است - اسلام دین جامعی است و باید حق این جامعیت را اداء کرد؛ این یک مسئله است - یک مسئله هم مسئله‌ی اتحاد مسلمین است؛ این دو مسئله جزو مسائل مهم روز ما است؛ البته مسائل روز، متعدّد داریم که اینها هم جزو مهم‌ترینش است...

آنچه اسلام مطرح میکند، این است که عرصه‌ی فعالیت این دین، تمام گستره‌ی زندگی بشر است؛ از اعماق قلب او تا مسائل اجتماعی، تا مسائل سیاسی، تا مسائل بین‌المللی، تا مسائلی که به مجموعه‌ی بشریت ارتباط دارد. در قرآن، این معنا واضح است؛ یعنی اگر کسی این قضیه را انکار کند، قطعاً به بینات قرآن توجه نکرده...

در احکام مالی، یک جا میفرماید: وَ يُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ^۱، که یک امر شخصی [است]، و یک جای دیگر میفرماید: كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ^۲، یعنی [تقسیم درست ثروت که مسئله‌ی صد درصد اجتماعی [است]؛ یا میفرماید که «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۳؛ اصلاً انبیا و اولیا و همه آمده‌اند برای اقامه‌ی قسط، برای اقامه‌ی عدل. یک جا میفرماید: وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا^۴، یک جا میفرماید: خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا^۵؛ یعنی همه‌ی گوشه و کناره‌های مسائل مالی را به شکل آن فکر کلی و نظر کلی و هدایت کلی [بیان میکند]؛ که البته اینها باید برنامه‌ریزی بشود در عمل؛ اما کلیات و جهت‌گیری، اینهایی است که بیان میکند. یعنی اسلام در همه‌ی این مسائل دارای نظر است.^۶

^۱ سوره مبارکه الحشر آیه ۹- کسانی که از بخل و حرص نفس خویش بازداشته شده اند رستگارانند

^۲ سوره مبارکه الحشر آیه ۷- این حکم برای آن است که غنایم، دولت توانگران را نیفزاید (بلکه به مبلغان دین و فقیران اسلام تخصیص یابد)

^۳ سوره مبارکه الحديد آیه ۲۵- تا مردم به راستی و عدالت گرایند

^۴ سوره مبارکه نساء آیه ۵- اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گوید.

^۵ سوره مبارکه التوبه آیه ۱۰۳- تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و

پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی

^۶ بیانات در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی و جمعی از مسئولان نظام ۱۴۰۰/۰۸/۰۲

پرداختن به امور اقتصادی مردم جزو واجبات حکومتهاست. پیغمبر اکرم(ص) - طبق روایت - فرمود: « کاد الفقر ان یکون کفرا».^۷ مضمون این حرف، آن است که ما آمده ایم به مردم ایمان بدهیم؛ اگر نتوانی نشان را به راحتی به دستشان برسانی، ایمانشان از آنها گرفته خواهد شد. واقع قضیه هم همین است. مسأله فقرزدایی و روان کردن کار اقتصادی در کشور، از جمله مسائل بسیار مهم است.^۸

پایه های کلان نظام اقتصاد اسلامی

(۱) افزایش ثروت ملی

(۲) توزیع عادلانه و رفع محرومیت در درون جامعه ی اسلامی

ما وقتی به صورت کلان به زمینه ی اقتصاد اسلامی نگاه می کنیم، دوتا پایه ی اصلی مشاهده می کنیم. هر روش اقتصادی، هر توصیه و نسخه ی اقتصادی که این دو پایه را بتواند تأمین کند، معتبر است. هر نسخه ای هرچه هم مستند به منابع علی الظاهر دینی باشد و نتواند این دو را تأمین کند، اسلامی نیست.

این دوتا باید تأمین بشود. و اولی، شرط دومی است. اگر تولید ثروت نشود؛ اگر ارزش افزوده در کشور بالا نرود، ما نمی توانیم محرومیت را برطرف کنیم؛ نخواهیم توانست فقر را برطرف کنیم. بنابراین هر دوتا لازم است. شما که متفکر اقتصادی هستید و پایبند به مبانی اسلامی، طرحتان را بیاورید؛ باید این دوتا در آن طرح تأمین بشود. اگر این دو در آن طرح تأمین نشد، آن طرح اختلال دارد؛ ایراد دارد.^۹ طبق آیه ی قرآن که فرمود: «و نرید أن نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین»^{۱۰}، انسان می فهمد جهت حرکت کلی ادیان الهی، به

^۷ الخصال ۱۲

^۸ بیانات در خطبه های نماز جمعه ی تهران ۱۳۸۰/۲/۲۸

^۹ بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰

^{۱۰} قصص آیه ۵- ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم!

سمت رفع استضعاف و محرومیت است. این است که اسلام و پرچم دین را، از پرچمهای فرهنگها و تمدنها و ایدئولوژی‌ها و مکاتب گوناگون، به کلی متمایز می‌کند: سعی برای طبقه‌ی محروم... اسلام می‌خواهد محرومیت از روی زمین و بخصوص در جوامع اسلامی، برداشته شود. آنجا که دین خدا حاکم است، باید محرومیت نباشد. انسانها باید از مواهب الهی برخوردار شوند، تا بتوانند در یک محیط مناسب و مساعد، خود را به کمال برسانند. عدل در جامعه باید مستقر شود. این، شعار اسلام است و شعاری است که دنبال آن، عمل است و شعاری است که برای توده‌های مظلوم و محروم عالم، دارای جاذبه است. نه مثل آن سوسیالیستها و کسانی که دم از طرفداری از محرومین می‌زدند؛ اما هفتاد سال کشورها و ملتها و جوامع را معطل کردند و روز به روز آن‌ها را عقبتر راندند.^{۱۱}

در نظامهای سرمایه‌داری، اساس، رشد اقتصادی و شکوفایی اقتصادی و ازدیاد و تولید ثروت است. هر که بیشتر و بهتر تولید ثروت کند، او مقدم است. آن‌جا مسأله این نیست که تبعیض یا فاصله پیش آید. فاصله در درآمدها و نداشتن رفاه جمع‌کثیری از مردم، نگرانی نظام سرمایه‌داری نیست. در نظام سرمایه‌داری، حتی تدابیری که ثروت را تقسیم کند، از نظر نظام سرمایه‌داری، تدابیر منفی و مردودی است. نظام سرمایه‌داری می‌گوید: «معنی ندارد که ما بگوییم ثروت جمع کنید تا آن را از شما بگیریم تقسیم کنیم این معنی ندارد. این که شکوفایی نخواهد شد» نظام اسلامی این‌گونه نیست. نظام اسلامی معتقد به یک جامعه ثروتمند است، نه یک جامعه فقیر و عقب‌مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، مسأله اول نیست. آنچه در درجه اول است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. هر کس برای خودش امکاناتی فراهم کرد، متعلق به خود اوست. اما آنچه که عمومی است - مثل فرصتها و امکانات - متعلق به همه کشور است و باید در اینها تبعیضی وجود نداشته باشد. معنی ندارد که یک نفر پای خود را بگذارد روی دوش مأمورین دولتی و با ترفند و خدای ناکرده با اعمال روشهای غلط، امتیاز بگیرد، رشدی افسانه‌ای بکند و بعد بگوید: «آقا، من ثروت را خودم به دست آورده‌ام.» در نظام اسلامی، چنین

^{۱۱} بیانات در دیدار مردم استان چهارمحال و بختیاری ۱۳۷۱/۷/۱۵

چیزی را نداریم. ثروتی که بر پایه صحیحی نیست، از اصل نامشروع است. ما با نظام سوسیالیستی هم، به همین اندازه فاصله داریم. نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم میگیرد؛ ابتکار و میدان را میگیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن متعلق میکند. این، غلط اندر غلط است. در اسلام، چنین چیزی نداریم. نه آن را داریم، نه این را. هم آن غلط است، هم این. نظام اقتصاد اسلامی، درست است. این طور نیست که نظام اقتصادی اسلامی، عبارت باشد از هر چه که در هر دوره‌ای مصلحت باشد. نخیر نظر شریف امام رضوان الله علیه هم این نبود. من خودم یک وقت از ایشان پرسیدم. اسلام یک روش خاص خود دارد. مسلکی در مسائل اقتصادی جامعه اسلامی دارد و آن مسلک را طی میکند. اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. البته ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه‌ریزان باید این باشد. سازمان برنامه و برنامه‌ریزان کشور، با این سیاست کلی و بر این اساس باید برنامه‌ریزی کنند^{۱۲}

سازوکارهای نظام اقتصادی در اسلام:

(الف) سازوکارهای حقوقی و اخلاقی

(ب) سازوکارهای توزیع ثروت و برقراری عدالت اجتماعی

(ج) سازوکار اقتصاد سیاسی بین الملل در اسلام

(الف) بیان برخی مفاهیم مهم و سازوکارهای حقوقی و اخلاقی:

(۱) مفهوم پیشرفت در اسلام

پیشرفت در منطق اسلام، متفاوت است با پیشرفت در منطق تمدن مادی غرب. آنها یک بُعدی می‌بینند، آنها با یک جهت - جهت مادی - به پیشرفت نگاه میکنند. پیشرفت در نظر آنها، در

^{۱۲} بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری ۱۳۷۲/۵/۱۲

درجه‌ی اول و به عنوان مهمترین، عبارت است از پیشرفت در ثروت و پیشرفت در علم و پیشرفت نظامی و پیشرفت فناوری. پیشرفت در منطق غربی اینهاست؛ اما در منطق اسلامی، پیشرفت ابعاد بیشتری دارد: پیشرفت در علم، پیشرفت در اخلاق، پیشرفت در عدالت، پیشرفت در رفاه عمومی، پیشرفت در اقتصاد، پیشرفت در عزت و اعتبار بین‌المللی، پیشرفت در استقلال سیاسی - اینها همه در مفهوم پیشرفت، در اسلام گنجانده شده است - پیشرفت در عبودیت و تقرب به خدای متعال؛ یعنی جنبه‌ی معنوی، جنبه‌ی الهی؛ این هم جزو پیشرفتی است که در اسلام هست و در انقلاب ما هدف نهائی ماست: تقرب به خدا. هم «دنیا» در این پیشرفتی که مورد نظر است، ملحوظ شده است، هم «آخرت». اسلام به ما آموخته است که «لیس منا من ترک دنیاہ لأخرتہ و لا آخرتہ لدنیاہ»؛ دنیا را برای آخرت نباید ترک کرد، همچنان که آخرت را نباید فدای دنیا کرد. در یک روایتی میفرماید: «اعمل لدنیاک کأنک تعیش ابدًا»؛ یعنی برنامه‌ریزی دنیا را فقط برای چند روزه‌ی زندگی خودت نکن؛ برای پنجاه سال برنامه‌ریزی کن. این را مسئولان کشور، مسئولان برنامه‌های عمومی مردمی باید مورد توجهشان قرار بدهند. نگوئیم ما که معلوم نیست پنجاه سال دیگر زنده باشیم، چرا برنامه‌ریزی کنیم. خیر، جوری برنامه‌ریزی کن که گوئی بناست تا آخر دنیا زنده باشی؛ همچنان که اگر برای خودت و به نفع خود بخواهی برنامه‌ریزی کنی، با چه جدیت و دقتی میکنی، برای نسلهای آینده هم که تو در آن وقت نیستی، همان جور برنامه‌ریزی کن؛ «اعمل لدنیاک کأنک تعیش ابدًا». نقطه‌ی مقابل هم: «و اعمل لأخرتک کأنک تموت غدا»؛ برای آخرت هم جوری عمل کن، مثل اینکه فردا بناست از این دنیا بروی. یعنی هم برای دنیا سنگ تمام بگذار، هم برای آخرت سنگ تمام بگذار. پیشرفت اسلامی، پیشرفت در منطق انقلاب، یعنی این؛ یعنی همه‌جانبه^{۱۳}

۲) مفهوم آزادی اقتصادی در اسلام

این بحث یکی از آن بحثهای بسیار مهم و ضمناً بسیار حساس است و شاید بشود گفت که در طول این بیست سی سال گذشته که مسائل اسلامی و تفکرات نوین قرآنی در میان قشرهای روشنفکر اسلامی و بتدریج در بین مردم منتشر شده است، یکی از آن بحثهای حاد و پر جنجال محیط

^{۱۳} بیانات در اجتماع مردم بجنورد ۱۳۹۱/۷/۱۹

ما و محیط کارهای فکری ما بوده است. از مسئله‌ی آزادی اقتصادی در اسلام سوء استفاده‌های زیادی هم شده است. از طرفی طرفداران مکاتب چپ سوء استفاده کردند و گفتند اسلام طرفدار اقتصاد آزاد است و بنابراین طرفدار استثمار است و اسلام را به این بهانه کوبیدند. عده‌ای از افرادی که مایل بودند از اسلام دفاع کنند، اما تفکر عمیق اسلامی را هم درست نمی‌دانستند، آنها هم سوء استفاده یا اشتباه کردند، از ترس حمله‌ی گروه‌های چپ بکلی آزادی فعالیت اقتصادی در اسلام را نفی کردند و منکر شدند که در اسلام چیزی به نام آزادی اقتصادی وجود دارد. یک عده هم عملاً سوء استفاده کردند؛ یعنی در سایه‌ی آزادیهای اقتصادی در اسلام جیبهای خودشان را پر کردند و چه پیش از پیروزی انقلاب که البته نظام آن روز این را بیشتر تشویق میکرد و چه حتی بعد از پیروزی نظام اسلامی از آزادیهای که بود، سوء استفاده کردند و بر ثروتها و اندوخته‌ها و سوء استفاده‌های خودشان هرچه خواستند، افزودند^{۱۴}

اگر ما می‌گوئیم و معتقدیم که آزادی اقتصادی در اسلام هست، این آزادی اقتصادی به هیچ وجه نباید تشبیه بشود به آزادی اقتصادی در دنیای سرمایه‌داری غرب. دو نوع چیز، دو نوع آزادی، دو نوع تلاش اقتصادی وجود دارد؛ آنچه که امروز در غرب هست که من مقداری بیشتر شرح خواهم داد، مورد قبول اسلام نیست و سرمایه‌داری به معنای غربی آن، به هیچ وجه از نظر اسلام امضا و تأیید نشده، بلکه حتی با آن مبارزه و مقابله‌ی جدی هم در احکام فراوان صورت گرفته. این اولین نکته که هم کسانی که مایلند راجع به این مسئله فکر کنند و هم کسانی که سخنانی را در زمینه‌ی اقتصاد آزاد و مالکیت خصوصی می‌شنوند، از اول این را بدانند که آنچه در باب اسلام گفته میشود، الگوی آن در نظام کاپیتالیستی غربی و سرمایه‌داریهای موجود دنیا نیست؛ آن چیز دیگری است و این چیز دیگری^{۱۵}.

^{۱۴} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۷/۲

^{۱۵} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۷/۲

۳) مفهوم مردم محوری اقتصاد اسلامی

در اقتصاد آزاد اسلامی به مقتضای آزادی اقتصادی، مسئولیت امور اقتصادی جامعه و سنگینی بار امور اقتصادی جامعه هم بر دوش مردم است. در کشورهای سوسیالیستی اینجوری نیست؛ در کشورهای سوسیالیستی و در نظام دولت‌سالاری که دولت همه‌ی کارخانجات، زمینها و دستگاه‌های تولید ثروت را و تولید را در اختیار دارد، مردم کارمندان دولت هستند، از مردم توقعی نمیشود داشت. مردم برای کار مثلاً جنگ یا ویرانی یا زلزله یا بیماری اگر در جامعه به وجود آمد، کارمندان دولتند، چه کار میتوانند بکنند؟ مگر تن خودشان را بیاورند مصرف کنند. اما در نظام اسلامی اینجوری نیست، انفاق و دادن مال و اداره‌ی امور نیازهای اقتصادی و پر کردن خلأهای اقتصادی مستقیماً بر دوش ملت و مردم است و آحاد مردمی است که کارهای اقتصاد جامعه و فعالیت آزاد اقتصادی را در جامعه دارا هستند. این یک اصل اسلامی است؛ در جامعه‌ی اسلامی یک حادثه‌ای رخ میدهد که دولت احتیاج پیدا میکند به پول؛ این پول را مردم باید تأمین کنند. جنگی در جامعه پیش می‌آید، ویرانی‌ای پیش می‌آید، بیماری‌ای پیش می‌آید، حادثه‌ی فوق‌العاده‌ای پیش می‌آید، نظر اسلام این است که مردم باید به قدر وسع و توانائی خودشان این خلأ را پر کنند. البته چون همه‌ی مردم در یک سطح نیستند، آن کسانی که بهره‌مندی بیشتری دارند، امکانات بیشتری دارند، تکلیف بیشتر بر عهده‌ی آنهاست و این یک نکته‌ای است که مردم ما و جامعه‌ی اسلامی ما باید به آن توجه کافی و لازم را معطوف کند.^{۱۶}

۶) حدود شرعی در اقتصاد اسلامی

فعالیت اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی گفتیم آزاد است؛ اما نه آزاد مطلق، حدودی دارد، مرزهایی دارد، این مرزها - که طبیعی هم هست که هر گونه حرکت و فعالیت آزادی بالاخره یک حدودی داشته باشد - در مکتب اسلام مرزهای بخصوصی است. در جوامع سوسیالیستی هم یک نوع مرز برای داشتن مال و ثروت هست؛ آن مرزها با مرزهای اسلامی متفاوت است. در جامعه‌ی اسلامی مرز فعالیت آزاد همان چیزهایی است که به صورت کسبه‌های حرام و تصرفات حرام در مال در کتب

^{۱۶} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۷/۲

فقهیه معین و مشخص شده. یعنی معامله‌ی ربوی حرام است، معامله‌ی ناشی از غرر و جهالت حرام است، معامله‌ای که در آن فریب کسی باشد حرام است، معامله‌ای که در آن اضرار بر دیگران باشد ممنوع و حرام است، معامله‌ای که ناشی از درآمدهای نامشروع باشد حرام است، احتکار که موجب ثروتمندی بعضی میشود و معاملات ناشی از آن حرام است و از این قبیل چیزهایی که در شرع مقدس اسلام هست که اینها حدود معامله‌گری و فعالیت آزاد اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی است. بعضی از اجناس و اشیاء، معامله‌ی آنها حرام است. مثلاً خمر یا چیزهای حرام و نجس در مواردی - غیر از موارد استثنائی - معامله‌ی آنها حرام است. یا بعضی از اموالی که متعلق به شخص نمیشود و متعلق به دولت اسلامی است مثل انفال، معامله‌ی آنها، جز در یک مورد استثنائی، برای افراد و برای بخش خصوصی، حرام است. و از این قبیل مواردی هست در فقه اسلام که روشن و واضح و معین کرده که این فعالیت آزاد شما ولو آنجائی که نظارت و کنترل دولت هم آن را منع نمیکند، تا کجا جایز است و تا کجا جایز نیست و ممنوع و حرام است.

در مکتب سوسیالیسم و مکاتب برخاسته‌ی از تفکر مارکسیستی حدودی برای مالکیت خصوصی هست، اما آن حدود غیر از حدود اسلامی است. آنجا مثلاً مالکیت ابزار تولید ممنوع است، یعنی هیچ یک از افراد نمیتوانند آن چیزی را که وسیله‌ی تولید هست، مثل زمین، مثل کارخانه و از این قبیل را مالک باشند؛ این در اسلام با این کلیت و به این شکل نیست. داشتن ابزار تولید در صورتی که با شرایطی که در اسلام و در فقه اسلامی ذکر شده و اشاره شد منطبق باشد، از نظر اسلام مانعی ندارد. یا در بعضی از اشکال، مالکیت زمین اشکال دارد، در بعضی از اشکال مالکیت زمین هم ایرادی ندارد. بنابراین حدودی که در اسلام برای مالکیت و برای فعالیت اقتصادی ذکر شده، با حدود مکاتب دیگر اشتباه نباید بشود. اینی که بعضی مشاهده میشود که چون دیدند و فهمیدند که اسلام برای فعالیت اقتصادی حدودی را معین کرده، ذهنشان فوراً به حدود مارکسیستی و سوسیالیستی میرود و خیال میکنند که همان چیزهایی که در عرف تفکرات مارکسیستی هست، اینجا هم وجود دارد؛ نه، این غلط و ناشی از کج فهمی است؛ ناشی از عدم توجه به احکام و فقه اسلامی است. در مکاتب ناشی از مارکسیستی، این سوسیالیسمهایی که امروز در دنیا رایج است و شکل و قالب نظام حکومتی در کشورهای سوسیالیستی است - که البته اینها هم با هم تفاوت‌هایی دارند و همه یک جور نیستند - کلاً معامله‌گری و خرید و فروش و بیع

یک چیز محکوم و یک عمل ضد ارزش تلقی شده؛ در اسلام اینجور نیست. در اسلام خریدن، فروختن، معامله‌گری کردن، با سرمایه کار کردن، ممنوع نیست. در حالی که در آن مکاتب خریدن، فروختن، برای خود، برای کسی که سرمایه‌ای دارد، آن سرمایه کم باشد یا زیاد باشد، ممنوع است. البته بگذریم از اینکه همین کشورهای بزرگی که امروز با آن مکتب اداره میشوند، مجبور شدند تجدیدنظرهائی را در شکل اداره‌ی اقتصادی در جامعه‌ی خودشان به وجود بیاورند و بخشهائی را به فعالیت آزاد اقتصادی اختصاص بدهند که این ضرورت و ناگزیری بود که بر آنها تحمیل شد. اما کلاً در تفکر مارکسیستی خریدن و فروختن و معامله‌گری یک نوع دلالتی زشت و بد و نامطلوب است؛ در اسلام اینجور نیست. در اسلام داریم که: «احل الله البيع و حرم الزبا»^{۱۷}؛ خرید و فروش، معامله‌گری، کاسبکاری در صورتی که با موازین اسلامی منطبق باشد، توش حرام نباشد، توش کم‌فروشی نباشد، توش ربا نباشد، توش خرید و فروش اجناس ممنوعه نباشد، هیچ اشکالی ندارد و کاسب بودن، بازاری بودن یک فحش نیست که بعضی حالا خیال میکنند اگر به کسی گفتند فلانی کاسبکار است یا تاجر است یا بازاری است، این یک تهمت و دشنامی است. نه، این هم یک افراطی است که در برخی از عناصر که حقیقتاً غرضی هم غالباً ندارند و از تفکرات اسلامی بی اطلاع هستند، در زبان اینها رایج شده. از اول انقلاب هم ما توجه داشتیم، این را اول گروهکها به وجود آوردند. «بازاری» شد یک فحش، «حاج بازاری» شد یک اهانت؛ فلانی ولش کن، بازاری است؛ یا: حاج بازاربها هر چی گفتند، شما مثلاً فرض کنید که تکرار میکنید؛ این شد یک اهانت و یک دشنام. در حالی که نه، حاج بازاری هم دو جور است: یک حاج بازاری مؤمن متدین خوب انقلابی علاقه‌مند؛ یک آدم ناباب ناجور هم در کنار او، او هم ممکن است که کاسب و معامله‌گر و بازاری باشد. بازاری بودن جرم نیست؛ این طبق تفکر مارکسیستی است که کاسب بودن و معامله‌گری کردن و خرید و فروش کردن با سرمایه‌ی شخصی را یک گناه میدانند، یک جرم میدانند، یک نوع دلالتی موجب بالا رفتن قیمت میدانند، یک خیانت به طبقات مستضعف میدانند، از نظر اسلام چنین چیزی نیست. وقتی که اصل معامله‌گری و خرید و فروش و کسب و کار ممنوع نبود، آنوقت باید ببینیم حدودش چیه؟ البته بعضی از این آزادی خرید و فروش و معامله‌گری

^{۱۷} بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۳۹

استفاده کردند که آن روز هم عرض کردم و با استفاده از آزادیهای که در اسلام داده شده با چپاول - حقیقتاً چپاول و دزدی - کیسه‌های خودشان را پر کردند. این از نظر اسلام ممنوع است؛ اما نفس معامله کردن، خریدن، فروختن، جنسی را از جایی به جایی بردن و معامله کردن که عرفاً به آن تجارت میگویند یا اینکه جنسی را تهیه کردن و به مشتری فروختن، اینها هیچ اشکالی ندارد از نظر اسلام، هیچ مانعی ندارد.

و من می‌خواهم تذکر بدهم به برخی از برادران ناآگاه و ناآشنا به معارف اسلامی که ذهنیت خودشان را تصحیح کنند. اینجور نباشد که خیال کنند بازاری یعنی یک عمل خلاف، یک جرم، یک کاری که ضد ارزش هست. نه، اینجور نیست. ما در دوران انقلاب هم، در دوران اوج نهضت و شروع نهضت و آغاز پیدایش نهضت هم دیدیم که کسبه و بازاریها بزرگترین خدمت را آن روز به انقلاب کردند. شما تاریخچه‌ی انقلاب را اگر خودتان نبودید، نگاه کنید، مطالعه کنید، یا اگر بودید، در خاطرتان مرور کنید، خواهید دید از اول همین کسبه‌ی معمولی و همینهای که توی بازارها و خیابانها مغازه داشتند، همینها بودند که به حرکت انقلاب کمک کردند. بله یک عده پولدارهای بزرگ، معامله‌گرهای بزرگ، افرادی که هیچ حدی را برای کار خودشان نمیشناسند که غالباً هم آنها از این طبقه‌ی متوسط و معمولی بازاریها نبودند، طبقات دیگری بودند، خیلی از آنها روشنفکرهای از فرنگ برگشته و تحصیل کرده‌ای بودند که آمده بودند با استفاده از زرنگی و سواد و آگاهی خودشان، شرکتها به ثبت داده بودند، به وجود آورده بودند، کارخانه‌ها تولید کرده بودند، از بانکها وامهای غیر منصفانه گرفته بودند، ثروتهای زیادی داشتند، به خدا و دین و هیچی هم اعتقاد نداشتند، بیشترین ضربه را هم به اقتصاد جامعه آنها زدند. امروز هم کم و بیش، گوشه و کنار اینجور آدمهای زرنگِ خدانشناسِ دین‌شناس در حقیقت ضد انقلاب وجود دارند که البته با اینها بایستی مبارزه بشود. این یک بحث است، اینی که خود معامله کردن و کسب و کار یک جرم باشد، یک خلاف باشد، یک ضد ارزش باشد، این یک بحث دیگر است؛ چنین چیزی در اسلام وجود ندارد. بنابراین ما به طور خلاصه در این نکته‌ی آخر این را می‌گوئیم که آن حدودی که برای

کسب و کار آزاد در اسلام معین شده، غیر از آن حدودی است که در مارکسیست معین شده و بایستی این را از هم تفکیک کرد و از هم جدا کرد.^{۱۸}

۷) نقش عقود اقتصادی اسلامی در حل مشکلات اقتصادی جامعه

امروز فقه ما باید احکام معاملات را خوب برسد؛ احکام اجاره را به شکل جهانی خوب نگاه کند؛ احکام انواع و اقسام قراردادهای را از شرع مقدس استنباط و بیان کند. خیلی از اینها هست که امروز برای ما روشن نیست. شما ببینید یک مضاربه‌ی ما - که برای آن خیلی هم تره خرد نمی‌کردیم - میتواند علی‌الفرض بانکداری را اداره بکند. خیلی خوب، چرا ما در کتب فقهیه و ابواب مختلف فقهیه تفحص لازم نکنیم، تا راههایی را برای اداره‌ی زندگی پیدا نماییم؟ پس، هم از لحاظ سطح بایستی پیشرفت بکند و گسترش بیشتری پیدا نماید، و هم از لحاظ روش. همین روش فقهاتی که عرض شد، احتیاج به تهذیب، نوآوری و پیشرفت دارد. باید فکرهای نو روی آن کار بکنند، تا این که بشود کارایی بیشتری به آن داد.^{۱۹}

هم خمس، هم زکات، هم کتاب تجارت، هم بقیه‌ی کتب معاملات، مزارعه و مساقات و رهن و سایر عقود، میتواند فراهم کننده‌ی نظام اقتصادی کشور باشد؛ کمالین که در حال حاضر در بانکهای ما جریان دارد. ما الان بانکهای خود را با نظام مضاربه اداره میکنیم. مضاربه در سابق، غیر از حالا بود. در رساله‌ی عملیه، مضاربه فقط این بود که یک نفر پیش یک نفر دیگر برود و بگوید من این پول را میدهم، تا شما با آن تجارت بکنی، بعد حاصلش را هم با یکدیگر تقسیم کنیم. این کجا، و این که مضاربه مبنا و پایهی برای اداره‌ی یک بخش عظیم از امور مالی کشور - یعنی بانکها - بشود، کجا؟ اصلاً این دو با هم، یکی است؟^{۲۰}

^{۱۸} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۸/۱۵

^{۱۹} بیانات در آغاز درس خارج فقه ۱۳۷۰/۶/۳۱

^{۲۰} بیانات در جمع فضلا و طلاب و روحانیون مشهد ۱۳۶۹/۱/۴

۸) تعاون و ائتلاف

در اسلام دعوت به ائتلاف است، دعوت به وحدت است، دعوت به همکاری است، دعوت به تراحم است، دعوت به تعاون است؛ این مبنای تفکر اسلامی در همه‌ی فعالیتها است.^{۲۱}

می‌بینید این مسئله همکاری و همدلی و همراهی، بخش قابل توجهی از آیات قرآن را به خود اختصاص داده است. آیاتی هست که صریحاً در این معناست، مثل «واعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً»^{۲۲} و غیر اینها. آیاتی هم هست که اگر چه به صراحت در این معنا نیست، اما مفاد و جهت حقیقی آن، اتحاد دلها و جانها و همگامی انسانهاست.^{۲۳}

البته تعامل حدودی دارد، ضوابطی دارد، هر کسی حقوقی دارد؛ باید اینها رعایت بشود که در سایه‌ی دولت اسلامی قابل تحقق است. نگاه تعارض‌آمیز غلط است؛ نگاه تعاون و تعامل از نظر اسلام درست است؛ و این یک فکری است که در همه‌ی شئون ما، در همه‌ی مسائل مربوط به زندگی، بایستی وجود داشته باشد. در مقابل آن کسی که به حیثیت روانی و روحی و فکری و وجودی انسان و جامعه ضربه می‌زند، انسان ناچار است دفاع کند؛ اما روال اصلی عبارت است از تعاون و تعامل و همکاری و ائتلاف؛ این نگاه اساسی اسلام است.^{۲۴}

۸) قناعت و ساده زیستی

صرفه‌جویی صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می‌گویند - به معنای نخوردن نیست. به معنای زیاده‌روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است.^{۲۵} اسلام در این نگاه به انسان به عنوان یک فرد، توصیه می‌کند زهد بورزد. زهد یعنی دل‌باخته و دلبسته‌ی دنیا نشود؛ اما در عین اینکه توصیه به زهد می‌کنند، قطع رابطه‌ی با دنیا و کنار گذاشتن دنیا را ممنوع می‌شمارند. دنیا چیست؟ دنیا همین طبیعت، همین بدن ما، زندگی ما، جامعه‌ی ما، سیاست ما،

^{۲۱} بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا ۱۳۹۳/۲/۱

^{۲۲} آل عمران: ۱۰۳

^{۲۳} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۷/۱/۲۷

^{۲۴} بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا ۱۳۹۳/۲/۱

^{۲۵} بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۶/۱/۱

اقتصاد ما، روابط اجتماعی ما، فرزند ما، ثروت ما، خانه‌ی ماست. دلبستگی به این دنیا، دلباخته شدن به این نمونه‌ها، در این خطاب فردی، کار مذمومی است. دلباخته نباید شد. این دلباخته نشدن، دلبسته نشدن، اسمش زهد است؛ اما اینها را رها هم نباید کرد. کسی از متاع دنیا، زینت دنیا، از نعمتهای الهی در دنیا رو برگرداند، این هم ممنوع است. « قل من حَزَمَ زينة الله الّتی اخرج لعباده والطّیبات من الرّزق قل هی للّذین امنوا^{۲۶} »؛ یعنی کسی حق ندارد که از دنیا اعراض کند.^{۲۷}

برجسته‌ترین نقطه‌ای که در نهج البلاغه است، زهد است. امیرالمؤمنین آن روز که این زهد را فرمود، به عنوان علاج بیماری اساسی جامعه‌ی اسلامی فرمود و من مکرّر گفته‌ام امروز هم ما باید همان آیات زهد را بخوانیم.^{۲۸}

الرّاهد فی الدّنی من لم یغلب الحرام صبره ولم یشغل الحلال شکره^{۲۹}
 زهد که مورد نظر اسلام بوده و ائمه معصومین (علیهم السلام) به آن توصیه کرده‌اند حقیقتش طبق این روایت دو چیز است:

اول، آن که وسوس شیطانی و تمایلات حیوانی که انسان را به ارتکاب محرمات، تحریک می‌کند بر او غلبه نکند و بتواند در برابر این مسائل، صابر بوده و استقامت کند.
 دوم، آن که نعم الهی آن قدر او را سرگرم نکند که از شکر خدا غفلت کرده و انسانی ناسپاس باشد، و غفلت کند که این نعمت‌ها از کیست؟ و زینهار که این غفلت، انسان را به وادی‌های خطرناک، می‌کشاند.^{۳۰}

۹) مقابله با اسراف، تجمل‌گرایی و اشرافیگری

• مقابله با اسراف

^{۲۶} سوره مبارکه الأعراف آیه ۳۲

^{۲۷} بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۲/۲۵

^{۲۸} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۹/۵

^{۲۹} تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، ص ۲۰۰؛ بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۷۵، ص ۳۷؛

^{۳۰} شرح حدیث جلسه سی و چهارم/زهد در اسلام ۱۳۷۸/۱۰/۲۷

اجتناب از اسراف هم یک سرفصل دیگر (درباره اقتصاد کشور) است؛ اجتناب از اسراف، تضييع مال، هدر دادن منابع عمومی، هدر دادن آب، هدر دادن نان، از بین بردن خاک، خاک یک ثروت است، آب یک ثروت است، نان یک محصول ذی قیمت است؛ مراقب باشند، همه مراقب باشند، احساس مسئولیت کنند، اینها را از بین نبرند.^{۳۱} در روایات ما هست که از دانه‌ی خرما استفاده کنید. تا این حد خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتلهای میهمانی درست کنند و به یک عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هر چه که غذا ماند، به بهانه‌ی اینکه بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند این مناسب یک جامعه‌ی اسلامی است؟ اینجوری میشود به عدالت رسید؟ باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است.^{۳۲} اسراف بد است؛ حتی در اتفاق راه خدا هم می‌گویند. خدای متعال در قرآن به پیغمبرش می‌فرماید: «لا تجعل يدك مغلولة الى عنقك و لا تبسطها کل البسط»؛ در اتفاق برای خدا هم این جور عمل کن. افراط و تفریط نکنید. میانه‌روی؛ میانه‌روی در خرج کردن. این را باید ما به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم. قرآن می‌فرماید: «و الذين اذا انفقا»؛ کسانی که وقتی می‌خواهند خرج کنند، «لم یسرفوا و لم یقتروا»؛ نه اسراف می‌کنند- زیاده‌روی می‌کنند- نه تنگ می‌گیرند و با فشار بر خودشان، زندگی می‌کنند؛ نه، اسلام این را هم توصیه نمی‌کند.^{۳۳}

• مقابله با اشرافیگری و تجمل‌گرایی

تجمل‌گرایی و گرایش به اشرافی‌گری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ وقت روحیه برادری و الفت و انس و همدلی - که برای همه کشورها و همه جوامع، بخصوص جامعه ما، مثل آب و هوا لازم است - پیش نخواهد آمد.^{۳۴} جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود؛ اشرافی‌گری بلای کشور است. وقتی اشرافی‌گری در قله‌های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ [آن وقت] شما می‌بینید فلان خانواده‌ای که وضع

^{۳۱} بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

^{۳۲} بیانات در ۱۳۸۸/۱/۱

^{۳۳} بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر ۱۳۸۶/۷/۲۱

^{۳۴} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۴

معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی می‌خواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشرافی حرکت بکند. وقتی اشرافی‌گری فرهنگ شد، میشود این جلوی اشرافی‌گری باید گرفته بشود. رفتار مسئولین، گفتار مسئولین، تعالیمی که میدهند، باید ضدّ این جهت اشرافی‌گری باشد؛ کما اینکه اسلام این‌جوری است.^{۳۵}

۱۰) مفاهیم اخلاقی در اقتصاد اسلامی

• تکریم کار و تولید

نفس «کار» از نظر اسلام، عمل صالح است. این که «انّ الانسان لفی خسر الاّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات»؛ این عمل صالحی که انسان را از خسران خارج می‌کند، این فقط نماز خواندن و روزه گرفتن و زیارت رفتن و ذکر گفتن نیست؛ آن‌ها هم هست؛ اما کار و وظیفه‌ی زندگی را خوب انجام دادن هم عمل صالح است و یکی از مهم‌ترین‌هایش «کار» است. در روایت وارد شده است که اگر پیغمبر می‌دید يك آدم جوانی و قادر بر کاری نشسته است، تنبلی می‌کند و کار انجام نمی‌دهد، می‌فرمود: «سقط من عینی»؛ از چشمم افتاد.^{۳۶}

اینی که گفتند کار در اسلام مهم است، خب این همه روایات فراوانی از ائمه (علیهم‌السلام) در اهمیت کار، در فضیلت کار وارد شده. که حالا من این روایت را اینجا یادداشت کردم: «من یعمل یزدد قوّه و من یقصر فی العمل یزدد فتره»؛ کار که بکنید، نیروی کار هم افزایش پیدا میکند. خاصیت کار، کاهش نیست، افزایش است؛ افزایش خود نیروی کار، نه محصول کار. خب، محصول کار که معلوم است افزایش پیدا میکند- وقتی کار کردید، کار یک محصولی دارد- اما در این روایت، امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید که وقتی کار کردید، قدرت کار و نیروی کار هم افزایش پیدا میکند. «و من یقصر فی العمل»، کسی که در کار کردن کوتاهی کند، تقصیر بکند، «یزدد فتره» یا «فتره»، فتور و سستی او افزایش پیدا میکند. این مال شخص فقط نیست؛ این «من» که فرمود: «من یعمل»، معنایش فقط این نیست که هر کسی این کار را بکند؛ خب، این

^{۳۵} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۵/۱۱

^{۳۶} بیانات در دیدار کارگران ۱۳۸۵/۲/۶

روی اشخاص نیست، روی جوامع هم هست: هر ملتی، هر جامعه‌ای. هر چه کار بکنید، نیروی کارتان بیشتر میشود. هر چه تحرک انسان داشته باشد، نشاط حرکتش بیشتر میشود.^{۳۷}

نفس تحرک و تلاش در جهت درست دارای احترام است؛ این نگاه اسلام است. همه چیز بر پایه‌ی این تکریم و احترام بایستی شکل بگیرد. اگر ما چیزی به نام حقوق کارگر و منزلت کارگر تعریف میکنیم، بر اساس همین احترام به کار و احترام به کارگر باید باشد. واقع قضیه هم این است که تمدنهای بشری و پیشرفتهای مادی عالم در همه‌ی دوره‌ها، و همچنین پیشرفت معنوی و روحی و درونی هر انسان، جز با کار فراهم شدنی نیست؛ کار لازم است، تلاش لازم است. این آیه‌ی کریمه‌ی: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» یعنی دستاورد شما تنها در سایه‌ی سعی شما و تلاش شما و کار شما است. در هر سطحی باید این گونه فکر کنیم؛ باید کار کنیم. نگاه مخاصمه‌آمیز میان کارگر و کارآفرین و امثال اینها، یک تعبیر غلط از یک واقعیت است؛ همه باید با هم همکاری کنند. اصلاً نگاه تضاد و تعارض و تزاخمی که بر تفکرات غربی حاکم بوده است - مخصوص مارکسیست‌ها هم نیست؛ قبل از مارکسیست‌ها هم نگاه ناظر به تضاد و به تعارض، در تفکرات غربی رایج و شایع بوده - از نظر اسلام نگاه مردودی است؛ نگاه مقبولی نیست.^{۳۸}

• تکریم کارگر

اینکه معروف است و روایت است که پیغمبر مکرم اسلام دست کارگر را بوسیدند، فقط یک تعارف نیست؛ این یک تعلیم است^{۳۹} پیغمبر دست این صحابی را دید زمخت و پینه‌بسته است؛ گفت: چرا دستت این طور است؟ گفت: یا رسول الله من با این دست کار می‌کنم. پیغمبر این دست را گرفت و بوسید و فرمود: «هذه يد لا تمسه النار»؛ آتش، این دست را لمس نمی‌کند^{۴۰}

ما باید در عرف مفاهیم دینی و اجتماعی خودمان، برای کلمه‌ی «کارگر» قداست قائل باشیم. کارگر یک قداست دارد. کارگر آن کسی است که دارد کار می‌کند تا ملت و کشورش به عزت

^{۳۷} بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶

^{۳۸} بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا ۱۳۹۳/۲/۱

^{۳۹} بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۴/۹/۲

^{۴۰} بیانات در دیدار کارگران ۱۳۸۵/۲/۶

استقلال دست پیدا کند. این باید برای همه‌ی ما به عنوان یک باور قطعی در بیاید. همه بدانیم که کارگر چقدر اهمیت دارد. این عنوان «کارگر» شامل همه‌ی کسانی است که دارند کار می‌کنند برای پیشرفت کشور، برای توسعه‌ی تولید در کشور، برای بهبود وضع کار در کشور.^{۴۱}

• وجدان کاری و اتقان در کار

عمل و کار، در ادبیات قرآنی و اسلامی ما، یک رتبه‌ی والائی دارد. البته کار، فقط کار در کارخانه یا مزرعه یا بخشهای دیگر نیست؛ اما عمل صالح که در قرآن این همه بر روی آن تکیه شده است، شامل این‌ها هم هست. یعنی شما وقتی کاری انجام می‌دهید که با وجدان کاری همراه است، با احساس مسئولیت همراه است، با جدیت و تلاش همراه است، با نوآوری همراه است، با هدف اداره‌ی زندگی یک عائله همراه است، خود این، یک عمل صالح است- «أَلَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»- عمل صالح شامل این‌ها هم هست؛ چه بهتر از این؟ چه بهتر از این که انسان مشغول کسب و کاری است که درآمد زندگی او وابسته به آن است؛ در عین حال همین کار عمل صالحی است که در قرآن، عدل ایمان قرار داده شده است؛ «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؟ ارزش کار که گفته می‌شود، یعنی این.^{۴۲}

از نبی اکرم صلوات الله و سلامه علیه نقل شده است که فرمود: «رَحِمَ اللَّهُ امرءَ عمل عملاً فانقنه»^{۴۳}؛ رحمت خدا بر انسانی که کاری را انجام دهد و آن را نیکو و محکم و متقن و صحیح انجام دهد.^{۴۴}

معنای وجدان کاری این است که آن کسی که مشغول کاری است، یک احساس وجدانی نسبت به کار پیدا کند و خود را در قبال آن کار، مسؤول بداند. این، غیر از مسؤولیت در قبال کارفرماست.^{۴۵} یعنی این که علاوه بر جنبه شرعی و جنبه انسانی و تعهد، در قبال خود کار، انسان

^{۴۱} بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان ۱۳۸۷/۲/۴

^{۴۲} بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان ۱۳۸۷/۲/۴

^{۴۳} مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، علی بن جعفر (علیه السلام) ص ۹۳؛

^{۴۴} پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت حلول سال ۱۳۷۴ هجری شمسی

^{۴۵} بیانات در دیدار جمع کثیری از کارگران و معلمان در آستانه‌ی روز کارگر و روز معلم ۱۳۷۶/۲/۱۰

خودش را مسؤول بداند که کار را درست، کامل، قوی و بهترین انجام دهد؛ چه بالای سر او کسی باشد و چه نباشد.^{۴۶}

وقتی همه کنندگان کار، با احساس وجدان کاری به کار پرداختند و فهمیدند در حالی که کار را می‌کنند، اگر صاحب کار هم نیست، اما خداوند متعال حاضر و ناظر است، کرام الکاتبین حاضرند و ملائکه مقرب الهی نگاه می‌کنند؛ هر دقتی که برای بهبود کار بشود، مورد تحسین کرام الکاتبین خواهد بود و در پرونده عمل کننده کار ثبت خواهد شد.^{۴۷}

• رابطه کارگر و کارفرما

در اسلام رابطه‌ی کارگر و کارفرما، رابطه‌ی دو تا دشمن نیست، رابطه‌ی دو تا همکار است؛ رابطه‌ی استثمارگری هم نیست؛ یعنی کارفرما سلطان کارگر نیست. در نظام سرمایه‌داری غربی، مالک امور، کارفرماست؛ حالا برای مصلحت ممکن است یک امتیازاتی هم برای کارگر قائل شود تا کار او را از دست ندهد؛ اما رابطه این است، او مثل ابزار کار است. نگاهش به کارگر، نگاه به یک انسان نیست، نگاه مثل یک ماشین است. اسلام این را قاطعانه رد میکند. کارگر و کارفرما دو عنصرند، هر کدام نباشند، کار زمین است. کارگر آن کسی است که بالمباشره کار و محصول کار را تولید میکند؛ کارفرما آن کسی است که زمینه‌ی این تولید را فراهم میکند. او تولیدکننده‌ی کار و محصول کار است؛ این فراهم آورنده‌ی زمینه و کارآفرین است. او هم نباشد، کار لنگ میشود؛ این هم نباشد، کار لنگ میشود؛ مثل دو شریک، مثل دو همسنگر. این نگاه اسلام است. هر دو باید نسبت به هم صداقت و محبت و صفا داشته باشند؛ هم کارفرما نسبت به کارگر، هم کارگر نسبت به کارفرما. حق هر کدام به وسیله‌ی آن دیگری رعایت شود. اگر این شد، که این نگاه اسلام است؛ هم حرمت سرمایه‌گذار و کارآفرین و کارفرما باقی و محفوظ میماند؛ هم حرمت کارگر و کننده‌ی کار و حاضر در صحنه. حرمت و حق هر دو محفوظ است و کشور هم به سوی اعتلا پیش میرود.^{۴۸}

^{۴۶} همان

^{۴۷} همان

^{۴۸} بیانات در دیدار کارگران ۱۳۸۵/۲/۶

ب) سازوکارهای توزیع ثروت و برقراری عدالت اجتماعی:

۱) قانون گذاری

بهترین راه برای اینکه آزادی اقتصادی تأمین بشود در یک جامعه‌ی اسلامی، این است که حکومت اسلامی و دولت اسلامی سیاستی اتخاذ بکنند و قوانینی وضع بکنند که بر طبق آن قوانین همه‌ی افراد در جامعه‌ی اسلامی قادر باشند آزادانه فعالیت اقتصادی کنند و همه‌ی قشرهای مردم از فعالیت اقتصادی خود بتوانند بهره‌مند بشوند. این یکی از آن وجوه امتیاز و جدائی بین نظام اسلامی در اقتصاد و نظامهای غربی است. در نظامهای غربی اگرچه به حسب ادعا، به حسب قوانین معمولی و اساسی مردم آزادند که فعالیت اقتصادی داشته باشند، اما در حقیقت این آزادی متعلق به همه‌ی مردم نیست. این منابع عظیم ثروت، این دریاها، این منابع طبیعی، این دشتهای حاصلخیز، این معادن، این همه امکاناتی که جزو ثروتهای عمومی جامعه محسوب میشود، اینها اینجور نیست که راحت در اختیار همه‌ی قشرهای جامعه قرار بگیرد و هر کسی بتواند بر روی آن بهره‌برداری و کار بکند و منتفع بشود. بلکه آن کسانی عملاً و واقعاً آزادند که دارای ثروتهای انباشته و زیاد هستند که سر رشته‌ی اقتصاد جامعه، بلکه حتی خواهم گفت سر رشته‌ی سیاست جامعه و اداره‌ی جامعه در دست آنهاست. آنها هستند که در حقیقت از منابع ثروت استفاده میکنند و بر آنها تسلط و سیطره دارند و استفاده و بهره‌برداری را آنها میکنند و آنها فضا را برای استفاده‌ی عموم جامعه تنگ کردند. لذا شما میبینید در جوامع سرمایه‌داری، چه جوامع پیشرفته‌ی سرمایه‌داری و چه جوامع عقب‌افتاده‌ی سرمایه‌داری، مثل بیشتر کشورهای جهان سوم، اغلب مردم در یک فقر شدیدی هستند؛ بخصوص در این کشورهای عقب‌افتاده. در حالی که اجتماعات عظیمی از مردم دچار فقر و بیکاری و بیجائی و بیمسکنی و محرومیت از بیشتر مواهب زندگی هستند، یک عده‌ی معدودی آزادانه تلاش میکنند، فعالیت میکنند، ثروت در می‌آورند، معادنی دارند، معادن دیگری را میگیرند؛ کارخانجاتی دارند، کارخانجات دیگری را ایجاد میکنند، دایر میکنند؛ زمینهای دارند، زمینهای دیگری را به آن اضافه میکنند؛ از دریاها استفاده میکنند، از همه‌ی منابع طبیعی در حقیقت یک عده معدود از جامعه استفاده میکنند. دیگران چه کسبه‌ی جزء، چه کارگران، چه کارگران معادن، چه کارگران کشاورزی، چه کارگران کارخانجات، در حقیقت ریزه‌خوار خوان آنها و استفاده‌کننده از زیادی ثروت آنها و گوشه‌ی سفره‌ی آنها هستند. خودشان

امکان تلاش، امکان تولید، امکان بهره‌برداری، امکان کار سازنده، امکان تولید ثروت به آن معنای حقیقی ندارند. پس راه اینکه ما اقتصاد آزاد را به معنای حقیقی خودش در جامعه به وجود بیاوریم، این است که از این انحصار جلوگیری کنیم. امکانی در جامعه به وجود بیاید که اغلب افراد جامعه، بیشتر قشرهای جامعه یا همه‌ی کسانی که قدرت کار دارند، اینها بتوانند از امکانات طبیعی، از زمین، از دریا، از انفال، از دشتها، از مراتع استفاده کنند.

این حدیث معروفی که از قول امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) نقل میشود که البته بنده سند آن را درست نمیدانم که میفرماید: «ما رأیت نعمة موفورة الا وفي جانبها حق مضیع»؛ یعنی هیچ جا هیچ نعمت فراوان و انباشته‌ای را ندیدم، مگر اینکه در کنار آن یک حق ضایع شده‌ای را دیدم. این حدیث یک معنای دقیق و لطیفی دارد که ناظر به همین مطلبی است که عرض شد. بعضی تصور کردند معنای این حدیث این است که هر جا نعمت زیادی هست، این در حقیقت دزدی و غصب از یک عده است؛ پس در کنار آن غاصب، یک عده مردم ضعیف هستند. بعد اشکال کردند به این حدیث که نه، ما میبینیم کسانی ثروتهائی دارند که از راه دزدی و غصب هم نیست، از راه تلاش است. این نیست معنای حدیث. معنای حدیث به حسب آنچه که به ذهن بنده می‌آید، این است که آنجائی که نعمت فراوانی هست، ثروت زیادی هست، امکانات زیادی هست، خود ثروت، خود نعمت موفور، در حقیقت امکانات کسب درآمد بیشتر را به آن صاحب ثروت میبخشد و به همان نسبت این امکان را از دسترس دیگران دور نگه میدارد. آن کسی که دارای یک سرمایه‌ی زیادی در جامعه هست، او بیشتر میتواند تولید ثروت بکند و از ثروتهای معمولی مرده‌ی افتاده‌ی متعلق به عموم مردم بیشتر میتواند استفاده کند تا آدم فقیر. پس هر جا نعمت زیادی هست، فرصتها در اختیار اوست، امکانات در اختیار اوست، میدان تلاش اقتصادی در اختیار اوست، قوانین در غالب کشورها بر طبق نظر او و این طبقه به وجود می‌آید. بنابراین فرصت از دست اکثریت مردم که آن ثروت را ندارند، گرفته میشود. بنابراین، این حرف، این حدیث، چه مستند به مولای متقیان باشد یا نباشد، مضمون، مضمون درستی است. پس بنابراین راه درست اقتصاد آزاد در جامعه‌ی اسلامی این نیست که ما این آزادی را فقط در اختیار آن کسانی قرار بدهیم که قدرت مانور اقتصادی دارند، بلکه علاوه‌ی بر اینکه افرادی که قدرت حرکت و فعالیت اقتصادی دارند، آنها باید کار اقتصادی بکنند، باید وضع جامعه، نظام جامعه، قوانین جامعه، کیفیت ارتباطات

جامعه به شکلی باشد که همه‌ی مردم، یعنی همه‌ی آن کسانی که قدرت کار دارند، آنها همه بتوانند فعالیت آزاد اقتصادی کنند و از کار خودشان منتفع بشوند^{۴۹}

۲) کنترل و نظارت توسط حکومت اسلامی :

• کنترل و نظارت برای مبارزه با بی قانونی، تخلف، فساد و تبعیض و ایجاد اختلاف طبقاتی و... در اقتصاد جامعه‌ی اسلامی اگرچه مردم در فعالیتهای اقتصادی میدان باز و وسیعی دارند و آزادیهای زیادی دارند و هر کسی این حق را دارد که فعالیت و تلاش اقتصادی بکند، اما در کنار این حق و اختیار برای مردم یک اختیار و حقی هم برای دولت اسلامی و قدرت حاکم بر جامعه‌ی اسلامی قرار داده شده است و آن حق کنترل و نظارت و مراقبت است. زیرا اگر این حق برای حاکم اسلامی نباشد و مردم بدون نظارت دولت و بدون رعایت سیاستهای دولت تلاش اقتصادی را شروع کنند و انجام بدهند، این یقیناً در جامعه به طغیان، به ظلم، به بغی، به فساد منتهی خواهد شد و همان وضعی پیش خواهد آمد که در دنیای سرمایه‌داری هست که سلاطین فولاد و طلا و نفت و صاحبان کمپانیهای بزرگ از قدرت و ثروت بینهایت برخوردارند و قشر بزرگی از مردم هم از اولیات زندگی، یعنی از خانه و خانواده و شام شب و لباس نگهدارنده‌ی از سرما و گرما محرومند.

۵۰

یکی از اهرم‌های استقرار عدالت در جامعه‌ی اسلامی، حکومت اسلامی و دولت اسلامی و به تعبیر روشنتر دستگاه اجرائی اسلامی است. چون دولت و حکومت را یک وقت به معنای مجموعه‌ی حکومت به کار می‌بریم که شامل دستگاه قانونگذاری و قوه‌ی قضائیه و دستگاه اجرائی همه هست، اینجا منظور من آن نیست. علاوه بر قوه‌ی قانونگذاری و علاوه بر قوه‌ی قضائی که باید مقابل تخلفات از قانون را بگیرند، یک قدرتی هم متعلق است به قوه‌ی اجرائی و دستگاه اجرائی که با این قدرت، با این قوه، با این اعمال نفوذ و قدرت باید در محدوده‌ی قوانین اسلامی و اصول اسلامی در جامعه حضور دائمی داشته باشد و تخلفات را ببیند و بشناسد و از آنها جلوگیری کند، ظالم را از ظلم منع کند، بغی و طغیان و تعدی و تجاوز را اجازه ندهد و خلاصه مظهر حاکمیت

^{۴۹} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۷/۲

^{۵۰} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۱۰/۱۱

اسلامی باشد؛ یعنی دولت اسلامی و دستگاه اجرایی اسلامی و حاکم اسلامی باید حضور کاملی در همه‌ی فعالیت‌های جامعه داشته باشد. این نظر اسلام است که از خلال شواهد و دلائل فراوانی این را میشود یافت و شاید کسی هم درباره‌ی اصل این قضیه بحثی و تردیدی ندارد. در زمینه‌ی مسائل اقتصادی هم عیناً همین قدرت و همین حاکمیت متعلق به جمهوری اسلامی است؛ متعلق به دولت و حاکم نظام جمهوری اسلامی است. اینجا هم غیر از دستگاه قانونگذاری که قانون را وضع میکند و غیر از قوه‌ی قضائیه که وقتی شکایتی بشود یا وقتی تخلفی از قانون بشود، به سراغ متخلف خواهد رفت و جرم و جنایتی انجام بگیرد، مجرم را مجازات خواهد کرد، خود دولت اسلامی هم با اعمال قدرت و با حضور دائمی و با رابطه‌ی مستمر با قشرهای مردم، باید از تخلفات آنها جلوگیری بکند. اگر این بود، آن وقت آزادی امور اقتصادی در جامعه، ظلم و بگی و تبعیض و اختلاف طبقاتی و از بین رفتن زندگی و رفاه قشر عظیم مستمند اتفاق نخواهد افتاد. اگر این نبود، اگر مجری دستش باز نبود و توان اعمال قدرت نداشت، قانون را براحتی زیر پا می‌گذارند^{۵۱}

• کنترل و نظارت برای مقابله با دخالت سرمایه‌داران در سرنوشت سیاسی مردم

یک نکته‌ی دیگر در باب اقتصاد آزاد در اسلام که بحث میکنیم، این است که هیچ‌گاه اجازه داده نمیشود در اسلام که فعالیت آزاد اقتصادی موجب دست‌درازی به سرنوشت سیاسی جامعه و دخالت در بافت سیاسی و تشکیلات سیاسی جامعه بشود؛ سرمایه‌سالاری. آن چیزی که امروز در کشورهای سرمایه‌داری غرب به قوت هرچه تمامتر وجود دارد. سرمایه‌دارهای بزرگ در حقیقت اداره‌کنندگان حقیقی و دست‌های پشت پرده در نظام سیاسی کشورهای بزرگند. البته بعضی از عناصرشان در داخل حکومتها هم راه پیدا میکنند؛ مثل همین نظام‌هایی که امروز هستند، نظام آمریکا و غیر او که عناصری از حکومت خودشان عضو سرمایه‌دار اند؛ خودشان جزو سهامدارهای بزرگ کمپانیهای نفتی یا غیر نفتی و بقیه‌ی شرکت‌های بزرگ هستند. و یا اینکه حتی در حکومتها هم شرکت نداشته باشند، اما در پشت پرده، انتخابات در اختیار آنهاست، تعیین رئیس‌جمهور با

^{۵۱} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۱۰/۱۱

کمک آنهاست، پیش رفتن و پس رفتن یک شخصیت در صحنه‌ی سیاست، در سنا، در مجلس نمایندگان در اختیار آنهاست، قوانینی که وضع میشود، با نظر آنهاست، طبق مصلحت آنهاست. این چیزی که امروز در دنیای غرب وجود دارد که به اعتقاد بنده دنیای غرب را باید دنیای سرمایه‌سالاری گفت. کاپیتالیسم به معنای سرمایه‌داری شاید خیلی دقیق نباشد؛ سرمایه‌گرایی، سرمایه‌سالاری، آقائی سرمایه و سرمایه‌دار، آقائی کمپانیها و ثروتمندها و پولدارها بر امور جامعه، این است که شاخصی بزرگ دنیا سرمایه‌داری غرب را امروز به وجود آورده و این هم از نظر اسلام مردود است و هر چیزی که به این منتهی بشود، باید جلوش گرفته بشود.^{۵۲}

• کنترل و نظارت برای مقابله با اسراف و مصرف‌گرایی

در مصرف باید مراقبت بشود که اسراف به وجود نیاید. البته اسراف در یک حدی فقط یک گناه شخصی است. شما اگر در داخل منزلتان یک چیزی را به صورت مسرفانه مصرف کردید، این یک فعل حرام است فقط، یک کار گناه است، چون اسراف کار خلاف است دیگر، کار حرام است، یک کار حرامی کردید. اما اگر همین کار حرام به حدی رسید و به کیفیتی درآمد که نظام اقتصادی جامعه را تهدید میکند، در جامعه فقر را گسترش میدهد، مایه‌ی محرومیت قشرهای عظیمی از مردم میشود، اشیاء و اجناسی را که با زحمت زیاد و با شرکت عمومی تولید میشود، اینها را به فنا و نابودی تهدید میکند، آنوقت دولت اسلامی وظیفه دارد، تکلیف دارد که بیاید در مقابل این اسراف و در مقابل این زیاده‌روی و تضييع اموال بایستد.^{۵۳}

^{۵۲} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۷/۲

^{۵۳} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۶۶/۷/۲

۳) شفافیت

(در کلام امیرالمومنین علی (ع) خطاب به مردم است که :) "أَلَا وَإِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَنْ لَا أَحْتَجِبَنَّ دُونَكُمْ سِرّاً إِلَّا فِي حَرْبٍ"^{۵۴} «بدانید حقّ شما بر من است که چیزی را از شما جز اسرار جنگ پنهان ندارم.»

این نکته‌ی بسیار مهمّی است؛ این شفافیتی که حالا سر زبانها است که «آقا شفاف، شفاف»، در کلام امیرالمؤمنین است. بعضی‌ها عادت کرده‌اند هر چیز خوبی که در جامعه‌ی اسلامی است را نسبت بدهند به غربی‌ها. واقعاً انسان تعجب میکند از کوتاه‌فکری بعضی‌ها توجّه به مردم، آراء مردم، اهتمام به مردم، میگوید «ما از غربی‌ها یاد گرفتیم اینها را»؛ ... وقتی مراجعه به منابع اسلامی نمیکنید، وقتی کلمات امیرالمؤمنین و رسول مکرم اسلام را نمیخوانید، بلد نیستید، خب بله، از غربی‌ها باید یاد بگیرید. میگویند بعضی‌ها، می‌شنوید که «بله، این شفافیت را هم آنها به ما یاد دادند»؛ نخیر، شفافیت را امیرالمؤمنین یاد داده؛ میگوید حقّ شما بر من -یعنی حقّی که شما پیش من دارید- [این است که] هیچ رازی را از شما پنهان ندارم، هیچ حرفی را از شما پنهان نکنم، مگر در جنگ و مسائل جنگ و مسائلی که با دشمن طرف هستیم، اینجا نمیشود حرفها را زد؛ چون حرف را وقتی که گفتیم، شما شنفتی، دشمن هم می‌شنود. بله در این مسائل حرب -حرب، اعمّ از همین حرب به اصطلاح نظامی و مانند اینها است- در مسائل امنیتی، در مسائل نظامی، در مسائل گوناگونی که جنگ داریم با دشمن، مقابله‌ی با دشمن داریم، بله اینجا جای افشاگری نیست، جای شفافیت نیست، اما در غیر اینها، در مسائل عمومی مردم، آن لَا أَحْتَجِبَنَّ دُونَكُمْ سِرّاً^{۵۵}.

۴) مبارزه با فساد

مبارزه با فساد، یکی از پایه‌های اصلی حکومت و نظام اسلامی است. این روش امیرالمؤمنین است. امیرالمؤمنین از مردم ملاحظه نکرد؛ حتی از کسانی که از او توقع داشتند، ملاحظه نکرد.

^{۵۴} فرمایشی از امام علی (ع) خطاب به مردم - امالی طوسی، ص ۲۱۷.

^{۵۵} سخنان رهبر انقلاب درس خارج فقه ۱۳۹۷/۰۷/۳۰

آن جایی که دید فساد وجود دارد، با آن مبارزه کرد. ما نمی‌توانیم مثل امیرالمؤمنین عمل کنیم؛ ادعایش را هم نداریم. ما قابل این نیستیم - بنده خودم را عرض می‌کنم - که بخواهیم پشت سر امیرالمؤمنین حرکت کنیم، لیکن باید تلاشمان را بکنیم^{۵۶}

اسلامی که امام [خمینی ره] به آن معتقد است اسلام ضد فساد است، ضد ویژه‌خواری است؛ و این چیزهایی که مشخص میشود در زمینه‌های حضور فساد در بعضی از بخشها، قطعاً اینها نقطه‌ی مقابل اسلام است. اسلام، اسلامی است که با فساد مبارزه کند؛ دولتی اسلامی آن دولتی است که با فساد مبارزه کند.^{۵۷}

۵) محرومیت زدایی توسط حکومت

طبق آیه‌ی قرآن که فرمود: «و نريدان نمَن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين»^{۵۸}، انسان می‌فهمد جهت حرکت کلی ادیان الهی، به سمت رفع استضعاف و محرومیت است. این است که اسلام و پرچم دین را، از پرچمهای فرهنگها و تمدنها و ایدئولوژیها و مکاتب گوناگون، به کلی متمایز می‌کند: سعی برای طبقه‌ی محروم. امروز در دنیای سرمایه‌داری و کشورهایی که زیر سلطه‌ی استکبار جهانی است، حرکت به سمت رشد پولداران و سرمایه‌داران است؛ و آنچه به فکر آن نیستند، طبقات محروم است. اگر یک‌وقت کمکی هم به محرومین بشود، برای این است که بتوانند از آنها به نفع پولداران و سرمایه‌داران استفاده کنند. مبنای اقتصاد امروز دنیای سرمایه‌داری و استکبار، بر این است. در طول زمان هم، همیشه سلاطین و قدرتمندان و مستکبران، بر همین روال حرکت کرده‌اند. اما اسلام این را نمی‌گوید. اسلام می‌خواهد محرومیت از روی زمین و بخصوص در جوامع اسلامی، برداشته شود. آن‌جا که دین خدا حاکم است، باید محرومیت نباشد. انسانها باید از مواهب الهی برخوردار شوند، تا بتوانند در یک محیط مناسب و مساعد، خود را به کمال برسانند. عدل در جامعه باید مستقر شود. این،

^{۵۶} بیانات در ۱۳۸۰/۹/۱۶

^{۵۷} سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)

^{۵۸} سوره مبارکه القصص آیه ۵

شعار اسلام است و شعاری است که دنبال آن، عمل است و شعاری است که برای توده‌های مظلوم و محروم عالم، دارای جاذبه است.^{۵۹}

۶) محرومیت زدایی توسط مردم از طریق مواسات و انفاق

در دعای روزهای ماه رمضان می‌گوییم: «اللهم اغن كل فقير. اللهم اشبع كل جائع. اللهم اكس كل عريان». این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره محرومان و مستضعفان موظف بدانند. این مبارزه، یک وظیفه همگانی است. در آیات قرآن می‌خوانیم: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يَكْذِبُ بِالْذِّينِ. فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ. وَ لَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ». یکی از نشانه‌های تکذیب دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بیتفاوت باشد و احساس مسؤولیت نکند. در ماه رمضان، به برکت روزه، طعم گرسنگی و تشنگی و نرسیدن به آنچه اشتهاهای نفس انسان است را درک کردیم و چشیدیم. این باید ما را به احساس مسؤولیتی که اسلام در قبال مسأله مهم فقر و فقیر از یکایک مسلمانان خواسته است و بر دوش آنان وظیفه نهاده است، نزدیک کند.

البته علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است، تا کسانی که اهل دست‌اندازی به حقوق دیگرانند، نتوانند ثروتی را که حق همگان است، به سود خود مصادره کنند. این یک وظیفه دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت و بتدریج امکانپذیر است؛ اما نمیشود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که میتوانند در این راه تلاش کنند.

همه باید خود را موظف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کم‌کرسانی به سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسانهایی است

^{۵۹} بیانات در دیدار مردم استان چهارمحال و بختیاری ۱۳۷۱/۷/۱۵

که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر این که یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است.^{۶۰}

ما همیشه از اسلام این طور فهمیده ایم که کسب درآمد - البته از طرق مشروع - آزاد است و مانعی ندارد؛ منتها این اجازه همراه با ایجاب و الزام انفاق است؛ یعنی اگر کسی درآمدی کسب کرد، ولی حتی انفاق مستحب نکرد، او پیش خدای متعال مؤاخذ است. ما نمیتوانیم بگوییم که انفاق واجبمان را کردیم، مالیاتمان را دادیم، خمس و زکاتمان را هم دادیم، از این پول نمیخواهیم خرج کنیم؛ در حالی که میدانیم در جامعه فقر و کمبود هست؛ نخیر، این آدم پیش خدای متعال سعادتمند نیست؛ مرضی عندالله نیست؛ برای خاطر این که آن حسابهای الزامی جداست؛ باب دیگر و جریان دیگری است. انفاقات استحبایی را هم برای ما قرار داده اند. مستحب است، یعنی آن حکم واجب را ندارد که من در هر موردی لزوماً این کار را بکنم؛ اما اگر کسی بالمرة باب این مستحب را بر روی خودش ببندد، بلاشک خلاف اراده و خلاف اقتضای احکام الهی کار کرده است.^{۶۱}

ج) سازوکار اقتصاد سیاسی بین الملل در اسلام:

۱) همکاری اقتصادی کشورهای اسلامی در جهت رشد و اعتلای دنیای اسلام

قرآن میفرماید: «تعاونوا على البرِّ والتَّقوی». امروز کشورهای اسلامی بیش از همیشه به همکاری در همه ی زمینه ها با هم احتیاج دارند؛ از جمله در زمینه ی مسائل اقتصادی و کمک به رشد و توسعه ی دنیای اسلام.

گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلاای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزو هدفهای اسلامی است؛ لذا شما ملاحظه میکنید که در تمدن اسلامی، اسلام در یکی از فقیرترین و عقب مانده ترین نقاط دنیا ظهور کرد؛ اما هنوز پنجاه سال از عمر آن نگذشته

^{۶۰} بیانات در خطبه های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

^{۶۱} بیانات در دیدار مسئولان کمیته امداد امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۱۲/۱۴

بود که بیش از پنجاه درصد از دنیای متمدن آن روز در زیر پرچم اسلام قرار گرفت و هنوز بیش از دو قرن از عمر این تمدن نگذشته بود که دنیای بزرگ اسلامی در آن روز، قله‌ی تمدن بشری از لحاظ علم و انواع دانش و پیشرفتهای مدنی و اقتصادی شد؛ این نبود مگر به برکت تعالیم اسلام. اسلام به ما نمیگوید که ما معنویت را ملاحظه کنیم، اما از متن زندگی جامعه‌ی انسانی غافل بمانیم. ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه‌ی تدابیر لازم را به کار ببریم، که یکی از مهمترین آنها، مسأله‌ی اقتصاد است. بنابراین، تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه‌ی اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدفهای اسلامی است.^{۶۲}

۲) اقتدار اقتصادی

اگر مقتدر نباشیم، مقتدران عالم بر روی ما اثر میگذارند؛ دیگر مجال‌ی باقی نمیماند تا ما بخواهیم حتی روی همسایگان خود یا همکیشان خودمان تأثیر بگذاریم، چه برسد بر روی کل بشریت. پس باید قدرت پیدا کرد.^{۶۳}

قوی شدن کشور جزو هدفهای ما است. این هم از خطوط اصلی نسخه‌ی بعثت است؛ این هم از بعثت گرفته شده؛ این هم از قرآن گرفته شده. قرآن میفرماید که «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر چه میتوانید قوت را زیاد کنید. حالا این قوت در وهله‌ی اول، در نگاه اول، ممکن است قوت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنه‌ی قوت نظامی است. ابعاد قوت ابعاد وسیعی است؛ ابعاد اقتصادی دارد، قوت اقتصادی، قوت علمی، قوت فرهنگی، قوت سیاسی - که زمینه‌ساز قوت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوت تبلیغی.^{۶۴}

۳) خوداتکایی

ما باید به خودمان اعتماد کنیم، به خودمان تکیه کنیم و بدانیم میتوانیم و بدانیم که خدای متعال هم کمک میکند. امیرالمؤمنین میفرماید: فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ صِدْقَنَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا النَّصْرَ وَ أَنْزَلَ بَعْدُونَا

^{۶۲} بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی ۱۳۸۳/۶/۲۵

^{۶۳} بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران ۱۳۸۸/۱۱/۱۳

^{۶۴} سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۳۹۹/۱/۳

الکبت؛ وقتی ما صادقانه وارد میدان میشویم و حرکت میکنیم، خدای متعال نصرت را به ما قطعاً خواهد داد. خب زندگی فرازونشیب دارد؛ زندگی فردی هم فرازونشیب دارد، چه برسد به زندگی اجتماعی و زندگی یک ملت. یک جاهایی انسان دچار مشکل میشود، یک جاهایی دچار ناهنجاری و شرایط نامطلوب میشود، یک جاهایی هم انسان مواجه با گشایش میشود؛ همه‌جورش هست. عمده این است که ما آن خط مستقیم را و صراط مستقیم را ان شاء الله دنبال کنیم و پیش برویم.^{۶۵} عزت ملی در مدیریت کشور به این معناست که یک دولت، یک نظام، به ملت خود متکی باشد، به مردم متکی باشد. عزت ملی در مسائل اقتصادی به این است که کشور به قدرت خودکفائی برسد، بتواند اگر چیزی از دنیا نیاز دارد، بگیرد، چیزی هم دنیا به او نیاز داشته باشد و در مقابل از او بگیرد؛ مغلوب نباشد، مقهور نباشد.^{۶۶}

اگر چنانچه این تفکر و روحیه‌ی خوداتکائی و اعتماد به نفس ملی - که امروز خوشبختانه عمومیت پیدا کرده و بخصوص در بین قشر جوان تحصیل کرده‌ی با عزم و اراده رشد پیدا کرده - و این اعتماد به نیروی داخلی در اقتصاد به همین شکل پیش برود و امیدهای واهی‌ای که گاهی انسان مشاهده میکند به بیرون از مرزها وجود دارد و اقتصاد کشور را شرطی میکند نسبت به تصمیم‌گیری بیگانگان، اگر چنانچه وجود نداشته باشد یا ضعیف بشود و اعتماد ملی افزایش پیدا کند، به نظر بنده همه‌ی این مشکلاتی که امروز در اقتصاد وجود دارد قابل رفع و برطرف کردن است. بایستی از این بنیه‌ی قوی کشور استفاده کرد.^{۶۷}

۴) اصل (عزت و حکمت و مصلحت) در روابط خارجی

جمهوری اسلامی یک «نفی» با خود دارد، یک «اثبات» نفی استثمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت به وسیله‌ی قدرتهای سیاسی دنیا، نفی وابستگی سیاسی، نفی نفوذ و دخالت قدرتهای مسلط دنیا در کشور، نفی سکولاریسم اخلاقی؛ اباحیگری؛ اینها را جمهوری اسلامی قاطع نفی میکند.

^{۶۵} بیانات در دیدار نوروزی جمعی از مسئولان کشور ۱۳۹۵/۱/۱۸

^{۶۶} بیانات در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) ۱۳۸۸/۳/۱۴

^{۶۷} بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۹/۴/۲۲

یک چیزهائی را هم اثبات میکند: اثبات هویت ملی، هویت ایرانی، اثبات ارزشهای اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، تلاش برای دست پیدا کردن بر قله‌های دانش؛ نه فقط دنباله‌روی در مسئله‌ی دانش، و فتح قله‌های دانش؛ اینها جزو چیزهائی است که جمهوری اسلامی بر آنها پافشاری میکند.^{۶۸}

عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. عزت: «الاسلام یعلو و لایعلی علیه»^{۶۹} «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا»^{۷۰}

• عزت

معنای عزت این است که جامعه‌ی اسلامی و نظام اسلامی در هیچ یک از برخوردهای بین‌المللی اش بایستی جوری حرکت نکند که به دلیل شدن اسلام و مسلمین منتهی بشود. البته دلیل شدن غیر از ضعیف بودن است؛ ممکن است کسی ضعیف باشد، اما دلیل نباشد.^{۷۱} ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرفه‌ایی که متأسفانه همه‌ی دنیا با تکیه به آنها دور خودشان یک حصار میکشند، ثابت کنیم. فلان کشور اروپایی ثابت میکند که نژاد من برترین است. آن یکی میگوید نخیر، نژاد من برترین است. حتی این تنافس و تفاخر، به جنگهای بین‌المللی و خونریزیها و خرجهای کلان هم کشیده میشود نه، ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی - که خاصیت و شاخصه‌ی تفکر اسلامی است - و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آنها قایلیم. لذا ما هر قدرتی که میخواهد ابرقدرتی و تکبر و استکبار و فخرفروشی را در روابط خود با ملت‌های دیگر وارد نکند، رد میکنیم. اگر شما جزو فلان نژاد هستید، برای خودتان هستید. اگر شما دارای ثروت یا قدرت و تکنولوژی هستید، برای خودتان هستید. تکنولوژی شما برای خودتان است؛ برای ما که نیست؛ چرا به ما فخر می‌فروشید؟

^{۶۸} بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت ۱۳۸۷/۹/۲۴

^{۶۹} بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۴۷ - اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد.

^{۷۰} نساء: ۱۴۱ - خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود.

^{۷۱} بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۸/۱۱/۹

هر ملتی ذخیره‌ی دارد. ملت ما هم ذخایر خیلی فراوانی دارد؛ ذخایر فرهنگی، پرونده‌ی بسیار درخشان در صحنه‌ی علم جهانی، در صحنه‌ی سیاست جهانی، در صحنه‌های گوناگون. ما بنای فخرفروشی نداریم. اگر خوبی، برای خودت هستی؛ اگر پولداری، برای خودت هستی؛ اگر قدرتمندی، برای خودت هستی؛ ارتباطات با ما، ارتباطات و علایق انسان با انسان است. بنابراین، عزت یعنی تحمیل هیچ‌کس را قبول نکردن. آدم در رفتار بعضی از مسؤولان کشورها، حتی در رفتار دیپلمات‌هایشان گاهی مشاهده می‌کند که فخر و غرور بیجا و احمقانه‌ی وجود دارد. تصور می‌کنند که چون زبانشان فلان زبان است، یا نژاد و اسمشان، فلان نژاد و فلان اسم است، پس باید فخر بفروشند نه، اینها تصورات احمقانه‌ی است و در منطق صحیح انسانی، جایی ندارد. ما چنین چیزی را از هیچ‌کس قبول نمی‌کنیم. ما بر اساس عزت اسلامی، عزت توحیدی و عزت ملت خودمان حرکت می‌کنیم. ملت ما باید در روابط بین‌المللی خواری نبیند و اهانت نشود. هیچ‌کس حق ندارد اهانت به ملت ایران را در کمترین برخورد با دیگران قبول کند. اگر کسی اهانت‌پذیر است، برای خودش اهانت‌پذیر است؛ برای ملت ایران نمی‌شود؛ حق ندارد. ملت ایران، ملتی سرافراز و بزرگ و جان‌دار است و نشان داده است که قدرت حضور در صحنه‌های دنیا را دارد. ما که بودیم؟ ما کجا بودیم؟ ما را در دنیا یک روز به عنوان زایده‌ی انگلیس، و یک روز به عنوان زایده‌ی آمریکا می‌شناختند چه کسی معتقد بود که این ملت می‌تواند بدون اتکال به هیچ‌کس، بدین گونه در دنیا برای خودش عزت درست کند و انظار جهانی را به سوی خویش جلب نماید؟ ما بحمدالله در تمام صحنه‌ها مشاهده کرده‌ایم که این ملت، ملت بزرگ و جان‌دار و پُر خونی است؛ زار و نزار و ذلت‌پذیر نیست.

• حکمت

حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هرآنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه

برخورد کرد. البته حکمت، به معنای نگفتن نیست. بعضی میگویند حالا که حرف نسنجیده نباید زد، پس چرا باید حرف زد؟ گویی که هیچ کار سنجیده نمیشود کرد نه، اگر گفتیم ما باید حکیمانه کار کنیم، معنایش این نیست که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبادا غیر حکیمانه درآید

... کار را سنجیده انجام بدهیم. کارهای نسنجیده انجام نگیرد؛ چون ضرر کار نسنجیده در اینجا، با ضرر کار نسنجیده فرضاً در اداره‌ی ثبت احوال فلان جا یا وزارت صنایع یا وزارت دیگر فرق می‌کند. ضرر کار نسنجیده در اینجا، عمیق‌تر و عمومی‌تر و چشمگیرتر و نقدتر است. کار نسنجیده نباید انجام بگیرد، حرف نسنجیده نباید زده بشود. جوانب هر کاری باید خوب سنجیده بشود و بعد انجام بگیرد. این، معنای حکمت است.

• مصلحت

مراد، مصلحت شخص من و شما نیست، که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود. نه، گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباحث؛ چه اهمیتی دارد؟ مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب، و این مصلحت همه‌جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما بخصوص شما (مسئولین وزارت امور خارجه) شروع می‌شود.^{۷۲} من این نکته را بگویم که مصلحت‌اندیشی بد، منفی و ضد ارزش نیست. مصلحت‌اندیشی یعنی دنبال مسأله‌ای که مصلحت است، رفتن. این که موضوع بدی نیست. این را بدانید که دستگاه اجرایی کشور در تعامل بسیار دشوار خود در دنیا، بر سر دوراهیایی قرار میگیرد که مجبور میشود مصالحی را در نظر بگیرد؛ چون اداره کشور و کار اجرایی، کار خیلی سختی است. مثال آن، این است که وقتی کسی از پای تلویزیون کوهنوردی را میبیند که با زحمت و قدم به قدم جلو میرود، با خودش میگوید: یک ذره زودتر و تندتر قدم بردار تنبل او پای تلویزیون نشسته، در آن ارتفاع چند هزار متری و در آن وضعیت قرار ندارد که ببیند این کار چقدر عملی است. همین مثال بر کسی که مسابقه کشتی یا فوتبال را از تلویزیون میبیند، صدق میکند. حتماً دیده‌اید که گاهی اوقات بعضی از تماشاگران

^{۷۲} بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۷۰/۴/۱۸

فوتبال، دائم به بازیکنها و تیمهای مورد علاقه خود دستور میدهند: تنبل بزن شوت کن به هر حال، کار اداره کشور کار سختی است و البته مصلحت، هیچ اشکالی هم ندارد؛ ما به آنها ایراد نمیگیریم. البته حواسمان هم جمع است که آنها (مسئولین) همیشه غرق در مصلحت نشوند و بنده با توجه به مسؤولیتم به این موضوع توجه میکنم.^{۷۳}

^{۷۳}بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکل‌ها و جمعی از نخبگان دانشجویی ۱۳۸۲/۸/۱۵

مرور در یک نگاه فصل دوم بخش دوم

فصل دوم : مبانی و نظام اقتصاد جامعه اسلامی		بخش دوم: نظام اقتصاد در جامعه اسلامی	
۱	پایه های کلان اقتصاد اسلامی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰ ۱۳۷۲/۵/۱۲	۱	افزایش ثروت ملی
		۲	توزیع عادلانه ثروت و رفع محرومیت در درون جامعه‌ی اسلامی
	سازوکارهای نظام اقتصاد اسلامی	الف	سازوکارهای حقوقی و اخلاقی و برخی مفاهیم معرفتی اقتصاد اسلام
		ب	سازوکارهای توزیع ثروت و برقراری عدالت اجتماعی
		ج	سازوکار اقتصاد سیاسی بین الملل در اسلام

سازوکارهای نظام اقتصاد اسلامی

الف	سازوکارهای حقوقی و اخلاقی و برخی مفاهیم معرفتی اقتصاد اسلام	۱	مفاهیم	مفهوم پیشرفت در اقتصاد اسلام ۱۳۹۱/۷/۱۹
		۲		مفهوم آزادی در اقتصاد اسلام ۱۳۶۶/۷/۲
		۳		مفهوم مردم محوری در اقتصاد اسلام ۱۳۶۶/۷/۲
		۴	مفاهیم	استفاده از حدود شرعی در اقتصاد اسلامی و مطرح نمودن مرزهای حلال و حرام ۱۳۶۶/۸/۱۵
		۵		نقش عقود اقتصادی اسلامی در حل مشکلات اقتصادی جامعه ۱۳۶۹/۱/۴ و ۱۳۷۰/۶/۳۱
		۶		تعاون و ائتلاف ۱۳۹۳/۲/۱ و ۱۳۷۷/۱/۲۷
		۷		قناعت و ساده زیستی ۱۳۷۶/۱/۱ و ۱۳۸۶/۲/۲۵ و ۱۳۷۵/۹/۵ و ۱۳۷۸/۱۰/۲۷
		۸		مقابله با اسراف و اشرافی گری و تجمل گرایی ۱۳۸۶/۷/۲۱ و ۱۳۷۸/۱۰/۴
		۹	مفاهیم اخلاقی در اقتصاد اسلامی	تکریم کار و تولید - ۱۳۶۹/۱/۴ - ۱۳۸۵/۲/۶ - ۱۳۸۹/۶/۱۶ تکریم کارگر ۱۳۹۴/۹/۲ - ۱۳۸۵/۲/۶ - ۱۳۸۷/۲/۴

وحدان کاری و اتقان در کار ۱۳۸۷/۲/۴- ۱۳۷۶/۲/۱۰				
رابطه کارگر و کارفرما-۱۳۸۵/۲/۶				
قانون گذاری ۱۳۶۶/۷/۲	۱	سازوکارهای توزیع ثروت و برقراری عدالت اجتماعی	ب.	
کنترل و نظارت توسط حکومت اسلامی ۱۳۶۶/۷/۲ و ۱۳۶۶/۱۰/۱۱	۲			
برای مبارزه با بی قانونی، تخلف، فساد و تبذیر و اختلاف طبقاتی				
برای مقابله با دخالت سرمایه داران در سرنوشت سیاسی مردم				
برای مقابله با اسراف و مصرف گرایی				
شفافیت ۱۳۹۷/۰۷/۳۰	۳			
مبارزه با فساد ۱۳۸۰/۹/۱۶-۱۴۰۰/۳/۱۴	۴	سازوکار اقتصاد سیاسی بین الملل در اسلام	ج.	
محرومیت زدایی توسط حکومت ۱۳۷۱/۷/۱۵	۵			
محرومیت زدایی توسط مردم از طریق مواسات و انفاق ۱۳۸۱/۹/۱۵- ۱۳۷۰/۱۲/۱۴	۶			
همکاری اقتصادی کشورهای اسلامی ۱۳۸۳/۶/۲۵ و ۱۳۹۹/۱/۳	۱			
خود اتکایی ۱۳۹۵/۱/۱۸ و ۱۳۸۸/۳/۱۴ و ۱۳۹۹/۴/۲۲	۲			
رعایت مثلث عزت، حکمت و مصلحت در روابط خارجی ۱۳۸۷/۹/۲۴	۳			

فصل سوم

اقتصاد مقاومتی (زیرساخت فکری و نظری حماسه اقتصادی)

بخش اول : ضرورت و چرایی اقتصاد مقاومتی

بخش دوم: چیستی و ویژگی ها اقتصاد مقاومتی

بخش سوم: سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی

بخش چهارم : الزامات اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که مقاوم است؛ با تحرکات جهانی، با تکان‌های جهانی، با سیاست‌های آمریکا و غیر آمریکا زیرورو نمیشود؛ اقتصادی است متکی به مردم.

سه سؤال درمورد اقتصاد مقاومتی که در حقیقت اقتصاد مقاوم است، وجود دارد؛ من این سه سؤال را مطرح میکنم.

سؤال اول این است که اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟ خصوصیات مثبت آن و خصوصیات منفی و سلبی آن چیست؟

سؤال دوم: آیا اقتصاد مقاومتی که داریم شعار آن را میدهیم، تحقق‌پذیر است، ممکن است، یا نه، خیالات خام است؟

سؤال سوم: اگر تحقق اقتصاد مقاومتی ممکن است، الزامات آن چیست، چه کارهایی باید انجام بگیرد؟

من به این سه سؤال جواب میدهم...^۱

^۱ بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

بخش اول: ضرورت و چرایی اقتصاد مقاومتی

مقدمه

اقتصاد مقاومتی به معنای مقاوم ساختن پایه‌های اقتصاد، یکی از وظایف عمومی امروز ما است و همه می‌توانند در آن نقش ایفا کنند، هم مسئولین و مسئولین قوای سه‌گانه، هم آحاد مردم، هم کسانی که دارای مهارت کارند، هم کسانی که دارای سرمایه‌اند، هم صاحب‌نظران.^۲ این کار بزرگ را ما می‌توانیم ان شاء الله با همت، با توکل به خدای متعال، قدم به قدم، با شتاب متناسب و لازم پیش ببریم. و جوری هم هست که به اعتقاد من آثار و نتایج آن بلندمدت هم نیست؛ برنامه‌ها برنامه‌های بلندمدتی است، لکن نتایج آن خیلی زود به دست خواهد آمد ان شاء الله؛ یعنی شروع ثمرات این کار و احساس عمومی مردم برای شیرینی نتایج این کار ان شاء الله دیر و دور از دسترس نیست. ان شاء الله امیدواریم با پیشرفتی که انجام میگیرد، با کاری که انجام میگیرد، مردم این را احساس کنند و ثمرات این حرکت عمومی و بزرگ را بچشند.

از خدای متعال می‌خواهیم که به همه‌ی ما کمک کند، همه‌ی ما را هدایت کند، ضعفهای ما را به ما نشان بدهد، ما را بینای ضعفها و نقصهای خودمان قرار بدهد، آنچه را موجب رضای او است به ما الهام کند و ما را موفق به انجام آن قرار بدهد.^۳

^۲ بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

^۳ بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

انگیزه‌های تدوین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی:

- (۱) ظرفیتهای فراوان مادی و معنوی کشور
- (۲) مشکلاتی که داریم
- (۳) تهدیدهای اقتصادی خارجی
- (۴) بحرانهای اقتصادی جهانی

(۱) ظرفیتهای فراوان مادی و معنوی کشور:

این بسیار مسئله‌ی مهمی است، ظرفیتهای کشور خیلی وسیع است؛ خیلی از ماها آگاه نیستیم به گستره‌ی این ظرفیتهای عجیب، یا به اهمیت آن توجه نداریم؛ میدانیم، آمارها دستان هم هست [توجه نمیکنیم]. بعضی از مسئولین این‌جورند، آمارها را دارند، [اما] اهمیت آمارها مورد توجه آنها قرار نمیگیرد^۴

• ظرفیت نیروی انسانی

ما الان از لحاظ نیروی انسانی و از جهت دارا بودن نیروی جوان در بهترین وضعیتیم؛ یعنی الان بیش از ۳۱ درصد جمعیت ما بین پانزده سال تا بیست‌وننه سال سن دارند؛ این وضعیت عالی است، فوق‌العاده است. البته اگر آنچه من مکرر توصیه کردم در مورد نسل، مورد توجه قرار نگیرد، این امتیاز را در آینده‌ای نه‌چندان دور از دست خواهیم داد؛ سیاستهای نسل هم ان‌شاءالله ابلاغ خواهد شد، آنها هم در دست تهیه است. فعلاً این جوری است وضع ما: بیش از ۳۱ درصد جوان داریم؛ ۲۵ برابر اول انقلاب دانشجو داریم - جمعیت کشور از اول انقلاب تا حالا دو برابر شده، جمعیت دانشجو ۲۵ برابر شده؛ یعنی ما از صدوبیست‌هزار رسیده‌ایم به چهارمیلیون و صد هزار؛ این چیز مهمی است، خیلی حادثه‌ی عظیمی است؛ هم این رشد مهم است، هم این دارایی‌ای که فعلاً داریم مهم است - ده میلیون دانش‌آموخته‌ی دانشگاه‌ها داریم؛ شصت و پنج هزار عضو هیئت علمی داریم که بیش از ده برابر آن چیزی است که در اول انقلاب وجود داشت؛ پنج هزار

^۴ بیانات در جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

شرکت دانش بنیان داریم که الان هفده هزار متخصص و فعال در این شرکتها مشغول کارند، ببینید این ظرفیتهای چقدر مهم است؛ نتیجه این شده که طبق گزارش پایگاههایی که رتبه‌ی علمی کشورها را مشخص میکنند، ما در رتبه‌ی پانزدهم دنیا هستیم - در یک پایگاه رتبه‌ی شانزدهم، در یک پایگاه رتبه‌ی پانزدهم، در این حدود - که اینها البته مال سال میلادی گذشته [یعنی سال] ۲۰۱۳ است. این چیز مهمی است. ما در بعضی از رشته‌های علمی، رتبه‌مان از این بالاتر است؛ در بعضی از رشته‌های علمی جزو هفت هشت کشور [اول] دنیا و در بعضی جاها جزو چهار پنج کشور اول دنیا قرار داریم. این آن زیرساخت اساسی است.^۵

• ظرفیت سرمایه‌های طبیعی و معدنی

ما در مجموع دارایی نفت و گاز زیر زمین، در دنیا اولیم؛ در گاز دوم، در نفت هم دوم یا سوم؛ اخیراً آقای رئیس‌جمهور یک گزارشی به من دادند که در خصوص گاز اولیم، در نفت قطعاً دومیم، این خیلی چیز مهمی است؛ هیچ کشوری در دنیا به قدر ایران ما نفت و گاز ندارد. نفت و گاز رگ حیاتی امروز دنیا است، لااقل امروز این جور است، تا سالها هم این جور خواهد بود؛ حالا کی بشریت از نفت و گاز خلاص بشود، بی‌نیاز بشود، معلوم نیست. این ماده‌ی حیاتی و اصلی، در کشور شما از همه‌ی دنیا بیشتر است؛ این ظرفیت کمی است؟ این چیز کوچکی است؟ حالا این نفت و گاز بود، سرمایه‌های معدنی دیگر [هم همین جور]: معادن طلا، معادن سیمان، معادن فلزهای کمیاب و فلزهای ارزشمند. گزارشهایی که به ما میرسد خیلی گزارشهای تکان‌دهنده‌ای است در برخی از بخشها؛ این ظرفیتهای معدنی کشور است. ظرفیتهای صنعتی و معدنی، متنوع است و انبوه.^۶

• ظرفیت موقعیت جغرافیایی

ظرفیت دیگر موقعیت جغرافیایی ما است؛ ما با پانزده کشور همسایه هستیم که اینها رفت‌وآمد دارند. حمل و نقل ترانزیت یکی از فرصتهای بزرگ کشورها است؛ این برای کشور ما هست و در

^۵ بیانات در جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^۶ بیانات در جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

جنوب به دریای آزاد و در شمال به آبهای محدود منتهی میشود. در این همسایه‌های ما، در حدود ۳۷۰ میلیون جمعیت زندگی میکنند که این مقدار ارتباطات و همسایه‌ها، برای رونق اقتصادی یک کشور یک فرصت بسیار بزرگی است. این علاوه بر بازار داخلی خود ما است؛ یک بازار ۷۵ میلیونی که برای هر اقتصادی، یک چنین بازاری بازار مهمی است.^۷

• ظرفیت زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری

نرم‌افزاری مثل این سیاست‌های اصل ۴۴، سند چشم‌انداز و این کارهایی که در این چند سال انجام گرفته و همچنین زیرساخت‌های گوناگون مثل جاده و سد و پل و کارخانه و امثال اینها؛ اینها زمینه‌های بسیار خوبی برای پیشرفت اقتصاد کشور است، اینها ظرفیتهای یک کشور است. خب، ممکن است کسی بگوید اگر تحریم نبود از این ظرفیتهای میتوانستید خوب استفاده کنید، اما [چون] تحریم هست نمیتوانید از این ظرفیتهای استفاده کنید؛ این خطا است؛ این حرف، درست نیست. ما در بسیاری از مسائل دیگر هم در عین تحریم توانسته‌ایم به نقطه‌های بسیار برجسته و بالا دست پیدا کنیم؛ یک مثال آن، تولید علم است؛ یک مثال آن، صنعت و فناوری است؛ در اینها ما تحریم بودیم، الان هم تحریم هستیم. در مورد دانشهای پیشرفته و روز، الان هم درهای مراکز علمی مهم پرور دنیا به روی دانشمند ایرانی و دانشجوی ایرانی بسته است، اما در عین حال، ما در نانو پیشرفت کردیم، در هسته‌ای پیشرفت کردیم، در سلولهای بنیادی پیشرفت کردیم، در صنایع دفاعی پیشرفت کردیم، در صنایع پهپاد و موشک، به کوری چشم دشمن، پیشرفت کردیم؛ چرا در اقتصاد نتوانیم پیشرفت کنیم؟ ما که در این سر صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون این همه موفقیت به دست آوردیم، در اقتصاد هم اگر عزممان را جزم کنیم و دست به دست هم بدهیم، میتوانیم اقتصاد را شکوفا کنیم. چشممان به دست دشمن نباشد که کی این تحریم را بر میدارد، کی فلان نقطه را موافقت میکند؛ به درک نگاه کنیم ببینیم خودمان چه کار میتوانیم بکنیم.^۸

^۷ بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

^۸ بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

۲) مشکلاتی که داریم (از انگیزه‌های تدوین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی)

مشکلات مزمن، مشکلات دیرپا - که اینها جز با یک حرکت اقتصادی جمعی مهم، امکان ندارد برطرف بشود. یکی از آنها وابستگی به نفت است که عرض کردیم، یکی از آنها عادت به واردات است - آن هم واردات بدون اولویت؛ عادت است که متأسفانه دچار آن هستیم و این عادت را هم نتوانستیم کنار بگذاریم؛ نگاهمان به تولید خارجی است - تورم مزمن، بیکاری، معیوب بودن برخی از ساختارهای اقتصادی ما، اشکال در نظامات مالی ما - نظامات پولی ما، نظامات بانکی ما، نظامات گمرکی ما - اشکال در الگوی مصرف، اشکال در مسئله تولید، اشکال در بهره‌وری؛ اینها مشکلات موجود کشور است، باید با اینها مقابله کرد. یکی از چیزهایی که هر انسان دلسوزی را و هر مسئول با همتی را برمی‌انگیزد که کاری و حرکتی از قبیل اقتصاد مقاومتی انجام بدهد، وجود همین مشکلات است. اینها جز با یک حرکت جهادی و جمعی و دلسوزانه و مستمر - با الزاماتی که دارد و عرض خواهم کرد - میسر نخواهد شد.^۹

اگر ما بخواهیم مشکل رکود را حل کنیم، مشکل تولید داخلی را حل کنیم، بخواهیم مسئله بیکاری را حل کنیم، بخواهیم گرانی را مهار کنیم، علاج همه‌ی اینها در مجموعه‌ی مقاومت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی گنجانده شده است. اقتصاد مقاومتی شامل همه‌ی اینها است. میشود با اقتصاد مقاومتی به جنگ بیکاری رفت؛ میشود به جنگ رکود رفت؛ میشود گرانی را مهار کرد؛ میشود در مقابل تهدیدهای دشمنان ایستادگی کرد؛ میشود فرصتهای بسیاری را برای کشور ایجاد کرد و از فرصتها استفاده کرد؛ شرطش این است که برای اقتصاد مقاومتی کار و تلاش انجام بگیرد.^{۱۰}

۳) تهدیدهای اقتصادی خارجی (از انگیزه‌های تدوین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی)

خب تحریمها از قبل بود، منتها این تحریمها از حدود زمستان سال ۹۰ تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی، دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست، یک جنگ تمام‌عیار اقتصادی است که

^۹ بیانات در جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^{۱۰} پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۵

متوجه ملت ما است. علت آن هم، نه مسئله‌ی هسته‌ای است، نه مسئله‌ی حقوق بشر است، نه مسائل دیگری از این قبیل است؛ علت آن را خود آنها هم میدانند، ما هم میدانیم؛ علت، استقلال‌خواهی ملت ایران است؛ علت، داشتن یک حرف نو بر پایه‌ی مبانی اسلام است که برای کشورهای دیگر و ملت‌های مسلمان الگو خواهد شد؛ میدانند که اگر جمهوری اسلامی در این عرصه‌ها و میدان‌ها موفق شد، دیگر جلوی رشد این حرکت را در دنیا نمیشود گرفت و این یک حرکت مهمی است؛ مسئله این است. حالا بهانه یک روز انرژی هسته‌ای است، یک روز غنی‌سازی است، یک روز حقوق بشر است، یک روز حرف‌هایی از این قبیل است. تحریم‌ها علیه ما، قبل از اینکه اصلاً مسئله‌ی انرژی هسته‌ای مطرح هم بشود وجود داشت، بعد از این هم وجود خواهد داشت. این مسئله‌ی هسته‌ای و این مذاکرات اگر ان شاء الله به نقطه‌ی حلی برسد، باز خواهید دید همین فشارها وجود خواهد داشت، باید در مقابل این فشارها مصونیت‌سازی کرد، باید به بنای داخلی استحکام‌بخشی کرد. اقتصاد را باید قوی کنیم تا دشمن از تأثیرگذاری از این ناحیه مأیوس بشود؛ وقتی دشمن مأیوس شد، خیال ملت و مسئولین کشور هم راحت خواهد شد.^{۱۱}

۴) بحران‌های اقتصادی جهانی (از انگیزه‌های تدوین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی)

نکته‌ی چهارم، بحران‌های اقتصادی جهانی است؛ که البته اشاره کردم قبلاً که ناشی است از اقتصاد غرب و اقتصاد آمریکا؛ در اروپا هم در حقیقت سرریز مشکلات آمریکا [بود که] مشکلات را دامن زد، اگرچه زمینه‌ی آن وجود داشت؛ در جاهای دیگر هم همین جور. ما هم که نمیخواهیم دُور خودمان حصار بکشیم؛ ما نمیتوانیم و نمیخواهیم که از لحاظ اقتصادی، ارتباطات را با دنیا قطع کنیم، نه ممکن است، نه مطلوب است، بنابراین تحت تأثیر اینها قرار میگیریم، پس باید مقاوم‌سازی کنیم.^{۱۲}

^{۱۱} بیانات در جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^{۱۲} بیانات در جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

مرور در یک نگاه فصل سوم بخش اول

فصل سوم: اقتصاد مقاومتی (زیرساخت فکری و نظری حماسه اقتصادی)		بخش اول: ضرورت و چرایی اقتصاد مقاومتی	
عوامل و انگیزه های تهیه سیاست های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰	۱	ظرفیت های مادی و معنوی	۱ نیروی انسانی
			۲ سرمایه های طبیعی و معدنی
			۳ موقعیت جغرافیایی
			۴ زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری
	۲	مشکلاتی که داریم	تورم مزمن، بیکاری، معیوب بودن برخی از ساختارهای اقتصادی ما، اشکال در نظامات مالی ما - نظامات پولی ما، نظامات بانکی ما، نظامات گمرکی ما - اشکال در الگوی مصرف، اشکال در مسئله تولید، اشکال در بهره‌وری
			۳ تهدید های اقتصادی خارجی
			۴ بحرانهای اقتصادی جهانی

بخش دوم: چیستی و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی چه هست و چه نیست؟

(۱) یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ما است

مجموعه‌ی سیاستهای اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است. من شرح خواهم داد که این مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ میتواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برآورده کند؛ میتواند مشکلات را برطرف کند؛ درعین حال پویا هم هست؛ یعنی ما این سیاستها را به صورت یک چهارچوب بسته و متحجر ندیده‌ایم، قابل تکمیل است، قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید؛ و عملاً اقتصاد کشور را به حالت "انعطاف‌پذیری" میرساند؛ یعنی شکنندگی اقتصاد را در مقابل تکانه‌های گوناگون - که اشاره خواهم کرد - برطرف میکند. این الگو با تلاش و همفکری افراد صاحب‌نظر و با بحث در مجمع تشخیص مصلحت و حضور رؤسای قوا و مسئولان تهیه شده؛ از کمک صاحب‌نظران اقتصادی برای تهیه‌ی این الگو به‌طور کامل استفاده شده؛ در واقع یکی از محسنات این الگو این است که مورد وفاق است؛ یعنی در مجمع تشخیص ورز پیدا کرده است و چکش‌کاری شده، جوانب آن دیده شده؛ رؤسای قوا در مجمع تشخیص حضور دارند، مسئولان گوناگون هم در آنجا هستند، بحث کردند؛ کار ملاحظه شده و دقت شده و مستحکم شده‌ای است. گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها - بخصوص در این سالهای اخیر - با تکانه‌های شدید اقتصادی که در دنیا به‌وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد. این اقتصاد سرمایه‌داری با مشکلاتی که ناشی از این اقتصاد بود، از غرب و از آمریکا سرریز شد به بسیاری از کشورها؛ و اقتصاد جهانی در مجموع، یک کل مرتبط به یکدیگر است، طبعاً کشورها از این مشکلات کم‌وبیش متأثر شدند؛ بعضی بیشتر، بعضی کمتر. بنابراین خیلی از کشورها در صدد برآمدند که اقتصاد خودشان را مقاوم‌سازی کنند؛ به تعبیری همین اقتصاد مقاومتی را به شکل متناسب با کشورهایشان برنامه‌ریزی کنند، تحقق ببخشند. به نظر من احتیاج ما به اقتصاد مقاومتی بیش از کشورهای دیگر است؛ ما بیشتر احتیاج داریم که اقتصاد خودمان را مقاوم‌سازی کنیم. اولاً به

همان دلیل مشترک بین ما و دیگر کشورها؛ ما با اقتصاد جهانی مرتبطیم، بنای بر همین ارتباط هم داریم، ما قصد جداشدن و مُنعزل شدن از اقتصاد جهانی را به هیچ وجه نداریم و در شرایط کنونی دنیا نمیتوان هم داشت؛ بنابراین متأثر میشویم از آنچه در دنیا در اقتصادهای جهانی اتفاق می افتد. ثانیاً خصوصیتی است که ما داریم؛ ما به خاطر استقلالمان، به خاطر عزت مداری مان، به خاطر اصرارمان بر تحت تأثیر سیاستهای قدرتها قرار نگرفتن، مورد تهاجم و سوء نیت هم قرار داریم؛ یعنی نسبت به ما - همچنان که در شرایط کنونی مشاهده میکنید - انگیزه های مخالفت و اخلاگری و اشکال تراشی و ایجاد مشکل، بیش از بسیاری از کشورهای دیگر است. بنابراین ما بیشتر بایستی اهتمام بورزیم به اینکه پایه های اقتصاد را محکم کنیم و اقتصادمان را مقاوم سازی کنیم؛ نگذاریم وضعیتی وجود داشته باشد که یا حوادث و تکانه های ناگزیر و یا سوءنیت ها بتواند در اقتصاد ما اثر بگذارد. بنابراین ما به این نیاز داریم.^{۱۳}

۲) اقتصاد درونزا و برون گر

درونزا است یعنی چه؟ یعنی از دل ظرفیتهای خود کشور ما و خود مردم ما میجوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان؛ درونزا به این معنا است. اما درعین حال درون گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور میکنیم و محدود میکنیم در خود کشور؛ نه، درونزا است، اما برون گرا است؛ با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه میشود. بنابراین درونزا است، اما درون گرا نیست. اینها را که عرض میکنم، برای خاطر این است که در همین زمینه ها الان قلمها و زبانها و مغزهای مغرض، مشغول کارند که [القا کنند] «بله، اینها میخواهند اقتصاد کشور را محدود کنند و در داخل محصور کنند». انواع و اقسام تحلیل ها را برای اینکه ملت را و مسئولان را از این راه - که راه سعادت است - جدا بکنند دارند میکنند. من عرض میکنم تا برای افکار عمومی مان روشن باشد.^{۱۴}

^{۱۳} بیانات در جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^{۱۴} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

۳) مردم بنیاد است

یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا میکند. اما «دولتی نیست» به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد؛ چرا، دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت - به عنوان یک مسئول عمومی - نظارت میکند، هدایت میکند، کمک میکند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آنها را میگیرد؛ آنجایی که کسانی احتیاج به کمک دارند، به آنها کمک میکند. بنابراین آماده‌سازی شرایط، وظیفه‌ی دولت است؛ تسهیل میکند.^{۱۵}

۴) دانش بنیان است

یعنی از پیشرفتهای علمی استفاده میکند، به پیشرفتهای علمی تکیه میکند، اقتصاد را بر محور علم قرار میدهد؛ اما معنای آن این نیست که این اقتصاد منحصر به دانشمندان است و فقط دانشمندان میتوانند نقش ایفا کنند در اقتصاد مقاومتی؛ نخیر، تجربه‌ها و مهارت‌ها - تجربه‌های صاحبان صنعت، تجربه‌ها و مهارت‌های کارگرانی که دارای تجربه و مهارتند - میتواند اثر بگذارد و میتواند در این اقتصاد نقش ایفا کند. اینکه گفته میشود دانش محور، معنای آن این نیست که عناصر با تجربه‌ی صنعتگر یا کشاورز که در طول سالهای متمادی کارهای بزرگی را بر اساس تجربه انجام داده‌اند، اینها نقش ایفا نکنند؛ نخیر، نقش بسیار مهمی هم به عهده‌ی اینها است.^{۱۶}

۵) عدالت محور است

ما در زمینه‌ی همه‌ی فعالیتهای گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه محوریم، هم عدالت محور. ما طبق برخی از سیاستهایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر

^{۱۵} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

^{۱۶} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و باهم داشته باشیم و این‌ها باهم متنافی نیستند. ما دیدگاهی که تصور کند این‌ها باهم نمی‌سازند و یا باید این را انتخاب کرد یا آن را، قبول نداریم. این نکته باید در همه موارد؛ هم در کاهش حجم دولت، هم در مسأله‌ی خصوصی‌سازی، هم در نگاه کلی به مسائل اقتصادی و هم در تقسیم منابع میان بخش خصوصی و بخش تعاونی و بخش دولتی رعایت شود.^{۱۷} یعنی تنها به شاخصهای اقتصاد سرمایه‌داری - [مثل] رشد ملی، تولید ناخالص ملی - اکتفا نمی‌کند؛ بحث اینها نیست که بگوییم رشد ملی اینقدر زیاد شد، یا تولید ناخالص ملی اینقدر زیاد شد؛ که در شاخصهای جهانی و در اقتصاد سرمایه‌داری مشاهده می‌کنید. در حالی که تولید ناخالص ملی یک کشوری خیلی هم بالا میرود، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی می‌میرند این را ما قبول نداریم. بنابراین شاخص عدالت - عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه - یکی از شاخصهای مهم در اقتصاد مقاومتی است، اما معنای آن این نیست که به شاخصهای علمی موجود دنیا هم بی‌اعتنایی بشود؛ نه، خیر، به آن شاخصها هم توجه می‌شود، اما بر محور «عدالت» هم کار می‌شود. عدالت در این بیان و در این برنامه به معنای تقسیم فقر نیست، بلکه به معنای تولید ثروت و ثروت ملی را افزایش دادن است.

۱۸

۶ برای همه زمان هاست

اقتصاد مقاومتی بهترین راه حل مشکلات اقتصادی کشور است شکی نیست، اما معنای آن این نیست که ناظر به مشکلات کنونی کشور است - که یک مقداری از آن مربوط به تحریم است، یک مقداری از آن مثلاً مربوط به غلط بودن فلان برنامه است - نه، این مال همیشه است. اقتصاد مقاومتی یعنی مقاوم‌سازی، محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد؛ این چنین اقتصادی چه در شرایط تحریم، چه در شرایط غیر تحریم، بارور خواهد بود و به مردم کمک میکند.^{۱۹}

^{۱۷} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۳/۶/۴

^{۱۸} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

^{۱۹} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

این سیاستها سیاستهای بلندمدت است؛ برای امروز هم مفید است، برای دورانی که هیچ تحریمی هم ما نداشته باشیم مفید است؛ یعنی سیاستهای بلندمدتی است که بنای اقتصاد کشور بر اینها گذاشته میشود؛ تدبیر مقطعی نیست، این یک تدبیر بلندمدت است، یک سیاست راهبردی است. طبعاً کشوری مثل کشور ما - کشور ما کشور بزرگی است، کشور ریشه‌داری است، کشور دارای موقعیت ممتازی است، امروز در دنیا کشور بسیار آبرومندی است، دارای فرهنگ مرفعی است، دارای سابقه‌ی درخشان و مرفعی است، دارای هدفهای بلندی است، حرف نویی مطرح کرده، کشوری با این خصوصیات - نیاز دارد به اینکه اقتصاد آن با همان خصوصیات باشد که در سیاستهای اقتصاد مقاومتی مورد ملاحظه قرار گرفته. عرض کردیم این سیاستها سیاستهای متحجری نیست، بسته نیست که اگر چنانچه یک فکر جدید، یک طرح جدید، راه نویی در دنیا به‌وجود آمد، نتواند آن را در خودش هضم کند، به‌هیچ‌وجه این جور نیست؛ قابل انعطاف است، میتواند تکمیل بشود، میتواند توسعه پیدا کند، لکن خط مستقیم آن تغییر پیدا نخواهد کرد.^{۲۰}

^{۲۰} بیانات در جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

در یک نگاه	
فصل سوم: اقتصاد مقاومتی (زیرساخت فکری و نظری حماسه اقتصادی)	بخش دوم: چیستی و ویژگی های اقتصاد مقاومتی
۱	یک الگوی علمی متناسب با نیازهای کشور ۱۳۹۲/۱۲/۲۰
۲	الگوی اقتصادی درونزا و برون نگر است. ۱۳۹۳/۱/۱
۳	مردم بنیاد است. ۱۳۹۳/۱/۱
۴	دانش بنیان است. ۱۳۹۳/۱/۱
۵	عدالت محور است. ۱۳۹۳/۱/۱
۶	برای همه زمانهاست. ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

بخش سوم: سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی

بسم الله الرحمن الرحيم

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن روبه افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگوئی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد. اکنون با مذاقه لازم و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می‌گردد.

لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا ابلاغ می‌گردد:

(۱) تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.

(۲) پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.

(۳) محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.

(۴) استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.

(۵) سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۶) افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

۷) تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).

۸) مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.

۹) اصلاح و تقویت همه‌جانبه‌ی نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.

۱۰) حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:

- تسهیل مقررات و گسترش مشوق‌های لازم.
- گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت‌های مورد نیاز.
- تشویق سرمایه‌گذاری خارجی برای صادرات.
- برنامه‌ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل‌دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه.
- استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
- ایجاد ثبات روبه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.

(۱۱) توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.

- (۱۲) افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از طریق:
- توسعه‌ی پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان.
 - استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی.
 - استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.

- (۱۳) مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
- انتخاب مشتریان راهبردی.
 - ایجاد تنوع در روش‌های فروش.
 - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش.
 - افزایش صادرات گاز.
 - افزایش صادرات برق.
 - افزایش صادرات پتروشیمی.
 - افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی.
- (۱۴) افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز، بویژه در میادین مشترک.

- (۱۵) افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت سیانتی از منابع.

(۱۶) صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه‌ی دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید.

(۱۷) اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

(۱۸) افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

(۱۹) شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...

(۲۰) تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

(۲۱) تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

(۲۲) دولت مکلف است برای تحقق سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ‌سازی و بسیج پویای همه‌ی امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:

- شناسایی و بکارگیری ظرفیت‌های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.
- رصد برنامه‌های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.
- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح‌های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال‌های داخلی و خارجی.

(۲۳) شفاف و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

(۲۴) افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن

بخش چهارم: الزامات اقتصاد مقاومتی

الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی

الف) الزامات مدیریتی و حکومتی

ب) الزامات قانونی و قضایی

ج) الزامات فرهنگی و تبلیغی

الف) الزامات مدیریتی و حکومتی

۱) هدف گذاری

نه در اقتصاد و نه در هیچ برنامه‌ی دیگری، بدون هدف‌گذاری نمیشود حرکت کرد، باید هدف‌گذاری بشود. اگر در هر کاری بدون هدف‌گذاری مسئولان دولتی حرکت کنند و پیش بروند، کار به روزمره‌گی خواهد رسید؛ به نتیجه نمی‌رسد. هدف‌گذاری مشخص و ثابتی باید وجود داشته باشد که به سمت آن هدف، همه‌ی دستگاه‌ها را و همه‌ی امکانات را بسیج کنند.^{۲۱}

۲) ایجاد قرارگاه فرماندهی

یک ستاد قوی و هوشمند و نافذالکلمه تشکیل بشود. من البتّه اطلاع دارم که آقای رئیس‌جمهور شورایی را تشکیل داده‌اند، خود ایشان هم شرکت میکنند، بسیار هم کار خوبی است؛ اما این آن ستاد فرماندهی نیست. خب آقای رئیس‌جمهور کارهای فراوان دیگری هم دارند که باید به آنها هم برسند، نمیشود که همه‌ی وقت و همه‌ی همّت، صرف این کار بشود. یک ستادی لازم است - مثل ستادهای فرماندهی که ما در دوره‌ی جنگ داشتیم (...) که به‌طور دائم رصد کند، نگاه کند، ببیند کدام دستگاه توانسته و پیش رفته، کجا مشکل وجود دارد. چون حرف زدن آسان است، برنامه‌ریزی هم خیلی مشکل نیست، [ولی] عمل کردن با اینها فرق دارد؛ خب آدم بخواهد در میدان وارد بشود و پیش برود، گاهی اوقات یک موانعی پیش می‌آید که قبلاً پیش‌بینی نشده، بعضی پیش‌بینی هم شده لکن موانعی است که پیش می‌آید؛ بایستی آن ستاد بتواند به‌صورت ضربتی آن موانع را برطرف کند، راه را باز کند و پیش برود؛ و نافذالکلمه [باشد]، یعنی باید گوش

^{۲۱} بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱

کنند... هرچه آن ستاد گفت، واقعاً همه آن حرف را بپذیرند. بعد هم پیشرفت کار را به مردم گزارش بدهید؛ ببینید واقعاً چه اتفاقی می افتد شما شش ماه مثلاً فرض کنید به همین شکلی که ما گفتیم، [یعنی] این برنامه وقتی تدوین شد، این ستاد تشکیل بشود و شش ماه فعالیت کند؛ کار به صورت چشمگیری پیش خواهد رفت؛ بعد ببایید همان را به مردم بگویید؛ بگویید این کارها را کردیم، آن کارها را کردیم؛ مردم در زندگی [خود] احساس میکنند؛ آن امید و خوش بینی به آینده که شما می خواهید در مردم باقی بماند، به طور کامل تأمین خواهد شد؛ یعنی به مردم گزارش داده بشود. و [البته] تعیین شاخصهایی هم برای ارزیابی باید باشد.^{۲۲}

بنده اصرار بر این معنا دارم که به معنای واقعی کلمه، فرماندهی صورت بگیرد؛ [چون] دستگاه ها، خب سیاستهایی دارند، کارهایی دارند، کارهای متعارف و معمولی دارند؛ نقش فرماندهی این است که ملاحظه کند ببیند کدام یک از این کارها در چهارچوب سیاست اقتصادی می گنجد، و کدام نسبت به اقتصاد مقاومتی بی تفاوت است، و کدام ضد اقتصاد مقاومتی است. اینها باید سنجیده بشود؛ آن دسته ی اول تقویت بشود؛ دسته ی دوم، حتی المقدور کشانده بشود به سمت اقتصاد مقاومتی؛ دسته ی سوم به طور کامل جلوگیری بشود. یعنی این انتظار است.^{۲۳}

۳) برنامه ریزی درست

اقتصاد مقاومتی یک مجموعه است؛ این مجموعه اگر فقط در زیر نام اقتصاد مقاومتی مورد توجه قرار بگیرد، ممکن است چندان منشأ اثر نباشد؛ من علاج را در این می بینم که این مجموعه را به نقاط مهم تقسیم کنیم و برای هر نقطه ی کلیدی و مهمی یک فصلی از زمان را قرار بدهیم، و از مسئولین و افراد شاخص و از آحاد مردم بخواهیم که همه ی همت خود را بر روی آن نقاط کلیدی متمرکز کنند؛^{۲۴}

ما یک برنامه ی عملیاتی لازم داریم؛ در این برنامه مشخص بشود سهم دستگاه ها، فلان دستگاه این سهم او است از این بندهای سیاستها، بعد زمان گذاشته بشود؛ زمان خیلی مهم است،

^{۲۲} بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۶/۴

^{۲۳} بیانات در دیدار نوروزی جمعی از مسئولان کشور ۱۳۹۵/۱/۱۸

^{۲۴} پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۶

زمان‌بندی بشود، معلوم بشود که تا این زمان باید انجام بگیرد و الا اگر زمان‌بندی نشود؛ هیچ ضمانتی وجود ندارد که این در طول دولت شما حتی انجام بگیرد، شما میخواهید این را عملیاتی کنید، میخواهید اجرائی کنید، میخواهید از منافعش مردم استفاده کنند، پس زمان [بگذارید]. اولاً بایستی اقدامات عملی لازم در خصوص هر بند مشخص بشود، مجری‌هایش دستگاه‌هایی که متصدین معلوم بشوند، در هر بخشی زمان‌بندی لازم انجام بگیرد، امکانات لازم و چگونگی تأمین آن امکانات بایستی روشن بشود، بالاخره این سیاستها یک تحرک عملی است و میدانی است؛ وقتی راهکار فراهم میکنید، در واقع یک تحرک میدانی میخواهید به وجود بیاورید، این الزاماتی دارد. الزاماتش چیست؟ چه جوری میشود تأمین کرد؟ راه تأمین آن الزامات باید مشخص بشود. آن وقت اگر این کارها شد، آن وقت شما میتوانید رصد کنید، میتوانید پیگیری کنید، ببینید شد یا نشد، فلان دستگاه کار خودش را انجام داد یا نداد. کار پیش میرود.^{۲۵}

۴) هماهنگی و همسو بودن فعالیت‌ها با سیاست‌ها

فعالیت‌های پُرحجمی در عرصه‌ی اقتصاد، در کشور وجود دارد، چه بخش خصوصی، چه دولتی؛ کشور فعالیت‌های عظیمی دارد و سرشار و مملو از فعالیت‌های اقتصادی است. [مسئولین] تمام تلاش خودشان را بگذارند که این فعالیت‌ها را همسو کنند با همین سیاست‌ها و اگر یک فعالیت‌ی وجود دارد که با این سیاست‌ها همسو نیست، جلویش را بگیرند؛ یعنی واقعاً این، یکی از کارهای اساسی است. در عرصه‌ی واقعی اقتصاد - آن اقتصاد واقعی - خیلی کار دارد انجام میگیرد، خوب، بعضی از آنها منطبق با این سیاست‌ها است، بعضی از آنها نیست؛ آنهایی که هست ترویج بشود، آنهایی که نیست جلوگیری بشود یا لااقل کمک نشود؛ لااقل این است که کمک نشود.^{۲۶}

^{۲۵} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۶/۴

^{۲۶} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۶/۳

۵) ورود در میدان عمل [است]

عمل در اینجا یک عمل صالح است؛ هرکسی که در این زمینه اقدام و عمل بکند، قطعاً مصداق «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»^{۲۷} خواهد بود. این طرح کلی، این نقشه‌ی راه بزرگ، باید تبدیل بشود به برنامه، برنامه‌های گوناگون؛ اگر این شد، آن وقت حماسه‌ی اقتصادی به معنای واقعی کلمه به وجود خواهد آمد.^{۲۸}

۶) حرکت بدون توقف و مستمر

روزمه فکر کردن در مسائل اقتصادی، مضر است؛ تغییر سیاستهای اقتصادی به طور دائم، مضر است - در همه‌ی بخشها، بخصوص در اقتصاد - تکیه کردن بر نظرات غیر کارشناسی، مضر است؛ اعتماد کردن به شیوه‌های تزیینی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب، مضر است. سیاستهای اقتصاد باید سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» باشد - یک اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه‌ی دنیا، آن گوشه‌ی دنیا متلاطم نشود.^{۲۹}

باید روند اجرای سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، بصورت یک حرکت مستمر و متوقف نشدنی، تا رسیدن به نتیجه، ادامه یابد و هر یک از قوا نیز بر روند کار خود نظارت دقیق داشته باشند.^{۳۰}

۷) پیگیری برای تحقق قطعی طرحها

ببینید، ما یک تصمیمی میگیریم، ابلاغ هم میکنیم، اصرار هم میکنیم، اما اگر تا آخر خط نرویم و این آبی را که از چشمه جاری شده به مزرعه نرسانیم، کار تمام نیست؛ کار تمام آن وقتی است که همه‌ی این کارهایی را که در دولت در مورد این کارهای ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی انجام

^{۲۷} سوره‌ی عصر، بخشی از آیه‌ی ۳

^{۲۸} بیانات در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^{۲۹} بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور ۱۳۹۲/۲/۷

^{۳۰} تشکیل جلسه سران قوا در حضور رهبر انقلاب ۱۳۹۲/۱۲/۶

داده‌اند، یک‌یک این طرح‌ها به نتیجه برسد؛ یعنی تعقیب کنند و قدم‌به‌قدم دنبال کنند این کارها را؛ این مسئله‌ی اوّل است که به نظر بنده خیلی مهم است و باید ان شاء الله انجام بگیرد.^{۳۱}

۸) نظارت در همه سطوح

باید نظارت بشود؛ هم رؤسای قوا باید دستگاه‌های خودشان را تحت نظارت قرار بدهند، هم مجمع تشخیص موظف است که به مسئولیت نظارتی که داده شده به‌طور کامل عمل کند و ببیند که چه دارد اتفاق می‌افتد، رهبری و دستگاه ما هم نظارت خواهد کرد ان شاء الله. بنابراین نظارت یکی از الزامات اصلی است.^{۳۲}

۹) استفاده از همه ظرفیت‌های کشور بخصوص بخش صنعت و کشاورزی

همه‌ی ظرفیتهای کشور پای کار آورده بشود... بخصوص در خصوص صنعت و کشاورزی، واقعاً کارهای زیادی وجود دارد که اینها بایستی بیاید پای کار، یعنی ظرفیتهای فوق‌العاده است.^{۳۳}

۱۰) استفاده از توان بخش خصوصی

یکی از کارهایی که پیشنهاد کرده‌اند، به ما گفته‌اند و میگویند زمینه آماده است، عبارت است از سپردن برخی از طرح‌ها به بخش خصوصی. البته برای بخش خصوصی مشوّق درست [بشود]؛ چون الان پولهای سرگردان وجود دارد، بلاشک پولهای سرگردان هست. به من آن‌جور که حالا گزارش دادند، ۴۰۰ هزار میلیارد تومان ما طرح روی زمین داریم - همه هم دولتی است - اگر چنانچه ما بتوانیم ده درصد اینها را بدهیم به بخش خصوصی، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؛ ۴۰ هزار میلیارد تومان ناگهان وارد کار میشود، این خیلی مهم است. یعنی از همین طرحهایی که الان روی زمین هست - یعنی از همین ۴۰۰ هزار میلیارد تومان - اگر ده درصد داده بشود به بخش

^{۳۱} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۶/۳

^{۳۲} بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^{۳۳} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۶/۳

خصوصی، یک اتفاق مهمی در کشور می‌افتد. این یکی از کارها است که باید واقعاً روی این برنامه‌ریزی کرد و کار کرد.^{۳۴}

۱۱) استفاده از توان نخبگان

یکی از دوستان اطلاع دادند که یک ستاد دانشجویی برای تحقیق در اقتصاد مقاومتی تشکیل شده. کار بسیار جالبی است. اینجور کارهای عمیق، همان چیزی است که کشور به آن احتیاج دارد. شما باید فکر کنید، مطالعه کنید، تحقیق کنید. این تحقیقها اگر به درد آن دستگاه مسئول هم نخورد یا به کار او نیاید یا نپسندد، قطعاً به کار شما می‌آید و به درد شما می‌خورد. این، کار بسیار جالبی است. همچنین یکی دیگر از دوستان اطلاع دادند که در دانشگاه شریف مرکز مطالعاتی‌ای تشکیل شده و در این زمینه‌ها کار میکنند. اینها بسیار کارهای مهمی است. این انگیزه‌ی جوان دانشجو و فکور، خیلی برای آینده‌ی کشور مهم است.^{۳۵}

۱۲) استفاده از توان بخش‌های خارج از دولت از جمله بسیج و بسیج عمومی

نکته‌ی دیگر این است که بخشهای بیرون از دولت دیده بشوند؛ حالا شما در مورد وزارتها و بخشهای دولتی ممکن است ابلاغ کنید؛ [اما] بخشهایی وجود دارند خارج از دولت؛ اینها میتوانند در اقتصاد مقاومتی نقش ایفا کنند، از جمله بسیج؛ بسیج چیز کمی نیست، چیز کوچکی نیست؛ بسیج یک مجموعه‌ی عظیم و آماده‌به‌کاری است؛ اینها را بخواهید، ببینید چه کار میتوانند بکنند؛ اینها می‌آیند امکانات خودشان را عرضه میکنند و میگویند این کارها را هم کرده‌ایم. به نظر من امکانات [خوبی هست]. حالا از جمله من بسیج را مثال زدم؛ بخشهای گوناگونی هستند، افراد اقتصاددان و به اصطلاح اقتصادی عمل‌کن بیرونی؛ بعضی‌ها هستند که شرکتهایی دارند و کارهایی دارند، از ظرفیتهای اینها میشود استفاده کرد. و همه‌ی اینها در آن برنامه‌ی کلی باید بیاید؛ یعنی برنامه‌ی کلی، فقط ناظر به بخشهای دولتی نباید باشد.^{۳۶}

^{۳۴} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۶/۴

^{۳۵} بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۰/۵/۱۹

^{۳۶} بیانات در ۱۳۹۴/۶/۴

اگر چنانچه بسیج وارد اقتصاد بشود، اقتصاد میشود مردم‌سالار؛ همین که آقایان اینجا الان اظهار کردند و کاملاً درست است. این اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، اگر بتواند از قوت و قدرت بسیج استفاده کند، میشود اقتصاد مقاومتی مردم‌سالار؛ در علم همین جور است، در پیشرفتهای گوناگون اجتماعی همین جور است، در سیاست همین جور است؛ مظهر مردم‌سالاری دینی، بسیج است.^{۳۷} بسیج میتواند دستگاه‌های مسئول را، هم در جهت‌دهی، هم در هدف‌گذاری، هم در عمل یاری بدهد. یعنی ما وقتی راجع به بسیج صحبت میکنیم و این مطالب را میگوییم و توانایی‌های بسیج را میگوییم، نمیخواهیم برای قوه‌ی مجریه یک رقیب بتراشیم؛ قوه‌ی مجریه وظایفی دارد، مسئولیتهایی دارد که باید آنها را انجام بدهد، وظیفه‌اش است، اما بسیج میتواند کمک کند به قوه‌ی مجریه برای جهت‌دهی صحیح، برای جلوگیری از خطا و انحراف در مسیر. و در عمل [هم میتواند] کمک کند؛ مثل همین اقتصاد مقاومتی که بعضی از آقایان اشاره کردند. میتواند به‌عنوان مکمل عمل کند، میتواند به‌عنوان امیدبخش عمل کند. بعضی از دستگاه‌های دولتی در بعضی از زمینه‌ها دچار ناامیدی میشوند و میگویند: نمیشود چطور نمیشود؟ این همه کارهای بزرگ انجام گرفت، نمیشود یعنی چه؟ میگویند: نمیشود بسیج وقتی که جلو افتاد، وقتی این نیروی جوان و پیش‌ران، حرکت صحیح خودش را دنبال کرد، آن آدم ناامید و افسرده هم بانشاط میشود و امیدوار میشود.^{۳۸}

۱۳) پایش و اطلاع‌رسانی

بایستی مرکز رصد قوی و بینایی وجود داشته باشد که به‌طور دقیق پیشرفت این کار را پایش کند؛ اطلاعات را گردآوری کنند، پردازش کنند، استنتاج کنند، احیاناً آن حرکتی را که باید در هر مقطعی و هر مرحله‌ای انجام بگیرد مشخص کنند، برای هر بخشی شاخص سنجش معین کنند، و در نهایت اطلاع‌رسانی به مردم انجام بگیرد؛ یعنی مردم دوست دارند بدانند^{۳۹}

^{۳۷} بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۹/۳

^{۳۸} بیانات در دیدار بسیجیان ۱۳۹۵/۹/۳

^{۳۹} بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

۱۴) حمایت از تولید ملی

مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. تولید ملی، اساس و حلقه‌ی اساسی پیشرفت اقتصاد است. مسئولان باید از تولید ملی حمایت کنند. چه جوری؟ یک جا که قانون لازم دارد، حمایت قانونی کنند؛ یک جا که حمایت قضائی لازم است، انجام بگیرد؛ یک جا که حمایت اجرایی لازم است، باید تشویق کنند و کارهایی بکنند؛ باید این کارها انجام بگیرد. تولید ملی باید رونق پیدا کند. صاحبان سرمایه و نیروی کار که تولیدگر هستند، آنها هم بایستی به تولید ملی اهمیت بدهند؛ به چه معنا؟ به این معنا که بهره‌وری را افزایش بدهند. بهره‌وری، یعنی از امکاناتی که وجود دارد حداکثر استفاده‌ی بهینه بشود؛ کارگر که کار میکند، کار را با دقت انجام بدهد؛ رحم الله امرء عمل عملاً فأتقنه، این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام میدهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد. آن کسی که سرمایه‌گذاری میکند، سعی کند حداکثر استفاده از آن سرمایه انجام بگیرد؛ یعنی هزینه‌های تولید را کاهش بدهند؛ بعضی از بی‌تدبیری‌ها، بی‌سیاستی‌ها موجب میشود هزینه‌ی تولید برود بالا، بهره‌وری سرمایه و کار کم بشود.^{۴۰}

۱۵) افزایش صادرات

یکی از الزامات، صادرات است که مسئولین دولتی باید فعال بشوند. گزارشی به دست من رسید از مسئولین دولتی که متأسفانه عمده‌ی صادرات کشور ما بلکه عمده‌ی معاملات تجاری ما از صادرات و واردات، با پنج یا شش کشور است؛ خب این خطا است، این خلاف اقتصاد مقاومتی است. ما در بندهای اقتصاد مقاومتی روی این هم تکیه کرده‌ایم. یکی از سیاستهای اقتصاد مقاومتی همین است؛ گسترش صادرات و گسترش طرفهای صادراتی ما. اینکه ما به پنج کشور یا شش کشور اکتفا نکنیم و خودمان را محدود نکنیم [صحیح نیست]، این تحرک مسئولین را لازم دارد؛ چه در سیاست خارجی، چه در بخشهای دیگر.^{۴۱}

^{۴۰} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

^{۴۱} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

ب) الزامات قانونی و قضایی

۱) رفع موانع قانونی

موانعی وجود دارد که اینها را میشود برداشت: موانع قانونی [وجود دارد] - که من به رؤسای محترم سه قوه در آن جلسه‌ای که داشتیم گفتم "قانون روی قانون آمدن" کار را مشکل میکند، قوانین مزاحم را باید برداشت؛ این کار را مجلس میتواند انجام بدهد؛ والا ما حالا قوانینی داریم، [اگر] باز یک قانونی روی آن قانون وضع بکنیم، قابل تفسیر و مشکل‌تراشی است؛ باید ملاحظه کرد، دقت کرد، قوانین مزاحم را پیدا کرد - موانع حقوقی و قضائی هم وجود دارد؛ اینها را باید شناسایی کرد و برداشت. بایستی فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، سرمایه‌گذاران، دانشمندان، احساس کنند که با موانع غیر معقول مواجه نیستند، بتوانند حرکت کنند.^{۴۲} دو قوه‌ی دیگر حاضرند همکاری کنند، هم قوه‌ی مقننه - مجلس - در این زمینه آماده است برای همکاری؛ [مثلاً] قانونی هست که شما قانون را باید عوض کنید یا اصلاح کنید یا قانون جدیدی را بر این قوانین اضافه کنید؛ احتیاج به این چیزها پیدا میکنید؛ یا یک جایی یک حرکت قضائی لازم است؛ همه‌ی اینها را دو قوه حاضرند همکاری کنند برای اینکه این اقتصاد مقاومتی انجام بگیرد.^{۴۳}

۲) مبارزه با فساد

واقعاً نمیشود ما کار اقتصادی درست و قوی بکنیم، اما با مفاسد اقتصادی مبارزه نکنیم؛ این واقعاً نشدنی است. تصور نشود ما میتوانیم سرمایه‌گذاری مردمی و کار سالم مردمی داشته باشیم، بدون مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی؛ و تصور نشود که مبارزه‌ی با مفاسد اقتصادی موجب میشود که ما مشارکت مردم و سرمایه‌گذاری مردم را کم داشته باشیم؛ نه، چون اکثر کسانی که میخواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند، مردمان سالمی هستند؛ حالا یکی دو نفر هم آدمهای ناسالم پیدا میشوند. باید با چشمهای تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی

^{۴۲} بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^{۴۳} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۶/۴

انجام نگیرد. این را باید مراقبت کنید؛ هم شما مراقبت کنید، هم قوه‌ی قضائیه مراقبت کند. به نظر من همکاری قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است.^{۴۴}

ج) الزامات فرهنگی و تبلیغی

۱) گفتمان سازی

باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود؛ البته صداوسیما و رسانه‌های کشور موظفند اما مخصوص آنها نیست. دستگاه‌های تبلیغاتی مخالف با کشور، مخالف با انقلاب، مخالف با پیشرفت ملی ما، خیلی چیزها در چنته دارند و شروع هم کرده‌اند - ما دیدیم - بعد از این هم بیشتر [خواهند کرد] درباره‌ی اقتصاد مقاومتی، اشکال تراشی، مانع تراشی، گاهی هو کردن، بی‌اهمیت جلوه دادن آنچه که در کمال اهمیت و نهایت اهمیت است؛ از این کارها میکنند. نقطه‌ی مقابل آنها بایستی کار بشود؛ مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد.^{۴۵} وقتی گفتمان سازی شد، آن وقت همه به این فکر خواهند افتاد، یعنی در همه یک انگیزه‌ای به وجود می‌آید؛ کأنه یک جاذبه‌ی وسیع و یک بزرگ‌راهی به وجود می‌آید که همه میل میکنند از این بزرگراه حرکت کنند؛ بنابراین گفتمان سازی خیلی مهم است. البته با تکرار کلمه‌ی «اقتصاد مقاومتی» گفتمان سازی نمیشود، نباید کاری کرد که این کلمه حرف را همین‌طور این قدر تکرار کنیم که از ذهن بیفتد؛ نه، بلکه با تبیین و با توضیح و مانند اینها بیان بشود.^{۴۶}

این حرف زدن و این گفتن، برای این است که یک تفکر عمومی به وجود بیاید، یک خواست عمومی به وجود بیاید و همه بخواهند که این مقاصد تحقق پیدا بکند. این اسم سال که گذاشته میشود، عنوان «اقتصاد مقاومتی» که تکرار میشود، برای این است که این خواست عمومی، در

^{۴۴} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۱/۶/۲

^{۴۵} بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^{۴۶} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۶/۳

دلها، در زبانها، در عملها خودش را نشان بدهد و همه به این سمت حرکت بکنند. وقتی یک چیزی به صورت یک گفتمان عمومی درآمد و خواست عمومی شد، طبعاً تحقق پیدا میکند؛ یعنی مسئولین هم در همان جهت حرکت میکنند.^{۴۷}

۲) ترویج تولید ملی در همه سطوح توسط مردم

عزیزان من شما وقتی که یک جنس داخلی را خرید میکنید به جای جنس تولید خارجی، هم به همین اندازه کار و اشتغال ایجاد کرده‌اید، هم کارگر ایرانی را وادار کرده‌اید به اینکه ابتکار خودش را بیاورد میدان؛ جنس داخلی که مصرف شد، آن کننده‌ی کار، ابتکاراتی دارد، این ابتکارات را روز به روز افزایش خواهد داد؛ شما وقتی که جنس داخلی مصرف میکنید، ثروت ملی را افزایش داده‌اید. در گذشته، در دوران طاغوت، ترجیح مصرف خارجی به عنوان یک سنت بود؛ سراغ جنس که میرفتند، [مپرسیدند] داخلی است یا خارجی؟ اگر خارجی بود، بیشتر به آن رغبت داشتند؛ این باید برگردد و به عکس بشود. نمیگوییم خرید جنس خارجی حرام است، اما عرض میکنیم خرید جنس داخلی یک ضرورت برای مقاوم سازی اقتصاد است و بر روی همه چیز این کشور تأثیر میگذارد. باید به این توجه کرد؛ این نقش همه‌ی مردم است. البته در اینجا هم مثل خیلی جاهای دیگر، مسئولیت مسئولان و مدیران کشور از دیگران بیشتر است؛ بسیاری از زیاده روی‌ها و ریخت و پاش‌ها در رفتار مردم، به خاطر نگاه کردن به رفتار آن کسانی است که آنها را "بزرگ‌ترها" میدانند؛ اگر اسراف در بین سطوح بالا نباشد، در بین مردم هم اسراف کم خواهد شد. بنابراین ترجیح تولید داخلی یکی از کارها است.^{۴۸}

۳) ترجیح فعالیت‌های تولیدی توسط صاحبان سرمایه

ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند کم یا زیاد و میتوانستند این را در یک راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند؛ رفتند سراغ تولید؛ گفتند می‌خواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه است، این صدقه است، این جزو بهترین کارها است؛ کسانی که دارای

^{۴۷} بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۶/۲/۱۰

^{۴۸} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

سرمایه هستند چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند.^{۴۹}

^{۴۹} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۳/۱/۱

مرور در یک نگاه فصل سوم بخش چهارم

فصل سوم: اقتصاد مقاومتی(زیرساخت فکری و نظری حماسه اقتصادی)		بخش چهارم: الزامات اقتصاد مقاومتی
الف) مدیریتی	هدف گذاری ۱۳۹۴/۱/۱	
	ایجاد قرارگاه فرماندهی ۱۳۹۴/۶/۴ - ۱۳۹۵/۱/۱۸	
	برنامه ریزی درست ۱۳۹۶/۱/۱ - ۱۳۹۴/۶/۴	
	هماهنگی و همسویی فعالیت ها با سیاست ها ۱۳۹۵/۶/۳	
	ورود به میدان عمل ۱۳۹۲/۱۲/۲۰	
	حرکت بدون توقف و مستمر ۱۳۹۲/۲/۷ - ۱۳۹۲/۱۲/۶	
	پیگیری برای تحقق قطعی طرح ها ۱۳۹۵/۶/۳	
	نظارت در همه سطوح ۱۳۹۲/۱۲/۲۰	
	استفاده از همه ظرفیت ها از جمله صنعت و کشاورزی ۱۳۹۵/۶/۳	
	استفاده از توان بخش خصوصی ۱۳۹۴/۶/۴	
ب) قانونی وقضایی	استفاده از توان نخبگان ۱۳۹۰/۵/۱۹	
	استفاده از توان بسیج ۱۳۹۴/۶/۴ - ۱۳۹۵/۹/۳	
	پایش و اطلاع رسانی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰	
	حمایت از تولید ملی ۱۳۹۳/۱/۱	
	افزایش صادرات ۱۳۹۶/۱/۱	
ج) فرهنگی	رفع موانع ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ - ۱۳۹۴/۶/۴	
	مبارزه با فساد ۱۳۹۱/۶/۲	
	گفتمان سازی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ - ۱۳۹۵/۶/۳ - ۱۳۹۶/۲/۱۰	
	ترویج تولید ملی در همه سطوح توسط مردم ۱۳۹۳/۱/۱	
	ترجیح فعالیت تولیدی توسط صاحبان سرمایه ۱۳۹۳/۱/۱	

فصل چهارم

راهکارهای عملی در مسیر نهضت تحول اقتصاد

بخش اول: اقتصاد بدون نفت

بخش دوم: علم اقتصادی و اقتصاد علمی

بخش سوم: رشد تولید

بخش چهارم: عدالت گستری و مبارزه با فساد

بخش پنجم: سیاست‌های پولی و مالی

بخش ششم: دیپلماسی اقتصادی و روابط خارجی

بخش هفتم: سبک زندگی

بخش اول: اقتصاد بدون نفت

مقدمه

اقتصاد نفتی - یعنی تکیه‌ی اصلی به فروش نفت خام - یکی از عیوب اساسی اقتصاد ما است^۱؛ یعنی ما نفت را که سرمایه‌ی ماندگار ما است و امکان ارزش افزوده‌ی چندین برابری در آن وجود دارد، از زیر زمین بکشیم بیرون، خام خام بفروشیم به دنیا، پولش را بگیریم و صرف امور جاری کشور بکنیم؛ خسارت از این بالاتر نمیشود.^۲ ما اگر نفتمان را همین طور مدام بفروشیم و در مقابلش دلار بگیریم و بیاوریم، هیچ وقت به فکر نمی‌افتیم که بودجه‌ی کشور را، مخارج کشور را، هزینه‌های جاری کشور را از نفت جدا کنیم^۳؛ آن حرفی را که بنده بیست سال قبل گفتم و بعضی از مسئولین دولتهای آن روز با نگرانی کردنی چه‌جوری یک لب‌خندی زدند و از آن عبور کردند که گفتم ما بایستی به جایی برسیم که هروقت اراده کردیم بتوانیم در چاه‌های نفتمان را ببندیم.^۴

یک جاهایی ما مجبوریم البته نفت را تولید کنیم، چاره‌ای نداریم اما من واقعاً از ته دل خوشحال نمی‌شوم آن‌وقتی که ما آمار افزایش صادرات و افزایش تولید را [می‌شنویم].^۵ در گزارشهایی بنده دیدم که (دشمنان) توصیه می‌کنند که نگذارید ایران، اقتصاد بدون نفت را تجربه کند؛ بین خودی هایشان این گفته می‌شود که نگذارید ایران، اقتصاد بدون نفت را تجربه کند. یک راه پستی‌ای درست کنید، حالا تحریمها را برنمیدارید، اما یک راهی را پیدا کنید، درست کنید که ایران بکلی منقطع نشود، چون اگر منقطع شد میرود سراغ اقتصاد غیرنفتی. آنها به این توجه دارند و دنبالش می‌روند؛ ما مسئولین بایستی حواسمان جمع باشد. مسئولین کشور، بخصوص مسئولین اقتصادی باید حواسشان جمع باشد.^۶

در زمینه‌ی اقتصاد تحوّل به این است که ما بتوانیم بند ناف اقتصاد کشور را از نفت قطع کنیم؛ یعنی بتوانیم اقتصاد بدون نفت را به وجود بیاوریم؛ این یک تحوّل به معنای واقعی کلمه است.^۷

^۱ بیانات در دیدار مسئولان نظام ۲/۳/۱۳۹۷

^۲ بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۲۹/۱۱/۱۳۹۳

^۳ بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه ۱۰/۷/۱۳۹۸

^۴ بیانات در دیدار مسئولان نظام ۲/۳/۱۳۹۷

^۵ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۴/۶/۱۳۹۴

^۶ بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۹/۱۱/۱۳۹۸

^۷ (سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۹/۳/۱۴)

این هدف مهم با توجه به امکانات، ظرفیت‌ها و نیروی انسانی کشور تحقق‌پذیر است، همان‌گونه که برخی کشورهای بدون نفت، این کار را کرده‌اند.^۸ این توان را ملت ایران و نظام اسلامی در ایران به دست خواهد آورد؛ که تأثیرگذاری‌اش در دنیا فوق‌العاده است. ما باید به اینجا برسیم.^۹ این البته در کوتاه‌مدت ممکن نیست و در بلندمدت محقق می‌شود، و کار امروز و فردا و کار یک دولت هم نیست؛ یعنی اگر دولت‌ها همت کنند، ممکن است مثلاً در طول دو دولت هشت‌ساله این کار تحقق پیدا کند. البته بنده یک روزی سالها پیش این را مطرح کردم؛ اگر از آن روز شروع می‌شد، امروز بدون شک وضع کشور وضع دیگری بود؛ دنبال نشد.^{۱۰}

این حرفهایی که من امروز به شما عرض می‌کنم و مکرر گفته‌ایم، در مقام حرف آسان است، در مقام عمل کارهای مشکلی است. خود من دستم سالها در اجرا بوده است؛ بنده میدانم اجرا کار سختی است اما معتقدم این کار سخت را میتوان انجام داد. اجرا کردن سخت‌تر از حرف زدن است؛ اما همین کار سخت را با همت، با اعتماد به این مردم، با اعتماد به این جوانها، با اعتماد به سرمایه‌های داخلی کشور، با اعتماد به خدای متعال که وعده‌ی نصرت داده است، میشود انجام داد.^{۱۱}

دلایلی بر ضرورت قطع وابستگی به درآمد نفت:

۱) نفت یک سرمایه ملی و تجدید ناپذیر

این را همه‌ی اقتصاددان‌های وارد و فهیم، نه امروز [بلکه] بارها، سالها گفته‌اند و تکرار کرده‌اند؛ و این یک واقعیتی است... ما که داریم نفت خام را می‌فروشیم، درواقع ثروتی را و موجودی مان را که قابل تجدید هم نیست و تمام می‌شود، از زیر زمین درمی‌آوریم می‌فروشیم، پول می‌گیریم، صرف

^۸ دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت با رهبر انقلاب ۱۳۹۶/۶/۴

^۹ بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۵/۲۶

^{۱۰} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۱/۱/۲۳

^{۱۱} بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

اداره‌ی کشور می‌کنیم؛ این غلط است بایستی این سرمایه را به‌نحوی استعمال کرد، به‌نحوی به کار برد، به‌نحوی مصرف کرد که درآمدِ افزوده داشته باشد؛ ما باید مصرف بهینه بکنیم [از نفت]^{۱۲}

۲) نفت یک ذخیره ملی هست برای زیرساخت‌های ماندگار و اهرم سیاسی و اقتصادی قدرتمند در صحنه‌ی بین‌المللی

نفت، ذخیره‌ی همیشگی این ملت است و می‌ماند. اولاً از آن برای ساخت زیربناهای ماندگار و دیگر سرمایه‌های اساسی کشور استفاده می‌شود. ثانیاً به وسیله‌ی قدرت نفت، ملت ایران می‌تواند در صحنه‌ی سیاست بین‌المللی، ابراز قدرت کند. یک‌وقت اعلان کند که من می‌خواهم نفتم را شش ماه نفروشم همه‌ی دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ همه‌ی سیاستها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یا بگوید می‌خواهم این قدر کم کنم، یا این قدر زیاد کنم این در طول زمان انجام می‌گیرد. پس از این طرف، ملت ایران ضرر می‌کند، از آن طرف هم مسئولین کشور، همین پول نفت را به خاطر نیاز کشور می‌دهند و گندم وارد می‌کنند بعد وقتی که این گندم وارد می‌شود، وقتی که آرد می‌شود، نان می‌شود و پا به سفره‌ی من و شما می‌گذارد، آنجا ضایع می‌شود^{۱۳} من یک وقتی در همین مشهد در حضور جمعیت عظیم مردم گفتم، اگر این نفتی که امروز در اختیار ماست، در اختیار اروپا و امریکا بود، ما برای هر بشکه‌اش باید در مقابل آنها سجده می‌کردیم تا یک بشکه نفت به ما بدهند؛ مگر می‌دادند؟^{۱۴}

۳) نفت را ما تولید می‌کنیم اما اختیارش دست دیگران است

امروز شما ملاحظه کنید، وقتی روی نفتِ ما فشار می‌آورند، ما دچار مشکل می‌شویم، این ناشی از چیست؟ ناشی از این است که ما تکیه‌مان را به نفت از بعد از دوره‌ی جنگ و پایان جنگ تا امروز، نتوانستیم کم کنیم، اگر ما تکیه‌مان را به نفت کم می‌کردیم، فشار بر روی نفت این‌قدر برای ما

^{۱۲} بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۷/۱۲/۸

^{۱۳} بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۷۷/۱/۱

^{۱۴} بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۵/۱/۱

سخت تمام نمیشد^{۱۵} نفت اختیارش دست ما نیست، دست تولیدکننده‌ی نفت نیست، می‌بینید دیگر؛ نه فقط [هنگام] مسئله‌ی تحریم -حالا تحریم یک چیز عارضی است- [حتی] آن وقتی هم که تحریم نیست، نفت در اختیار مصرف‌کننده‌های گردن کلفت متعارف دنیا است؛ اختیار نفت دست آمریکا و اروپا و اتباع اینها است، قیمت‌گذاری دست آنها است، کارهای گوناگون دست آنها است، توطئه‌ها و حمله‌های آنها^{۱۶} گاهی تحریم میکنند،

گاهی می‌خرند، گاهی می‌گویند نباید از فلانی بخریم، از این کشور بخریم - این مشکلات وجود دارد. ما باید خودمان را از اقتصاد نفتی خلاص کنیم که البته کار بسیار دشواری هم هست؛ اما بالاخره باید حتماً این کار در کشور انجام بگیرد^{۱۷} ما در واقع اسیر نفتیم، [ولی] نفت باید اسیر ما باشد، نفت باید در اختیار ما باشد؛ این یک سیاست قطعی است^{۱۸}

۴) اقتصاد نفتی باعث عدم توجه به ظرفیت‌های داخلی شده است

این یک بلای بزرگی است برای کشور؛ یک راه درآمد راحتی است که نفت را از چاه بکشیم بیرون و برویم به یک قیمتی بفروشیم؛ یک درآمد مفت و آسان از اوّل -از دورانی‌های قبل- به این شیوه عادت کرده‌ایم؛ این به ضرر ما تمام شده، واقعاً به ضرر ما تمام شده.^{۱۹} که موجب شده برای درآمد کشور، به نیروی داخل و جوشش داخلی، به استعدادهای گوناگون و ظرفیتهای گوناگون داخلی توجه چندانی نشود، خاطرمان جمع باشد که نفت می‌فروشیم، درآمد کشور تأمین خواهد شد؛ عامل عمده‌ی مشکلات کشور این است^{۲۰}

^{۱۵} بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۲/۶/۱۴

^{۱۶} گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۸/۵/۳۰

^{۱۷} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۷/۱/۱

^{۱۸} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲

^{۱۹} گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت ۱۳۹۸/۵/۳۰

^{۲۰} بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۹۸/۱۱/۱۹

راهبردهای قطع وابستگی اقتصاد به درآمد نفت

- (۱) جایگزین پیدا کردن برای درآمد نفتی
- (۲) تولید فرآورده نفتی با ارزش افزوده بالا
- (۳) توجه و عمل به برنامه صندوق توسعه ملی

(۱) جایگزین پیدا کردن برای نفت

ما واقعاً بایستی به فکر بیفتیم؛ برای نفت باید جایگزین [قرار داد]. می بینید نفت چه وضعی پیدا کرده یک اشاره ی قدرتها و عناصر خبیث منطقه با همدیگر، موجب میشود که نفت ناگهان از صد دلار بیاید به چهل دلار از وقتی که از صد دلار شروع کرده تنزل تا حالا، مگر چند ماه طول کشیده؟ خب، این قابل اطمینان نیست؛ آدم نمیتواند این را جزو سرنوشت اقتصاد کشور و گذران زندگی یک کشور [بداند] و آن را مربوط کند به یک چنین چیزی. نفت مال ما است، [اما] هم اختیارش دست دیگران است، هم درآمد بیشترش مال دیگران است.^{۲۱}

برنامه های جایگزین برای درآمد نفتی

• افزایش صادرات غیر نفتی

از جمله ی کارهائی که باز همت مضاعف را در زمینه ی اقتصاد نشان میداد، افزایش صادرات غیرنفتی است. من سالها پیش این را گفتم که یکی از آرزوهای من این است که یک روزی ما بتوانیم کشور را جوری اداره کنیم که حتی اگر لازم بود، یک قطره نفت هم صادر نکنیم و کشور اداره شود. این چیزی است که تا امروز پیش نیامده است. البته کار آسانی هم نیست، کار بسیار مشکلی است. افزایش صادرات غیرنفتی موجب میشود که ما به این هدف نزدیک شویم.^{۲۲}

کارشناسها میگویند - من خودم وارد نیستم؛ آمار و ارقام از کارشناسهاست - این پنجاه، شصت میلیاردی که ما از طریق فروش نفت به دست میآوریم، با نهصد میلیارد دلار صادرات و معامله و تجارت به دست می آید؛ این خیلی مهم است. ما این درآمد را که از طریق نفت به دست میآوریم،

^{۲۱} بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۶/۴

^{۲۲} بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰

صرف مسایل روزمره‌ی زندگی می‌کنیم؛ این، معنی ندارد.^{۲۳} این ملت اگر بتواند، باید با صادرات گوناگون صادرات میوه، صادرات معادن گوناگونی که در این کشور هست، تولیدات صنعتی، کشاورزی و خدمات این کشور را اداره کند.^{۲۴}

• اخذ مالیات

یکی از کارها - که مهم‌ترین کار همین است - [این است که] باید تکیه‌ی بودجه به تولید داخلی باشد، یعنی به درآمدی که مردم تولید می‌کنند و مالیات می‌دهند. مالیات یک فریضه است. ما امروز از ضعفا مالیات می‌گیریم - از کارمند مالیات می‌گیریم، از کارگر مالیات می‌گیریم، از کاسب جزء مالیات می‌گیریم - اما از فلان کلان‌سرمایه‌دار، فلان درآمد‌دار بی حساب و کتاب مالیات نمی‌گیریم؛ فرار مالیاتی دارند؛ اینها جرم است؛ فرار مالیاتی جرم است. آن که از دادن مالیات به دولت خودداری می‌کند و مالیاتی که باید به دولت بدهد - که آن درآمدی که حاصل شده و در اختیار او است، به برکت فضایی است که دولت به وجود آورده است و کاری است که دولت دارد می‌کند، پس باید مالیات را بدهد - نمیدهد، در حقیقت کشور را وابسته می‌کند به پول مفت نفت، و وقتی کشور به پول نفت وابسته شد، همین مشکلات پیش می‌آید: یک روز تحریم میشود؛ یک روز نفت ارزان میشود؛ یک روز شاخ‌وشانه میکشند؛ کشور به این وضع دچار میشود. مسئله‌ی مالیات خیلی مهم است. البته من شنیدم که مسئولین مالیاتی کشور دارند طراحي می‌کنند، کارهای خوبی دارند انجام میدهند؛ این کارها باید سریع انجام بگیرد؛ باید تحقیق پیدا کند؛ از مردم باید کمک خواسته بشود و مردم باید کمک کنند؛ این قلم اول. قلم اول از کارهای مهمی که باید انجام بگیرد، این است که بودجه‌ی کشور، اداره‌ی دولت، به وسیله‌ی درآمدهای از درون مردم باشد، یعنی از همین مالیات، که مالیات هم مربوط میشود به تولید و کسب و کار.^{۲۵}

^{۲۳} بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۳/۲۹

^{۲۴} بیانات در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۷۷/۱/۱

^{۲۵} بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱/۲۹

• تقویت اقتصاد با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی

یکی از این مسائل [اساسی کشور]، مقاوم‌سازی کشور در قلمرو اقتصاد، در مجموعه‌ی کار اقتصادی که دشمن نتواند از طریق اقتصاد بر کشور فشار وارد کند و خواسته‌ی خودش و اراده‌ی خودش را تحمیل کند. ما اگر وابسته‌ی به نفت نباشیم، ما اگر تولید داخلی‌مان را تقویت نکنیم، آن روزی که نفت از صد دلار می‌آید به بیست و چند دلار، دیگر تنمان نمی‌لرزد.^{۲۶} بزرگ‌ترین مسئولیت‌های مسئولین کشور همین است که کاری کنند اگر دشمن دلش نخواست تحریم را بردارد، به رونق کشور و پیشرفت کشور و رفاه مردم ضربه‌ای وارد نشود؛ راه آن چیست. راه آن این است که مراجعه کنیم به درون کشور، به درون ملت، از نیروهای درونی کشور استفاده کنیم و راه‌هایی وجود دارد؛ آدم‌های صاحب‌نظر، آدم‌های کارشناس و بااخلاص، گواهی می‌دهند که راه‌هایی وجود دارد که انسان بتواند به خودش متکی باشد. این وظیفه‌ی مسئولین کشور و مسئولین دولتی است، چشم ندوزند به دست بیگانه^{۲۷}

نمونه‌هایی از برنامه‌هایی برای استفاده از ظرفیت‌های درونی:

• اقتصاد کشاورزی و دامداری

در بخش کشاورزی و دامداری - که یکی از بخش‌های مهم ماست - اساس توجه باید به این باشد که ما در محصولات اصلی مصرفی کشور، به خودکفایی برسیم؛^{۲۸} امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پُرجمعیت و دارای هدف‌های بلند، بسیار مهم است؛ لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند.^{۲۹}

برای مسئله‌ی اقتصاد، سه محور اصلی وجود دارد: یکی صنعتی کردن کشاورزی است؛ کشاورزی و باغداری را صنعتی کنیم، مدرن کنیم. یکی مسئله‌ی صنایع تبدیلی و تکمیلی و سردخانه و این چیزهاست. باغدار اینجا اگر در کنار دست خودش صنایع تبدیلی مورد دسترس داشته باشد،

^{۲۶} بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

^{۲۷} بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۹۳/۱۰/۱۷

^{۲۸} بیانات در دیدار مسئولان وزارت خانه‌های صنایع و بازرگانی ۱۳۸۰/۴/۱۰

^{۲۹} بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴

وضعش بکلی تفاوت پیدا میکند؛^{۳۰} مسئله‌ی اساسی‌ای که این عمدتاً [مربوط به] وزارت کشاورزی است -منتها فقط کار وزارت کشاورزی نیست- تمرکز بر روستا است. یعنی واقعاً این را یکی از بخشهای اساسی برنامه‌ریزی دولت باید قرار داد؛ ما متمرکز بشویم روی روستا. حرفش را در سالهای مختلف خیلی زده‌ایم اما این کار عملاً اتفاق نیفتاده. ما بایستی صنایع تبدیلی را به روستاها ببریم، به بعضی از شهرها ببریم. من در ارومیه دیدم سیب روی زمین ریخته بود گفتند اصلاً نمی‌ارزد؛ پول کارگر خیلی بیشتر از آن پولی است که ما از فروش این سیب به‌دست [می‌آوریم] یا هلو، زردآلو، انگور؛ خب، آنجا صنایع تبدیلی می‌خواهد. خیلی از جاهای گوناگون کشور، ما این میوه‌ها را داریم که در بعضی از اوقات، صرف نمیکند برای صاحب باغ که این میوه را جمع بکند. ما اگر صنایع تبدیلی داشته باشیم، خشک‌کننده داشته باشیم، بتوانیم آنجا از اینها استفاده بکنیم، این کار را باید بکنیم. و ظرفیتهای فوق‌العاده است؛ واقعاً فوق‌العاده است.^{۳۱} به من گزارش کرده‌اند، حدود سی درصد اشتغال در بخش کشاورزی است -هم اگر چنانچه به مسئله‌ی کشاورزی پرداخته بشود و مسئله‌ی روستاها و مشکلات روستاها و بردن کارخانه‌های تبدیلی و صنایع تبدیلی به روستاها و برطرف کردن مشکلات فروش کالاها به وسیله‌ی روستاییان را اگر چنانچه دنبال بکنید، به نظر من، کمک بسیار زیادی خواهد کرد به پیشرفت اقتصاد؛ اهمیت بخش کشاورزی از اینجا معلوم میشود^{۳۲}

• اقتصاد صنعت و معدن

بار اصلی بیرون رفتن کشور از رکود و عقب‌ماندگی اقتصادی بر دوش بخش صنعت و معدن است؛ باید تلاش کنند، تلاش را باید مضاعف کنند، ظرفیتهای شناسایی کنند؛ ظرفیتهای زیادی در کشور هست، این ظرفیتهای را فعال کنند^{۳۳}.

^{۳۰} بیانات در دیدار نخبگان و مسئولان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۵

^{۳۱} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۶/۴

^{۳۲} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۲/۲۴

^{۳۳} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۴/۱۶

اگر بخواهیم جایگزین (برای نفت) پیدا کنیم، یکی از بهترین جایگزین‌ها معادن است. آنچه به من گزارش شده [این است که] ما حداکثر پانزده درصد از ظرفیت معدنی کشور را داریم استحصال میکنیم؛ پانزده درصد ما معدن را باید جایگزین نفت کنیم؛^{۳۴}

• اقتصاد مبتنی بر ترانزیت و حمل و نقل کالا در تجارت بین‌المللی

یکی همین مسئله‌ی مسیر شمال - جنوب است که مدتهاست در کشور صحبتش هست و درست است؛ این باید انجام بگیرد. الان در کشورها یک رقابتی به وجود آمده برای اینکه مسیرهای تجارت بین‌المللی را از داخل خودشان [عبور دهند]. این کشور میخواهد از داخل خودش این مسیر را انجام بدهد، آن کشور میخواهد از داخل خودش. ما جای حساسی قرار داریم؛ جای ما از لحاظ جغرافیایی خیلی حساس است؛ یعنی در این منطقه شاید هیچ کشوری نباشد که یک چنین موقعیت ممتازی داشته باشد. موقعیت ما ممتاز است. این مسیر شمال - جنوب را [توسعه بدهیم]؛ البته مسیرهای دیگر هم هست [مانند] شرق و غرب، [ولی] مهم‌ترینش این است. مسیر شمال - جنوب را دنبال کنیم که داوطلب هم دارد؛ از دولتهای خارجی کسانی هم هستند که میتوانند در این زمینه همکاری کنند؛ این را دنبال کنید.^{۳۵}

• اقتصاد دریاپایه

نکته [ای] ... که ... مربوط به مسئولین کشور است، توجه به دریا است. ما به دریا همچنان توجه لازم را نداریم. امروز نود درصد تجارت دنیا از طریق دریا انجام میگیرد. حمل و نقل دریایی، مهم‌ترین بخش حمل و نقل بین‌المللی است. ما هم از کشورهایی هستیم که خوشبختانه چند هزار کیلومتر مرز دریایی داریم؛ آن هم دریاهای متنوع. در شمال کشور دریا داریم، در جنوب کشور دریا داریم، اقیانوس داریم؛ باید خیلی استفاده کنیم، از دریا باید خیلی استفاده کرد. مسئولین محترم بخشهای مربوط باید بنشینند روی این مسئله فکر کنند، برنامه‌ریزی کنند، طراحی کنند. البته چندی است که یک حرکتی برای این کار آغاز شده اما باید وسیع‌تر حرکت

^{۳۴} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۶/۴

^{۳۵} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۴۰۲/۱/۱۵

کرد؛ ما از دریا باید خیلی استفاده کنیم... ما [باید] از مرزهای دریایی متنوع و طولانی‌مان استفاده کنیم و برای منافع ملی روی این مسئله کار کنیم.^{۳۶}

دریا مرکز برکت است، ما هم از لحاظ دریا خوشبختانه دستان باز است؛ در جنوب کشور و در شمال کشور دریا داریم. اقتصادهای مٔکی به دریا خیلی اقتصادهای بابرکتی است؛ یکی این است؛ به این توجه کنیم. لوازمی دارد [که باید] به آن لوازم ملتزم بشویم، دنبال کنیم، پیگیری کنیم.^{۳۷}

• اقتصاد گردش گری

در بحث گردشگری حقیقتاً ضعیف عمل می‌کنیم که باید اهتمام ویژه‌ای به میراث فرهنگی و گردشگری شود.^{۳۸} من تصور این است که اگر مسئولان کشور بتوانند از همین مسئله گردشگری به شکل درست، با تبلیغات صحیح و با جهت‌گیری صحیح استفاده کنند، درآمد آن، کشور را از همه معونه‌های دیگر بی‌نیاز می‌کند. مسئله گردشگری خیلی مهم است.^{۳۹}

• اقتصاد دانش پایه

مراکز تحقیقاتی ما، پارکهای علمی - فناوری ما، دانشگاههای ما در بخشهای مختلف، در حال جوششند؛ این باید متوقف نشود. در زمینه‌ی اقتصاد هم این آن چیزی است که به ما کمک اساسی خواهد کرد؛ یعنی اگر ما توانستیم کار علمی را پیش ببریم و علم را اقتصادی کنیم - که حالا اشاره خواهم کرد - قطعاً در زمینه‌ی اقتصاد از فروش نفت و از خام‌فروشی‌هایی که داریم و مانند اینها، برای ما بسیار پر صرفه‌تر خواهد بود. امسال در دیدار ماه رمضان - حالا یادم نیست که اساتید دانشگاه بودند، یا دانشجوها؛ در یکی از این دو دیدار - یکی از حضار يك سخنرانی‌ای کرد، يك عنصری را، يك محصولی را معرفی کرد که درآمد آن برای کشور چندین برابر - که حالا

^{۳۶}بیانات در دیدار کارکنان و خانواده‌های ناوگروه ۸۶ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۲/۰۵/۱۵

^{۳۷}بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۴۰۲/۱/۱۵

^{۳۸}بیانات در دیدار مسئولین استان همدان در تیر ماه ۱۳۸۳

^{۳۹}بیانات در دیدار مسئولان اجرایی استان فارس در ۱۳۸۷/۷/۲۱

من چون یادم نمانده متأسفانه، نمیتوانم بگویم؛ البته یادداشت کرده‌ام - بیشتر از درآمد مثلاً فرض کنید که نفت ما است یا گاز ما است که اگر چنانچه روی آن محصول کار بکنیم که مشتری هم در دنیا دارد، علاقه‌مند هم دارد، برای ما هم مشکلات تولیدی ندارد، میتوانیم چنین درآمدهایی داشته باشیم؛ یعنی واقعاً یکی از کلیدهای حل مشکلات اقتصادی و معضلات اقتصادی ما، تکیه‌ی روی علم است.^{۴۰}

• انرژی هسته‌ای

ما امروز داریم فکر روزی را میکنیم که کشور ما نفت نداشته باشد؛ انرژی، انرژی بدون نفت. کشوری که نفت ندارد، شاید در منابع دنیا هم نفت باقی نماند. دنیا دارد فکر انرژی آن روز را میکند. ما هم با این دردسرهایی که ملاحظه میکنید، ایستاده‌ایم برای اینکه آن آینده را، امروز تأمین کنیم. اگر نکنیم، آن روزی که نفت تمام میشود، ما نیستیم، اما اثر سوء این عمل ما آن روز خواهد بود. ما مسئول خواهیم بود.^{۴۱} در قضیه‌ی هسته‌ای آنچه که ایران به دنبال آن است، دانش مورد نیاز است؛ دانشی که اگر امروز ملت ایران آن را دنبال نکند، فردا دیر خواهد بود؛ فردائی که نفتی به کار نباشد و همه‌ی چرخهای اقتصادی دنیا بر اساس نیروی هسته‌ای حرکت کند و ملت ایران دستش خالی باشد؛ بنشیند منتظر که دیگران به او کمک کنند؛ آنها این را میخواهند. مسئله‌ی هسته‌ای ما این است؛ من بارها گفته‌ام. ما امروز برای دانش هسته‌ای که برای ما مهم است، کار میکنیم که بیست سال دیگر، سی سال دیگر، فرزندان ما، جوانان ما، نسل آینده، ملت بزرگ ایران، آن روز دستش به طرف غربیها دراز نباشد. غربیها امروز که نفت مال ماست، از زمین ما نفت استخراج میشود و به آنها داده میشود، دارند برای همین نفت به ما زور میگویند - امروز این نفتی که از چاه‌های این منطقه بیرون می‌آید، سودش برای دولتهای غربی از سودش برای کشورهای نفت‌خیز بیشتر است - امروزی که نفت مال ماست، در اختیار ماست، دست ماست، زورگوئی میکنند، فردا که ما بخواهیم انرژی هسته‌ای را از خود آنها بگیریم، شما ببینید چه بر سر ملت‌ها می‌آید. نظام جمهوری اسلامی فکر آن روز را میکند. لذا امروز اصرار میکند که ما بایستی

^{۴۰} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۶/۶

^{۴۱} بیانات در دیدار جمعی از اساتید و فضلا و مبلغان و پژوهشگران حوزه‌های علمیه کشور ۱۳۸۶/۹/۸

این علم را، این فناوری را، این دانائی را، این تمکّن را برای خودمان کسب کنیم. آن وقت جنجال راه می‌اندازند در دنیا که چرا میخواهید شما این را کسب کنید؟ و تهمت میزنند، افکار عمومی را گمراه میکنند که اینها دنبال بمب اتمند، اینها فلانند.^{۴۲}

۲) تولید فرآورده نفتی با ارزش افزوده بالا

یکی از کارهای لازم، نهضت کاهش خام فروشی است. اینکه من چندی پیش راجع به وابسته بودن اقتصادمان به نفت اعتراض کردم و در سخنرانی گفتم، ناظر به این است. ما باید کاری کنیم که خام فروشی بتدریج کاهش پیدا کند، تا اینکه بکلی از بین برود؛ باید ارزش افزوده ایجاد کرد.^{۴۳} نفت را میشود تبدیل کرد به فرآورده. بنده احتمال میدهم - بعضی از دقتهای علمی هم همین را تأیید میکند - شاید؛ این نفتی که ما آن را تبدیل میکنیم به بنزین و گازوئیل و نفت سفید و مثلاً مصرف این جوری میکنیم، با تولید فراوردههایی که تا امروز، بشر آن فراوردهها را تولید نکرده است، تا صدبرابر این بشود ارزش افزوده برای نفت به وجود آورد؛ ما از اینها غافلیم؛ نفت خام را از درون چاهها بکشیم بیرون و این ذخیره را - این ذخیره که دوباره در زیر زمین تولید نمیشود؛ جزو چیزهای پایان پذیر است؛ اینها تبدیل پذیر نیست که بگوییم تمام [آن را] میکشیم، جای آن می‌آید؛ نه، وقتی کشیدیم، تمام میشود؛ نفت این جور است، گاز این جور است - بفروشیم، پول آن را صرف کنیم در مصارف جاری کشور؛ از این بدتر واقعاً چیزی نمیشود؛ این جزو میراثهای شوم رژیم طاغوت و رژیم گذشته است. یک راه پول درآوردن آسانی هم هست و بعضی از مسئولین در طول زمانهای مختلف هم ترجیح دادند که از این پول آسان استفاده کنند.^{۴۴}

۳) توجه و عمل به برنامه صندوق توسعه ملی

صندوق توسعه‌ی ملی چیست؟ معنای صندوق توسعه‌ی ملی این است که از درآمد نفت کشور - نفتی که بدون اینکه ارزش افزوده‌ای تولید کند، از چاه درمی‌آوریم و می‌فروشیم - هر سال یک

^{۴۲} بیانات در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر ۱۳۸۸/۹/۱۵

^{۴۳} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۴/۱/۱

^{۴۴} بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

درصدی کنار گذاشته بشود که وابستگی اقتصاد کشور به نفت کم بشود. گفتیم اول بیست درصد، بعد بر این بیست درصد، هر سال اندکی [یعنی] سه درصد اضافه میشود؛ اگر این سه درصدها را تاکنون بنا بود اضافه بکنیم،... یعنی نگهداری میشد در صندوق توسعه‌ی ملی که کشور از وابستگی به نفت به این اندازه نجات پیدا میکرد. و این وقتی پیش برود، در ظرف چند سال دیگر، نفت بکلی از اقتصاد کشور جدا خواهد شد که این برای کشور یک فرصت بزرگ و یک فوز عظیم است.... اگر کشوری بتواند اقتصاد خودش را از نفت جدا بکند و دارای نفت هم باشد، این کشور قطعاً پیشرفت چندبرابر خواهد کرد. این صندوق توسعه‌ی ملی به این منظور به وجود آمد.^{۴۵}

^{۴۵} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

مرور در یک نگاه فصل چهارم بخش اول

فصل چهارم:		بخش اول:	
راهکارهای عملی در مسیر نهضت تحول اقتصادی		اقتصاد بدون نفت	
دلائل بر ضرورت قطع وابستگی به نفت	۱)نفت یک سرمایه ملی و تجدید ناپذیر ۱۳۹۷/۸/۱۲		
	۲)نفت یک ذخیره ملی هست برای زیرساخت های ماندگار و اهرم سیاسی و اقتصادی قدرتمند در صحنه ی بین المللی ۱۳۷۷/۱/۱-۱۳۸۵/۱/۱		
	۳)نفت را ما تولید میکنیم اما اختیارش دست دیگران است ۱۳۹۷/۳/۲-۱۳۹۸/۵/۳		
	۴)اقتصاد نفتی باعث عدم توجه به ظرفیت های داخلی شده است ۱۳۹۸/۱۱/۱۹-۱۳۹۸/۵/۳۰		
راهبردهای قطع وابستگی به درآمد نفتی	۱	افزایش صادرات غیر نفتی ۱۳۹۰/۱/۱-۱۳۷۷/۱/۱	
		۲ اخذ مالیات ۱۳۹۳/۱۱/۲۹	
	۳	تقویت اقتصاد با تکیه بر ظرفیت های داخلی ۱۳۹۳/۱۰/۱۷	۱ اقتصاد کشاورزی و دامداری ۱۳۸۲/۱۰/۱۴-۱۳۸۰/۴/۱۰ ۱۳۹۴/۶/۴-۱۳۹۱/۷/۲۵
			۲ اقتصاد صنعت و معدن ۱۳۹۳/۴/۱۶
			۳ اقتصاد مبتنی بر ترانزیت کالا ۱۴۰۲/۱/۱۵
			۴ اقتصاد دریابایه ۱۴۰۲/۱/۱۵
			۵ اقتصاد گردشگری ۱۳۸۷/۷/۲۱
			۶ اقتصاد دانش پایه ۱۳۹۲/۶/۶
			۷ اقتصاد انرژی هسته ای ۱۳۸۶/۹/۸-۱۳۸۸/۹/۱۵
	۲	تولید فرآورده نفتی با ارزش افزوده بالا ۱۳۹۴/۱/۱-۱۳۹۳/۱۱/۲۹	
	۳	توجه و عمل به برنامه های صندوق توسعه ملی ۱۳۹۶/۱/۱	

بخش دوم: علم اقتصادی و اقتصاد علمی

مقدمه

یکی از کلیدهای حل مشکلات اقتصادی و معضلات اقتصادی ما، تکیه‌ی روی علم است.^{۴۶} علم مایه‌ی قدرت و ثروت است.^{۴۷} این دنیائی که در اختیار ماست، این زمینی که در اختیار ماست، این موادی که در اختیار ماست، ای بسا میلیونها برابر بهره‌ای که امروز بشر از آنها استفاده میکند، قابل بهره‌برداری باشد. از همین آب، از همین خاک، از همین مواد، از همین هوا، از همین موادی که در زیر زمین هست و از همین چیزهائی که در اختیار ماست و ما ارزش اینها را نمیدانیم، ای بسا بشر در آینده بهره‌های خیلی فراوانی ببرد. ما امروز نفت را میسوزانیم؛ ممکن است در آینده، بهره‌مندی هائی از نفت برای بشر به دست بیاید و به قدری ارزشمند بشود که هیچ عاقلی حاضر نباشد یک قطره‌ی نفت را بسوزاند؛ به جای آن از انرژیهای دیگر استفاده کنند. شما ببینید، امروز از زباله‌ی شما بازیافت مواد با ارزش میکنند. خب، زباله زباله است؛ این یک مثال خیلی کوچک است. خیلی از چیزها هست که ممکن است از آنها استفاده بشود؛ به چه وسیله میشود آنها را فهمید؟ به چه وسیله میشود به راههای ده توی طبیعت پی برد و راه برد و از آنها استفاده کرد؟ به وسیله‌ی علم. اینی که پیغمبر میفرماید: «اطلبوا العلم و لو بالصّین»، نمیخواهد بگوید بروید فلسفه یا فقه را از چین یاد بگیرید؛ بروید دانش را - هر دانشی؛ علم و آنچه که بر علم مترتب میشود یعنی فناوری و توانائیهای فراوان سرپنجه‌ی بشری - یاد بگیرید؛ اینها چیزهای لازمی است.^{۴۸} اگر پیشرفت علمی را ما دنبال کردیم، آن وقت اقتصاد دانش‌پایه - که سرمایه‌گذاری‌اش اندک است [اما] فرآورده و محصولش بسیار زیاد است - در اختیار ما قرار خواهد گرفت.^{۴۹} وضع علمی امروز کشور این اجازه را به ما میدهد که این بلندپروازی را داشته باشیم که بخواهیم اقتصادمان را اقتصاد دانش‌بنیان کنیم؛^{۵۰} با توجه به واقعیاتی که ما مشاهده میکنیم و جلوی چشم ماست، این اوج گیری، این رسیدن به این تعالی مورد نظر و پیشرفت، به هیچ وجه خیالپردازانه نیست؛ واقع‌گرایانه است؛ تجربه‌ی این چند سال هم همین را نشان میدهد... اگر

^{۴۶} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۶/۶/۱۳۹۲

^{۴۷} بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۵/۶/۱۳۸۷

^{۴۸} بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۵/۶/۱۳۸۷

^{۴۹} بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲۰/۱۲/۱۳۹۴

^{۵۰} بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۲۰/۱۲/۱۳۹۲

چنانچه علم در بخشهای مختلف جدی گرفته شد، آن وقت این شرکتهای دانش بنیان که بر مبنای علم کار میکنند، تولید میکنند و ثروت آفرینی میکنند، خواهند توانست بتدریج اقتصاد کشور را به شکوفائی واقعی برسانند^{۵۱}

الزامات علمی کردن اقتصاد و اقتصادی کردن علم

الف) ارتباط صنعت و دانشگاه

ب) تقویت و رشد شرکتهای دانش بنیان

ج) جهت گیری درست معنوی در فعالیتهای علمی

د) حرکت جهادی در فعالیتهای علمی

الف) ارتباط صنعت و دانشگاه

نظام آموزشی ما با همه‌ی تأکیدهایی که شده، همچنان بیشتر یک نظام ذهنی است تا یک نظام عملی و کاربردی؛ غالباً این جور است. حالا البته کارگاه‌های آموزشی در بعضی از بخشها هست، [ولی] همه جا نیست و همیشه هم نیست. البته تربیت ذهنی دانشجویان کار لازمی است، باید دانش بیاموزند اما این کافی نیست؛ در کنار کار ذهنی، کار عملی باید تعلیم بگیرند.^{۵۲}

علم را باید وصل کنیم به فناوری، فناوری را باید وصل کنید به صنعت، و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه‌ی کشور.^{۵۳} صنعت ما دچار مشکلات است؛ دانشگاه میتواند در این مورد نقش ایفا کند. البته لازم است من عرض بکنم بعضی از دانشگاه‌ها طبق گزارشی که به من دادند، در زمینه‌ی ارتباط با صنعت خوب عمل کرده‌اند؛ بعضی از دانشگاه‌ها هم نه، وارد نشده‌اند و خوب عمل نکرده‌اند. اخیراً شنیدم که فرصت مطالعاتی یک‌ساله‌ی اساتید در صنعت، برنامه‌ریزی شده و در مجاری تصویب و مراکز تصویب، تصویب شده؛ خوب است، بسیار کار خوبی است. فرض کنید یک فرصت مطالعاتی به اساتید مرتبط با صنعت بدهند که بروند داخل صنعت و از نزدیک با

^{۵۱} بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان ۸/۵/۱۳۹۱

^{۵۲} بیانات در دیدار کارگران ۱۴۰۱/۲/۱۹

^{۵۳} بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۵/۱/۱

مشکلات صنعت کشور آشنا بشوند. ما در صنعت کشور مشکلاتی داریم؛ این مشکلات را بایستی دانشگاه حل کند. البته بعضی از صاحبان صنایع گله‌مندند، میگویند ارتباط دستگاه‌های دانشگاهی با ما کمکی به ما نکرده، اما علی‌الاصول دانشگاه میتواند کمک کند به پیشرفت صنعت، به رونق صنعت، به اعتلاء صنعت، تا ما فرض کنید برای مسائل صنعت نفتمان یا مسائل صنعت برقمان و دیگر چیزها چشم‌اندوزیم به اینکه حتماً بایستی یک خارجی بیاید و با او قرارداد ببندیم تا به ما تکنولوژی بدهد.^{۵۴}

من خواهش میکنم از مسئولان وزارتخانه‌های مربوط، و از مسئولان دولتی ذی‌ربط که مرتبط با مسائل علم و دانشگاه و صنعت هستند، مسئله‌ی پیشرفت علمی و ارتباط علم با فناوری در کشور را جدی بگیرند؛ یعنی نسبت به این مسئله واقعاً هیچ کوتاهی صورت نگیرد. این مسئله، مسئله‌ی اساسی ما است؛ یکی از اصلی‌ترین، اساسی‌ترین و فوری‌ترین مسائل ما است.^{۵۵} این کار جز در دفتر رئیس جمهوری، در جای دیگر امکانپذیر نیست و من خواهش می‌کنم که این کار را هر چه زودتر انجام دهید. البته وزارت علوم و وزارت صنایع، هر کدام نقش خود را خواهند داشت؛ اما این اتصال باید در دفتر رئیس جمهوری و زیر نظر شخص ایشان باشد. باید یک نفر مورد اعتماد و آشنای با علم و صنعت به دفتر رئیس جمهور بیاید و دانشگاه را به صنعت کشور وصل کند. این کار، هم صنعت کشور را جهش خواهد داد، هم سدی را که جلو جوی آب علم کشور را گرفته - آزمایشگاه ندارند، کارگاه ندارند - یکباره برخواهد داشت و حرکت عظیمی به وجود خواهد آمد. هر دو طرف تشنه‌اند. در نهایت، کمک مالی هم به صنعت کشور می‌شود.^{۵۶}

راهکارهای ایجاد و تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه:

(۱) تدوین نقشه جامع علمی کشور

ما باید بدانیم نقشه‌ی جامع علمی کشور چیست. کدام علم، به چه اندازه، در کجای این نقشه جا دارد. اینجور نباشد که مثل یک ورزشکاری که فقط روزی بازو کار میکند و بازوهایش میشود

^{۵۴} بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ۱۳۹۷/۳/۲۰

^{۵۵} بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۴/۱۱

^{۵۶} بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۶/۵

اینقدر، در حالیکه پا و سینه و شانهاش مثل یک آدم لاغر است، باشیم این، فایده‌ای ندارد. نقشه‌ی جامع علمی، چیز لازمی است: جایگاه علوم گوناگون، هرکدام؛ مقدار دانشجو، نوع دانشجو، جنس دانشجویان - دختر، پسر - مناطق گوناگون؛ اینها باید روشن بشود؛ ما بدانیم چه کار می‌خواهیم بکنیم.^{۵۷}

کمبود نقشه‌ی واقعاً جامع علمی، امروز نقیصه‌ی بزرگ دانشگاه ما است. ما نمیدانیم توزیع دانشجو بر حسب رشته‌های علمی بر چه اساسی صورت می‌گیرد. این رشته‌های علمی باید مورد نیاز کشور باشد، باید به درد کشور بخورد. چه تعداد دانشجو در فلان رشته لازم داریم؟ اینها باید فکر بشود، باید کار بشود. اینها را من از وزیر محترم علوم می‌خواهم که دنبال کنند و این یکی از مهم‌ترین کارهای شما است که باید انجام بگیرد. بعضی از رشته‌های علمی در ایران هست که مورد نیاز نیست، شغلش هم وجود ندارد؛ خب چه فایده‌ای دارد؟ بعضی از کارهای دانشگاهی و رشته‌های دانشگاهی هست که اصلاً وجودش [ضرورتی ندارد]. ما الان شاید چند صد هزار دیپلم آماده‌ی به کار داریم که میتوانند در بخشهای مختلف مشغول به کار بشوند؛ اینها را می‌آوریم داخل دانشگاه، بعد از مدتی چند صد هزار کارشناس یا کارشناس ارشد بیکار متوقع عصبانی تحویل کشور میدهیم فکر کنیم ببینیم چه چیزی لازم داریم، بر حسب نیازمان حرکت بکنیم. اگر ما فارغ‌التحصیلی داریم که شغل ندارد، باید بدانید نظام تعلیم و تربیت ما اشکال دارد. اگر کسی برای فایده‌ی کشور تحصیل میکند، باید شغلش آماده باشد. اگر فارغ‌التحصیل داریم اما شغل ندارد، پیدا است که این دانشجو گرفتن با نظام و با محاسبه‌ی درست انجام نگرفته.^{۵۸}

بعد از آنکه نقشه‌ی جامع علمی تهیه و فراهم شد، کارهای دیگری هم بایستی انجام بگیرد؛ از جمله: ایجاد نظام مهندسی این نقشه، تبدیل نقشه‌ی جامع علمی به صدها پروژه‌ی علمی، و سپردن این پروژه‌ها به پیمانکاران امینی که عبارتند از همین دانشگاه‌ها و اساتید و مراکز تحقیقاتی دانشگاه‌ها. بعد، ایجاد شبکه‌ی نظارت بر این پیشرفت علمی؛ حسن اجراء، و درگیر

^{۵۷} بیانات در ۱۳۸۶/۶/۱۲

^{۵۸} بیانات در دیدار رضانی دانشجویان ۱۴۰۲/۱/۲۹

کردن استاد، دانشجو، محقق، این‌ها حتماً باید در این طرح مهندسی نقشه‌ی جامع علمی دیده شود.^{۵۹}

۲) ایجاد نظام ملی نوآوری و مدیریت جریان دانش و فناوری

در همه‌ی بخش‌ها یک چرخه‌ی به‌هم‌پیوسته‌ی مهمی از انواع دانش‌هایی که مورد نیاز کشور است، باید وجود داشته باشد تا این‌ها هم‌افزایی کنند و به کمک هم بیایند. یک مجموعه‌ی کامل علمی در کشور بایستی به وجود بیاید؛ این هنوز نشده. این جزیره‌ها بایستی به طور کامل به هم متصل شوند، یک مجموعه‌ی واحد تشکیل شود؛ به هم کمک کنند، همدیگر را پیش ببرند، هم‌افزایی کنند، راه را برای جستجو و یافتن منطقه‌های تازه‌ی علمی در این آفرینش وسیع الهی باز کنند؛ سؤال مطرح کنند، به آن سؤال‌ها پاسخ داده شود؛ این‌ها همه‌اش لازم است.^{۶۰} یک خلأیی وجود دارد - و همین خلأ موجب شده نقشه‌ی جامع علمی هم آنچنان که باید و شاید عملیاتی نشود - و آن عبارت است از همین خلأ نظام ملی نوآوری، که عبارت است از یک شبکه‌ای از فعالیت‌ها، تعامل‌های زنجیره‌ای، در سطح‌های کلان و میانی و خرد، بین دستگاه‌های علمی کشور؛ چه در درون محیط علمی، چه بیرون محیط علمی. یک تعامل اینچنینی باید به وجود بیاید، که این به عنوان نظام ملی نوآوری شناخته شود؛ کارش هم عبارت است از این که جریان دانش و نوآوری را مدیریت کند، رصد کند، ارزیابی کند، هدایت کند. این امروز یک چیز لازمی است و به نظر من مسئولان و مدیران باید به این مسئله فکر کنند.^{۶۱}

۳) همکاری وزارتخانه‌ها با دانشگاه

بیشتر وزارت‌ها می‌توانند در تقویت اقتصاد ملی نقش ایفا کنند. واقعاً این‌جوری است. خیلی از وزارت‌ها به حسب ظاهر ارتباطی با مسائل اقتصادی ندارند - فرض کنیم وزارت علوم یک وزارت اقتصادی نیست - اما می‌توانند نقش ایفا کنند در تقویت اقتصاد ملی. فرض بفرمایید که در تزیان

^{۵۹} بیانات در ۱۳۸۷/۹/۲۴

^{۶۰} بیانات در ۱۳۸۹/۷/۱۴

^{۶۱} بیانات در ۱۳۹۱/۵/۲۲

دکتری و کارشناسی ارشد و مانند این کارهایی که میکنند، اینها را راهنمایی کنند، هدایت کنند تا در خدمت اقتصاد ملی قرار بگیرد؛ مسائل داخلی را حل کند، مشکلات داخلی کشور را حل کند. آماده اند این جوانهای ما، این یکی از کارهای مهم است.^{۶۲} ما باید بتوانیم در زمینه‌ی علم، اولاً نگذاریم حرکت پرشتابی که امروز وجود دارد، مطلقاً کند بشود، بخصوص دولت باید به آن اهتمام بکند. عرض کردم این جزو دو اولویت اول برنامه‌های کشور است؛ یعنی به‌طور ویژه روی مسئله‌ی پیشرفت علم باید کار بشود. البته مسئول درجه‌ی یک برای پیشرفت علم، دو وزارت علوم و بهداشت درمان هستند؛ لکن وزارت‌های صنعتی، وزارت کشاورزی، وزارت‌های حتی خدماتی، اینها همه‌شان میتوانند در این زمینه کمک بکنند و باید کمک بکنند؛ یعنی واقعاً همکاری بین دانشگاه‌ها و بین مراکز علمی و تحقیقاتی و دستگاه‌های خدماتی ما - مثل همین وزارت صنعت، وزارت راه، وزارت نفت، وزارت کشاورزی، این وزارت‌های گوناگونی که با مسائل فنی سروکار دارند - [لازم است]؛ اینها میتوانند واقعاً مثل یک مکنده‌ای عمل بکنند و از درون مراکز تحقیقاتی و علمی، آن شیرهی علم را بکشند و آن دستگاه را وادار به کار و تحرک بکنند.^{۶۳}

۴) تعیین مشوق‌ها

برای هر دو طرف باید مشوق گذاشت، هم برای آن صنعتی که برای پژوهش خرج میکند - بالاخره وقتی که صنعت، از پژوهش دانشگاهی میخواهد استفاده کند، یک هزینه‌ای میکند؛ این هزینه را به حساب بیاورید؛ یا جزو معافیت‌های مالیاتی، یا از این قبیل چیزها - هم آن قسمت پژوهشگاه و پژوهشکده و دانشگاه پژوهشگر را مورد تشویق قرار بدهید؛ از دو طرف باید تشویق بشوند که به هم نزدیک بشوند.^{۶۴}

^{۶۲} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

^{۶۳} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۶/۶

^{۶۴} . بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۶/۳

۵) ایجاد کانون‌های دانشی مرتبط با صنعت در دانشگاه

صنایع ما اگر بخواهند از رقابتهای بازار عقب نمانند، به پیشرفت علمی و نوآوری احتیاج دارند. این نوآوری، زمینه‌اش در دانشگاه‌های ما، پژوهشکده‌های ما، پژوهشگاه‌های ما کاملاً فراهم است. این پژوهشگاه‌هایی که چند بار توصیه شد که در کنار دانشگاه‌ها و وابسته‌ی به دانشگاه‌ها به وجود بیاید، میتواند یک بخشی را در اختیار صنایع بگذارد که آنها در این پژوهشگاه‌ها شرکت کنند و از ناحیه‌ی آنها نیازهای خودشان را برطرف کنند. این کاری است که هماهنگی‌اش در همین بخش دولتی میسر است. باید بنشینند برای این کار برنامه‌ریزی کنند.^{۶۵}

احتیاج داریم ما به اینکه در دانشگاه کانونهای دانشی، مخصوص بخش صنعت و بخشهای گوناگون صنعت، مثلاً مخصوص بخش خودرو به وجود بیاید که پشتیبانی کنند.^{۶۶} بنده شنیده‌ام ندیده‌ام که در کشورهای پیشرفته، در جلسه‌ی دفاع دانشجوها، صاحبان صنعت می‌آیند شرکت میکنند، دفاع را گوش میکنند؛ از همانجا که این [دانشجو] دارد دفاع میکند، با او قرارداد می‌بندند؛ یعنی این جور دانشجوی فارغ‌التحصیل آماده‌ی به‌کار را می‌یابند. صنعت ما هم بایستی به این معنا توجه بکند. این کار هم فعالیت لازم دارد؛ این فعالیت آقایان وزرا را در دولت لازم دارد؛ بنشینند با مسئولین صنعت، مسئولین بخش خصوصی، بخش دولتی، کاری کنند که به‌طور واقعی و به معنای حقیقی کلمه و به‌صورت جامع، یک همکاری بین دانشگاه و صنعت کشور [انجام بگیرد]. فقط هم صنعت نیست؛ بخشهای گوناگون مدیریتی خصوصی و دولتی احتیاج به تحقیقات دانشگاهی دارند؛ [باید] در همه‌جا این کار انجام بگیرد. این هم [یک] مسئله است.^{۶۷}

۶) مدیریت فعالیت‌های علمی ناظر بر نیازهای کشور

یک نکته‌ی اساسی در فعالیت‌های علمی این است که فعالیت علمی کشور، ناظر به نیازهای کشور باشد که این به‌طور کامل امروز تأمین‌شده نیست. همان‌طور که دوستان اشاره کردند، مقالات علمی نمایه‌شده‌ی کشور ما امروز مشتری دارد، یعنی مشتری کار علمی در دنیا فراوان است؛ ولی خب، این کافی نیست. بله، [اینکه] شما مقاله‌ای تهیه کنید و مرجع واقع بشود، و به آن ارجاع

^{۶۵} بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳۹۰/۷/۱۳

^{۶۶} بیانات در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی ۱۳۸۹/۱/۹

^{۶۷} بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم ۱۳۹۴/۸/۲۰

داده بشود، مایه‌ی افتخار است، چیز خوبی است، برای کشور هم خیلی خوب است و نشانه‌ی پیشرفت علمی کشور است؛ اما از این مهم‌تر این است که آنچه شما در زمینه‌ی مسائل علمی کار میکنید، ناظر باشد به نیازهای کشور. خب، امروز ملاحظه کردید، در مورد مسائل مربوط به صنعت، مربوط به کشاورزی، مربوط به مدیریت بحران، مربوط به مسائل گوناگون کشور، مطالبی را صاحب‌نظران ابراز کردند، نیازهایی را گفتند، کمبودها و ضعفهایی را که وجود دارد مطرح کردند؛ خب میتواند تحقیق علمی، پژوهش علمی، مقاله‌ی علمی، برای تأمین این نیازها تهیه بشود و ناظر به رفع این نیازها باشد.^{۶۸} ما در دوران دفاع مقدس مشکلات فراوانی داشتیم، خلأهای بیشماری داشتیم، این خلأها پر نمیشد؛ بتدریج دانشگاهها وارد میدان شدند و بسیاری از این خلأها که ما فکر نمیکردیم يك وقتی بتوانیم اینها را پر کنیم، به وسیله‌ی همت دانشگاهها و همت اساتید ما و جوانان ما و دانشمندان ما پر شد. ما در زمینه‌های اقتصادی، در زمینه‌های فرهنگی، در زمینه‌های سیاسی، در زمینه‌های مدیریتی میتوانیم این خلأهایی را که وجود دارد، پر کنیم؛ دانشگاهها میتوانند موضوعات پژوهشی را در دستور کار قرار دهند و این خلأها را پر کنند. بنابراین یکی از معیارها و ضابطه‌ها باید این باشد که کار علمی در خدمت نیازهای کشور قرار بگیرد.

اصرار بر گره خوردن تحقیقات دانشگاهی با صنعت و تجارت؛ این حرفی است که ما ده دوازده سال آن را تکرار کردیم، به دولتها هم گفتیم، به دانشگاهها هم گفتیم؛ البته تا حدود زیادی هم تحقق پیدا کرده، اما به طور کامل نه.^{۶۹} اینکه شما اینجا بنشینید کار علمی و تحقیقاتی بکنید برای نیازی که فلان دستگاه علمی دنیا یا فناوری دنیا پیدا کرده و با قیمت ارزان این را از شما میگیرد، این هنر نیست؛ باید نگاه کنید ببینید نیاز داخلی چیست.^{۷۰} الان به ما گزارش میدهند که هفتاد درصد مقاله‌های علمی ما ناظر به نیازهای کشور نیست. نمیدانم چقدر این آمار دقیق است، اما به من اینجور گزارش میشود. این همه شما زحمت بکشید، مقاله‌ی علمی تهیه کنید، از این مقالات علمی سی درصد ناظر به نیازهای کشور باشد، هفتاد درصد نه خب، انسان احساس

^{۶۸} بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۴/۱۱

^{۶۹} بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۲/۵/۱۵

^{۷۰} بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۲/۷/۱۷

خسارت میکنند. باید صد درصد کار علمی، تلاش علمی، تهیه‌ی مقاله‌ی علمی ناظر باشد به نیازهای شما. شما با I.S.I هم بر این اساس همکاری کنید. آنجائی که مقاله‌ی مورد قبول I.S.I چیزی است که شما میتوانید در کشور از آن استفاده کنید، آن را دنبال کنید. ما معیار اساسی در دست داریم؛ معیار ما این است که کشور ما صدها خلل و مشکل و خلا دارد، میخواهیم اینها را پر کنیم. این هم یک نکته‌ی بسیار اساسی است.^{۷۱}

۷) تکمیل زنجیره علم و فناوری و تاسیس شرکت‌های دانش بنیان

دو نکته است در مورد این مسائل علمی: یکی تکمیل زنجیره‌ی علم و فناوری است؛ یعنی این زنجیره‌ی از ایده و فکر و سپس علم و سپس فناوری و سپس تولید و سپس بازار را ما باید تکمیل بکنیم، و الا اگر چنانچه ما کار تحقیقاتی را کردیم، به فناوری هم رسیدیم، اما مثلاً تولید انبوه نشد، یا بازار برایش پیش‌بینی نشد، این ضربه خواهد خورد؛ همه‌ی اینها بایستی مورد توجه قرار بگیرد و این زنجیره‌ی کار علمی، تا تولید و بازار بایستی دنبال بشود؛ یعنی نگاهها باید روی مجموع این زنجیره باشد؛ این يك نکته است. نکته‌ی بعدی هم شرکت‌های دانش بنیان؛ خوشبختانه امروز شرکت‌های دانش بنیان با تعداد خوبی، بالایی تشکیل شده و وجود دارد، هر چه میتوانید باید بروید سراغ شرکت‌های دانش بنیان.^{۷۲}

برکات ارتباط بین صنعت و دانشگاه

۱) تامین امنیت بلند مدت برای کشور

آنها (جبهه استکبار) برای حمله‌ی به جمهوری اسلامی استدلال دارند. به نظر من استدلالشان از دیدگاه آنها استدلال تامی است. در یک نقطه‌ی بسیار حساس جهان از لحاظ جغرافیائی، یعنی این نقطه‌ی خاورمیانه، خلیج فارس، دریای سرخ، شمال آفریقا، بخشی از مدیترانه - این حوزه‌ی عظیمی است دیگر - مجموعه‌ی امت اسلامی واقع شده. الان شما ببینید از این پنج تا، شش تا

^{۷۱} بیانات در ۱۳۹۱/۷/۱۲

^{۷۲} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۶/۶

گذرگاه آبی حساس حیاتی که در دنیا وجود دارد، سه تایش توی این منطقه است: تنگه‌ی هرمز است، کانال سوئز است، باب‌المندب است. اینها گذرگاه‌های مهمی است که تجارت جهانی متوقف به اینهاست. شما نقشه‌ی جهان را بردارید جلوی رویتان نگاه کنید، خواهید دید که این چند تا مرکز چقدر برای ارتباط تجاری و ارتباط اقتصادی دنیا مهم است. بنابراین، این منطقه، منطقه‌ی حساسی است. حالا در این منطقه‌ی بسیار حساس، یک قدرتی دارد قد میکشد و روزبه‌روز خودش را بیشتر نشان میدهد. این قدرت با همه‌ی خواسته‌های استکباری و دستگاه‌های کمپانی‌ها و شبکه‌های عظیم اقتصادی مفسد فی‌الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است، با سلطه‌گری مخالف است، با ظلم مخالف است؛ خوب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است. دستگاه استکبار فقط ایالات متحده‌ی آمریکا نیست، یا فلان رئیس‌جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپایی نیست؛ دستگاه استکبار یک شبکه‌ی عظیم‌تری است که شامل اینهاست؛ شبکه‌ی صهیونیستی هست، شبکه‌ی تجار اساسی بین‌المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست؛ اینها هستند که مسائل سیاسی دنیا را دارند طراحی میکنند؛ دولت‌ها را اینها می‌آورند، اینها می‌برند. این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولت‌های اروپایی هستند، خیلی از این نفتخوارهای ثروتمند منطقه‌ی خودمان هستند، با یک چنین قدرت رو به رشد رو به اعتلای در حال قدکشی بشدت مخالفند؛ بنابراین هرچه بتوانند، در مقابله‌ی او کار میکنند. توی این سی سال هم بیکار نماندند، هرچه بگذرد هم باز بیکار نمی‌مانند؛ مگر آن وقتی که شماها همت کنید؛ شما جوانها کشور را از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی به نقطه‌ای برسانید که امکان آسیب‌پذیری‌اش نزدیک به صفر باشد؛ آن وقت کنار میکشند و توطئه‌ها تمام خواهد شد. اینی که من توی این چند سال به دانشگاه‌ها مرتب راجع به مسائل علم و تحقیق و پژوهش و نوآوری و جنبش نرم‌افزاری و ارتباط صنعت و دانشگاه و اینها این همه تأکید کردم، برای خاطر این است که یک رکن امنیت بلندمدت کشور و ملتتان علم است.^{۷۳}

^{۷۳} بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴

۲) تحقق استقلال اقتصادی

(ارتباط بین صنعت و دانشگاه) یکی از شرایطی است که اگر محقق شود، ما به استقلال اقتصادی می‌رسیم. چرا ما باید بنشینیم که دیگری در اروپا، یا در یک گوشه‌ی دیگر دنیا تحقیقی بکند و ما از او یاد بگیریم؟ مگر ما کمتر از آنها هستیم؟ مگر ما کمتر می‌فهمیم؟ پس باید تحقیقات کنند، ابتکار کنند، تولید را جلو ببرند، صنعت را جلو ببرند، تولید را از لحاظ کیفیت و کمیت بالا ببرند.^{۷۴}

۳) رشد در علم نافع

ما راجع به «علم نافع» زیاد صحبت کرده‌ایم؛ در دیدارهای مختلف دانشگاهی، دانشجویی و مانند اینها بحث کرده‌ایم راجع به آن. گفتیم «علم نافع» هم یعنی علمی که مسائل کشور را حل میکند؛ حلّ مسائل کشور، علم نافع است. یعنی با مسائل گوناگونی که در کشور وجود دارد، مواجهه‌ی علمی بشود؛ فقط هم مسئله‌ی ما، مسئله‌ی صنعت نیست. بله، ارتباط صنعت و دانشگاه یک نقطه‌ی خاص و مهمی بود که ما خیلی [وقت] پیش روی آن تکیه کردیم - که من با رئیس‌جمهور وقت صحبت کردم و این معاونت علمی اساساً از آن وقت به وجود آمد که بین صنعت و دانشگاه یک ارتباط علمی برقرار بشود - این مربوط به صنعت بود، لکن مخصوص صنعت نیست. در بخشهای مختلف و گوناگون، ما نقاط کور داریم؛ حالا مثلاً در مسائل اقتصادی، بیماری‌های مُزمنی داریم؛ من باب مثال، «پایین بودن بهره‌وری». یکی از مشکلات اقتصادی ما پایین بودن بهره‌وری فعالیتها است؛ خب این، راه [حلّ] علمی دارد، روی این باید کار علمی بشود، راه حلّ علمی دارد. فرض بفرمایید «اسراف در مصرف انرژی» - که شدّت مصرف انرژی ما چند برابر دنیا است - خسارت بسیار بزرگ و فراوانی است؛ این راه حل دارد. این را البته بنده چند سال پیش در سخنرانی گفته‌ام اما این جو‌ری نیست که با گفتن و مثل یک نصیحت، قضیه حل بشود؛ نه، [برای] این باید راه حلّ علمی پیدا بشود و مشخص بشود؛ اینجا و [در مسائلی] از این قبیل بایست از دانشگاه استفاده بشود.^{۷۵}

^{۷۴} بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۲/۱۵

^{۷۵} بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۱۳۹۸/۳/۸

۴) تبدیل نگاه از مونتاژکاری به نوآوری

ما باید یک فکری برای صنعت کشور بکنیم که حالا من در این بحثهایی هم که دوستان کردند، دیدم بخش مهمی با این مشکل ارتباط پیدا میکند. صنعت کشور دچار آفت مونتاژکاری است که یک آفت قدیمی است؛ وقتی که مسئله، مسئلهی مونتاژکاری است، نوآوری دیگر خیلی معنی ندارد؛ وقتی نوآوری وجود نداشت، پس تحرک علمی و کار علمی دیگر وجود ندارد؛ وقتی کار علمی مطرح نبود، ارتباط صنعت و دانشگاه که ما این همه داریم داد میزنیم، تحقق پیدا نمیکند. صنعت و دانشگاه اگر به هم ارتباط پیدا کردند، هم دانشگاه پیشرفت پیدا میکند، هم صنعت؛ این واضح است. بنده البته این مسئلهی ارتباط صنعت و دانشگاه را از خیلی وقت پیش با دولتها مطرح کردم که همین معاونت علمی بالاخره بر اثر فشارها و اصرارهای ما تشکیل شد، به خاطر همین که ارتباط صنعت و دانشگاه تحقق پیدا کند. منتها ارتباط صنعت و دانشگاه وقتی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا میکند که صنعت احساس نیاز کند به دانشگاه؛ در مونتاژکاری چنین احساس نیازی نیست. باید به صنعت سفارش کرد؛ همچنان که یکی از دوستان عزیز که صحبت کردند گفتند که از صنایع خواسته بشود؛ خب خواستن از صنایع یک مسئله است، احساس نیاز صنعت کشور یک مسئلهی دیگر است؛ این احساس نیاز باید به وجود بیاید. این هم وقتی خواهد شد که این مشکل قدیمی برطرف بشود. بایستی در یک مقطع زمانی مثلاً ده ساله -خیلی هم ما عجله نمیخواهیم بکنیم- در یک بازه‌ی زمانی ده ساله، این مسئلهی «تبدیل نگاه از مونتاژکاری به نوآوری» در صنعت به وجود بیاید و این باید در کشور حاکم بشود.^{۷۶}

۵) اشتغال آفرینی

یکی از کارهای لازم دولت، زمینه‌سازی برای اشتغال دانشجویان است از دوران دانشجویی. البته در زمینهی دانشجویان فنی، سالها پیش بنده ارتباط صنعت و دانشگاه را مطرح کردم. خوشبختانه اگر چه دیر اما سرانجام یک تشکیلاتی برای ارتباط دانشجویان با مسائل فنی و مانند

^{۷۶} بیانات در دیدار نخبگان جوان علمی ۱۳۹۶/۷/۲۶

اینها راه افتاد در معاونت ریاست جمهوری و کارهایی انجام گرفته که خوب است و بیشتر هم باید بشود و این کارها هم باید تقویت بشود لکن در بخشهای دیگر، مسئله‌ی اشتغال مسئله‌ی بسیار مهمی است. یکی از کارهای اساسی برای مسئولین دولتی این است که فکر کنند ببینند این دانشجو بعد از اتمام تحصیلات در چه بخشی - چه بخش دولتی، چه بخش خصوصی، چه بخشی که ایجاد خواهد شد به خاطر یک چنین مجموعه‌ی دانشجویی‌ای - باید مشغول به کار بشود.^{۷۷}

۶) سود دوطرفه هم برای صنعت هم دانشگاه

دانشگاه وقتی ناظر به نیاز جامعه و نیاز بازار و بازار کار بود، طبعاً جهت خودش را پیدا میکند؛ شور و نشاط بیشتری هم پیدا میکند؛ البته برای دانشگاه‌ها درآمدزا هم هست. صنعت هم وقتی متکی بود به نگاه نو و فکر نو و تولید علم و فناوری - که این در دانشگاه‌ها تحقق پیدا میکند - طبعاً پیشرفت پیدا میکند.^{۷۸} اگر ما بتوانیم این رابطه‌ی صنعت و دانشگاه را، صنعت و مراکز تحقیق را، یا به معنای عام، صنعت و علم را به صورت کامل برگزار کنیم، نتیجه به این صورت خواهد بود که هم دستگاه‌های صنعتی ما رشد پیدا خواهند کرد - در حل مسائل خودشان مراجعه‌ی به دانشگاه‌ها خواهند کرد، مسائل خودشان را حل خواهند کرد و از پیشرفتهای علمی آنها در کار صنعتی خودشان استفاده خواهند کرد - هم دانشگاه‌های ما جریان پیدا خواهند کرد؛ مثل سدی که به وجود آمده، اما شبکه‌های آبیاری نداشته باشد؛ خب، این سد فایده‌ای ندارد. نیمی از کار سد این است که ما دیواره درست کنیم و آب پشت آن جمع کنیم، نیم عمده این است که ما شبکه‌های آبیاری به وجود بیاوریم تا آب این سد بتواند به نقاط مورد نیاز و به نقاط تشنه و زمینهای تشنه برسد؛ این باید انجام بگیرد. البته، هم شرکتها و کارخانه‌ها بایستی بیش از گذشته به مراکز علمی رجوع کنند، هم مراکز علمی باید خودشان را بیش از گذشته آماده کنند. باید هر سال شاهد صدها پروژه‌ی تحقیقاتی سفارش شده - البته سفارشهای داخلی - در دانشگاه‌ها و مراکز علمی باشیم.^{۷۹}

^{۷۷} بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی ۱۴۰۰/۲/۲۱

^{۷۸} بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی ۱۳۹۰/۷/۱۳

^{۷۹} بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۲/۷/۱۷

ب) تقویت و رشد شرکت‌های دانش بنیان

یکی از پایه‌های محکم اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است؛ اساس کار در اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دانش بنیان است؛ [زیرا] اقتصاد مقاومتی اقتصاد درون‌زا است، اقتصادی است که در داخل پایه‌های مستحکمی دارد که تکانه‌های بین‌المللی و جهانی و اقتصادی آن را از جا درنمیرد؛ یکی از اساسی‌ترین پایه‌های این اقتصاد عبارت است از اقتصاد دانش بنیان؛ اقتصادی که متکی باشد به علم، این خیلی مهم است.^{۸۰} یعنی اینکه دانش و فناوری پیشرفته نقش آفرینی فراوان و کاملی داشته باشد در همه‌ی عرصه‌های تولید.^{۸۱} حقیقتاً این حرکت اقتصاد دانش بنیان و شرکت‌های دانش بنیانی که تولید شده‌اند، حرکت مهمی است؛ باید این را توسعه بدهند و گسترش بدهند.^{۸۲} امروز ما امکانش را هم داریم؛ جوانهای بسیاری هستند آماده، تحصیل کرده، باسواد که میتوانند کارهایی انجام بدهند. گاهی می‌شنوید یا در تلویزیون می‌آیند یک کارآفرین جوان را نشان میدهند که آدم واقعاً لذت می‌برد، حظ میکند که این آمده وارد شده در یک مقوله‌ای -کشاورزی، دامداری، صنعت، صنایع کوچک، خدمات و امثال اینها- با سرمایه‌ی کم شروع کرده و با پشتکار به یک جایی رسیده.^{۸۳} شاید بتوان گفت میلیونها جوان در کشور هستند که آماده‌ی کارند که اگر یک کمکی به اینها بشود، میتوانند واقعاً در این قسمتها پیش بروند و بخشهای مختلف را [فعال] کنند.^{۸۴} (بنابراین) یک مسئله‌ی بسیار مهم، پرداختن به شرکت‌های دانش بنیان است؛ این ما را پیش خواهد برد. شرکت‌های دانش بنیان، هم علمند، هم اقتصادند. پرداختن به شرکت‌های دانش بنیان یکی از اساسی‌ترین کارها است؛ این جزو اولویتها است و باید به این پرداخت.^{۸۵}

^{۸۰} بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در نهمین همایش ملی «نخبگان فردا» ۱۳۹۴/۷/۲۲

^{۸۱} بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

^{۸۲} بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

^{۸۳} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۲

^{۸۴} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۶/۳

^{۸۵} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۵/۳/۲۵

راهکارهای تقویت و رشد شرکت‌های دانش بنیان

۱) گفتمان سازی و جریان سازی

دانشجوها میتوانند گفتمان سازی کنند؛ در مورد شرکت‌های دانش بنیان گفتمان سازی بشود. وقتی یک موضوعی گفتمان شد در داخل کشور و به صورت یک موضوع متفاهم عرفی عمومی درآمد، به طور طبیعی جریان پیدا میکند؛ گفتمان سازی این است.

یا از لحاظ فکری جریان سازی کنید؛ علیه مؤلفه‌های مخل دانش بنیان جریان سازی کنید، مثلاً مثل خام‌فروشی، یعنی فروش مواد بدون ارزش افزوده – این جوری بگوییم – که الان در کشور ما متأسفانه وجود دارد، خیلی هم رایج است؛ روی این مسئله جریان سازی کنید تا گفتمان مخالف با این، تولید بشود. یا واردات مصرفی، واردات غیر تولیدی؛ بخشی از واردات ما وارداتی است که باید انجام بگیرد، مورد نیاز است اما بعضی واردات، واردات مصرفی است. بعضی‌ها البته لازم است، یک مواردی ناگزیر باید انجام بگیرد، من در این زمینه‌ها معتقد به نگاه کارشناسی هستم، هر چه کارشناس بگوید، اما به طور کلی واردات مصرفی‌ای که مشابه داخلی دارد مضر است برای کشور، مخل است؛ از مؤلفه‌های مخالف و به اصطلاح متضاد با تشکیل حرکت دانش بنیان در کشور است. یا مثلاً فرض کنید قاچاق. این هم یک کاری است که دانشجوها میتوانند انجام بدهند.^{۸۶}

۲) ترویج محصولات دانش بنیان

یکی از چیزهایی که این شرکت‌های دانش بنیان را میتواند ترویج بکند، ترویج محصولات اینها است.^{۸۷} تولیداتی که محصول شرکت‌های دانش بنیان ما است، باید ترویج بشود و یکی از قلم‌های عمده‌ی ترویج این است که در دستگاه‌های دولتی جز محصول این شرکت‌ها به کار نرود.^{۸۸}

^{۸۶} بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۴۰۱/۲/۶

^{۸۷} بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان ۱۳۹۵/۷/۲۸

^{۸۸} بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان ۱۳۹۵/۷/۲۸

۳) نیازسنجی و جهت گیری برای حل مسائل کشور

شرکتهای دانش بنیان هم فقط مخصوص صنعت نیست؛ در صنعت، در کشاورزی، در خدمات، در نیازسنجی؛ جمع بشوند، نگاه کنند ببینند بنگاه های گوناگون اقتصادی به چه چیزهایی نیاز دارند، کمبودهایشان کجا است، این را به آنها ارائه بدهند؛ شرکت دانش بنیان حتی در این زمینه هم میتواند فعال باشد^{۸۹}

۴) ایجاد بانک اطلاعات

یکی از چیزهای مهمی که وجود دارد، بانک اطلاعات است. این کار بایستی عمومیت پیدا کند. باید بانک اطلاعات وجود داشته باشد؛ ما داشته های خودمان را بدانیم، نداشته ها را هم بدانیم؛ چیزهایی که مورد نیاز ماست. بخصوص بعضی از بخشهای دولتی که اینجا از آنها اسم آوردند - مثل نفت، مثل دفاع، مثل کشاورزی - اینها نیازهای بسیار زیادی دارند؛ که اگر چنانچه این نیازها برای تشکیل دهندگان شرکتهای دانش بنیان معلوم بشود، کسانی که از لحاظ سرمایه گذاری علمی و سرمایه گذاری پولی آماده هستند، میتوانند سراغ این نیازها بیایند و این نیازها را برطرف کنند. پس تشکیل بانک اطلاعات و در معرض گذاشتن اطلاعات لازم برای همه، چیز بسیار لازمی است^{۹۰}

۵) تربیت نیرو در بخش دانش بنیان

به تربیت نیرو، بخصوص در صنایع دانش بنیان بایست خیلی اهمیت داد. در بعضی از بخشها خوشبختانه این کار شده است. در بخش انرژی هسته ای ما اطلاع داریم، در بخش رویان^{۹۱} از

^{۸۹} بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

^{۹۰} بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش بنیان ۱۳۹۱/۵/۸

^{۹۱} پژوهشگاه رویان در سال هزار و سیصد و هفتاد به عنوان مرکز جراحی محدود با هدف ارائه خدمات درمانی به زوج های نابارور و پژوهش و آموزش در زمینه علوم باروری و ناباروری توسط زنده یاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی تاسیس شد. این پژوهشگاه هم اکنون فعالیتهای پژوهشی خود را در قالب سه پژوهشکده علوم تولیدمثل، زیست شناسی و فناوری سلول های بنیادی و زیست فناوری دنبال کرده و همچنین از طریق سه مرکز فوق تخصصی درمان ناباروری، سلول درمانی و دیابت خدمات خود را به بیماران ارائه می کند.

نزدیک اطلاع داریم که تربیت نیروی ماهر، نیروی کارآمد، نیروی دانشمند و محقق انجام گرفته. بایست به این در بخشهای مختلف توجه کرد.^{۹۲}

۶) حمایت دولت از شرکت‌های دانش بنیان

یکی از کارها این است که فعالیتهای بنگاه‌های دانش بنیان تقویت بشود^{۹۳} شنیدم در برخی از بخشهای دولتی که برخی از این به قول آقایان پروژه‌ها را از خارجی‌ها قبول میکنند و امکانات هم به آنها میدهند، [اما] به این شرکت دانش بنیان داخلی که میتواند این کار را انجام بدهد، نمیدهند. یعنی این گزارشهایی است که به ما رسیده که ان شاء الله خلاف واقع باشد، اما گزارشهایی است که هست؛ اینها را باید به نظر من تعقیب کرد و دنبال کرد و مهم است.^{۹۴}

۷) جلوگیری از واردات بی‌رویه

واردات بی‌رویه یعنی چه؟ یعنی اینکه جنسی که در داخل تولید میشود، کیفیتش هم خوب است، مشابه این جنس را ما وارد کنیم؛ این خنجری است به قلب تولید کشور؛ حرف ما این است. اینکه بنده اصرار میکنم برای جلوگیری از واردات بی‌رویه، [به خاطر] این است. ببینید؛ [طبق] آماری که به من دادند، میگویند هر یک میلیارد دلار واردات بی‌رویه معادل است با تعطیل شدن صد هزار فرصت شغلی؛ این آماری است که افراد صاحب نظر و متخصص به ما دادند. یعنی اگر چنانچه ما جنسی را که در داخل تولید میشود، خب در داخل کفش هست، پوشاک هست، لوازم خانگی هست و چیزهای دیگر – حالا اینجا خودروسازها از این حرف ما سوء استفاده نکنند؛ وضعشان خیلی تعریفی ندارد – آنجایی که واقعاً دارند تولید میکنند، تولید خوب هم میکنند، ما وقتی که با وجود تولید داخلی به جای اینکه آن را تقویت کنیم، آن را ترویج

^{۹۲} بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶

^{۹۳} بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱

^{۹۴} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۶/۳

کنیم، میرویم از بیرون جنس مشابه را وارد می‌کنیم، باید بدانیم که یک میلیارد دلار واردات این جوری به معنای تعطیل شدن صد هزار فرصت شغلی این جوری است. شما وقتی می‌روید خرید و جنس خارجی را ترجیح می‌دهید بر جنس داخلی، معنایش این است که دارید به نفع یک کارگر خارجی ضربه به یک کارگر داخلی می‌زنید. لذاست که من اصرار می‌کنم و تأکید می‌کنم بر اینکه ما بایستی از واردات بی‌رویه قطعاً جلوگیری کنیم؛ این مربوط به مسئولین است و آنچه هم مربوط به مردم است، این است که بروند دنبال جنس تولید داخل، محصول داخل؛ یعنی مقید باشند.^{۹۵}

۸) پیشسازی دانش بنیانی ها از طریق اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری و افزایش سهم تولید و صادرات دانش بنیانی ها

پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه (از جمله سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» در رابطه با شرکت‌های دانش بنیان است).^{۹۶}

۹) تعیین ضوابط برای شرکت‌های دانش بنیان

برای شرکت‌های دانش بنیان باید ضوابط کیفی تعیین بشود؛ این جور نباشد که فلان شرکتی که با فناوری چهل سال پیش دارد کار میکند، بیاید به عنوان شرکت دانش بنیان ثبت نام کند، مثلاً از بهره‌مندی‌ها و امکانات و تسهیلاتی که هست استفاده کند؛ این درست نیست. به معنای واقعی کلمه در [یک شرکت] دانش بنیان یک نوآوری‌ای باید وجود داشته باشد که حالا بعضی از خصوصیات دیگر را هم عرض خواهم کرد. یا فلان شرکت مونتاژی، مونتاژگران، که در واقع مونتاژ هم همان واردات بی‌رویه است با یک شکل دیگری؛ این تولید نیست، این به اصطلاح آفرینندگی محصول نیست؛ این یک نوع واردات است، این بیاید به عنوان شرکت دانش بنیان مثلاً شناخته

^{۹۵} بیانات در دیدار کارگران ۱۴۰۱/۲/۱۹

^{۹۶} ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» ۱۳۹۲/۱۱/۲۹

بشود این جوری نیست. بنابراین احتیاج است به اینکه شاخصهای دقیقی، شاخصهای کیفی‌ای – که فکر میکنم [این] کار مربوط به معاونت علمی است یا هر جایی که بالاخره متصدی تأیید این شرکتها است – معین کنند و آنها را جدی بگیرند.^{۹۷}

برخی ضوابط مهم برای شرکت‌های دانش بنیان

(۱) نوآوری

یکی از این خصوصیات این است که در آن نوآوری باشد؛^{۹۸} ما گفتیم نوآوری و شکوفایی. نوآوری به معنای پروژه‌ی جدید ایجاد کردن نیست. نوآوری یعنی نوآوری در فکر، در اندیشه، راه‌های نورا پیدا کردن و آنها را به عنوان برنامه و راهنمای کار در اختیار دولت قرار دادن؛ معنای نوآوری این است که شیوه‌های نورا پیدا کنیم. بخشی از شکوفایی هم این است که کارهایی را که شما تا حالا کرده‌اید، بتواند طعم خودش را به کام مردم بنشانند.^{۹۹}

(۲) کاهش ارزش بری

یکی اینکه کاهش ارزش بری وجود داشته باشد. ما الان در یک مواردی برای واردات یک محصول ارزش زیادی مصرف میکنیم؛ اگر این شرکت دانش بنیان این را تولید کند یا به تولید نزدیک بکند، این یا کاهش ارزش بری دارد یا بکلی ارزش بری را از بین میبرد؛ این یکی از معیارها است.^{۱۰۰}

^{۹۷} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۱/۱/۲۳

^{۹۸} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۱/۱/۲۳

^{۹۹} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۷/۶/۲

^{۱۰۰} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۱/۱/۲۳

۳) اشتغال آفرینی

اشتغال آفرینی؛ یکی از شاخصها این است که شرکتها به معنای واقعی کلمه اشتغال آفرین باشند. قابلیت صادرات داشته باشند؛ یعنی در مواجهه‌ی با محصولات جهانی و بین‌المللی رقابت‌پذیر باشند. این قبیل شاخصها باید معین بشود و ان‌شاءالله دنبال بشود.^{۱۰۱}

۴) در نظر گرفتن اولویت‌ها

یک نکته‌ی مهم دیگر این است که در توسعه‌ی شرکت‌های دانش‌بنیان، اولویتهایی در نظر گرفته بشود. یکی از اولویتهای که خیلی مهم است، این است که این شرکتها در جهت حل مسئله باشند؛ ما مسائل اقتصادی مشخصی در کشور داریم؛ این شرکتها متوجه به حل مسئله باشند، گره‌گشایی داشته باشند، بر طبق نیاز به وجود بیایند یعنی نیازسنجی بشود در مورد این شرکتها. یک بخشهایی هست که امنیت اقتصادی متوقف بر آنها است؛ مثلاً فرض کنید بخش کشاورزی که اتفاقاً بنده گفتم که یکی از وابسته‌ترین بخشهای ما به واردات و به خارج، بخش کشاورزی ما است. در حالی که بخش کشاورزی به امنیت غذایی ما ارتباط پیدا میکند؛ [این] مسئله‌ی مهمی است.^{۱۰۲} مسئله‌ی کشاورزی مهم است، مسئله‌ی دامداری بسیار مهم است و کشور در محصولات پایه‌ی غذایی بایستی به امنیت کامل و به خودکفائی لازم حتماً دست پیدا کند.^{۱۰۳}

بخشهایی در اقتصاد ما وجود دارد که مهم و دارای اهمیت است؛ مثلاً بخش نفت و گاز یا بخش تولید موتور که برای خودرو، برای هواپیما، برای قطار، برای کشتی مورد استفاده است، این بخشهای حساس و مهم، دانش‌بنیان بشود. اینکه ما میگوییم اقتصاد دانش‌بنیان [این است]. جوانهای ما، دانشمندان ما نشان داده‌اند که میتوانند نوآوری کنند، میتوانند ما را از آن سطحی که در فناوری داریم بالاتر ببرند. خب، این کار کوچکی است که موشک بُرد بلند را جوری تنظیم کنند که در دوهزار کیلومتری با انحراف دو متر یا پنج متر به هدف بخورد؟ خب آن مغزی که میتواند این کار را بکند، در موارد گوناگون دیگر هم میتواند؛ مثلاً فرض کنید که سطح موتور

^{۱۰۱} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۱/۱/۲۳

^{۱۰۲} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۱/۱/۲۳

^{۱۰۳} سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۱/۱/۱

خودرو را با یک پیشرفتی بالا ببرد که فرض کنیم مصرفش کم بشود، یا موتور قطار را به فلان شکل به وجود بیاورد؛ میتوانند. همین الان در کشور ما بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی‌ای وجود دارند که کارهایی که آنها انجام میدهند و تولید میکنند، یا از مشابه خارجی‌اش بهتر است یا برابر آنها است؛ همین الان داریم؛ خب اینها را باید تقویت کرد. پس بنابراین دانش‌بنیان شدن بخشهای مهم اقتصاد داخلی، یکی از کارهایی است که در اقتصاد مقاومتی شرط است و بایستی انجام بگیرد^{۱۰۴} ما در این چند سال به صنایع دانش‌بنیان تکیه کردیم؛ بارها و بارها تکرار شده، گفته شده، حمایت شده؛ خب خوب هم بوده، یعنی چند هزار صنعت دانش‌بنیان و بنگاه دانش‌بنیان به وجود آمده، و تلاشهای خوبی در این زمینه انجام گرفته، واحدهای کوچک و متوسط ایجاد شده؛ آنچه مورد غفلت قرار گرفته این است که ما صنایع بزرگ خودمان را دانش‌بنیان کنیم. صنعت نفت [باید] دانش‌بنیان بشود. ما در زمینه‌ی صنعت نفت دچار عقب‌ماندگی فناوری هستیم. برخی از کشورهای منطقه از لحاظ نوع استخراج نفت و فناوری‌ای که در این جور جاها به کار میرود از ما خیلی جلوترند؛ ما در این زمینه عقب‌ماندگی داریم.

خب این عقب‌ماندگی را چه کسی باید جبران کند؟ از چه کسی کمک بگیریم؟ حتماً باید یک شرکت خارجی بیاید برای ما فناوری بیاورد؟ نه، من [به این] عقیده ندارم. خب می‌بینید شرکتهای خارجی چه جوری عمل میکنند؛ نمی‌آیند یا می‌آیند [ولی] امانت‌دارانه عمل نمیکند، یا می‌آیند [اما] به یک بهانه‌ای وسط کار رها میکنند، یا می‌آیند [ولی] سوءاستفاده میکنند. من البته با آمدن شرکت خارجی به طور کلی مخالف نیستم لکن بایستی انتخاب کنیم. عقیده‌ی من این است که مجموعه‌های کارآمد داخلی میتوانند این کار را برای ما انجام بدهند^{۱۰۵}

^{۱۰۴} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۵/۱/۱

^{۱۰۵} بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

برکات شرکت‌های دانش بنیان

۱) کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، افزایش کیفیت محصول، قیمت ارزان‌تر و افزایش رقابت پذیری

اگر ما این سیاست را دنبال کردیم و دانش را پایه و زمینه‌ی اقتصاد کشور قرار دادیم و بنگاه‌های اقتصاد دانش بنیان را افزایش دادیم - منافع زیادی برای کشور و برای اقتصاد کشور خواهد داشت: هزینه‌ها را کاهش می‌دهد؛ یعنی اقتصاد دانش بنیان موجب کاهش هزینه‌های تولید می‌شود؛ بهره‌وری را افزایش می‌دهد که امروز یکی از مشکلات ما کاهش بهره‌وری است؛ کیفیت محصول را افزایش می‌دهد، بهبود می‌بخشد و محصولات را رقابت پذیر می‌کند؛ یعنی در بازارهای جهانی، ما میتوانیم از این محصولات به عنوان محصولات رقابت پذیر استفاده کنیم، در داخل کشور هم همین جور؛ یعنی در داخل کشور هم، ولو ما در مورد واردات هم خیلی تعرفه نگذاریم و واردات سرازیر بشود، وقتی محصول داخلی کیفیت بهتری داشت، قیمت ارزان‌تری داشت، مردم طبعاً به آن اقبال میکنند؛ یک چنین خصوصیتی در تولید دانش بنیان وجود دارد.^{۱۰۶} در همه‌ی بخشهای دیگر هم - چه بخشهای مربوط به تولید، چه بخشهای مربوط به خدمات - همین برکات وجود دارد؛ یعنی حجم محصول افزایش پیدا میکند، کیفیت بالا میرود، قیمت تمام شده کاهش پیدا میکند؛ در واقع دانش بنیان کردن تولید، بهره‌وری فعالیتهای اقتصادی را ارتقاء می‌دهد؛ این امر مهمی است، یک نقطه‌ی حساس و اساسی‌ای است^{۱۰۷}

۲) افزایش بهره‌وری در صنعت کشاورزی، تامین امنیت غذایی و همچنین کاهش مصرف آب

اگر ما در کشاورزی، شرکتهای دانش بنیان را افزایش بدهیم و دانش را در مسئله‌ی کشاورزی به کارگیری کنیم، میتوانیم در امر اصلاح بذر که خیلی در تولید محصول کشاورزی مهم است، در مورد آبیاری نوین، در مورد شیوه‌های جدید تولید، در مورد بهره‌وری بهتر از آب و خاک که آب و خاک دو محصول ارزشمندند که قبلاً هم اشاره کردیم - میتوانیم حداکثر استفاده را بکنیم،

^{۱۰۶} سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۱/۱/۱

^{۱۰۷} سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۱/۱/۱

بهره‌وری‌مان را افزایش بدهیم و اینها را اصلاح کنیم. وقتی که در کشاورزی توانستیم این پیشرفت‌ها را به وجود بیاوریم و تحوّل جدّی ایجاد بکنیم، این موجب میشود که اولاً امنیت غذایی کشور حاصل بشود و به دست بیاید، یعنی کشور از لحاظ مسائل غذایی هیچ وقت دچار مشکل نشود، هیچ نگرانی‌ای وجود نداشته باشد؛ ثانیاً درآمد کشاورزان افزایش پیدا کند؛ خیلی خوب است که درآمد کشاورزان ما افزایش پیدا بکند و به کشاورزی دلگرم بشوند و ادامه بدهند، [که این] محصول فوق‌العاده باارزشی است؛ همچنین معضل کمبود آب را میشود حل کرد. در کشور ما آنچه معروف است و آنچه به طور معمول گفته میشود – که بنده البته نظرانی در این زمینه دارم – این است که ما دچار کمبود آب هستیم؛ خب اگر کشاورزی ما دانش‌بنیان شد، مشکل کمبود آب هم حل خواهد شد. مثلاً در باب کشاورزی این را من به عنوان نمونه ذکر کردم^{۱۰۸}

۳) اشتغال آفرینی

اشتغال آفرینی با همین شرکتهای دانش‌بنیان به دست خواهد آمد؛ یعنی اگر ما به معنای واقعی کلمه بتوانیم این شرکتها را تولید کنیم و به وجود بیاوریم که در این زمینه دچار خطاهایی که گاهی در گذشته شده‌اند نشویم، اشتغال هم زیاد خواهد شد.^{۱۰۹} خصوصیت شرکتهای دانش‌بنیان این است که بیکاری دانش‌آموختگان را از بین میبرد. ما امروز در آمارهای بیکاری که نگاه میکنیم، درصد بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کشور از همه‌ی قشرهای دیگر بیشتر است. خب این جوان زحمت کشیده، درس خوانده، دولت [هم] سرمایه‌گذاری کرده، پول داده، خرج کرده تا به اینجا رسیده، حالا بیرون بیاید بیکار گاهی در این گزارشهای مردمی که برای من می‌آید، میبینم که مثلاً رفتند به یک مناسبتی، یک خانواده‌ای را سرکشی کردند – به مناسبت [تولد یک] نوزاد یا به مناسبت‌های گوناگون – پدر، دانش‌آموخته‌ی فوق‌لیسانس فلان رشته است، چه کار میکند؟ مسافرکشی میکند؛ این بیکاری است دیگر. این در فلان رشته درس خوانده، باید بتواند از آن استفاده کند. شرکتهای دانش‌بنیان جواب این خلأ را میدهند که حالا بعضی خدشه میکنند که «شما میگویید شرکت دانش‌بنیان، وقتی دانش‌بنیان شد، اتکاء به نیروی انسانی‌اش کم میشود»؛

^{۱۰۸} سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۱/۱/۱

^{۱۰۹} سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۱/۱/۱

نه، میتوان یک شکلی، یک رابطه‌ای درست کرد که اشتغال را افزایش بدهد. لذا من باز هم تکرار میکنم، قبلاً هم گفته‌ام، باز هم عرض میکنم باید شرکتهای دانش‌بنیان توسعه پیدا کنند؛ البته دانش‌بنیان به معنای واقعی کلمه^{۱۱۰}

۴) بی‌اثر شدن تحریم‌ها

از لحاظ کوتاه‌مدت هم اعتقاد بنده این است - یعنی این اعتقاد ناشی از کاری است که کارشناس‌ها و صاحب‌نظرها کرده‌اند - که تحریم‌ها هم - که امروز مسئله‌ی تحریم‌ها یکی از مسائلی است که در ذهن‌ها مطرح است - با پیشرفت علم بی‌اثر میشود. با نگاه کوتاه‌مدت و میان‌مدت هم که نگاه کنیم - با قطع نظر از آن آینده‌ی طولانی و بلندمدت - اگر کشور میخواهد تحریم‌ها که امروز ابزاری است در دست دشمنان ما برای تحقیر ملت - از تحریم برای فشار آوردن روی آبروی ملی، غیر از فشارهای عملی که مربوط به زندگی است استفاده میکنند و تحقیر میکنند؛ اینکه ما از گذشته، در این چند سال مدام تکرار میکردیم که روی مسئله‌ی تحریم‌ها خیلی تکیه نکنید، به‌خاطر این است - [بی‌اثر شود]، با نگاه علمی به مسائل کشور، و توجه به علم، و پیوند دادن علم و صنعت و کشاورزی تحریم‌ها بی‌اثر خواهد شد. و ما در این زمینه‌ها میدان کار برایمان باز است و میتوانیم کار کنیم؛ شرکتهای دانش‌بنیان یکی از اساسی‌ترین کارها در مقوله‌ی همین اقتصاد مقاومتی است که مطرح شده و درباره‌ی آن بحث شده است و مورد تأیید و تصدیق همه‌ی اطراف مسائل کشور قرار گرفته است^{۱۱۱}

۵) تأمین قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و علمی برای کشور

اگر ما ان‌شاءالله بتوانیم بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی یک کشوری احساس کرد که با علم خود، با دانش خود میتواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملتها خدمت برساند،

^{۱۱۰} بیانات در دیدار کارگران ۱۴۰۱/۲/۱۹

^{۱۱۱} بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۳/۴/۱۱

احساس هویت میکند، احساس شخصیت میکند؛ این درست همان چیزی است که ملت‌های مسلمان امروز به آن احتیاج دارند. ملت ما قبل از انقلاب، سال‌های متمادی اسیر تضعیف روحیه‌ی خودباوری در میان خود بوده است. از آن وقتی که اول مسئولان دولتی، بعد بتدریج آحاد مردم چشم باز کردند و در مقابل پیشرفت خیره‌کننده‌ی علمی غرب مبهور شدند، بتدریج احساس کمبود، احساس حقارت، احساس خودکم‌بینی در این کشور و در میان ملت ما ترویج شد. خوشبختانه انقلاب همه چیز را دگرگون کرد؛ از جمله این حالت و این روحیه را دگرگون کرد. بنابراین بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایه‌ی دانش، هم موجب تقویت روحیه و شخصیت و هویت ملی است، هم قدرت سیاسی. خود استقلال و خوداتکالی در یک کشور، قدرت سیاسی میدهد؛ علاوه بر قدرت اقتصادی که خب، طبیعی است و وجود دارد.^{۱۱۲}

۶) کاهش وابستگی به نفت

کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله‌ی ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیتهای اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگترین حرکت مهم را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌ایم. امروز صنایع دانش‌بنیان از جمله‌ی کارهایی است که میتواند این خلأ را تا میزان زیادی پر کند. ظرفیتهای گوناگونی در کشور وجود دارد که میتواند این خلأ را پر کند. همت را بر این بگماریم؛ برویم به سمت این که هرچه ممکن است، وابستگی خودمان را کم کنیم^{۱۱۳}

ج) جهت‌گیری درست معنوی در فعالیت‌های علمی (از الزامات علمی کردن اقتصاد و اقتصادی کردن علم):

باید روزی برسد که این ملت بتواند از دانش خود ثروت تولید کند. آن وقت خود آن ثروت به پیشرفت دانش کمک خواهد کرد... دائماً هم‌افزایی به‌وجود می‌آید. البته جهت‌گیری‌ها، باید

^{۱۱۲} بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان ۱۳۹۱/۵/۸

^{۱۱۳} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۵/۳

جهت گیری های درست و معنوی و الهی باشد.^{۱۱۴} دانش، منشأ تولید ثروت است؛ البته به شکل صحیح، به شکل نجیبانه، نه آنچنان که دنیای غرب از دانش برای تحصیل ثروت استفاده کرد؛^{۱۱۵}

الزامات جهت گیری درست معنوی در فعالیت های علمی

(۱) پایبندی به اسلام ناب محمدی (ص)

مبنای اساسی ما اینها است. مبنای اول، پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی است. اسلام آمریکایی هم دو شاخه دارد: یک شاخه اسلام متحجر، یک شاخه اسلام سکولار؛ این اسلام آمریکایی است. استکبار و قدرتهای مادی از هر دو شاخه پشتیبانی کرده اند و میکنند؛ یک جاهایی آنها را به وجود می آورند، یک جاهایی آنها را راهنمایی میکنند، یک جاهایی آنها را کمک میکنند؛ اسلام ناب در مقابل آنها است؛ اسلام ناب اسلامی است که همه جانبه است؛ از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی، همه را شامل میشود. اسلام ناب آن اسلامی است که هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوت شخصی مان معین میکند، هم تکلیف ما را در جامعه معین میکند، هم تکلیف ما را در قبال نظام اسلامی و ایجاد نظام اسلامی معین میکند؛ این اسلام ناب است. این یکی از مبانی است که باید به این پابند بود.^{۱۱۶}

(۲) تزکیه نفس

از ضعفهای ما این است که ما به موازات علم، به موازات پیشرفتهای علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه ی اخلاقی و نفسی پیدا نکرده ایم؛ این عقب ماندگی است. البته امروز در مقایسه ی با قبل از انقلاب، بمراتب بهتر است - در این هیچ شکی نیست - اما باید پیشرفت می کردیم. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم؛ باید در معنویت و در تزکیه ی نفس هم پیشرفت می کردیم. در قرآن هر جا تزکیه و تعلیم از زبان پروردگار است، تزکیه مقدم است بر تعلیم؛ آن هم تعلیم کتاب و حکمت - «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة» - فقط یک جا از زبان حضرت

^{۱۱۴} بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۵

^{۱۱۵} بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۹/۷/۱۴

^{۱۱۶} بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله) ۱۳۹۵/۳/۱۴

ابراهیم، تعلیم مقدم است^{۱۱۷}. بنابراین ما از تزکیه‌ی اخلاقی و نفسی غفلت کردیم.^{۱۱۸} اگر انسان تعلیم درست و تزکیه‌ی درست شود، همان ماده‌ی مستعدی است که در کارخانه‌ی مناسبی شکل مطلوب خود را پیدا کرده و به کمال رسیده است. هم در این نشئه وجود او منشأ برکت و خیر و مایه‌ی آبادی جهان و آبادی دلهای انسانهاست، هم وقتی وارد نشئه‌ی دیگر شد و به عالم آخرت قدم گذارد، سرنوشت او همان سرنوشتی است که همه‌ی انسان‌ها از اوّل تا امروز مشتاق آن بوده‌اند؛ یعنی نجات، زندگی ابدی سعادت‌مندانه و بهشت. لذا انبیا از اوّل تا نبی مکرم خاتم صلی‌الله‌علیه و آله سلم، هدف خود را تعلیم و تزکیه معین کرده‌اند: «یزکیهم و یعلّمهم الکتاب والحکمة». انسان‌ها را، هم تربیت عقلانی و فکری می‌کنند و هم تربیت روحی.

د) حرکت جهادی (از الزامات علمی کردن اقتصاد و اقتصادی کردن علم)

مسئله‌ی «کار سخت» نقطه‌ی مقابل تنبلی است. نگذارید تنبلی و راحت‌طلبی و تن دادن به زندگی دور از مشکل، شما را وسوسه کند. اگر این حالت تنبلی وجود داشت، هیچ‌کدام از این کشفیات مهم علمی به وجود نمی‌آمد. شرح حال این کاشفان و مخترعان بزرگ را ببینید، چطور خواب را بر خودشان حرام کردند، سختیها را برای خودشان هموار کردند، با مشکلات ساختند و رفتند تا به آن نقطه‌ی اساسی رسیدند.^{۱۱۹} در نظام جمهوری اسلامی و به برکت انقلاب اسلامی، همه تلاشها سرعت و کارایی مضاعفی پیدا میکند. آنچه انقلاب اسلامی به مردم ما داد، فرهنگ جهادی بود. فرهنگ جهادی در همه صحنه‌ها و عرصه‌ها به کار می‌آید. این همان روحیه بسیج دوران دفاع مقدّس است؛ این همان روحیه سنگرزبان بیسنگر جهاد سازندگی است که غسل شهادت میکردند، روی بولدوزر مینشستند تا خاکریز بزنند. ما این روحیه را باید حفظ کنیم. این روحیه با کار علمی و نظم تشکیلاتی هیچ منافاتی ندارد؛ بلکه اتفاقاً کار علمی را هم همین روحیه جهادی بهتر میکند. آن‌جایی که فرهنگ جهادی نیست و فرهنگ مادی حاکم است، هر انسانی به تنهایی خودش محور همه حوادث عالم است؛ سود را برای خود می‌خواهد و ضرر را از خود دفع

^{۱۱۷} بقره: ۱۲۹

^{۱۱۸} خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

^{۱۱۹} بیانات در دیدار نخبگان جوان ۱۳۸۵/۶/۲۵

میکند. اصل برای او این است؛ لذا تعارضها و بی اخلاقی ها و بی صداقتی ها و دشمنی ها پیش می آید. آن جایی که حرکت و روح جهادی وجود دارد، انسان در ایمان و آرمان و خدمت به دیگران حل میشود و خود را فراموش میکند. این روحیه را باید در جامعه تقویت کرد.^{۱۲۰}

وقتی جهاد؛ یعنی تلاش هدف دار برای خدا، وجود داشت، بدون تردید موفقیت هم با آن همراه خواهد بود. ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته‌ی دانش در همه‌ی زمینه‌ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه‌ی استقلال، روحیه‌ی توکل به خدا و روحیه‌ی کار برای ایمان طی نخواهد شد. باید این راه را سریع طی کنیم و راههای میان‌بر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم؛ این کار ممکن است؛ زیرا اینجا سرزمین علم‌خیز است و شماها نشان دادید که می‌شود. درهای بسیاری از این دانشها بر روی کشورهایی مثل کشور ما و غیر دارندگانش بسته است و وقتی اجازه می‌دهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی شده است و از نویی و طراوت افتاده است. البته در همه‌ی زمینه‌ها همین طور است؛ در زمینه‌های علوم انسانی هم همین طور است. من آن روز به دوستانی که در زمینه‌های اقتصاد و مدیریتهای گوناگون کشوری کار می‌کنند و در اینجا بودند، گفتم که مطالبی را امروز بعضی‌ها در اینجا دنبال می‌کنند، که منسوخ شده است. نظریات برتر آن‌ها به بازار آمده و مورد عمل قرار گرفته و آن‌ها مشغول کار هستند، ولی تعدادی در اینجا- کسانی که مجذوب حرف آن‌ها هستند- تازه دارند آن دنباله‌ها را مطرح می‌کنند بعضی می‌گویند تعبد پیش خدای متعال و پیش دین نداشته باشیم، اما خودشان در مقابل غرب و در مقابل اروپا و امریکا تعبد دارند این افراد تعبد در مقابل خدا را قبول نمی‌کنند، ولی تعبد در مقابل سرمایه‌داری غرب و دستگاه‌های قدرت سیاسی متکی به آن سرمایه‌داری را با جان و دل می‌پذیرند^{۱۲۱}

^{۱۲۰} بیانات در دیدار کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴

^{۱۲۱} بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۴/۱

مرور در یک نگاه فصل چهارم بخش ۲

فصل چهارم: راهکارهای عملی در مسیر		بخش دوم:	
نهضت تحول اقتصادی		علم اقتصادی و اقتصاد علمی	
راهکارها	الف) ارتباط صنعت و دانشگاه ۱۳۸۵/۱/۱-۱۳۸۰/۶/۵-۱۳۹۷/۳/۲۰-۱۴۰۱/۲/۱۹ ۱۳۹۳/۴/۱۱	۱	تدوین نقشه جامع علمی کشور ۱۳۸۶/۶/۱۲-۱۴۰۲/۱/۲۹
		۲	ایجاد نظام ملی نوآوری ۱۳۹۱/۵/۲۲
		۳	همکاری وزارتخانه ها با دانشگاه ۱۳۹۶/۶/۲۲-۱۳۹۲/۶/۶
		۴	تعیین مشوق ها ۱۳۹۵/۶/۳
		۵	ایجاد کانون های دانشی صنایع در دانشگاه ۱۳۹۵/۶/۳-۱۳۹۴/۸/۲۰
		۶	فعالیت های علمی ناظر بر نیاز کشور ۱۳۹۱/۷/۱۲
برکات	الف) ارتباط صنعت و دانشگاه ۱۳۸۵/۱/۱-۱۳۸۰/۶/۵-۱۳۹۷/۳/۲۰-۱۴۰۱/۲/۱۹ ۱۳۹۳/۴/۱۱	۷	تکمیل زنجیره علم و فناوری و تاسیس شرکت دانش بنیان ۱۳۹۲/۶/۶
		۱	تامین امنیت بلند مدت برای کشور ۱۳۸۸/۶/۴
		۲	تحقق استقلال اقتصادی ۱۳۷۲/۲/۱۵
		۳	رشد در علم نافع ۱۳۹۸/۳/۸
		۴	تبدیل نگاه از مونتاژکاری به نوآوری ۱۳۹۶/۷/۲۶
		۵	اشتغال آفرینی ۱۴۰۰/۲/۲۱
راهکارها	ب) تقویت و رشد شرکت های دانش بنیان ۱۴۰۰/۱/۲۸	۶	سود دوطرفه برای صنعت و دانشگاه ۱۳۹۰/۷/۱۳-۱۳۹۲/۷/۱۷
		۱	گفتمان سازی و جریان سازی ۱۴۰۱/۲/۶
		۲	ترویج محصولات دانش بنیان ۱۳۹۵/۷/۲۸
		۳	نیازسنجی و جهت گیری برای حل مسائل کشور ۱۳۹۳/۱۱/۲۹
		۴	ایجاد بانک اطلاعات ۱۳۹۱/۵/۸
		۵	تربیت نیرو در بخش دانش بنیان ۱۳۸۹/۶/۱۶
		۶	حمایت دولت از شرکت های دانش بنیان ۱۳۹۵/۶/۳
		۷	جلوگیری از واردات بی رویه ۱۴۰۱/۲/۱۹
برکات	ب) تقویت و رشد شرکت های دانش بنیان ۱۴۰۰/۱/۲۸	۸	پیشتازی دانش بنیانی های از طریق اجرای نقشه جامع علمی ۱۳۹۲/۱۱/۲۹
		۹	تعیین ضوابط برای شرکت های دانش بنیان ۱۴۰۱/۱/۲۳
		۱	کاهش ارزش بری ۱۴۰۱/۱/۲۳
		۲	اشتغال آفرینی ۱۴۰۱/۱/۲۳
		۳	در نظر گرفتن اولویت ها ۱۴۰۱/۱/۲۳
برکات	ب) تقویت و رشد شرکت های دانش بنیان ۱۴۰۰/۱/۲۸	۴	کاهش هزینه ها و افزایش بهره وری و کیفیت محصولات و... ۱۴۰۱/۱/۱
		۵	افزایش بهره وری در صنایع مختلف ۱۴۰۱/۱/۱

الزامات علمی کردن اقتصاد و اقتصاد علمی

۳	اشتغال آفرینی ۱۴۰۱/۱/۱			
۴	خنثی سازی تحریم ۱۳۹۳/۴/۱۱			
۵	اقتدار سیاسی و علمی و اقتصادی برای کشور ۱۳۹۱/۵/۸			
۶	کاهش وابستگی به نفت ۱۳۹۱/۵/۳			
۱	پایبندی به اسلام ناب محمدی(ص) ۱۳۹۵/۳/۱۴	ج	جهت گیری معنوی	
۲	تزکیه نفس ۱۳۹۰/۱۱/۱۴			
۱۳۸۳/۴/۱-۱۳۸۲/۱۰/۱۴-۱۳۸۵/۶/۲۵		د) حرکت جهادی		

بخش سوم: رشد تولید

مقدمه

آنچه بنده در مورد آینده به عنوان نقطه‌ی اولویت‌دار و کلیدی به آن نگاه میکنم، عبارت است از تولید؛ تولید ملی، تولید داخلی. توصیه‌ی بنده، خواسته‌ی بنده، مطالبه‌ی بنده، تکیه‌ی بر روی تولید داخلی است. تولید داخلی یک کلیدواژه است.^۱ بنده برای تولید داخلی حقّ زیادی را قائلم. تولید داخلی بایستی به عنوان یک چیز مقدّس شمرده بشود. حمایت از تولید داخلی باید یک وظیفه شناخته بشود؛ همه خودشان را موظّف بدانند از (آن) حمایت بکنند.^۲ تولید، آن محور اساسی اقتصاد در کشور است، اگر ما توانستیم تولید را زنده کنیم، اقتصاد کشور جان خواهد گرفت و رو خواهد آمد. خیلی چیزها به تولید وابسته است. موانع تولید و مانند اینها باید برطرف بشود و پشتیبانی از تولید باید انجام بگیرد.^۳

^۱ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۶/۰۱/۰۱

^۲ بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۵/۸/۲

^۳ بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۴۰۰/۳/۶

ضرورت پرداختن به تولید ملی

اساس سیاستهای [اقتصاد] مقاومتی، آن بُش عبارت است از تکیه بر تولید داخلی،^۴ تولید یک جهاد است: أَشْهَدُ أَنْكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ؛^۵ این را به ائمه‌ی هدی (علیهم السّلام) خطاب میکنیم و همیشه میگوییم: جهاد امروز تولید جهاد است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه در معنای جهاد مکرر گفته‌ایم که جهاد عبارت است از آن تلاشی که ناظر به حمله‌ی دشمن و تحرّک دشمن باشد؛ در مقابل دشمن باشد. هر تلاشی جهاد نیست؛ تلاشی که متوجّه به حمله‌ی دشمن است، این جهاد است.

خب، امروز دشمنی دشمنان در مورد اقتصاد کشور از این واضح‌تر؟ دشمن از دو طرف وارد شد که تولید کشور را به زانو در بیاورد: یکی از جهت نفت و گاز بود که خب مهم‌ترین منبع ارزی کشور محسوب میشد؛ یکی هم از ناحیه‌ی مبادلات بود؛ یعنی چیزی عاید کشور از ناحیه‌ی نفت و گاز که منشأ مهم و منبع مهم ارزی است، نشود؛ مبادلات با دنیا هم محدود بشود، مشکل درست بشود، دچار تحریم بشود. یعنی در واقع تولید به زمین بخورد، به زانو دربیاید، بکلی از بین برود؛ معنایش این است دیگر. وقتی شما ارز نداشتید، مشتری خارجی هم نداشتید، دیگر تولید معنا ندارد؛ هدفشان این بود. خب در مقابل این هدف، در مقابل این دشمنی صریح، هر کسی که اقدام بکند، جهاد کرده؛ شما تولیدگرها در این زمینه دارید عمل میکنید؛ این جهاد است. بنابراین به این نکته توجّه کنید که یک کار این جوری است. اگر نیّت شماها خدمت به کشور، خدمت به مردم برای خاطر خدا باشد، این بزرگ‌ترین عبادتها است که دارید انجام میدهید.^۶

^۴ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۷/۶/۷

^۵ (کامل الزیارات، النص، ص: ۴۰؛ مصباح‌المتّجهّد و سلاح‌المتّعب، ج ۲، ص: ۷۳۸؛ وسائل‌الشیعه، ج ۱۴، ص: ۳۹۵؛ بحار‌الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۷، ص: ۲۶۴؛ مفاتیح‌الجنان زیارت‌امین الله؛)

أَشْهَدُ أَنْكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمَلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَ أَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ

^۶ بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

برکات زیاد تولید برای کشور

(۱) تولید، کلید حل مشکلات اقتصادی کشور است

تولید، اساس اقتصاد است؛ قائمهی اقتصاد در کشور است.^۷ در این چند ساله بنده برای شعار سال، «تولید» را عمده‌تأ محو قرار دادم با یک قیدی، با یک خصوصیتی. علت هم این است که تولید کلید حل مشکلات اقتصادی کشور است. تولید ملی در واقع راه اصلی عبور از سختی‌ها و دشواریهای اقتصادی برای کشور است. یعنی مهمترین مسائل اقتصادی کشور را مسئله‌ی تولید، رواج تولید ملی و رونق تولید ملی، حل میکند. طبیعت تولید این است. این است که ما روی تولید تکیه کردیم؛ یعنی رشد اقتصادی را افزایش میدهد، اشتغال ایجاد میکند، توژم را کاهش میدهد، درآمد سرانه را افزایش میدهد، رفاه عمومی ایجاد میکند. علاوه بر این دارای تأثیرات روانی است؛ اعتماد به نفس ملی را بالا میبرد، احساس عزتمندی را در ملت به وجود می‌آورد. تولید، یک چنین اکسیری است.^۸ واقعاً با هر چیزی که تولید را تضعیف میکند باید مقابله کنید. با هر چیزی که تولید داخلی را به زانو درمی‌آورد و شکست میدهد، باید با جدّیت مقابله کرد.^۹

(۲) تولید، عامل استغناء کشور از بیگانگان است

کشوری که تولید نداشته باشد، خواهی نخواهی وابسته است. اگر همه‌ی نفت و گاز دنیا هم زیر زمینهای ما و در چاه‌های ما ذخیره شده باشد، به دردمان نمی‌خورد؛ کما اینکه می‌بینید کشورهایی وجود دارند که از لحاظ ذخائر معدنی و طبیعی - چه ذخائر انرژی، چه ذخائر فلزهای بسیار ذی‌قیمت و کمیاب - در کمال ثروتمندی هستند؛ اما خودشان بر روی این زمینی که زیرش این همه گنج خفته است، زندگی نکبت‌بار و فلاکت‌باری دارند.^{۱۰} وقتی یک کشوری متکی به نیروی داخلی خودش شد، احساس استغناء خواهد کرد. ممکن است انسان ده مسئله را هم با دنیا

^۷ بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۵/۲۶

^۸ پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۱

^۹ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۴۰۱/۶/۸

^{۱۰} بیانات در دیدار کارگران نمونه سراسر کشور ۱۳۸۹/۲/۸

بخواهد حل کند، اما فرق میکند حل کردن مسئله، رفتن پشت میز مذاکره، وقتی شما احساس قدرت میکنید یا احساس ضعف میکنید. آدم وقتی احساس قدرت میکند، یک جور مذاکره میکند، وقتی احساس ضعف و احتیاج میکند، یک جور مذاکره میکند. اگر ساخت داخلی قدرت در کشور در همه‌ی زمینه‌ها از جمله و بخصوص در زمینه‌ی اقتصادی، ساخت مستحکمی باشد، همه‌ی مسائل را با طرفهای گوناگون میشود مذاکره کرد؛ انسان منتها از موضع قدرت مذاکره میکند، نه از موضع نیاز، نه از موضع احتیاج که زبان دشمن را دراز کند، دائم شرط و شروط بگذارد، دائم حرف بی‌ربط و مفت بزند؛ بنده علاج را در این میبینم. من میگویم همه بایستی همه‌ی هم‌تشان را در بخشهای مختلف و گوناگون برای مسئله‌ی تولید صرف کنند.^{۱۱}

وقتی اقتصاد مقاومتی [محقق] شد، معنایش این است که جامعه نگران این نخواهد بود که فلان اراذل آمریکایی یا صهیونیستی یا غیره چه تصمیمی درباره‌ی نفت ما میگیرد یا درباره‌ی اقتصاد ما میگیرد یا مواردی مانند اینها. اینکه من روی رونق تولید و وسیع‌تر [از آن] روی اقتصاد مقاومتی تکیه میکنم و روی کالای ایرانی و روی تحرک کاری در کشور تکیه میشود، برای این است. ملت به عزت و استغناء از بیگانگان نیاز دارد. یک ملت در کنار اصلی‌ترین نیازهای خود، عزت ملی را قرار میدهد. ملتها راضی نیستند تحت نفوذ و تأثیر تصمیم‌گیرانی باشند که یا دوست این ملت نیستند یا دشمن این ملتند.^{۱۲}

۳) تولید، خنثی کننده تحریم‌ها

بهترین و موفق‌ترین کار برای خنثی کردن تحریمها همین تلاش واقعی - نه تلاش شعاری؛ تلاش واقعی - برای تقویت تولید ملی است. اگر ما توانستیم تولید ملی را درست تقویت کنیم، به معنای واقعی کلمه تقویت کردیم و دنبال کردیم، با برنامه‌ریزی، با پیگیری این را دنبال کردیم، مطمئن باشید که تحریمها اول خنثی میشوند، بعد هم برطرف میشوند؛ یعنی طرف مقابل وقتی دید که

^{۱۱} بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۴/۲/۹

^{۱۲} بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۸/۲/۴

کشور از تحریم ضربه نخورد و زنده شد و تلاش درونی او بیشتر شد، خودش ناگزیر میشود که تحریم را بردارد.^{۱۳}

۴) تولید موجب کمرنگ شدن استفاده از مارکهای خارجی میشود

یک فایده‌ی دیگر، کمرنگ شدن مسابقه‌ی به رخ کشیدن مارکهای خارجی [است]. امروز یکی از بلاهای اجتماعی و اخلاقی بزرگ ما این است که مارکهای خارجی را به رخ هم میکشیم؛ این لباس، این کفش، این کیف، این محصول، مال فلان کارخانه‌ی معروف خارجی است. بنده به رخ دیگری میکشیم، او به رخ دیگری میکشد؛ یک مسابقه‌ای در این مورد به راه می‌افتد؛ ما درواقع، این بلای فرهنگی و این مشکل فرهنگی را به وسیله‌ی رونق تولید میتوانیم در کشور کم کنیم یا جلویش را بگیریم.^{۱۴}

۵) تولید، هدایت کننده نقدینگی در مسیر صحیح

اگر در کشور تولید رونق پیدا نکند، پس اندازه‌هایی که راکد هستند، به گردش می‌افتند و خودشان برای کشور تولید ثروت میکنند.^{۱۵} این همت مردم است که می‌تواند کشور را بی‌نیاز کند. سرمایه‌گذاری‌هایی که مردم انجام می‌دهند در بخشهای مختلف، بسیار ارزشمند است؛ بخصوص در بخشهای تولیدی. و من برای آن مردمی که به کارهای خدمت‌رسانی به مردم علاقه‌مندند، این را بهترین عمل، بهترین حسنه و صدقه می‌دانم که در کارهای تولیدی سرمایه‌گذاری کنند؛ هم اشتغال ایجاد شود، هم به پیشرفت کشور کمک کند، هم فقر و محرومیت را از بخشهای مهمی از کشور برطرف کند. این آن سیاست عمومی نظام جمهوری اسلامی است: کمک گرفتن از سرمایه‌ی مالی، سرمایه‌ی فکری، بازوی توانا و کارآمد مردم عزیزمان که کشور مال آنهاست و آینده متعلق به آنهاست.^{۱۶}

^{۱۳} سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۰/۲/۱۲

^{۱۴} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۱۵} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۳

^{۱۶} بیانات در دیدار مردم لار ۱۳۸۷/۲/۱۹

۶) تولید، عامل پیشرفت عادلانه در کشور

رسیدن و دست یافتن به پیشرفت عادلانه در اقتصاد و حلّ مشکل فقر در کشور - که ما مشکل فقر و استضعاف مالی را در کشور بخواهیم حل کنیم - فقط از مسیر تقویت «تولید» میگذرد؛ اگر ما تولید را تقویت کردیم که تقویت آن هم به همین دانش بنیان بودن است، این مقصود بزرگ ان شاء الله حاصل خواهد شد.^{۱۷}

۷) تولید باعث شکوفایی استعداد و ابتکار جوانهاست

یکی از سرفصل‌هایی که از تولید به دست می‌آید، شکوفایی استعدادها و ابتکار جوانها است. وقتی که بازار تولید گرم باشد و رونق داشته باشد، استعداد جوانها شکوفا میشود و ابتکارهایی را به میدان می‌آورند.^{۱۸} یک وقت مغزهای فعال و متفکری وجود ندارند در کشور، انسان یک‌جور برای مسائل کشور برنامه‌ریزی میکند؛ [اما] یک وقت نه، هزاران نیروی جوان، با نشاط، نخبه، دارای افکار بلند و البته یقیناً در بین اینها تعدادی هم دارای قدرت مدیریت هستند - چون فکر بلند همیشه ملازم نیست با قدرت مدیریت - و با توجه به اینها انسان میخواهد برای کشور برنامه‌ریزی کند. پس نگاه به نخبگان، در این جهت هم مورد اهتمام قرار میگیرد و نکته‌ی اساسی‌ای است؛ تأثیر [نخبگان] در برنامه‌ریزی برای مسائل کشور. حتی مثلاً فرض بفرمایید تبدیل اقتصاد نفتی به اقتصاد مستقل، اقتصاد دانش‌پایه، اقتصاد مقاومتی. اگر ما عناصر نخبه و فعال و دلسوز و بانشاط نداشته باشیم، اقدام نمیکنیم برای اینکه اقتصادمان را تغییر بدهیم؛ [اما] وقتی آدمهای حسابی، پابه‌کار، علاقه‌مند، در اختیار نظام تصمیم‌گیری کشور هست، طبعاً اقدام میکند دیگر.^{۱۹}

^{۱۷} بیانات در ۱۴۰۱/۱/۱

^{۱۸} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۱۹} بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی ۱۳۹۷/۰۷/۲۵

۸) تولید باعث جهش صادرات غیرنفتی و قطع وابستگی به درآمد نفتی خواهد شد

اگر تولید باشد، صادرات هم جهش پیدا خواهد کرد و باز برای کشور ایجاد ثروت و تولید ثروت خواهد کرد.^{۲۰} بودجه‌ی کشور ما متأسفانه از ده‌ها سال پیش به این طرف، وابسته‌ی به نفت است. این روش را همه‌ی اقتصاددانهای دلسوز رد میکنند؛ این روش در کشور ما عادت شده است. نفت را استخراج کنند، بفروشند، از پول آن کشور را اداره کنند؛ این شیوه‌ی غلطی است. من سالها پیش این را گفتم که یکی از آرزوهای من این است که یک روزی ما بتوانیم کشور را جوری اداره کنیم که حتی اگر لازم بود، یک قطره نفت هم صادر نکنیم و کشور اداره شود. این چیزی است که تا امروز پیش نیامده است. البته کار آسانی هم نیست، کار بسیار مشکلی است. افزایش صادرات غیرنفتی موجب میشود که ما به این هدف نزدیک شویم؛ و این کار دارد انجام میگردد.^{۲۱}

۹) تولید باعث از بین رفتن یا کم شدن مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی

یکی از فواید تولید، از بین رفتن یا کم شدن مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی است؛ بیکاری موجب فساد است، موجب تأخیر ازدواج است، موجب اعتیاد است؛ اگر بیکاری وجود نداشته باشد، اینها هم از بین میرود؛ تولید میتواند علاج اینها هم محسوب بشود.^{۲۲}

ابزار لازم برای تولید

۱) نیروی انسانی

۲) سرمایه

۳) ابزار کار پیشرفته

خب، ما یک کلمه میگوییم تولید -تولید ملی، تولید داخلی- اما خب امکاناتی لازم دارد؛ آیا ما این امکانات را داریم یا میتوانیم به دست بیاوریم؟ جواب بنده این است که بله. ما این امکانات را

^{۲۰} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۲۱} بیانات در حرم مطهر رضوی در آغاز سال ۹۰

^{۲۲} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

امروز هم داریم؛ بعضی را بالفعل داریم، بعضی را میتوانیم به دست بیاوریم. این امکانات عمدتاً نیروی انسانی است، مهارت است، سرمایه است و ابزار کار لازم و پیشرفته است؛ اینها چیزهایی است که برای یک تولید موفق در یک کشور مورد نیاز است. من معتقدم که ما بعضی از این وسایل و امکانات را الان بالفعل در کشور داریم، بعضی را هم میتوانیم در کشور به وجود بیاوریم، بدون اینکه دشواری زیادی داشته باشد.

(۱) نیروی انسانی

عرض کردیم که ۳۳ میلیون [نفر] از جمعیت کشور در سنین کارند؛ یعنی سَنَشان از پانزده سال تا چهل سال است. البته آن کسانی که توانایی کار دارند بیشترند، یعنی از پانزده سال تا ۶۵ سال - که ۶۵ سال را مثلاً دوران ازکارافتادگی به حساب می‌آورند - ۵۵ میلیون [نفر] جمعیتند اما آن که جوان محسوب میشود و میتواند در میدان کار فعالیت کند، لااقل ۳۳ میلیون نیروی کارند. ما ده میلیون تحصیل کرده‌ی دانشگاهی داریم، نزدیک به پنج میلیون دانشجو داریم؛ اینها ثروت است برای کشور. کسانی که مطلع بودند، به ما اطلاع دادند که تعداد متخصصین مهندسی در کشور ما جزو اولین ردیفهای تعداد مهندسین در کشورهای دنیا - حتی در کشورهای پیشرفته و بزرگ - است؛ یعنی امکانات از لحاظ انسانی، این قدر بسیار است.²³

(۲) سرمایه

یکی از چیزهایی که برای تولید لازم است، سرمایه است. غالباً گفته میشود که ما سرمایهای لازم برای اینکه تولیدکننده را بتوانیم به تولید وادار کنیم نداریم؛ بنده این را قبول ندارم. علاوه بر امکانات شخصی - که اشخاص خودشان امکاناتی دارند - دولت توانسته است صندوق توسعه‌ی ملی را به وجود بیاورد. من یک توضیحی درباره‌ی صندوق توسعه‌ی ملی بدهم: این جزو سیاستهایی بود که از چند سال قبل از این، در ضمن سیاستهای کلی گنجانده شد و دولتها اجبار پیدا کردند که صندوق توسعه‌ی ملی را در برنامه‌هایشان بگنجانند. صندوق توسعه‌ی ملی

²³ بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

چیست؟ معنای صندوق توسعه‌ی ملی این است که از درآمد نفت کشور -نفتی که بدون اینکه ارزش افزوده‌ای تولید کند، از چاه درمی‌آوریم و می‌فروشیم- هر سال یک درصدی کنار گذاشته بشود که وابستگی اقتصاد کشور به نفت کم بشود. گفتیم اول بیست درصد، بعد بر این بیست درصد، هر سال اندکی [یعنی] سه درصد اضافه میشود؛ اگر این سه درصدها را تاکنون بنا بود اضافه بکنیم، امسال بایستی ۳۶ درصد از درآمد نفت، صرف صندوق توسعه‌ی ملی میشد یعنی نگه‌داری میشد در صندوق توسعه‌ی ملی که کشور از وابستگی به نفت به این اندازه نجات پیدا میکرد.. این صندوق برای این است که به بخش خصوصی -یعنی به تولیدکننده‌ی داخلی- پول بدهد و به او توانایی بدهد تا بتواند کار تولید را راه بیندازد؛ این شد سرمایه. یعنی توانمند کردن بخش خصوصی از طریق صندوق توسعه‌ی ملی، یک چیز خیلی لازمی است. صندوق توسعه‌ی ملی را به‌عنوان یک فرصت برای کشور باید به حساب آورد؛ این فرصت میتواند در خدمت تولید قرار بگیرد و باید در خدمت تولید قرار بگیرد؛ یعنی تولیدکننده‌ی داخلی میتواند از این صندوق با سیاستها و برنامه‌ریزی درست دولتها استفاده کند.²⁴

۳) ابزار کار

بعضی میگویند ما ابزارهای مدرن نداریم، ابزارهای پیشرفته نداریم؛ بنده عرض میکنم: جوان ایرانی که میتواند غنی‌سازی اورانیوم را در ظرف مدّت کوتاهی از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برساند -که این کار بسیار بزرگی بود که در کشور انجام گرفت؛ وقتی کشوری این توانایی را پیدا کرد که غنی‌سازی اورانیوم را به بیست درصد برساند، براحتی میتواند تا ۹۹ درصد برود؛ عمده‌ی مشکل در اینجا است؛ این قطعه‌ی مشکل کار را، جوانان دانشمند ما، در مدّت کوتاهی که ما شاهد بودیم [گذرانند] و توانستند این راه را طی کنند و غنی‌سازی را از سه‌ونیم درصد به بیست درصد برسانند- آن جوانی که میتواند این جور حرکت علمی عظیمی را انجام بدهد، یا میتواند در ساخت موشک و هواپیما با وجود تحریمهای بسیار سخت بین‌المللی کاری بکند که افسر

²⁴ بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

صهیونیست، مدیر نظامی صهیونیست میگوید من با ایرانی‌ها دشمنم، اما نمیتوانم خودم را از تحسین کاری که اینها کردند باز بدارم، [اینها] کار بزرگی انجام دادند؛ خب جوانی که میتواند آن جور موشک درست کند، آن جور هواپیما درست کند، آن جور سلاح نظامی درست کند، سلاح پیشرفته درست کند، دشمن را بترساند، میتواند غنی‌سازی اورانیوم را از سهونیم درصد به بیست درصد برساند، این جوان نمیتواند ماشین را برای تولید خودرو یا فلان موضوع دیگر پیشرفت بدهد و پیش ببرد؟ چرا نمیتواند؟ جوان ما توانایی اش را دارد؛ نیروی انسانی ما، مغز متفکر و فعال جوان باسواد و بااستعداد و تحصیل کرده‌ی ایرانی، آماده است برای این کارها؛ خیلی کارها را میتوانیم انجام بدهیم. میدان را باز کنیم برای جوانها، جوانها بسیاری از گره‌های بزرگ و مشکل ما را میتوانند حل کنند و باز کنند. دانشگاه‌های ما تشنه‌ی همکاری با دستگاه‌های صنعتی ما هستند. بنابراین ما در تولید، مشکلی از لحاظ امکانات نداریم؛ هم نیروی انسانی را داریم، هم میتوانیم ابزار کار پیشرفته تهیه کنیم، هم سرمایه‌گذاری میتوانیم بکنیم به وسیله‌ی صندوق توسعه‌ی ملی و امثال اینها و ثروتهای خود مردم. بنابراین تولید، عملی است؛ امکانات تولید در کشور وجود دارد.^{۲۵}

الزامات رشد تولید

الف) الزامات مدیریتی

ب) الزامات فرهنگی و تبلیغی

ج) الزامات فنی

د) الزامات قانونی و قضایی و امنیتی

اما الزاماتی هم هست؛ یک وظایفی است که همه‌ی ما باید به عهده بگیریم. هم آحاد ملت، هم مسئولین دولتی، هم مسئولین قضائی، هم مسئولین قوه‌ی مقننه یک وظایفی دارند، الزاماتی دارند؛ این الزامات را اگر انجام بدهند، تولید [رونق میگیرد]. من حالا مقداری از این الزامات را

^{۲۵} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

عرض میکنم؛ برای اینکه این افکار عمومی مردم نسبت به این مسئله آگاه بشوند و بدانند؛ ما بن بست نداریم؛ ما راهی که نتوانیم حرکت کنیم و پیش برویم نداریم؛ ما میتوانیم پیش برویم، یک خرده بایستی به خودمان تحرک ببخشیم.^{۲۶}

الف) الزامات مدیریتی برای رشد تولید

۱) مدیریت اقتصادی دولت به جای تصدی گری

شاید بشود گفت مهم‌ترین مشکل اقتصاد ما تصدی گری دولتی است. بیشترین توجه ما در دهه‌ی ۶۰ به این مسئله بود که کلید اقتصاد کشور را به دولت بسپَریم؛ این به اقتصاد ما ضربه زد؛ این مربوط به خود ما است، ما خودمان کردیم. شاید مهم‌ترین نقطه ضعف اقتصاد ما تصدی گری افراطی دولت است. وقتی که مردم از مدیریت اقتصادی و فعالیت اقتصادی کنار میمانند، کارهای بزرگ، شرکت‌های مهم، تولیدهای ثروت‌ساز برای کشور در اختیار دولت قرار میگیرد و در اختیار فعالان اقتصادی از مردم قرار نمیگیرد، همین مشکلاتی پیش می‌آید که ما امروز در اقتصادمان مشاهده میکنیم. مهم‌ترین مشکل ما «دولتی بودن اقتصاد» است.^{۲۷} دولت باید مدیریت کند اقتصاد کشور را. مدیریت را با تصدیگری نباید اشتباه کرد؛ تصدیگری دولت در امر اقتصاد به ضرر کشور تمام میشود؛ این را ما عملاً در انقلاب تجربه کردیم و میدانیم که تصدیگری دولت خوب نیست. اصلاً سیاست‌های اصل ۴۴ برای این بود که این تصدیگری انجام نگیرد؛ [پس] آن را بکلی از حوزه‌ی فکر خارج کنیم، یعنی این مدیریتی که من میگویم، مطلقاً اشتباه نشود با تصدیگری در مسئله‌ی اقتصاد. مدیریت اقتصادی دو رکن مهم دارد؛ یکی این است که ما میدان را باز کنیم برای فعالیت فعالان سالم اقتصادی؛ میدان باز بشود برای اینها و کمکشان بکنیم؛ افراد صاحب فکر اقتصادی بنشینند ببینند راه‌های کمک کردن به فعال اقتصادی چیست -راه‌هایی وجود دارد- و موانعی که بر سر راه کار درست اینها و پیشرفت اینها وجود دارد چیست؟ آن موانع را بردارند؛ من حالا یکی دو مثال عرض خواهم کرد؛ یک رکن مدیریت این است. یک رکن دیگر هم این است که دستگاه دولتی، هوشمندانه، هوشیارانه، با چشم باز، مراقب فعالیت مضر اقتصادی

^{۲۶} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۲۷} بیانات در دیدار مردم در حرم رضوی ۱۴۰۲/۱/۱

باشد؛ یعنی یک فعال اقتصادی‌ای که حرکت مضر میکند، مورد توجه قرار بگیرد، جلوگیری گرفته بشود، جلوی منافذ فساد بسته بشود و گرفته بشود. مدیریت اقتصادی یعنی این، هیچ ربطی به تصدیگری ندارد.^{۲۸}

۲) همدلی و همکاری دستگاه‌های مختلف

«دستگاه‌های مختلف به هم کمک کنند»؛ یعنی دولت به نحوی، مجلس به نحوی، قوه قضائیه به نحوی به هم کمک کنند؛ قانون، متناسب با نیاز اجرا باشد. اگر چنانچه بخواهیم این کار انجام بگیرد، همکاری همه لازم است... واقعاً تصمیمات را همه عمل کنند؛ همه به هم کمک کنند تا کار پیش برود...^{۲۹} همکاری بین سه قوه، یکی از شرایط اصلی برای رفع مشکلات عمومی مردم است. ناهماهنگی‌هایی که گاهی دیده می‌شود، به ضرر مردم است.^{۳۰} اقتدار ملی به دو عنصر اصلی نیاز دارد: یکی این که همه‌ی افراد وظایف خودشان را با قاطعیت انجام دهند. دوم این که قوای سه‌گانه با هم همکاری کنند.^{۳۱}

۳) استفاده از مدیران کارآمد و متعهد

مسئولان بالای کشور، برای بخشهایی که به تولید ارتباط پیدا میکند، مدیریتهای کارآمد بگذارند؛ مدیریتهای بانشاط، با حال؛ مدیریتهای علاقه‌مند، پُرانگیزه، قوی. یکی از الزامات این است که [این] دستِ مسئولان ارشد کشور است.^{۳۲} ما با مدیریتِ دلسوز و کارآمد، با احساس تعهد و به کار گرفتن ابتکارها و استعدادهای انسانی، میتوانیم همه بن‌بست‌ها را باز کنیم. ما در این زمینه چیزی کم نداریم. من مکرر عرض کرده‌ام که هر جا مدیریتهای متعهد، مؤمن و دلسوز بر سرکار بودند و با عقل و درایت و ایمان و تعهد نسبت به مردم و نظام اسلامی کار کردند، ما توفیق پیدا کردیم.^{۳۳}

^{۲۸} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۷/۰۶/۷

^{۲۹} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۴۰۲/۱/۱۵

^{۳۰} بیانات در دیدار جمعی از مردم گیلان ۱۳۸۰/۰۲/۱۱

^{۳۱} همان

^{۳۲} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۳۳} بیانات در دیدار مسئولان وزارتخانه‌های صنایع و بازرگانی ۱۳۸۰/۴/۱۰

۴) پیگیری جدی تصمیم‌ها

بنده غالباً در جلسات خصوصی با مسئولین محترم که می‌نشینیم صحبت میکنیم، روی این مسئله‌ی پیگیری تأکید میکنم؛ پیگیری خیلی مهم است. گاهی تصمیم‌های خیلی خوبی گرفته میشود اما چون درست پیگیری نمیشود، تصمیم زمین میماند. همین طرح‌های نیمه‌تمامی که ایشان^{۳۴} گفتند، ناشی از عدم پیگیری است. خب مثلاً فرض بفرمایید که یک طرح خیلی خوبی در مجلس یا در دولت تصمیم‌گیری شده، دولت شروع به اقدام کرده، باید در ظرف سه سال، چهار سال تمام بشود، [اما] سیزده سال گذشته، تمام نشده چرا؟ این نشان‌دهنده‌ی این است که پیگیری نشده و رها شده؛ پیگیری خیلی مهم است.^{۳۵}

۵) دخالت دادن مردم در اقتصاد و خصوصی سازی هوشمندانه و صحیح

مردم باید در کار تولید [دخالت داده بشوند]. ما سیاست‌های اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم، همه‌ی کسانی که در مسائل اقتصادی صاحب‌نظر بودند گفتند این یک انقلاب در کار سیاسی است؛ خب همین را دنبال کنند؛ مردم را دخالت بدهند. جمهوری اسلامی در کار جنگ و دفاع از کشور - که معمولاً کار جنگ و دفاع از کشور و دفاع از مرزها کار دولتها است، کار مردم نیست؛ کار ارتشها است، کار دولتها است - با مدیریت درست و با گزینش‌های صحیح توانست مردم را بسیج کند، وارد این میدان کند و جنگ را ببرد. وقتی مردم در کار دفاع از مرزها وارد میدان شدند - کاری که مربوط به دولتها و مربوط به ارتشها است - توانستند پیش بروند؛ بسیاری از برجستگان نظامی ما، مردمی و بسیجی‌اند؛ بسیجی بودند و بسیجی هم مبارزه کردند، بسیجی هم شهید شدند؛ خب کار اقتصاد به طریق اولی [همین‌طور است]. کار اقتصاد یک کار مردمی است؛ اگر در زمینه‌ی مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش‌آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقیناً پیش خواهد رفت.^{۳۶}

^{۳۴} رئیس‌جمهور وقت

^{۳۵} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۴۰۲/۱/۱۵

^{۳۶} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

ما به رشد اقتصادی سریع و مستمر احتیاج داریم؛ نه اینکه یک سال رشد داشته باشیم، بعد مجدداً توقف داشته باشیم. ما کی میتوانیم این رشد سریع و مستمر را به دست بیاوریم؟ آن وقتی که با کمک و هدایت مردم بتوانیم تولید را افزایش بدهیم. مسئولان محترم دولتی و همچنین نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی بایستی مردم را به ایفای نقش مولّد در اقتصاد ترغیب کنند و آنها را هدایت کنند؛ برای بخش خصوصی اعتماد ایجاد کنند که سرمایه‌گذاری کند، کارآفرینی کند. اگر از توانایی ملت در قضیه‌ی اقتصاد استفاده بشود وضع معیشت مردم حتماً بهتر خواهد شد، وضع توزع حتماً بهتر خواهد شد. مهار توزع متوقف است به افزایش تولید و افزایش تولید، دست مردم است؛ اگر چنانچه مردم اقدام کنند، همت کنند، این کار عملی است و ممکن است انجام بگیرد.^{۳۷}

خب، با حرف و شعار نمیشود؛ صرف اینکه ما حرفش را بزنی که «مردم بیایید شرکت کنید»، کسی [نمی‌آید]، اصلاً این حرف معنی ندارد؛ محصلی^{۳۸} ندارد که به مردم بگوییم بیایید شرکت کنید. چه جوری شرکت کنند؟ کجا شرکت کنند؟ باید زمینه‌ی مشارکت فراهم بشود. یکی از تجربه‌های خوب، همین شرکتهای دانش‌بنیان است؛ این تجربه‌ی خوبی است. البته فقط منحصر به این نباید باشد - که حالا عرض میکنم - اما این یک تجربه‌ی خوبی بود. [برای] شرکتهای دانش‌بنیان سازوکاری به وجود آمد که موجب شد افرادی که با استعداد بودند، نخبه بودند، توانایی داشتند، انگیزه داشتند، بیایند و هزاران شرکت دانش‌بنیان را به وجود بیاورند، رشد تولید را بالا بردند، کمک کردند؛ این شرکتهای خیلی تأثیر داشت و البته باید افزایش هم پیدا کند. خود این دانش‌بنیان کردن کارها یک برنامه‌ریزی لازم دارد. کدام بخشها باید دانش‌بنیان بشوند؟ مثلاً حالا فرض کنید بخش نفت یا بخش کشاورزی باید دانش‌بنیان بشود؛ چه جوری؟ با چه برنامه‌ای؟ چه کسانی میتوانند وارد این کار بشوند؟ این یک طرح و برنامه لازم دارد که [باید] به مردمی که توانایی دارند، علاقه دارند و میخواهند در این کار مشارکت کنند، اعلام بشود. ما از لحاظ نیروی انسانی جوان تحصیل کرده ظرفیت بالایی داریم؛ بحمدالله تا کنون، جوان آماده‌ی تحصیل کرده خیلی داریم؛ خیلی هایشان به کارهایی مشغول هستند که متناسب با رشته‌های تحصیلی‌شان هم نیست، اما

^{۳۷} بیانات در ۱۴۰۲/۱/۱

^{۳۸} دستاورد، نتیجه

مشغولند به خاطر اینکه کاری که متناسب با آن رشته باشد در اختیارشان قرار نگرفته. اگر ما این طراحى را بتوانیم درست انجام بدهیم، این مشکل برطرف خواهد شد. نقشه‌ی راه دانش‌بنیان کردن اقتصاد ملى و برنامه‌ی عملیاتی کردن آن را مسئولین محترم در دولت باید تهیه کنند، به مردم هم اطلاع بدهند و زمینه‌ی مشارکت آنها را فراهم کنند؛ همین طور که عرض کردم مشخص بشود چه بخشهایی در اولویت دانش‌بنیان شدن هستند و شیوه‌های دانش‌بنیان شدن آنها چیست؛ اینها را مشخص کنند، به اطلاع مردم برسانند. باید ساختارسازی بشود؛ [برای] اشتراک مردم به صورت شرکتهای دانش‌بنیان، باید یک ساختاری تولید بشود، به وجود بیاید و به مردم هم اعلام بشود. البته مشارکت مردم که اشاره کردم، فقط در این زمینه‌ها نیست؛ یعنی این جور نیست که مشارکت مردم صرفاً در محدوده‌ی شرکتهای دانش‌بنیان باشد. ما باید کاری کنیم که مردم بتوانند، همه‌ی کسانی که نیرو دارند، توان کار دارند، در به اصطلاح محدوده‌ی کار کردن هستند، بتوانند یک کاری انجام بدهند که به زندگی‌شان کمک کند، معیشتشان را بهتر کند، به تعبیر رایج، سفره‌ی آنها را رنگین‌تر بکند، که بند اول سیاستهای اقتصاد مقاومتی هم ناظر به همین است. تمهیداتی را باید انجام بدهید تا طبقات کم‌درآمد به این وسیله درآمدشان بالا برود. آن وقت توانمندسازی طبقات ضعیف به این شکل انجام خواهد گرفت؛ یعنی نقشه‌ی راه کاملی در این زمینه به وجود بیاید، و میتواند به وجود بیاید؛ یعنی سازمان برنامه و امثال این تشکیلات در دولت، میتوانند بنشینند و طراحى کنند و مشخص کنند که آحاد مردم، قشرهای ضعیف مردم، چگونه میتوانند در فعالیتهای اقتصادی همکاری کنند. بهترین راه عدالت‌بنیان کردن اقتصاد همین است. اینکه ما روی مسئله‌ی عدالت که اساس کار اقتصاد در اسلام عدالت است - «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^{۳۹} - تأکید میکنیم، [عدالت‌بنیان کردن از این راه به وجود خواهد آمد؛ بتوانیم امکان کار کردن و درآمد کسب کردن را برای همه‌ی مردم فراهم کنیم. من اطلاع دارم بعضی از دستگاه‌ها مثلاً در مناطق دوردست کشور، یعنی خیلی دور از تهران، مثلاً در روستاها رفته‌اند، کارهایی را انجام داده‌اند، توانسته‌اند خانواده‌هایی را گاهی مثلاً فرض کنید با چند رأس گوسفند - حالا این نمونه‌های خیلی کوچکش این جوری است - احیا کنند؛ یک خانواده با داشتن مثلاً فرض کنید

^{۳۹} سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۵؛ «... تا مردم به انصاف برخیزند...»

چند رأس گوسفند یا در یک جاهایی در ایران شهر که ما بودیم، با بُز - بُزهای مخصوصی که آنجا هستند - و مانند اینها احیا شده. از اینجا بگیرید تا کارهای بسیار بزرگی که میتواند یک شهر را، یک منطقه را آباد بکند.^{۴۰}

۶) افزایش صادرات

• از طریق گسترش طرف‌های صادراتی و حضور در بازارهای جهانی

یکی از الزامات، صادرات است که مسئولین دولتی باید فعال بشوند. گزارشی به دست من رسید از مسئولین دولتی که متأسفانه عمده‌ی صادرات کشور ما بلکه عمده‌ی معاملات تجاری ما از صادرات و واردات، با پنج یا شش کشور است؛ خب این خطا است، این خلاف اقتصاد مقاومتی است. ما در بندهای اقتصاد مقاومتی روی این هم تکیه کرده‌ایم. یکی از سیاستهای اقتصاد مقاومتی همین است؛ گسترش صادرات و گسترش طرفهای صادراتی ما. اینکه ما به پنج کشور یا شش کشور اکتفا بکنیم و خودمان را محدود بکنیم [صحیح نیست]، این تحرک مسئولین را لازم دارد؛ چه در سیاست خارجی، چه در بخشهای دیگر.^{۴۱}

گفتیم اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گرا است؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم، اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم؛ بازارهای جهانی متعلق به ما است، باید بتوانیم با همّت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم و این حضور بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست؛ که البته بخشهای مختلف دولتی در این زمینه میتوانند سهم داشته باشند.^{۴۲}

• از طریق بازاریابی برای کالای ایرانی مخصوصاً در کشورهای همسایه

بازاریابی بیرون از کشور و صادرات هم یکی از انواع حمایت از کالای ایرانی است. بایستی ما که با پانزده کشور همسایه‌ایم - غیر از کشورهای دیگر دوردست که میتوانند کالای ایرانی را مصرف بکنند، با پانزده کشور همسایه هستیم - از این همسایگی استفاده کنیم، کالای ایرانی را صادر

^{۴۰} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۴۰۲/۱/۱۵

^{۴۱} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۴۲} بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا ۱۳۹۳/۲/۱۰

کنیم؛ این، هم به‌عهده‌ی وزارت خارجه است، هم به‌عهده‌ی وزارت بازرگانی است، هم به‌عهده‌ی فعالان اقتصادی مردمی است؛ بازاریابی کنند. یک آماری را به من دادند -چون یادداشت نکرده‌ام، این آمار درست یادم نیست، لکن آمار بسیار مهمی بود- که اگر ما بتوانیم بیست درصد از تولیدات [مورد نیاز] کشورهای همسایه‌ی خودمان را -فقط همسایه- [یعنی] بیست درصد از مجموع مصرف آنها را متعهد بشویم، فلان تعداد شغل [ایجاد میشود] -یک عدد خیلی بالا که من الان درست یادم نیست، نمیتوانم عرض بکنم- که تأثیرش در ایجاد اشتغال در کشور و ایجاد ثروت ملی بسیار زیاد خواهد بود؛ یکی هم این است.⁴³

۷) مدیریت صحیح واردات

یکی از پشتیبانی‌ها این است که دستگاه‌های دولتی خودشان را موظف کنند که برای محصول این مجموعه‌ها رقیب خارجی نتراشند؛ یکی از بخشهای اقتصاد مقاومتی که ما گفتیم، این است. ستون فقرات اقتصاد مقاومتی تولید داخلی است. تولید داخلی اگر بخواهد رونق پیدا بکند یقیناً باید، هم به آن کمک تزریق بشود، هم از چیزهایی که مانع رشد آن است جلوگیری بشود، هم برای محصولات، بازار به‌وجود بیاید، هم واردات محصولات مشابه به یک نحوی کنترل بشود - کلمه‌ی ممنوع را به کار نمی‌برم - و با محاسبه مورد مراقبت دقیق قرار بگیرد.⁴⁴ واردات کالاهایی که در داخل به‌قدر کافی تولید میشود، بایستی به‌صورت یک حرام شرعی و قانونی شناخته بشود؛ آنچه در داخل تولید میشود، از خارج وارد نشود. اینکه ما نگاه کنیم ببینیم کالاهای مصرفی ما، از خوراک گرفته تا پوشاک، تا وسایل منزل، تا کیف و کفش بعضی از بانوان، تا وسایل مدرسه و دفتر و قلم و امثال اینها از خارج بیاید، این مایه‌ی شرمندگی است انسان احساس شرم میکند؛ هم در مقابل تولیدکننده‌ی داخلی احساس شرم میکند، هم در مقابل آن کسی که این جنس را از بیرون برای ما می‌فرستد. با این امکاناتی که در کشور هست، نگذاریم این راه به این شکل ادامه پیدا بکند، واقعاً جلوی واردات به‌معنای واقعی کلمه گرفته بشود. بعضی از اجناس اساسی هست که

⁴³ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی - ۱۳۹۷/۱/۱

⁴⁴ بیانات در دیدار کارگران در گروه صنعتی مپنا - ۱۳۹۳/۲/۱۰

در داخل قابلیت تولید دارد اما درعین حال وارد میشود، درحالی که میشود در اینجا تولیدش کرد؛ ولو امروز نداریم و امروز تولید نمیشود اما قابل تولید کردن است. بنده چند سال قبل از این شنیدم که علوفه را وارد میکنند. گفتیم خب علوفه که واردکردنی نیست، با این همه مراتع و مزارع و مانند اینها؛ گفتند علوفه احتیاج به فلان جنس دارد که این جنس در داخل کشور تولید نمیشود. گفتیم خب تولید کنید یک جنس کشاورزی را -حالا بنده یادداشت دارم و اسمش هم مشخص است، نمیخواهم حالا بخصوص اسم بیاورم- میتوان تولید کرد و در داخل قابل تولید است، خب تولید کنید که مجبور نباشید علوفه‌ی گوسفندان خودتان را از خارج وارد بکنید.^{۴۵}

بنده گزارشهای متعددی دارم که یک شخصی یا یک جمعی با انگیزه وارد میشوند، یک کار مهمی را شروع میکنند، یک تولیدی را انجام میدهند، بعد به جای اینکه این تولید تشویق بشود و محصول خریداری بشود، ناگهان می بینیم که در واردات باز شد و مشابه این تولید وارد شد اینها را بیچاره میکنند.^{۴۶}

البته در یک بخشهایی هم ممکن است واردات را شما تشویق کنید؛ این اشکالی ندارد. بستگی دارد به نیازها و امکاناتی که در کشور وجود دارد. آنجایی که تولید داخلی ای هست و واردات به این تولید ضربه میزند، آنجا با شدت تمام باید جلوی واردات گرفته بشود. انسان گاهی بعضی از شکایاتی را می شنود -گاهی به ما مینویسند، گاهی در بعضی از گزارشهای عمومی انسان می شنود- که تولیدکننده‌ی داخلی گله مند است از اینکه ما داریم با این زحمت این [جنس] را تولید میکنیم، از آن طرف هم بی دریغ دارد وارد میشود. مصرف کننده‌ی داخلی [هم] که فلان دستگاه فرضاً دولتی یا شبه دولتی است، به بهانه‌ی اینکه این [جنس] به خوبی آن جنس خارجی نیست [آن را نمیخرد]. خب قیمتش که ارزان تر است، شما مصرف کن، استفاده کن، کمک به تولید بکن، تجربه‌ی بعدی او بهتر خواهد بود؛ این چیز طبیعی و روشنی است؛ وَاَلاَ اگر ما همین طور بخواهیم جنس لوکس تهیه بکنیم، این نمیشود و این تولید داخلی هیچ وقت به جایی نمیرسد.^{۴۷} یک مسئله‌ی دیگری که خیلی مهم است و من این را هم باز با تعدادی از وزرای ذی ربط

^{۴۵} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۴۶} بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۴۰۰/۳/۶

^{۴۷} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

-چه وزرای کشاورزی، چه وزرای صنعتی و چه بعضی از مسئولین دیگر دولتی - مکرر در گذشته در میان گذاشته‌ام، [این است که] گاهی اوقات یک جنسی در داخل میتواند تولید بشود، [اما] بعضی‌ها که از واردات آن جنس سودهای کلانی میبرند می‌آیند جلوی این تولید داخلی را میگیرند؛ اگر شد با رشوه - آقا، این کارخانه را تعطیل کن یا نساز و این پول را بگیر - اگر زیر بار نرفت، با تهدید، با جنایت. من نمیخواهم حالا اسم کالاها را بیاورم؛ کالاهایی را می‌شناسیم که توان داخلی تولید در آنها هست اما وارد میشود به‌خاطر اینکه یک عده‌ای از واردات منتفعند و نمیگذارند در داخل تولید بشود. یک نفر آدم مبتکر می‌آید، سرمایه‌ای هم دارد، فلان جنسی را که بسیار مصرفش در کشور زیاد است میخواهد تولید کند؛ میروند میگویند آقا این را شما تولید نکن ده میلیارد یا سی میلیارد بگیر تولید نکن؛ یا آن طرف زیر بار می‌رود و خودش را راحت میکند، یا اگر زیر بار نرفت، به او فشار می‌آورند و انواع و اقسام مشکلات را برایش درست میکنند، موانع قانونی سر راهش سبز میکنند، یا بالاخره در نهایت جنایت میکنند، به او ضربه می‌زنند و طرف را پشیمان میکنند. اینها چیزهای مهمی است، اینها چیزهای امنیتی است، اینها چیزهای ساده‌ای نیست، با این چیزها نمیشود ساده برخورد کرد.^{۴۸}

۸) مبارزه با قاچاق و فساد

متولیان مبارزه‌ی با فساد هم در این زمینه (تقویت تولید) نقش دارند. حالا اسم فساد زیاد آورده میشود. حرف زدن راجع به فساد که فایده‌ای ندارد؛ با «دزد دزد» گفتن، دزد از دزدی دست برنمیدارد؛ باید رفت، وارد شد. مسئولان کشور، روزنامه که نیستند که راجع به فساد حرف می‌زنند. بله، روزنامه راجع به فساد ممکن است حرف بزنند، من و شما که مسئول هستیم باید اقدام کنیم؛ حرف دیگر چیست؟ وارد بشوید؛ [اگر] بلدیم اقدام کنیم، جلوی فساد را به‌معنای واقعی کلمه بگیریم.^{۴۹}

گفته میشود ۱۵ میلیارد دلار صرف قاچاق میشود؛ این عدد، حدّ اقلّی است که امروز گفته میشود؛ این خیلی رقم بالایی است؛ تا ۲۰ میلیارد و ۲۵ میلیارد هم گفته میشود اینها ضربه‌ی به اقتصاد

^{۴۸} بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۵/۲/۸

^{۴۹} بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۴/۲/۹

کشور است؛ جلوی قاچاق باید گرفته بشود. البته آن کسانی که مسئول مبارزه‌ی با قاچاقند، سوراخ دعا را گم نکنند ما می‌گوییم بروید با باندهای قاچاق مبارزه کنید. من می‌گویم از مبادی رسمی کشور که جنس قاچاق وارد میشود، آن کسی که مأمور این کار است، خیانت نمی‌کند، [بلکه] کوتاهی میشود، خیانت نیست. به بنده گزارش دادند که از فلان بندر -یک بندر مشخصی- در روز مثلاً سه هزار تا پنج هزار کانتینر وارد کشور میشود. از مجموع این سه هزار با پنج هزار، فقط ۱۵۰ کانتینر بازدید میشود خب چرا؟ بقیه بازدید نمیشود و می‌آید؛ وقتی داخل انبار رفت، معلوم میشود که جنس قاچاق است که وارد شده است؛ [آن هم] از مبادی رسمی کشور حالا آنچه از مرزهای غیررسمی وارد میشود که بحث دیگری است؛ یا از مناطق آزاد همین‌جور؛ باید جلوی اینها گرفته بشود؛ و میتوانیم. من به رئیس‌جمهور محترم همین را گفتم و تذکر دادم که آن کسانی که صاحب‌نظر و مطلعند، گفتند که ما میتوانیم وسایلی بیاوریم که همین کانتینر را بدون اینکه احتیاج به توقّف داشته باشد، در حال عبور بازدید کند؛ خب این ابزار را به وجود بیاورند؛ اگر لازم است بخرند یا وارد کنند یا تولید کنند. ما میتوانیم جلوی قاچاق را بگیریم. بنابراین یکی از مسائل مهم قاچاق است. مقصود ما این است، نه چیزهای جزئی؛ اینکه بروند در بازار رضای مشهد سراغ فلان فروشنده-ی انگشتر نقره که «تو قاچاق وارد کردی» یا دم مرز، مثلاً فرض کنید [بروند سراغ] فلان خانواده را که با یک مختصر جنس کوچکی که از این- طرف مرز به آن- طرف [می‌برد]، زندگی‌اش دارد می‌گذرد، مسئله اینها نیست؛ مسئله، آن حرکت عظیم قاچاق است.^{۵۰}

من به مسئولین تأکید میکنم، جدی بگیرید این قضیه را؛ جدی بگیرید؛ مبارزه‌ی با قاچاق باید کاملاً قاطع و بی‌رحمانه باشد. ملاحظه کنید که حالا این جنس فلان است، بیاوریم استفاده کنیم؛ نه، من گفتم جنس لوکس وارد شده را که [به صورت] قاچاق وارد کرده، ببندازید زیر دستگاه خردکننده، خردش کنید و آلا اگر چنانچه آن را به صورت دیگری وارد بازار کردید، همان میشود؛ صنعت داخلی لطمه می‌خورد.^{۵۱}

^{۵۰} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۵۱} بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

۹) افزایش قدرت خرید مردم

یک کمک عمده برای تولید این است که قدرت خرید مردم بالا برود، وَاِلا اگر تولید شد و تقاضای مردمی وجود نداشت، تولید شکست میخورد؛ [یعنی] قدرت خرید مردم که این [همان] مسئله‌ی ارزش پول ملی است. و یک نکته‌ی بسیار مهمی است که در جای خود بایستی اهل فن درباره‌ی آن بحث کنند. یا مثلاً کمک به قطع دست واسطه‌ها؛ واسطه‌ها قیمت‌ها را بالا میبرند، تولیدکننده هم صدمه میبیند، مصرف‌کننده هم صدمه میبیند؛ هر دو صدمه می‌بینند؛ اگر دست واسطه‌های بی‌مورد قطع بشود، کمک زیادی به تولید خواهد شد و امثال اینها که قطعاً اگر این کار با جدّیت دنبال بشود، یقیناً تحوّل‌ی در امر اقتصاد به وجود خواهد آمد.^{۵۲}

۱۰) دانش بنیان کردن اقتصاد

برای رشد اقتصاد کشور و اصلاح امور اقتصادی کشور، به طور قاطع باید به سمت اقتصاد دانش بنیان حرکت بکنیم... «اقتصاد دانش بنیان» یعنی چه؟ یعنی اینکه دانش و فناوری پیشرفته نقش آفرینی فراوان و کاملی داشته باشد در همه‌ی عرصه‌های تولید.^{۵۳} حجم محصول افزایش پیدا میکند، کیفیت بالا میرود، قیمت تمام‌شده کاهش پیدا میکند؛ در واقع دانش بنیان کردن تولید، بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی را ارتقاء میدهد؛ این امر مهمی است، یک نقطه‌ی حسّاس و اساسی‌ای است.^{۵۴}

۱۱) ورود کارآفرینان به میدان تولید و کار

کارآفرینی هم یک خیر است، یک عبادت است، یک کار بزرگ است که باید انجام بگیرد.^{۵۵} بنده از کارآفرینان کشور دعوت میکنم که وارد میدان تولید و کار بشوند و ان‌شاءالله در این زمینه کار

^{۵۲} بیانات در ۱۴۰۰/۱/۱

^{۵۳} بیانات در ۱۴۰۱/۱/۱

^{۵۴} همان

^{۵۵} بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

انجام بدهند.^{۵۶} ایران بزرگ امروز بیش از هر زمان دیگر به کار و کارآفرینی نیاز دارد تا همچون عقابی تیز پرواز در فضای پیشرفت و آبادانی و افتخار اوج گیرد.^{۵۷}

۱۲) کار جهادی

تحرك اقتصادی باید جهادگونه باشد.^{۵۸} رونق تولید به شرایطی متوقف است که یکی از آنها کار است. این کار باید جهادی باشد؛ کار فوق العاده باید در کشور انجام بگیرد تا رونق تولید به وجود بیاید.^{۵۹} جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفته‌ها، همه‌ی تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها میشود کفران نعمت الهی؛ «ألم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفرا و احلوا قومهم دار البوار»^{۶۰}؛ این نباید بشود.^{۶۱}

۱۳) پشتیبانی از کارگران

یکی از مهم‌ترین انواع پشتیبانی از تولید، پشتیبانی از کارگران و حمایت از کارگران است؛ اگر می‌خواهیم از تولید داخلی کشور، تولید ملی کشور حمایت کنیم، باید از کارگران حمایت بکنیم؛ این یک قلم مهم از پشتیبانی است. البته این را هم توجه داشته باشیم که حمایت از کارگر، در واقع حمایت از ثروت ملی است؛ یعنی اگر کارگر یک کشور فعال باشد، بانشاط باشد، خوب کار کند، این کشور به ثروت ملی میرسد و این ثروت ملی برای او آبرو درست میکند، این ثروت ملی برای او اقتدار به وجود می‌آورد؛ بنابراین کارگران، استقلال هم برای کشور می‌آورند، قدرت هم

^{۵۶} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۵۷} بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارآفرینان- شهریور ۱۳۸۶

^{۵۸} خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

^{۵۹} بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۸/۲/۴

^{۶۰} «سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۸: آیا ندیدی کسانی را که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند، و قوم خود را به

سرای نیستی و نابودی کشاندند؟!

^{۶۱} بیانات در دیدار جمعی از مداحان ۱۳۹۲/۰۲/۱۱

می‌آورند، آبرو هم می‌آورند؛ اگر شما از کارگر حمایت کردید، اینها آثار و برکات آن است.^{۶۲} فی‌الجمله همه‌ی ما از کارگر تعریف میکنیم. خب تعریف از کارگر خوب است و مردم را نسبت به مقام کارگر آشنا میکند اما تعریف زبانی کافی نیست. کار باید کرد، تلاش باید کرد، کمک باید کرد.^{۶۳} هم مسئولین محترم، هم کسانی که اهل سرمایه‌گذاری و ایجاد کار و ایجاد کارگاه و مانند اینها هستند، توجّه بکنند که برای رشد تولید، برای بهبود وضع، باید ارتقاء زندگی کارگر را یک اصل مهم به حساب بیاورند.^{۶۴}

• وظایف در قبال کار و کارگر

- تولید کار

تولید کار از جنبه‌های مختلف مهم است: اولاً، کشور به کار احتیاج دارد، جامعه به کار احتیاج دارد و همین‌طور که گفتیم [اگر] کار نباشد زندگی نیست؛ ثانیاً، فرد کارگر به کار احتیاج دارد برای خاطر اینکه زندگی‌اش را اداره کند؛ ثالثاً، فرد کارگر یک احتیاج معنوی، یک احتیاج روحی به کار دارد؛ خدای متعال انسان را این‌جور آفریده که بیکاری او را کسل میکند، کار او را بر سر نشاط می‌آورد؛ پس احتیاج به کار فقط برای خاطر گذران زندگی نیست؛ از لحاظ معنوی هم ما به کار احتیاج داریم؛ فرد به کار احتیاج دارد. رابعاً، کار مانع فساد میشود. بیکاری منشأ فساد است. خیلی از این فسادها بر اثر بیکاری است.^{۶۵}

- ارتباط کار و درآمد

احتیاج داریم که یک رابطه‌ی مستقیمی بین درآمد و کار وجود داشته باشد؛ یعنی [مطابق] این آیه: لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى.^{۶۶} درآمد بایستی ناشی از سعی باشد، ناشی از کار باشد، ناشی از تلاش باشد. باید جامعه را این‌جوری [بار آورد]؛ این کار خیلی سختی است؛ این یعنی چه؟ یعنی

^{۶۲} سخنرانی تلویزیونی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۰/۲/۱۲

^{۶۳} بیانات در دیدار کارگران ۱۴۰۲/۲/۹

^{۶۴} همان

^{۶۵} بیانات در دیدار کارگران ۱۴۰۲/۲/۹

^{۶۶} سوره‌ی نجم، بخشی از آیه‌ی ۳۹؛ «... برای انسان جز حاصل تلاش او نیست».

[روش کسب] خیلی از این پولهای بادآورده و ثروتهای بادآورده غلط است. ما باید فرهنگ ثروت بادآورده را در کشور متوقف کنیم. عرض کردم، این کار بلندمدت و مشکلی است اما باید بشود. ... من میخواهم این فرهنگ در جامعه رشد کند: فرهنگ ارتباط درآمد با کار. خیلی از این تبعیضها، خیلی از این کارهای تجملاتی، خیلی از این ثروتهای مضر - که آثار فسادش را انسان در جامعه میبیند و کسانی مصداق «مُتَرْفِین»^{۶۷} در جامعه هستند که در قرآن ذکر شده اند^{۶۸} - خیلی از اینها ناشی از همین است که ارتباط درآمد و سود و بهره با کار قطع شده؛ کار نیست، [اما] درآمد هست؛ این نمیشود؛ درآمد باید ناشی از کار باشد.^{۶۹}

- سهم بری عادلانه از درآمد کار

ما در سیاستهای اقتصاد مقاومتی راجع به این، یک بندی آوردیم و بحث کردیم؛ مدتها قبل، بحث شده. سهم کارگر به عنوان سرمایهای انسانی - که یک منبع انسانی است، سرمایهای انسانی است که بیش از سرمایههای مادی تأثیر دارد - در ایجاد ارزش برای محصول کار، باید مورد توجه قرار بگیرد. خب حالا من اینجا یک نکته ای را میخواهم از این استنتاج کنم و آن، این است که اگر میخواهیم سهم کارگر از ایجاد ارزش بالا برود، بایستی برای آموزش و مهارت آموزی و تجربه آموزی کارگر برنامه ریزی کنیم؛ این را خیلی باید جدی گرفت. سهم کارگر ماهر و مجرب و آموزش دیده و دارای ابتکار در ایجاد ارزش برای محصول کار، خب خیلی بالاتر میرود؛ به همان نسبت سهم او از درآمد هم بالا میرود. خب، حالا این معنایش این نیست که ما بخواهیم در مقابل سرمایه گذار و مانند اینها جبهه درست کنیم؛ نه، من به هیچ وجه این را توصیه نمیکنم. سرمایه گذار و کارآفرین و کارگر، لازم و ملزوم هم هستند؛ این نباشد، کاری از او برنمی آید؛ او نباشد، از این کاری برنمی آید؛ هر دو به هم احتیاج دارند. آن چیزی که میتواند این سهم عادلانه را تأمین کند، وجود انصاف است؛ فضای انصاف؛ برخلاف آن چیزی که کمونیست ها شعارش را میدادند، عمل هم نمیکردند؛ دروغ میگفتند. آنها فضای جنگ و فضای تضاد و مانند اینها را ترویج میکردند؛ در عمل

^{۶۷} به کسی میگویند که فزونی نعمت، او را غافل و مغرور و مست کرده و به طغیان واداشته.

^{۶۸} از جمله، سوره ی واقعه، آیه ۴۵

^{۶۹} بیانات در دیدار کارگران ۱۴۰۲/۲/۹

معلوم شد که اشتباه میکنند؛ خطای بزرگی بود، کاری هم از پیش نبردند، عملاً هم پایبند نبودند. فضای انصاف، فضای همراهی، فضای همدلی، فضای ناظر دانستن خدا بایستی حاکم باشد تا بتوانند [موفق باشند]. البته در مواردی ابزار سرمایه در یک طرف، موجب تضییع حق کارگر در یک طرف دیگر میشود؛ جلوی این باید گرفته شود. آن طرف هم یک محدودیتهایی ممکن است برای او وجود داشته باشد؛ آن هم بایستی مورد توجه قرار بگیرد.^{۷۰}

- مراقبت بر ظلم نشدن بر جامعه کارگری از طریق توجه همه جانبه به رشد و تعالی کارگر
بالا بردن زمینه‌ی ارتقاء توانایی‌های کارگر یک وظیفه است. یک حدیثی داریم که من اینجا یادداشت کرده‌ام؛ [میفرماید:] مَنْ ظَلَمَ أَجِيرًا أَجْرُهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ حَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ^{۷۱}؛ اگر کسی به یک کارگری ظلم بکند، در مورد اجرت او و دستمزد او ظلم بکند، همه‌ی اعمال خیر او از بین میرود، حبط میشود - حبط یعنی نابود شدن، از بین رفتن - وَ حَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ و خدای متعال بوی بهشت را بر این آدم حرام میکند یعنی این جور است. خب حالا این ظلم چیست؟ ظلم این است که فقط دستمزد او را ندهند؟ خب بله، اینکه ظلم بزرگی است اما فقط این نیست؛ بنده احتمال میدهم که اقدام نکردن در زمینه‌ی همین مسائلی مثل بیمه، مثل بهداشت، مثل بالا بردن مهارت، مثل آموزش، میدان ندادن ابتکار عمل، اینها هم ظلم است؛ یعنی اگر چنانچه میخواهید به کارگر ظلم نشود، بایستی وسایل و زمینه‌ی ارتقاء مهارت او را فراهم کنید؛ مسئله‌ی بیمه را تأمین کنید، مسئله‌ی بهداشت را، مسئله‌ی سلامت خانوادگی را، مسئله‌ی امنیت شغلی را تأمین کنید؛ یعنی نبود اینها هم در واقع ظلم است.^{۷۲}

۱۴) تشکیل کارگروه بررسی موانع تولید توسط سه قوه

بعضی تا میگوییم «حمایت»، خیال میکنند باید تزریق نقدینگی کرد. خب بله، یک جاهایی ممکن است تزریق منابع مالی هم لازم باشد [اما] یک جاهایی هم مضر است. منظور از حمایت، تزریق

^{۷۰} بیانات در دیدار کارگران ۱۴۰۲/۲/۹

^{۷۱} امالی صدوق، مجلس شصت و ششم، ص ۴۲۷

^{۷۲} بیانات در دیدار کارگران ۱۴۰۲/۲/۹

منابع مالی صرفاً نیست بلکه میدان را باز کردن است. اگر نیروی کار مردمی را، سرمایه‌گذار را، مهندس را، صاحب‌فکر را، کارگر را به عنوان یک دهنده‌ی پُرشتابی فرض کنیم، شما لازم نیست به او یاد بدهید چه کار کند، او خودش شوق و میل حرکت دارد. شما میدان را باز کنید، موانع را بردارید، زمین را صاف کنید، اجازه بدهید او حرکت خودش را انجام بدهد. اگر چنانچه این کار از سوی دولت انجام بگیرد - که بسیار کار مهمی است و حالا من به بعضی از نمونه‌هایش هم اشاره خواهم کرد- آن وقت این حرکت به صورت صحیحی انجام خواهد گرفت. بنابراین حمایت که می‌گوییم، یعنی برداشتن موانع.^{۷۳}

برای شناسایی موانع تولید و برطرف کردن موانع تولید، یک کارگروهی تشکیل بشود از طرف رؤسای سه قوه -چون مربوط به سه قوه است- و رؤسای محترم هم اعلام پذیرش کردند و گفتند که «بله، این کار خوبی است». من نمی‌دانم تا حالا تشکیل شده یا تشکیل نشده؛ اگر نشده، خیلی خوب است که این کارگروه تشکیل بشود و به صورت شبانه‌روزی کار بکنند و ان‌شاءالله بتوانند موانع تولید را برطرف کنند، چون تولید در بخش اقتصاد از همه چیز مهم‌تر است.^{۷۴}

۱۵) تشویق سرمایه‌گذاری و مدیریت نقدینگی به سمت تولید

این مسئله‌ی هدایت نقدینگی را من یک بار دیگر هم در مرکز عمومی گفتم، خصوصی هم به مسئولین مکرر گفته شده که ما این نقدینگی موجود را به سمت تولید هدایت کنیم. البته من در سال ۹۷ در جلسه‌ی هیئت دولت و هفته‌ی دولت گفتم که یک هیئت شبانه‌روزی متخصص معین بکنید که بنشینند روشهای مدیریت نقدینگی را جستجو [کنند]؛ این نقدینگی موجود باید مدیریت بشود و هدایت بشود به سمت تولید که این کار آسانی نیست، کار مشکلی است، روشهای ویژه‌ای لازم دارد؛ من گفتم یک هیئتی بنشینند و این کار را انجام بدهند. من نمی‌دانم این هیئت تشکیل شده یا نشده؛ به هر حال اگر نشده، باز هم زمان باقی است و ان‌شاءالله این کار انجام بگیرد تا اینکه نقدینگی موجود سرازیر بشود به سمت قسمت واقعی اقتصاد و به تولید برسد.^{۷۵}

^{۷۳} بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی ۱۳۹۹/۲/۱۷

^{۷۴} بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۹/۴/۲۲

^{۷۵} بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت ۱۳۹۹/۶/۲

اگر مسئولین کشور بتوانند بنشینند راه‌هایی پیدا کنند و این نقدینگی را هدایت کنند به سمت اقتصاد تولیدی، چه در صنعت، چه در کشاورزی، چه در مسکن و امثال اینها، همین نقدینگی که امروز تهدید است، تبدیل خواهد شد به فرصت؛ نصف این نقدینگی را هم اگر بتوانند هدایت کنند، این [جور] است.^{۷۶}

ما گفتیم: «حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی»؛ کار ایرانی، سرمایه‌ی ایرانی. سرمایه هم عدل کار است. اگر سرمایه نباشد، کار تحقق پیدا نمی‌کند؛ اینها دوتا بالند، که تولید ملی با این دو بال حرکت می‌کند. سرمایه‌ی ایرانی هم احترام دارد، کار ایرانی هم احترام دارد. نتیجه‌ی سرمایه و کار عبارت است از تولید ملی.^{۷۷}

سرمایه‌گذاری را تشویق کنید؛ چون سرمایه‌گذاری عمدتاً باید به وسیله‌ی بخش خصوصی انجام بگیرد. دولت صرفاً در آنجایی که بخش خصوصی یا نمیتواند یا رغبتی ندارد یا بازدهی برای بخش خصوصی ندارد میتواند سرمایه‌گذاری کند؛ سرمایه‌گذاری را بخش خصوصی باید انجام بدهد. بخش خصوصی هم امروز امکانات دارد؛ یعنی امروز پول در کشور کم نیست؛ می‌بینید دیگر که بحث نقدینگی و چند برابر شدن نقدینگی سر زبانها است؛ بنابراین پول هست؛ باید سرمایه‌گذار تشویق بشود به سرمایه‌گذاری. تشویق هم راه‌های مختلفی دارد، راه‌هایی هست که برای کسی پنهان نیست: مشکلات مالیاتی برطرف بشود، مشکلات مجوزها برطرف بشود، مشکلات تسهیلات بانکی برطرف بشود؛ اینها کارهایی است که همه بلدند [منتها] باید بنشینید، اهتمام کنید.^{۷۸}

۱۶) مبارزه با کارشکنی اداری

یکی از مسائل، مقابله‌ی جدی با کارشکنی‌های اداری است. بنده سراغ دارم؛ در طول این سالهای متمادی، مکرر این را مشاهده کرده‌ایم که مسئول دستگاه، مدیر عالی دستگاه، با کمال علاقه و اخلاص دنبال یک چیزی است، یک کاری را میخواهد انجام بدهد اما آن کار انجام

^{۷۶} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۵/۲۲

^{۷۷} بیانات در اجتماع کارگران کارخانه جات تولیدی داروپخش ۱۳۹۱/۲/۱۰

^{۷۸} بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت ۱۳۹۹/۶/۲

نمیگیرد؛ دستور هم داده میشود، جلسه هم برگزار میکنند، اقدام هم میکنند اما خروجی صفر است؛ علت این است که آن وسط کارشکنی صورت میگیرد. همین که امیرالمؤمنین فرمود «ثُمَّ النَّهَايَةُ النَّهَايَةُ»، معنایش این است؛ یعنی صرف اینکه شما مدیر دستگاه هستید و علاقه‌مندید کافی نیست؛ باید کار را دنبال کنید تا از این کارشکنی‌های میانه‌ی راه حتماً جلوگیری بشود.^{۷۹}

۱۷) اصلاح نگاه به تولید کننده به عنوان یک رزمنده اقتصادی

نگاه‌مان به تولیدکننده، نگاه مناسب و درستی نیست. من عرض میکنم نگاه مجموعه‌ی دولت و مسئولین کشور به آن فرد تولیدکننده، باید نگاه به یک رزمنده باشد؛ مگر نمیگویید «جنگ اقتصادی»، رزمنده‌ی این جنگ اقتصادی کیست؟ آن کسی که اقتصاد داخلی را تقویت میکند؛ اقتصاد داخلی هم عمدتاً با تولید تقویت میشود؛ پس این تولیدکننده را شما به چشم یک رزمنده نگاه کنید. ... من بارها در همین جلسه‌ای که با دوستان شما داشته‌ایم -چه جلسه‌ی دولت، چه جلسه‌ی اقتصادی که خیلی از آقایان حضور داشتید- بارها این را گفته‌ام؛ یک تولیدکننده برای اینکه یک کاری را انجام بدهد و شروع کند، از هفت خوان باید عبور بکند؛ حالا من میگویم هفت خوان، در واقع گاهی از هفتاد خوان باید عبور بکند؛ قوانین، مقررات، این دستگاه می‌آید یک چیزی میگوید، آن دستگاه می‌آید یک چیزی میخواهد، آن دستگاه می‌آید یک مجوزی [میخواهد]؛ چه لزومی دارد؟ اینها را جدی باید وارد شد.^{۸۰}

۱۸) جلوگیری از تعطیلی کارخانه‌ها با تلاش و برنامه ریزی برای رفع موانع و کمبودها

مسئولین محترم روی خوابیدن و تعطیل شدن کارخانه‌های تولیدی و جاهای تولیدی، خیلی باید حساس باشند. گاهی خبرهایی میرسد که واقعاً خبرهای تلخی است؛ [مثلاً] فلان کارخانه‌ی معروف با محصولات زیاد، به خاطر یک مشکلی تعطیل میشود. البته من یادداشت کرده بودم بعداً بگویم حالا همین جا [میگویم]؛ واقعاً [مسئولین] وزارت صنایع نگاه کنند ببینند آن بخشهای مورد نیاز -چه در زمینه‌ی ماشین‌آلات و قطعات، چه در زمینه‌ی کالاهای واسطه‌ای و مواد

^{۷۹} بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی ۱۳۹۹/۲/۱۷

^{۸۰} گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۸/۵/۳۰

به اصطلاح لازم برای تولید- کجاها کمبود دارند؛ یک فهرستی تهیه کنند، فراخوان بدهند و از مسئولین گوناگون کشور [بخواهند]؛ حالا که وارد کردنش از خارج مشکلاتی دارد، میتوانند خیلی از این مواد را تولید کنند. یک چیزهایی هست که هیچ ربطی هم به مسائل هسته‌ای و مانند اینها ندارد اما روی خبثات و بدجنسی، خرید اینها را، وارد کردن اینها را ممنوع کرده‌اند و نمیگذارند؛ خیلی خب، در داخل تولید کنیم. جوانهای ما آمادگی دارند، دارای ابتکارند؛ از اینها بخواهند، یک نمایشگاه‌های دائمی تشکیل بدهند، نیازها آنجا تعریف بشود، تولیدات آنجا تعریف بشود.^{۸۱}

۱۹) میدان دادن به جوانها

هر جایی که ما به جوانهایمان اتکاء کردیم، اعتماد کردیم، به آنها امکانات دادیم، حداقل امکانات را هم [دادیم] - غالباً جوانها این جوری هستند [که با] حداقل امکانات [کار میکنند] - پیش رفتیم.^{۸۲} ما این همه ذهن فعال در کشور داریم، ذهنی که میتواند یک موشک درست کند که این موشک دو هزار کیلومتر طی میکند و با کمتر از ده متر خطا به هدف میرسد؛ این چیز کوچکی است؟

من میگویم آن مغزی که میتواند یک چنین موشکی را تولید بکند که دشمنان ما اعتراف میکنند به اهمیت این کار، آیا این مغز نمیتواند خودرویی را که فرض بفرمایید مصرفش سیزده لیتر در صد کیلومتر است، برساند به پنج لیتر در صد کیلومتر؟ نمیتواند بکند؟ این مغز عاجز است از این کار؟ چرا به جوانها مراجعه نمیکنید؟ چرا به این ذهنهای خلاق مراجعه نمیکنید؟ چرا از اینها کمک نمیگیرید؟^{۸۳}

^{۸۱} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۲/۲۴

^{۸۲} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۲/۲۴

^{۸۳} بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۵/۲/۸

۲۰) توسعه مهارت‌ها

یکی از کارهای دیگری که بر عهده‌ی مسئولین دولتی است، توسعه‌ی مهارت‌هاست. این هنرستانهای فنی و صنعتی، این دانشگاه‌های علمی- کاربردی، این فنی- حرفه‌ای‌ها، آموزشکده‌های فنی- حرفه‌ای، باید توسعه پیدا کنند. ما به علم احتیاج داریم، اما به پنجه‌ی کارآمد هم احتیاج داریم. یکی از کارهای اساسی به نظر من این است که در زمینه‌ی صنعت و کشاورزی بایستی کار کنیم.^{۸۴}

ب) الزامات فرهنگی و تبلیغی برای رشد تولید

فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است. چرا؟ چون فرهنگ، به معنای هوایی است که ما تنفس میکنیم؛ شما ناچار هوا را تنفس میکنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما؛ اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد. فرهنگ یک کشور مثل هوا است؛ اگر درست باشد، آثاری دارد. الان درباره‌ی تولید داخلی حرف میزدیم؛ اگر بخواهیم مصرف تولیدات داخلی به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، باید فرهنگ [مصرف] تولید داخلی در ذهن مردم جا بیفتد؛ اگر بخواهیم مردم اسراف نکنند، بایستی این باور مردم بشود؛ این یعنی فرهنگ. فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنها است؛ فرهنگ این است؛ این پس خیلی اهمیت دارد.

ما باید فرهنگ کشور خودمان را به سمت ترویج تولید داخلی تنسيق و تنظيم کنیم و پیش ببریم؛ این خیلی چیز مهمی است. در گذشته، سالهای متمادی این فرهنگ به ملت ما تزریق شده است که به دنبال مصنوعات و ساخته‌های بیگانه و خارجی بروند. وقتی گفته می‌شد این جنس خارجی است، این یک استدلال تام و تمامی بود برای بهتر بودن و مرغوب‌تر بودن این جنس. این فرهنگ باید عوض شود. البته کیفیت تولید داخل در این مؤثر است، تبلیغ نکردن بیجا و بی‌رویه‌ی

^{۸۴} بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶

تولیدات خارجی در این مؤثر است، تشویق کارآفرین داخلی در این مؤثر است، وجدان کاری در کننده‌ی کار- چه کارگر ساده یا کارگر مجرب یا مهندس کار- در این مؤثر است، دولت نقش دارد، مسئولین نقش دارند، خود کارگر نقش دارد، کارآفرین نقش دارد، تاجر واردکننده‌ی کالای خارجی نقش دارد. همه باید دست به دست هم بدهند تا تولید داخل ربحان پیدا کند؛ ارزش پیدا کند و فرهنگی بر جامعه‌ی ما و بر ذهنهای ما حاکم شود که مصرف کردن تولید داخلی را ارزش بدانیم. ما به قیمت به کار واداشتن یک کارگر بیگانه که تولید او را مصرف می‌کنیم، یک کارگر داخل کشور را بیکار می‌کنیم. همه‌ی مسئولین کشور، سیاست‌گذاران کشور، مسئولان تبلیغات کشور، خود کارآفرینان، خود کارگران، دولت، بخشهای مربوطه به این نکته باید اهمیت بدهند.

امروز خوشبختانه بسیاری از محصولات و مصنوعات داخل کشور برتر و گاهی بسیار برتر از مشابه‌های بیرونی و خارجی است. چرا ما باید نسبت به مصنوعات خودمان بی‌اعتناء باشیم؟ گذشت آن روزی که وابستگان به دستگاه قدرت به دست خودشان، با بیانات زهرآگین خودشان تلقین می‌کردند که ایرانی قادر به تولید و ساخت نیست. آن‌ها ایران را عقب انداختند. آن‌ها به روح ابتکار و شوق کار در کشور لطمه زدند. انقلاب آمد وضع را عوض کرد. امروز جوانان ما پیچیده‌ترین کارها را دارند انجام می‌دهند. این همه زیرساخت در کشور به وجود آمده است برای کارهای بزرگ، این همه کارهای پیچیده‌ی فنی با ذهن و ابتکار جوان ایرانی دارد انجام می‌گیرد. مسئولین دنبال این کارند. امروز باید رو بیاورند همه به سمت مصنوعات و تولیدات داخلی؛ این باید یک فرهنگ شود.^{۸۵}

در ادامه به برخی از الزامات مهم فرهنگی و تبلیغی برای کمک به رشد تولید در کشور میپردازیم:

(۱) احساس مسئولیت آحاد مردم:

• احساس مسئولیت در مصرف تولید داخل

یکی دیگر از عیوب مهم ما این است که ما درباره‌ی تولیدات داخلی تعصب نداریم؛ تعصب در خیلی جاها چیز بدی است اما اینجا چیز خوبی است. ما باید برای تولید داخلی تعصب داشته

^{۸۵} بیانات در دیدار جمعی از معلمان و پرستاران و کارگران ۱۳۸۸/۲/۹

باشیم. یک جنسی هست که در داخل تولید شده، مشابه خارجی‌اش هم هست - البته آن واردکننده نباید وارد میکرد، حالا وارد کرده - گاهی کیفیت این جنس داخلی از آن جنس خارجی کمتر نیست، گاهی هم بیشتر است، [اما] ما میرویم سراغ جنس خارجی؛ چرا؟ چرا به این کارگر ایرانی کمک نمیکنید؟ این جنس داخلی را کارگر ایرانی ساخته؛ وقتی شما نخریدید، آن کارگر بیکار میشود. جنس خارجی میخرید، آن را ترجیح میدهید به جنس داخلی؛ این اشکال بزرگی است و بر ما وارد است؛ اینها عیوب خود ما است. همه‌ی عیوب، مربوط به تشکیلات نظام و دستگاه‌های اداره‌کننده‌ی کشور نیست؛ یک چیزهایی هم مربوط به خود ما (مردم) است.^{۸۶}

• احساس مسئولیت صادرکنندگان

یک نمونه از بی‌مسئولیّت، این است که در کار برخی از اجناس و اقلام صادراتی - که در این زمینه به ما خبر میرسد - بعضی از صادرکننده‌ها کاری میکنند که آن مشتری بیرون کشور را نسبت به تولید داخلی ما بدبین میکنند؛ مثل اینکه فرض کنید ما در جعبه‌ی پرتقال، آن [ردیف] رو، پرتقال درشت و خوب بچینیم، آن زیر پرتقال پوسیده و ریز بگذاریم. آنچه در صادرات ما انجام میگردد، بایستی نماینده و نمودار حُسن عمل و صحت عمل ایرانی باشد؛ اگر چنانچه این جور عمل نکنیم، بی‌مسئولیّت است. [وقتی] جنس نامرغوب را بفرستیم، خب معلوم است که بازار صادراتی از بین خواهد رفت. بنده از کارآفرینان کشور دعوت میکنم که وارد میدان تولید و کار بشوند و ان شاء الله در این زمینه کار انجام بدهند.^{۸۷}

• احساس مسئولیت در سرمایه‌گذاری مولد

یکی از انواع حمایت (از تولید) هم سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی در امر تولید است. این جور نباشد که فعالان اقتصادی دنبال کارهای سوداگرانه بیشتر بچرخند؛ اگر میخواهند سرمایه‌گذاری بکنند، سرمایه‌گذاری در امر تولید [بکنند]. اگر چنانچه نیتشان را خالص کنند، خدایی کنند،

^{۸۶} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۴۰۲/۱/۱

^{۸۷} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

برای کشور انجام بدهند، این سرمایه‌گذاری میشود عبادت؛ سرمایه‌گذاری سود دارد اما چون برای پیشرفت کشور است، برای کمک به مردم است، این میشود یک عبادت.^{۸۸}

در مسئله‌ی سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری برای تولید، خود مردم میتوانند نقش ایفا کنند؛ چه آنهایی که سرمایه دارند و این سرمایه را در راه مثلاً بعضی از داد و ستدها و سوداگری‌های بی-مورد مصرف میکنند میتوانند اینها را در راه تولید مصرف کنند، چه کسانی که میخواهند کمک کنند به دیگران؛ مثل این کمک مؤمنانه‌ای که برای قضیه‌ی کرونا انجام گرفت که همه‌ی مردم وارد شدند، در قضیه‌ی تولید [هم] میتوانند کسانی که توانایی دارند، برای یک نفر، دو نفر، ده نفر اشتغال ایجاد کنند و کمک کنند به اشتغال آنها. البته این [کار]، سازمان‌دهی مردمی لازم دارد؛ خیلی‌ها هستند میخواهند کمک کنند، نمیدانند چه جور باید کمک کنند. خیریه‌های مردمی، نهادهای انقلابی، امنای مساجدی که در این زمینه فعالیت میکنند مثل بعضی جاهای دیگر، بایستی اینها را برنامه‌ریزی کنند تا هر کسی بداند که با یک سرمایه‌ی کم چگونه میشود به تولید کشور کمک کرد؛ یعنی همه خیال نکنند که بایستی میلیاردری سرمایه داشته باشند تا بتوانند در تولید وارد بشوند؛ نه، با سرمایه‌های کم هم گاهی میتوان به تولید کشور کمک کرد. گاهی یک خانواده‌ی روستایی را مثلاً فرض کنید با چند رأس دام میشود زنده کرد، احیا کرد، خودکفا کرد؛ یک خانواده‌ی شهری را مثلاً فرض کنید با یک دستگاه بافندگی یا خیاطی یا امثال اینها میتوان اصلاً خودکفا کرد؛ از این کارها فراوان میتوان کرد که هم کمک به مردم و مبارزه‌ی با فقر است و هم کمک به تولید است.^{۸۹}

• احساس مسئولیت فروشگاه‌ها در فروش کالای ایرانی

اصل باید این باشد که تولید داخلی ترویج بشود. من اطلاع پیدا کردم که در تهران -حالا شاید در شهرستان‌ها هم هست- بعضی از فروشگاه‌ها مقید شده‌اند که جز تولید داخلی را نفروشند؛ تابلو هم زده‌اند؛ عکسش را گرفتند برای من آوردند و من دیدم. تابلو زده‌اند، تابلوی بزرگ، که در این فروشگاه فقط تولید داخلی فروش میرود. بارک‌الله آفرین بر این انسان باغیرت، بر این انسان

^{۸۸} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۷/۱/۱

^{۸۹} سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۴۰۰/۱/۱

مصلح هر چه در این فروشگاه هست، تولید داخلی است. نقطه‌ی مقابله، فروشگاه‌هایی هستند که وقتی انسان وارد میشود، هر چه چشم میگرداند، تولید خارجی است. متأسفانه بعضی از این فروشگاه‌ها که فروشگاه‌های بزرگ هم هستند، مربوط به خود دستگاه‌های حکومتی‌اند چرا این کار را میکنند؟ این کار باید زشت شمرده بشود. شما میخواهی کارگر داخلی را بیکار کنی، کارگر بیگانه را بهره‌مند و برخوردار کنی برای پُز دادن جنسهای دارای نشان خارجی را [می‌آورند]، یک عده پولدار هم -پولدارهای نوکیسه‌ی تازه‌به‌دوران‌رسیده که متأسفانه در کشور کم نداریم- دنبال نشانهای خارجی‌اند؛ به قول خودشان برندهای خارجی. بنده از این کلمه‌ی «برند» هم خیلی بدم می‌آید. فروش کالای خارجی و مصرف کالای خارجی باید در جامعه به‌عنوان یک ضد ارزش شناخته بشود، مگر آنجایی که مشابه داخلی‌اش نیست. آنجایی که مشابه داخلی‌اش نیست، خوب، بله، اشکالی ندارد؛ ما که دور خودمان حصار نکشیده‌ایم؛ ما با دنیا ارتباط داریم، تعامل داریم، میخریم، میفروشیم؛ ممکن است یک جاهایی هم باشد که تولید داخلی اصلاً به‌صرفه نباشد -از این قبیل هم داریم مواردی را- [واردات] اشکالی ندارد. آنجایی که ما تولید داخلی داریم و میخواهیم داشته باشیم و کارگر ما مشغول آن کار است و ارزش افزوده ایجاد میکند، آنجا ما برویم این تولید داخلی را کنار بگذاریم، شبیه این را از خارج بیاوریم با قیمت گاهی چندبرابر و به‌خاطر اینکه این نشان خارجی دارد، نشان فلان کارخانه‌ی معروف فلان کشور اروپایی را دارد، این را مصرف نکنیم، این باید ضد ارزش شمرده بشود.^{۹۰}

۲) عمل به تکلیف به صورت هوشمندانه و برنامه ریزی شده در نهادهای فرهنگی و تبلیغاتی

فرهنگ‌سازی برای مصرف کالاهای ساخت داخل، نیازمند تفکر، مطالعه، نگاه عمیق، برنامه‌ریزی و در نظر گرفتن ابعاد روانشناختی اجتماعی این موضوع است که صدا و سیما و دیگر دستگاه‌های تبلیغاتی باید در این خصوص اهتمام جدی داشته باشند.^{۹۱} اینها کارهای فراوانی است که باید انجام بگیرد. این کارها فقط بر عهده‌ی دولت هم نیست؛ دولت، مجلس شورای اسلامی،

^{۹۰} بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۵/۲/۸

^{۹۱} دیدار جمعی از مسئولان سه قوه با رهبر انقلاب ۱۳۹۱/۱/۱۵

دستگاه‌های گوناگون مدیریتی، بخش خصوصی، آحاد مردم، فرهنگ‌سازان جامعه - آن کسانی که با بیانات خودشان برای مردم فرهنگ می‌سازند - تبلیغات صدا و سیما، همه‌ی اینها باید در خدمت تولید ملی قرار بگیرد.^{۹۲}

۳) دولت و ملت همدلی و هم‌زبانی

همه بایستی همه‌ی هم‌تشان را در بخشهای مختلف و گوناگون برای مسئله‌ی تولید صرف کنند. این البته لوازمی دارد؛ هم سرمایه‌گذار، هم کارگر، هم مصرف‌کننده، هم دستگاه‌های متولی دولتی، همه وظایفی دارند؛ این کار، یک‌بُعدی نیست؛ همه بایست با هم [همکاری کنند]. اینکه می‌گوییم همدلی و هم‌زبانی مردم با دولت، معنایش این است؛ یعنی همه با هم همکاری کنند تا این سنگ بزرگ را بردارند، این صخره‌ی بزرگ را از سر راه حرکت کشور بردارند. سرمایه‌گذار و کسانی که امکان دارند، بایستی سرمایه‌گذاری کنند. بنده می‌شناختم افرادی را که می‌توانستند پولشان را ببرند در بخشهای پردرآمدی که غیر تولیدی است صرف کنند، نکردند؛ گفتند نمی‌کنیم؛ می‌خواهیم به کشور خدمت کنیم؛ آمدند در تولید سرمایه‌گذاری کردند، با سود کمتر، درآمد کمتر؛ برای خاطر اینکه فهمیدند کشور احتیاج دارد؛ خب، این عبادت است. سرمایه‌گذاری که فکر نیاز کشور را میکند و پول را نمیرد در راه دلالی و کارهای پردرآمد و مضّر برای کشور صرف کند و می‌آید صرف میکند در سرمایه‌گذاری، این کارش حسنه است، بنابراین سرمایه‌گذار نقش دارد. کارگر درستکار نقش دارد. کارگری که سختی‌های کار را تحمل میکند - کارگری که عمر خود را، وقت خود را، نیروی خود را صرف میکند تا کار را تمیز از آب در بیاورد، دارد عبادت میکند؛ این حسنه است... مصرف‌کننده‌ی باانصاف، مصرف‌کننده‌ی باوجدان هم میتواند همین جور به تولید کشور کمک کند؛ دنبال اسم و رسم نروند، دنبال پُرند نروند - این حرفی که حالا مرتّب تکرار میکنند: پُرند، پُرند - دنبال مارک نروند؛ دنبال مصلحت بروند. مصلحت کشور، مصرف تولید داخلی است، کمک به کارگر ایرانی است.^{۹۳}

^{۹۲} بیانات در ۱۳۹۱/۲/۱۰

^{۹۳} بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۴/۲/۹

ج) الزامات فنی برای رشد تولید

۱) ارتقای کیفیت کالای تولیدی و جلب رضایت مشتری

نکته‌ی اساسی‌ای که در باب کار وجود دارد و کارآفرینان باید به او توجه کنند، مسئله‌ی مرغوبیت تولید داخلی است؛ کیفیت تولید داخلی است؛ این خیلی مهم است. البته بخشی از این، ارتباط پیدا میکند به همان قضایای مالی و نمیدانم مقررات و غیرذلک، و پشتیبانی‌های دولت؛ اما بخشی هم ارتباط پیدا میکند به عزم و اراده‌ی مسئولین، کارآفرین و کننده‌ی کار.

شما امروز ببینید در دنیا کمپانی‌هایی هستند صد سال است اینها دارند کار میکنند، صد و پنجاه سال است دارند کار میکنند و محصولاتشان در دنیا فروش میرود. اسم اینها کافی است که جنس را تو بازار رائج کند؛ به خاطر اینکه درست کار کردند، خوب کار کردند، مشتری مطمئن است به اینها. شما میگوئید که ما سفارش کنیم به مردم که تولیدات داخلی را مصرف کنند. من که خب چند سال است دارم سفارش میکنم؛ بنده که بارها گفته‌ام، منتها این با شعار درست نمیشود. خب، بله یک مقداری مردم حالا یک اعتمادی بکنند، یک اعتنائی بکنند به حرف ما، به خاطری که مثلاً ما گفتیم، بروند یک مقداری چه کنند؛ این یک بخشی از قضیه است. یک بخش دیگر هم مربوط به کیفیت است. خب کیفیت را باید بالا برد.^{۹۴}

اگر شما ملاحظه کنید که از تولیدات داخلی حمایت میشود -حالا چه حمایت عملی [مثل] این حمایت‌های تعرفه‌ای و تسهیلات بانکی و امثال اینها، و چه حمایت‌های تبلیغاتی، [مانند] تأکیدی که بنده کردم و بعضی مسئولین کردند روی مسئله‌ی حمایت از تولید داخلی که اثر هم دارد و داشته - این باید به ارتقای کیفیت و همچنین ارتقای فنآوری منتهی بشود. مسئله‌ی فنآوری هم بسیار مهم است، لکن حالا فعلاً من تکیه‌ام روی مسئله‌ی کیفیت است که باید به ارتقای کیفیت محصولات منجر بشود.

ما در برخی از محصولات داخلی متأسفانه شاهد این هستیم که به کیفیت توجه نمیشود؛ این خیلی بد است. این همه حمایت در این طول این سالها از صنعت خودرو در کشور شده، [اما]

^{۹۴} بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶

کیفیت خودرو خوب نیست، مردم ناراضی‌اند، درست هم می‌گویند، حق با مردم است؛ یعنی اعتراض مردم به‌جا است. این صنعت نتوانسته رضایت مشتری را جلب کند؛ باید شما بتوانید رضایت مشتری را جلب کنید. لذا مسئله‌ی کیفیت در درجه‌ی اول است. حالا اگر از این فضای حمایتی، هم برای ارتقای کیفیت استفاده نشود و هم سوءاستفاده بشود برای بالا بردن قیمت، این هم یک مشکل دیگر است؛ قیمت را بالا ببرند، کیفیت بالا نرود و ارتقا پیدا نکند اما این حمایت دولتی و تبلیغاتی و بانکی و غیره و جلوگیری از مثلاً رقابتهای خارجی موجب بشود که قیمت بالا برود؛ این خیلی چیز بدی است. حالا من گلایه می‌کنم از دوستانی که مسئولان کالاهای خانگی و لوازم خانگی هستند؛ ما از اینها حمایت کردیم و اسم آوردیم؛ شنیدم بعضی از اقلام دو برابر ارتقای قیمت پیدا کرده؛ چرا؟ این جور نبایستی با حمایتها برخورد بشود. خب اگر این جور ما کیفیت را بالا ببریم، چطور انتظار داریم که بازارهای خارجی را فتح کنیم؟ کیفیت خیلی مؤثر است.^{۹۵}

۲) ارتقای بهره‌وری و ایجاد مزیت رقابتی برای کالای ایرانی

نکته‌ی دیگر، ارتقاء بهره‌وری است که از تعبیرات رایجی است که میکنند؛ بنده این را خلاصه می‌کنم به دو کلمه در زبان فارسی. تولیدکننده‌ی ما، بنگاه‌دار ما سعی کند با کم کردن ریخت‌وپاش، هزینه‌ی تولید را کم کند، کیفیت را بالا ببرد؛ این میشود بهبود بهره‌وری. [البته] بخشی از هزینه‌ی تولید مربوط به چیزهایی است که در اختیار بنگاه‌دار نیست؛ فرض کنید توژم بالا است، مزد کارگر یا قیمت موادّ اولیه بالا میرود؛ یک مقدار اینها است لکن یک مقدار هم ریخت‌وپاش است؛ اسراف است؛ خرج کردن‌های بیجا است؛ باید جلوی اینها را بگیرند.^{۹۶} بعد هم ارزان تمام کردن و رقابت‌پذیر کردن. یکی از کارهای بسیار مهم در کشور این است که بتوانیم تولید داخلی را رقابت‌پذیر با جنس خارجی به وجود بیاوریم؛ در حدّ امکان ارزان‌تر از جنس خارجی

^{۹۵} بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

^{۹۶} بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

بتوانیم تولید کنیم که البته خود این مقدماتی دارد؛ بعضی از مقدمات به‌عهده‌ی دولت است، بعضی هم به‌عهده‌ی خود ما است.^{۹۷}

۳) نوآوری، خلاقیت و زیبایی

یک نکته‌ی دیگر هم مسئله‌ی نوآوری و ابتکار و زیبایی است در تولیدات کشور. از جمله‌ی چیزهائی که باید مورد توجه قرار بگیرد، نوآوری کردن در همه‌ی تولیدات به صورت پی‌درپی و لحاظ حس، یعنی اشباع حس زیبایی‌شناسی در مصرف‌کننده است. این یکی از مسائل قابل توجه هست که بایستی به آن اهمیت بدهیم.^{۹۸}

د) الزامات قانونی و قضایی و امنیتی برای رشد تولید:

۱) امنیت سرمایه‌گذاری

یکی دیگر، امنیت سرمایه‌گذاری است؛ که این کار ضابطین قوه‌ی قضائیه و کار نیروهای امنیتی است؛ باید کاری کنند که امنیت سرمایه‌گذاری محفوظ باشد. گاهی ما در این زمینه‌ها کوتاهی کرده‌ایم. فرض بفرمایید در یک نقطه‌ای از کشور، یک سرمایه‌گذاری و یک سروصدایی به پا میشود، صداوسیما هم وارد میشود و تبلیغات میکنند، مردم [هم] می‌آیند طلا و خانه و پول و همه‌چیزشان را خرج میکنند و صرف سرمایه‌گذاری میکنند، بعد معلوم میشود در آن تقلب بوده است خب این خلاف امنیت اقتصادی است. بایستی امنیت تولید را حفظ کرد. بنابراین اینها چیزهایی است که جزو الزامات حتمی برای تولید است.^{۹۹}

^{۹۷} بیانات در اجتماع زائران حرم رضوی ۱۳۹۷/۱/۱

^{۹۸} بیانات در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور ۱۳۸۹/۶/۱۶

^{۹۹} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

۲) ثبات سیاستها

یکی از کارهای مهم، ثبات سیاستها است؛ قوانین، قوانین دائماً در تغییر نباشد؛ که این کار، کار مجلس شورای اسلامی است. اولاً مقررات و زوائد دست‌وپاگیر را بردارند، ثانیاً ثبات در قوانین ایجاد کنند و هر روز یک قانون جدیدی نیاورند که نتواند [سرمایه‌گذاری شود].^{۱۰۰} اینکه در سیاستهای پولی‌مان، در سیاستهای مالی‌مان، دائماً تغییرات پی‌درپی بدهیم، خیلی مضر است برای کشور؛ خیلی مضر است. حالت بی‌اطمینانی به وجود می‌آورد، کارآفرین را مردّد میکند، آن کسی را که میخواهد سرمایه‌گذاری کند و کارآفرینی کند، مردّد میکند. ما حالا دنبال سرمایه‌گذاری خارجی هم هستیم، به خارجی‌ها میگوییم بیایند سرمایه‌گذاری کنند؛ هر کسی که میتواند و مایل است، بیاید سرمایه‌گذاری کند، او هم سود میبرد، ما هم سود میبریم؛ داخلی‌ها که به به طریق اولی. خدا رحمت کند مرحوم عسکراولادی^{۱۰۱} را سالها پیش اینجا جلسه‌ای بود، ایشان صحبت کرد گفت شما از خارجی‌ها میخواهید که بیایند سرمایه‌گذاری کنند، خارجی‌ها نگاه میکنند به سرمایه‌گذاران داخلی؛ اینها - به تعبیر او - ویتترین نظامند، جعبه‌آینه‌ی نظامند؛ میخواهند ببینند که شما با کارفرمای داخلی و کارآفرین داخلی چه‌جوری رفتار میکنید، بعد اگر چنانچه دیدند خوب رفتار میکنید، آنها هم می‌آیند. این حرف درستی است. تغییر سیاستها، تبدیل جهت‌گیری‌ها، خیلی ضربه میزند. بنابراین، یکی از مهم‌ترین بحثها ثبات در سیاستهای پولی و مالی و مانند اینها است.^{۱۰۲}

۳) بهبود فضای کسب و کار

مطلبی که من اصرار دارم که دستگاه‌های حکومتی بجد دنبالش باشند، مسئله‌ی بهبود فضای کسب و کار است... قوانین مزاحم، مقررات مزاحم، عملکرد احیاناً غلط، نه از روی غرض‌ورزی که

^{۱۰۰} بیانات در حرم رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۱۰۱} آقای حبیب‌الله عسکراولادی

^{۱۰۲} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۴۰۲/۱/۱۵

یک جاهایی هم ممکن است از روی غرض‌ورزی باشد. باید محیط مساعد تولید را در کشور به وجود بیاورند.^{۱۰۳}

عده‌ای از این کارآفرینان با اخلاص و متدین، چندی پیش آمدند با ما ملاقات کردند و گفتند که برای مجوز یک چیز کوچک - که حالا اسم آوردند و بنده نمیخواهم جزئیات را بیان کنم - باید انسان از مثلاً ۲۰ یا ۲۵ جا مجوز بگیرد؛ اینها کار غیر انقلابی است. کار انقلابی یعنی آن کسانی که ضوابط را تعیین میکنند، بیايند راه‌ها را کوتاه کنند؛ راه‌های میان‌بر بگذارند جلوی پای مردم، جلوی پای کارآفرین، جلوی پای کسی که میخواهد خدمت بکند.^{۱۰۴}

بعضی اوقات دیوان سالاری آن قدر شدید میشود که کارآفرین و سرمایه‌گذار را بی‌حوصله میکند که اصلاً دیگر حوصله‌اش سر میرود و آماده نیست کاری بکند.^{۱۰۵} حذف مقررات غیر ضرور و مزاحم، آسان‌سازی دریافت مجوز - مجوزهای اشتغال - ایجاد پنجره‌ی واحد برای اخذ مجوز - که حالا یک مقداری، تا یک حدودی اینها انجام گرفته لکن آن جور که باید و شاید انجام نشده - یا ثبات قوانین، قابل پیش‌بینی کردن اقتصاد - جوری بشود که فعال اقتصادی بتواند محاسبه کند، بتواند پیش‌بینی کند.^{۱۰۶}

یک مسئله‌ی مهم، رعایت حقوق مالکیت است که این از وظایف قوه‌ی قضائیه است. یک مسئله‌ی مهم پرهیز از کمک به سفته‌بازی و سوداگری‌های زیان‌بخش است که این، قانون لازم دارد و مربوط به مجلس شورای اسلامی است؛ بایستی در قوانینی که وضع میکنند، مراقبت بکنند که به این گونه سوداگری‌ها کمک نشود، بلکه در نقطه‌ی مقابل به فعالیتهای صحیح کمک بشود. در یک مواردی معافیتهای مالیاتی لازم است، همچنان که در نقطه‌ی مقابل، در یک مواردی وضع مالیات لازم است؛ مثل ثروتهای بادآورده. حالا من البته نمیخواهم اینجا بشمرم؛ موارد زیادی وجود دارد و مشاغلی وجود دارد که اینها ثروتهای بادآورده‌ای را به دست می‌آورند، مالیات هم نمیدهند؛ باید بر اینها مالیات معین کرد. متقابلاً در مواردی باید مالیات را حذف کرد یا کم کرد. در خیلی از موارد

^{۱۰۳} بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی ۱۳۹۸/۸/۲۸

^{۱۰۴} بیانات در دیدار کارگران ۱۳۹۶/۰۲/۱۰

^{۱۰۵} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۶/۳

^{۱۰۶} بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

تولیدی باید از این قبیل به اینها کمک کرد. بنابراین حمایت واقعی از تولید، که گفتیم دولت باید حمایت بکند، این چیزها و امثال اینها است.^{۱۰۷}

۴) جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی

یکی از کمکهای قوه قضائیه هم همین است که جلوگیری کند از تعطیلی واحدهای تولیدی. اخیراً جناب آقای رئیسی^{۱۰۸} ابلاغ کردند که بانک‌هایی که حالا مثلاً بعضی از بنگاه‌های تولیدی را مصادره کرده‌اند یا به عنوان گرو نگه داشته‌اند، حق ندارند اینها را تعطیل کنند؛ بسیار درست است این حرف؛ این کار کاملاً درست است؛ و این قابل تعمیم است؛ یعنی میتوانید به موارد دیگر هم این را تعمیم بدهید. مثلاً فرض کنید که بخش خصوصی از دولت کارخانه‌ای را می‌خرد، بعد آن کارخانه را معطل می‌کند، معوق می‌کند، کارگرش را بیرون می‌کند، ماشین‌آلاتش را حراج می‌کند، زمینش را هم مثلاً یک ساختمان ۲۰ طبقه یا ۲۵ طبقه می‌سازد خب اینها ضربه‌ی به اقتصاد کشور است؛ اینها را میتوانید به معنای واقعی دنبال کنید که ارتباط با معیشت مردم دارد.^{۱۰۹}

^{۱۰۷} بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی ۱۳۹۹/۲/۱۷

^{۱۰۸} مسئول وقت قوه قضائیه (آیت الله سید ابراهیم رئیسی)

^{۱۰۹} بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه ۱۳۹۹/۴/۷

مرور در یک نگاه فصل چهارم بخش سوم

فصل چهارم: راهکارهای عملی در مسیر نهضت تحول اقتصادی		بخش سوم: رشد تولید
۱	تولید	۱ تولید، کلید حل مشکلات اقتصادی کشور است. ۱۳۹۰/۵/۲۶-۱۴۰۱/۱/۱-۱۴۰۱/۶/۸
		۲ تولید، عامل استغناء کشور از بیگانگان است. ۱۳۹۴/۲/۹-۱۳۹۸/۲/۴
		۳ تولید، خنثی کننده تحریم ها است. ۱۴۰۰/۲/۱۲
		۴ تولید موجب کمرنگ شدن استفاده از مارک های خارجی ۱۳۹۶/۱/۱
		۵ تولید، هدایت کننده نقدینگی در مسیر صحیح است. ۱۳۹۶/۱/۳
		۶ تولید عامل پیشرفت عادلانه در کشور است. ۱۴۰۱/۱/۱
		۷ تولید، باعث شکوفایی استعداد و ابتکار جوانها در مسیر پیشرفت کشور است. ۱۳۹۶/۱/۱
		۸ تولید باعث جهش صادرات است. ۱۳۹۶/۱/۱
		۹ تولید، عامل از بین رفتن و کم شدن مشکلات و ناهنجاری های اجتماعی است. ۱۳۹۶/۱/۱
۲	انرژی	۱ سرمایه ۱۳۹۶/۱/۱
		۲ نیروی انسانی ۱۳۹۶/۱/۱
		۳ ابزار کار پیشرفته ۱۳۹۶/۱/۱

۱	مدیریت اقتصادی دولت به جای تصدی گری ۱۳۹۷/۰۶/۷
۲	همدلی و همکاری دستگاه های مختلف ۱۴۰۲/۰۱/۱۵
۳	استفاده از مدیران کارآمد و متعهد ۱۳۹۶/۱/۱
۴	پیگیری جدی تصمیم ها ۱۴۰۲/۰۱/۱۵
۵	دخالت دادن مردم در اقتصاد و خصوصی سازی هوشمندانه و صحیح ۱۳۹۶/۱/۱-۱۴۰۲/۱/۱
۶	افزایش صادرات ۱۳۹۶/۱/۱-۱۳۹۳/۲/۱-۱۳۹۷/۱/۱
۷	مدیریت صحیح واردات ۱۳۹۶/۱/۱-۱۴۰۰/۳/۶-۱۳۹۶/۳/۲۲-۱۳۹۵/۲/۸
۸	مبارزه با قاچاق و فساد ۱۳۹۴/۲/۹
۹	افزایش قدرت خرید مردم ۱۳۹۶/۱/۱-۱۴۰۰/۱۱/۱۰
۱۰	دانش بنیان کردن اقتصاد ۱۴۰۰/۱/۱
۱۱	ورود کارآفرینان به میدان تولید و کار ۱۳۸۶-۱۳۹۶/۱/۱
۱۲	کار جهادی ۱۳۹۸/۲/۴
۱۳	پشتیبانی از کارگران ۱۴۰۰/۲/۱۲-۱۴۰۲/۲/۹
۱۴	تشکیل کارگروه بررسی موانع تولید توسط سه قوه ۱۳۹۹/۲/۱۷
۱۵	تشویق سرمایه گذاری ۱۳۹۱/۲/۱۰-۱۳۹۹/۶/۲
۱۶	مدیریت نقدینگی به سمت تولید ۱۳۹۹/۶/۲-۱۳۹۷/۵/۲۲
۱۷	مبارزه با کارشکنی اداری ۱۳۹۹/۲/۱۷
۱۸	اصلاح نگاه به تولید کننده به عنوان یک رزمنده اقتصادی ۱۳۹۸/۵/۳۰
۱۹	جلوگیری از تعطیلی کارخانه ها با تلاش و برنامه ریزی برای رفع موانع و کمبودها ۱۳۹۸/۲/۲۴
۲۰	میدان دادن به جوانها ۱۳۹۸/۲/۲۴
۲۱	توسعه مهارتها ۱۳۸۹/۶/۱۶

الف) الزامات مدیریتی

الزامات رشد تولید

ب) فرهنگی	۱	احساس مسئولیت آحاد مردم ۱۴۰۲/۱/۱-۱۳۹۶/۱/۱- ۱۳۹۵/۲/۸-۱۴۰۰/۱/۱/۱۳۹۷/۱/۱
	۲	عمل به تکلیف به صورت هوشمندانه و برنامه ریزی شده در نهادهای فرهنگی و تبلیغاتی ۱۳۹۱/۱/۱۵
	۳	دولت و ملت همدلی و هم‌زبانی ۱۳۹۴/۲/۹
ج) فنی	۱	ارتقای کیفیت کالای تولیدی و جلب رضایت مشتری ۱۴۰۰/۱۱/۱۰-۱۳۸۹/۶/۱۶
	۲	ارتقای بهره‌وری و ایجاد مزیت رقابتی برای کالای ایرانی ۱۳۹۳/۱۱/۲۹
	۳	نوآوری، خلاقیت و زیبایی ۱۳۸۹/۶/۱۶
د) قضایی و امنیتی و	۱	امنیت سرمایه‌گذاری ۱۳۹۶/۱/۱
	۲	ثبات سیاستها ۱۴۰۲/۱/۱۵-۱۳۹۶/۱/۱
	۳	بهبود فضای کسب و کار ۱۳۹۵/۶/۳-۱۳۹۸/۸/۲۸- ۱۴۰۰/۱۱/۱۰
	۴	جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی ۱۳۹۹/۴/۷

بخش چهارم: عدالت گستری و مبارزه با فساد

عدالت گستری

اهمیت و ضرورت عدالت گستری

ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد.^{۱۱۰} نباید ارزش عدالت به عنوان یک ارزش درجه‌ی دو کم‌کم در مقابل ارزشهای دیگر به فراموشی سپرده شود.^{۱۱۱} در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه‌ی تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همه‌ی مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی، به‌خصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جدّ و جهد و با همه‌ی اخلاص، در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند.^{۱۱۲} ممکن است شماها نتوانسته باشید - یا تا آخر هم نتوانید - همه‌ی آنچه را که در مورد عدالت میباید انجام داد، انجام بدهید؛ لکن نفس رویکرد شما به عدالت، چیز بسیار باارزشی است و هر مقداری که میتوانید بایستی حرکت کنید که:

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل که گر مراد نجویم به قدر وسع بکوشم
بهتر از این است که انسان اصلاً دم از عدالت نزنند، عدالت را فراموش کند، عدالت را در لابه‌لای مفاهیم دیگری مخفی و گم کند و از ذهن و چشم انسان دور بشود. اینها جایز نیست.^{۱۱۳}
ما هر جا انقلابی عمل کردیم، عقب‌ماندگی نداشتیم، هر جا از انقلاب کوتاه آمدیم، یک حرکت غیر انقلابی و حرکت ناشی از کسالت و بی‌توجهی انجام دادیم، عقب‌ماندگی به وجود آمد؛ که در درجه‌ی اول، مسئله‌ی معیشت طبقات فقیر است، ما در این زمینه عقب‌ماندگی داریم و اختلاف و شکاف طبقاتی هست. البته این را هم بگوییم، در همین زمینه‌ای که ما عقب‌ماندگی داریم، در مقایسه‌ی با قبل انقلاب بمراتب جلو هستیم. اینکه کسی خیال کند که وضع قبل از انقلاب مثل وضع امروز بود، اصلاً این جور نیست. آن روزها خب بنده در میدان کار بودم و با طبقات مختلف، طبقات فقیر، در مشهد و در آنجایی که بودیم [ارتباط داشتیم]؛ و از جاهای دیگر هم ما بی‌اطلاع

^{۱۱۰} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۸/۶

^{۱۱۱} بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

^{۱۱۲} پیام به مناسبت دومین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۷۰/۳/۱۳

^{۱۱۳} بیانات در دیدار با هیئت دولت ۱۳۸۹/۶/۸

نمودیم؛ وضع، بسیار با امروز متفاوت بود و بسیار بد بود؛ امروز از آن جهت هم ما پیشرفت کرده‌ایم منتها این [جایی] که ما امروز هستیم باب شأن انقلاب نیست؛ ما بایستی خیلی بیش از این حرکت میکردیم. شکاف طبقاتی بایستی از بین برود و عدالت اقتصادی به معنای واقعی کلمه بایستی مستقر بشود در کشور.^{۱۱۴} من معتقدم تلاش برای عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف طبقاتی، بزرگترین مسئولیت ماست.^{۱۱۵} اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً میگویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به‌هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوانها است؛ و اگر زمام‌داره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند- سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاء الله.^{۱۱۶}

بیان تعاریف

• تعریف عدل و قسط

در قلمرو حیات اجتماعی، چیزی که به‌عنوان هدف معین شده است، عدالت اجتماعی است. «لیقوم الناس بالقسط»^{۱۱۷}. «قسط» با «عدل» فرق می‌کند. عدل یک معنای عام است. عدل همان معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب

^{۱۱۴}بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

^{۱۱۵}بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۲

^{۱۱۶}بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

^{۱۱۷}سوره مبارکه الحديد آیه ۲۵-

و همه‌ی حوادث دنیا وجود دارد. یعنی یک موازنه‌ی صحیح. عدل این است. یعنی رفتار صحیح؛ موازنه‌ی صحیح؛ معتدل بودن و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این، معنای عدل است. لکن قسط، آن‌طور که انسان می‌فهمد، همین عدل در مناسبات اجتماعی است. یعنی آن چیزی که ما امروز از آن به «عدالت اجتماعی» تعبیر می‌کنیم. این، غیر از آن عدل به معنای کلی است. انبیا اگر چه حرکت کلی‌شان به سمت آن عدالت به معنای کلی است - «بالعدل قامت السموات و الارض»^{۱۱۸}؛ آسمانها هم با همان اعتدال و عدالت و میزان بودن سر پا هستند - اما آن چیزی که فعلاً برای بشر مسأله است و او تشنه‌ی آن است و با کمتر از آن نمی‌تواند زندگی کند، قسط است. قسط یعنی این که عدل، خرد شود و به شکل عدالت اجتماعی در آید. «لیقوم الناس بالقسط». انبیا برای این آمدند.^{۱۱۹}

• تعریف عدالت اقتصادی به عنوان یکی از شاخه‌های عدالت اجتماعی

ممکن است در معنا کردن عدالت (اقتصادی)، افرادی، کسانی یا گروه‌هایی اختلاف نظر داشته باشند؛ اما یک قدر مسلّم‌هایی وجود دارد: کم کردن فاصله‌ها، دادن فرصت‌های برابر، تشویق درستکار و مهار متجاوزان به ثروت ملی، عدالت را در بدنه‌ی حاکمیتی رایج کردن - عزل و نصب‌ها، قضاوت‌ها، اظهار نظر‌ها - مناطق دوردست کشور و مناطق فقیر را مثل مرکز کشور زیر نظر آوردن، منابع مالی کشور را به همه رساندن، همه را صاحب و مالک این منابع دانستن، از قدر مسلّم‌ها و مورد اتفاق‌های عدالت است که باید انجام بگیرد^{۱۲۰}. فعالیت اقتصادی و کار اقتصادی و تلاش اقتصادی حتماً باید با شاخص و شاقول عدالت باشد. بدون عدالت هر تلاش اقتصادی به ضرر

^{۱۱۸} عوالی اللالی، ابن ابی جمهور احسائی ج ۴ ص ۱۰۳؛ مفردات، راغب اصفهانی: ص ۳۲۵ ریاض السالکین، سیدعلی خان مدنی شیرازی: ص ۵۸۸-پیامبر (ص) فرمود: آسمان‌ها و زمین به سبب عدالت است که پایدار و ثابت است.

^{۱۱۹} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۱/۱۱/۰۱

^{۱۲۰} بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۵/۳/۲۹

منتهی خواهد شد^{۱۲۱} پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داد که شما از تمدن پر جلوه‌ی غرب، امروز دارید مشاهد میکنید.^{۱۲۲}

موانع برقراری عدالت اقتصادی در جامعه

(۱) دنیاطلبی

دنیاطلبی یک لغزشگاه است که هیچ مرزی هم نمیشناسد الا تقوا، یا یک نظارت قرص و محکم که کسانی ناچار باشند چیزهایی را رعایت کنند. تازه آنها هم ممکن است از طرق غیرقانونی و قاچاق، کارهای خلاف بکنند. من در پنج، شش سال قبل از این، برای یک مجموعه‌ی دانشجویی پیام دادم؛ چون آنها دانشجویانی بودند که یواش‌یواش وارد تشکیلات دولتی میشدند. من به آنها گفتم مواظب باشید چرب و شیرین دنیا، شما را به خودش متوجه نکند. یعنی یک جوان دانشجوی میتواند در معرض چنین لغزشی قرار گیرد؛ کما اینکه یک مسؤول هم میتواند در معرض لغزش قرار گیرد. این مسأله‌ی ثروتهای بادآورده که ما مطرح کردیم و دستگاه قضایی حرکتی را نسبتاً در اوّل کار شروع کرد و بعد همین مطبوعاتی که ملاحظه میکنید، سعی کردند فضا را غبارآلود کنند و نگذارند به جایی برسد، ناظر به همین قضیه است.^{۱۲۳} وقتی عناصر دنیاطلب، فرصت طلب، متجاوز، زمام کارها را در سطح عالم در دست گرفتند، همانی میشود که ملاحظه میکنید. اولاً به حقوق انسانها ظلم میشود؛ ثانیاً حق و سهم آحاد بشر از این سفره‌ی عظیم طبیعت الهی و موهبت الهی ندیده گرفته میشود؛ ثالثاً همین دنیاطلبان برای اینکه به مقاصد خودشان برسند، در جامعه فتنه ایجاد میکنند؛ جنگها، تبلیغات دروغین، سیاست‌بازیهای ناجوانمردانه؛ اینها ناشی از همین دنیاطلبیهاست.^{۱۲۴}

^{۱۲۱} دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز ۱۴/۰۲/۱۳۸۷

^{۱۲۲} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۶/۶

^{۱۲۳} بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی ۱۳۷۷/۱۲/۴

^{۱۲۴} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۷/۶/۲۹

۲) اسراف و مصرف گرایی

مصرف گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. اسراف، روزه روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیقتر می کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. مصرف گرایی، جامعه را از پای درمی آورد. جامعه ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدانهای مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیادیها بزنیم.^{۱۲۵}

۳) تجمل گرایی و اشرافی گری

تجمل گرایی و گرایش به اشرافی گری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد؛ هیچ وقت روحیه برادری و الفت و انس و همدلی - که برای همه کشورها و همه جوامع، بخصوص جامعه ما، مثل آب و هوا لازم است - پیش نخواهد آمد.^{۱۲۶} از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کند می کند، نمود اشرافیگری در مسؤولان بالای کشور است؛ از این اجتناب کنید. اشرافیگری دو عیب دارد؛ عیب دومش از عیب اولش بزرگتر است. عیب اول اشرافیگری، اسراف است - اشرافیگری حلال را می گوئیم؛ یعنی آن چیزی که پولش از راه حلال و بحق به دست آمده - اما عیب دوم بدتر است و آن این است که فرهنگ سازی می کند؛ یعنی چیزی برای مسابقه دادن همه درست می کند. البته در این زمینه مسؤولان درجه یک بسیار نقش دارند؛ تلویزیون بسیار نقش دارد؛ منش من و شما هم بسیار نقش دارد.^{۱۲۷}

۴) شیوع فساد

یکی از بلاهای مهمی که در کشور به وجود می آید که درست ضد عدالت است، وجود فساد، وجود ویژه خواری، وجود استفاده های سوء، اختلاس، بر خورداری های بی مورد، بی جا و امثال اینها

^{۱۲۵} بیانات در خطبه های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

^{۱۲۶} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۴

^{۱۲۷} بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۶/۵

است.^{۱۲۸} از مصداقهای عدالت، مبارزه‌ی با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود.^{۱۲۹}

۵) جذب افراد نالایق در پیکره حکومت

کسی که خودش آلوده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند.^{۱۳۰} ما قویا معتقدیم که فساد مالی و اقتصادی در تشکیلات مسوولان موظف و در میان آنها، به بدنه اقتصادی کشور سرایت می‌کند؛ لذا باید جلو آن گرفته شود.^{۱۳۱} در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاههای مختلف و مدیریتهای امضاءها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یک گناه نگاه کنند. اگر این‌طور شد، آن‌گاه دستها و دامنهای پاک خواهد ماند؛ و الا اگر مسؤلی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه بزرگ در اختیار اوست؛ فلان پروژه مهم و پُرخرج زیر امضای اوست و فلان صندوق پول زیر کلید اوست، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمع‌آوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان - که متعلق به کشور و مردم است - استفاده کند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستمهای ظالمانه در گذشته و امروز در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع‌گیری دچار محرومیت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم.^{۱۳۲}

^{۱۲۸} بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم ۱۴۰۰/۶/۶

^{۱۲۹} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا ۱۳۸۸/۱/۱

^{۱۳۰} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه‌شعبان ۱۳۸۱/۷/۳۰

^{۱۳۱} بیانات در دیدار مسوولان وزارت‌خانه‌های صنایع و بازرگانی ۱۳۸۰/۴/۱۰

^{۱۳۲} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید ۱۳۸۱/۷/۳۰

الزامات و پیش شرط‌های عدالت گستری

(۱) توجه به ارکان سه گانه عدالت گستری

• رکن اول: قوانین عادلانه

که به نظر معتقدان به اسلام این قوانین عادلانه فقط قوانین اسلام است، زیرا اسلام قوانین خود را از وحی خدا می‌گیرد و خدا که دانای همه اسرار و رموز عالم است قوانین جامعه اسلامی را منطبق با قوانین فطرت و طبیعت جهان قرار می‌دهد. و اگر قوانین الهی اجرا بشود، عدل به معنای واقعی در جامعه مستقر خواهد شد.

• رکن دوم: مجریان عادل و با تقوی

اگر قوانین عادلانه باشد اما نیروی اجرا کننده عادل نداشته باشد از عدل اجتماعی خبری نخواهد بود. بهترین قوانین اگر مجریان شایسته‌ای نداشته باشد همیشه معطل خواهد ماند، همچنان که قرن‌هایی گذشت و قوانین اسلام در جامعه‌هایی که مسلمان‌ها در آن زندگی می‌کردند اجرا نشد، به همین جهت است که از نظر اسلام مجری قوانین یعنی آن مقامی که در رأس قوه اجرایی قرار می‌گیرد باید انسانی عادل باشد، با تقوا و مراقبت کامل و بر قوانین و اجرای آن نظارت کند.

• رکن سوم: نظارت و آگاهی مردم

اما نکته بسیار مهم، در مورد رکن سوم، اجرای عدالت است و آن «مردم» اند. اگر بخواهیم در جامعه عدالت به معنای واقعی اجرا بشود باید مردم در صحنه اجتماع حضور کامل داشته باشند. حقوق خود را بفهمند و اجرای عدالت را که تأمین عادلانه آن حقوق است بخواهند. به همین جهت اسلام بر روی فهم و درک مردم تکیه می‌کند. اسلام نمی‌گوید که مجری عادل باشد؛ اما مردم می‌خواهند بفهمند یا نفهمند، بخواهند یا نخواهند، عدالت در حق آنان باید اجرا شود، چنین نیست. اسلام می‌گوید مردم باید به حقوق خود واقف باشند و اگر مردم به حقوق خود واقف شدند و آن حقوق را طلب کردند اجرای عدالت یک تضمین حتمی پیدا می‌کند. به همین جهت در دوران حکومت عادلانه امیرمؤمنان علیه السلام با اینکه قوانین اسلام در جامعه حاکم بود و با اینکه در رأس دستگاه حکومت، شخصی مانند علی بن ابی طالب قرار داشت که عدل مجسم بود در عین حال برای اینکه عاملان حکومت در گوشه و کنار جامعه بزرگ اسلامی از جاده عدل تخطی

نکنند و حقوق مردم پایمال نشود، امیرالمؤمنین علیه السلام به هوشیار کردن مردم و آگاه ساختن آنها نسبت به حقوقشان اصرار عجیبی داشت.^{۱۳۳}

۲) تقدم عدالت و محرومیت زدایی بر سازندگی

آنچه که من به برنامه‌ریزان و مسؤولین دولتی مؤکداً سفارش می‌کنم، این است که در این برنامه توجه کنند که هدف اصلی، کمک به طبقات محروم جامعه باشد. این، چیزی است که ما را به «عدالت اجتماعی» نزدیک می‌کند. هدف اصلی در کشور ما و در نظام جمهوری اسلامی، عبارت از تأمین عدالت است و رونق اقتصادی و تلاش سازندگی، مقدمه‌ی آن است. ما نمی‌خواهیم سازندگی کنیم که نتیجه‌ی این سازندگی یا نتیجه‌ی رونق اقتصادی، این باشد که عده‌ای از تمکن بیشتری برخوردار شوند و عده‌ای فقیرتر شوند. این، به هیچ‌وجه مورد رضای الهی و رضای اسلام و مورد قبول ما نیست. ما می‌خواهیم سازندگی شود و کشور رونق اقتصادی و پیشرفت مادی پیدا کند و از لحاظ اقتصادی رشد کند، تا بتواند به عدالت اجتماعی نزدیک شود و فقیر نداشته باشیم؛ تا دیگر، طبقات محروم در جامعه، احساس محرومیت نکنند و محروم نباشند؛ تا منطقه‌ی محروم در کشور نداشته باشیم و فاصله‌ی بین فقیر و غنی، روزبه‌روز کمتر شود. این، هدف اصلی است. باید این را در برنامه مورد نظر قرار دهند. این برنامه‌های پنج ساله، هر کدام رقم درشتی برای حرکت ملت و دولت به سمت اهداف انقلاب است. باید این جهت را، که جهتگیری انقلابی است، با تأکید و اصرار هر چه تمام‌تر، در آن رعایت کنند و آن را حفظ نمایند.^{۱۳۴}

۳) عدالت خواهی و پرهیز از مصداق سازی

شما می‌گوئید که ما شعار عدالت می‌دهیم؛ دانشجو را می‌گیرند، اما آن کسی را که به عدالت صدمه زده، نمی‌گیرند. قوه‌ی قضائیه چنین، یا دستگاه مسئول چنان. خوب، اینجا شما باید زرنگی کنید؛ یک لحظه از درخواست و مطالبه‌ی عدالت کوتاهی نکنید؛ این شأن شماست. جوان و دانشجو و مؤمن شأنش همین است که عدالت را بخواهد. پشوانه‌ی این فکر هم با همه‌ی وجود،

^{۱۳۳} بیانات در نماز جمعه، خطبه اول. ۱۳۶۰/۱/۷.

^{۱۳۴} پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت حلول سال ۱۳۷۲ هجری شمسی

خودم هستم و امروز بحمد الله نظام هست. البته تخلفاتی هم ممکن است انجام بگیرد؛ شما زرنگی تان این باشد: گفتمان عدالت خواهی را فریاد کنید؛ اما انتقاد شخصی و مصداق سازی نکنید. وقتی شما روی یک مصداق تکیه می کنید، اولاً احتمال دارد اشتباه کرده باشید؛ من می بینم دیگر. من مواردی را مشاهده می کنم- نه در دانشگاه، در گروه های اجتماعی گوناگون- که روی یک مصداق خاصی تکیه می کنند؛ یا به عنوان فساد، یا به عنوان کج روی سیاسی، یا به عنوان خط و خطوط غلط. بنده مثلاً اتفاقاً از جریان اطلاع دارم و می بینم این جور نیست و آن کسی که این حرف را زده، از قضیه اطلاع نداشته است. بنابراین وقتی شما روی شخص و مصداق تکیه می کنید، هم احتمال اشتباه هست، هم وسیله ای به دست می دهید برای اینکه آن زرنگ قانون دان قانون شکن- که من گفته ام قانون دانهای قانون شکن خطرناکند- بتواند علیه شما استفاده کند. شما از دادستان چه گله ای می توانید بکنید؟ اگر یک نفری به عنوان مفتی یک شخصی را معرفی کند و بگوید آقا او این افتراء را به من زده. خوب، شأن آن قاضی این نیست که برود دنبال ماهیت قضیه. اگر این افتراء گفته شده باشد، زده شده باشد، ماده ی قانونی آن قاضی را ملزم به انجام یک کاری می کند؛ لذا نمی توانیم از او گله کنیم. شما زرنگی کنید، شما اسم نیاورید، شما روی مصداق تکیه نکنید؛ شما پرچم را بلند کنید. وقتی پرچم را بلند کردید، آن کسی که مجری است، آن کسی که در محیط اجراء می خواهد کار انجام دهد، همه حساب کار خودشان را می کنند. آن کسی هم که فریاد مربوط به محتوای این پرچم را بلند کرده، احساس دلگرمی می کند و کار پیش خواهد رفت. بنابراین به نظر من مشکلی در کار شما نیست؛ شما جوانهای مؤمنی هستید که انتظار هم از شما همین است. هر شعار خوبی که داده می شود، بعد از اتکال به خدای بزرگ که همه ی دلها و زبانها و اراده ها دست اوست، تکیه به شما جوانهاست، امید به شما جوانهاست؛ این را بدانید.^{۱۳۵}

^{۱۳۵} بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه های شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۴

۴) دیدن نقاط قوت و پیشرفت‌ها در کنار نقاط ضعف

خواست عدالت و رفع فساد، بسیار مهم است. این خواستها باید وجود داشته باشد. در کنار این خواستها، این‌طور هم نباشد که همه‌ی کارهایی را که مسئولان کرده‌اند، انسان زیر سؤال ببرد و مورد تردید قرار دهد؛ نه...، کارهای خوب و زیادی صورت گرفته؛ منتها اداره‌ی کشور در مقطع امروز کار بسیار مشکلی است. می‌دانید امروز ما در یک چالش عظیم قرار داریم با مراکز قدرتی که فکر آن‌ها این است که اگر این نظام کارآمدی خود را به‌طور کامل اثبات کند، عرصه برای آن‌ها تنگ خواهد شد؛ کمااینکه همین الآن هم آن‌ها می‌بینند در مقابل نظام جمهوری اسلامی کم‌کاری کرده‌اند که نظام ما توانسته به پیشرفتهایی که دوستان اشاره کردند، نایل آید. البته به شما عرض بکنم؛ پیشرفتها در بخشهای مختلف، بیش از این‌هاست. گفتمان عدالت، یک گفتمان اساسی است و- همان‌طور هم که چند روز پیش در جلسه‌ای مطرح کردم- همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه‌گیر کنید؛ به‌گونه‌ای که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است. اما در برخورد با آنچه شده، باید خانگی برخورد کنید؛ نه بیگانه‌وار و معترض. بالاخره کارهای زیادی انجام گرفته، احیاناً کوتاهی‌هایی هم شده؛ اما باید مشکل را حل کرد. نباید نتیجه‌ی قهری نحوه‌ی بیان این باشد که بعد از چندی انسان احساس کند که به کل مجموعه به‌شدت معترض است؛ نه، شما برای موفقیت کل مجموعه دارید تلاش می‌کنید؛ اصلاً همه‌ی تلاشتان این است که نظام را پیش ببرید. هر چه می‌توانید، جزئیات را تکمیل کنید. در بخشهایی که خلأ وجود دارد، هر چه می‌توانید، کمک کنید تا خلأ برطرف شود. هر چه می‌توانید، شعار اصلی عدالت و آنچه را مربوط به عدالت است، تقویت و همگانی و در ذهن‌ها تعمیق کنید و روی پشتوانه و فلسفه‌ی فکری آن کار کنید- این‌ها لازم است- اما کاری نکنید که مخالفان شما این

تردید را دامن بزنند که آیا نظام اسلامی می‌تواند؟ آیا نظامی اسلامی توانسته؟ البته که می‌تواند؛ البته که توانسته مدعی دستگاه‌های مختلف از لحاظ کارآمدی، خود بنده هستم.^{۱۳۶}

۵) تحقق همزمان عدالت با دیگر ارزش‌ها

• درهم تنیده بودن عدالت، معنویت و عقلانیت

اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر بشدت در هم تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است؛ دیگر معنویت... اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود... عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است.^{۱۳۷}

خیلی‌ها حرف عدالت را می‌زنند، اما چون معنویت و آن نگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه‌ی سیاسی و شکلی پیدا می‌کند.^{۱۳۸} عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی باید شما برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید؛ در این صورت می‌توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. عدالتی که همراه با معنویت و توجه به آفاق معنوی عالم وجود و کائنات نباشد، به ریاکاری و دروغ و انحراف و ظاهرسازی و تصنع تبدیل خواهد شد؛ مثل نظام‌های کمونیستی که شعارشان عدالت بود.^{۱۳۹}

• اعتقاد به معاد در عدالت گستری

در مسئله‌ی عدالت، اعتقاد به مبدأ و معاد، یک نقش اساسی دارد؛ ما از این نباید غفلت کنیم. نمیتوان توقع داشت که در جامعه عدالت به معنای حقیقی کلمه استقرار پیدا کند، در حالی که اعتقاد به مبدأ و معاد نباشد. هر جا اعتقاد به مبدأ و معاد نبود، عدالت یک چیز سربار، تحمیلی و اجباری بیش نخواهد بود. علت این هم که بعضی از طرح‌های قشنگ غربی در باب عدالت مطلقاً

^{۱۳۶} بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۸۳/۸/۱۰

^{۱۳۷} بیانات در ۱۳۸۴/۶/۸

^{۱۳۸} بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۶

^{۱۳۹} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

در عمل تحقق پیدا نمیکنند، همین است؛ پشتوانه‌ی اعتقادی ندارد. حرف قشنگ است - حالا لااقل ظاهر قشنگی دارد، ولو خیلی برهانی نباشد - لیکن در عمل، در جوامع غربی، در زندگی غربی مطلقاً از آن خبری نیست؛ اصلاً انسان تحقق آنها را مشاهده نمیکنند؛ بی‌عدالتی مطلق در آنجا وجود دارد. علت همین است که پشتوانه‌ی اعتقاد به مبدأ و معاد در آن نیست. اعتقاد به معاد، اعتقاد به تجسم اعمال، اعتقاد به تجسم ملکات در قیامت، خیلی تأثیر دارد. ما عادل باشیم، عدل خواه باشیم، عدل را ستایش کنیم، برای عدل تلاش کنیم؛ اینها در قیامت تجسم پیدا خواهد کرد. نقطه‌ی مقابلش هم همین است. این اعتقاد، به انسان نشاط میدهد، نیرو میدهد. انسان بداند که رفتار ظالمانه، حتی اندیشه‌ی ظالمانه، در عرصه‌ی تجسم اعمال در قیامت، چه بلائی به روز او می‌آورد، طبعاً به عدالت نزدیک میشود.

ای دریده پوستین یوسفان گرگ برخیزی از این خواب گران

کسی به این اعتقاد داشته باشد که گرگ‌صفتی در اینجا، تجسمش در آنجا، گرگ برخاستن از خواب گران مرگ است، این خیلی تأثیر میگذارد. بنابراین در پژوهشهای مربوط به عدالت، از این نکته نبایستی غفلت کرد.^{۱۴۰}

• رابطه عدالت در رابطه با نفس و عدالت گستری در جامعه

اگر بخواهیم عدالت را اجرا کنیم، قدم اول این است که ما به کمک الهی اعتماد داشته باشیم و رابطه‌ی دل خودمان را با خدا محکم کنیم؛ اینجا میرسیم به مسئله‌ی دعا، عبادت، تضرع، مناجات و توسل بالله. ما اگر بخواهیم در میدانهای زندگی، آن راه مستقیم و صراط قویمی را که اسلام به ما نشان داده است با قدرت طی کنیم، احتیاج داریم که رابطه‌مان را با مبدأ اعلی، با حضرت باری تعالی محکم کنیم. این رابطه با دعاست، با نماز است، با اجتناب از گناه است. لذا شما ببینید امیرالمؤمنین - آن مرد شجاع استوار قوی‌ای که شجاعت او در میدان جنگ جزو مشهورات عالم است که هیچ کس در او اختلاف ندارد - او وقتی در محراب عبادت قرار میگیرد، «یتململ تململ السّلم»، مثل مارگزیده به خود میپیچد؛ اشک میریزد؛ گریه میکند؛ پیشانی به

^{۱۴۰} بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۲/۲۷

خاک میساید. دعای کامل و این مناجات شعبانیه‌ای را که منسوب به امیرالمؤمنین است نگاه کنید؛ ببینید چه تضرّعی میکند این انسان بزرگ و والا در مقابل پروردگار این برای ما درس است.^{۱۴۱} در هر انسانی، عدالت شخصی و نفسانی او، پشتوانه‌ی عدالت جمعی و منطقه‌ی تأثیر عدالت در زندگی اجتماعی است. نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصی خود تقوا نداشته باشد، دچار هوای نفس و اسیر شیطان باشد، اما ادّعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند. چنین چیزی ممکن نیست. هرکس که بخواهد در محیط زندگی مردم منشأ عدالت شود، اول باید در درون خود تقوای الهی را رعایت کند. تقوا - به همان معنایی که در ابتدای خطبه عرض کردم - یعنی مراقبت برای خطا نکردن. البته معنای این حرف آن نیست که انسان خطا نخواهد کرد؛ خیر. بالاخره هر انسان غیر معصومی دچار خطا می‌شود؛ اما این مراقبت، یک صراط مستقیم و یک راه نجات است و از غرق شدن انسان جلوگیری می‌کند و به انسان قدرت می‌بخشد. انسانی که مراقب خود نیست و در عمل و کلام و زندگی شخصی خود دچار بی‌عدالتی و بی‌تقوایی است، نمی‌تواند در محیط جامعه منشأ عدالت اجتماعی باشد. این جاست که امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام درس همیشگی خودش را به همه‌ی کسانی که در امور سیاسی جامعه‌ی خود نقشی دارند، بیان کرده است: «من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره»؛ هر کس که خود را در معرض ریاست، امامت و پیشوایی جامعه می‌گذارد - در هر محدوده‌ای - اول باید شروع به تأدیب و تربیت خود کند؛ بعد شروع به تربیت مردم کند. یعنی اول خودش را اصلاح کند، بعد به سراغ دیگران برود. می‌فرماید: «وليكن تأديبه بسيرته قبل تأديبه بلسانه»؛ اگر می‌خواهد دیگران را تربیت کند، باید با سیره و روش و رفتار خود تربیت کند؛ نه فقط با زبان خود. به زبان بسیار چیزها می‌شود گفت؛ اما آن چیزی که می‌تواند انسانها را به راه خدا هدایت کند، سیره و عمل کسی است که در محدوده‌ای - چه در آفاق یک جامعه و، چه در محدوده‌های کوچکتر - او را به عنوان پیشوا و معلّم و کسی که مردم بناست از او پیروی کنند، منصوب کنند. بعد می‌فرماید: «و معلّم نفسه و مؤدّبها احقّ بالاجلال من معلّم الناس و مؤدّبهم»؛ کسی که خود را تعلیم می‌دهد و تأدیب می‌کند، بیشتر مستحقّ اجلال و تکریم است، از آن کسی که می‌خواهد

^{۱۴۱} بیانات در دیدار افشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی (علیه‌السلام) ۱۳۸۷/۴/۲۶

دیگران را تأدیب کند، در حالی که خودش را تأدیب نکرده است. این، منطق و درس امیرالمؤمنین است. حکومت، فقط فرمانروایی نیست. حکومت، نفوذ در دلها و مقبولیت در ذهنهاست. کسی که در چنین موقعیتی قرار می‌گیرد یا خود را قرار می‌دهد، اول باید در درون خود به صورت دائمی مشغول تأدیب باشد؛ خود را هدایت کند، به خود تذکر دهد و خود را موعظه نماید.^{۱۴۲}

• اخلاق و عدالت خواهی

اگر به نام عدالت خواهی و به نام انقلابیگری، اخلاق را زیر پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم؛ از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر به نام انقلابیگری، به نام عدالت خواهی، به برادران خودمان، به مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما میدانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند، اهانت کردیم، آنها را مورد ایذاء و آزار قرار دادیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. اگر بخواهیم به نام انقلابیگری و رفتار انقلابی، امنیت را از بخشی از مردم جامعه و کشورمان سلب کنیم، از خط امام منحرف شده‌ایم. در کشور آراء و عقاید مختلفی وجود دارد. اگر چنانچه یک عنوان مجرمانه‌ای بر یک حرکتی، بر یک حرفی منطبق شود، این عنوان مجرمانه البته قابل تعقیب است؛ دستگاه‌های موظف باید تعقیب کنند و میکنند؛ اما اگر عنوان مجرمانه‌ای نباشد، کسی است که نمیخواهد براندازی کند، نمیخواهد خیانت کند، نمیخواهد دستور دشمن را در کشور اجرا کند، اما با سلیقه‌ی سیاسی ما، با مذاق سیاسی ما مخالف است، ما نمیتوانیم امنیت را از او دریغ بداریم، عدالت را دریغ بداریم؛ «و لایجرمنکم شئان قوم علی الا تعدلوا». قرآن به ما دستور میدهد و میگوید: مخالفت شما با یک قومی، موجب نشود که عدالت را فرو بگذارید و فراموش کنید. «اعدلوا»؛ حتی در مورد مخالف هم عدالت به خرج دهید. «هو اقرب للتقوی»؛ این عدالت، نزدیکتر به تقواست. مبادا خیال کنید تقوا این است که انسان مخالف خودش را زیر پا له کند؛ نه، عدالت ورزیدن با تقوا موافق است. همه هوشیار باشیم، همه بیدار باشیم. این بُعد هم نباید ابعاد دیگر را در سایه قرار بدهد.^{۱۴۳}

^{۱۴۲} بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۷۶/۱۲/۲۶

^{۱۴۳} بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۰/۳/۱۴

راهکارهای عملی تحقق عدالت اقتصادی در جامعه

(الف) راهکارهای علمی، فرهنگی، تبلیغی و مردمی

(ب) راهکارهای مدیریتی و اجرایی

(ج) راهکارهای امنیتی و قضایی و تقنینی

(الف) راهکارهای علمی، فرهنگی، تبلیغی و مردمی

(۱) محرومیت زدایی توسط تشکلهای مردمی

مواسات یعنی همراهی کردن و کمک کردن به برادر مؤمن در همه‌ی امور. انسان وظیفه بداند؛ کمک فکری، کمک مالی، کمک جسمانی، کمک آبرویی^{۱۴۴} یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کمک رسانی به سوی آنها دراز کردن.^{۱۴۵} ما برای اینکه ارادتمان به امام زمان ثابت بشود، بایستی صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه‌ی مهدوی را خودمان به وجود بیاوریم. جامعه‌ی مهدوی، جامعه‌ی قسط و عدل است و جامعه‌ی عزّت است، جامعه‌ی علم است، جامعه‌ی مواسات و برادری است؛ اینها را بایستی ما در زندگی خودمان تحقق ببخشیم.^{۱۴۶}

علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است... این یک وظیفه دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت و بتدریج امکانپذیر است؛ اما نمیشود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که میتوانند در این راه تلاش کنند.^{۱۴۷} بنابراین مبارزه با فقر یک «مبارزه‌ی همگانی» است: «اللهم اغن کل فقیر. اللهم اشبع کل جائع. اللهم اكس كل عريان». این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این

^{۱۴۴} بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۶/۶/۳۱

^{۱۴۵} بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۸۱/۹/۱۵

^{۱۴۶} سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج)، ۱۳۹۹/۱/۲۱

^{۱۴۷} بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره محرومان و مستضعفان موظف بدانند. این مبارزه، یک وظیفه همگانی است.^{۱۴۸}

۲) گفتمان سازی

بحث عدالت بایستی به یک گفتمان نخبگانی تبدیل شود. باید این مسئله را دنبال کنیم و پیگیری این بحث را رها نکنیم؛ چون زمینه خیلی زیاد است، نیاز خیلی شدید است... امروز که ما به بحث عدالت میپردازیم - این دنباله همان دغدغه‌ی اساسی است؛ به این معنا نیست که در طول سالهای متمادی، ما عدالت را نشناختیم یا نظام جمهوری اسلامی مطلقاً تعریفی از عدالت نداشته و حرکتی نکرده؛ نه، یک تعاریف اجمالی و کلی و یک قدر متیقن‌هایی همیشه وجود داشته؛ همه هم با آنها آشنا بودند، کارهای زیادی هم - همین طور که عرض کردیم - انجام گرفته. لیکن امروز که ما این را داریم مطرح میکنیم، اولاً به این دلیل است که میخواهیم گفتمان عدالت، یک گفتمان زنده و همواره حاضر در صحنه باشد. در میان نخبگان، در میان مسئولان، در میان مردم، بخصوص در بین نسلهای تازه، باید عنوان عدالت و مسئله‌ی عدالت، به عنوان یک مسئله‌ی اصلی، به طور دائم مطرح باشد.^{۱۴۹}

راهکارهای گفتمان سازی عدالت

• جهاد تبیین

تبیین اساس کار ما است. ما با ذهنها مواجهیم، با دلها مواجهیم؛ باید دلها قانع بشود. اگر دلها قانع نشد، بدنها به راه نمی‌افتد، جسمها به کار نمی‌افتد؛ این فرقی بین تفکر اسلامی و تفکرات غیر اسلامی است.^{۱۵۰}

دشمن در رأس نقشه‌هایش تبلیغات است؛ به قول خودشان پروپاگاندا است. علاج پروپاگاندا «تبیین» است، تبیین حقیقت از زبانهای مختلف، از حنجره‌های مختلف، با تعبیرات مختلف، با

^{۱۴۸} همان

^{۱۴۹} بیانات در نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۲/۲۷

^{۱۵۰} بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۵/۴/۱۲

ابتکارات مختلف... جهاد تبیین را جدی باید گرفت. همه، در حوزه، در دانشگاه، در صداوسیما بالخصوص، در مطبوعات، در هر جایی که شما ایستاده‌اید و یک شعاع پیرامونی‌ای دارید و می‌توانید روی آن اثر بگذارید، باید تبیین انجام بگیرد^{۱۵۱} کلیدواژه‌های اصلی را فراموش نکنید: ... مسئله‌ی «عدالت» جزو کلیدواژه‌های اصلی است... اینها را باید تبیین کنید.^{۱۵۲}

• همسویی برنامه‌های رسانه‌ای با فرهنگ سازی در زمینه عدالت

دادن پیامهای گوناگون باید جریانی انجام بگیرد و به شکل یک روند دربیاید؛ مقطعی و موردی فایده‌یی ندارد. همه‌ی برنامه‌های ما باید یکدیگر را کمک کنند تا این فکر و این اندیشه در جامعه مطرح شود. ممکن است گاهی ما پیامهای متناقض بدهیم. مثلاً از یک طرف درباره‌ی عدالت اجتماعی برنامه‌ی خیلی خوبی تولید می‌کنید؛ اما از آن طرف در خلال یک برنامه‌ی دیگر، عملاً عدالت اجتماعی را نقض می‌کنید این درست نیست؛ باید آهنگ کلی برنامه‌ها یکی باشد و در بین آنها تناقض دیده نشود. در مقوله‌ی عدالت اجتماعی فیلمها و سریالهایی ساخته می‌شود که غالباً خانه‌های مورد استفاده‌ی شخصیت‌های این فیلمها اعیانی و اشرافی است واقعاً وضع زندگی مردم ما این‌طوری است؟ آیا یک زوج جوان یا یک زن و شوهر در چنین خانه‌هایی زندگی می‌کنند؟ این کار چه لزومی دارد؟ سالها قبل بعضی از سریالهایی که از سیما پخش می‌شد، هرچند کیفیت آنها مثل سریالهای الان نبود - عقب‌تر بود - لیکن فضای زندگی در آنها، متواضعانه و در یک خانه‌ی معمولی بود؛ آن‌طوری خوب است. زندگی را لزوماً نباید اعیانی و اشرافی و متجملانه معرفی کرد. فضای تبلیغی صدا و سیما این‌طوری باشد. البته گاهی در این خصوص هم به ما تذکر می‌دهند و مطالبی می‌گویند. تبلیغات رسانه‌یی و گاهی تبلیغ‌های خیلی پررنگ که مردم را به طرف مصرف‌گرایی سوق می‌دهد، با برنامه‌یی که فرضاً شما ساخته‌اید تا مصرف‌گرایی را تقبیح کنید، عملاً در تناقض است؛ با هم هماهنگ نیست.^{۱۵۳}

^{۱۵۱} بیانات در دیدار مردم قم ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

^{۱۵۲} بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۶/۳/۱۷

^{۱۵۳} بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۹/۱۱

• جنبش عدالتخواهی دانشجویی

جنبش عدالتخواهی هنگامی که در جمع دانشجویان و خطاب به آن‌ها گفته می‌شود، مقصود این است که این طلب و خواسته و خواهش به عنوان یک خواسته‌ی عمده مطرح شود. نباید بگذارید این مطالبه‌ی مهم از ذهنها دور شود؛ یعنی بایستی عدالت آن‌چنان از طرف مردم، قشرها و بخصوص جوانان مطالبه شود که هر مسئولی - چه بنده و چه هرکس دیگری که در جایی مسئول است - ناچار باشد به مقوله‌ی عدالت، و لو برخلاف میلش هم باشد، بپردازد. یک‌وقت است که ما مثلاً به وزارت اقتصاد و دارایی می‌گوییم عدالت را رعایت کن، یا به قوه‌ی قضائیه می‌گوییم عدالت را رعایت کن؛ اما یک‌وقت به جوانان می‌گوییم شما عدالت را مطالبه کنید. هرکدام معنای خاصی دارد. مطالبه‌ی عدالت به معنای این است که عدالت، گفتمان غالب در محیطهای جوان و دانشجویی شود؛ عدالت را مطالبه کنند و آن را از هر مسئولی بخواهند^{۱۵۴} توصیه‌ی من به فضای دانشجویی و محیط دانشجویی، همین مطلبی است که عرض کردم؛ یعنی خواستن، مطالبه کردن، داعیه داشتن؛ هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل خاص دانشگاهی؛ همراه با عقلانیت. من از اول انقلاب تا حالا، حتی در آن روزهایی هم که روزهای بعضی از تحرکات نامتناسب بود و من به دانشگاه تهران می‌آمدم و با جوانها صحبت می‌کردم، عقیده و سلیقه‌ام همین بود که دانشجو باید از افراط و تفریط پرهیز کند؛ من با افراطکاری و زیاده‌روی‌های گوناگون در هر جهتی، موافق نیستم. با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را دنبال کنید و بدانید که خواست و پیگیری شما اثر دارد. این تصور غلط نبادا به ذهن بیاید که چه فایده دارد؛ نخیر، کاملاً فایده دارد. اگر مثلاً شعار عدالتخواهی که حالا یک مسئولی این را بر زبان آورده، گفته می‌شد، بعد هم تمام می‌شد، کسی در جامعه پرچم عدالتخواهی را به دست نمی‌گرفت. مطمئن باشید یک دولت عدالتخواه و یک گفتمان عدالتخواهی مثل امروز به وجود نمی‌آمد. شماها کردید؛ کار شما جوانها بود؛ به عنوان جنبش عدالتخواهی، به عنوان طرح مسئله‌ی عدالتخواهی - نمی‌خواهم حالا به یک تشکیلات خاص اشاره کنم - این را در دانشگاهها جوانهای مؤمن، جوانهای متعهد، جوانهای بامسئولیت مطرح

^{۱۵۴} بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

کردند، گفتند؛ وقتی تکرار شد، به شکل یک گفتمان عمومی درمی‌آید و نتیجه‌اش را در گزینشهای مردم، در جهت‌گیری‌های مردم، در شعارهای مردم، در انتخابات مردم، نشان می‌دهد. بنابراین شما یک گام جلو آمدید. من می‌بینم بعضی از دوستان دانشجو - نسبت به برخی از مسائل مربوط به عدالت و رفع تبعیض و مبارزه با فساد، در ذهنشان سؤالاتی مطرح می‌شود که خوب حالا چی که دائم گفتیم. بله، گفتید و شد؛ منتها این انتظار که همه‌ی آنچه را که ما خواستیم، در کوتاه‌مدت تحقق پیدا کند، عملی نیست؛ در هیچ شرائطی در کوتاه‌مدت، آرمان‌های بزرگ تحقق پیدا نمی‌کند. آرمان‌های بزرگ احتیاج به استمرار عمل دارد. کار را بایستی به صورت پیگیر دنبال کرد و از آن مأیوس نشد تا به نتیجه برسد.^{۱۵۵}

۳) فعالیت‌های علمی و آموزشی در راستای عدالت گستری

• عدالت پژوهی

شما می‌توانید در سه زمینه‌ی علم، عدالت‌خواهی و آزاداندیشی کار تتوریک کنید. این کار تتوریک را می‌توانید در زمینه‌ی جنبش تولید علم یا در زمینه‌ی عدالت‌خواهی انجام دهید. مثلاً در زمینه‌ی عدالت‌خواهی، می‌توانید قانون اساسی را مطالعه کنید و ببینید اگر ما بخواهیم عدالت اجتماعی را با همان مفهوم متعارفی که همه می‌فهمیم، تحقق ببخشیم، باید از کدام دستگاه‌ها چه توقعیهایی داشته باشیم.^{۱۵۶} یکی از مهمترین کارها در عرصه‌ی نظری این است که ما عدالت‌پژوهی را در حوزه و دانشگاه به عنوان یک رشته‌ی تعریف شده‌ی علمی بشناسیم، که این امروز وجود ندارد؛ نه در حوزه وجود دارد، نه در دانشگاه. یعنی هیچ اشکال ندارد فرضاً در حوزه یکی از موضوعاتی که محل بحث قرار می‌گیرد، یک فقیه با روش فقیهانه بحث میکند، مسئله‌ی عدالت باشد. چه اشکالی دارد که در حوزه‌ی علمیه - یکی از بخشهایی که یک فقیه در درس فقه استدلالی خودش دنبال میکند، مسئله‌ی عدالت باشد.^{۱۵۷}

^{۱۵۵} بیانات در دیدار دانشجویان نخبه و نفرات برتر کنکور و فعالان تشکلهای سیاسی فرهنگی

دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۷/۱۷

^{۱۵۶} بیانات در دیدار جمعی از اعضای تشکلهای و جمعی از نخبگان دانشجویی ۱۳۸۲/۸/۱۵

^{۱۵۷} بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۲/۲۷

• یافتن روش‌های جدید با استفاده از مبانی متقن

ما اگر بخواهیم فاصله‌ی بین آنچه که از عدالت لازم داریم و باید باشد و آن وضعیت کنونی را - وضعیتی که فعلاً مستقر است - کم کنیم، بایستی به روشها و راهکارهای جدید و مؤثر دست پیدا کنیم. باید بدانیم شیوه‌های کاربردی عدالت چه چیزهایی است؛ یعنی زمان آزمون و خطا را سپری شده بدانیم. در این سی سال، در موارد زیادی کارمان عبارت بود از آزمون و خطا؛ چه در آن دهه‌ی اول با گرایشی که آن روز وجود داشت - که بعضی از دوستان اشاره کردند - چه بعد، نقطه‌ی مقابل در دهه‌ی دوم و در خلال اینها، روشها و رویکردهای گوناگونی دیده شده. دیگر صلاح نیست ما اینجور عمل کنیم. باید بنشینیم روشهای متقن و مبتنی بر تعاریف متقن را پیدا کنیم، تشخیص بدهیم، روی آنها مستقر شویم و حرکت کنیم.^{۱۵۸}

• استفاده از منابع و مبانی اسلامی با نگاه متجددانه و نوآورانه

باید با نگاه متجددانه، با نگاه نوآورانه، به منابع اسلامی مراجعه کرد و آن نظریه را از متن منابع اسلامی - در چهارچوبهای علمی و فنی خودش. ما برای استنباط، شیوه‌ها، متدها و روشهای علمی تجربه‌ی شده‌ی کاملاً حساب‌شده‌ای داریم؛ از اینها باید استفاده شود. بنابراین در مرحله‌ی نظری و نظریه‌سازی، باید از منابع اسلامی و از متون اسلامی، نظریه‌ی ناب اسلام در باب عدالت به دست بیاید. من تکیه‌ام در این نکته این است که نمیخواهیم از مونتاژ و کنار هم چیدن نظریات گوناگون متفکرین و حکمائی که در این زمینه حرف زدند، یک نظریه به وجود بیاوریم و تولید کنیم. یعنی در این قضیه باید جداً از التقاط جلوگیری کرد، باید پرهیز کرد. در موارد متعددی ما دچار این اشتباه شدیم. بدون اینکه بخواهیم، در مرداب التقاط لغزیدیم. بیرون آمدنش خیلی سخت خواهد بود. نه، حقیقتاً باید در منابع اسلامی جستجو کنیم. این منابع، فراوان هم هست؛ که دوستان هم اشاره کردند. در قرآن، در حدیث، در نهج البلاغه، در نوشته‌های فقهی، کلامی و حکمی بحثهای زیادی وجود دارد که هم‌اکنون می‌تواند منبع مورد استفاده‌ی ما در پیدا کردن نظریه‌ی ناب اسلامی باشد.

^{۱۵۸} بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۲/۲۷

البته مثل همه‌ی موارد دیگر، آشنائی با نظرات دیگران میتواند در فهم متون اسلامی به ما کمک کند. در همه جا همین جور است، در بحثهای حقوقی و فقهی ما هم همین جور است. ما وقتی با یک نظر بیگانه آشنا میشویم و ذهن ما آن اتساع لازم را پیدا میکند، از منبع اسلامی خودمان استفاده‌ی بهتر و کاملتری میکنیم؛ اینجا هم همین جور است. لیکن ما باید دنبال رسیدن به نظریه‌ی اسلامی ناب باشیم و از التقاط پیرهیزیم. البته بدیهی است که علت اینکه میگوئیم نظریه‌ی اسلامی باید خالص و ناب باشد، این است که مسئله‌ی عدالت مبتنی است بر پایه‌ها و مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و پایه‌های اساسی؛ و اگر بخواهیم به نظریات غربی - که عمدتاً آنهاست - استناد کنیم، در واقع تکیه کردیم به مبانی فلسفی‌ای که قبول نداریم و نمیتوانیم آنها را بپذیریم، که همان نظرات هستی‌شناسی است.^{۱۵۹}

• تعدد و تضارب آراء در عرصه‌های علمی نظریه پردازی برای عدالت

در عرصه‌ی تفکر و نظریه‌پردازی، ما احتیاج داریم به تعدد آراء و تضارب آراء. یعنی اینکه ما میگوئیم به یک نظریه باید برسیم و نظریه‌ی ناب اسلامی را کشف کنیم، مبتنی بر یک مقدمات نسبتاً طولانی و گسترده‌ای است؛ که اهم این مقدمات همین است که آراء متفکران تضارب پیدا کنند، آراء مختلفی مطرح شود؛ و این لازم است؛ این نشاط علمی است. نباید تصور کرد که ما یک پیشداوری داریم، یک چیزی را از قبل در نظر گرفته‌ایم و میخواهیم حتماً به آن برسیم؛ نه، میخواهیم با تضارب آراء بباییم آنچه را که حق است و آنچه که درست است. بنابراین تضارب آراء لازم است. حد یقف هم ندارد. یعنی بعد از آنکه به نظر نهائی و مختار برای این برهه‌ی از زمان رسیدیم، باز احتمال اینکه آراء جدیدی، نظرات جدیدی، نکات تازه‌ای در آینده مطرح شود، هست؛ هیچ مانعی هم ندارد. لیکن به هر حال نیاز هست به اینکه به یک جمع‌بندی قوی برسیم که بر اساس آن، برنامه‌ریزیهای درازمدت در کشور صورت بگیرد. بنابراین تضارب آراء لازم است؛ لیکن در نهایت اداره‌ی کشور نیاز دارد به اینکه به یک جمع‌بندی قوی و متقن و مستدل در باب عدالت اجتماعی برسد که بتواند بر اساس آن جمع‌بندی، برنامه‌های بلندمدت را طراحی کند.

^{۱۵۹} بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۲/۲۷

البته بعد از آنکه به این جمع‌بندی رسیدیم، باز پژوهشهای تازه‌ای شروع خواهد شد برای اینکه شیوه‌ها را پیدا کنید؛ یعنی پژوهشهای کاربردی. این دامنه‌اش خیلی وسیع است؛ یعنی بعد از آنکه ما به یک نظریه‌ی متقن و جمع‌بندی شده‌ای در باب عدالت رسیدیم، تازه برای پیدا کردن شیوه‌های اجرا و تحقق آن در جامعه، به بحثهای کاربردی نیاز داریم؛ که این خودش پژوهشهای فراوانی را دنبال خواهد کرد. آن وقت در اینجا است که ما میتوانیم از تجربیات بشری استفاده کنیم.^{۱۶۰}

• آموزش و پرورش در جهت تربیت انسان‌های عدالت خواه و عدالت گستر

جهت‌گیری تعلیم و تربیت کشور باید به سمت برخورداری از عدالت باشد؛ یعنی آموزش و پرورش ما، تعلیم و تربیت ما، عدالت‌پرور تربیت کند، عدالت‌خواه تربیت کند، عدالت‌ساز تربیت کند؛ چون عدالت، آن ارزش والایی است که از اوّل تاریخ بشر تا امروز، همواره مورد نظر آحاد بشر بوده است. ارزشها به‌مرور زمان و به‌تحوّل نسله‌ها تغییر پیدا میکنند، [اما] بعضی از ارزشها از اوّل تا آخر ثابتند؛ از جمله، ارزش عدالت است. شما ملاحظه کنید؛ ادیانی که معتقد به مهدویتند - که تقریباً همه‌ی ادیان الهی معتقد به مهدویتند - اینها معتقدند که منجی بیاید، دنیا را پُر از عدل و داد کند؛ نگفتند پُر از دین کند، [بلکه] پُر از عدل و داد کند؛ این اهمّیّت عدل و داد را نشان میدهد. البته عدالت هم جز در سایه‌ی دین حاصل نخواهد شد؛ این به جای خود محفوظ، اما مسئله‌ی عدل و داد خیلی مهم است. آموزش و پرورش ما باید جهت‌گیری این جوری داشته باشد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه میفرماید: **وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يُقَارَوْا عَلَى كِبَاطِ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبٍ مَظْلُومٍ**^{۱۶۱}؛ وظیفه‌ی عالمان را بیان میکند که بر گرسنگی گرسنگان و شکم‌بارگی دارندگان، صبر نکنند. تحمّل نکنند. یعنی عدالت.^{۱۶۲}

^{۱۶۰}بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۲/۲۷

^{۱۶۱}نهج البلاغه، خطبه‌ی ۳

^{۱۶۲}بیانات در دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۲/۱۹

ب) راهکارهای مدیریتی و اجرایی

۱) استفاده از مدیران و مجریان عادل

مسئولین باید دو چیز را در سرلوحه کارهایشان قرار دهند: یکی گزینش خوب. یعنی انسانهای پاک، امین، دلسوز، صمیمی و مردم دوست را انتخاب کنند. برای این کار بزرگ، یار گرفتن کار مهمی است. این طور نباشد که به هرکس و ناکسی اعتماد کنیم و مردم را با کسی مواجه کنیم که برای آنها، یا برای کار آنها ارزشی قائل نباشد و به فکر خودش باشد. این، یک نکته است که مسئولین باید رعایت کنند. دوم این که، این خدمت و این مسئولیت را برای بهره دنیایی خودشان نخواهند. افراد مسؤول در این نظام، باید دندان لدايد بشماري را بکنند. از خیلی لذتها باید بگذرند.^{۱۶۳} اگر دستگاه مدیریت جامعه، صالح و سالم باشد، خطاهای متن جامعه، قابل اغماض است و در مسیر جامعه، مشکلی به وجود نخواهد آورد. اما اگر مدیریت و رأس جامعه، از صلاح و سلامت و عدل و تقوا و ورع و استقامت دور باشد، ولو در میان مردم صلاح هم وجود داشته باشد، آن صلاح بدنه‌ی مردم، نمیتواند این جامعه را به سرمنزل مطلوب هدایت کند. یعنی تأثیر رأس قله و هرم و مجموعه‌ی مدیریت و دستگاه اداره کننده در یک جامعه، این قدر فوق العاده است.^{۱۶۴}

۲) محوریت عدالت و رفع محرومیت، در نظام برنامه ریزی کشور

در عرصه‌ی اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند. عدالت حتما یکی از شاخصهای اصلی است. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌ای که عدالت و توزیع عادلانه‌ی ثروت را در جامعه ندیده بگیرد، نمی‌تواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تأمین کند و برنامه‌ی مطلوب ما نیست. توجه کنید حتما عنصر عدالت اجتماعی و اقتصادی و توزیع عادلانه‌ی ثروت رعایت شود. نمی‌گوییم همه درآمد برابر داشته باشند - این که مورد بحث نیست - اما نمی‌توانیم از عنصر

^{۱۶۳} بیانات در دیدار جمعی از روحانیون ۱۳۷۲/۳/۲۶

^{۱۶۴} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۵/۱۵

عدالت که یکی از اساسی‌ترین عناصر در نظام جمهوری اسلامی است، صرف‌نظر کنیم؛ باید حتما رعایت شود.^{۱۶۵}

اهتمام اصلی دولت در همه‌ی سیاست‌های اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت باشد. این باید اولین چیزی باشد که مورد نظر قرار می‌گیرد. با این کار، چقدر ما رفع محرومیت می‌کنیم و چقدر کشور را به عدالت نزدیک می‌کنیم. البته این که چه چیزهایی در رفع محرومیت بیشتر مؤثرند، شما آنها را خیلی خوب می‌دانید. اشتغال، مسکن، درمان، بیمه و موارد گوناگون دیگر، در کاهش و رفع محرومیت مؤثرند. مثلاً اگر می‌خواهیم یک پروژه‌ی صنعتی یا معدنی یا ارتباطاتی را اجرا کنیم، در درجه‌ی اول باید ببینیم تأثیر آن در ایجاد عدالت اجتماعی چقدر است؛ بر این اساس کار کنیم.^{۱۶۶}

۳) استفاده از تجربیات دیگران

در اهداف و مبانی، ملاک ما باید «فاستقم کما امرت» باشد. به‌هیچ‌وجه عدول از مبانی و عدول از ارزش‌ها جایز نیست؛ اهداف، اهداف الهی است و هیچ تردید، شک یا ارتدادی از این اهداف جایز نیست؛ اما در روش‌ها بایستی تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا، جزو کارهای دائمی و برنامه‌های همیشگی ما باشد؛ ببینیم کدام روش ما، ولو به آن عادت کرده باشیم، غلط است، آن را عوض و اصلاح کنیم. باید مراقب باشیم که جای این تعبیرات عوض نشود؛ یعنی ما در زمینه‌ی اهداف، می‌گوییم استقامت؛ باید جای «هدف» را با «روش» اشتباه نکنیم. استقامت در روش‌ها لازم نیست، استقامت در اهداف لازم است. در کار روش‌ها آزمون و خطا جاری است. البته باید از تجربه‌ها استفاده کنیم که آزمون ما آزمون موفق‌ی باشد و نخواهیم که دائم تجربه کنیم و پشت‌سر هم اشتباه؛ اما در زمینه‌ی اهداف، بایستی قرص و محکم بایستیم و یک قدم پایین نیاییم.^{۱۶۷} روش‌ها مطمئناً از اهداف تأثیرپذیر هستند - در این شکی نیست - اما این معنایش این نیست که ما از روش‌ها و تجربه‌های دیگران هیچ نتوانیم استفاده کنیم؛ نه، بلاشک می‌توانیم استفاده کنیم.

^{۱۶۵} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۵/۱۵

^{۱۶۶} بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۰/۶/۵

^{۱۶۷} بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۳/۶/۳۱

اینجا در بخش پژوهشهای کاربردی، نوبت استفاده‌ی از تجربیاتی است که دیگران انجام داده‌اند. فرض کنید در زمینه‌ی بانکداری یا در هر زمینه‌ی دیگری در مسائل اقتصادی، یا در بحثهای اجتماعی به یک شکل دیگری، یا در بحثهای قضائی به یک صورت دیگری، تجربه‌ای را یک ملتی انجام داده و با آن تجربه مدتی را گذرانده، آثارش هم مشخص است؛ خوب، از این میشود استفاده کرد؛ این هیچ اشکالی ندارد. بنابراین از تجربه‌های دیگران بایستی بهره برد.^{۱۶۸}

۴) شاخص گذاری

یک مقیاس لازم است، یک معیاری لازم است برای اینکه ببینیم عدالت در بخش‌های فرهنگی، بخش‌های آموزشی و پرورشی یا آموزش عالی، معیار عدالت چیست؟ چگونه عدالت تأمین می‌شود این باید مشخص شود تا بتوانیم آن معیار را در برنامه‌ریزی‌ها داخل کنیم در مقام عمل و در مقام اجرا به آن عدالت مورد نظر برسیم.^{۱۶۹} یکی از کارهای مهم نظری ما این است که شاخصهای عدالت را پیدا کنیم. خوب، امروز شاخصهائی که در غرب مطرح است، به طور مشروط قابل قبول است؛ بعضی اش مطلقاً شاخص نیست، بعضی شاخصهای ناقصی است، بعضی در شرائطی ممکن است شاخص باشد. ما باید بنشینیم مستقلاً شاخصهای عدالت را، استقرار عدالت در جامعه را پیدا کنیم؛ یکی از بخشهای مهم کار این است. البته در عرصه‌ی عمل هم خیلی کارها باید انجام بگیرد که یکی از آنها این است که عدالت را یک معیار و یک سنجه‌ی اساسی در قانونگذاری بدانیم. این نکته، قابل توجه نمایندگان محترم مجلس و شورای نگهبان است که در قانونگذاری بالخصوص به مسئله‌ی عدالت و همچنین رصد دائمی آن توجه شود.^{۱۷۰}

۵) مقابله با مصرف گرایی و اسراف

یک اقدام اساسی در زمینه‌ی... پیشرفت و عدالت... مسئله‌ی مبارزه‌ی با اسراف، حرکت در سمت اصلاح الگوی مصرف، جلوگیری از ولخرجیها و تضییع اموال جامعه است؛ این بسیار

^{۱۶۸} بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۲/۲۷

^{۱۶۹} بیانات رهبری در دیدار با هیأت دولت ۸/۶/۱۳۸۹

^{۱۷۰} بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۰/۲/۲۷

مسئله‌ی مهمی است... لازم است به عنوان یک سیاست، ما مسئله‌ی صرفه‌جوئی را در خطوط اساسی برنامه‌ریزی‌هایمان در سطوح مختلف اعمال کنیم. مردم عزیزمان توجه داشته باشند که صرفه‌جوئی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جوئی به معنای درست مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارائی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است.^{۱۷۱}

۶) هدفمندی یارانه‌ها

نمونه‌ی دیگر، همین مسئله‌ی هدفمند کردن یارانه‌هاست، که این ناشی از تجربه‌ی بلندمدت نخبگان کشور است که در طول این سالها به این نقطه رسیده‌اند که یارانه‌هایی که از کیسه‌ی بیت‌المال - یعنی از جیب عموم مردم - بیرون می‌رود و به عموم تعلق می‌گیرد، بیشتر متوجه به قشرهایی بشود که نیاز آنها بیشتر است؛ یعنی قشرهای محروم و طبقات متوسط به پائین جامعه، از بیت‌المال و از کیسه‌ی عمومی ملت بیشتر برخوردار شوند تا طبقات بسیار مرفه و کسانی که در حقیقت احتیاجی هم به این یارانه‌ها ندارند. رسیدن به این حقیقت و تصمیم و عزم راسخ بر اجرای آن، ناشی از تجربه‌ی طولانی مدتی است که در طول این سالها متراکم شده است و به مرحله‌ی عمل درآمده است.^{۱۷۲}

۷) محرومیت زدایی توسط حکومت از طریق کاهش فاصله طبقاتی، جغرافیایی، استفاده همه از امکانات عمومی و ایجاد فرصت‌های برابر پیشرفت

به نظر ما عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است، کاهش فاصله‌های جغرافیایی است. اینجور نباشد که اگر یک مرکزی، یک استانی، یک شهری، یک کوره دهی از مرکز دور است، در یک نقطه‌ی دور جغرافیایی کشور قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد؛ اما آنجائی که نزدیک است، برخوردار باشد؛ این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود، فاصله‌های

^{۱۷۱} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا ۱۳۸۸/۱/۱

^{۱۷۲} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا ۱۳۸۸/۱/۱

جغرافیائی باید برداشته شود، هم برابری در استفاده‌ی از امکانات و فرصتها باید به وجود بیاید. همه‌ی آحاد کشور، آن کسانی که استعداد دارند، آن کسانی که امکان دارند، بتوانند از امکانات عمومی کشور استفاده کنند. اینجور نباشد که نورچشمیها مقدم باشند و افراد متقلب و خدعه‌گر جلو بیفتند. کاری کنیم که افراد گوناگون کشور، همه بتوانند در برابر امکانات کشور، از فرصت برابر استفاده کنند. البته اینها آرزوهای بزرگی است، لیکن دست‌یافتنی است؛ دست‌نیافتنی نیست. اگر تلاش کنیم و کار کنیم، میتوانیم به آن برسیم. سخت است، اما شدنی است.^{۱۷۳}

۸) پرهیز از اشرافیگری و تجمل‌گرایی و اسراف در مسئولین

برادران و خواهران هر جا هستید و در هر مسئولیتی قرار دارید، باید مراقب باشید. یک رفتار شما، یک گفتار شما، یک حرکت شما می‌تواند تأثیر ماندگار بگذارد؛ می‌تواند تأثیرهای وسیعی در زندگی مردم بگذارد. سالهاست که بنده درباره‌ی زندگی تشریفاتی مکرر تذکر می‌دهم. این دو جنبه دارد: یک جنبه از لحاظ اصل پابندی به تجملات و تشریفات است که این بد و دون شأن انسان والاست؛ یعنی یک وقت انسان به یک چیز غیر لازم پایبند می‌شود که دون شأن انسان است؛ بعلاوه، مسرفانه است؛ تضییع سرمایه‌ها، تضییع اموال و تضییع موجودیها در آن هست. این یک بعد قضیه است که اصل اسراف بد است؛ اصل تجمل همراه با اسراف و همراه با زیاده روی است و بد است؛ لیکن جنبه‌ی دومی دارد که اهمیتش کمتر از جنبه‌ی اول نیست و آن انعکاس تجمل شما در زندگی مردم است. بعضیها از این غفلت می‌کنند. وقتی شما جلو چشم مردم، وضع اتاق و دفتر و محیط کار و محیط زندگی را آن‌چنانی می‌کنید، این یک درس عملی است و هرکسی این را می‌بیند، بر او اثر می‌گذارد. حداقل این را باید رعایت کرد. فضا را، فضای تجملاتی و تجمل‌گرایی و عادت کردن به تجمل قرار ندهیم؛ چون امروز اگر این روحیه‌ی تجمل‌گرایی در جامعه‌ی ما رواج پیدا کند - که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است - بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاً حل نخواهد شد. تجمل‌گرایی و گرایش به اشرافیگری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد: هیچ وقت عدالت اجتماعی

^{۱۷۳} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا ۱۳۸۸/۱/۱

تأمین نخواهد شد؛ هیچ‌وقت روحیه‌ی برادری و الفت و انس و همدلی - که برای همه‌ی کشورها و همه‌ی جوامع، بخصوص جامعه‌ی ما، مثل آب و هوا لازم است - پیش نخواهد آمد. این همان تأثیر حرف و اقدام و عملکرد من و شما در روحیه‌ی مردم است. این اهمیت تقوای ما را این‌قدر زیاد می‌کند.^{۱۷۴}

۹) وضع مالیات

یک توصیه مهم... هست که می‌خواهم بخصوص به مسؤولان دولتی و هر کسی از مردم که به آنها کمک می‌کند، تأکید کنم و آن، استنفاذ حقوق عمومی است. بسیاری هستند که ثروتهای بادآورده‌ای دارند، مالیات نمی‌دهند، از اموال عمومی به نفع شخصی خود استفاده می‌کنند و بدون استحقاق بسیاری هستند که مالیات و حقی را که متعلق به مردم است، از درآمد و کسب خود منع می‌کنند و نمی‌دهند. این، کار ناروایی است. در جامعه ما باید در همه ذهنها و فکرها جا بیفتد که منع مالیات و منع ادای حقوق عمومی دولت و ملت، یک خلاف و یک گناه است. مسؤولان دولتی باید تلاش کنند که مالیات را - بخصوص - از کسانی که ثروتهای زیادی دارند و مالیات آنها در وضع کشور مؤثر است، استنفاذ کنند؛ چون این حق مردم است و باید آن را به هر نحوی که روا و شایسته است بگیرند. البته، طبقات متوسط - کسانی که آن‌طور ثروتها را ندارند - مالیات می‌دهند و در دادن آن هم، آسان‌گیرتر هستند و سهل‌تر عمل می‌کنند. کسانی هم هستند که از امکاناتی که در اختیار آنهاست و متعلق به آحاد مردم است، ثروتهای زیادی را به دست می‌آورند. اینها، حق دولت را - که حق این مردم است - ادا نمی‌کنند. بنابراین، گرفتن مالیات و اداکردن آن و کمک به دولت و استنفاذ مالیات، یک وظیفه است.^{۱۷۵}

^{۱۷۴} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۸/۱۰/۴

^{۱۷۵} پیام به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۵

۱۰) مجاهدت، مبارزه و ایستادگی

اجرای عدالت یک روح غنی، یک اراده‌ی قوی و یک قدم ثابت لازم دارد.^{۱۷۶} ما به عنوان شیعه باید این درس را به یاد داشته باشیم که عدالت قابل اغماض و قابل معامله نیست و هیچیک از مصالح گوناگون - نه مصالح فردی و نه مصالح حکومت و کشور اسلامی - نمی‌تواند با عدالت معامله شود.^{۱۷۷} با زبان نصیحت، عدالت در هیچ نقطه‌ی عالم مستقر نمی‌شود.^{۱۷۸} کارهای بزرگ، به همتهای بزرگ و به ایمانهای عمیق - ایمان به کار، ایمان به مردم و پشت سر و مهمتر از همه‌ی اینها، ایمان به خداوند و پاداش الهی - احتیاج دارد و یک کار جهادی لازم است؛ جهاد یعنی همین.^{۱۷۹} در هر بخشی از بخش‌های گوناگون صنعتی و فنی و علمی و تحقیقاتی که ما با روحیه‌ی جهادی وارد شدیم، پیش رفته‌ایم. روحیه‌ی جهادی یعنی چه؟ یعنی اعتقاد به این که «ما می‌توانیم»؛ و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت وجودی و ذهنی و اعتماد به جوان‌ها.^{۱۸۰}

ج) راهکارهای امنیتی و قضایی و تقنینی

۱) ایجاد و تقویت امنیت همه جانبه

اگر امنیت نباشد، فعالیت اقتصادی هم دیگر نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، عدالت اجتماعی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، دانش و پیشرفت علمی هم نخواهد بود. اگر امنیت نباشد، همه‌ی رشته‌های یک مملکت بتدریج از هم گسسته خواهد شد. لذا امنیت، پایه و اساس است.^{۱۸۱} باید امنیت همه‌جانبه مورد توجه باشد؛ امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، امنیت آبرویی. مردم در نظام جمهوری اسلامی باید احساس کنند که جان و مال و فرزندان و

^{۱۷۶} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۷/۴/۲۶

^{۱۷۷} بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۲/۸/۲۳

^{۱۷۸} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۸۱/۷/۳۰

^{۱۷۹} بیانات در دیدار جمعی از کشاورزان ۱۳۸۰/۱۰/۱۲

^{۱۸۰} بیانات در دیدار کشاورزان ۱۳۸۴/۱۰/۱۴

^{۱۸۱} بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا(ع) ۱۳۷۹/۱/۶

ناموس و فکر و عقیده و سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی‌شان برخوردار از امنیت است. بهداشت مردم، عزت و هویت ملی مردم، ارتقای علمی کشور، کارآمدی دستگاه اداری و فسادزدایی از آن، در قانون اساسی وجود دارد. اینها وظایف مهمی است که باید وجهه‌ی همت قرار گیرد.^{۱۸۲}

۲) مبارزه با فساد

یکی از مصداقهای عدالت، مبارزه‌ی با فساد مالی و اقتصادی است که بایستی جدی گرفته شود. من سالها پیش هم این را گفته‌ام، بارها هم تأکید کرده‌ام، تلاشهای خوبی هم انجام گرفته است و دارد انجام می‌گیرد.^{۱۸۳} مبارزه با مفسده‌ی اقتصادی و مالی یکی از کارهایی است که به گشایش اقتصادی کشور کمک خواهد کرد.^{۱۸۴} گردآورندگان ثروتهای نامشروع، زیاده خواهان، زیاده خواران و مفسدان اقتصادی نباید عرصه را بر کسانی تنگ کنند که یا سرمایه‌گذاری می‌کنند، یا کار می‌کنند، یا زحمت می‌کشند، یا درس می‌خوانند، یا علم را گسترش می‌دهند و درآمدی بسیار کمتر از آنها دارند. نظام باید با مفاسد اقتصادی و با جریان فساد اقتصادی مبارزه کند؛ این وظیفه‌ی مجلس و دولت و قوه‌ی قضاییه است.^{۱۸۵}

۳) ریل‌گذاری با قوانین عدالت گستر توسط قوه مقننه

عنصر پیشرفت، باید نگاه ما را به استعدادهای بی‌شمار پراکنده در میان ملت، معطوف سازد و ظرفیتهای تولید و خلاقیت و درخشش توانائیهای گوناگون در همه‌ی زمینه‌ها را در نگاه ما برجسته کند. و عنصر عدالت باید ناب‌خورداران از فرصتها و توانائیهای کشور را، از این مواهب الهی و عمومی برخوردار سازد. مجلس که پدیدآورنده‌ی نرم‌افزار اصلی حرکت کشور است باید لحظه‌ئی از این تکلیف غفلت نرزد.^{۱۸۶} اگر چنانچه مجلس به دنبال رفاه مردم، عدالت اجتماعی،

^{۱۸۲}بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۰۲/۲۸

^{۱۸۳}بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا ۱۳۸۸/۱/۱

^{۱۸۴}بیانات در مراسم تنفیذ ریاست‌جمهوری سال ۸۰

^{۱۸۵}بیانات در دیدار مردم استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۵

^{۱۸۶}پیام به مناسبت آغاز به کار هشتمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۷/۳/۷

گشایش اقتصادی، به دنبال پیشرفت علم، پیشرفت فناوری، به دنبال عزت ملی و استقلال ملت باشد، ریل گذاری او به سمت این هدفها خواهد بود؛ اگر مجلس مرعوب غرب باشد، مرعوب آمریکا باشد، دنبال حاکمیت جریان اشرافی گری باشد، ریل گذاری او در این جهتها خواهد بود؛ کشور را بدبخت خواهند کرد.^{۱۸۷}

^{۱۸۷} بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۴/۱۱/۲۸

مرور در یک نگاه فصل چهارم بخش چهارم-عدالت گستری				
فصل چهارم: راهکارهای عملی در مسیر نهضت تحول اقتصادی		بخش چهارم: عدالت گستری و مبارزه با فساد		
۱	مواع برقراری عدالت	۱	دنیا طلبی ۱۳۷۷/۱۲/۴-۱۳۸۷/۶/۲۹	
		۲	اسراف و مصرف گرایی ۱۳۸۱/۹/۱۵	
		۳	تجمل و اشرافی گری ۱۳۸۷/۱۰/۴-۱۳۸۰/۶/۵	
		۴	شیوع فساد ۱۳۸۸/۱/۱-۱۴۰۰/۶/۶	
		۵	افراد نالایق در بدنه حکومت ۱۳۸۱/۷/۳۰-۱۳۸۰/۴/۱۰	
۲	الزامات و پیش شرط های عدالت گستری	۱	توجه به	قوانین عادلانه
			ارکان عدالت گستری	مجریان عادل
			۱۳۶۰/۱/۷	آگاهی مردم نسبت به حقوق خود
		۲	تقدم عدالت و محرومیت زدایی بر سازندگی ۱۳۷۲/۱/۱	
		۳	عدالت خواهی و پرهیز از مصداق سازی ۱۳۸۷/۲/۱۴	
		۴	دیدن نقاط قوت و پیشرفت ها در کنار نقاط ضعف ۱۳۸۳/۸/۱۰	
		۵	تحقق همزمان عدالت با دیگر ارزش ها	درهم تنیده بودن عدالت با معنویت و اخلاق ۸۴/۶/۸-۸۸/۶/۱۶
				رابطه اعتقاد به معاد و عدالت گستری ۹۰/۲/۲۷
				رابطه عدالت در رابطه با نفس و عدالت گستری در جامعه ۹۰/۲/۲۷ و ۱۳۸۷/۴/۲۶
				رابطه اخلاق و عدالت خواهی ۹۰/۳/۱۴

مبارزه با فساد

اهمیت و ضرورت مبارزه با فساد

عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است.^{۱۸۸} اسلامی که امام [خمینی ره] به آن معتقد است اسلام ضد فساد است، ضد ویژه‌خواری است؛ و این چیزهایی که مشخص میشود در زمینه‌های حضور فساد در بعضی از بخشها، قطعاً اینها نقطه‌ی مقابل اسلام است. اسلام، اسلامی است که با فساد مبارزه کند؛ دولتی اسلامی آن دولتی است که با فساد مبارزه کند.^{۱۸۹} مشروعیت من و شما (مسئولان) وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه‌ی مشروعیت ماست.^{۱۹۰}

ابزارهای دشمن در درون کشور و نظام ما عبارت است از فساد، تبعیض و فاصله‌ی طبقاتی.^{۱۹۱} هر که می‌خواهد با دشمنان این ملت مبارزه‌ی عملی کارآمد کند، با فساد مبارزه کند.^{۱۹۲} مسأله‌ی مبارزه با فساد یک عنصر حقیقی و اساسی در اصلاح امور کشور است.^{۱۹۳} مسئولان اجرایی کشور باید توانایی خود را در گشودن گره‌های کار مردم نشان دهند. ... باید مبارزه با چپاولگری مفسدان اقتصادی را - هر جا لانه کرده باشند - به طور جدی دنبال و سفره‌های فساد اقتصادی را جمع کنند. باید توانایی خود را در این کار نشان دهند؛ مردم این را متوقعند و این توقعی است بحق. تمام مسئولان کشور - اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه - در این زمینه‌ها مهمترین

^{۱۸۸} بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

^{۱۸۹} سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴۰۰/۳/۱۴

^{۱۹۰} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۲/۶/۵

^{۱۹۱} بیانات در مراسم چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۲/۳/۱۴

^{۱۹۲} بیانات در مراسم چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۲/۳/۱۴

^{۱۹۳} پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای سال ۱۳۸۱

مسئولیت‌های خود را دارند؛ نگذارند دشمن امیدوار بماند.^{۱۹۴} البته نباید بزرگنمایی کرد. بعضی‌ها جنجال و بزرگنمایی میکنند و طوری حرف میزنند که کأنه این سرطان همه جا را گرفته؛ نخیر، این طوری نیست. این همه ما دست‌های پاکیزه، چهره‌های پاکیزه و انسان‌های پاکیزه در دستگاه‌های گوناگون از بالا تا پایین داریم؛ اکثریت هم با اینهاست؛ منتها یک نقطه‌ی فساد، همه‌ی بدن را آلوده میکند. وقتی یک جای بدن بیمار میشود و درد میگیرد - مثلاً وقتی دندان فاسد میشود - انسان شب خوابش نمی‌برد. قلب، سالم؛ معده، سالم؛ ریه، سالم؛ جریان خون، سالم؛ اما یک دندان ناسالم خواب را از انسان میگیرد.^{۱۹۵} ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، هست؛ اما می‌خواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالمترین نظام‌های سیاسی و اجتماعی در دنیاست.^{۱۹۶} فساد در کشور سیستمی نشده. هر کس می‌گوید سیستمی است بیخود می‌گوید. فساد سیستمی یک چیز دیگر است. فساد سیستمی در زمان حکومت طاغوت بود؛ سیستم به طور طبیعی فسادآور و فسادپرور بود، یعنی باید آدم می‌گشت تا آدم سالم در آن پیدا میکرد؛ امروز این جوری نیست؛ البته فساد هست، فسادهای بدی هم هست، [اما] موردی است و باید برخورد بشود.^{۱۹۷} اینکه ما بیائیم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست. این هم که ما اشخاص را، مسئولین را بی‌جهت در زمینه‌ی فساد زیر سؤال ببریم، این هم درست نیست... هم در قوه‌ی مجریه، هم در قوه‌ی قضائیه، هم در قوه‌ی مقننه. همه موظفند با این مسئله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد.^{۱۹۸} فساد مثل اژدهای هفت سر افسانه‌هاست. یک سرش را که میزنی با شش سر دیگر حرکت میکند. از بین بردنش آسان نیست. آن کسانی که متنفع از فساد هستند برخورد با اینها کار بسیار سختی است ولی حتماً باید انجام بگیرد.^{۱۹۹} مبارزه با فساد، یک جهاد همه‌جانبه است. من از مسؤولان کشور خواش میکنم

^{۱۹۴}بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۸۱/۰۸/۱۳

^{۱۹۵}بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۱۳۸۳/۰۳/۲۷

^{۱۹۶}خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۸/۰۳/۲۹

^{۱۹۷}بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۶/۰۳/۱۷

^{۱۹۸}خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۸/۰۳/۲۹

^{۱۹۹}بیانات در ۱۳۹۶/۱۱/۱۹

این جهاد عظیم را به اغراض سیاسی آلوده نکنند. اگر مسؤولان کشور آن خودآگاهی لازم را داشته باشند، آن گاه میفهمند که امروز مبارزه با فساد لازم است و یک جهاد است.^{۲۰۰} این مبارزه نیازمند انسانهایی باایمان و جهادگر، و منیع الطبع با دستانی پاک و دل‌هایی نورانی است. این مبارزه بخش اثرگذاری است از تلاش همه‌جانبه‌ای که نظام جمهوری اسلامی باید در راه استقرار عدالت به کار برد.^{۲۰۱}

عوامل به وجود آمدن و ریشه دواندن فساد

(۱) بی‌تقوایی و عدم توجه به مسائل معنوی و ضعف ایمان

در دنیایی که سیاستهای گوناگون استکباری، مردم را به اباحه‌گری و بی‌بندوباری سوق داده‌اند، آن مجموعه‌ی مؤمنی که ایمان او متکی به مبانی مستحکم اعتقادی است، به برکت ایمان می‌تواند بر همه‌ی امواجی که در دنیا بوجود می‌آورند، غلبه کند.^{۲۰۲} وقتی تقوا نباشد، انسان از روی عصبانیت و کینه‌ورزی و طمع حرف می‌زند یا اقدام میکند یا حکم میکند.^{۲۰۳} هر جا کارها لنگ است، به‌خاطر این است که در آن از این بی‌ایمانی‌ها و بی‌ریشه‌یی‌ها که منجر به نفع‌طلبی و فساد و تبعیض و ریفیق‌بازی و امثال اینها می‌شود، وجود دارد.^{۲۰۴} در همه‌جای دنیا انسان فسادپذیر است. هر انسانی اگر مراقب خود نباشد، فسادپذیر است.^{۲۰۵}

(۲) تخطی از قوانین

از جمله مواردی که باید از تقوای مسئولان نظام بروز کند رعایت حدود قانونی در همه بخش‌هاست و عدم تخطی از آنچه که قانون اساسی و قوانین معتبر برای بخش‌ها و دستگاه‌های مختلف معین

^{۲۰۰}بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

^{۲۰۱}بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

^{۲۰۲}بیانات در دیدار مردم و عشایر شهرستان نورآباد ممسنی ۱۳۸۷/۰۲/۱۵

^{۲۰۳}بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

^{۲۰۴}بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی ۱۳۸۴/۰۳/۰۵

^{۲۰۵}بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۱/۰۶/۰۴

کرده‌اند. تخطی از این قوانین، در مواردی مشکل بزرگ فساد اقتصادی و فساد دستگاه‌های مسؤول را به وجود می‌آورد و یا موجب تعارض بین دستگاه‌های مختلف و تشتت و بگو مگوهای مضر و مفسده‌انگیز میشود.^{۲۰۶}

۳) وجود گریزگاه‌های از قانون

شما ببینید اگر در یک کشور وضع اقتصادی بیمار است، یکی از چند علت، وجود همین گریزگاه‌های از قانون است که کسانی میتوانند با استفاده از اینها سوءاستفاده کنند و جیب‌های خودشان را پر کنند و امکانات مردم و دولت را به نفع و سمت خودشان بکشانند.^{۲۰۷} من یک وقت گفتم قانوندانهای قانون شکن، خطرناکتر از همه‌اند؛ کسانی که قانون را خوب بلدند، پیچ و خمها و دالانهای تودرتوی قانون را خوب میشناسند، اما خودشان قانون شکنند؛ بدون این که معلوم شود کارشان قانون شکنی است. اگر خدای نکرده چنین چیزی برای ملت ما رواج پیدا کند، یک فاجعه است.^{۲۰۸}

۴) سو استفاده از اختیارات و جایگاه‌های قانونی توسط مسئولان (تبعیض و رانت)

کسانی هستند که تلاش میکنند و حقیقتاً در صدد این هستند که طبقه ممتاز جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود آورند. به خاطر انتخابها و انتصابها و زرنگیها و دست و پاداریها و مشرف بودن بر مراکز ثروت، و از طریق نامشروعی که با زرنگی آن را یاد گرفته‌اند، به اموال عمومی دست بیندازند و یک طبقه‌ای جدید - طبقه ممتازان و مرفه‌ان بیدرد - درست کنند.^{۲۰۹} این که امیرالمؤمنین علیه السلام میفرماید: «ما رأیت نعمة موفورة الا و فی جانبها حق مضیع، یعنی هر جا شما دیدید ثروت انباشته‌ای به وجود آمده، بدانید در کنارش حقوق ضایع شده فراوانی وجود دارد؛ مظهر اصلی و مصداق عمده‌اش همین است که کارگزاران و مسئولان حکومت، با استفاده از نفوذ

^{۲۰۶} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۰۸/۱۱

^{۲۰۷} بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت رضا (ع) ۱۳۷۹/۱/۶

^{۲۰۸} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

^{۲۰۹} بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی ۱۳۷۶/۰۴/۲۵

و قدرت، راحت بتوانند از امکانات عمومی استفاده کنند؛ بانکها راحت وام بدهند؛ مراکز گوناگون، امکان استفاده از زمین، آب، هوا، تجارت و وارد کردن و صادر کردن را در اختیار آنها بگذارند؛ ناگهان ببینید کسانی که دستشان از مال دنیا تا اندکی پیش خالی بود، ثروتهای گزاف پیدا کرده‌اند؛ ظاهر کار هم قانونی است^{۲۱۰}.

... اگر مسئولی که فلان تجارت خارجی و فلان مناقصه بزرگ در اختیار اوست؛ فلان پروژه مهم و پُرخرج زیر امضای اوست و فلان صندوق پول زیر کلید اوست، به خودش اجازه دهد برای منافع شخصی و جمع‌آوری ثروت برای خود یا نزدیکانش، از این امکان - که متعلق به کشور و مردم است - استفاده کند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که در کشورهای دچار سیستمهای ظالمانه در گذشته و امروز در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی ثروت در یک نقطه متمرکز خواهد شد و جمع‌گیری دچار محرومیت و فقر خواهند گردید. این تبعیض است؛ این چیزی است که اسلام برای مبارزه با آن آمده است. ما هم که مدعی اسلام هستیم، باید با آن مبارزه کنیم.^{۲۱۱}

(۵) تضعیف قوه قضائیه

زیر سوال بردن قوه قضائیه در يك کشور، نقطه‌ی شروع فساد در آن کشور است.^{۲۱۲} انتقاد در جامعه چیز خوبی است؛ زیرا انتقاد موجب میشود انتقاد شونده بتواند نقاط قوت و ضعف خود را بفهمد و همچنین ناظران صحنه بتوانند بفهمند. این به پیشرفت کار کمک میکند. لیکن انتقاد، غیر از عیبجویی، آن هم عیبجویی خصمانه است. نباید قوه قضائیه را تضعیف کرد. قاضی برای این که بتواند در جایگاه پیغمبر، درست و با استقرار بنشیند و عمل کند، احتیاج دارد که مورد حمایت نظام باشد؛ باید احساس کند که حمایت و تقویت میشود و در چشم مردم دارای منزلت است. قاضی، منزلت در نظر عموم و حمایت از سوی مسؤولان را لازم دارد. اگر باب انتقادهای غیر منطقی و خصمانه و عیبجویانه و احیاناً با انگیزه‌های سیاسی به سمت قوه قضائیه باز شد به این هر دو نیاز ضربه خواهد خورد: قاضی و دستگاه قضاء از چشم مردم میافتد و حمایت مسؤولان

^{۲۱۰} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه‌شعبان ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

^{۲۱۱} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه‌شعبان ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

^{۲۱۲} بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر ۱۳۷۹/۱۲/۲۲

را هم از دست می‌دهد. آن وقت ما چطور در این فضا توقع داشته باشیم که قاضی بیاید با شجاعت بایستد و یک ظالم و متخلف از قانون را - که هم زور و هم زر دارد - به پای میز محاکمه بکشاند و هیچ گونه تحت تأثیر او قرار نگیرد؟ این کار، آسان نیست. اگر ما بخواهیم قاضی این شجاعت و صلابت و اقتدار را داشته باشد که چنین بارهای سنگینی را که از او توقع داریم، بردارد، باید او و دستگاهی را که حامی اوست، اولاً مورد حمایت قرار دهیم؛ ثانیاً منزلتش را در چشم مردم حفظ کنیم.

... هیچ کس از تضعیف قوه قضاییه در کشور سود نمی‌برد. بله؛ دشمنان نظام سود می‌برند؛ آنهایی که میخواهند هیچ کار نظام سامان پیدا نکند و نظام اسلامی به صورت مطلوب شکل نگیرد. بنابراین عرض ما به منتقدان از قوه قضاییه این است که در این زمینه با انصاف، هوشمندی، بدون انگیزه‌های سیاسی و بدون غرض‌ورزی عمل شود. در غیر این صورت لطمه آن به همه وارد خواهد آمد. البته در کنار این، باید به قوه قضاییه کمک شود تا بتواند امکاناتی را در اختیار گیرد و کارهای لازم را انجام دهد... عرض ما به قوه قضاییه این است که اگر ما می‌گوییم قوه قضاییه تضعیف نشود، این تضعیف همیشه از بیرون قوه نیست؛ گاهی تضعیف از درون قوه است. کسی که داخل قوه قضاییه است، مسؤولیتی دارد. اگر با روش و رفتار و گفتار خود کاری کند که قوه قضاییه تضعیف شود، این هم یکی از انواع تضعیف است.^{۲۱۳}

۶) وجود عناصر فاسد در بدنه حاکمیت

زیان بزرگ فساد اقتصادی در دستگاههای دولتی این است که پول را در خدمت قدرت و قدرت را در خدمت پول به کار می‌گیرد و دور باطلی به وجود می‌آید.^{۲۱۴} کسی که خودش آلوده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند.^{۲۱۵} بدتر از هر چیز این است که در داخل دستگاههای مسئول، خدای نخواستہ ... عوامل مفسد بتوانند نفوذ کنند و آدمهائی را به رنگ خودشان در بیاورند یا همکار با خودشان کنند، که این از

^{۲۱۳} بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی ۱۳۸۱/۰۴/۵

^{۲۱۴} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

^{۲۱۵} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان ۱۳۸۱/۰۷/۳۰

آن چیزهای بسیار مهم و فاجعه‌آمیز است که باید با قاطعیت و قدرت با آن - از هر نوعش - رو به روشد و با آن برخورد کرد.^{۲۱۶}

۷) دولتی بودن اقتصاد

دولت تصدی‌گری را بایستی کم کند، نظارت را باید زیاد کند؛ دخالت را کم کند، نظارت را زیاد کند؛ مراقبت کنند. یکی از عیوب بزرگ اقتصاد ما، شاید بزرگ‌ترین عیب اقتصاد ما این است.^{۲۱۷} اینی که ما امکانات کشور، امکانات تولیدی، کارخانجات، اینها را بدهیم دست دولت، دستگاههای تولیدی و بنگاههای تولیدی بزرگ را دولت نمیتواند (مدیریت کند)، مشکلات به وجود می‌آید، فساد به وجود می‌آید.^{۲۱۸}

۸) تاخیر در مبارزه جدی با فساد

چند سال قبل از این - نمیدانم حالا ده سال است یا بیشتر است - من توصیه‌های مؤکدی را راجع به مقابله‌ی با فساد اقتصادی به مسئولین کشور کردم؛ استقبال هم کردند؛ اما خب، اگر عمل میکردند، دیگر این فساد بانکی اخیر - که حالا همه‌ی روزنامه‌ها و همه‌ی دستگاه‌ها و همه‌ی ذهنها را پر کرده - پیش نمی‌آمد. وقتی عمل نمیکنیم، دچار این حوادث میشویم. اگر با فساد مبارزه بشود، دیگر این چند هزار میلیارد - یا هر چه - سوءاستفاده‌ای که افرادی بیایند بکنند، پیش نمی‌آید. وقتی عمل نمیکنیم، خب، پیش می‌آید؛ ذهن مردم را مشغول میکند، دل مردم را مشغول میکند، دل آدمها را میشکند. چقدر در این کشور از بروز یک چنین فساد دلبه ناراحت میشود؟ چقدر آدمها امیدشان را از دست میدهند؟ این سزاوار است؟ این به خاطر این است که عمل نکردیم. از همان وقت که گفته شد فساد ریشه‌دار میشود، ریشه پیدا میکند، شاخ و برگ پیدا میکند، هر چه که بگذرد، کندنش مشکل میشود - اینها گفته شد، اینها تأکید شد، اینها همه بیان

^{۲۱۶} بیانات در دیدار مسئولان قضائی کشور ۱۳۸۷/۰۴/۰۵

^{۲۱۷} در سخنرانی ابتدای سال نو در حرم مطهر رضوی ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

^{۲۱۸} بیانات در دیدار کارگران ۱۴۰۲/۰۱/۲۹

شد؛ اینها سرمایه‌گذار پاکدامن و صادق را مأیوس میکند - اگر عمل میشد، مبتلا به این مسائل نمیشدیم. حالا مبتلا شدیم^{۲۱۹}.

آثار و زیان‌های وجود فساد

(۱) فرار سرمایه

تولید کنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند.^{۲۲۰} کسانی که متخصص این کارها هستند و دانش این کارها را دارند، می‌دانند و می‌گویند اگر در یک کشور فساد وجود داشته باشد، نسبت سرمایه‌گذاری در آن کشور پایین می‌آید. اینها ثابت شده است. هر چه فساد بیشتر باشد، نسبت سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود؛ اما هر چه فساد کمتر باشد، نسبت سرمایه‌گذاری رشد پیدا می‌کند.^{۲۲۱}

(۲) ضایع شدن تلاش‌ها و خدمات دولت

امروزه برای رفع مشکلات مردم سه امر محوری وجود دارد، یکی تولید کار و اشتغال برای نسل جوان پر استعداد و پر شمار این کشور است که مشکلات زندگی را از دوش بخش مهمی از مردم ما بر می‌دارد، دوم مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاهها است که اگر عزم همگانی بر آن قرار نگیرد همه‌ی تلاشهای دولت کنونی و دولتهای قبلی را خنثی و دستاوردهای نظام مقدس ما را ضایع می‌سازد و فاصله طبقاتی را عمیق و منابع محدود ملی را به خورد متجاوزان به حقوق ملت می‌دهد. سوم و از همه مهمتر وحدت ملی و یکصدایی مسئولان و خواص است که اگر مخدوش شود هیچ حرکت سازنده به سامان نمی‌رسد.^{۲۲۲}

^{۲۱۹}بیانات در دیدار کارگزاران حج ۱۳۹۰/۰۷/۱۱

^{۲۲۰}بنده دوم فرمان هشت ماده ای مبارزه با فساد

^{۲۲۱}بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر ۱۳۸۰/۱۱/۰۳

^{۲۲۲}پاسخ به نامه‌ی آیت‌الله طاهری امام جمعه اصفهان ۱۳۸۱/۰۴/۲۰

۳) ایجاد نامیدی در جامعه و کند شدن حرکت اقتصادی سالم در کشور

چه دست داشتن در فساد اقتصادی، چه چشم بستن بر فساد اقتصادی، چیزهایی است که حرکت عمومی کشور را کند میکند.^{۲۲۳} وقتی مناسبات غلط اقتصادی در جامعه حاکم باشد، وقتی رانت خواری رواج داشته باشد، وقتی سوءاستفاده‌ی از قدرت برای به دست آوردن ثروتهای بادآورده رواج داشته باشد، کسی که تولید کننده و زحمتکش واقعی است، ناامید می‌شود. کشاورزی که زحمت می‌کشد، صنعتکاری که تولید می‌کند، سرمایه داری که سرمایه گذاری می‌کند، معدنکاری که عرق می‌ریزد، معلمی که در مدرسه درس می‌گوید، استادی که در دانشگاه تدریس می‌کند، قاضی بی که وقت و اعصاب خود را به کار صحیح صرف می‌کند، وقتی ببینند راه برای مناسبات غلط اقتصادی در جامعه باز است و با آن برخورد نمی‌شود، مأیوس می‌شوند. این که ما گفتیم و تأکید کردیم که باید با مفاصد اقتصادی و قاچاق مبارزه شود، به خاطر این است که این پدیده ها اساس پیشرفت کشور را دچار آسیبهای جدی می‌کنند.^{۲۲۴}

۴) بروز مشکلات فرهنگی و اخلاقی و آسیب‌های اجتماعی

مفاصد اقتصادی، مفاصد فرهنگی و مفاصد اخلاقی را هم می‌آورد.^{۲۲۵} وقتی پول و لقمه‌ی حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «امرنا مترفیه‌ها ففسقوا فیها»^{۲۲۶}. وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدّمه‌ی ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست.^{۲۲۷}

^{۲۲۳} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۵/۰۷/۱۸

^{۲۲۴} بیانات در دیدار مردم استان همدان ۱۳۸۳/۰۴/۱۵

^{۲۲۵} بیانات در دیدار مسئولان قضائی کشور ۱۳۸۷/۰۴/۰۵

^{۲۲۶} سوره مبارکه اسراء آیه ۱۶

^{۲۲۷} بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

۵) وجود فساد باعث مغفول ماندن عدالت در جامعه شده و فاصله طبقاتی زیادت‌ر شود

بی‌توجهی به مسئله مبارزه با فساد، سبب می‌شود تا عدالت مغفول واقع شود و فاصله طبقاتی بیشتر شده و فقر و محروم شدن اقشار متوسط جامعه گسترش یابد.^{۲۲۸} بدترین فسادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است. بدترین فسادها در جامعه این است که کسانی دچار فساد مالی و اقتصادی شوند و از بیت‌المال مردم برای منافع شخصی و پُرکردن جیب خود تغذیه کنند. بزرگترین فسادها این است که در اجرا و اعمال قانون در جامعه تبعیض باشد و به شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها و قابلیت‌های افراد توجه نشود.^{۲۲۹}

۶) بیت‌المال خالی می‌شود و پول مردم به جیب یک شخصِ طمّاع و حریص و خودخواه و زیاده‌طلب می‌رود

یکی این که خزانه‌ی این کشور که باید صرف مردم شود - صرف ساختن پُل و راه و سد و آبرسانی و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود - به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود. وقتی شما می‌بینید یک نفر آدم در طول مدت کوتاهی - سه، چهار سال - دهها میلیارد تومان از پول بیت‌المال را در صندوق شخصی خود قرار می‌دهد، معنایش چیست؟ معنایش این است، آن پولی که با آن می‌شد مثلاً هزار روستا را آباد کرد که مردم از زندگی لذّت ببرند و مزه‌ی فقر را نچشند، مزه‌ی زندگی راحت را بچشند، یک نفر بتواند با زرنگی، با زبان چرب و نرم، با چهره‌ی حق‌به‌جانب و با استفاده از کمک افراد غافل، همه‌ی این پول‌ها را به چنگ آورد. بنابراین اولین ضرر این است که بیت‌المال خالی می‌شود و پول مردم به جیب یک شخصِ طمّاع و حریص و خودخواه و زیاده‌طلب می‌رود.^{۲۳۰}

^{۲۲۸} بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲

^{۲۲۹} بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۱/۴/۲۶

^{۲۳۰} بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

۷) رواج ثروت‌های باد آورده از طریق فعالیت‌های ناسالم

کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند - کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند - وقتی دیدند از راههای نامشروع می‌شود این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند. عده‌ای می‌گویند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که سرمایه‌دار، سرمایه‌گذاری نکند؛ اما من می‌گویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه‌داری وسوسه و تشویق می‌شود که به جای وارد شدن به کار پردرآمد تولید و مقدمات آن و راههای طولانی دیگر، برود مشغول بند و بست و کارهای فساد انگیز شود. یک فاسد، دیگران را هم به فساد می‌کشاند و تشویق می‌کند. بنابراین ضرر دوم این است که کشور از فعالیت اقتصادی باز خواهد ماند.^{۲۳۱}

۸) سرایت و شیوع بیماری فساد در بدنه حاکمیت

آدم فاسد وقتی بخواهد از بیت‌المال مسلمانان استفاده کند، به طور مستقیم که او را راه نمی‌دهند؛ مجبور است به مدیران و مسؤولان و هر کسی که سر راه او قرار دارد، رشوه بدهد. هر کسی هم نمی‌تواند در مقابل رشوه مقاومت کند. البته بعضی افراد مقاومت می‌کنند، بعضی هم دانسته یا ندانسته تسلیم می‌شوند. بنابراین آدم فاسد برای رسیدن به هدف خود، با رشوه دادن و شیرینی دادن، عده‌ای را فاسد می‌کند؛ مدیران را فاسد می‌کند، مأموران را فاسد می‌کند، مأمور بانک را فاسد می‌کند، مأمور فلان وزارتخانه را فاسد می‌کند.^{۲۳۲}

۹) وجود فساد، به تحقق اهداف استکبار کمک میکند

از ابزارهای قدرت استکباری قدرتمندان زورگوی امروز دنیا، فسادهای شخصی است و هر يك نفر انسان که فاسد شود، قدرت استکباری در سطح جهان، يك قدم به جلو رفته است.^{۲۳۳} وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل میشوند. دشمن خارجی از آدمهای

^{۲۳۱}بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

^{۲۳۲}بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

^{۲۳۳}بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه هوایی ۱۳۷۳/۰۳/۰۱

فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده میکند.^{۲۳۴} غالباً دستگاه‌های جاسوسی امریکا و دیگر کشورهای سلطه‌طلب دنیا، سعی میکنند نقاطی را بیابند تا با تمسک به آنها، تأثیرگذاران کشورهای زیر نفوذ خود را آلوده نمایند و به فساد مبتلا کنند. آنها که مخالف پاراسایی و پاکی اند، از این طریق میتوانند اعمال قدرت کنند. هر یک از شما جوانان که پاک زندگی میکنند، این پاکی را مجاهدت در مقابل سلطه بیگانگان و دشمنان بدانند. همچنین، هر کدام از شما مدیران و مسئولان که مجموعه‌ای را پاک پرورش می‌دهد، آن را حرکتی علیه تسلط دشمنان بر کشور، مردم و ارتستان به حساب آورد. ملتی که می‌خواهد سرنوشت خود را به دست گیرد و خود را نجات دهد، باید به سمت صلاح و پاکی حرکت کند.^{۲۳۵}

الزامات و پیش شرط‌های مبارزه با فساد

(۱) اولویت مبارزه با فساد در درون دستگاه‌های حکومتی

در مبارزه با فساد اقتصادی، هدف، مبارزه با فساد اقتصادی در دستگاه‌های حکومتی و افرادی است که با سوءاستفاده مستقیم و غیرمستقیم از جایگاه و قدرت خود و منابع دولتی و عمومی در جهت تأمین منافع شخصی و گروهی اقدام می‌نمایند و به اقتصاد کشور ضربه وارد می‌کنند.^{۲۳۶} باید با فساد در دستگاه‌های دولتی و دیگر دستگاه‌های حکومتی مبارزه شود. متعهد این مبارزه، خود مسئولان قوای مختلف هستند. در درجه اول، برای جلوگیری از فساد در دولت، خود مسئولان دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسئولند. نگذارند در مجموعه‌های آنها فساد به وجود آید. اگر آنها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدی بگیرند، بهتر از هر کس خواهند توانست مبارزه کنند. البته باید حواسشان جمع باشد که دامنه‌های خود را پاکیزه نگهدارند. این را همه بدانند: کسی که خودش آلوده به فساد باشد، قادر نخواهد بود با فساد مبارزه کند. خود مسئولان باید با هشیاری و دقت، با این پدیده مبارزه کنند.^{۲۳۷}

^{۲۳۴} بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۸۰/۱۰/۱۹

^{۲۳۵} بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه هوایی ۱۳۷۳/۳/۱

^{۲۳۶} دیدار اعضای ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی با رهبر انقلاب ۱۳۸۱/۴/۱۷

^{۲۳۷} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه‌شعبان ۱۳۸۱/۷/۳۰

۲) قاطعیت و عدم تسامح و تزلزل در مبارزه با فساد

با آغاز مبارزه‌ی جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمزمه‌ها و بتدریج فریادها و نعره‌های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفتها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر میشوند و طبیعی است بددلانی که با سعادت ملت و کشور مخالفند یا ساده‌دلانی که از القائات آنان تأثیر پذیرفته‌اند با آنان همصدا شوند. این مخالفتها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکند. به مسئولان خیرخواه در قوای سه‌گانه پیامیزید که تسامح در مبارزه با فساد، بنوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاههای دولتی و قضائی در گرو آن است که این دستگاهها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند.²³⁸ در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچکس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمیتواند با عذر انتساب به این‌جانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب‌کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.²³⁹ کسانی که با فساد مبارزه می‌کنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حق فاسد و مفسد، مَر قانون را اعمال کنند... این کار باید به نحو صحیح و قاطع انجام گیرد و دنبال شود.²⁴⁰

۳) مبارزه با فساد باید هوشمندانه و دقیق و ظریف انجام گیرد

ضربه‌ی عدالت باید قاطع ولی درعین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بیگناهان، یا معامله‌ی یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بی‌گمان، اکثریت کارگزاران در قوای سه‌گانه کشور را تشکیل میدهند نباید مورد سوءظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکو است که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه‌ای مهم شناخته شود.²⁴¹

²³⁸ بند اول فرمان ۸ ماده ای مبارزه با فساد رهبری در سال ۱۳۸۰

²³⁹ فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی ۱۳۸۰/۲/۱۰

²⁴⁰ بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر ۱۳۸۰/۱۱/۳

²⁴¹ بند چهارم فرمان ۸ ماده ای مبارزه با فساد رهبری در سال ۱۳۸۰

۴) حرکت در ریل قانون

قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد؛ در مجموعه‌ی دستگاهها این باید نهادینه بشود.^{۲۴۲} ما باید بتوانیم مبارزه‌ی درست با مفاسد اقتصادی را در سطح قانونی انجام بدهیم.^{۲۴۳} قانون اساسی ما یک قانون مترقی، بسیار مستحکم و بسیار هوشمندانه نوشته شده است. براساس این قانون، همه چیز در جای خود قرار دارد و قرار گرفته است. توصیه‌ی من به همه‌ی مسئولان، به همه‌ی مراکز قانون‌گذاری، به همه‌ی مراکز قانونی و به همه‌ی آحاد ملت، رعایت قانون است. اگر ما قانون را رعایت کنیم، دشمن نمی‌تواند به طمع‌ورزی خود ادامه دهد. قانون باید رعایت شود. قانون، راه نفوذ دشمن را هم بسته است.^{۲۴۴}

۴) اقدام و عمل به جای برخورد شعاری و تظاهر گونه

برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد.^{۲۴۵} حرف زدن راجع به فساد که فایده‌ای ندارد؛ با «دزد دزد» گفتن، دزد از دزدی دست برنمی‌دارد؛ باید رفت، وارد شد. مسئولان کشور، روزنامه که نیستند که راجع به فساد حرف می‌زنند. بله، روزنامه راجع به فساد ممکن است حرف بزند، من و شما که مسئول هستیم باید اقدام کنیم؛ حرف دیگر چیست؟ وارد بشوید؛ [اگر] بلدیم اقدام کنیم، جلوی فساد را به معنای واقعی کلمه بگیریم.^{۲۴۶} با این امر مهم و حیاتی نباید بگونه‌ی شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. بجای تبلیغات باید آثار و برکات

^{۲۴۲} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۲/۶/۶

^{۲۴۳} بیانات در اجتماع کارگران کارخانه‌جات تولیدی داروپخش ۱۳۹۱/۰۲/۱۰

^{۲۴۴} بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

^{۲۴۵} بیانات در ۱۳۸۰/۰۵/۱۱

^{۲۴۶} بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۴/۰۲/۰۹

عمل، مشهود گردد. به دست‌اندرکاران این مهم تأکید کنید که بجای پرداختن به ریشه‌ها و ام‌الفسادها به سراغ ضعفا و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند.^{۲۴۷}

۵) اقدام همه جانبه همراه با هماهنگی و همکاری قوا

مبارزه با فساد، یک جهاد واقعی و البته کار بسیار دشواری است. اگر این جهاد بزرگ بخواهد موفق شود و پیش برود یک شرط مهم و اصلی آن این است که همه مسؤولان کشور با یکدیگر همدل و شریک باشند. البته رؤسای قوا بحمدالله در این کار همکاری و همدلی می‌کنند؛ اما در همه‌ی سطوح، مسؤولان کشور و قوای سه‌گانه باید در این راه با یکدیگر همکاری کنند و عزم جدی نشان دهند. هر کدام از قوا در این زمینه سهمی دارند و باید نقش خود را ایفا کنند. در میان مسؤولان - چه در دولت، چه در قوه قضائیه و چه در مجلس - هیچ کس نمی‌تواند نسبت به این کار بزرگ، که برای سرنوشت کشور و ملت و نظام اسلامی تعیین‌کننده است، خود را کنار بکشد و شانه از این کار خالی کند. همه باید در این زمینه فعال باشند.^{۲۴۸} خشکانیدن ریشه‌ی فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در این باره، مستلزم اقدام همه‌جانبه به‌وسیله‌ی قوای سه‌گانه مخصوصاً دو قوه‌ی مجریه و قضائیه است. قوه‌ی مجریه با نظارتی سازمان‌یافته و دقیق و بی‌اغماض، از بروز و رشد فساد مالی در دستگاهها پیشگیری کند، و قوه‌ی قضائیه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد. بدیهی است که نقش قوه‌ی مقننه در وضع قوانین که موجب تسهیل راهکارهای قانونی است و نیز در ایفاء وظیفه‌ی نظارت، بسیار مهم و کارساز است.^{۲۴۹}

^{۲۴۷} فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی ۱۳۸۰/۲/۱۰

^{۲۴۸} بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر ۱۳۸۰/۱۱/۰۳

^{۲۴۹} فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد اقتصادی ۱۳۸۰/۰۲/۱۰

۶) پرهیز از مبالغه و افراط و تفریط

من با افراط‌کاری و زیاده‌رویهای گوناگون در هر جهتی، موافق نیستم. با اعتدال، با روش منطقی و صحیح مسائل را دنبال کنید.^{۲۵۰} مبارزه با فساد باید با جدیت، دقت، بی‌نظری کامل و دوری از تندروی و زیاده‌روی باشد.^{۲۵۱} از دو نقطه‌ی متقابل، گاهی بعضی حرفها گفته می‌شود که به نظر ما درست نیست. مثلاً وقتی بحث مبارزه با فساد مطرح می‌شود، از یک نقطه کسانی می‌گویند چرا اصلاً شما فساد را به‌عنوان یک مسأله در جامعه مطرح می‌کنید؟ به‌نظر ما این حرف نادرستی است؛ چون فساد وجود دارد. البته در این‌جا فساد، مثل مافیاهایی که در برخی دولتها و نظامها وجود دارد، گسترده و سازمان‌یافته نیست. به فضل پروردگار در نظام جمهوری اسلامی - لااقل در تشکیلات مسؤول دولتی - فساد سازمان‌یافته وجود ندارد؛ اما فساد به‌میزانی وجود دارد و در همه جا و در همه‌ی زمانها هم امکان بروزش هست و باید با آن مبارزه کرد. در دنیا بعضی از دستگاهها هستند که اصلاً مبارزه با فساد و تبعیض و بی‌عدالتی را قبول ندارند؛ حتی اسمش را هم نمی‌آورند. بعضی کشورها ممکن است به‌صورت نمایشی چنین کارهایی بکنند؛ بعضی جاها نمایشی هم نیست؛ از روی ناچاری است و به‌عنوان سوپاپ امن این کارها را می‌کنند؛ اما در کشور ما این حرکت و این فکر، برخاسته از اعتقاد ماست؛ فلسفه‌ی وجودی ماست. هرچه نکنیم، ناشی از نتوانستن است؛ این راه و حرکت ماست. بنابراین اگر کسی اعتراض کند چرا بحث مبارزه با فساد را پیش می‌آورید، اعتراض بجایی نیست. فساد را نباید انکار کرد؛ مبارزه با فساد را باید قبول کرد؛ اما مبالغه در مسأله‌ی فساد هم نباید باشد.

یک عده هم از آن طرف مقابله می‌کنند و همه را فاسد و کج‌دست و ناپاک‌دامن تلقی می‌کنند و اگر کسی هم چنین تلقی‌ای داشته باشد، خوششان می‌آید. دشمن، نیازمند به اغتشاش افکار عمومی و ابهام‌آفرینی است. دشمن از هر دو موج مخالف استفاده می‌کند. از یک طرف آن حرفها را دلیل می‌گیرد بر وجود فساد و مبالغه در فساد می‌کند؛ از یک طرف خواهد گفت این کار

^{۲۵۰} بیانات در دیدار دانشجویان نخبه و نفرات برتر کنکور و فعالان تشکلهای سیاسی فرهنگی

دانشگاه‌ها ۱۳۸۶/۷/۱۷

^{۲۵۱} پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابتدای سال ۱۳۸۱

نمایشی است. بنابراین از همه طرف ما را محاصره‌ی تبلیغاتی می‌کند. ما باید صراط مستقیم را بشناسیم و راه درست را دنبال کنیم.^{۲۵۲}

راهکارهای عملی برای مبارزه با فساد

الف) مبارزه با فساد توسط قوه مجریه

ب) مبارزه با فساد توسط قوه قضائیه

ج) مبارزه با فساد توسط قوه مقننه

الف) مبارزه با فساد توسط قوه مجریه

در درجه اول، برای جلوگیری از فساد در دولت، خود مسؤولان دولتی، خود وزرا و خود مدیران ارشد مسؤولند. نگذارند در مجموعه‌های آنها فساد به وجود آید. اگر آنها بخواهند مبارزه کنند و اگر این مبارزه را جدی بگیرند، بهتر از هر کس خواهند توانست مبارزه کنند.^{۲۵۳} جای اصلی برخورد با فساد و فسادستیزی قوه‌ی مجریه است که زمینه‌های تولید فساد از بین برود؛ نقش قوه‌ی قضائیه بعد از اینها است؛ بعد از آنکه شما تلاش خودتان را کردید، جلوگیری کردید، زمینه‌های فساد را از بین بردید و امثال اینها، و باز یک اتفاقی افتاد، آن وقت نوبت ورود قوه‌ی قضائیه است. باید مسئله‌ی تعارض منافع شخصی و منافع عمومی و رشوه و اختلاس و [امثال] این حرفها در دستگاه‌های دولتی حل بشود.^{۲۵۴}

^{۲۵۲} بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

^{۲۵۳} بیانات در ۱۳۸۱/۷/۳۰

^{۲۵۴} بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم ۱۴۰۰/۶/۶

روش‌های مقابله با فساد در قوه مجریه

(۱) تقوای مسئولان

اگر در نظامی، مسؤولان نظام با تقوا باشند، فساد در آن نظام راه پیدا نمی‌کند.^{۲۵۵} از جمله‌ی جاهایی که تقوا باید خودش را نشان بدهد اینجا است؛ یکی مسئله‌ی رعایت بیت‌المال است، یکی مسئله‌ی خویشتن‌داری در برابر طغیان نفس است؛ مال‌اندوزی، مشکلات اخلاقی، میل به زندگی تجملاتی و اشرافیت؛ اینها چیزهایی است که ما مسئولین جمهوری اسلامی باید خیلی مراقب باشیم. وَ سَكَنُكُمْ فِي مَسَاكِينِ الَّذِينَ ظَلَمُوا؛^{۲۵۶} خب، اینکه ما در همان ساختمانی که آن طاغوت حکمرانی میکرد حکمرانی کنیم، مثل او هم عمل نکنیم که نشد، [در این صورت] ما با او فرقی نداریم. روشمان بایستی با روش بندگان شیطان و اتباع شیطان متفاوت باشد.^{۲۵۷} من و شما که [جزو] مسئولین هستیم در کشور و مدیریتهای مختلف به عهده‌ی ماها است، حرکتان، قولمان، فعلمان، ضمیرمان، تصمیممان، به سرنوشت مردم ارتباط پیدا میکند؛ و اینجا است که تقوا اهمیّت پیدا میکند.^{۲۵۸}

(۲) مطالعه و ریشه‌یابی و بستن گلوگاه‌های فساد

مفاسد اقتصادی را صرفاً به عنوان یک کار خلاف نباید در کشور در نظر گرفت. این کار اگر چنانچه دنبال نشود، تعقیب نشود، ریشه‌یابی نشود، قوای مختلف کشور دست به دست هم ندهند برای خشک کردن ریشه‌ی این کار، ضربه و خطرش برای کشور بسیار کلان و عظیم خواهد بود.^{۲۵۹} از جمله مسائلی که در این مبارزه وسیع حتماً باید مورد توجه قرار گیرد، این است که تنها با کسی که فساد کرده و فساد می‌کند که تحقیق پیدا کرده است، برخورد نشود؛ مواظب باشند فساد به وجود نیاید. بنده به مسؤولان دستگاههای اجرایی و قضایی تأکید کرده‌ام، بگردند ببینند جاهایی که

^{۲۵۵} بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه ۱۳۷۶/۰۶/۲۶

^{۲۵۶} سوره مبارکه ابراهیم آیه ۴۵

^{۲۵۷} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴

^{۲۵۸} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴

^{۲۵۹} بیانات در دیدار مسئولان قضائی کشور ۱۳۸۷/۰۴/۰۵

گلوگاه فساد است، کجاست؛ آن‌جا را تحت نظارت قرار دهند و نگذارند از اوّل فسادى به وجود بیاید.^{۲۶۰} بایستی با نگاه کارشناسی، زمینه‌ی بروز فساد را و تولید فساد را شناسایی کرد، شناخت و با همان نگاه کارشناسی، به جنگ فساد رفت و برای ریشه‌کنی فساد تلاش کرد و کار کرد.^{۲۶۱}

۳) بستن راه نفوذ دشمن

آنچه امروز برای این ملت اهمیت دارد، این است که مسؤولان کشور با همه‌ی قدرت و توان، شاخصهای اصلی را برای اصلاح امور کشور در نظر بگیرند؛ همان سه شاخص عمده‌ای که گفته شد: مبارزه‌ی با فقر، مبارزه‌ی با فساد، مبارزه‌ی با تبعیض. این اساس قضیه است. اگر فقر و فساد و تبعیض به وسیله‌ی مسؤولان کشور تحمل نشود؛ رضای الهی، توفیق الهی، هدایت الهی، شامل حال همه خواهد شد؛ گره‌ها باز خواهد شد. این ملت در میدان است؛ این ملت با وفاست؛ این ملت به قرآن دل داده است. اگر بخواهیم این کارها انجام گیرد، راهش این است که جلو نفوذ دشمن با کمال قدرت بسته شود. امام بزرگوار ما، قاعده‌ای پیش خودشان داشتند و بارها هم آن را بر زبان می‌آوردند. می‌گفتند هر جا که دیدید دشمنان سوگند خورده‌ی این ملت و این کشور، آن‌جا توجه و علاقه‌مندی نشان می‌دهند و از آن‌جا دفاع می‌کنند، به کار آنها سوءظن پیدا کنید. گاهی برای این‌که شخصیتی را خراب کنند، از او جانبداری می‌کنند. گاهی برای این‌که یک دست‌نشانده‌ی خود را بزرگ کنند، از او حمایت می‌کنند و جنگ روانی به راه می‌اندازند. خوشبختانه ملت ما سیاسی است؛ ملت ما هشیار و بیدار است و فریب این چیزها را نخواهد خورد.^{۲۶۲}

^{۲۶۰} بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر ۱۳۸۰/۱۱/۰۳

^{۲۶۱} بیانات در ۱۳۹۹/۰۴/۰۷

^{۲۶۲} بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۰۷/۱۴

۴) مقابله با ثروت‌های باد آورده

ما احتیاج داریم که یک رابطه‌ی مستقیمی بین درآمد و کار وجود داشته باشد؛ یعنی [مطابق] این آیه‌ی "لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى". درآمد بایستی ناشی از سعی باشد، ناشی از کار باشد، ناشی از تلاش باشد... این یعنی چه؟ یعنی [روش کسب] خیلی از این پولهای بادآورده و ثروتهای بادآورده غلط است. ما باید فرهنگ ثروت بادآورده را در کشور متوقف کنیم... خیلی از این واسطه‌گری‌ها، خیلی از این سوداگری‌ها، خیلی از این دلال‌بازی‌ها، این رشوه دادن و رشوه گرفتن‌ها در بعضی از جاها، این رباخواری‌ها در بعضی از بخشهای اقتصادی کشور، این ویژه‌خواری‌ها، که ارتباط با فلان کس موجب بشود یک درآمد آسان بی‌دردسر بدون کاری گیر آدم [بیاید]، همه‌ی اینها برای جامعه مضر است... خیلی از این تبعیض‌ها، خیلی از این کارهای تجملاتی، خیلی از این ثروتهای مضر - که آثار فسادش را انسان در جامعه میبیند و کسانی مصداق «مُتَرَفِّينَ» در جامعه هستند که در قرآن ذکر شده‌اند - خیلی از اینها ناشی از همین است که ارتباط درآمد و سود و بهره با کار قطع شده؛ کار نیست، [اما] درآمد هست؛ این نمیشود؛ درآمد باید ناشی از کار باشد. اگر با فساد مبارزه کردیم، در این فرهنگ پیشروی خواهیم کرد. مسئله‌ی مبارزه‌ی با فساد. فساد چیست؟ فساد، رشوه است، فساد ویژه‌خواری است، فساد ربا است؛ اینها فساد است دیگر، مفاسد است. اگر با اینها هر گامی که در راه مبارزه‌ی با فساد انجام بگیرد، یک گام واقعی در راه پیشرفت در این فرهنگی است که عرض کردیم^{۲۶۳}

۵) مقابله با جنجال و هیاهوی مفسدین

من شک ندارم، کسانی که نمی‌خواهند این کشور به سامان اسلامی خود برسد، سعی می‌کنند جلو این حرکت را بگیرند. البته مسؤولان ما خوشبختانه قاطع و عازم و جازمند؛ اما ممکن است آن افراد، گرفتاری و جنجال درست کنند. این نکته را هم به همه ملت عزیزمان عرض کنم: مواظب و مراقب باشید؛ مبادا با ایجاد یک جنجال در گوشه‌ای، این حرکت عظیم را تحت الشعاع قرار دهند و به دست فراموشی بسپارند. اینها هوشیاری ملت عزیز ما را می‌طلبد. البته مسؤولان هم باید

مواظب باشند و بهانه‌ها را از دست دشمنان بگیرند. اگر مشکلاتی در بعضی از قشرها وجود دارد، تا آن جایی که امکانات مملکت اجازه می‌دهد، این مشکلات را برطرف کنند و نگذارند دشمنان بهانه به دست آورند و جلو حرکت مبارزه با فساد را بگیرند. در سالهای گذشته، شعار مبارزه با فساد، مکرر مطرح شد؛ در جلسات، به برخی مسؤولان تأکید شد؛ در محافل عمومی، برای مردم بیان شد؛ اما با همین گونه جنجالها و مغلطه‌کاریها نگذاشتند پیش برود. مسؤولان عالی کشور به کسانی که زندگی آنها در لجنزار فساد و رشدشان با فساد است، نباید اجازه دهند با بهانه‌های گوناگون، جلو این کار بزرگ را بگیرند.^{۲۶۴}

۶) بکارگیری مدیران شجاع و فساد ستیز و معتقد به تحقق عدالت

مبارزه‌ی با فساد، کار دشواری است؛ کاری است که انسان، مخالف پیدا میکند. شایعه درست میکنند، دروغ میگویند و آن کسی که در این میدان جلوتر از دیگران حرکت کند، بیشتر از همه مورد تهاجم قرار میگیرد. این مبارزه هم لازم است و باید انجام بگیرد. خوب، کسانی که بخواهند این کارهای بزرگ را... در زمینه‌ی عدالت انجام دهند، باید مدیرانی باشند که به این چیزها معتقد باشند؛ حقیقتاً عقیده داشته باشند که باید عدالت برقرار شود، باید با فساد مبارزه شود. مدیران معتقد و مؤمن به این مبانی که دارای شجاعت باشند، دارای اخلاص باشند، دارای تدبیر و عزم راسخ باشند، قطعاً میتوانند این مقاصد و این اغراض عالی الهی را تحقق ببخشند.^{۲۶۵} کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه‌ی قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که میخواهد با ناپاکی دریفتد باید خود پاک باشد، و کسانی که میخواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند.^{۲۶۶}

^{۲۶۴} بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر ۱۳۸۰/۱۱/۰۳

^{۲۶۵} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

^{۲۶۶} بند سوم فرمان ۸ ماده ای مبارزه با فساد رهبری در سال ۱۳۸۰

۷) شناسایی نقاط آسیب پذیر اقتصادی کلان و ارائه گزارش به قوا توسط وزارت اطلاعات وزارت اطلاعات موظف است در چهارچوب وظائف قانونی خود، نقاط آسیب پذیر در فعالیتهای اقتصادی دولتی کلان مانند: معاملات و قراردادهای خارجی، و سرمایه گذاریهای بزرگ، طرح های ملی، و نیز مراکز مهم تصمیم گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضائی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و بطور منظم به رئیس جمهور گزارش دهد.^{۲۶۷}

۸) ایجاد و استفاده از سامانه های اطلاعاتی و خدماتی

یکی از مصادیق مهم این مسئله ی فساد، تخلفاتی است که در اجرای سیاستهای اصل ۴۴ به وجود می آید... ابزارهایی... برای این مبارزه وجود دارد؛ [از جمله] این سامانه های اطلاعاتی و خدماتی که از چند سال قبل، این سامانه ها قانونی شده؛ و بنده هم مکرر توصیه کردم به اینکه این سامانه ها را راه اندازی کنند، اینها را با هم مرتبط کنند که به معنای واقعی کلمه یک اشراف کاملی به دولت خواهد داد برای اینکه بتواند جلوگیری از فساد کند؛ [اما این کار] نشده، پیش نرفته؛ همت کنید این سامانه ها را ان شاء الله تمام کنید؛ این سامانه ها یک هوشمندی کاملی به دستگاه حکومت و دولت خواهد داد که بتواند در امور اشراف داشته باشد.^{۲۶۸} این هم مثل سامانه ی صدور مجوزهای سرمایه گذاری، سامانه ی مالیات، سامانه ی مبارزه ی با قاچاق کالا و ارز، سامانه ی مربوط به پولشویی خیلی مهم است و برای هر ساختاری که شما بخواهید اصلاح بکنید، این سامانه ها ضروری است؛ علاوه بر اینکه به طور جاری هم به شما کمک میکند.^{۲۶۹}

۹) شفافیت در اقتصاد

اگر چنانچه وضع اجتماع، وضع اقتصادی کشور مثل یک خانه ی بی در و دروازه ای بود که هر که خواست آمد، هر جور خواست عمل کرد، هر چه خواست برد، خورد، خب معلوم است، انسان

^{۲۶۷} بند شش فرمان ۸ ماده ای مبارزه با فساد ابلاغی رهبری سال ۱۳۸۰

^{۲۶۸} بیانات در نخستین دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم ۱۴۰۰/۰۶/۰۶

^{۲۶۹} بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت ۱۳۹۹/۶/۲

نجیب شایسته‌ی متینی که می‌خواهد از راه حلال ارتزاق کند، طبعاً جلو نمی‌آید. شفاف‌سازی، شرط اصلی این فسادستیزی است؛ باید شفاف‌سازی بشود.^{۲۷۰} بایستی فعالان بخش خصوصی بدانند فرصت‌های سرمایه‌گذاری کجاست، کدام‌هاست؛ همه مطلع باشند، استفاده‌های ویژه‌خوارانه نشود. محصور بودن اطلاعات، محدود بودن اطلاعات به بعضی از افراد، دون بعضی، موجب ویژه‌خواری‌های عجیبی می‌شود که گاهی ثروت‌های بادآورده‌ی یک‌شبه را برای افرادی که سوءاستفاده‌چی هستند، فراهم می‌کند؛ به‌خاطر اینکه اطلاع دارند که بناست فلان کالا بیاید، فلان کالا تولید بشود، فلان کالا جلوی‌ش گرفته بشود، قیمت فلان کالا بالا برود یا پایین بیاید، یا فلان قانون تصویب بشود. این‌هایی که مطلعند، سوءاستفاده می‌کنند. اطلاعات باید عمومی بشود. باید شفاف‌سازی اطلاعات صورت بگیرد.^{۲۷۱}

۱۰) بازرسی‌های دائمی

منصب حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ وسوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمی‌گذارد. حالا شما به خودتان نگاه نکنید که متدینید و سطح بالا هستید و مقاومت می‌کنید در مقابل این وسوسه‌ها؛ در درجات پائین ممکن است در مقابل این وسوسه‌ها نتوانند مقاومت بکنند. شما باید مراقب باشید، شما باید چشم بصیر بینای خودتان را بر سرتاسر این دستگاهی که زیر اشراف شما است و تحت مدیریت شما است، آنچنان بگسترانید که نگذارید در یک گوشه‌ای ناسلامتی اقتصادی به‌وجود بیاید و این وسوسه‌ها کارگر بشود. حتی قبل از آنکه دستگاه‌های نظارتی وارد بشوند؛ خب، ما دستگاه‌های نظارتی در کشور داریم، آنها وظیفه‌ای دارند؛ چه آنچه مربوط به مجلس است، چه آنچه مربوط به قوه قضائیه است، چه آنچه مربوط به خود قوه مجریه است - مثل بازرسی‌های قوه مجریه - لکن قبل از آنکه نوبت به آنها برسد، خود مدیر دستگاه مراقب سلامت [آن] باشد و این احتیاج دارد به نگاه دائم؛ غفلت نباید کرد. بنده گاهی برای این دوستان و مدیرانی که با اینها می‌نشینیم صحبت می‌کنیم، مثال می‌زنم، می‌گویم مثل این نورافکن‌هایی که ملاحظه کرده‌اید در بعضی از قلعه‌ها و مانند اینها یک نورافکنی دائم دارد همین‌طور دور می‌زند،

^{۲۷۰} بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^{۲۷۱} بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

این نورافکن نگاه شما باید دائم دُور بزند؛ یعنی هیچ راه نفوذ وجود نداشته باشد؛ دائم باید نگاه کنیم، مراقبت بکنیم. واقعاً فساد مثل موریانه است؛ نگذارید که فساد و رشوه و پارتی‌بازی و اسراف و تجمل و خرجهای زیادی و مانند اینها، در دستگاهتان نفوذ بکند.^{۲۷۲}

۱۱) اصلاح قواعد و روش‌های اداری

باید مقررات را شفاف کنند، راهها را کوتاه کنند، پیچ و خمهای اداری را کم کنند. اینکه اختیار یک فعالیت اقتصادی ناگهان برگردد به یک مأموری که پشت فلان میز و در فلان اداره نشسته، که او بتواند بگوید آری یا نه، و سرنوشت یک کار را فراهم بکند، این بزرگترین ضربه است. این مأمور در معرض خطر است؛ در معرض لغزش است. باید کاری کرد که این، پیش نیاید. باید قواعد، قوانین و روشها اصلاح شود و بر اساس آنچه که در اینجا هست، تغییر پیدا کند.^{۲۷۳}

ب) مبارزه با فساد توسط قوه قضائیه

مبارزه‌ی با فساد، هم در درون قوه محل کلام است، هم بیرون قوه؛ لکن اولویت با درون قوه است... علتش هم این است که این [قوه]، مسئول رفع فساد است؛ اگر خودش فاسد شد، گناه او نابخشودنی است.^{۲۷۴} اگر چنانچه فساد در داخل قوه‌ی قضائیه به وجود بیاید، ضررش بسیار بیشتر از فساد بیرون قوه‌ی قضائیه است؛ مثل همان «وای به روزی که بگندد نمک» است؛ یعنی این جوری نیست که بتوانیم مثل بقیه‌ی فسادها با آن برخورد کنیم؛ نه، ضربه و سنگینی این خیلی زیاد است و حقیقتاً برخورد جدی و کارشناسی لازم دارد. بنابراین در درجه‌ی اول، نگاه باید به فساد درون قوه باشد.^{۲۷۵}

دادن امنیت به مردم یک پایه‌ی مهمش روی دوش قوه‌ی قضائیه است. چه امنیت اجتماعی، چه امنیت اقتصادی، چه امنیت اخلاقی، چه امنیت حیثیتی. درست است که دستگاههای گوناگون

^{۲۷۲} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت - ۱۳۹۲/۶/۶

^{۲۷۳} بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰

^{۲۷۴} بیانات در ۱۳۹۸/۰۴/۵

^{۲۷۵} بیانات در ۱۳۹۹/۰۴/۷

اجرائی هرکدام به نحوی در این کارها با قوهی قضائیه شریکند درست است که مسئولان استقرار امنیت اقتصادی غالباً در دستگاههای اجرائی اند - وزارتخانه‌های اقتصادی و دستگاههای پولی و بانکی - و اینها مسئولند؛ اما نقش قوهی قضائیه این است که اگر در مجموعه‌ی این عملکردها و تعامل این دستگاهها با مردم، مفسد اقتصادی به وجود آمد، قوهی قضائیه آنچنان با او برخورد کند که برخوردش موجب عبرت برای کسانی باشد که دستگاه اقتصادی را به فساد میکشاند. این، خود یک عامل مهم در ایجاد امنیت اقتصادی است.^{۲۷۶}

روش‌های مقابله با فساد در قوه قضائیه

(۱) نا امن کردن محیط اقتصادی برای مفسدین

کسانی که با فساد مبارزه میکنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حق فاسد و مفسد، مُر قانون را اعمال کنند. این کار باید به نحو صحیح و قاطع انجام گیرد و دنبال شود. کسی که وسوسه میشود وارد میدان فساد مالی شود، باید بداند دردرس این کار زیاد است. بفهمد مردم و مسئولان کشور با این قضیه برخورد میکنند. این یکی از شرایط بسیار مهم است.^{۲۷۷}

(۲) مقابله با قاچاق و ویژه‌خواری

با فساد مبارزه‌ی جدی بشود، با ویژه‌خواری مبارزه‌ی جدی بشود، با قاچاق مبارزه‌ی جدی بشود؛ اینها دارد به اقتصاد کشور لطمه میزند و ضررش را مردم می‌بینند. اگر ما در مقابل آن مجموعه‌ای که فرض بفرمایید با زدوبست‌هایی در زمینه‌ی مسائل اقتصادی ویژه‌خواری میکنند، خودشان را از امتیازات ویژه برخوردار میکنند و یا دچار فساد پولی و مالی و اقتصادی میشوند، سهل‌انگاری کنیم، قطعاً کشور ضرر خواهد کرد؛ نباید سهل‌انگاری بشود.^{۲۷۸} مسئله‌ی مبارزه‌ی با قاچاق را این‌همه ما تأکید کردیم؛ دولتهای مختلف از سالها پیش همین‌طور مرتب آمده‌اند رفته‌اند؛ خب،

^{۲۷۶} بیانات در دیدار خانوادگی شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۸۶/۰۴/۷

^{۲۷۷} بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر ۱۳۸۰/۱۱/۰۳

^{۲۷۸} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۵/۰۱/۰۱

این کار یک کاری است که باید تحقق پیدا کند و این هم ممکن است؛ نگویند نمیشود، کاملاً میشود؛ جلوی قاچاق را به طور قاطع بگیرند. بنده یک وقتی گفتم فقط سرِ مرز دنبال قاچاق نروید؛ میلیاردها دلار امروز در داخل کشور - که حالا من چون رقم دقیقش را مختلف میگویند، نمیتوانم معین بکنم که چقدر؛ اما رقمهای گزافی گفته میشود - دارد صرف جنس قاچاق میشود. قاچاق را از لب مرز و از پیش از مرز تا داخل مغازه دنبال کنید. این، یک قلم بسیار مهم است؛ یک کار بسیار مهم است.^{۲۷۹}

۳) استفاده از ظرفیت دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در پیشگیری از فساد

پیشگیری از وقوع مفسده هم به عهده‌ی قوه قضائیه است. به قانون اساسی مراجعه کنید، ملاحظه کنید، یکی از وظائف قوه‌ی قضائیه در قانون اساسی همین پیشگیری است. خوب، پیشگیری ابزارهای لازم خودش را دارد، دستگاههای متناسب خودش را دارد. پیشگیری با استفاده‌ی از ضابطین قضائی هم احياناً خواهد بود؛ از جمله دستگاههای امنیتی، از جمله دستگاههای اطلاعاتی. از همه‌ی اینها باید در پیشگیری استفاده شود.^{۲۸۰}

۴) استفاده از کمک فعالیت‌های اطلاعاتی مردمی

خیلی از کارهایی که دستگاه‌های اطلاعاتی ما یا نمیتوانند انجام بدهند یا به دلایل مختلفی لایه‌لای کارها میماند، گاهی به وسیله‌ی عناصر هوشیار و آگاه (مردمی) اطلاع‌رسانی میشود و تأثیر داشته. به خود ما گاهی اطلاع‌رسانی شده، تأثیر کرده و دنبال شده و کارهای مثبتی انجام گرفته. فرض کنید [اطلاع‌رسانی] یک سوء استفاده در زمینه‌ی قاچاق، در زمینه‌ی واردات گوناگون؛ مثل همین‌هایی که حالا یکی از دوستان اینجا اسم آوردند، خوراک سگ و امثال اینها؛ مجموعه‌هایی میتوانند در این زمینه‌ها فعال باشند^{۲۸۱}.

^{۲۷۹} بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور ۱۳۹۴/۲/۹

^{۲۸۰} بیانات در دیدار مسئولان قضائی کشور ۱۳۸۷/۴/۵

^{۲۸۱} بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۸/۰۳/۱

۵) اولویت برخورد با دانه درشت ها

دستگاه قضایی باید برای رسیدگی به پرونده‌های مفاسد اقتصادی از بهترین، قویترین و پاکیزه‌ترین قضات استفاده نماید و بدون هیچگونه تبعیضی اصل را بر برخورد با دانه درشت‌ها قرار دهد.^{۲۸۲} فاسدهای دانه‌درشت، لشکریایی هم دارند؛ اینها در مقابل میایستند و انواع کارشکنیها را میکنند. کارشکنی هم، همه‌اش این نیست که کسی چاقو بکشد و به کسی حمله کند. امروز از چاقوکشیدن خطرناکتر هم هست: تهمت میزنند، شایعه درست میکنند، کار فرهنگی میکنند و به کسانی که از این حرفها بزنند و بخواهند این اقدامات را بکنند، برچسبهای نادرست و ناحق میزنند. باید با اینها مقابله کرد و صریح و صادق وارد میدان شد. باید آن تلاش و فعالیت اقتصادی انجام گیرد؛ باید به آن ارتقای فرهنگ دینی و ایمانی همت گماشته شود؛ باید مبارزه با فساد از همه طرف - چه از طرف رئیس‌جمهوری، چه از طرف بقیه قوا - دنبال شود. طوری شود که ان شاء الله مردم حرکت به سمت صلاح را حس کنند.^{۲۸۳}

۶) تبیین و اطلاع رسانی در برخورد با مفسدین

با موردی که واقعاً فساد است، باید برخورد قاطع و روشن بشود؛ آنجایی که واقعاً مفسد اقتصادی است، باید صریح و روشن برخورد بشود و برخورد هم البته با تبیین [باشد].^{۲۸۴} ما باید برخورد کنیم بعد برخورد را به مردم بگوییم، یک نفر فاسد را پیدا کنیم یا یک گروه فاسد را پیدا کنیم، برخورد قانونی قوی رضایت‌بخش نکنیم، بعد همین را به اطلاع مردم برسانیم، بگوییم این کار اتفاق افتاد؛ این خوب است.^{۲۸۵} تبلیغات درخصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی باید صحیح، جدی، پیگیر، هدایت شده و براساس عقل و تدبیر باشد.^{۲۸۶} هرگونه اطلاع‌رسانی به افکار

^{۲۸۲} دیدار اعضای ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی با رهبر انقلاب ۱۳۸۱/۴/۱۷

^{۲۸۳} بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۰/۲/۲۸

^{۲۸۴} بیانات در ۱۳۹۷/۰۴/۰۶

^{۲۸۵} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۷/۰۴/۲۴

^{۲۸۶} دیدار اعضای ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی با رهبر انقلاب ۱۳۸۱/۴/۱۷

عمومی که البته در جای خود لازم است، باید بدور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد.^{۲۸۷}

۷) پرهیز از جنجال و هیاهو در امر مبارزه با فساد و توجه به سرعت و قاطعیت

من به مسئولین قوه قضاییه و مجریه سفارش کردم که جنجال به راه نیندازند؛ جنجال موجب گم شدن اصل مسأله می شود. باید با آن مبارزه کرد. این مبارزه در قوه مجریه به معنای پیشگیری و جلوگیری از رشد فساد مالی از طریق دهانه ها و دروازه های آن است در قوه قضاییه مبارزه به نحوی دیگر است و تعقیب مجرمین و فسادانگیزان و مجازات آنها را شامل می شود.^{۲۸۸} بنده در پرونده های مفاسد اقتصادی معتقد به جنجال و هیاهو نیستم، لیکن معتقد به سرعت و قاطعیت در کار هستم. سرعت غیر از عجله است؛ سرعت عمل با شتابزدگی و عجله تفاوت میکند.^{۲۸۹}

ج) مبارزه با فساد توسط قوه مقننه

چند سال قبل بنده مسأله مبارزه با فساد را مطرح کردم و آن نامه ی هشت ماده یی را نوشتم؛ اما از داخل مجلس شورای اسلامی - که باید مرکز مبارزه ی با فساد باشد - فریاد اعتراض به این شعار بلند شد؛ با این بهانه که مبارزه ی با فساد، سرمایه ها را از کشور فراری می دهد در حالی که قضیه بعکس است. بنده همان وقت هم گفتم که اتفاقاً مبارزه ی با فساد، سرمایه گذار سالم را که قصد فسادانگیزی و سوءاستفاده ندارد، به کار تشویق می کند. اخیراً گزارشی از یک سازمان معتبر بین المللی خواندم که درباره ی همین مسائل کار می کند. این سازمان اعلام کرده که یکی از موانع اصلی سرمایه گذاری در بعضی از کشورها عبارت است از فساد اقتصادی. اینها می گفتند مبارزه ی با فساد جزو موانع سرمایه گذاری است؛ ببینید چقدر فاصله است مبارزه ی با فساد مطرح می شود؛ به جای این که عناصر دست اندرکار استقبال کنند و در حد وظایف خود ایفای

^{۲۸۷} فرمان ۸ ماده ای مبارزه با فساد

^{۲۸۸} بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۲/۰۱/۰۱

^{۲۸۹} دیدار مسئولان قضائی کشور ۱۳۸۷/۴/۵

نقش کنند، بعکس عمل می‌کنند.^{۲۹۰} من به مجلس شورای اسلامی عرض میکنم: نمایندگان محترم اگر قوه قضاییه و دستگاه انتظامی، برای مقابله با ثروتهای بادآورده دچار کمبود قانونند، در اسرع وقت برایشان قانون فراهم کنید. من احتمال میدهم که در مواردی کمبود قانون باشد؛ چون پیش آمده و دیده‌ایم.^{۲۹۱}

برکات مبارزه با فساد

۱) افزایش کارایی نظام و مسئولان

اگر مسئولان دولتی در جای خود و مسئولان قضایی در جای خود، هر کدام با این انحرافات و خطاها برخورد کنند، هم کارایی مسئولان دولت در زمینه‌های مختلف زیاد خواهد شد و هم این معضل اقتصادی - مشکل اشتغال، مشکل صادرات و واردات، مسائل مربوط به پول و غیره - عمدتاً حل خواهد شد. یعنی برخورد با فساد، هم موجب می‌شود که افراد، دقت بیشتری بکنند، هم موجب می‌شود که دستهای خیانتکار بترسند و عقب بکشند. این دو عامل موجب خواهد شد که در کارهای اقتصادی و جاری کشور و دولت، پیشرفت به وجود آید. بنابراین علاج تهاجم به ناکارآمدی نظام، اثبات کارآمدی است؛ که اثبات کارآمدی هم این‌گونه است.^{۲۹۲}

۲) ایجاد امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاران سالم و کمک به رونق تولید

یکی از حمایتها [ی دولت از تولید] مبارزه‌ی جدی با فساد مالی است... اگر شما بخواهید این کسانی که دارند کار سالم اقتصادی انجام میدهند، بتوانند به مقصود برسند، بایستی با آن کسی که از راه فساد، از راه رشوه، از راه اختلاس کار را پیش میبرد، مبارزه‌ی جدی بکنید. با فساد باید

^{۲۹۰} بیانات در دیدار دانشجویان کرمان ۱۹/۲/۱۳۸۴

^{۲۹۱} بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی ۱۳۷۶/۰۴/۲۵

^{۲۹۲} بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۰۶/۱۵

مبارزه کرد؛ هم فساد اداری، یعنی فساد کسی که در دستگاه دولتی و مرتبط با مسائل اقتصادی است و هم فساد آن کسی که در کار تولید و در کار فعالیت اقتصادی است.^{۲۹۳}

اگر امنیت را می‌خواهیم، بایستی دست مفسد و سوءاستفاده‌چی و دورزننده‌ی قانون و شکننده‌ی قانون بسته بشود؛ مبارزه‌ی با فساد این است.^{۲۹۴} برخورد با مفسد اقتصادی موجب امنیت اقتصادی است برای غیرمفسد.^{۲۹۵} سرمایه‌گذار سالم را که قصد فسادانگیزی و سوءاستفاده ندارد، به کار تشویق می‌کند.^{۲۹۶} کمک بسیار مهمی به فعالیت اقتصادی و نشاط سالم اقتصادی خواهد کرد. این دو تا مکمل همند.^{۲۹۷}

۳) امیدآفرینی در مردم

این مبارزه برای مردم نقطه‌ی امید، اعتماد و اتکاست. اطلاعاتی که بنده از سراسر کشور دارم، نشان می‌دهد که مردم به این مبارزه دل بسته‌اند و ادامه‌ی آن را خواهان‌اند؛ حق هم دارند. این امر باید در همه‌ی دستگاه‌ها جدی گرفته شود. ما به فضل پروردگار در دستگاه‌های دولتی و حکومتی فساد لانه‌کرده نداریم. بین دستگاهی که ممکن است کسانی در اجزاء آن سوءاستفاده کنند و فاسد باشند، و دستگاه‌هایی مثل رژیم طاغوت که بنیان آن بر فساد است، تفاوت است. در دستگاه طاغوت، فساد، سوءاستفاده، دنیاطلبی و حیف و میل اموال عمومی از ریشه و رأس یک سنت و رویه‌ی قطعی و عادت همیشگی بوده است. در نظام جمهوری اسلامی تعالیم و روش اسلام و امام راحل، جامعه را از چنین چیزی باز داشته است. عناصری سوءاستفاده‌چی همیشه در گوشه و کنار وجود داشته‌اند. کسانی هم در بیرون از دستگاه‌های دولتی، از امکانات آنها برای پُرکردن کیسه‌های خود سوءاستفاده می‌کنند. باید به‌طور جدی با آنها مبارزه شود. البته مبارزه با آنها کار دشواری است؛ چون پول دارند و به تبلیغات می‌پردازند و شایعه‌پراکنی می‌کنند. دشمنان

^{۲۹۳} بیانات در ارتباط تصویری با مجموعه‌های تولیدی ۱۳۹۹/۰۲/۱۷

^{۲۹۴} بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

^{۲۹۵} بیانات در دیدار خانواده‌ی شهدای هفتم تیر و مسئولان قوه قضائیه ۱۳۷۶/۰۴/۷

^{۲۹۶} بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹

^{۲۹۷} بیانات در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی ۱۳۸۵/۱۱/۳۰

داخل و خارج کشور هم سعی می‌کنند از حرکت‌های اصلاحی در کشور جلوگیری کنند. اراده و همت و عزم جازم مسئولان می‌تواند همه‌ی این موانع را از سر راه بردارد و ان شاء الله این طور خواهد شد. البته این کارها بلند مدت است²⁹⁸.

²⁹⁸ بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۸۲/۰۱/۰۱

مرور در یک نگاه فصل چهارم بخش چهارم - مبارزه با فساد

بخش چهارم: عدالت گستری و مبارزه با فساد	فصل چهارم: راهکارهای عملی در مسیر نهضت تحول اقتصادی	عوامل و زمینه های بروز فساد	۱
بی تقوایی و عدم توجه به مسائل معنوی و ضعف ایمان ۸۷/۲/۱۵- ۸۱/۶/۴-۸۴/۳/۵-۸۰/۱۰/۱۹ تخطی از قوانین ۸۲/۸/۱۱ وجود گریزگاههای از قانون ۸۱/۷/۳۰-۷۹/۱/۶ سو استفاده از اختیارات و جایگاه های قانونی توسط مسئولان (تبعیض و رانت) ۸۱/۷/۳۰ تضعیف قوه قضائیه ۸۱/۴/۵-۷۹/۱۲/۲۲ وجود عناصر فاسد در بدنه حاکمیت ۸۷/۴/۵-۸۱/۷/۳۰ دولتی بودن اقتصاد ۱۴۰۲/۱/۱-۱۴۰۲/۱/۲۹ تاخیر در مبارزه جدی با فساد ۹۰/۷/۱۱	فرار سرمایه ۱۳۸۰/۱۱/۳- فرمان ۸ ماده مبارزه با فساد ضایع شدن تلاش ها و خدمات دولت ۸۱/۴/۲۰ ایجاد ناامیدی در جامعه و کند شدن حرکت اقتصادی سالم در کشور ۸۳/۴/۱۵ بروز مشکلات فرهنگی و اخلاقی و آسیب های اجتماعی ۸۷/۴/۵- ۸۰/۱۰/۱۹ وجود فساد باعث مغفول ماندن عدالت در جامعه شده و فاصله طبقاتی زیادتیر شود ۸۱/۴/۲۶-۹۷/۱۱/۲۲ بیت المال خالی می شود و پول مردم به جیب یک شخص طماع و حریص و زیاده طلب می رود ۸۰/۱۰/۱۹ رواج ثروت های باد آورده از طریق فعالیت های ناسالم ۸۰/۱۰/۱۹ سرایت و شیوع بیماری فساد در بدنه حاکمیت ۸۰/۱۰/۱۹ وجود فساد، به تحقق اهداف اسکنبار کمک میکند ۷۳/۳/۱-۸۰/۱۰/۱۹	آثار و زیان های وجود فساد	۲

اولویت مبارزه با فساد در درون دستگاه های حکومتی ۸۱/۷/۳۰-۸۱/۴/۱۷	۱	الزامات مبارزه با فساد	۳
قاطعیت و عدم تسامح و تزلزل در مبارزه با فساد ۸۰/۲/۱۰-۸۰/۱۱/۳-فرمان ۸ ماده مبارزه با فساد	۲		
مبارزه با فساد باید هوشمندانه و دقیق و ظریف انجام گیرد ۹۲/۶/۶-۹۱/۲/۱۰-۷۹/۷/۱۴-فرمان ۸ ماده مبارزه با فساد	۳		
حرکت در ریل قانون ۸۰/۵/۱۱-۸۰/۲/۹-۸۰/۲/۱۰	۴		
اقدام و عمل به جای برخورد شعاری و تظاهر گونه ۸۰/۱۱/۳-۸۰/۲/۱۰	۵		
اقدام همه جانبه همراه با هماهنگی و همکاری قوا ۸۶/۷/۱۷-۸۱/۱/۱-۸۲/۲/۲۲	۶		

۴	راهکارهای عملی مبارزه با فساد	مبارزه با فساد توسط قوه مجریه	۱	تقوای مسئولان ۷۶/۶/۲۶-۹۸/۲/۲۴
			۲	مطالعه و ریشه یابی و بستن گلوگاه های فساد ۸۷/۴/۵-۸۰/۱۱/۳-۹۱/۴/۷
			۳	بستن راه نفوذ دشمن ۷۹/۷/۱۴
			۴	مقابله با ثروت های باد آورده ۱۴۰۲/۲/۹
			۵	مقابله با جنجال و هیاهوی مفسدین ۸۰/۱۱/۳
			۶	بکارگیری مدیران شجاع و فساد ستیز و معتقد به تحقق عدالت ۸۸/۱/۱- فرمان ۸ ماده مبارزه با فساد
			۷	شناسایی نقاط آسیب پذیر اقتصادی کلان و ارائه گزارش به قوا توسط وزارت اطلاعات-فرمان ۸ ماده مبارزه با فساد
			۸	ایجاد و استفاده از سامانه های اطلاعاتی و خدماتی ۹۹/۶/۲-۱۴۰۰/۶/۶
			۹	شفافیت در اقتصاد ۹۲/۱۲/۲-۹۰/۵/۲۶
			۱۰	بازرسی های دائمی ۹۲/۶/۶
			۱۱	اصلاح قواعد و روش های اداری ۸۵/۱۱/۳۰
		مبارزه با فساد توسط قوه قضائیه	۱	نا امن کردن محیط اقتصادی برای مفسدین ۸۰/۱۱/۳
			۲	مقابله با قاچاق و ویژه خواری ۹۴/۲/۹-۹۵/۱/۱
			۳	استفاده از ظرفیت دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی در پیشگیری از فساد ۸۷/۴/۵
			۴	استفاده از کمک فعالیت های اطلاعاتی مردمی ۹۸/۳/۱
			۵	اولویت برخورد با دانه درشت ها ۸۰/۲/۲۸-۸۱/۴/۱۷
			۶	تبیین و اطلاع رسانی در برخورد با مفسدین ۹۷/۴/۶-۹۷/۴/۲۴-۸۷/۴/۱۷
			۷	فرمان ۸ ماده مبارزه با فساد پرهیز از جنجال و هیاهو در امر مبارزه با فساد و توجه به سرعت و قاطعیت ۸۷/۴/۵-۸۲/۱/۱
			قوه مقننه نظارت و قانون گذاری ۷۶/۴/۲۵-۸۴/۲/۱۹-۸۰/۲/۱۰	
۵	برکات مبارزه با فساد	۱	افزایش کارایی نظام و مسئولان ۸۵/۶/۱۵	
		۲	ایجاد امنیت اقتصادی برای سرمایه گذاران سالم و کمک به رونق تولید ۸۴/۲/۱۹-۷۶/۴/۷-۹۲/۱۲/۲۰-۹۹/۲/۳	
		۳	امیدآفرینی در مردم ۸۲/۱/۱	

بخش پنجم: اصلاح و بهبود سیاست‌های پولی و مالی

مقدمه

ما اطلاعات را دائماً دنبال میکنیم و از وضع مردم در بخشهای مختلف کشور مطلع میشویم؛^{۲۹۹} در زمینه مسائل اقتصادی خب الان مشکلاتی در کشور وجود دارد: تورم بالا یکی از اساسی‌ترین مشکلات است؛ کسری بودجه هست؛ معیشت مردم کم‌درآمد هست - که اینها مشکلات مهم است - کاهش ارزش پول ملی هست، که این یکی از آن چیزهایی است که انسان واقعاً خجالت‌زده میشود از این قضیه؛ کاهش قدرت خرید مردم هست؛ مشکلات فضای کسب و کار هست، این همه هم ما و مسئولین اقتصادی تأکید کردیم، یعنی همه تأکید کردند و گفته شده اما خب مشکلاتی در بهبود فضای کسب و کار وجود دارد؛ مشکلات نظام بانکی هست.^{۳۰۰}

بازنگری در سیاستهای پولی و فعالیتهای نظام بانکی کشور، که به این هم من اشاره کردم و صاحب‌نظران و دلسوزان، در این زمینه حرفهای مهمی دارند که باید این حرفها شنیده شود و به آنها توجه بشود.^{۳۰۱} مسئولان ستادی اقتصادی و مسئولان اجرایی بخشهای گوناگون تولیدی و خدماتی، همه باید یکجبهت و یکدل مشغول کار شوند. در این قضیه هیچگونه درنگی جایز نیست. اعتقاد من این است که با زمینه‌های فراوانی که ما داریم، مسئولان خواهند توانست در مدتی نه چندان طولانی، به همه آحاد ملت بقبولانند و نشان دهند که در وضع معیشتی و وضع عمومی اقتصادی، دگرگونی حاصل شده است. این مؤده را بدون این که دائماً بر زبان جاری کنند، در عمل به مردم بدهند. این عمل صالح بزرگی است که مسئولان اجرایی کشور باید به آن بپردازند. به وسوسه‌های دشمن اعتنایی نکنید. شکی نیست که امروز دستگاههای استکباری جهانی از طُرق مختلف در فکر قبضه کردن همه منابع ثروت و امکانات در همه جای دنیا هستند و اگر لازم باشد یک وقت تبلیغ خلافی به صورت وسوسه در دل‌های کسانی بیفکنند، حرفی ندارند و این کار را میکنند. شما به واقعیتهای کاری خودتان نگاه کنید و با جدیت و تکیه بر بیناتی که قانون اساسی برای ما معین کرده است - که به احکام اسلامی و مقررات اسلامی متکی است - در زمینه‌های

^{۲۹۹} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۹۶/۱/۱

^{۳۰۰} بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۴۰۰/۶/۶

^{۳۰۱} بیانات رهبر انقلاب در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۴/۰۴/۰۲

پولی و مالی و تولیدی و خدماتی و همه آن چیزهایی که به اقتصاد مردم وابسته است، نوآوری و تلاش کنید. خدای متعال به این تلاش برکت خواهد داد.^{۳۰۲}

عدم بهره‌گیری مناسب از نظرات کارشناسی اقتصادی، ممکن است ضربه‌هایی وارد کند. ... از حداکثر نظرات کارشناسی استفاده کنید. من توصیه نمیکنم همه‌ی آن فرمولها و شیوه‌های اقتصادی را که امروز اقتصاد بین‌المللی دارد به کشورها دیکته میکند، شما از آنها پیروی کنید؛ نه، اینکه درست عکس نظر ماست. نه، دنبال راه‌های درست باشید، اما از نظرات کارشناسی علمی و دقیق حتماً باید پیروی بشود؛ بخصوص در مسائل پولی و بانکی. هیچ نمیشود بی احتیاطی کرد. یعنی اینها چیزهای بسیار ظریفی است. ناگهان یک اقدام نابجا و نسنجیده، شما میبینید که دره‌ی هولناکی درست میکند که تا بخواهیم آن را پر کنیم و درست کنیم، مبالغی باید هزینه کنیم و زمان از دست بدهیم. به این نکته خیلی توجه داشته باشید^{۳۰۳}. ما امروز مشکل داریم؛ هم در زمینه‌ی ارزش پول ملی مان مشکل داریم، هم در زمینه‌ی تورم و گرانی مشکل داریم. از همه‌ی راه‌های ممکن اقتصادی بایستی مسئولین استفاده کنند. البته مشغول کارند - من میبینم - و تلاش میکنند؛ ان شاء الله که این تلاشها را با قوت ادامه بدهند و برای این مشکلات اقتصادی مردم راه حل درستی را ان شاء الله پیدا کنند و اجرا کنند.^{۳۰۴}

راهکارهای تقویت و بهبود نظام پولی و مالی

۱) تقویت پول ملی

یکی از ارکان اقتدار کشور، اقتدار اقتصادی است و در اقتدار اقتصادی، یکی از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی عمده عبارت است از قدرت پول ملی؛ یعنی پول ملی بایستی قدرت خرید داشته باشد و برای شهروندان، برای دارندگان آن پول، ثروت ایجاد بکند. اگر چنانچه ما بر اساس سیاستهای اجرائی غلط، تصمیم‌گیری‌های نادرست، بی‌مبالاتی‌های گوناگون، به وضعی رسیدیم

^{۳۰۲} بیانات در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری سال ۸۰

^{۳۰۳} بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۰۶/۱۶

^{۳۰۴} بیانات پس از کاشت نهال در روز درختکاری ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

که پول ملی همین‌طور روز‌به‌روز تنزل کرد و پایین رفت، این عقب‌رفت است، این پس‌رفت است. باید این را مشخص کنیم و بر اساس این، مطالبه تنظیم کنیم، مطالبه تعریف کنیم. این مطالبه میتواند مثلاً از دولت باشد، میتواند از مجلس باشد.^{۳۰۵} ارزش پول ملی علی‌الاصول یک چیزی است که به رشد تولید کشور و رشد توسعه‌ی کشور و رشد اقتصادی و تقویت بنیه‌ی اقتصادی کشور ارتباط دارد؛ عمده‌تاً این است لکن یک چیزهایی هم در حاشیه‌ی این وجود دارد. البته اگر ما بتوانیم تولید را تقویت کنیم، پول ملی به‌طور طبیعی تقویت خواهد شد؛ اگر بتوانیم بنیه‌ی اقتصاد را قوی کنیم، پول ملی طبعاً تقویت خواهد شد و تقویت پول ملی در امر معیشت مردم یک تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد دیگر؛ تأثیر مستقیم در امر معیشت مردم دارد، لکن در کنار آن کارهای بلندمدت - که تقویت بنیه‌ی اقتصادی کار کوتاه‌مدتی نیست - بعضی از کارهای کوتاه‌مدت هم وجود دارد. مشخص شده است که دخالت‌های بدخواهانه‌ای در کار ارز میشود که اینها در کاهش قیمت پول ملی و ارزش پول ملی تأثیر میگذارد. بعضی از دخالت‌ها، دخالت‌های بدخواهانه است؛ بعضی بدخواهانه نیست، [بلکه] سودجویانه است. اعلام شد که ۲۷ میلیارد دلار پول صادراتی است که برگشته؛ خب این مسئله‌ی مهمی است. البته گاهی اوقات این برگشتن به خاطر یک عوامل منطقی است که برنمیگردد، اما گاهی هم به خاطر این است که مثلاً فرض کنید این پول را، این ارز را این جناب، برده در فلان کشور زمین خریده، ملک خریده، آنجا رفته کارهایی مانند اینها کرده؛ این قابل قبول نیست. حالا گزارشهایی در این زمینه هست که در یکی از کشورهای همسایه‌ی ما، بیشترین تعداد ملکی که خریداری شده، مربوط به ایرانی‌هایی است که آنجا ملک خریده‌اند؛ خب این اصلاً قابل قبول نیست. یا اگر بخواهند این را صرف کنند برای واردات کالاهای غیر لازم، یا کالاهای لوکس و بکلی غیر مورد انتفاع که نمونه‌اش را عرض کردم: یک گوشی تلفن لوکسی را از آمریکا آورده‌اند و نیم میلیارد، پانصد میلیون یورو صرف این کار بشود؛ حالا تعجب هم میکنم که چطور آنها که این همه تحریم میکنند ما را، این یکی را و امثال اینها را ما در تحریم نداریم؛ اینها واقعاً کارهایی است که قابل قبول نیست. یکی این است، یکی هم برخی از تصمیم‌های نسنجیده‌ی بعضی از دستگاه‌ها است. البته خوشبختانه بانک مرکزی فعالیتهای

^{۳۰۵} بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۶/۰۶/۳۰

خوبی را در این زمینه انجام داده و شروع کرده و دنبال میکنند که همه هم باید به آن کمک کنند؛ به نظر ما همه‌ی دستگاه‌های دولتی باید به بانک مرکزی کمک کنند؛ چون مبادرتاً مسئله‌ی پول و ارز، کاهش ارزش پول یا افزایش ارزش پول به سیاستهای آنها ارتباط پیدا میکند؛ لذا همه باید کمک کنند تا بانک مرکزی بتواند کارش را انجام بدهد. خوشبختانه کارهای خوبی هم دارد انجام میشود³⁰⁶.

۲) مدیریت نقدینگی

یک مسئله‌ی مهم دیگر در زمینه‌ی اقتصاد، مسئله‌ی مدیریت نقدینگی کشور [است]. اینکه ما اجازه دادیم که نقدینگی افزایش پیدا کند، از اول خطا بوده؛ نباید می‌گذاشتیم؛ از اول باید ما جلوی افزایش نقدینگی را می‌گرفتیم؛ حالا هم اینکه نقدینگی رها بماند که به هر طرفی حمله کند ویرانی به وجود بیاورد، این هم باز یک خطای دیگر است؛ نقدینگی باید مدیریت بشود. اینکه ما این جوری فرض کنیم که «نه، کاری‌اش نمیشود کرد نقدینگی را»، نه، این جوری نیست؛ نقدینگی را میشود کنترل کرد، میشود مدیریت کرد؛ البته احتیاج دارد به یک مجموعه‌ی تمام‌وقت فعال... این نقدینگی زیاد، این نقدینگی که امروز وجود دارد، خطر بزرگی است، این را اقتصاددان‌ها بهتر از ما میدانند که این، هر طرف رو کند ویرانگر است؛ خب می‌آید یک‌وقت طرف سکه، می‌آید طرف ارز - [مثل] همینی که اتفاق می‌افتد و شما می‌بینید - یک‌وقت میرود طرف مسکن یک‌جور دیگر میشود. نباید بگذارید، باید این مدیریت بشود؛ یعنی رها نمیشود گذاشت نقدینگی را. نمیشود گفت که حالا این اضافه شده و هیچ کاری‌اش نمیشود کرد؛ نه نخیر، این را میشود کنترل کرد، میشود مهار کرد و این باید مهار بشود³⁰⁷.

• ایجاد کارگروه نخبگانی برای یافتن راه‌های هدایت نقدینگی به اقتصاد مولد

اگر مسئولین کشور بتوانند بنشینند راه‌هایی پیدا کنند و این نقدینگی را هدایت کنند به سمت اقتصاد تولیدی، چه در صنعت، چه در کشاورزی، چه در مسکن و امثال اینها، همین نقدینگی که

³⁰⁶ بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت ۱۳۹۹/۰۶/۲

³⁰⁷ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۷/۶/۷

امروز تهدید است، تبدیل خواهد شد به فرصت؛ نصف این نقدینگی را هم اگر بتوانند هدایت کنند، این [جور] است. الان هم من عرض میکنم خطاب به مسئولین محترم دولتی - که شما میدانید من از دولت حمایت میکنم؛ بنده از همه‌ی دولتها حمایت میکنم - و مؤکداً سفارش میکنم که بنشینند فکر کنند، از آدمهای وارد و مطلع و باهوش کمک بگیرند و راههایی پیدا کنند برای هدایت این نقدینگی عظیم به سمت تولید؛ میشود، این کار شدنی است، این کار عملی است؛ وظیفه‌ی مسئولین محترم دولتی و اقتصادی است و باید این کار را انجام بدهند.³⁰⁸ مسئله‌ی بانک‌ها و بخصوص تکیه‌ی روی مسئله‌ی نقدینگی احتیاج دارد به یک کارگروه دانا، حسّاس، پُرکار، خطرپذیر و شجاع؛ دولت یک کارگروه‌ی تشکیل بدهد... یک کارگروه قویّ فعالِ شب‌روزرکار، معین بشوند فقط برای اینکه فکر کنند ببینند با مسئله‌ی بانک‌ها و با مسئله‌ی نقدینگی چه‌جوری بایستی برخورد کنند؛ بخش‌های جذّابی را برای جذب نقدینگی در نظر بگیرند که البته یک فهرستی به من داده شده... نگذاریم که این نقدینگی سرازیر بشود به طرف ارز و به طرف طلا و به طرف (سوداگری) مسکن و به طرف کالاها، که خب طبعاً به هر جا که این نقدینگی رو کند و هجوم بیاورد، پدر آن منطقه درمی‌آید... البته کارگروه‌ی که بخواهند بنشینند و هفته‌ای یک جلسه داشته باشند، فایده ندارد؛ باید یک کارگروه دائمِ شبانه‌روزی از آدمهای فعال تشکیل بشود، بنشینند واقعاً کار کنند، فکر کنند، سر یک ماه، دو ماه، سه ماه یک برنامه‌ی کاری روشنی مشخص کنند و بیاورند بدهند به آقای رئیس‌جمهور، دستور اقدام داده بشود و بلافاصله مشغول عمل بشوند... یعنی یک چنین چیزی لازم است.³⁰⁹

• تشویق برای سرمایه‌گذاری در تولید

سرمایه‌گذاری را تشویق کنید؛ چون سرمایه‌گذاری عمده‌تاً باید به وسیله‌ی بخش خصوصی انجام بگیرد. دولت صرفاً در آنجاهایی که بخش خصوصی یا نمیتواند یا رغبتی ندارد یا بازدهی برای بخش خصوصی ندارد میتواند سرمایه‌گذاری کند؛ سرمایه‌گذاری را بخش خصوصی باید انجام بدهد. بخش خصوصی هم امروز امکانات دارد؛ یعنی امروز پول در کشور کم نیست؛ می‌بینید

³⁰⁸ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

³⁰⁹ گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۷/۰۴/۲۴

دیگر که بحث نقدینگی و چند برابر شدن نقدینگی سر زبانها است؛ بنابراین پول هست؛ باید سرمایه‌گذار تشویق بشود به سرمایه‌گذاری. تشویق هم راه‌های مختلفی دارد، راه‌هایی هست که برای کسی پنهان نیست: مشکلات مالیاتی برطرف بشود، مشکلات مجوزها برطرف بشود، مشکلات تسهیلات بانکی برطرف بشود؛ اینها کارهایی است که همه بلدند [منتها] باید بنشینید، اهتمام کنید، ان شاء الله این تشویقها انجام بگیرد. این هم یک مسئله است.³¹⁰

• جمع‌آوری سرمایه‌های خرد با تعاونی‌ها

بنده اعتقاد زیادی به تعاونی‌ها دارم. تعاونی‌ها بسیار پدیده‌ی مطلوبی هستند برای اقتصاد ما؛ سرمایه‌های خرد را جمع میکنند، تک‌تک افراد را توانمند میکنند، اشتغال فراوان ایجاد میکنند؛ بعد اگر بشود این تعاونی‌ها را شبکه‌سازی کرد، در یک شبکه‌ای جمع کرد، یک مجموعه‌های عظیمی به وجود می‌آید. خیلی برکات دارد؛ این تعاونی‌ها را باید دنبال کنند. آن کسانی که دارای امکانات مالی‌اند، آن کسانی که صاحبان این نقدینگی‌ها هستند، آنها را به سمت تولید هدایت بکنند تا کار راه بیفتد؛ چرخهای زندگی مردم با تولید می‌چرخد؛ این کاری است که بر عهده‌ی آحاد مردم است.³¹¹

این همت مردم است که می‌تواند کشور را بی‌نیاز کند. سرمایه‌گذاری‌هایی که مردم انجام می‌دهند در بخشهای مختلف، بسیار ارزشمند است؛ بخصوص در بخشهای تولیدی. و من برای آن مردمی که به کارهای خدمت‌رسانی به مردم علاقه‌مندند، این را بهترین عمل، بهترین حسنه و صدقه می‌دانم که در کارهای تولیدی سرمایه‌گذاری کنند؛ هم اشتغال ایجاد شود، هم به پیشرفت کشور کمک کند، هم فقر و محرومیت را از بخشهای مهمی از کشور برطرف کند. این آن سیاست عمومی نظام جمهوری اسلامی است: کمک گرفتن از سرمایه‌ی مالی، سرمایه‌ی فکری، بازوی توانا و کارآمد مردم عزیزمان که کشور مال آن‌هاست و آینده متعلق به آن‌هاست.³¹²

³¹⁰ بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت ۱۳۹۹/۶/۲

³¹¹ خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۹۷/۵/۲۵

³¹² بیانات در دیدار مردم لار ۱۳۸۷/۲/۱۹

• دانشگاه برای حل گره‌های علمی هدایت نقدینگی نقش ایفا کند

اگر این نقدینگی عظیمی که گزارش میشود در دست مردم وجود دارد، در خدمت اشتغال قرار بگیرد، شما ببینید چه اتفاقی در مملکت می‌افتد. چرا قرار نمی‌گیرد؟ حالا مشکل بانک‌ها را اینجا مطرح کردند؛ بله، خب حالا این اشکالات نظام بانکی، بایستی در مراکز تصمیم‌گیری مورد توجه قرار بگیرد.

یا مسئله‌ی اصل ۴۴ را - که تقویت بخش خصوصی و وارد کردن بخش خصوصی و سرمایه‌های بخش خصوصی در اقتصاد کشور است - ما چند سال پیش مطرح کردیم، همه به‌به و چه‌چه کردند، کارهایی هم انجام گرفت؛ اما خب تحققش را نمی‌بینیم؛ من احساس نمی‌کنم پیشرفت کار را. نه اینکه نمی‌خواهند، می‌خواهند، تلاش هم می‌کنند، منتها پیش نمی‌رود؛ اشکال علمی وجود دارد، من این را می‌خواهم بگویم. نقشی که دانشگاه میتواند ایفا کند این است که گره‌های علمی را در این زمینه‌ها جستجو کند، بشناسد و باز کند و در اختیار دستگاه‌های کشور بگذارد.³¹³

• امنیت سرمایه‌گذاری به طور کامل تأمین شود

مسئله‌ی سرمایه‌گذاری خیلی اهمیت دارد. آینده، وابسته به سرمایه‌گذاری در بخشهای مختلف است؛ چه در بخش انرژی، چه در بخشهای دیگر. در بخشهای گوناگون، سرمایه‌گذاری لازم است.³¹⁴ و این همه به فضائی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده‌ی کار و همه‌ی قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند.³¹⁵ باید امنیت سرمایه‌گذاری به طور کامل تأمین شود، تا بتوان از ثروتهایی که در اختیار آحاد مردم هست، برای پیشرفت، کارآفرینی و راه‌اندازی جریان اقتصادی کشور استفاده کرد.³¹⁶

³¹³بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۳۱/۰۳/۱۳۹۶

³¹⁴بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۹/۶/۸

³¹⁵فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفاسد ۱۳۸۰/۲/۱۰

³¹⁶بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۲۹/۰۳/۱۳۸۵

۳) مهار تورم

توزم یک مسئله‌ی صرفاً اقتصادی به نظر می‌رسد اما انسان می‌بیند نه، این می‌تواند بر روی فرهنگ مردم، افکار مردم، رفتار مردم، مسائل اجتماعی کشور اثر بگذارد.^{۳۱۷}

رشد اقتصادی اگر بخواهد پیدا بشود، تولید اگر بخواهد افزایش پیدا کند، باید ثبات اقتصادی باشد، توزم باید مهار بشود. امروز یکی از کارهای اساسی‌ای که مسئولین کشور، قوه‌ی مجریه، قوه‌ی مقننه، دستگاه‌های پیگیری و دستگاه‌های اجرائی به عهده دارند – مسئولین مستقیم، مسئولین غیر مستقیم – این است که [مشکلات را] علاج کنند. علاج‌پذیر است؛ این جور نیست که علاج نداشته باشد؛ راه دارد، باید راهش را پیدا کنند. علاج کنند توزم را؛ این ثبات اقتصادی، ثبات قیمت‌ها، کشور را پیش می‌برد؛^{۳۱۸} معیشت که نبود، دین و اخلاق هم نیست؛ حفظ عصمت و عفت و امید هم نیست. کسی را که به موقعیتی دست پیدا کرده، به خاطر این که برای رفع نابسامانی و فقر، تلاش و مجاهدت کند و شب و روز خودش را صرف نماید، ملامت نخواهند کرد.^{۳۱۹} برای قشرهای ضعیف، مشکلات اقتصادی‌ای وجود دارد؛ بخشی از این مشکلات، ناشی از تورم است.^{۳۲۰} ما در کشور کمبود کالا نداریم؛ خوشبختانه کالاهای گوناگون مورد نیاز مردم در کشور فراوان یافت می‌شود؛ لیکن مسئله‌ی گرانی و کاهش قدرت خرید وجود دارد؛ این را باید علاج کنید؛ این به عهده‌ی بخش‌های مختلف اقتصادی است.^{۳۲۱}

^{۳۱۷} بیانات در دیدار با کارگزاران نظام ۱۴۰۲/۱/۱۵

^{۳۱۸} بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

^{۳۱۹} بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹/۰۳/۲۹

^{۳۲۰} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۱/۶/۰۲

^{۳۲۱} بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۱/۰۶/۰۲

راهکارهای مهار تورم

• مقابله توان‌آمان با رکود و تورم

مسئله‌ی رکود، مسئله‌ای است که هم روی تورم می‌تواند اثر بگذارد، هم روی اشتغال می‌تواند اثر بگذارد.^{۳۲۲} گاهی شده که ما تورم را توانسته‌ایم کنترل کنیم اما از آن طرف، با رکود همراه بوده؛ این به ضرر کشور است... مهم این است که بتوانیم تورم را مهار کنیم، تولید هم به رکود نینجامد، تولید رشد پیدا کند؛ و این ممکن است.^{۳۲۳}

• تکیه به توان داخلی، عدم اعتماد به نسخه‌های غربی

ما در زمینه‌ی دشمنی‌هایی که در بخش اقتصاد با کشور میشود، علاج را در نگاه به توانایی‌های داخلی جستجو کرده‌ایم و یافته‌ایم؛ علاج این است.^{۳۲۴}

بنده به مسائل معیشت مردم خیلی فکر میکنم، خیلی دغدغه‌مندم نسبت به مسئله‌ی معیشت مردم اما هرچه فکر میکنم، هرچه با کارشناس‌ها و آدمهای وارد و مطلع مشورت میکنم، میبینم جز این راهی وجود ندارد که ما قاطعاً تکیه کنیم به مسائل داخلی. اینکه تجار خارجی بیایند و بروند و هیچ آبی هم از اینها گرم نشود - که تا حالا [هم] نشده - [چه فایده دارد]؟ ... مدام می‌آیند و می‌روند؛ کاری هم نکرده‌اند. اگر هم بخواهند کاری کنند، تصرف بازار ایران است که درست به ضرر ما است. فایده‌ی آمد و رفت این هیئتها باید سرمایه‌گذاری باشد، باید ایجاد تولید باشد، باید در جاهایی که احتیاج داریم به فناوری جدید، [آوردن] فناوری جدید باشد؛ اینها باید باشند؛ اینها نیست یا کم است.^{۳۲۵} (لذا) ما برای اینکه بتوانیم این مشکلات را برطرف کنیم، در درجه‌ی اول چند چیز را بایستی قلباً تصدیق کنیم: اول اینکه بدانیم مشکل اقتصاد کشور با تکیه‌ی به ظرفیتهای فراوان داخلی قابل حل است؛ این را باور کنیم. این یک واقعیت است که بعضی این واقعیت را قبول ندارند و بعضی از این واقعیت اطلاع ندارند. ما ظرفیتهای بسیار زیادی در کشور

^{۳۲۲} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۴/۶/۴

^{۳۲۳} بیانات در ۱۵/۰۱/۱۴۰۲

^{۳۲۴} بیانات در دیدار مجمع عالی فرماندهان سپاه ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

^{۳۲۵} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

داریم که همچنان استفاده نشده است. نکته‌ی دومی که باید باور کنیم، این است که بدانیم نسخه‌های غربی برای ما قابل اعتماد نیستند. من نمی‌گویم بکلی رد کنیم؛ نه، بسنجیم. تسلیم بی‌برو برگرد نسخه‌های غربی نمیشود شد.^{۳۲۶}

• شناسایی علل

تورم بالا، در چند سال پی‌درپی خیلی چیز مهمی است؛ سالهای متعدّد، پشت سر هم تورم بالا. خوب، این روی نظام توزیع درآمدها در کشور اثر می‌گذارد و توزیع درآمدهای کشور را ناموزون میکند؛ یک عده‌ای محروم میمانند، یک عده‌ای هم حالا از طرق مختلفی جیبهایشان پُر میشود. از هر دو طرف، ایجاد فساد خواهد شد؛ هم از طرف فقر، فسادهای فرهنگی، اجتماعی به وجود می‌آید؛ هم از طرف آن مجموعه‌ای که توانسته‌اند از این آبهای گل‌آلود ماهی بگیرند، استفاده‌ی نامشروع کنند، حرام‌خوری کنند، از ناحیه‌ی آنها هم فسادهایی به وجود می‌آید. تورم یک مسئله‌ی صرفاً اقتصادی به نظر میرسد اما انسان میبندد، این میتواند بر روی فرهنگ مردم، افکار مردم، رفتار مردم، مسائل اجتماعی کشور اثر بگذارد.^{۳۲۷} مسئله‌ی مهار تورم مسئله‌ی جدّاً کلیدی است علل زنجیره‌ی تورم و گرانی را شناسایی کنید و بروید سراغ این علل.^{۳۲۸}

• ورود هماهنگ قوای نظام در صحنه مهار تورم

در همین زمینه‌ی مربوط به مشکل اقتصادی، یک بخش مسائل فوری ما است، یک بخش هم مسائل بلندمدت ما یا میان‌مدت ما است. مسائل فوری عمدتاً مسئله‌ی مهار قیمت‌ها است؛ یعنی تلاشهایی [برای آن] باید کرد. متخصصین مسائل اقتصادی معتقدند که این کار ممکن است؛ یعنی کسانی که اهل مدیریتهای اجرایی در زمینه‌ی اقتصادی هستند معتقدند که میشود قیمت‌ها را مهار کرد. البته گاهی اوقات که قیمت‌ها بالا میرود به خاطر کمبود کالا است؛ لکن در مواردی هیچ کمبودی وجود ندارد، جنس وجود دارد، زیاد هم هست [اما] در انبار آن را نگه میدارند،

^{۳۲۶} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۰۳/۰۲

^{۳۲۷} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۱/۱/۱۵

^{۳۲۸} بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۹/۰۴/۲۲

عرضه نمیکنند، که خب با اینها بایستی برخورد کرد.^{۳۲۹} واقعاً هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی که میتواند کمکی به حرکت اقتصادی جامعه بکند، وظیفه‌اش را انجام بدهد. مردم از لحاظ معیشت دچار سختی‌اند.^{۳۳۰} خیلی از مشکلات کنونی ما ربطی هم به تحریم و مانند این چیزها ندارد؛ مربوط به خود ما است، مربوط به ناهماهنگی‌ها است. این گرانی‌های اخیر واقعاً توجیه ندارد؛ بسیاری از این گرانی‌های اخیر واقعاً توجیه ندارد؛ باید علاج بشود و قابل علاج است؛ بایستی مسئولین با هماهنگی علاج کنند... هم وزارت صمت، هم مسئولین تعزیرات، هم بسیج، هم بعضی از دستگاه‌های دیگری که مرتبط با قضیه هستند، [مثل] گمرک و دیگران، با همدیگر همکاری کنند و این مشکل را از جلوی پای مردم بردارند؛ همه‌ی اینها قابل کنترل است. بنابراین با مدیریت هماهنگ دستگاه‌ها این مشکلات قابل برطرف شدن است.^{۳۳۱}

• استفاده از توانایی مردم و رشد تولید

[تولید] کلید اصلی است برای اشتغال، برای معیشت، برای کاهش تورّم، برای ایجاد ارزش پول ملی؛ تولید واقعاً مادر همه‌ی اینها است؛ هر چه میتوانیم در مورد تولید بایستی کار کنیم.^{۳۳۲} وقتی تولید داخلی خوابید، همین وضعی پیش می‌آید که امروز هست: جوان ما بیکار میشود، اشتغال ما کم میشود، رکود بر کشور حاکم میشود، وضع زندگی و معیشت مردم دشوار میشود. اینها را که دیگر از طریق ارتباط با آمریکا و با اروپا نمیشود حل کرد، اینها را خودمان باید حل بکنیم. اینها کارهایی است که به عهده‌ی خود ما است؛ راه این است. کشور ظرفیتهای زیادی دارد، [ظرفیت] ابتکار زیادی دارد، این کشور هشتاد میلیونی... این جمعیت، این کشور، با این ظرفیت، با این امکانات چهارفصلی که کشور ما دارد، میتواند از لحاظ مادی پیشرفت کند، مشکلات معیشت مردم برطرف بشود؛ راهش این است.^{۳۳۳} اگر از توانایی ملت در قضیه‌ی اقتصاد

^{۳۲۹}بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

^{۳۳۰}بیانات در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه ۱۳۹۹/۰۴/۷

^{۳۳۱}بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم(ص) و امام صادق(ع) ۱۳۹۹/۰۸/۱۳

^{۳۳۲}بیانات در ارتباط تصویری با جلسه هیئت دولت ۱۳۹۹/۰۶/۰۲

^{۳۳۳}بیانات در دیدار افشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

استفاده بشود وضع معیشت مردم حتماً بهتر خواهد شد، وضع تورّم حتماً بهتر خواهد شد. ما شعار سال را، از جمله، مهار تورّم قرار دادیم و رشد تولید؛ «مهار تورّم و رشد تولید». مهار تورّم متوقّف است به افزایش تولید و افزایش تولید، دست مردم است؛ اگر چنانچه مردم اقدام کنند، همّت کنند، این کار عملی است و ممکن است انجام بگیرد.^{۳۳۴}

• برنامه ریزی درست برای کاهش فشار تورمی بر روی مردم از ناحیه دولت

دولت بایستی جوری برنامه ریزی کند که از ناحیه دولت، فشار تورمی روی مردم زیاد نشود. حالا یک وقت از ناحیه بیرون است، یک وقت از ناحیه بعضی از قوانین است. ... خیلی از خدمات به وسیله دولت انجام میگیرد؛ بسیاری از این خدماتی که میگوئید سهمش در تورّم از سی درصد رسیده به هفتاد درصد، این خدمات را خود دولت دارد انجام میدهد. بنابراین، سهم خودتان را در ایجاد فشار تورمی کم کنید؛ هر چه که ممکن است. این جزو کارهای اساسی و مهم است.^{۳۳۵}

• کارهای ضربتی در کنار کارهای زیربنایی

بدیهی است که مهار تورّم، یک کار علمی، ریشه‌ای و بنیانی است که مقدمات و اصولی دارد و تا آن اصول انجام نگیرد، خواهد بود؛ منتها کارهای ضربتی هم باید انجام داد. بالاخره نمیشود نشست تا این کارهای بنیانی، یک روزی به نتیجه برسد؛ نه، واقعاً یک فکری بکنید؛ کاری بکنید. حالا من نمیخواهم در آن زمینه که چه کار خواهید کرد، پیشنهاد کنم. البته این را هم بگوییم که در گرانی، هم عوامل واقعی و هم عوامل کاذب و روانی دخالت دارند؛ گاهی یک کلمه حرف و یک تصمیم نادرست و نسنجیده، ناگهان این موج گرانی را تحریک میکند و تورّم را در بخشهای مختلف بالا می‌برد و انتظاراتی را به وجود می‌آورد.^{۳۳۶}

^{۳۳۴}بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

^{۳۳۵}بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت ۱۳۸۸/۶/۱۶

^{۳۳۶}بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۶/۰۶/۰۴

• **تمتع متعادل قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور از طریق وضع قوانین و نظارت و کنترل‌های دولتی و مالیات**

تا وقتی کسانی در کشور وجود دارند که میتوانند از موجودیهای کشور، سودها و بهره‌های بیحساب و کلان ببرند و ظاهرش این است که مثلاً در صورتهای قانونی هم معامله و اجاره و مقاطعه‌کاری و واسطه‌گری میکنند - یعنی علی‌الظاهر شکل لباس قانونی دارد؛ اگر چه ممکن است باطنش هم بی‌قانونی باشد - بدون شک، فقر در کشور، ریشه‌کن نخواهد شد. چنین چیزی ممکن نیست. یعنی وجود امکانات بیش از حد در اختیار یک جمع معدود، نخواهد گذاشت که تولیدات و امکانات کشور، در دسترس بقیه مردم قرار گیرد. همین توزی هم که همیشه از آن مینالید و همه مینالند و حق هم هست؛ تا آخر ادامه پیدا خواهد کرد. بایستی در دستگاههای مختلف دولت، توجه دقیقی شود که جلو استفاده‌های غیر منطقی و غیر صحیح منتهی و منجر به ثروتهای کلان، گرفته شود. اگر احیاناً قانونی هم وجود دارد که این قانون، از روی غفلت گذارده شده است، یا مقرراتی در جایی وضع شده است که این نتیجه را میبخشد، چون این ضرر و عیب را دارد، باید حتی آن قانون علاج شود و مجلس شورای اسلامی و هیأت دولت و بقیه بخشهای گوناگون، توجه کنند که این را طوری علاج نمایند و نگذارند آن زمینه را فراهم کند.

تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور، باید متعادل باشد. نایستی طوری باشد که فاصله‌ها روز به روز زیاده‌تر شود و عده‌ای آن طور زندگی کنند. البته یک بخش عمده از این کار را هم، وزارت اقتصاد و دارایی و بخش مربوط به مالیات، میتواند تأمین کند: گرفتن مالیاتهای متناسب و بجا از کسانی که سودها و استفاده‌هایی میبرند. این هم یک معنای دیگر است.^{۳۳۷}

• **انضباط مالی**

انضباط مالی از طریق اصلاح ساختار بودجه: مسئله‌ی اصلاح ساختار بودجه خیلی مهم است. این [موجب] انضباط مالی است.^{۳۳۸} مخاطب این موضوع بیشتر دولت است اما در مجلس نیز نباید با افزایش هزینه‌ها بدون تعیین درآمدهای واقعی و قابل تحقق، به کسری بودجه که

^{۳۳۷} بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۱۳۷۵/۰۶/۰۸

^{۳۳۸} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

ام‌الخبائث مشکلات اقتصادی است، اضافه شود.^{۳۳۹} یکی از بخشهای مهم انضباط مالی این است که از تعهدات مالی‌ای که منابع پایدار مطمئنی ندارد، حتماً باید پرهیز بشود... [برآورد] منابع مالی نامطمئن و متزلزل در قبال مصارف قطعی؛ خب این یک بی‌انضباطی به وجود می‌آورد و بلاشک مشکلات فراوانی را ایجاد میکند.^{۳۴۰}

راهکارهای اصلاح ساختار بودجه:

- احصاء و شفاف سازی بدهی‌ها و تعهدات عمومی دولت و مدیریت و تأدیه بدهی‌ها
- واقعی کردن منابع و مدیریت مصارف دولت و اجتناب از کسر بودجه.
- تعیین تکلیف طرح‌های عمرانی نیمه تمام با واگذاری از طریق مشارکت دادن بخش‌های خصوصی و عمومی غیردولتی در طرح‌های عمرانی انتفاعی.
- شفاف سازی و ضابطه‌مند نمودن درآمدها و هزینه‌های شرکت نفت و سایر شرکت‌های دولتی در بودجه
- ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد تبدیل مالیات به منبع اصلی تأمین بودجه جاری دولت، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، جلوگیری از فرار مالیاتی و تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد با تأکید بر رونق تولید و عدالت مالیاتی.^{۳۴۱}

انضباط مالی از طریق صرفه جویی: یکی از کارهای مهمی که در انضباط مالی مهم است، صرفه‌جویی کردن است.^{۳۴۲} انضباط مالی و اقتصادی به مفهوم "به اندازه خرج کردن، درست خرج کردن و در جای خود خرج کردن" مسأله بسیار مهمی است.^{۳۴۳} ریخت و پاشها و اسرافها، در بخشهایی که پول در آن‌جاها مصرف می‌شود، تأثیر زیادی در گرانی دارد، که به قشرهای

^{۳۳۹} دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی با رهبر انقلاب ۱۴۰۱/۳/۴

^{۳۴۰} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

^{۳۴۱} ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه هفتم با اولویت پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت ۱۴۰۱/۰۶/۲۱

^{۳۴۲} همان

^{۳۴۳} دیدار مسئولان وزارت کشور با رهبر انقلاب ۱۳۷۶/۱۰/۶

آسیب‌پذیر و قشرهای محروم و ضعیف، فشار می‌آورد. این‌که در اختیار ماست و باید کمش کنیم.^{۳۴۴} البته بنده این را میدانم، که ما دچار کمبود منابعیم و تحریم هم تأثیر داشته است در این کمبود منابع - این را ما شکی نداریم - لکن وقتی انسان کمبود منابع دارد، باید چکار کند؛ باید دو دستی به سر خودش بزند؟ باید شیون کند؟ نه، راه علاج پیدا کنید. راه علاج دارد؛ یکی از راه‌های علاج صرفه‌جویی است، صرفه‌جویی کنید؛ در تقسیم و توزیع منابع داخلی، اولویتها را رعایت کنید؛ اینها راه علاج است. بن‌بستی وجود ندارد. کمبود منابع، مشکل ما است، نه گره بازنشدن ما؛ یک مشکلی است، این مشکل را باید برطرف کرد؛ خب این راه حل دارد. ما الان پولها را گاهی در جاهایی خرج میکنیم که نباید در آنجاها خرج بشود. بعضی از دستگاه‌ها را ما می‌شناسیم که توانسته‌اند خدمات خودشان را به چند برابر افزایش بدهند بدون اینکه یک قران به بودجه‌ی اینها اضافه شده باشد؛ با مدیریت درست، با نگاه درست، با کم کردن از مصارف زائد؛ که این البته، هم شامل دولت است، هم شامل مجلس است، هم شامل نیروهای مسلح است. غیر از نیروهای مسلح هم داریم [به‌صورت] موردی، اما در بخشی از نیروهای مسلح هم در یک جاهایی دیدیم که توانایی‌هایشان و کارکردشان مضاعف شد، بدون اینکه بودجه‌شان اضافه بشود؛ یعنی میشود این کار را کرد. پس بنابراین این کمبود منابع هم نباید برای ما بهانه‌ای بشود برای اینکه بگوییم نمیشود کار کرد؛ نه، اگر انضباط مالی وجود داشته باشد، همه‌چیز قابل حل است. این چیزها هم قابل حل است. البته تکرار میکنم این انضباط مالی مخصوص دولت نیست؛ مجلس هم همین جور است، جاهای دیگر هم همین جورند؛ همه باید انضباط مالی داشته باشند^{۳۴۵}.

• نظارت بر گرانفروشان

گرانفروشی پدیده زشت و ظالمانه‌ای است که بار سنگین آن غالباً بر دوش مردم ضعیف قرار می‌گیرد و از طرفی تلاشهای اقتصادی مسئولان دولتی را که بحمدالله از موفقیت چشم‌گیری هم برخوردار بوده است ناموفق جلوه می‌دهد. و زمینه برای تبلیغات خصمانه و دروغین دشمنان را

^{۳۴۴} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت دولت ۱۳۷۱/۰۵/۳۱

^{۳۴۵} بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۴/۳/۶

فراهم می‌آورد. بنابراین مبارزه با گرانفروشی مبارزه با یک ظلم مضاعف است.^{۳۴۶} ایجاد نظارت و سختگیری بر گرانفروش، لازم است. ... ما باید ببینیم جامعه و نظام ما، چه اقتضا می‌کند؟ بنابراین، آقایان باید دنبال این باشند تا بتوانیم بار را از دوش مردم برداریم. بعضی، بدون هیچ‌گونه کنترلی، قیمتها را گران می‌کنند؛ مردم را اذیت می‌کنند و کمبود مصنوعی به‌وجود می‌آورند. با اینها باید مبارزه کرد. یعنی اقتدار دولت، در این بخشها باید خودش را نشان دهد.^{۳۴۷}

• خلق پول متناسب با تولید

یک نکته‌ی مهم دیگر در مسئله‌ی مشکلات اقتصادی ما، مسئله‌ی کنترل نظام بانکی است در خصوص مسئله‌ی خلق پول و تولید نقدینگی. آن چیزی که صاحب‌نظران اقتصادی به ما گزارش میدهند و منعکس میکنند، این است که میگویند خلق پول بایستی در نسبت با تولید انجام بگیرد؛ اگر این نسبت وجود نداشت، بایستی جلوی خلق پول گرفته بشود، جلوی تولید نقدینگی باید گرفته بشود؛ یعنی بحد این مسئله را اهمیّت بدهند. اگر در این زمینه درست عمل بشود، این برکات زیادی خواهد داشت: جلوگیری از تورّم، رونق تولید، رونق اشتغال، تقویت پول ملی و از این قبیل چیزها. این یکی از آن نکات مهمی است که به نظر من روی آن بایستی تکیه کرد.^{۳۴۸}

• تعامل دانشگاه و نخبگان با دولت

تعامل با دولت درباره‌ی شناخت نیازها و اولویّتها؛ یعنی تعامل دانشگاه بایستی با دولت این‌جوری باشد و کارهایی را که دولت نیاز دارد [انجام دهد]. این کاری که اخیراً چند گروه از اساتید درباره‌ی مسائل اقتصادی انجام دادند، بنده را واقعاً خوشحال کرد؛ این کار خیلی خوبی بود. حالا من نمیدانم دولت به آن توصیه‌ها عمل میکند، نمیکند، چقدر عمل میکند، چقدر نمیکند - آن بحث دیگری است - اما اینکه اساتید کشور، اقتصاددان‌های کشور احساس مسئولیّت کنند [خوب است]. جمعهای مختلف، بخصوص اساتید بسیجی، نامه‌های متعدّد به ما نوشته‌اند - ما هم البته

^{۳۴۶} پیام به رئیس‌جمهور در خصوص مبارزه با گران‌فروشی ۱۳۷۳/۰۷/۱۵

^{۳۴۷} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت دولت ۱۳۷۱/۰۵/۳۱

^{۳۴۸} نخستین دیدار هیئت دولت سیزدهم با رهبر انقلاب ۱۴۰۰/۶/۶

میفرستیم برای دولت، آنها باید اقدام کنند- به خود دولت نوشته‌اند، به رئیس‌جمهور محترم نوشته‌اند، درباره‌ی مسائل بانکی، مسائل نقدینگی کشور، مسائل ارز کشور، چه به‌صورت دسته‌جمعی، چه به‌صورت فردی؛ تعدادی از جوانهای نخبه و خوش‌فکر به‌صورت فردی، راه‌حل و توصیه دادند که البته ما همه‌ی اینها را در دفتر گفته‌ایم بررسی کنند، جمع‌بندی کنند و فرستاده بشود برای مسئولین اجرایی کشور که از آن استفاده کنند؛ اینها بسیار خوب است، این «تعریف رابطه‌ی بین دانشگاه و دولت» یکی از مسائل مهم است.^{۳۴۹}

• مقابله با احتکار و انحصار

یکی از چیزهایی که خیلی لازم است، این است که دولت با عوامل مخرب بخشهای گوناگون اقتصاد باید برخورد کند و همه باید در این برخورد پشتیبان دولت باشند. خب امروز قاچاق هست، احتکار هست، دلالی‌های بسیار مضر هست - گزارشهایی در مورد خریدهای خیانت‌کارانه نسبت به گندم، نسبت به گوشت، ارزاق عمومی و امثال اینها میرسد که اینها با مسئولین هم مطرح شده- اینها خیانت است و با اینها باید برخورد بشود. فلان جنس را وارد کرده‌اند، در انبار نگه داشته‌اند؛ این احتکار است و بایستی با این برخورد بشود. خب بله، وقتی که شما برخورد کردید، سر و صدا درست میشود؛ یک عده‌ای جنجال میکنند، هیاهو میکنند؛ همه باید پشت سر دولت قرار بگیرند، کمک کنند تا تعزیرات دولتی بتواند به معنای واقعی کلمه کار کند.^{۳۵۰}

۴) اصلاح نظام مالیاتی

مالیات یک امر الزامی و شرعی است و در جامعه‌ی اسلامی، دولت در صورتی که لازم بداند، برطبق قانون باید از درآمدها مالیات بگیرد. کسانی هستند که با داشتن درآمدهای کلان، از زیر این وظیفه‌ی قانونی شرعی الزامی - که به نفع کشور و برای طبقات کم‌درآمد و در خدمت مصالح اسلامی است - استنکاف میکنند. باید راهی پیدا کنید و نگذارید که این‌طور بشود^{۳۵۱}. بسیاری

^{۳۴۹}بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی ۱۳۹۷/۷/۲۵

^{۳۵۰}بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴

^{۳۵۱}بیانات در دیدار جمعی از اصناف ۱۳۷۰/۰۴/۱۳

هستند که ثروتهای بادآورده‌ای دارند، مالیات نمی‌دهند، از اموال عمومی به نفع شخصی خود استفاده می‌کنند و بدون استحقاق بسیاری هستند که مالیات و حقی را که متعلق به مردم است، از درآمد و کسب خود منع می‌کنند و نمی‌دهند. این، کار ناروایی است. در جامعه ما باید در همه ذهنها و فکرها جا بیفتد که منع مالیات و منع ادای حقوق عمومی دولت و ملت، یک خلاف و یک گناه است. مسؤولان دولتی باید تلاش کنند که مالیات را - بخصوص - از کسانی که ثروتهای زیادی دارند و مالیات آنها در وضع کشور مؤثر است، استنقاذ کنند؛ چون این حق مردم است و باید آن را به هر نحوی که روا و شایسته است بگیرند. البته، طبقات متوسط - کسانی که آن طور ثروتها را ندارند - مالیات می‌دهند و در دادن آن هم، آسان‌گیرتر هستند و سهلتر عمل می‌کنند. کسانی هم هستند که از امکاناتی که در اختیار آنهاست و متعلق به آحاد مردم است، ثروتهای زیادی را به دست می‌آورند. اینها، حق دولت را - که حق این مردم است - ادا نمی‌کنند. بنابراین، گرفتن مالیات و اداکردن آن و کمک به دولت و استنقاذ مالیات، یک وظیفه است.^{۳۵۲}

۵) اصلاح نظام بانکی

در زمینه‌ی اصلاح ساختار نظام بانکی هم حرفهای زیادی هست. ما با مسئولین مکرر در این زمینه‌ها صحبت کردیم. به نظر میرسد که میتوانیم در زمینه‌ی اصلاح ساختارها در این برهه کار کنیم. یک مقداری احتیاج دارد به مدیریت شجاعانه؛ یک مقدار مسئولین دولتی با شجاعت در این قضیه وارد بشوند؛ ملاحظه‌ی غیر وظیفه و غیر قانون و غیر مصلحت کشور را نکنند.^{۳۵۳}

راهکارهای اصلاح نظام بانکی:

• پایه ریزی و ایجاد بانکداری اسلامی

وظیفه‌ی جمعی ما به عنوان يك جامعه و يك نظام و يك دولت و يك حكومت، این است که احکام الهی قانون بر اساس دین خدا را در سطح جامعه، معیار و ملاک عمل عمومی قرار بدهیم...

^{۳۵۲} پیام به مناسبت آغاز سال ۱۳۷۵

^{۳۵۳} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۲/۲۴

برادرانی که در دستگاه بانکی کشور مشغول کار و خدمت هستند، تکلیفشان را بر اساس تفکر اسلامی و دینی دنبال کنند و انجام بدهند. مسئولان و کارگزاران دستگاه‌های مختلف دولتی، در برخورد و مواجهه‌ی با مردم، با اخلاق اسلامی برخورد کنند.

بانکداری اسلامی، پول را در جامعه به شکل اسلامی مطرح کردن و دادوستد کردن مسأله‌ی بسیار مهمی است. اگر بتوانیم این حقیقت را به معنای جامع کلمه در جامعه به وجود بیاوریم، فتح عظیمی در دنیا خواهد بود. فتح، فقط فتح قلعه‌ها و سنگرها نیست. اگر کارگزاران دستگاه بانکی بتوانند این را به معنای جامع و کامل مسئله اجرا و پیاده کنند، بزرگترین سنگر اقتصادی امروز دنیاست. خصوصیت بانکداری اسلامی و از لوازم آن، دادوستد پول بر اساس غیر ربا، تنظیم مبادلات پولی بر اساس قوانین اسلامی و معاملات اسلامی صحیح است، که در آن‌ها ظلم و استثمار و کتز و تبعیض و اختلاف طبقاتی و امثال این‌ها به وجود نمی‌آید.^{۳۵۴}

• نقش آفرینی موثر نظام بانکی در رشد اقتصادی کشور

بانکها باید نقش ایفا کنند، باید خودشان را تطبیق بدهند با موادّ سیاستهای اقتصاد مقاومتی و برنامه‌ریزی‌های دولت در این زمینه؛ و میتوانند نقش ایفا کنند.^{۳۵۵} حمایت از بنگاه‌های تولیدی، تأمین نقدینگی، تأمین سرمایه‌درگردش، .. همه‌ی اینها کارهای لازمی است... یعنی سیستم بانکی باید به‌طور کامل وارد میدان بشود.^{۳۵۶}

دستگاه‌های بانکی [باید] کاری بکنند که تولید به معنای واقعی کلمه در جهت ایجاد اشتغال باشد؛ چون مسئله‌ی اشتغال یک مسئله‌ی حیاتی است... حمایت‌های بانکی، تسهیلات باید به این سمت حرکت بکند که به صنایع اشتغال‌آفرین بیشتر توجّه بشود.^{۳۵۷}

اعتبارات بانکی را به سمت تولید هدایت کنید؛ این را از بانک‌ها بخواهید؛ بانک‌ها را موظف کنید؛ بانک مرکزی میتواند در این زمینه به‌طور جدّی فعال بشود. فاصله‌ی بین رشد نقدینگی در کشور

^{۳۵۴} بیانات در دیدار جمعی از آزادگان و مسئولان بنیاد مستضعفان و جانبازان ۱۳۶۹/۶/۷

^{۳۵۵} دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۳/۴/۱۶

^{۳۵۶} دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۴/۶/۴

^{۳۵۷} بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

و رشد تولید ناخالص ملی ما یک فاصله‌ی نجومی است؛ چرا؟ چرا باید اعتبارات جوری مصرف بشود که به این انبوه نقدینگی بینجامد و در رشد تولید کشور تأثیری نداشته باشد؟ این وضع باید تغییر پیدا کند؛ این دیگر کار مسئولین محترم دولتی است.^{۳۵۸}

• نظارت بانک مرکزی برای مقابله با بنگاه داری بانک ها

بعضی از مؤسّسات اعتباری ناسالم، بعضی از بانک‌های خصوصی، ملک بخرند، زمین بخرند، اضافه‌برداشت از بانک مرکزی انجام بدهند که خودش موجب تورّم و موجب مشکلات گوناگون است؛ بایستی با اینها برخورد بشود.^{۳۵۹} بانکی که نتوانسته خودش را اداره کند و مردم را به صف کرده، اعتبار این بانک را سلب کنید. اولاً نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها موجب میشود که به این وضع نرسند - اگر چنانچه نظارت مستمری از اول وجود داشته باشد - وقتی هم که به این زمینه رسید بالاخره باید با بانک برخورد بشود. این همه بانک خصوصی بانک‌ها چرا مشکل نقدینگی پیدا میکنند؟ برای خاطر اینکه شعبه زیاد میکنند، برای اینکه آسایشگاه برای افراد خودشان [درست میکنند]. بنده در تهران با ماشین از یک جایی عبور میکردم، یک دیوار طولانی بود که همین طور که با ماشین رفتیم، دائم دیدیم این دیوار هست، هست، هست؛ من پرسیدم این مال کیست؟ چیست اینجا به این بزرگی؟ یک تشکیلات عظیمی [بود] گفتند بله، برای بانکِ فلان است. خب این بانک غلط میکند که یک چنین کاری را [کرده]، میخواهد چه بکند این را؛ یعنی واقعاً این چیز مهمّی است، پولهای مردم را میگیرند و این جوری امکانات درست میکنند؛ حالا اینکه یک تشکیلاتی است که لابد برای تفریح و مانند این حرفها است؛ نه، بانکها بنگاه‌داری میکنند. بنده همین‌جا در همین جلسه یک بار گفتم که جلوی بنگاه‌داری بانک‌ها را بگیرید؛ بانک برای بنگاه‌داری که نیست.^{۳۶۰} اما باید مراقبت شود که این کنترل‌ها بر روی فعالیتهای غیر

^{۳۵۸} بیانات در دیدار تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰

^{۳۵۹} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

^{۳۶۰} بیانات در دیدار هیئت دولت ۱۳۹۷/۶/۷

مولد بانکها همچون خرید زمین و سکه یا فعالیتهای بنگاهداری آنها اعمال شود و تسهیلات لازم برای واحدهای تولیدی آسیب نبیند.^{۳۶۱}

۶) حذف دلار

آمریکایی‌ها یک روزی - چهل پنجاه سال قبل - برای اینکه دلار را در داخل کشورشان تقویت کنند، طلا را که رقیب دلار بود، با قیمت بالایی از مردم خریدند و جمع کردند برای اینکه طلا در دست مردم نباشد، برای اینکه دلار در داخل آمریکا شخصیت پیدا کند؛ [اما] ما برای ریالِ خودمان مدام رقیب درست میکنیم واقعاً یکی از گرفتاری‌های کشور ما مسئله‌ی آویزان شدن بخشهای مختلف اقتصاد ما به دلار است.^{۳۶۲} اگر مسئولان و مردم بتوانند اقتصاد مقاومتی را به معنای واقعی محقق و کشور را از جادوی مالی و پولی دشمن خلاص کنند و ارزش و آقایی دلار را در زندگی اقتصادی بشکنند، کشورهای دیگر را نیز نجات داده‌اند و برای آنها الگو خواهند شد.^{۳۶۳}

۷) بستن گلوگاه‌های فساد در بخشهای پولی و مالی

بنده به مسئولان دستگاههای اجرایی و قضایی تأکید کرده‌ام، بگردند ببینند جاهایی که گلوگاه فساد است، کجاست؛ آن‌جا را تحت نظارت قرار دهند و نگذارند از اوّل فسادى به وجود بیاید.^{۳۶۴} در بخشهای مالی، پولی، بازرگانی و گمرکی گلوگاههای فساد مالی وجود دارد. بی‌توجهی به این مراکز موجب میشود فساد به وجود آید. وقتی دستگاهها نظارت و مراقبت خود را دقیق کنند، جلو فساد گرفته خواهد شد.^{۳۶۵}

^{۳۶۱} دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت با رهبر انقلاب ۱۴۰۱/۶/۸

^{۳۶۲} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

^{۳۶۳} بیانات در دیدار فرماندهان سپاه ۱۳۹۵/۰۶/۲۸

^{۳۶۴} بیانات در دیدار کارگزاران حج و مسئولان برگزارکننده مراسم دهه فجر ۱۳۸۰/۱۱/۳

^{۳۶۵} بیانات در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۰۲/۲۲

۸) ترویج و اجرای دستورات مالی اسلام در جامعه

امروز فقه ما باید احکام معاملات را خوب برسد؛ احکام اجاره را به شکل جهانی خوب نگاه کند؛ احکام انواع و اقسام قراردادهای را از شرع مقدس استنباط و بیان کند. خیلی از اینها هست که امروز برای ما روشن نیست. شما ببینید یک مضاربه‌ی ما - که برای آن خیلی هم تره خرد نمی‌کردیم - میتواند علی‌الفرض بانکداری را اداره بکند. خیلی خوب، چرا ما در کتب فقهیه و ابواب مختلف فقهیه تفحص لازم نکنیم، تا راههایی را برای اداره‌ی زندگی پیدا نماییم؟ پس، هم از لحاظ سطح بایستی پیشرفت بکند و گسترش بیشتری پیدا نماید، و هم از لحاظ روش. همین روش فقهاتی که عرض شد، احتیاج به تهذیب، نوآوری و پیشرفت دارد. باید فکری نو روی آن کار بکنند، تا این که بشود کارایی بیشتری به آن داد.^{۳۶۶} هم خمس، هم زکات، هم کتاب تجارت، هم بقیه‌ی کتب معاملات، مزارعه و مساقات و رهن و سایر عقود، میتواند فراهم‌کننده‌ی نظام اقتصادی کشور باشد؛^{۳۶۷}

راهکارهایی برای اجرای دستورات مالی اسلام در جامعه:

• پرداختن به مسائل فقهی در حوزه پولی و مالی توسط فضلاء حوزه‌های علمیه

امروز، خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف اینها را معلوم کند؛ ولی معلوم نکرده است. فقه، توانایی دارد؛ لیکن روال کار طوری بوده است که فاضل محقق کارآمد، به این قضیه نپرداخته است؛ مثل قضیه‌ی پول. اصلاً پول چیست؟ درهم و دینار که این همه در ابواب مختلف فقهی - مثل زکات و دیات و مضاربه - اسم آنها آمده، چیست؟ باید به موضوع درهم و دینار پرداخت و باید تکلیف آن روشن شود. خیلی راحت است اگر ما عملیات بانکی - غیر از مسأله‌ی پول - و ودیعه‌گذاریها را تحت عنوان قرض و آن هم قرض ربوی بگذاریم و دورش را خط بکشیم آیا جای این نیست که قدری بیشتر در عمقش فرو برویم و ببینیم که آیا واقعاً قرض است یا خیر. ما در بانک

^{۳۶۶} بیانات در آغاز درس خارج فقه ۱۳۷۰/۶/۳۱

^{۳۶۷} بیانات در جمع فضلاء و طلاب و روحانیون مشهد ۱۳۶۹/۱/۴

پول میگذاریم و به بانک قرض میدهیم؛ بانک از ما قرض میگیرد. چه کسی این را قبول دارد؟ شما در بانک ودیعه میگذارید؛ قرض که به او نمیدهید.

از این قبیل مسائل زیاد است. بحث ارزش پول در هنگام تورمهای سرسام‌آور و سنگین - نه آن تورمی که به‌طور قهری در حرکت عمومی هر جامعه وجود دارد و موجب رشد است - چه میشود؟ بدون تورم، جامعه به رکود خواهد انجامید. آن موارد را نمیگوییم. منظور، این تورمهای بیست و سیوپنجاه درصدی و تورمهای سه رقمی است که از این هفته تا آن هفته، از ارزش پول کم میشود. در این حالتها، قضیه‌ی پول چه میشود؟ بدهکاریهای پولی و قرضهایی که از هم میگیریم چه میشود؟ اگر شش ماه پیش صد تومان از شما قرض گرفتیم و حالا میخواهیم بدهیم، آن صد تومان با صد تومان حالا فرق دارد. بالاخره تکلیف این مسأله، در فقه باید روشن شود. باید برای این کارها، مبنا درست کرد. البته انسان میتواند کار خودش را به اطلاعات و عموماً، آسان کند؛ اما مسائل این گونه حل نمیشود.^{۳۶۸}

• احیاء و ترویج خمس و زکات در جامعه

اهمّیت والای این فریضه‌ی بزرگ که مکرراً در قرآن در کنار نماز از آن یاد شده است، ایجاب میکرد که بسیار پیش از این به اقامه‌ی آن پرداخته شود. ما مسئولان نظام جمهوری اسلامی باید از کم‌کاری خود در این باره آمرزش خداوند را طلب کنیم و به عفو او پناه ببریم.

اکنون که به همّت برخی عزیزان، چند سالی است موضوع زکات پیگیری میشود، لازم است مسئولان همه‌ی بخشهای مرتبط دولتی، همکاری همه‌جانبه‌ی خود را مبذول دارند. قرآن در ستایش مجاهدان راه حق، کارکرد آنان را پس از پیروزی، اقامه‌ی صلات و ایتاء زکات و امر به معروف و نهی از منکر میداند و درحقیقت، نخستین و مهم‌ترین وظایف آنان را در هنگام تشکیل حکومت معین میکند. این جایگاه برجسته‌ی زکات است.

نظام جمهوری اسلامی برای تحقّق احکام اسلامی و تشکیل مجتمع اسلامی پدید آمده است، پس باید این فریضه‌ی بزرگ را در سرلوحه‌ی برنامه‌های خود گذارد. باید اعتراف کنیم که در این

^{۳۶۸}بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی ۱۳/۹/۱۳۷۴

زمینه کار تحقیقاتی و معرفتی نیز در سطح نیاز و ضرورت انجام نگرفته است. بحث فقهی زکات، امروز میتواند آفاق گسترده تری از همه‌ی آنچه در کتب گذشتگان هست، در پیش چشم باحثان و محققان بگشاید. فریضه‌ی زکات در صدر اول، پس از هجرت به مدینه تشریع شده، درحالی که عنوان زکات در آیات مکی قرآن کریم بارها تکرار گردیده است. نکاتی از این قبیل که ما را به ژرف‌اندیشی در این مقوله‌ی مهم فرامیخواند، کم نیست. به هر حال امید است نهضت احیا و ترویج زکات در همه‌ی سطوح به کارکردهای شایسته‌ی خود منتهی شود و برکات بی‌پایان آن شامل مردم ما و کشور ما و نظام مقدس جمهوری اسلامی گردد.^{۳۶۹}

• ترویج فریضه‌ی قرض الحسنه در جامعه اسلامی

صندوق قرض الحسنه یک عمل اسلامی است، یک حسنه است و اگر کسی اقدام کند به انجام این کار، در صورتی که سودجویی نخواهد بکند و از روشهای غلط استفاده نکند و با نیت خیر باشد، یکی از حسنات بزرگ و انفاقهای بزرگی است که کسی انجام میدهد. و این کار را دنبال کنید. قبل از پیروزی انقلاب کسانی که تفکرات چپ و التقاطی داشتند، از اینکه کسی کمک کند و احسان کند به فقرا و مستمندان، ناراحت و ناراضی بودند. به ماها میگفتند چرا زمستان که میشود، می‌آیند به شما زغال میدهند که بدهید به فقرا، شما هم قبول میکنید و به فقرا میدهید؟ آن وقت در مشهد معمول بود که آدمهای اهل خیر می‌آمدند حواله‌های زغال را به امثال ماها میدادند؛ ما هم به فقرا میدادیم که بروند بگیرند، استفاده کنند. میگفتند چرا این کار را میکنید؟ بگذارید اینها سرما بخورند تا در سایه‌ی سرما خوردن، از دستگاه عصبانی بشوند و انقلاب جلو بیفتد یک تحلیل ابلهانه‌ی غلط، متکی به تفکرات مادی، و درست دور از واقعیات و دور از حقایق اسلامی؛ آنها با احسان مخالف بودند، با همین کارهای قرض الحسنه و مانند اینها هم مخالف بودند. همان وقت در روزهای اختناق، بعضی از همین برادرانی که امروز هم میبینم بحمدالله در کارهای این صندوقها هستند، چند صندوق -اول یکی دو تا، بعد ظاهراً بیشتر- تشکیل دادند و چه کمکهایی

آن وقت می‌کردند؛ ما که در جریان بودیم می‌فهمیدیم این پولها به چه کسانی قرض داده میشد و چه گره‌هایی را باز میکرد. [تشکیل] صندوق، کار بسیار خوبی است؛ البته بعضی‌ها موافق نیستند، اما ما موافقیم؛ ما صندوق قرض‌الحسنه را مفید میدانیم و هیچ مشکل اقتصادی بر تشکیل صندوقهای قرض‌الحسنه مترتب نیست که بعضی‌ها می‌آمدند میگفتند این توژم‌زا است و از این قبیل [حرفها]، نه توژم‌زا است، نه مشکل اقتصادی ایجاد میکند؛ بسیار چیز خوبی است. توژم را بانک‌ها - که در صورت نیاز و احتیاج مجبورند نشر اسکناس بکنند - به‌طور ناگزیر ایجاد میکنند، نه صندوقهای قرض‌الحسنه که یک پول انبوه و انباشته‌ای را از دست صاحبش میکشند، در اینجا می‌گذارند، به صد نفر آدم محتاج میدهند؛ او هم اگر دستش بود، از این پول استفاده میکرد، آن را به گردش می‌انداخت؛ این بیچاره هم از آن پول استفاده میکند، یا مریضش را میرد درمان میکند، یا برای زمستانش آذوقه‌ای می‌خرد، یا لباس شب عید بچه‌هایش را تأمین میکند. هیچ اشکالی ندارد؛ از لحاظ موازین و معیارهای اقتصادی اصلاً مشکلی ایجاد نمیکند؛ بلکه خیر هم در جامعه ایجاد میکند، علاوه بر اینکه سد فقر و مستمندان هم - در محدوده‌ی خودش - هست.

من از مسئولین ذی‌ربط - چه در وزارت دارایی، چه در وزارت کشور و چه در جاهایی که با این صندوقهای قرض‌الحسنه ارتباطی دارند - جداً می‌خواهم که به توسعه و جریان صحیح این صندوقها کمک کنند تا مردم استفاده کنند. البته از همه‌ی نامه‌های نیک، آدمهای بدخواهی هستند که [سوء] استفاده کنند. از همه‌ی لباسهای مقدّس، کسانی هستند که سوء استفاده کنند. از همه‌ی عنوانها و شعارهای خوب، کسانی هستند که سوء استفاده میکنند؛ از این صندوق قرض‌الحسنه‌ی شما هم کسانی هستند که سوء استفاده میکنند؛ اینها را به دستگاه معرفی کنید، نگذارید ناشناخته بمانند و به سوء استفاده‌ی خودشان ادامه بدهند. و مواظب باشید کار را دقیق، صحیح، طبق مقررات و آن‌چنان که حقیقتاً موجب فایده و صلاح مردم باشد، انجام بدهید.^{۳۷۰}

^{۳۷۰} بیانات در دیدار افشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۷/۱۲

• مقابله با ثروت‌های بادآورده و ربا

[روش کسب] خیلی از این پولهای بادآورده و ثروت‌های بادآورده غلط است. ما باید فرهنگ ثروت بادآورده را در کشور متوقف کنیم... خیلی از این واسطه‌گری‌ها، خیلی از این سوداگری‌ها، خیلی از این دلال‌بازی‌ها، این رشوه دادن و رشوه گرفتن‌ها در بعضی از جاها، این رباخواری‌ها در بعضی از بخش‌های اقتصادی کشور، این ویژه‌خواری‌ها، که ارتباط با فلان کس موجب بشود یک درآمدِ آسان بی‌دردسر بدون کاری گیر آدم [بیاید]، همه‌ی اینها برای جامعه مضر است... خیلی از این تبعیض‌ها، خیلی از این کارهای تجملاتی، خیلی از این ثروت‌های مضر – که آثار فسادش را انسان در جامعه میبیند و کسانی مصداق «مُتَرَفین» در جامعه هستند که در قرآن ذکر شده‌اند – خیلی از اینها ناشی از همین است که ارتباط درآمد و سود و بهره با کار قطع شده؛ کار نیست، [اما] درآمد هست؛ این نمیشود؛ درآمد باید ناشی از کار باشد.

اگر با فساد مبارزه کردیم، در این فرهنگ پیشروی خواهیم کرد. مسئله‌ی مبارزه‌ی با فساد. فساد چیست؟ فساد، رشوه است، فساد ویژه‌خواری است، فساد ربا است؛ اینها فساد است دیگر، مفاسد است. اگر با اینها هر گامی که در راه مبارزه‌ی با فساد انجام بگیرد، یک گام واقعی در راه پیشرفت در این فرهنگی است که عرض کردیم.^{۳۷۱}

^{۳۷۱} بیانات در دیدار کارگران ۱۴۰۲/۲/۹

مرور در یک نگاه فصل چهارم بخش پنجم

فصل چهارم:		بخش پنجم:	
راهکارهای عملی در مسیر نهضت تحول اقتصادی		اصلاح و بهبود سیاست های پولی و مالی	
۱	تقویت پول ملی ۱۳۹۹/۶/۲		۲
	۱	ایجاد کارگروه نخبگانی برای یافتن راه های هدایت نقدینگی به اقتصاد مولد ۹۷/۴/۲۴-۹۷/۵/۲۲	
	۲	تشویق برای سرمایه گذاری در تولید ۹۹/۶/۲	
	۳	جمع آوری سرمایه های خرد با تعاونی ها ۹۸/۸/۲۸-۹۷/۳/۲۵ ۸۷/۲/۱۹	
	۴	دانشگاه برای حل گره های علمی هدایت نقدینگی نقش ایفا کند ۹۶/۳/۳۱	
	۵	امنیت سرمایه گذاری به طور کامل تأمین شود ۸۹/۶/۸-۸۰/۲/۱۰ ۸۵/۳/۲۹	
	۱	مقابله توأمان با رکود و تورم ۹۴/۶/۴-۱۴۰۲/۱/۱۵	
	۲	تکیه به توان داخلی، عدم اعتماد به نسخه های غربی ۹۸/۷/۱ ۹۷/۳/۲-۹۵/۵/۱۱	
	۳	شناسایی علل ۱۴۰۱/۱/۱۵-۹۹/۴/۲۲	
	۴	ورود هماهنگ قوای نظام در صحنه مهار تورم ۹۹/۵/۱۰-۹۹/۴/۷ ۹۹/۸/۱۳	
	۵	استفاده از توانایی مردم و رشد تولید ۹۹/۶/۲-۹۵/۵/۱۱-۱۴۰۲/۱/۱۵	
۳	۶	برنامه ریزی درست برای کاهش فشار تورمی بر روی مردم از ناحیه دولت ۸۸/۶/۱۶	
	۷	کارهای ضربتی در کنار کارهای زیربنایی ۸۶/۶/۴	
	۸	تمتع متعادل قشرهای مختلف مردم از امکانات کشور از طریق وضع قوانین و نظارت و کنترل های دولتی و مالیات ۷۵/۶/۸	
	۹	انضباط مالی ۱۴۰۲/۰۱/۱۵-۷۶/۱۰/۶-۷۱/۵/۳۱-۹۴/۳/۶	
	۱۰	نظارت بر گرانفروشان ۷۳/۷/۱۵-۷۱/۵/۳۱	
	۱۱	خلق پول متناسب با تولید ۱۴۰۰/۶/۶	

راهکارهای عملی در جهت اصلاح و بهبود سیاست های پولی و مالی	۲	مدیریت نقدینگی ۱۳۹۷/۶/۷	۱	ایجاد کارگروه نخبگانی برای یافتن راه های هدایت نقدینگی به اقتصاد مولد ۹۷/۴/۲۴-۹۷/۵/۲۲
			۲	تشویق برای سرمایه گذاری در تولید ۹۹/۶/۲
			۳	جمع آوری سرمایه های خرد با تعاونی ها ۹۸/۸/۲۸-۹۷/۳/۲۵ ۸۷/۲/۱۹
			۴	دانشگاه برای حل گره های علمی هدایت نقدینگی نقش ایفا کند ۹۶/۳/۳۱
			۵	امنیت سرمایه گذاری به طور کامل تأمین شود ۸۹/۶/۸-۸۰/۲/۱۰ ۸۵/۳/۲۹
		مهار تورم ۹۱/۶/۲-۷۹/۳/۳۱-۱۴۰۱/۱۱/۲۶-۱۴۰۲/۱/۱۵	۱	مقابله توأمان با رکود و تورم ۹۴/۶/۴-۱۴۰۲/۱/۱۵
			۲	تکیه به توان داخلی، عدم اعتماد به نسخه های غربی ۹۸/۷/۱ ۹۷/۳/۲-۹۵/۵/۱۱
			۳	شناسایی علل ۱۴۰۱/۱/۱۵-۹۹/۴/۲۲
			۴	ورود هماهنگ قوای نظام در صحنه مهار تورم ۹۹/۵/۱۰-۹۹/۴/۷ ۹۹/۸/۱۳
			۵	استفاده از توانایی مردم و رشد تولید ۹۹/۶/۲-۹۵/۵/۱۱-۱۴۰۲/۱/۱۵
			۶	برنامه ریزی درست برای کاهش فشار تورمی بر روی مردم از ناحیه دولت ۸۸/۶/۱۶

راهکارهای عملی در جهت اصلاح و بهبود سیاست های پولی و مالی

تعامل دانشگاه و نخبگان با دولت ۹۷/۷/۲۵	۱۲	اصلاح ساختار بودجه ۱۴۰۱/۶/۱ - ۱۴۰۱/۳/۴ - ۱۴۰۲/۱/۱۵	۴		
مقابله با احتکار و انحصار ۹۸/۲/۲۴	۱۳				
احصاء و شفاف سازی بدهی‌ها و تعهدات عمومی دولت و مدیریت و تأدیه بدهی‌ها	۱				
واقعی کردن منابع و مدیریت مصارف دولت و اجتناب از کسر بودجه.	۲				
تعیین تکلیف طرح‌های عمرانی نیمه تمام با واگذاری از طریق مشارکت دادن بخش‌های خصوصی و عمومی غیردولتی در طرح‌های عمرانی انتفاعی.	۳				
شفاف سازی و ضابطه‌مند نمودن درآمدها و هزینه‌های شرکت نفت و سایر شرکت‌های دولتی در بودجه	۴	اصلاح نظام بانکی ۹۸/۲/۲۴ - ۱۴۰۱/۳/۴ - ۱۴۰۲/۱/۱۵	۶		
ایجاد تحول در نظام مالیاتی با رویکرد تبدیل مالیات به منبع اصلی تأمین بودجه جاری دولت، ایجاد پایه‌های مالیاتی جدید، جلوگیری از فرار مالیاتی و تقویت نقش هدایت و تنظیم‌گری مالیات در اقتصاد با تأکید بر رونق تولید و عدالت مالیاتی	۵				
اصلاح نظام مالیاتی ۷۵/۱/۱ - ۷۰/۴/۱۳					
پایه ریزی و ایجاد بانکداری اسلامی ۶۹/۶/۷	۱				
نقش آفرینی موثر نظام بانکی در رشد اقتصادی کشور ۹۳/۴/۱۶ - ۹۴/۶/۴ - ۱۴۰۰/۱۱/۱۰	۲				
نظارت بانک مرکزی برای مقابله با بنگاه داری بانک‌ها ۱۴۰۲/۱/۱۵ - ۱۴۰۱/۶/۸ - ۹۷/۶/۷	۳	حذف دلار ۹۵/۶/۲۸ - ۱۴۰۲/۰۱/۱۵	۷		
بستن گلوگاه‌های فساد در بخش‌های پولی و مالی ۸۲/۲/۲۲					
پرداختن به مسائل فقهی در حوزه پولی و مالی توسط فضایی حوزه‌های علمیه ۷۴/۹/۱۳	۱			ترویج و اجرای دستورات مالی اسلام در جامعه	۹
احیاء و ترویج خمس و زکات در جامعه ۹۶/۹/۸	۲				
ترویج فریضه ی قرض الحسنه در جامعه اسلامی ۶۸/۷/۱۲	۳				
مقابله با ثروت‌های بادآورده و ربا ۱۴۰۲/۲/۹	۴				

بخش ششم: سیاست‌ها و روابط خارجی

مقدمه

ما در همه‌ی میدان‌های بین‌المللی، با منطق و پیرو راه عقلایی - که اسلام این را به ما تعلیم داده - حرکت کرده‌ایم. منطق ما، منطق تدبیر و عقل و پیگیری منافع ملی است.^{۳۷۲}

مهم‌ترین اصل در سیاست خارجی حمایت از هویت نظام اسلامی و پافشاری بر اصول و ارزش‌هاست و جمهوری اسلامی ایران، اصول و ارزش‌های خود را که عزت ملی است با هیچ چیز معاوضه نخواهد کرد.^{۳۷۳}

سیاست خارجی کشور مانند همه‌ی کشورهای جهان بر منافع بلندمدت و اصول و ارزش‌ها استوار است و با رفت‌وآمد دولت‌ها با سلايق سیاسی گوناگون، تغییر نمی‌کند؛ دولت‌ها فقط در تاکتیک‌ها و ابتکارات اجرایی راهبردهای سیاست خارجی تأثیرگذار و دخیلند... این سیاست خارجی متخذ از اسلام و منبعث از اهداف و آرمان‌های انقلاب است و مسئولان وزارت خارجه و سفرا و کارداران در حقیقت «نمایندگان، سربازان و خدمتگزاران این اصول و آرمان‌ها» هستند.

اجرای سیاست‌های انقلابی در هر زمینه، از جمله عرصه‌ی دیپلماسی باعث افزایش اقتدار و تأثیرگذاری، ارتقای جایگاه کشور و عزت و اعتبار ایرانیان در میان ملت‌ها می‌شود... جایگاه عزتمند فعلی کشور، مدیون همین سیاست‌های حکیمانه است و اگر به این اصول عمل نکرده بودیم، خدا می‌داند در داخل مرزها، با چه مشکلات و ضربات عجیبی، دست به گریبان می‌شدیم...

سیاست خارجی جمهوری اسلامی با این راهبردها و مختصات، سیاست خارجی انقلابی است و اگر در اجرا با راهکارهای هوشمندانه همراه شود، آثار شگفت‌انگیزی به همراه می‌آورد و ظرفیت حل بخش مهمی از مشکلات جهان اسلام را داراست.^{۳۷۴}

^{۳۷۲} بیانات در دیدار مردم پاکدشت ۱۳۸۳/۱۱/۱۰

^{۳۷۳} بیانات در ۱۳۸۲/۰۵/۲۹

^{۳۷۴} بیانات در دیدار وزیر امور خارجه، سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور با رهبر

انقلاب ۱۳۹۴/۸/۱۰

بنده مدّتی قبل گفتیم که دنیا در معرض یک تحوّل سیاسی مهم است؛^{۳۷۵} یعنی وضع نظم جهانی در حال تغییر است که خب حالا این حرف دارد از جاهای مختلف شنیده میشود، تکرار میشود. من امروز میخواهم عرض بکنم که این تحوّل جهانی خوشبختانه در جهت تضعیف جبهه‌ی دشمنان جمهوری اسلامی است؛ این چیز مهمّی است. اوّل تحولات خیلی سریع دارد انجام میگیرد؛ خیلی با سرعت؛ ثانیاً با همین خصوصیتی که گفتم، [یعنی] در جهت تضعیف آن جبهه است؛ این تحولات تا کنون این جوری است. خب این چه چیزی را اقتضا میکند؟ اقتضا میکند که ما در مسئله‌ی سیاست خارجی، ابتکاراتمان را افزایش بدهیم؛ ابتکار و تحرّک و فعّالیت و مانند اینها را باید افزایش بدهیم و از فرصت استفاده کنیم.^{۳۷۶} توجه داشته باشید که تاکتیک‌های سیاست خارجی باید در خدمت مبانی راهبردی باشد نه اینکه به اسم تاکتیک، بر ضد اصول عمل شود. با «استحکام و اقتدار و افتخار»، ادامه‌ی اصول انقلابی و راهبردهای ثابت سیاست خارجی را تکرار کنید تا بیگانگان و دنباله‌های داخلی آنان، به تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی دل خوش نکنند...^{۳۷۷}

چهارچوب کلی سیاست‌ها و روابط خارجی:

الف) حفظ استقلال

ب) دفاع از منافع ملی

ج) مقابله با نظام سلطه

د) پایبندی به اصول انقلابی در روابط بین‌المللی

^{۳۷۵} اشاره به بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان سراسر کشور به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار

۱۱/۸/۱۴۰۱)

^{۳۷۶} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

^{۳۷۷} اشاره به بیانات در دیدار وزیر امور خارجه، سفیران و مسئولان نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور با

رهبر انقلاب ۱۳۹۴/۸/۱۰

الف) حفظ استقلال

۱) استقلال همه جانبه

استقلال سیاسی: استقلال... مراتبی دارد که اول آن، استقلال سیاسی است. استقلال سیاسی آسانترینش است. یعنی حکومتی به وجود آید که به قدرتها، وابسته نباشد. انقلاب اسلامی، چنین است... انقلاب اسلامی، حکومتی را بر سر کار آورد که مستقل است. از امریکا حرف نمیشنود. از هیچ کس دیگر هم حرف نمیشنود و از هیچ کس نمیترسد. امروز به فضل پروردگار، دولت جمهوری اسلامی، چنین است. رئیس جمهور ایران، مسؤولان کشور و نمایندگان مجلس این گونه‌اند... این، استقلال سیاسی است با مواضع سیاسی محکم.^{۳۷۸} اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه‌ی حرفها، جز حرف، چیز دیگری نیست.^{۳۷۹} انقلاب آمد استقلال کامل سیاسی را به کشور داد. یعنی امروز در این دنیای بزرگ، در میان این قدرتهای بزرگ، یک قدرت وجود ندارد که بتواند ادعا کند خواست او، اراده‌ی او بر اراده‌ی مسئولین کشور یا ملت ایران اندک تأثیری دارد.^{۳۸۰}

استقلال اقتصادی: ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه‌ی تدابیر لازم را به کار ببریم، که یکی از مهمترین آنها، مسأله‌ی اقتصاد است.^{۳۸۱} تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمیتواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد.^{۳۸۲} اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند.^{۳۸۳} [استقلال اقتصادی] هضم نشدن در هاضمه‌ی اقتصاد جامعه‌ی جهانی است. ببینید، آنها خودشان - آمریکایی‌ها- در همین قضایای بعد از مذاکرات هسته‌ای گفتند معامله‌ی هسته‌ای باید موجب

^{۳۷۸} بیانات در دیدار پرسنل و فرماندهان ارتش ۱۳۷۵/۰۱/۲۸

^{۳۷۹} بیانات در اجتماع کارگران کارخانه‌جات تولیدی داروپخش ۱۳۹۱/۰۲/۱۰

^{۳۸۰} خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

^{۳۸۱} بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی ۱۳۸۳/۰۶/۲۵

^{۳۸۲} بیانات در اجتماع کارگران کارخانه‌جات تولیدی داروپخش ۱۳۹۱/۰۲/۱۰

^{۳۸۳} بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان ۱۳۸۷/۰۲/۰۴

بشود که اقتصاد ایران در اقتصاد جامعه‌ی جهانی ادغام بشود؛ ادغام ادغام یعنی چه؟ اقتصاد جامعه‌ی جهانی چیست؟ آیا اقتصاد جامعه‌ی جهانی یک نظم عادلانه و منطقی و عقلانی است؟ ابداعاً اقتصادی که نقشه‌ی آن را جامعه‌ی جهانی کشیده است و مظاهر گوناگون آن در همه‌ی دنیا گسترده است، عبارت است از نقشه‌ای و نظامی که سرمایه‌داران عمدتاً صهیونیستی و بعضاً غیر صهیونیستی برای تصرف منابع مالی همه‌ی دنیا طراحی کرده‌اند. این نظم جامعه‌ی جهانی و اقتصاد جهانی است. اینکه یک کشوری اقتصادش را ادغام کند در اقتصاد جهانی، افتخار نیست؛ این خسارت است، این ضرر است، این شکست است. در تحریم هم مقصود آنها یک هدف اقتصادی بود؛ تحریم هم که کردند ما را، خود آمریکایی‌ها تصریح کردند که این تحریم برای فلج کردن اقتصاد ایران است. حالا مذاکرات هسته‌ای هم که انجام گرفته است، به یک نتایجی منتهی شده است، اینجا هم باز هدفشان اقتصادی است؛ یعنی از جمله‌ی اهدافشان اقتصاد است؛ یعنی بلعیدن اقتصاد ایران به وسیله‌ی هاضمه‌ی اقتصاد بین‌المللی و جهانی که سردمدار آن هم آمریکا است. استقلال اقتصادی تنها با اقتصاد مقاومتی به دست می‌آید؛ که... ما گفتیم: «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل».^{۳۸۴}

استقلال فرهنگی: استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تأمین نمی‌شود. اگر یک ملت، از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرتهای بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی هم به خودکفایی کامل برسد، اما فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان این ملت رواج داشته باشد و رشد بکند، این ملت نمیتواند ادعای استقلال کند. در دنیا، سرشته‌ی فرهنگ دست عده‌یی است که آنها چگونگی لباس و پوشش و کیفیت زندگی و نشست و برخاست و اخلاق و معرفت را برای انسانهای بیگانه و بیخبر در سرتاسر عالم رقم می‌زنند و تعیین سرمشق میکنند. اگر ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته‌ی بیگانگان حفظ کند، این ملت مستقل خواهد بود؛ اما اگر نتواند و تحت تأثیر غلبه‌ی فرهنگ بیگانه قرار بگیرد، این ملت، ملتی وابسته و اسیر است؛ ملتی است که تلاشهای استقلال‌طلبانه‌ی سیاسی و اقتصادی او نیز تحت تأثیر کسانی خواهد بود که سرشته‌ی فرهنگ را در دست و اختیار دارند. امروز، صدها ایستگاه

^{۳۸۴} بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۳/۱۳۹۵

رادیو و صدها روزنامه و مجله در سرتاسر عالم، برای گسترش فرهنگ مطلوب قدرتمندان بزرگ و گسترش فرهنگ استکبار جهانی در سطح ملتها، روزانه و هفتگی منتشر میشود و اگر کسی با این فرهنگ مخالفت کرد، دشمنی آنها با او نسبت به کسی که تصمیمهای سیاسی آنان را نقض کند، به مراتب بیشتر است؛ چون میدانند که تأثیر فرهنگ، تأثیر عمیقتر و تعیین کننده تری است.^{۳۸۵} [استقلال فرهنگی] بسیار سخت است و بسیار خون دل دارد. مبارزه برای استقلال فرهنگی، از همه انواع استقلالها سخت تر است. من یک وقت گفتم دشمنان «شیخون فرهنگی» میزنند. این ادعا راست است و خدا میداند که راست است. بعضی نمیفهمند؛ یعنی صحنه را نمیبینند. کسی که صحنه را میبیند، ملتفت است که دشمن چه کار میکند و میفهمد که شیخون است، و چه شیخونی هم هست... [شیخون فرهنگی] کار کیست؟ کار همان دشمنی که استقلال اقتصادی به ضرر اوست، استقلال سیاسی به ضرر اوست؛ استقلال فرهنگی به ضرر اوست.^{۳۸۶}

۲) طرد کامل استعمار و حفظ وحدت بین امت اسلامی

تردید نباید کرد که دنیای استکبار، بیداری مسلمانان و اتحاد اسلامی و پیشرفت ملتهای ما در میدانهای دانش و سیاست و نوآوری را، بزرگترین مانع سلطه و سیطره ی جهانی خود می شمارد و با همه ی توان با آن می ستیزد. تجربه ی دوران استعمار و نواستعماری پیش روی ما ملتهای مسلمان است. امروز که دوران استعمار فرانوین است باید از آن تجربه ها درس بیاموزیم و بار دیگر برای مدتی طولانی، دشمن را بر سرنوشت خود مسلط نکنیم. در آن دورانهای تلخ و سیاه، قدرتهای مسلط غربی، همه ی ابزارهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی و نظامی را برای تضعیف کشورها و ملتهای مسلمان به کار گرفتند و تفرقه و فقر و جهل را بر آنان تحمیل کردند. غفلت و تنبلی و ضعف نفس بسیاری از رجال سیاسی، و مسؤولیت ناپذیری بسیاری از نخبگان فرهنگی ما به آنان کمک کرد، و نتیجه، غارت ثروتهای ما، و تحقیر و حتی انکار هویت ما، و نابود شدن استقلال ما شد. ما ملتهای مسلمان روز به روز ضعیفتر شدیم و چپاولگران زیاده خواه و سلطه طلب

^{۳۸۵} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و جمعی از پرستاران و مددکاران به مناسبت میلاد حضرت زینب (علیها

السلام) ۱۳۶۸/۰۹/۱۵

^{۳۸۶} بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۲/۰۲/۱۵

روز به روز قوی‌تر (شدند).^{۳۸۷} چرا ملت‌های مسلمان این قدر از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فشارهای سیاسی، از لحاظ ایجاد جنگ و جنگ‌های داخلی و تسلط و تصرف و استعمار و استعمار نو و امثال اینها دچار رنجند؟ علت این رنج کشیدن و در موضع رنج کشیدن قرار داشتن مسلمانها چیست؟ علل فراوانی دارد، علت‌های متعددی دارد. عقب‌ماندگی علمی یکی از علل آن است؛ تن دادن به تسلط استعمارگران یکی از علل آن است. علل متعددی دارد که حالا در این زمینه افرادی که اهل سیاستند، اهل تحلیل مسائل سیاسی و اجتماعی و مانند اینها هستند در این زمینه‌ها کار کرده‌اند، هزاران مقاله نوشته شده، لکن یکی از عوامل که شاید مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین عوامل باشد، تفرق مسلمین است. ما قدر خودمان را نمیدانیم، قدر یکدیگر را نمیدانیم؛ اشکال بزرگ کار ما این است؛ از هم جداییم، متفرقیم.^{۳۸۸} دنیای اسلام، تقریباً با یک میلیارد و نیم جمعیت، با امکانات فراوان اقلیمی و جغرافیایی و طبیعی و انسانی و سرمایه‌های بی‌نظیری که در اختیار دارد، می‌تواند یک مجموعه عظیم و متحد را تشکیل بدهد. امروز بیش از دویست سال است که کیسه‌ی استعمار غربی از این منطقه پیوسته پُر می‌شود؛ چه در دوران استعمار، چه در دوران استعمار نو، چه در دوران جدید، به شکلی این منطقه در خدمت اهداف سیاسی دنیای استکبار بوده، که در رأس آن امریکا است. اگر امت اسلامی وحدت خود را به دست بیاورد، اگر قدرت اسلامی به معنای حقیقی کلمه خود را نشان بدهد، اگر استقلال اسلامی، استقلال حقیقی، در این مناطق به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، تسلط و سیطره‌ی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی دشمن قطع خواهد شد. اینها به این راضی نیستند و با همه‌ی وجود تلاش می‌کنند این اتفاق نیفتد. راهی که آنها پیدا کردند، ایجاد اختلاف است و این بیماری متأسفانه در جسم دنیای اسلام نفوذ کرده. من از شما درخواست می‌کنم به این مسأله به طور جدّ بیندیشید.^{۳۸۹}

^{۳۸۷} بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام نوزده دی ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

^{۳۸۸} بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی ۱۴۰۱/۰۷/۲۲

^{۳۸۹} بیانات در دیدار شرکت کنندگان در همایش کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۸۵/۰۵/۳۰

۳) جهاد کبیر: عدم تبعیت از قدرت‌های سلطه‌گر و استقامت در مقابل زورگویی‌ها

امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به معنای قتال نیست، فقط به معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان است: «بِه» یعنی به قرآن، «جَاهِدْهُمْ بِهِ» یعنی به وسیله‌ی قرآن با آنها جهاد کن؛ جِهَادًا كَبِيرًا. این آیه در مکه نازل شده. درست توجّه کنند جوانهای عزیز در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمانها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها میکردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه‌ی شریفه میگوید: وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا. آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت [است]. فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛^{۳۹۰} از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است: جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ میکند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است. «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه‌ی با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدانهای مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدانهای مختلف از دشمن تبعیت نکن.^{۳۹۱}

دشمن میخواهد این محاسبه را بر ذهن شما تحمیل کند؛ میخواهد من و شما به این نتیجه برسیم که صلاح نیست در مقابل آمریکا، در مقابل استکبار، در مقابل دستگاه‌های سیاسی تابع کارتل‌های گوناگون اقتصادی، خیلی هم بایستیم و خیلی هم مقاومت کنیم؛ از بعضی از حرف‌ها باید دست

^{۳۹۰} سوره مبارکه الفرقان آیه ۵۲: فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا : بنابر این از کافران اطاعت مکن.

و بوسیله آن [=قرآن] با آنان جهاد بزرگی بنما!

^{۳۹۱} بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۵/۰۳/۰۳

بکشیم؛ کما اینکه گفتند دیگر. در یک برهه‌ای کسانی گفتند آفا ول کنید قضیه‌ی اسرائیل را، ول کنید قضیه‌ی فلسطین را، ول کنید قضیه‌ی عدالت در سطح جهانی و حمایت از ملت‌های عدالت‌خواه را، رها کنید این حرف‌ها را؛ چه کار دارید؟ به خودتان بچسبید. این همان تغییر محاسبات است. دشمن این را می‌خواهد.^{۳۹۲} (یا) مثلاً فرض کنید نظام اسلامی با فشارهای شرطی دشمن مواجه می‌شود؛ مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد می‌کنند، مثلاً تحریم را، بعد می‌گویند این را برمی‌داریم به شرط اینکه فلان کار انجام بگیرد - این جور نیست که آدم را بکلی مأیوس کنند؛ می‌گویند برمی‌داریم اما شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد؛ این خب خیلی چیز خطرناکی است، خیلی چیز مهمی است؛ این شرط‌ها ممکن است که شرط‌های بشدت گمراه‌کننده و هلاک‌کننده‌ای باشد - در یک چنین وضعی انسان چه کار باید بکنند؟ اینجا انسان متوجه می‌شود که علاج این، «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ»^{۳۹۳} است؛ چون این مسئله، مسئله‌ی عمومی است، مسئله‌ی شخصی که نیست. [مثلاً] در قرآن وجوب صبر، وجوب استقامت برای خود شخص [پیغمبر] هست؛ مخاطب «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ»^{۳۹۴} پیغمبر است و به مردم ربطی ندارد اما این [مورد]، ارتباط به مردم دارد: فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ؛ همه باید استقامت کنید، همه باید بایستید؛ یعنی یک حرکت جمعی صبر و استقامت را از ما می‌خواهد. پس فهمیدیم که در این قضایا باید این جوری عمل کرد: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» باید عمل کرد؛ یا «وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ»^{۳۹۵} تواصی به صبر، یکدیگر را وادار کردن به ایستادگی و مقاومت و تحمل و پایداری. خب وقتی یک چنین چیزی پیش می‌آید، برای ما آن مفهوم «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ» کاملاً روشن می‌شود؛ قبل از این، خیلی مفهوم روشنی برای ما ندارد - که خب «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ»^{۳۹۴} یعنی مردم موظفند که استقامت کنند - یک امر کلی است، اما وقتی یک چنین وضعی پیش می‌آید، انسان می‌فهمد که یعنی چه. ما امروز با این مسئله مواجهیم؛ مردم ما دچار مشکلاتی هستند که بخشی از آنها ناشی از فشارهای دشمن است و ما می‌خواهیم مردم در مقابل

^{۳۹۲} بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۱/۰۵/۱۶

^{۳۹۳} سوره مبارکه هود آیه ۱۱۲

^{۳۹۴} سوره مبارکه المدثر آیه ۷

^{۳۹۵} سوره مبارکه العصر آیه ۳

این [مشکلات] استقامت کنند، بایستند.^{۳۹۶} هر جا ملت‌ها حرکت کنند، ایستادگی کنند، صبر و مقاومت نشان بدهند، پیروزی قطعی است.^{۳۹۷} لذا می‌بینید که امروز (دشمنان) در حرف‌هایشان می‌گویند که بایستی از درون با ایران برخورد کرد؛ باید اراده‌ها؛ اراده‌ی بر ایستادگی را سُست کرد. اگر اراده‌ی يك ملت - که در اراده‌ی مسؤولینش تجسّم و تجسّد پیدا می‌کند - سُست نشود، هیچ کاری نمی‌توانند بکنند. دشمنان فشار می‌آورند؛ سختی هست. برای استقلال و حفظ هویت يك ملت و شرمندۀ نشدن در مقابل تاریخ، تحمّل این سختی‌ها لازم است... مسأله‌ی تاریخ و مسؤولیت مسؤولان حکومتی و دولتی، اعم از قوّه‌ی مقننه، قضائیه و قوّه‌ی مجریه که همه جزو این مجموعه هستند و این بار سنگین بر دوش آنهاست، این است.^{۳۹۸}

۴) قطع وابستگی به دلار

یکی از مشکلات اقتصاد ما وابستگی به دلار است. بعضی از کشورهایی که تحریم شدند، وابستگی خودشان را به دلار قطع کردند، وضعیتشان بهتر شد. ما الان کشورهایی را می‌شناسیم - نمیخواهم اسم بیاورم - که مورد تحریم‌های شدید غرب قرار گرفتند و رابطه‌شان با سوئیفت - که یک ساز و کار بین‌المللی غربی است - قطع شد، دلار را کنار گذاشتند، با پول‌های محلی معامله کردند و صادرات و واردات انجام دادند، وضعیتشان بهتر شد؛ این کار را ما هم باید بکنیم^{۳۹۹}. آمریکایی‌ها یک روزی - چهار پنجاه سال قبل - برای اینکه دلار را در داخل کشورشان تقویت کنند، طلا را که رقیب دلار بود، با قیمت بالایی از مردم خریدند و جمع کردند برای اینکه طلا در دست مردم نباشد، برای اینکه دلار در داخل آمریکا شخصیت پیدا کند؛ [اما] ما برای ریال خودمان مدام رقیب درست میکنیم واقعاً یکی از گرفتاری‌های کشور ما مسئله‌ی آویزان شدن بخش‌های مختلف اقتصاد ما به دلار است.^{۴۰۰} امروز [اگر] ما هم بخواهیم درآمدهای نفتی مان را به دست بیاوریم کار دشواری

^{۳۹۶} بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

^{۳۹۷} بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۹۴/۰۸/۱۲

^{۳۹۸} بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۱۳۸۲/۰۳/۰۷

^{۳۹۹} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۴۰۲/۰۱/۰۱

^{۴۰۰} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۴۰۲/۰۱/۱۵

است؛ هم دشوار است، هم هزینه‌دار است. پولهایی که در کشورهای دیگر داریم به ما داده نمیشود، نشده؛ یعنی حالا بعضی‌هایشان قول داده‌اند. آن‌طور که آقای رئیس‌جمهور به من گفتند، یک کشوری از این کشورها قول داده، منتها فقط یک کشور نیست، چند کشورند. ما پول داریم در بانک‌های اینها؛ منتها چون پولها به دلار است و مسئله‌ی دلار به آمریکا ارتباط پیدا میکند، نمیتوانند بدهند، کار قفل شده.^{۴۰۱} بدون توجه به تبلیغات منفی دشمنان برای تضعیف روابط کشورها، می‌توانیم تحریم‌های آمریکایی‌ها را با روش‌هایی از جمله حذف دلار و جایگزین کردن پول ملی در معاملات اقتصادی دو یا چندجانبه، بی‌اثر و آمریکا را منزوی کنیم.^{۴۰۲}

ب) دفاع از منافع ملی

منافع ملی، ملاک صحت تصمیم‌گیری‌ها است و منفعت ملی آن چیزی است که با هویت ملت ایران هیچ‌گونه معارضه‌ای نداشته باشد و از آن برکنار هم نباشد؛ یعنی برخاسته‌ی از این هویت باشد؛ این میشود منفعت ملت ایران. این را مسئولین کشور، دولت محترم، قوه‌ی قضائیه، قوه‌ی مقننه، این کسانی که تصمیم‌های کلان را برای کشور میگیرند، باید همواره در نظر داشته باشند؛ هر چیزی که شائبه‌ی ضدیت با اسلام یا بیگانگی از اسلام، ضدیت با انقلاب یا بیگانگی از انقلاب، ضدیت با ریشه‌ی تاریخی ملت ایران یا بیگانگی از آن، یا هر چیزی از این قبیل [داشته] باشد، جزو منافع ملی نیست و مورد تصمیم نمیتواند قرار بگیرد.^{۴۰۳}

امروز مسئولین کشور در معرض یک آزمون بزرگند؛ آیا حفظ عزت و اقتدار این ملت عزیز را خواهند کرد یا نه؟ باید عزت این ملت تأمین بشود، منافع ملت باید تأمین بشود به معنای واقعی کلمه، که خوب حالا خوشبختانه مسئولین هم بر روی حفظ منافع ملی تکیه کردند و گفتند باید منافع ما تأمین بشود؛ بله، باید تأمین بشود منتها برای تأمین منافع، به حرف فلان رئیس و فلان نخست‌وزیر و فلان صدراعظم اعتماد نکنید؛ حرف اینها اعتباری ندارد؛ امروز یک چیزی میگویند، فردا یک جور دیگری عمل میکنند؛ هیچ رودربایستی هم ندارند، خجالت هم اصلاً نمیکشند. متأسفانه

^{۴۰۱}بیانات در ۲۵ خرداد ۱۳۹۵

^{۴۰۲}بیانات در دیدار رئیس‌جمهور روسیه در سال ۱۳۹۸/۰۸/۱۰

^{۴۰۳}بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

در عالم دیپلماسی چیزی که وجود ندارد اخلاق انسانی است؛ بخصوص این غربی‌ها، اروپایی‌ها که هیچ اصلاً اخلاق را در ارتباطات گوناگون دیپلماسی و امثال اینها، بونکرده‌اند؛ فقط صرفاً بر طبق منافع خودشان فکر میکنند و حرکت میکنند و نقشه میکشند. با اینها باید با دقت رفتار کرد، عاقلانه باید رفتار کرد. بنابراین عزّت ملّت باید حفظ بشود، منافع ملّت باید حفظ بشود؛ به معنای واقعی هم حفظ بشود.^{۴۰۴}

ج) مقابله با نظام سلطه

نظام سلطه یعنی اینکه چند قدرت دست یافته‌ی به توانایی مادی و سلاح و پول و امثال اینها بخواهند بر دنیا حکومت کنند؛ مظهر نظام سلطه هم امروز آمریکا است.^{۴۰۵} سیاست ما ایستادگی در مقابل جنایتهای نظام سلطه است.^{۴۰۶} پیروان اهل بیت مفتخرند که مهم‌ترین حرکت در مقابله‌ی با نظام استکباری، با نظام سلطه، از سوی اینها انجام گرفته. خیلی شعار داده میشود، [اما] آنچه در عمل روی زمین اتفاق افتاده یک چیز واضح و مشخصی است و آن پرچم جمهوری اسلامی است. شیعه مفتخر است به اینکه در مقابل نظام سلطه ایستاد، سینه سپر کرد، این اژدهای هفت سری را که در همه‌ی شئون زندگی کشورها و دولتها و ملتها به نحو ظالمانه و جبارانه شرکت میکرد متوقف کرد که امروز خود آنها اعتراف میکنند بسیاری از خواسته‌هایشان به وسیله‌ی جمهوری اسلامی متوقف مانده و تخریب شده؛ این یکی از افتخارات نظام جمهوری اسلامی است و این افتخار شیعه است. و این نیست مگر به خاطر الهام‌گیری از بیانات ائمه‌ی هدی (علیهم السّلام) و اهل بیت پیغمبر؛ آنها بودند که ما را به تدبّر در قرآن و الهام‌گیری از قرآن تشویق کردند، تحریر کردند؛ آنها بودند که معارف قرآنی را برای ما تبیین کردند؛ آنها بودند که با سیره‌ی عملی خودشان به ما فهماندند که چه جوری باید عمل کرد؛ از خود امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) تا حضرت عسکری (علیه الصّلاة و السّلام)^{۴۰۷}

^{۴۰۴}بیانات در دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۰۲/۱۹

^{۴۰۵}بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۲/۱۱/۱۹

^{۴۰۶}بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل بیت (ع) ۱۴۰۱/۶/۱۲

^{۴۰۷}همان

د) پابیندی به اصول انقلابی در روابط دیپلماتیک بین المللی

۱) اتکال به خداوند

نظام جمهوری اسلامی اتکالش به خداست - دستگاه دیپلماسی ما، فعالیت‌های گوناگون دولتهای ما در دنیا در محدوده‌ی ارتباطات بین‌المللی و فعالیت‌های متعارف سیاسی طبق ارزیابی‌های خود آنها، جزو کشورهای فعال به حساب می‌آید و فعالیت‌های ما موفق به حساب می‌آید- در عین حال به هیچ قدرتی، به هیچ دوستی اتکال و اتکاء نمی‌کنیم. اتکاء ما به نیروی درونی خود ماست که همان ارتباط با خداست، اتکال به خداست؛ متمرکز کردن موهبت‌های الهی است در وجود انسانها، تا بتوان کارآئی آنها را چند برابر کرد؛ این کاری است که امروز بر عهده‌ی نظام جمهوری اسلامی است.^{۴۰۸}

۲) رعایت اصل حکمت، عزت و مصلحت در روابط بین المللی

عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. عزت: «الاسلام یعلو و لایعلی علیه»^{۴۰۹} «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً»^{۴۱۰} ما نمی‌خواهیم عزتمان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه دنیا با تکیه به آنها دور خودشان یک حصار می‌کشند ثابت کنیم.^{۴۱۱} معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود.^{۴۱۲}

حکمت: یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هر آنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد.

^{۴۰۸} بیانات در ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

^{۴۰۹} بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۴۷

^{۴۱۰} نساء: ۱۴۱

^{۴۱۱} بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۷۰/۴/۱۸

^{۴۱۲} بیانات در ۱۳۶۹/۱۱/۹

مصلحت: مراد، مصلحت شخص من و شما نیست که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود، نه، گران هم تمام بشود مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، چه اهمیتی دارد؟ مصلحت یعنی مصلحت انقلاب و این مصلحت همه جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما - بخصوص شما - شروع می شود.^{۴۱۳}

۳) تعهدات برادرانه به همه‌ی مسلمانان جهان

ما صریحاً و علناً به همه گفته‌ایم: ما دست دوستی به سمت همه‌ی دولتهای مسلمان منطقه دراز میکنیم؛ ما با دولتهای مسلمان هیچ مشکلی نداریم. البته روابطمان با بسیاری از همسایه‌ها یعنی اغلب همسایه‌هایمان هم روابط دوستانه و برادرانه است. در شمال، در جنوب، در غرب و در شرق، کشورهایی که دوروبر جمهوری اسلامی ایران هستند، با ما روابط خوب دارند. البته بعضی‌ها هم نزدیک و دور اختلاف دارند، لجاجت میکنند، خباثت میکنند - البته این هست لکن از طرف ما بنایمان بر ارتباطات خوب با همسایگان است؛ دولتها و بالخصوص ملت‌ها، ارتباطات کشور ما با ملت‌ها ارتباطات خوبی است.

۴) فعالیت در جهت ایجاد همکاری و هماهنگی و وحدت کشورهای اسلامی در جهت

استفاده صحیح از ظرفیت‌ها برای تقویت قدرت دنیای اسلام در جهان

اگر کشورهایی مثل ایران، مثل عراق، مثل سوریه، مثل لبنان، مثل کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، مثل عربستان، مثل مصر، مثل اردن، یک خطّ مشی واحدی را در مسائل اساسی و کلیّ خودشان اتخاذ کنند، قدرتهای زورگو نمیتوانند در امور داخلی اینها یا در سیاست خارجی اینها دخالت کنند؛ الان دخالت میکنند. الان آمریکا ضربه‌ی اقتصادی میزند، ضربه‌ی سیاسی میزند، نفت سوریه را میدزدند میبرند، داعشی ظالم وحشی و خونخوار را، در اردوگاه‌های خودشان نگه میدارند، حفظ میکنند برای روزی که [اگر] باز به آن احتیاج داشته باشند، بیاورند درون میدان و

^{۴۱۳} بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه ۱۳۷۰/۴/۱۸

به جان این و آن بیندازند؛ از این کارها دارند میکنند. در سیاست خارجی دولتهای منطقه دخالت میکنند که این کار را نکنید، این کار را نکنید؛ حتی در بعضی از کشورها، در سیاستهای داخلی‌شان هم دخالت میکنند. اگر ما همه با هم متحد باشیم و یک خط مشی را انتخاب کنیم، آمریکا نمیتواند این کارها را بکند، جرئت نمیکند وارد بشود. روی این مسئله [باید] فکر بشود؛ سران کشورها، سیاستمداران، نخبگان، صاحب‌نظران روی این مسئله فکر کنند، منافعش را بسنجند. مطمئناً هیچ کشوری مایل نیست که یک قدرت خارجی در مسائل او، در سیاست او، در خط مشی او امر و نهی کند و دخالت کند؛ معلوم است، اما ناچار تن میدهند. چرا؟ چون تنه‌ایند. اگر چنانچه دست در دست یکدیگر باشند، دولتها پشت به پشت یکدیگر بدهند، با هم باشند و همراه باشند، میتوانند در مقابل دخالت و فضولی و دست‌درازی قدرتهایی مثل آمریکا ممانعت کنند، مانع ایجاد کنند؛ میشود.^{۴۱۴} امروز این یک واقعیت بزرگ است که مسلمین در عالم، مجموعه‌یی تعیین‌کننده هستند؛ یا بگوییم امت اسلامی میتواند یک مجموعه‌ی تعیین‌کننده در انعقاد و شکل‌دهی سیاستهای جهانی و حرکت عمومی بشریت باشد. دورانی طولانی تلاش شده است که مسلمانها از دایره‌ی تحرک اساسی دنیا و زندگی بشری، از علم، از پیشرفت اقتصادی، از قدرت بین‌المللی و قدرت تأثیرگذاری سیاسی و اقتصادی کنار بمانند و به‌صورت یک مجموعه‌ی کم‌خاصیت و بی‌اثر دربیایند. حداقل دو قرن برای این کار سرمایه‌گذاری و تلاش شده و هنوز هم این تلاش ادامه دارد. این، ظلم بزرگی به مسلمین عالم و امت اسلامی بوده است. امروز امت اسلامی بیدار شده و قدر خود و اهمیت خود و تواناییهای خود را تا حدود زیادی شناخته است. وقت آن است که از این تواناییها در راه بهبود زندگی امت اسلامی استفاده شود و توانایی اسلام در عمل نشان داده شود. هیچ گفتار و هیچ تبلیغی بالاتر از عمل نیست. ما اگر به اسلام یا امت اسلامی علاقه‌مندیم، باید کار و تلاش کنیم... شکی نیست که امروز دنیای اسلام پراکنده است؛ اما میتوان دنیای اسلام را مجتمع کرد.^{۴۱۵} این، بلاشک از جمله چیزهایی است که مرضی اسلام و بلکه دستور قطعی اسلام به ماست که قرآن میفرماید:

^{۴۱۴} بیانات در دیدار مسئولان نظام، سفرای کشورهای اسلامی و میهمانان کنفرانس وحدت ۱۴۰۲/۷/۱۱

^{۴۱۵} بیانات در دیدار رئیس بانک توسعه اسلامی ۱۳۸۴/۰۱/۱۷

«تعاونوا على البرِّ و التَّقوى». امروز کشورهای اسلامی بیش از همیشه به همکاری در همه‌ی زمینه‌ها با هم احتیاج دارند؛ از جمله در زمینه‌ی مسائل اقتصادی و کمک به رشد و توسعه‌ی دنیای اسلام... ما باید برای استقلال امت اسلامی و برای عزت آن، همه‌ی تدابیر لازم را به کار ببریم، که یکی از مهمترین آنها، مسأله‌ی اقتصاد است. بنابراین، تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه‌ی اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدفهای اسلامی است. دنیای اسلام دنیای بزرگی است و دارای امکانات و ظرفیتهای فراوانی است؛ ما بیش از یک میلیارد جمعیت هستیم؛ نزدیک به نیمی از ذخایر نفت دنیا متعلق به دنیای اسلام است؛ در حدود بیست و پنج درصد ذخایر گاز دنیا متعلق به دنیای اسلام است؛ نیروی انسانی مستعد در دنیای اسلام فراوان است؛ منابع غنی زیرزمینی - غیر از منابع انرژی - در دنیای اسلام متنوع و فراوان است و نسبت بعضی از آنها به کل منابع دنیا تعیین‌کننده و بالاست؛ بخش مهمی از آبراههای اساسی و تعیین‌کننده‌ی کره‌ی زمین هم متعلق به دنیای اسلام است؛ بازار دنیای اسلام یکی از بزرگترین بازارهای دنیاست؛ اینها همه ظرفیتهای ماست. دنیای اسلام این ظرفیت را دارد که در صنعت، کشاورزی، تولید علم و در رشد و توسعه‌ی عمومی جهان نقش ایفا کند.

اگر دنیای اسلام که دارای عظمت و امکانات است، به فکر هماهنگ کردن امکانات خود نیفتد و از این ظرفیتهای به صورت یک مجموعه استفاده نکند، طعمه‌ی قدرتهایی خواهد شد که امروز بر سر تقسیم منافع دنیا با یکدیگر رقابت میکنند. ما نمیخواهیم سهم و طعمه‌ی این قدرت یا آن قدرت شویم؛ ما میخواهیم از ظرفیتهای و از استعدادهای خودمان استفاده کنیم، که این به همت، عزم و اراده‌ی قاطع و به تحرک و استفاده از پیشرفتهای علمی و فناوری احتیاج دارد؛ و ما میتوانیم این کارها را بکنیم.

امروز سهم دنیای اسلام از مجموع تجارت جهانی، بسیار ناچیز است؛ کمتر از ده درصد. متأسفانه سهم تجارت کشورهای اسلامی با یکدیگر نیز سهم کمی است؛ یعنی کشورهای اسلامی به جای این که امکاناتشان را با هم مبادله کنند؛ از ظرفیتهای هم استفاده کنند؛ به یکدیگر برای رشد تجارت و توسعه‌ی اقتصادی و سرمایه‌گذاری کمک کنند، بیشتر رو به سمت کشورهای غیراسلامی و رو به سمت غرب دارند؛ این ضعف ماست.

ما باید به تحرک اقتصادی در درون دنیای اسلام بیشتر اهمیت دهیم ... موانع تجارت میان کشورهای اسلامی باید برطرف شود؛ این تصمیمی است که دولتها باید بگیرند. فکر بازار مشترک اسلامی یک فکر کاملاً عملی است؛ الان سالهاست که این فکر مطرح است. البته ایجاد بازار مشترک میان دولتهای اسلامی مقدماتی دارد؛ دشوار است، لکن ممکن؛ ما میتوانیم مقدمات آن را در طول چند سال فراهم کنیم. ... اینها کارهای بزرگی است؛ کارهای بزرگ را با همتهای بلند میتوان انجام داد.

حرکت اقتصادی دنیای اسلام و امت اسلامی باید با این توجیه اساسی صورت بگیرد که اگر در این دنیای متعارض که قدرتها بر سر تصرف دنیا با یکدیگر در تعارضند، امت اسلامی قدرتمند نباشد، یقیناً دستخوش بحران خواهد شد و مثل طعمه از آن استفاده خواهند کرد؛ این مهمترین هدف و توجیه برای همکاری کشورهای اسلامی با یکدیگر است.

یکی از کارهایی که خوب است بر روی آن فکر شود، ایجاد شرایط مناسبی است برای تمرکز فعالیتهای بانکی در کشورهای اسلامی؛ یعنی کشورهای عضو بتوانند فعالیتهای بانکی خودشان را متمرکز کنند؛ چون امروز در سطح عالم یک عدم امنیتی حاکم هست و میبینید که افسارگسیختگی قدرتهای بزرگ، احساس عدم امنیت به همه کشورهای نسبت به ذخایر پولی و سرمایه‌هایشان میدهد. کشورهای اسلامی، با اندک بهانه‌یی، به این تهدید میشوند که دارایی و ثروتهایشان مسدود خواهد شد. برای این که احساس امنیت در دنیای اسلام به وجود بیاید، چقدر خوب است که فعالیتهای بانکی در خود کشورهای اسلامی متمرکز شود؛ این البته مقدمات و شرایطی دارد؛ باید شرایط کار فراهم شود؛ روی این کار میشود برنامه‌ریزی کرد.

مسئله‌ی بازار مشترک بسیار مهم است. امروز شما میبینید که بلوکهای اقتصادی مقتدری در گوشه و کنار دنیا کار و تلاش میکنند و سود میبرند. دنیای اسلام هم میتواند با همکاری، یک بلوک مقتدر اقتصادی به وجود بیاورد. امیدواریم خداوند متعال این توفیق را به همه‌ی دولتهای اسلامی بدهد که به این مسئله با توجه کامل و با دقت بپردازند و این را کار مهمی بدانند.^{۴۱۶}

^{۴۱۶} بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی ۱۳۸۳/۰۶/۲۵

۵) تأکید بر توسعه روابط با همسایگان

اولاً تأکید میکنم ارتباط روزافزون با همسایگان را. ما خب چهارده پانزده همسایه داریم، خیلی هایشان و اکثرشان کسانی هستند که ما میتوانیم با اینها ارتباطات خوب داشته باشیم. از فرصتها استفاده کنیم. من پیغام دادم به شما^{۴۱۷} راجع به پاکستان که خب شما گفتید که مشغول مقدمات هستید که این کار را انجام بدهید. عراق هست، ترکیه هست، پاکستان هست، کشورهای آسیای غربی هست، جاهای دیگر هستند، بالاخره ما با این مجموعه‌ی بزرگ در مسائل گوناگون میتوانیم کار کنیم. این دیپلماسی قوی با همسایگان برای مسائل اقتصادی ما هم خوب است. به من این جور گزارش دادند که اگر چنانچه ما بتوانیم [به اندازه‌ی] ده درصد از فعالیت اقتصادی این کشورها، با آنها کار بکنیم، برای ما یک رقم خیلی بالایی [است]؛ ده درصد چیز زیادی هم نیست.^{۴۱۸}

۶) روابط صلح‌آمیز متقابل و هوشمندانه با دولت‌های غیرمحراب

ما با کشورها بر اساس قانون اساسی و بر اساس اصول اسلامی با کشورهایی که سر تعرض با ما ندارند، رابطه خصمانه نداریم، کسانی که با ما سر تعرض دارند و شیوه خصومت در پیش می‌گیرند، ما هم در مقابل با آنها خصومت‌آمیز برخورد می‌کنیم. اگر خصومت آنها نظامی بود، ما هم متقابلاً خصومت نظامی خواهیم داشت. اما کشورهایی که با ما سر خصومت ندارند و مایلند با ما ارتباطات دوستانه یا برادرانه داشته باشند، ما نسبت به آنها روی خوش نشان می‌دهیم و دست دوستی به سوی آنها دراز می‌کنیم.^{۴۱۹} آنهایی که با بنده کار کردند می‌دانند. بنده هیچ مخالفت که ندارم بلکه از اول مشوق این جور ارتباطات بودم، الان هم هستم. الان هم مسئولین دولتی را دائماً تشویق می‌کنم به افزایش ارتباطات. منتها ارتباط با چه کسی؟ آن کسی

^{۴۱۷} وزیر امور خارجه وقت

^{۴۱۸} بیانات در دیدار هیئت دولت ۱۳۹۷/۶/۷

^{۴۱۹} بیانات در ۱۳۶۱/۳/۳

که می‌خواهیم با او ارتباط بگیریم چه انگیزه‌ای دارد؟ ما در مقابل انگیزه‌ی او چه توانی داریم، اینها باید محاسبه بشود، بدون محاسبه که نمی‌شود.^{۴۲۰}

عقیده‌ی من در زمینه‌ی ارتباطات دیپلماسی این است که ارتباطات باید روزبه‌روز تقویت بشود و توسعه پیدا کند و فعلیت پیدا کند و گسترش پیدا کند؛ عقیده‌ی من این است. عقیده‌ی من کنار رفتن و قطع کردن و مانند اینها نیست؛ جز در یک موارد معدودی مثل آمریکا، در غیر این موارد عقیده‌ام این نیست؛ رابطه با شرق تقویت بشود، با غرب تقویت بشود؛ هرچه میتوانیم تحرک عملیاتی و هدفمند دیپلماسی بایستی افزایش پیدا کند، یعنی تحرک دیپلماسی کشور باید افزایش پیدا کند؛ تحرک هدفمند.^{۴۲۱}

یکی [هم] مسئله‌ی اروپا است. بنده قبلاً هم گفته‌ام، الان هم می‌گویم که ارتباط با اروپا باید ادامه پیدا کند. البته اروپا یک شکل نیست، جاهای مختلفش مختلفند، در یک چیزهایی مشترکند، در یک چیزهایی نه، جور دیگرند، روشهای مختلفی دارند. به‌هرحال با مجموعه‌ی اروپا - کشورهای اروپایی، نه جامعه‌ی اروپا- با کشورهای اروپایی بایستی ادامه‌ی ارتباط باشد اما قطع امید کنید از اینها؛ از اروپا قطع امید نکنید. اروپا جایی نیست که ما بتوانیم برای مسائل گوناگون خودمان از جمله همین مسئله‌ی برجام و مسائل اقتصادی و مانند اینها به آنها امید ببندیم؛ نه، اینها کاری نخواهند کرد؛ قطع امید [بکنید]. این قطع امید به معنای قطع رابطه نیست، به معنای قطع مذاکره نیست؛ به معنای این است که ما تصمیم خودمان را جور دیگری بگیریم، این است معنایش و نگاه شک‌آلود داشته باشید به وعده‌های آنها؛ به هرچه وعده میدهند، با تردید نگاه کنید. الان هم که دارند بازی درمی‌آورند. به نظر من در این قضایای مربوط به برجام و تحریمها دارند شوخی میکنند؛ در واقع اینها یک رفتار مناسبی الان با ما ندارند.^{۴۲۲}

^{۴۲۰}بیانات در دیدار عیدانه جمعی از مسئولان کشور ۱۳۹۵/۰۱/۲۴

^{۴۲۱}بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۹۷/۴/۲۴

^{۴۲۲}بیانات در دیدار هیئت دولت ۱۳۹۷/۶/۷

۷) دفاع از مستضعفان و حمایت از مبارزات حق طلبانه‌ی مستضعفان در مقابل مستکبران در هر نقطه از جهان و تقویت جبهه‌ی مقاومت

در منش سیاست خارجی ما حساسیت در مقابل تجاوز نقش بخصوصی داشته. ما همواره کوشش کردیم از اول انقلاب در هر نقطه‌ای که یک نیروی متجاوز به خودسری و قلدری مشغول است آن را عیب و زشت بشماریم.^{۴۲۳}

دفاع از مظلوم، همیشه یک نقطه درخشان است، کنار نیامدن با ظالم، رشوه نپذیرفتن از زورمند و زرمند، پافشاردن بر حقیقت، اینها چیزهایی است که هیچ وقت در دنیا کهنه نمی‌شود، اینها را باید دنبال کنیم، اصول اینهاست.^{۴۲۴} ظالم هر کسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت؛ مظلوم هرکسی هست باید از او حمایت کرد.^{۴۲۵} خط امام در سیاست خارجی عبارت است از طرفداری از ملت‌ها و مقابله با ابرقدرتها. خط امام در سیاست خارجی، نه شرقی و نه غربی است. امام به سود هیچ ابرقدرتی با ابرقدرت دیگر نمی‌جنگد، امام با هر قدرت فائقه‌یی که بخواهد ملت‌ها را به اسارت و به زنجیر بکشد مبارزه و مقابله می‌کند، موضع‌گیری امام در سیاست خارجی حمایت از همه جنبش‌هایی است که علیه ظلم و بیداد در سراسر جهان مجاهدت و فداکاری می‌کنند.^{۴۲۶} ما اگر چنانچه به توحید اعتقاد داریم، نمیتوانیم زیر بار زور برویم، نمیتوانیم زیر بار ظلم برویم، نمیتوانیم در مقابل ظالم نایستیم، این طبیعت توحید است. اینکه جمهوری اسلامی اعلام میکند که هر جا مظلومی هست و نصرتی لازم است، ما آنجا حاضریم، به‌خاطر این است؛ اینکه ما روی مسئله‌ی فلسطین این‌جور اصرار داریم، به‌خاطر این است. چون لازمه‌ی توحید این است که انسان در مقابل زورگویی ظالم به مظلوم بایستد؛ حقیقت توحید این است و بعثت این را به ما یادآوری میکند؛ و این مطمئناً پیشرفت هم دارد... ایستادن ما در کنار گروه‌های مقاومت، در منطقه‌ی غرب آسیا به همین دلیل است.^{۴۲۷} امروز در منطقه‌ی ما، منطقه‌ی غرب آسیا، کلمه‌ی مشترک ملت‌ها مقاومت است؛ مقاومت را همه قبول دارند. البته

^{۴۲۳} بیانات در ۱۳۶۴/۱۱/۱۶

^{۴۲۴} بیانات در ۱۳۸۰/۰۸/۱۶

^{۴۲۵} بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۴/۰۲/۲۶

^{۴۲۶} بیانات در ۱۳۵۸/۱۱/۱۲

^{۴۲۷} بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

بعضی جرئت میکنند وارد میدان مقاومت بشوند، بعضی جرئت نمیکنند؛ اما آن کسانی هم که جرئت میکنند کم نیستند. همین شکستهایی که در این چند سال، آمریکایی‌ها در عراق و در سوریه و در لبنان و در فلسطین و مانند اینها داشتند، محصول مقاومت گروه‌های مقاومت است. جبهه‌ی مقاومت، امروز یک جبهه‌ی قوی است.^{۴۲۸} علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا میکند و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد... فکر مقاومت و جبهه‌ی مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است.^{۴۲۹}

۸) ما در امور داخلی کشورها دخالتی نمیکنیم

ما ابداً در امور داخلی کشورها دخالتی نمیکنیم و چنین قصد و نیتی هم نداریم. احتیاجی هم به این نمیبینیم. ما برای این که یک کشور مستقل و آباد و یک ملت قوی، شجاع و پیشرو باشیم، هیچ احتیاجی به دخالت در امور ملت‌های دیگر نداریم. ملت ما هم یک ملت مبارز است. اما این مبارزه‌جویی ملت ما، علیه ظلم، تبعیض و تحمیل است. این مبارزه‌جویی به هیچ‌وجه در راه دخالت در امور کشورهای دیگر نیست. بنابراین، این که ما میگوییم «انقلاب یک وجهه بین‌المللی و جهانی دارد» به این معنا نیست که انقلاب در امور کشورها و ملت‌ها دخالت میکند. انقلاب یک پیام، حرف منطقی و یک راه روشن دارد. این راه روشن در مقابل چشم ملت‌هاست. ملت‌ها آن را میبینند. اگر پسندند آن را میپذیرند و از آن راه میروند. ما هیچ تحمیلی بر ملت‌های دیگر نداریم؛ اما واقعیتی که اتفاق افتاده این است که ملت‌ها این راه روشن را دیده‌اند و شناخته‌اند. تعداد ملت‌هایی که پیمودن این راه را انتخاب کرده‌اند، کم نیست.^{۴۳۰} بارها گفتیم، مفاهیم انقلاب و مفاهیم اسلام، مثل عطر گلهای بهاری است؛ هیچ کسی نمیتواند جلوی آن را بگیرد؛ پخش میشود، همه جا میرود؛ نسیم روح افزا و روانبخشی است که همه جا را به خودی خود میگیرد.^{۴۳۱}

^{۴۲۸} بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۸/۰۳/۱۴

^{۴۲۹} بیانات در دیدار دانش آموزان ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

^{۴۳۰} بیانات در مراسم ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۷۴/۰۳/۱۴

^{۴۳۱} بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین ۱۳۹۳/۰۹/۰۶

دشمن که می‌گوید «انقلاب به وسیله انقلابیون صادر می‌شود»، اشتباه و غلط مضاعف می‌کند. دوبار غلط می‌کنند. اشتباه اول آنها این جاست که نظام جمهوری اسلامی، در صدد صادر کردن هیچ چیز نیست. نظام جمهوری اسلامی دارای حقیقتی است که همان انقلاب است. این ملت، حقیقت انقلاب را به وجود آورد و نظام جمهوری اسلامی، تجسم انقلاب است. اشتباه دوم این است که تفکر انقلاب و پیام انقلاب که پیام آزادی و بیداری است، احتیاج به صادر کردن ندارد. مگر لازم است کسی این مفاهیم را صادر کند؟ خوب؛ یک حرف و حقیقتی است که ملتها از آن بی‌خبرند. وقتی مواجه شدند و تجربه‌ی موفق جمهوری اسلامی را دیدند، قهراً درس می‌گیرند. لازم نیست به ملتها گفته شود که «شما هم بیایید این‌طور عمل کنید». ملتها، نظام جمهوری اسلامی، انقلاب، موفقیت‌های این ملت و عزت ایران و اسلام را می‌بینند و درس می‌گیرند. امروز بیداری اسلامی در کشورهای گوناگون و بیداری روح معنویت در سرتاسر جهان، مرهون انقلاب اسلامی است.^{۴۳۲}

۹) توسعه تجارت خارجی با تاکید بر حفظ استقلال اقتصادی و هضم نشدن در سیاست‌های سازمان‌های مالی و تجاری جهانی

ما در ارتباطات با کشورهای مختلف فرصتهایی داریم؛ این فرصتها را بشناسیم و از این فرصتها به‌وقت استفاده کنیم. گاهی هست که یک ارتباطی با یک کشوری داریم، میتوانیم هم بهره‌برداری کنیم، [ولی] بی‌توجهی صورت می‌گیرد. [مراقب باشید] این اتفاق نیفتد؛ یعنی فرصتها شناخته بشود و از فرصتها استفاده بشود. دوم [اینکه] تفاهم‌نامه‌هایی که انجام می‌گیرد، سندهای همکاری‌ای که انجام می‌گیرد و امضا میشود، روی کاغذ نماند. الان دولت با بعضی از کشورها سندهای همکاری طولانی‌مدت دارد؛ خوب حالا کو؟ نتیجه‌اش چیست؟ نگذاریم این تفاهم‌نامه و سند همکاری صرفاً روی کاغذ باقی بماند؛ این مهم است.^{۴۳۳}

یکی از مشکلات اقتصاد ما کم‌تحرکی در تجارت خارجی است. ظرفیت تولید ما در داخل زیاد است؛ چه در بخش کشاورزی، چه در بخش صنعتی؛ بازارهای دنیایی هم بسیار وسیع است. ما

^{۴۳۲} بیانات در مراسم ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۷۴/۰۳/۱۴

^{۴۳۳} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۴۰۲/۶/۸

میتوانیم تجارت خارجی مان را افزایش بدهیم، پیش ببریم و آن کاری را که حقیقتاً به طور مستقیم به معیشت مردم و سفره‌ی مردم ارتباط پیدا میکند، ان شاء الله سامان بدهیم که یکی از کارهای مهم است. ما امروز در تجارت خارجی تحرکمان کم است؛ روشهایمان بعضاً روشهای نادرستی است؛ اینها به تحوّل نیاز دارد؛ احتیاج به تحوّل دارد. یکی از موارد تحوّل همین مسئله‌ی تجارت خارجی است....

پیوستن به سازمان تجارت جهانی از نظر من کاری است مثبت؛ اما هنگامی که ما زیرساخت‌های لازم را برای این کار داشته باشیم، که الآن این را نداریم. الآن برداشتن تعرفه‌ها و رفتن داخل سازمان تجارت جهانی، یعنی هضم شدن در یک اقتصاد برتر، بدون امکان رقابت؛ یعنی کم شدن و غرق شدن؛ یعنی همین تولید داخلی را هم که تا امروز با زحمت و خون دل فراهم شده، از دست دادن و نابود کردن. بله؛ سازمان تجارت جهانی میدان گسترده‌ای برای فعالیت است؛ اما باید قدرت شنا داشته باشیم. آن روز من گفتم این کار مثل این است که ما یک تیم فوتبال را به مسابقات جام جهانی بفرستیم؛ درحالی که اعضای آن هیچ تمرینی نکرده باشند. نتیجه‌ی این کار این است که ما بیست تا گل می‌خوریم و برمی‌گردیم ما باید آمادگی را فراهم کنیم و عجله هم نداشته باشیم. پنج سال دیگر شد، ده سال دیگر شد، دیر نمی‌شود. اوّل باید زیرساخت‌های اقتصادی مستحکم شود و ما خاطر جمع شویم، بعد با خیال راحت و با میل وارد صحنه شویم. الآن توصیه‌ی هضم شدن در اقتصاد جهانی، برای اقتصاد ملی و مستقل ما سمّ مهلکی خواهد بود.^{۴۳۴}

جهانی شدن به معنای تبدیل شدن به یک پیچ و مهره‌ای در ماشین سرمایه‌داری غرب، نباید مورد قبول هیچ ملت مستقلی باشد. اگر قرار است جهانی شدن به معنای درست کلمه تحقق پیدا بکند، باید کشورها استقلال خودشان- استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی- و قدرت تصمیم‌گیری خودشان را حفظ کنند؛ و الاً جهانی شدنی که ده‌ها سال پیش از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی و امثال این‌ها- که همه ابزارهای آمریکائی و

^{۴۳۴} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۲/۰۵/۱۵

استکباری بودند- به وجود آمده، ارزشی ندارد. بنابراین، یک اصل مهم، مسئله‌ی استقلال است؛ که اگر این نباشد پیشرفت نیست، سراپ پیشرفت است.^{۴۳۵}

۱۰) حضور فعال در مجامع جهانی و ارتباطات منطقه‌ای

من بارها این مسأله را دائماً به وزارت خارجه گفته‌ام و تکرار کرده‌ام که ما باید در ارتباطات دوجانبه، ارتباطات منطقه‌ای و در مجامع جهانی حضور فعال داشته باشیم و نباید هیچ مجمع جهانی را که در آن عضو هستیم، دست کم بگیریم. این که ما مأیوس بشویم و بگوییم فایده‌یی ندارد، گوش نمیکنند؛ غلط است. همه چیز فایده دارد؛ همه‌ی تلاشها فایده دارد.^{۴۳۶} پرداختن به همکاریهای منطقه‌ای - همین کارهایی که الان انجام میگیرد؛ اکو، شانگهای و... - چیزهای لازمی است. ما این چیزها را باید با جدیت دنبال کنیم و همت بگماریم.^{۴۳۷}

۱۱) دیپلماسی فعال

یکی از بخشهای درگیری و میدانها و عرصه‌های پیکار، عرصه‌ی حرف‌زدن‌های بین‌المللی است.^{۴۳۸} در همه جا بایست در دیپلماسی موضع فعال داشته باشیم. بایستی انسان بخصوص در مسائل شبیه مسائل منطقه، خیلی لازم است که با دقت و هوشیاری و قدرت فعل، فعال بودن و اثرگذار بودن، وارد میدان بشود.^{۴۳۹} باید در مذاکره قوی بود و جوری باید مذاکره کرد که بعد سرمان کلاه نرود.^{۴۴۰} دیپلماسی، یک جنگ است. شما این را به‌خوبی میدانید و آن را مثل جنگهای نظامی و برخورد های اقتصادی که تاکتیک و عقب‌نشینی و حمله و جابه‌جایی و فریب جنگی دارد، لمس

^{۴۳۵} بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان ۱۳۸۸/۰۲/۲۷

^{۴۳۶} بیانات در ۱۳۸۳/۵/۲۵

^{۴۳۷} بیانات در ۱۳۸۵/۳/۲۹

^{۴۳۸} بیانات در دیدار نخبگان و مسئولان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۵

^{۴۳۹} بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۹۵/۰۶/۰۳

^{۴۴۰} بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام ۱۳۹۵/۰۱/۱۱

کرده‌اید. همه‌ی دیپلماتهای دنیا مشغول جنگند. ارزش و تأثیر آن جنگ هم، گاهی از جنگهای نظامی کمتر نیست؛ بلکه در مواردی هم بیشتر است. البته، همیشه این گونه نیست. منظور من از جنگ، یک مبارزه‌ی معمولی نیست؛ که این کار همه‌ی دیپلماتهاست. ما دچار یک جنگ تحمیلی ناخواسته در عالم دیپلماسی شدیم و آن، تمرکز فعالیت همه‌ی قدرتهای مخالف اسلام و حتی دین - مثل صهیونیسم سیاسی که در رأس است و آمریکا و ایادی و هم‌پیمان‌های او در سراسر دنیا و نیروهای خرده‌ریزی چون عناصر ضدانقلابی ایرانی مقیم خارج و مخالف با حضور اسلام در ایران - روی دیپلماسی ما بود. دستگاه دیپلماسی ما، یک تنه رویاروی همه‌ی این تمرکز بین‌المللی بود... وقتی که هر کس با هر قدرت و تشکیلاتی، به جهت مخالفت با اسلام و جمهوری اسلامی، توان خود را بر دیپلماسی ما متمرکز کرد، کار واقعا مشکل و دشوار میشود. این دیپلماسی، دیگر یک حرکت معمولی در میدان جنگ نیست؛ بلکه همچون رزمندگی است که در جنگ پایش را بسته‌اند و یا مسیر حرکتش را گل کرده باشند. در حقیقت، جنگ دیپلماسی ما، یک جنگ مضاعف است.. تا وقتی پایبندی اسلامی ما محفوظ است، این مبارزه وجود دارد.^{۴۴۱}

یک دیپلماسی هوشمندانه و فعال می‌تواند دستاوردهای بسیار مهم سیاسی، اقتصادی، انسانی و اجتماعی به همراه بیاورد که با هیچ حرکتی از جمله جنگ‌های پرهزینه و پرخطر نیز حاصل نمی‌شود و این واقعیت نشان‌دهنده‌ی وزن و جایگاه دستگاه دیپلماسی در مجموعه‌ی مدیریت یک کشور است.^{۴۴۲} اگر در مقطع فعلی دستگاه دیپلماسی بتواند حضور فعال، هوشمندانه و مقتدرانه داشته باشد، جایگاه و استحکام جمهوری اسلامی در چندین ده سال آینده و در نظم جدید جهانی به عنوان جایگاهی برجسته تثبیت می‌شود و گرنه، در جهان پیش رو، از موقعیت لازم برخوردار نخواهیم بود.^{۴۴۳} تحولات منطقه‌ای و جهانی، بسیار سریع است و باید بطور آنی،

^{۴۴۱} بیانات در دیدار وزیر، مسئولان وزارت امور خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج

از کشور ۱۳۶۸/۵/۳۱

^{۴۴۲} دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با

رهبر انقلاب ۱۳۹۳/۵/۲۲

^{۴۴۳} همان

آنها را رصد کرد و با تحرک بالا، هر حادثه و رویدادی را بلافاصله تحلیل کرد و با درک نسبت آن با اهداف و آرمان‌ها، موضع خود را در قبال آن مشخص نمود.^{۴۴۴} در این دوران، دیپلماسی قوی و کارآمد اهمیت مضاعفی می‌یابد و به همین علت، امروز کار وزارت خارجه از گذشته حساس‌تر است.^{۴۴۵}

اصول دیپلماسی و مذاکره موفق در رهنمودهای رهبری

(۱) پایبندی به اصول انقلابی تحت هر شرایط

اعتقاد ما پایبندی به اصول و مبانی است. ما می‌گوییم بایستی اصول محفوظ بماند. امام بزرگوار ما به برکت پایبندی به اصول بود که توانست انقلاب را پیروز کند و انقلاب را حفظ کند و جمهوری اسلامی را ثبات ببخشد.^{۴۴۶} اصلی‌ترین شعارهایی که در این انقلاب بر روی پرچم انقلاب نوشته شده است، شعار اسلامی بودن؛ پایبند بودن به مبانی دین و اصول و قواعد دینی؛ سلطه‌ستیزی؛ ستیزه‌ی با استکبار و دفاع از مظلومان عالم است، آن هم دفاع صریح و صادقانه‌ی از همه‌ی مظلومان.^{۴۴۷}

اگر این پایبندی به ارزشهای اساسی وجود داشت - که این شاخص اول [انقلابیگری] بود - حرکت، حرکت مستمر و مستقیم خواهد بود و در تندباد حوادث، این حرکت تغییر پیدا نمی‌کند. [اما] اگر این پایبندی وجود نداشت، نقطه‌ی مقابل این پایبندی، عمل‌گرایی افراطی است؛ یعنی هر روزی به یک طرف رفتن و هر حادثه‌ای انسان را به یک طرف کشاندن:

میکشد از هر طرف، چون پَر کاهی مرا و سوسه‌ی این‌و آن، دمدمه‌ی خویشتن

^{۴۴۴} همان

^{۴۴۵} همان

^{۴۴۶} بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های

اسلامی ۱۳۹۴/۰۵/۲۶

^{۴۴۷} بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۷/۰۳/۱۴

این میشود عمل‌گرایی؛ هر روزی انعطاف به یک جهت و به یک سمت؛ این منافات دارد با آن پابندی. در تعبیر قرآنی، این پابندی به ارزشها را «استقامت» نام نهاده‌اند: فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ^{۴۴۸} - آیهی قرآن در سوره‌ی مبارکه‌ی هود- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ^{۴۴۹} در تعبیر قرآنی، اسم این پابندی به مبانی و ارزشها استقامت است.^{۴۵۰}

۲) تعیین دقیق و صحیح اهداف

بدون هدف‌گذاری نمیشود حرکت کرد، باید هدف‌گذاری بشود. اگر در هر کاری بدون هدف‌گذاری مسئولان دولتی حرکت کنند و پیش بروند، کار به روزمره‌گی خواهد رسید؛ به نتیجه نمیرسد. هدف‌گذاری مشخص و ثابتی باید وجود داشته باشد که به سمت آن هدف، همه‌ی دستگاه‌ها را و همه‌ی امکانات را بسیج کنند^{۴۵۱}. تعیین دقیق و صریح هدف‌ها از شروط و لوازم یک دیپلماسی موفق است. برخی اهداف آرمان‌های بزرگ و ملی هستند، برخی راهبردی و منطقه‌ای به شمار می‌روند و بعضی دیگر مقطعی و موضعی هستند که این اهداف در همه‌ی سطوح باید دقیقاً مشخص باشد تا همه‌ی عناصر فعال در دیپلماسی در ستاد و صف، وظایف خود را به‌خوبی بدانند.^{۴۵۲}

^{۴۴۸}سوره مبارکه هود آیه ۱۱۲

^{۴۴۹}سوره مبارکه فصلت آیه ۳۰

^{۴۵۰}بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۹۵/۰۳/۱۴

^{۴۵۱}بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۱/۱

^{۴۵۲}بیانات در دیدار مسئولین وزارت امور خارجه ۱۳۹۳/۰۵/۲۲

۳) سازماندهی مناسب با توجه به اهداف دیپلماسی

شرط دوم دیپلماسی موفق «سازماندهی مناسب» است. این سازماندهی باید با نگاه به اهداف و با توجه به قابلیت‌ها انجام شود.^{۴۵۳}

۴) مذاکره با همه به جز آمریکا و رژیم منحوس صهیونیستی

آمریکایی‌ها وقتی که یک چیزی را هدف میگیرند با یک دولتی، با یک کشوری و بنا میگذارند که با زور و با فشار آن مقصود خودشان را به دست بیاورند، فشار در اینجا برایشان راهبرد است، اما در کنار این راهبرد، یک تاکتیک هم دارند و آن عبارت است از مذاکره.^{۴۵۴} بعضی میگویند مذاکره کنیم تا دشمنی کم بشود؛ نه، مذاکره دشمنی را کم نمیکند، مذاکره یک وسیله‌ای به او میدهد تا اعمال دشمنی بیشتری بکند. لذا است که مذاکره نمیکنیم و ممنوع است؛ همه هم بدانند.^{۴۵۵} علت، این است: آمریکایی‌ها فرمول مذاکراتی‌شان این است که میگوییم؛ با این فرمول و با این طرف، آدم عاقل ببینید مذاکره میکند یا نمیکند.

اول: مذاکره اولاً در عرف سیاسی به معنای نشستن و حرف زدن و احوالپرسی کردن که نیست، مذاکره یعنی دادوستد، یعنی بنشینید دو طرف میز؛ شما یک چیزی بدهید، یک چیزی بگیرید؛ معنای مذاکره‌ی سیاسی این است. خب، آمریکایی‌ها چون متکی هستند به قدرت نظامی و قدرت پولی و قدرت رسانه‌ای وقتی که با یک طرفی میخواهند مذاکره کنند، اهداف اصلی خودشان را قبلاً برای خودشان مشخص میکنند؛ حالا بعضی از آن اهداف را به زبان هم می‌آورند، بعضی را هم نمیگویند؛ در اثنای کار مرتب دبه می‌کنند، مرتب اضافه می‌کنند، مرتب چانه می‌زنند، اما اهداف اصلی برای خودشان مشخص است؛

^{۴۵۳} بیانات در دیدار مسئولین وزارت امور خارجه ۱۳۹۳/۰۵/۲۲

^{۴۵۴} بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

^{۴۵۵} بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۷/۰۵/۲۲

دوم، از این اهداف اصلی یک قدم عقب نمی‌نشینند. بله، اهداف فرعی و چیزهای بیخودی کم‌ارزش را در حاشیه گاهی می‌آورند و از آنها صرف‌نظر میکنند که بظاهر یک نوع عقب‌نشینی است، اما از مقصود اصلی و اهداف اصلی‌شان مطلقاً عقب‌نشینی نمیکنند، امتیاز اصلاً نمی‌دهند. سوم، از طرف مقابل مذاکره امتیاز نقد می‌خواهند، از او وعده قبول نمیکنند؛ میگویند ما اطمینان نداریم، امتیاز نقد از او مطالبه می‌کنند؛ کما اینکه ما در برجام این را تجربه کردیم، در جاهای دیگر هم [تجربه شد]. الان هم که دارند با کروی شمالی مذاکره میکنند همین جور است؛ امتیاز نقد می‌خواهند از آن طرف. اگر چنانچه طرف مقابل از دادن امتیاز نقد امتناع بکند، هوچیگری تبلیغاتی و رسانه‌ای و هیاهو در سطح دنیا راه می‌اندازند که بله، اینها مذاکره نمیکنند، اینها به میز مذاکره باید برگردند، اینها چنین میکنند. یک هیاهوی عظیمی که معمولاً طرف مقابل کم می‌آورد در مقابل این هیاهو؛ معمولاً طرف مقابل منفعل میشود، دچار انفعال میشود؛ در مقابل این جنجال و هوچیگری و هیاهویی که اینها میکنند، معمولاً کم می‌آورند، منفعل میشوند.

و مرحله‌ی چهارم، خودش به جای اینکه در مقابل آنچه از او نقد میگیرد چیز نقدی به او بدهد، مثل هر معامله‌ای که شما پول میگیرید و جنس باید بدهید، جنس نمی‌دهد؛ نقد را میگیرد، در مقابلش وعده میدهد، اما وعده‌های قرص و محکم: مطمئن باشید، تردید نکنید، شک نکنید؛ با وعده دل طرف مقابل را خوش میکند و طرف مقابل [هم] میبیند دارد وعده میدهد با این قرصی و با این محکمی.

مرحله‌ی آخر؛ بعد که قضیه تمام شد و کارش گذشت، زیر همین وعده هم میزند، این وعده‌ی قرص و محکم را هم مثل باد هوا فراموش میکند روش مذاکره‌ی آمریکایی‌ها این است.

حالا با این دولت، با این رژیم زورگوی متقلب، باید نشست مذاکره کرد؟ چرا مذاکره کنیم؟ برجام نمونه‌ی واضح این است. تازه بنده سخت‌گیری میکردم - که البته همه‌ی خطوط قرمزی که ما معین کرده بودیم رعایت نشد - طرف مقابل این جوری رفتار کرد، این جوری عمل کرد. خب با این طرف مقابل نمیشود مذاکره کرد؛ با این دولت نمیشود مذاکره کرد. درباره‌ی مسائل گوناگون، هر دولتی که با این دولت مذاکره کند، [او] مشکل درست میکند؛ مگر اینکه هم جهت باشند، مثل انگلیس. [البته] به انگلیس هم زور میگویند؛ آمریکایی‌ها حتی به انگلیس هم زور میگویند، به اروپایی‌ها هم زور میگویند، اما آنها حالا به یک جهاتی اشتراکاتی دارند، با همدیگر تعامل میکنند،

کار میکنند. با هرکسی که مذاکره میکند، وضعش این جوری است. ما باید وقتی مذاکره کنیم، وقتی وارد این بازی خطرناک بشویم که فشار او، هوچیگری او، نتواند در ما تأثیر بگذارد به خاطر یک اقتداری که داریم. بله، آن وقتی که جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فرهنگی، به آن اقتداری که ما در نظر گرفته‌ایم برسد، آنجا برود مذاکره کند؛ حرفی نیست. امروز چنین چیزی وجود ندارد؛ ما اگر چنانچه برویم مذاکره کنیم، قطعاً این مذاکره به ضرر ما تمام خواهد شد؛ مذاکره با یک طرف زورگوی این جوری، به ضرر ما تمام خواهد شد. بنابراین، مذاکره‌ی با آمریکا را امام هم ممنوع اعلام کردند به خاطر همین جهت؛ بنده هم ممنوع اعلام کردم. امام فرمودند تا وقتی آمریکا آدم نشود، ما مذاکره نمیکنیم. آدم نشود یعنی چه؟ یعنی تا وقتی که از اسرائیل حمایت میکند، از نیروهای شرافرین منطقه حمایت میکند؛ ما هم همین را میگوییم. حالا اگر چنانچه یک وقتی هم بر فرض محال قرار بود دولت جمهوری اسلامی با رژیم آمریکا مذاکره هم بکند، با این دولت کنونی آمریکا هرگز مذاکره نمیکرد. همه بدانند -هم سیاستمداران ما و دیپلمات‌های ما، هم جوانهای پُرانگیزه‌ی ما، هم دانشجویان رشته‌های سیاسی ما، هم فعالان میدان سیاست، همه بدانند- مذاکره با رژیم زورگو و پُرتوقعی مثل آمریکا، وسیله‌ای برای رفع دشمنی نیست؛ مذاکره، وسیله‌ای برای رفع دشمنی آمریکا نیست بلکه مذاکره، ابزاری در دست او برای اعمال دشمنی است. ببینید؛ این یک فرمول قطعی است که هم تجربه‌های ما آن را تأیید میکند، هم ملاحظات گوناگون سیاسی آن را تأکید میکند. بعضی میگویند مذاکره کنیم تا دشمنی کم بشود؛ نه، مذاکره دشمنی را کم نمیکند، مذاکره یک وسیله‌ای به او میدهد تا اعمال دشمنی بیشتری بکند. لذا است که مذاکره نمیکنیم و ممنوع است؛ همه هم بدانند.^{۴۵۶}

۵) مغلوب نشدن بر جنگ رسانه‌ای و تبلیغاتی دشمن

اغلب این رسانه‌هایی که اسمشان را در دنیا میشنویم، سرمایه‌داران صهیونیست از سالها پیش به فکر بودند، این رسانه‌ها را در اختیار گرفتند؛ خبرسازی میکنند، جهت‌سازی میکنند. خود همین رسانه‌ها به سیاستمدارها هم تلقین میکنند که چه بگویند. مسئله‌ی مهم این است. حالا

سیاستمداران غربی هرچه خودشان خباثت و ملعنت دارند، به جای خود؛ این خبرسازی‌ها را هم به آنها تلقین میکنند. یکی از حرفهای رائج این است: ما بر ایران فشار وارد می‌آوریم تا ایران به پای میز مذاکره برگردد. کدام میز مذاکره؟ کی ایران مذاکرات در مورد مسائل گوناگون جهانی را، از جمله مسئله‌ی هسته‌ای را ترک کرده بوده که حالا برگردد؟ این یک تقلب و خدعه‌ی تبلیغاتی است. ما تلاش میکنیم که ایران به میز مذاکره برگردد این، خدعه و تقلب تبلیغاتی است. همین را در دنیا هم تکرار میکنند، هم میگویند، هم میگویند. این تعبیرات اینقدر تکرار میشود که به نظرم خود سیاستمداران غربی هم باورشان می‌آید که واقعیت این است؛ در حالی که آن کسی که این شکل را، این جمله‌بندی را، این فرمول مطلب را اختراع میکند، مقصود دیگری دارد. او از ایران نمیخواهد که به میز مذاکره برگردد؛ او میخواهد ایران هنگام مذاکره، در مقابل زورگویی‌های غربی تسلیم شود. خب، جواب از طرف ایران این است که نخیر؛ شماها کوچکتر از آن هستید که بتوانید یک ملت انقلابی مبارز بصیر آگاه را در مقابل خواسته‌ها و مطامع خودتان به زانو در بیاورید. مشکل زورگوهایی سیاسی غرب این نیست که ایران بر سر قضیه‌ی هسته‌ای یا قضایای دیگر مذاکره نمیکند؛ نه، مشکل آنها این است که ایران زیر بار حرف آنها نمی‌رود. و البته این مشکل باقی خواهد ماند؛ معلوم است.^{۴۵۷}

۶) متن‌فی بودن هر گونه مذاکره در زمینه نقاط اقتدار کشور و مسائل استراتژیک و ژئوپلیتیکی

مسئله، تعیین موضوع مذاکره است؛ روی هر موضوعی مذاکره نمیکنیم؛ روی مسائل ناموسی انقلاب - به این تعبیر بگویم، روشن‌تر است - مذاکره نمیکنیم. در مورد توانایی‌های نظامی‌مان با کسی مذاکره نمیکنیم؛ چون معنای مذاکره، معامله است؛ یعنی فرض کنید [میگویند] «شما کوتاه بیا و این امکان دفاعی را که تو را مقتدر میکند و توانای بر دفاع میکند، از دست بده»؛ خب اینکه قابل مذاکره نیست. مذاکره‌ی در این جور مسائل دو کلمه است و تمام میشود: «او میگوید ما این را میخواهیم، ما میگوییم نه، ما قبول نداریم»؛ مذاکره‌ای پیش نمی‌رود، معامله‌ای انجام

^{۴۵۷} بیانات در دیدار نخبگان و مسئولان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۵

نمیگیرد. مثل همان قضیه‌ی خواستگاری که گفت مسئله‌ی ازدواج شما به کجا رسید؟ گفت همه چیزش تمام شده، فقط سر دو کلمه مانده؛ آن دو کلمه هم این است که ما میگوییم ما دختر شما را می‌خواهیم، آنها میگویند غلط میکنید سر مسائل اساسی، سر دو کلمه، مسئله تمام میشود؛ یعنی قابل مذاکره نیست -مذاکره‌ی به معنای معامله؛ چون مذاکره به معنای معامله است؛ صرف نشستن و گفتگو و گعده کردن نیست.^{۴۵۸}

بحث دین و انقلاب و مانند اینها نیست، هیچ ایرانی غیرتمند و باشعوری نمی‌رود راجع به نقاط قوت خودش با طرف مقابل معامله کند؛ با طرفی که میخواهد این نقاط قوت را از دست او بیرون بیاورد، معامله نمیکند اینها را؛ اینها را ما لازم داریم. عمق راهبردی ما در منطقه خیلی مهم است؛ خبر برای هر کشوری مهم است؛ عمق راهبردی سیاسی و امنیتی، مؤلفه‌ی اساسی‌ای است برای حیات همه‌ی دولتها و ملت‌ها و ما بحمدالله عمق راهبردی‌مان در منطقه خیلی خوب است؛ اینها از این ناراحتند، میگویند بیایید روی مسائل منطقه صحبت کنیم یعنی شما عمق راهبردی‌تان را از دست بدهید؛ روی اینها میگویند مذاکره کنیم.^{۴۵۹}

۷) بی اثر کردن اهرم تحریم دشمنان و هم چنین رفع تحریم ها

رفع تحریم دست دشمن است، و خنثی کردن تحریم دست ما است؛ دشمن باید رفع تحریم کند اما خودمان میتوانیم این تحریم دشمن را خنثی کنیم. پس این مقدم است، این درست است؛ بیشتر دنبال این باشیم. نمیگوییم دنبال رفع تحریم نباشیم؛ اگر بتوانیم تحریم را رفع کنیم، یک ساعت هم نباید تأخیر کنیم. البته چهار سال است تأخیر شده. اگر بتوانیم با روش درست تحریم را برطرف کنیم، باید برطرف کنیم. اما به این نیندیشید؛ عمده به خنثی کردن تحریم بیندیشید که دست شما است.^{۴۶۰} همه بدانند، هم دشمنان ما بدانند، هم دوستان ما در دنیا بدانند، در داخل راهکارهای فراوانی وجود دارد که حربه‌ی دشمن را کند میکند. این جور نیست که تصوّر

^{۴۵۸} بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها ۱۳۹۸/۰۳/۰۸

^{۴۵۹} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۸/۰۲/۲۴

^{۴۶۰} در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید سلیمانی (۲۶/۹/۹۹)

کنیم حربی تحریم، بلاشک یک حربی کاری است؛ نخیر، ما اگر همّت کنیم، ما اگر به داشته‌های خودمان درست توجّه کنیم - که خب این روحیه بحمدالله هست - میتوان حربی تحریم را کند کرد، ولو از دست دشمن نتوان خارج کرد.^{۴۶۱}

۸) تضمین گرفتن از تعهدات طرف مقابل

اگر میخواهید قرارداد ببندید، تضمین‌های لازم را فراهم بکنید، بعد صحبت کنید، بعد قرارداد ببندید، بعد امضا کنید؛ [اگر] میخواهید قرارداد بگذارید، تضمین به دست بیاورید -تضمین واقعی، تضمین عملی. روشهای سیاسی و دیپلماسی، روشهای ویژه‌ای است؛ گاهی لبخند میزنند و در حال لبخند، خنجر را تا دسته در سینه‌ی انسان فرو میکنند؛ دیپلماسی این است دیگر؛ با اخلاق خوش، با تعریف و تمجید که «بله شما خیلی خوبید، شما آقاید، ما میدانیم شما قرارداد را به هم نمیزنید،» اگر چنانچه توانستید تضمین از آنها بگیرید به‌طوری که بشود اعتماد کرد، خب اشکالی ندارد، حرکتتان را ادامه بدهید.^{۴۶۲}

۹) شرطی نکردن اقتصاد به نتایج مذاکره

یکی از بدترین مشکلات در کشور همین است که ما اقتصاد را شرطی کنیم. متأسفانه اقتصاد ما در این چند سال اخیر شرطی است؛ «ببینیم چه میشود؛ شش ماه دیگر چه میشود؛ برجام چه میشود» و مانند اینها. حالا هم بعضی سعی میکنند باز دوباره اقتصاد را شرطی کنند؛ «ببینیم ابتکار رئیس‌جمهور فرانسه چه میشود؛ فلان ابتکار چه میشود»؛ اینها را باید بگذارند کنار. کاری میخواهند بکنند، بکنند؛ کاری را که ممنوع نیست و عبور از خطوط قرمز نیست، انجام بدهند، اما اقتصاد را متوقّف به آن نکنند، افکار عمومی را به او متوجّه نکنند. افکار عمومی بداند:

کهن جامه‌ی خویش پیراستن به از جامه‌ی عاریت خواستن

^{۴۶۱}بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ۱۳۹۳/۱۱/۱۹

^{۴۶۲}بیانات در دانشگاه فرهنگیان ۱۳۹۷/۰۲/۱۹

خودمان بایستی به کار خودمان برسیم.^{۴۶۳}

۱۰) تکیه به ظرفیت‌های داخلی

ما پای قدرتمند و طبیعیِ خودمان را با عصای بیگانه عوض نکنیم. اینکه به جای اینکه روی پای خودمان بایستیم و به پای خودمان تکیه کنیم، به عصای بیگانه تکیه کنیم، خطا است.^{۴۶۴} ما راه تعامل و مذاکره و مبادله و تبادل نظر و نشست و برخاست و معامله‌ی با هیچ کشوری در دنیا را جز همین رژیم صهیونیستی و آمریکا نیستیم؛ عملاً هم مشغول تلاش و فعالیت هستیم لکن همین طور که بارها گفته‌ایم مطلقاً نبایستی اعتماد ما به غیرنیروی داخلی باشد؛ بخصوص به آن کسانی که علم دشمنی در برابر جمهوری اسلامی و نظام اسلامی بلند کرده‌اند که در رأس آنها بعد از آمریکا همین چند کشور اروپایی‌اند. اینها صریحاً با جمهوری اسلامی دشمنی میکنند؛ انگیزه‌های آنها در مورد دشمنی با نظام اسلامی، با انگیزه‌های آمریکا تفاوت اصولی و جوهری ندارد؛ البته وضع آمریکا یک وضع ویژه‌ای است؛ اینها نه توانشان آن قدر است، نه تسلطشان و امکاناتشان آن قدر است؛ ولیکن تفکر این اروپایی‌ها همان تفکر است؛ به عنوان میانجی وارد میشوند، مذاکره میکنند، تماس میگیرند، تلفن میکنند، حرفهای طولانی میزنند، وعده میدهند که همه‌ی آنها پوچ است.^{۴۶۵}

۱۱) عدم اعتماد به دشمن

((لا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا))^{۴۶۶} به کسی که ستمگر است، به ظالم اعتماد نکنید، گرایش پیدا نکنید - «رکون» یعنی میل پیدا کردن و گرایش پیدا کردن و اعتماد به او کردن - به آدم ظالم اعتماد نکنید. نتیجه‌ی اعتماد کردن به ظالم همین میشود که شما می‌بینید دولتهای مسلمان،

^{۴۶۳} بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

^{۴۶۴} بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۶/۰۶/۳۰

^{۴۶۵} گزیده‌ای از بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۸/۰۷/۰۴

^{۴۶۶} سوره مبارکه هود آیه ۱۱۳

مجموعه‌های اسلامی به ظالم‌ترین و ستمگرترین عناصر عالم اعتماد میکنند و نتیجه‌اش را دارند مشاهده میکنند و می‌بینند.^{۴۶۷}

این توصیه‌ی قطعی من است. به دشمن اعتماد نکنید. برای مسیر رفع مشکلات مردم، برای درست شدن آینده‌ی کشور به وعده‌ی این و آن اعتماد نکنید؛ این توصیه‌ی به مسئولین است. این وعده‌ها وعده‌ی خوبان نیست؛ وعده‌ی بدان و اشرار است اما آن هم از هر صد تایش یکی وفا نکند دشمنی‌ها را از یاد نبرید. دشمنی کردند. دیدید که آمریکای ترامپ و آمریکای اوباما با شما چه کرد. [البته] این فقط مال ترامپ نیست که حالا مثلاً فرض کنید چون ترامپ رفت، بگویند تمام شد؛ نه، آمریکای اوباما هم با شما بدی کرد، با ملت ایران بدی کرد و سه کشور اروپایی هم همین جور. این سه کشور اروپایی نهایت بدعملی را انجام دادند و لثامت را و دورویی و نفاق را در مقابل ملت ایران نشان دادند.^{۴۶۸}

دیگران باید از تجربه‌های شما (دولت آقای روحانی) استفاده کنند. خب حالا یک تجربه را من بخصوص یادداشت کرده‌ام، حرفی است که من مکرر [در گفتگو] با شماها و با مردم تکرار کرده‌ام، حالا هم همان حرف را تکرار میکنم؛ این تجربه عبارت است از بی‌اعتمادی به غرب؛ آیندگان باید از این تجربه استفاده کنند. در این دولت معلوم شد که اعتماد به غرب جواب نمیدهد؛ به ما کمک نمیکند و هر جا بتوانند ضربه میزنند؛ آنجایی که ضربه نمی‌زنند، آنجایی است که امکانش را ندارند؛ هر جا امکان داشته‌اند ضربه زده‌اند؛ این تجربه‌ی بسیار مهمی است. مطلقاً نَبایستی برنامه‌های داخلی را به همراهی غرب موکول کرد و منوط کرد، چون قطعاً شکست می‌خورد، قطعاً ضربه می‌خورد. شماها هم هر جایی که کارهایتان را منوط کردید به [همراهی] غرب، ناموفق ماندید؛ هر جایی که بدون اعتماد به غرب، خودتان قد علم کردید و حرکت کردید موفق شدید. نگاه کنید کار را؛ کارکرد دولتهای یازدهم و دوازدهم این جوری است. هر جا شما موضوعات را به توافق با غرب و به مذاکره‌ی با غرب و با آمریکا و مانند اینها موکول کردید، آنجا ماندید و نتوانستید

^{۴۶۷} سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

^{۴۶۸} بیانات در دیدار دست‌اندرکاران مراسم سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی و خانواده شهید

پیش بروید؛ چون آنها کمک نمیکنند، دشمنی [میکنند]، دشمنند دیگر؛ هر جا شما از آنها قطع نظر کردید، خودتان راه افتادید و از شیوه‌های مختلف [استفاده کردید] - هزار راه وجود دارد و این جور نیست که یک راه [باشد]؛ نه، راه‌های مختلف وجود دارد؛ [اگر] انسانها فکر کنند، راه‌های گوناگونی برای زندگی شخصی و اجتماعی و مدیریتی پیدا خواهند کرد- هر جا این جوری حرکت کردید، پیشرفت کردید.^{۴۶۹}

۱۲) مقابله با نفوذ

بنده از چندی پیش گفتم مراقب نفوذی‌ها باشید؛ بعضی‌ها بیخود، برآشفته شدند؛ برآشفستگی ندارد. آمریکایی‌ها برای بعد از دوران مذاکرات هسته‌ای، یک نقشه برای داخل ایران داشتند، یک نقشه برای منطقه. این برای ما روشن بود و روشن شد. نقشه برای ایران داشتند، هنوز هم دارند؛ نقشه برای منطقه داشتند، هنوز هم دارند؛ دارند تلاش هم میکنند؛ میدانند که در مقابل اهداف پلید آنها در منطقه چه کسی محکم ایستاده؛ این را هم میدانند و متوجّهند. خب، وقتی که دشمن برای داخل کشور برنامه دارد، چه کار میکند؟ از نفوذی استفاده میکند. معنای نفوذی این نیست که حتماً رفته باشد پول گرفته باشد برای اینکه بیاید در فلان دستگاه نفوذ کند و خودش هم بداند چه کار دارد میکند؛ نه، گاهی نفوذی، نفوذی است، خودش هم نمیداند امام (رضوان‌الله‌علیه) فرمودند گاهی حرف دشمن با چند واسطه از دهان مردمان موجه شنیده میشود. امام هوشیار بود، امام مجرّب بود. دشمن یک چیزی میگوید، یک چیزی میخواهد، این را با وسایل گوناگونی، با چند واسطه کاری میکند که از زبان فلان آدم موجه که نه پولی از دشمن گرفته، نه تعهدی به دشمن داده، بیرون بیاید. مگر ندیدیم اینها را؟ مگر تجربه نکردیم اینها را؟ در همین مجلس شورای اسلامی مگر ندیدیم که یک نماینده‌ای آمد نظام را متهم کرد به دروغ‌گویی گفت ما ده سال است، سیزده سال است داریم به دنیا دروغ میگوییم، در تربیون مجلس شورای اسلامی در این منبر عمومی خب، او حرف دشمن را دارد میزند؛ دشمن به ما میگفت شما دروغ میگوئید حالا یکی از خود ما پیدا میشود میگوید نظام دارد دروغ میگوید این نفوذی نیست؟ احیاناً خودش

هم خبر ندارد و نمیداند. مجلسی داشتیم که در حال مذاکرات گرم دشوار هسته‌ای در دورانی که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما رئیس مذاکرات هسته‌ای بود و داشتند با زحمت، با شدت حرف میزدند، با طرفهای مقابل مجادله میکردند و درواقع مبارزه میکردند برای اینکه حرف ایران را سبز کنند، در مجلس طرح سه‌فوریتی آوردند برای اینکه حرف طرف مقابل سبز بشود همان‌وقت رئیس هیئت مذاکره که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما است، گلایه کرد و گفت ما داریم آنجا مبارزه میکنیم، اینجا آقایان دارند طرح به نفع دشمن طراحی میکنند؛ خب، اینها نفوذ است؛ اینها چیست؟ [مگر] نفوذ شاخ‌ودم دارد که بعضی تا گفته میشود نفوذ، برآشفته میشوند که آقا، گفتید نفوذ، گفتید نفوذ؟ بله، باید مراقب بود.^{۴۷۰}

میخواهند در کشورهای اسلامی و در کشورهای این منطقه، یک نفوذی به‌وجود بیاورند که تا ده سال ادامه داشته باشد. امروز آمریکا آبروی گذشته را در این منطقه ندارد؛ میخواهند این را بازسازی کنند. در کشور ما هم قصدشان همین است؛ در ایران هم نیتشان این است. آنها به خیال خودشان، در این جریان مذاکرات هسته‌ای -این توافقی که حالا نه در اینجا هنوز تکلیفش معلوم است، نه در آمریکا؛ هم اینجا معلوم نیست که رد بشود یا قبول، هم آنجا معلوم نیست که رد بشود یا قبول- نیت آنها این بود که از این مذاکرات و از این توافق، وسیله‌ای پیدا کنند برای نفوذ در داخل کشور. ما این راه را بستیم و این راه را به طور قاطع خواهیم بست؛ نه نفوذ اقتصادی آمریکایی‌ها را در کشورمان اجازه خواهیم داد، نه نفوذ سیاسی آنها را، نه حضور سیاسی آنها را، نه نفوذ فرهنگی آنها را؛ با همه‌ی توان -که این توان هم بحمدالله امروز توان زیادی است- مقابله خواهیم کرد؛ اجازه نخواهیم داد.

در منطقه هم همین‌جور؛ در منطقه هم آنها میخواهند نفوذ ایجاد کنند؛ حضور برای خودشان دست‌وپا کنند و اهداف خودشان را در منطقه دنبال کنند. ما به حول و قوه‌ی الهی تا آنجایی که بتوانیم نخواهیم گذاشت این اتفاق بیفتد. سیاستهای ما در منطقه، نقطه‌ی مقابل سیاستهای آمریکا است. ما تمامیت ارضی کشورهای منطقه برایمان بسیار مهم [است]؛ تمامیت ارضی عراق و تمامیت ارضی سوریه، برای ما کاملاً مهم [است]؛ آنها دنبال تجزیه‌اند. بنده از قبل گفتم که

^{۴۷۰} بیانات در دیدار مردم نجف‌آباد ۱۳۹۴/۱۲/۰۵

آمریکایی‌ها دنبال تجزیه‌ی عراقند، بعضی‌ها تعجب کردند؛ اخیراً خود آمریکایی‌ها تصریح کردند که دنبال تجزیه‌ی عراقند می‌خواهند عراق را تجزیه کنند؛ اگر بتوانند می‌خواهند سوریه را تجزیه کنند؛ می‌خواهند کشورهای کوچک کوچک و تحت فرمان به وجود بیاورند؛ به حول قوه‌ی الهی این اتفاق نخواهد افتاد.^{۴۷۱}

۱۳) دارا بودن صلاحیت‌های دیپلماتیک در مسئولین وزارت امور خارجه

شرط یک دیپلماسی موفق برخورداری از عناصر با صلاحیت است. «هوش و مهارت دیپلماتیک»، «انعطاف در جای لازم»، «نفوذ ناپذیری در مواقع ضروری»، و «پایبندی صادقانه و عمیق به اهداف» از عناصر «صلاحیت‌های دیپلماتیک» است.^{۴۷۲}

۱. **هوش دیپلماتیک** : هوش دیپلماتیک انسان را قادر می‌سازد اهداف و حرکات طرف‌های مقابل را در مذاکرات و تعاملات پیش بینی کند و حرکات خود را با توجه به آن‌ها، برنامه‌ریزی و عملیاتی سازد.^{۴۷۳}

۲. **مهارت دیپلماتیک**: معنای «مهارت دیپلماتیک» استفاده به موقع و به جا از انعطاف و اقتدار است. معنای دیگر این ویژگی نرمش قهرمانانه است که صلح امام حسن مجتبی علیه السلام پرشکوه‌ترین نمونه‌ی تاریخی آن به شمار می‌رود. نرمش قهرمانانه برخلاف برخی تفاسیر، معنای واضحی دارد که نمونه‌ی آن در مسابقه‌ی کشتی نمایان است در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است اگر کسی قدرت داشته باشد اما

^{۴۷۱} بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های

اسلامی ۱۳۹۴/۰۵/۲۶

^{۴۷۲} بیانات در دیدار مسئولین وزارت امور خارجه ۱۳۹۳/۰۵/۲۲

^{۴۷۳} بیانات در دیدار مسئولین وزارت امور خارجه ۱۳۹۳/۰۵/۲۲

انعطاف لازم را در جای خود به کار نگیرد قطعاً شکست می‌خورد اما اگر انعطاف و قدرت را به موقع مورد استفاده قرار دهد پشت حریف را به خاک می‌نشانند.^{۴۷۴}

بنده معتقد به همان چیزی هستم که سالها پیش اسم‌گذاری شد «نرمش قهرمانانه»؛ نرمش در یک جاهایی بسیار لازم است، بسیار خوب است؛ عیبی ندارد، اما این کشتیگیری که دارد با حریف خودش کشتی میگیرد و یک جاهایی به دلیل فتی نرمشی نشان میدهد، فراموش نکند که طرفش کیست؛ فراموش نکند که مشغول چه کاری است؛ این شرط اصلی است؛ بفهمند که دارند چه کار میکنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله‌ی طرف آنها کجای مسئله است؛ این را توجه داشته باشند.^{۴۷۵}

اگر مهارت دیپلماتیک به کار گرفته شود، بسیاری از تهدیدها می‌تواند به فرصتها تبدیل گردد. نه فقط تهدید، تحقق پیدا نکند، بلکه حتی همان چیزی که نقطه‌ی اساسی تهدید محسوب می‌شود، درست صد و هشتاد درجه عکس، به نقطه‌ی فرصت تبدیل شود.^{۴۷۶}

۳. پابیندی عمیق و صادقانه به آرمان‌ها و اهداف: اگر کسی بدون ایمان و باور عمیق به اهداف، در عرصه‌ی دیپلماسی فعال باشد قطعاً نمی‌تواند موفق شود. عرصه‌ی دیپلماسی مانند میدان جنگ است. واقعیت این است که میدان دیپلماسی عرصه‌ی پنجه انداختن است و اگر کسی بدون اعتقاد راسخ به هدف، به این کار اقدام کند یا در همان موقعیت و یا در نهایت شکست خواهد خورد.^{۴۷۷} هرچه بر پابیندی به اصول اسلامی و روشهای آن بیشتر تأکید بورزید، موفقتر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی

^{۴۷۴} بیانات در دیدار مسئولین وزارت امور خارجه ۱۳۹۳/۰۵/۲۲

^{۴۷۵} بیانات در دیدار ۱۳۹۲/۰۶/۲۶

^{۴۷۶} بیانات در ۱۳۷۹/۰۵/۲۵

^{۴۷۷} بیانات در ۱۳۹۳/۰۵/۲۲

ما که دنیا، و حتی مخالفان ما، بدان اذعان دارند، در درجه‌ی اول مدیون تقید و پابندی شما دست‌اندرکاران است. این را حفظ کنید.^{۴۷۸}

حرکت ما در جبهه‌ی ظریفِ خطیرِ بسیار مؤثرِ دیپلماسی باید حرکتی باشد با این دید و با این نگاه و با توجه به این آرمانها. این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پابند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب میمانیم؛ ابداً. در این دوره‌های مختلف، بوده‌اند کسانی در عرصه‌ی دولتی خودمان، در بخشهایی از دیپلماسی و غیر دیپلماسی و حتی در بخشهایی از روحانیت خودمان، که در این مسائل تردید پیدا کردند که حالا پابندی‌های ارزشی ما چقدر اجازه می‌دهد که ما در زمینه‌ی دیپلماسی موفق باشیم. نه، ما تجربه کردیم، دیدیم هرچه پابندی ما بیشتر باشد، هیبت جمهوری اسلامی در چشم طرف مقابل بیشتر خواهد شد؛ احترام جمهوری اسلامی در نظر طرف مقابل بیشتر خواهد شد.^{۴۷۹}

۴. **تحرك بالا:** تحرك فراوان و بی‌وقفه شرط دیگر دیپلماسی موفق است. تحرك بالا لازمه‌ی لاینفك دیپلماسی است و باید مورد توجه جدی قرار داشته باشد.^{۴۸۰} ما هر چه در زمینه‌ی دیپلماسی تحركمان بیشتر باشد، بهتر است. این سفرهای خارجی، ملاقاتهای خوب و گفتگوهای تلفنی، همه‌اش کارهای لازم امروز ماست؛ هر چه حجم و کیفیت اینها را بالا ببرید، بهتر است. مسئله‌ی دیپلماسی مهم است.^{۴۸۱}

۵. **داشتن روحیه بسیجی:** در عرصه‌ی دیپلماسی هوشمندی لازم است، ابتکار عمل لازم است، نوع برخورد مبتکرانه لازم است؛ اینها ناشی از همین روحیه‌ی انقلابی‌ای است که ما از آن تعبیر میکنیم به روحیه‌ی بسیجی، روحیه‌ی جوان، مبتکر، پیشرو، دارای اعتماد

^{۴۷۸}بیانات در ۱۳۶۸/۰۵/۳۱

^{۴۷۹}بیانات در ۱۳۹۰/۱۰/۷

^{۴۸۰}بیانات در ۱۳۹۳/۰۵/۲۲

^{۴۸۱}بیانات در ۱۳۸۵/۶/۶

به نفس... دستگاه دیپلماسی هم میتواند روحیه‌ی بسیجی داشته باشد. اگر این شد،
پیروزی حتمی و سریع خواهد شد.^{۴۸۲}

مرور در یک نگاه فصل چهارم بخش ششم

فصل چهارم:		بخش ششم:	
راهکارهای عملی در مسیر نهضت تحول اقتصادی		سیاست ها و روابط خارجی	
۱	حفظ استقلال	تامین	استقلال سیاسی ۷۵/۱/۲۸-۹۱/۲/۱۰-۸۹/۱۱/۱۵
		استقلال	استقلال اقتصادی ۸۷/۲/۴-۹۵/۳/۱۴-۸۳/۶/۲۵-۹۱/۲/۱۰
		همه جانبه	استقلال فرهنگی ۷۲/۲/۱۵
		۲	طرد کامل استعمار و حفظ وحدت بین امت اسلامی ۴۰۱/۷/۲۲-۸۴/۱۰/۱۹ ۸۵/۵/۳۰
۳	۳	جهادکبیر: عدم تبعیت از قدرت‌های سلطه‌گر و استقامت در مقابل زورگویی ها ۹۵/۳/۳-۹۴/۸/۱۲-۸۲/۳/۷-۹۹/۱۲/۴-۹۱/۵/۱۶	
		۴	قطع وابستگی به دلار ۹۸/۸/۱۰-۹۵/۳/۲۵-۱۴۰۲/۱/۱۵-۱۴۰۲/۱/۱۶
۲	دفاع از منافع ملی ۹۷/۲/۱۹-۹۶/۳/۲۲		
۳	مقابله با نظام سلطه ۹۲/۱۱/۱۹-۱۴۰۱/۶/۱۲		
۴	پایبندی به اصول انقلابی در روابط بین الملل	۱	اتکال به خداوند ۸۷/۲/۱۴
		۲	رعایت اصل حکمت، عزت و مصلحت در روابط بین المللی ۷۰/۴/۱۸-۷۹/۱۱/۹-۷۰/۴/۱۸
		۳	تعهدات برادرانه به همه‌ی مسلمانان جهان ۹۳/۵/۷-۹۴/۵/۶
		۴	همکاری و هماهنگی کشورهای اسلامی در جهت استفاده صحیح از ظرفیت ها برای تقویت قدرت دنیای اسلام در جهان ۸۳/۶/۲۵-۸۴/۱/۱۷
		۵	تاکید بر توسعه روابط با همسایگان ۹۷/۶/۷
		۶	روابط صلح آمیز متقابل و هوشمندانه با دولت‌های غیرمحراب ۹۵/۱/۲۴-۶۱/۳/۳-۹۷/۶/۷-۹۷/۴/۲۴
		۷	دفاع از مستضعفان و حمایت از مبارزات حق طلبانه‌ی مستضعفان در مقابل مستکبران در هر نقطه از جهان ۵۸/۱۱/۱۲-۹۴/۲/۲۶-۸۰/۸/۱۶-۶۴/۱۱/۱۶
		۸	تقویت جبهه مقاومت ۱۴۰۱/۸/۱۱-۹۸/۳/۱۴-۹۷/۱/۲۵-۱۴۰۱/۲/۹
		۹	ما در امور داخلی کشورها دخالتی نمیکنیم ۹۳/۹/۶-۷۴/۳/۱۴
		۱۰	توسعه تجارت خارجی با تاکید بر حفظ استقلال اقتصادی و هضم نشدن در سیاست های سازمان های مالی و تجاری جهانی ۸۸/۲/۲۷-۸۲/۵/۱۵
		۱۱	حضور فعال در مجامع جهانی و ارتباطات منطقه ای ۸۵/۳/۲۹-۸۳/۵/۲۵
		۱۲	دیپلماسی فعال ۹۳/۵/۲۲-۶۸/۵/۳۱-۹۵/۱/۱۱-۹۵/۶/۳-۹۱/۷/۲۵

چهارچوب های کلی سیاستها و روابط بین الملل

چهارچوب های کلی سیاستها و روابط بین الملل

۱	پایبندی به اصول انقلابی تحت هر شرایط ۹۵/۳/۱۴-۸۷/۳/۱۴-۹۴/۵/۲۶	اصول دیپلماسی موفق در رهنمودهای مقام معظم رهبری
۲	تعیین دقیق و صحیح اهداف ۹۳/۵/۲۲-۹۴/۱/۱	
۳	سازماندهی مناسب با توجه به اهداف دیپلماسی ۹۳/۵/۲۲	
۴	مذاکره با همه به جز آمریکا و رژیم منحوس صهیونیستی ۹۷/۵/۲۲-۹۸/۳/۸	
۵	مغلوب نشدن بر جنگ رسانه ای و تبلیغاتی دشمن ۹۱/۷/۲۵	
۶	متنfy بودن هر گونه مذاکره در زمینه نقاط اقتدار کشور و مسائل استراتژیک و ژئوپلیتیکی ۹۸/۲/۲۴-۹۸/۳/۸	
۷	بی اثر کردن اهرم تحریم دشمنان و هم چنین رفع تحریم ها ۹۳/۱۱/۱۹-۹۹/۹/۲۶	
۸	تضمین گرفتن از تعهدات طرف مقابل ۹۷/۲/۱۹	
۹	شرطی نکردن اقتصاد به نتایج مذاکره ۹۸/۸/۲۸	
۱۰	تکیه به ظرفیت های داخلی ۹۸/۷/۴-۹۶/۶/۳۰	
۱۱	عدم اعتماد به دشمن ۱۴۰۰/۵/۶-۹۹/۹/۲۶-۹۹/۲/۶	
۱۲	مقابله با نفوذ ۹۴/۵/۲۶-۹۴/۱۲/۵	
۱۳	دارا بودن صلاحیت های	۱۳۹۳/۵/۲۲
	دیپلماتیک در مسئولین	
	وزارت امور خارجه	
	۱۳۹۳/۵/۲۲	
	داشتن روحیه بسیجی	
۱	هوش دیپلماتیک	
۲	مهارت دیپلماتیک	
۳	پایبندی عمیق و صادقانه به آرمان ها و اهداف	
۴	تحرك بالا	
۵	داشتن روحیه بسیجی	

بخش هفتم: فرهنگ و سبک زندگی اقتصاد محور

مقدمه

یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - این یک بُعد مهم است؛ ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. بحث کنیم درباره‌ی اینکه در زمینه‌ی سبک زندگی چه باید گفت، چه میتوان گفت. عرض کردیم؛ این سرآغاز و سرفصل یک بحث است. ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است. در بخش ابزاری، علی‌رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزندان، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار

ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما می‌خواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل میشود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه‌ی این عرصه‌ی وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصیل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام «کتاب العشرة»؛ آن کتاب العشرة درباره‌ی همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست. خب، میشود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخشهای سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفتهائی که در بخش اول کردیم، نمیتواند ما را رستگار کند؛ نمیتواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسانها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با اینکه ثروت هست، بمب اتم هست، پیشرفتهای گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم.

البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟

بعد از آنکه علتها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به این که چگونه میتوانیم اینها را علاج کنیم. اینها به عهده‌ی کیست؟ به عهده‌ی نخبگان - نخبگان فکری، نخبگان سیاسی - به عهده‌ی شما، به عهده‌ی جوانها. اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیبها در این زمینه باشد، میتوان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفتهای خوبی خواهیم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه‌ی اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسانتر

خواهد شد. باید آسیب‌شناسی کنید و بعد علاج کنید نخبگان موظفند، حوزه موظف است، دانشگاه موظف است، رسانه‌ها موظفند، تربیون‌دارها موظفند؛ مدیران بسیاری از دستگاه‌ها، بخصوص دستگاه‌هایی که با فرهنگ و تربیت و تعلیم سروکار دارند، موظفند؛ کسانی که برای دانشگاه‌ها یا برای مدارس برنامه‌ریزی آموزشی میکنند، در این زمینه موظفند؛ کسانی که سرفصلهای آموزشی را برای کتابهای درسی تعیین میکنند، موظفند. اینها همه یک وظیفه‌ای است بر دوش همه. باید ما همگی به خودمان نهیب بزنیم. در این زمینه باید کار کنیم، حرکت کنیم.

بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جستجو از علل این آسیب‌ها. البته ما اینجا نمیخواهیم مسئله را تمام‌شده فرض کنیم؛ فهرستی مطرح میکنیم: چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی»^{۴۸۳}، یا: «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً»^{۴۸۴}. یعنی حتّی اعتصام به حبل اللّٰه هم باید دسته‌جمعی باشد؛ «و لا تفرّقوا»^{۴۸۵}. چرا در برخی از بخشهای کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا در برخی از بخشهای کشورمان روی آوردن جوانها به مواد مخدر زیاد است؟ ... بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار میگریزند؛ علت کارگریزی چیست؟ ... وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم‌کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخشهای مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرفهای خوب، نظرهای خوب، ایده‌های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی میماند؟ که دیدید اشاره کردند. چرا به ما میگویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد؛ چرا به قدر یک ساعت یا نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افتخار

^{۴۸۳} مائده: ۲

^{۴۸۴} آل عمران: ۱۰۳

^{۴۸۵} بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳

است؟ مصرف‌گرایی یعنی اینکه ما هرچه گیر می‌آوریم، صرف اموری کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست. چه کنیم که ریشه‌ی ربا در جامعه قطع شود؟ ... حد زاد و ولد در جامعه‌ی ما چیست؟ من اشاره کردم؛ یک تصمیم زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش میدهند که آقا جامعه‌ی ما در آینده‌ی نه چندان دوری، جامعه‌ی پیر خواهد شد؛ این چهره‌ی جوانی که امروز جامعه‌ی ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زاد و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه‌ی ما نفوذ کرده است؟ تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ اینها بخشهای گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از اینهایی که من گفتم، مهمتر است. این یک فهرستی است از آن چیزهایی که متن تمدن را تشکیل میدهد. قضاوت درباره‌ی یک تمدن، مبتنی بر اینهاست.

نمیشود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل اینهاست؛ آنها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند.^{۴۸۶}

الزامات کلان تحقق سبک زندگی ایرانی-اسلامی

(۱) تبیین و توجه به بنمایه‌های اصلی فرهنگ ایرانی اسلامی (خردورزی، اخلاق، حقوق) باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بنمایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است.

بُنیادهای این فرهنگ عبارت است از **خردورزی، اخلاق، حقوق**؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده ایم. باید دنبال این بخش، زیاد کار کنیم؛ زیاد تلاش کنیم.^{۴۸۷}

۲) سلوک عملی در مسیر مکتب اسلام ناب محمدی

جامعه‌ی بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه میشود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمیخواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه‌ی عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده‌ی خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام میخواهد؛ میخواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است.

آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار میدهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت میکند، همه‌ی این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد...^{۴۸۸}

۳) عدم تقلید از غرب

ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روشهای زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملتها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگوئی و تحمیل، تمدن غربی است...

^{۴۸۷} همان

^{۴۸۸} همان

تقلید از غرب برای کشورهای که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهای که بظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکننده‌ی فرهنگهاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگهای بومی را نابود کردند، بنیادهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند.

غربی‌ها آنجائی که توانستند، بنیادهای فرهنگی و اعتقادی را از بین بردند. در مثل کشور ما که استعمار مستقیم وجود نداشت و به برکت مجاهدت یک عده از بزرگان، انگلیس‌ها نتوانستند به طور مستقیم وارد شوند، افرادی را عامل خودشان کردند. اگر قرارداد ۱۲۹۹، یعنی ۱۹۱۹ میلادی - که معروف به قرارداد وثوق‌الدوله است - در ایران با مقاومت امثال مرحوم مدرس و بعضی از آزادیخواهان دیگر مواجه نمیشد و این قرارداد عملیاتی میشد، استعمار ایران حتمی بود - مثل هند - مردانی نگذاشتند این اتفاق بیفتد. اما آنها به وسیله‌ی عوامل خودشان، با گماشتن رضاخان پهلوی و تقویت او و گذاشتن روشنفکران وابسته‌ی به غرب در کنار او - که باز لازم نیست من اسم بیاورم، دوست ندارم اسم بیاورم - فرهنگ خودشان را بر ما تحمیل کردند. بعضی از وزرا و نخبگان سیاسی دستگاه پهلوی که جنبه‌ی فرهنگی داشتند، اینها عامل غرب بودند برای دگرگون کردن فرهنگ کشورمان؛ و هرچه توانستند، کردند؛ یک مقوله‌اش مسئله‌ی کشف حجاب بود، یک مقوله‌اش فشار بر روحانیون و زدودن حضور روحانیون از کشور بود، و مقولات فراوان دیگری که در دوران رضاخان پهلوی دنبال میشد. فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌زدائی میکند؛ هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکر‌ها را مادی میکند، مادی پرورش میدهد؛ هدف زندگی میشود پول و ثروت؛ آرمانهای بلند، آرمانهای معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زدوده میشود. خصوصیت فرهنگ غربی این است.

یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی میکنند. امروز این وضعیت در خود غرب به فضاقت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگ همجنس‌بازی شده یک ارزش به فلان سیاستمدار اعتراض میکنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است، یا با همجنس‌بازها مخالف است ببینید

انحطاط اخلاقی به کجا میرسد. این، فرهنگ غربی است. همچنین فروپاشی خانواده، گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدر.

من سالها پیش - در دهه‌ی ۳۰ و ۴۰ - در منطقه‌ی جنوب خراسان، بزرگان و افراد صاحب فکر و پیرمردهایی را دیدم که یادشان بود که انگلیس‌ها چگونه تریاک را با شیوه‌های مخصوصی در بین مردم رائج میکردند؛ و الا مردم تریاک کشیدن بلد نبودند؛ این چیزها وجود نداشت. این افراد یادشان بود، سراغ میدادند و خصوصیاتش را میگفتند. با همین روشها بود که مواد مخدر بتدریج در داخل کشور توسعه پیدا کرد. فرهنگ غربی اینجوری است.

فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسائل آسایش زندگی و وسائل سرعت و سهولت نیست؛ اینها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سالهای متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم.

بنده طرفدار این نیستم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکباره یک حرکت جمعی و عمومی انجام بگیرد؛ نه، این کارها باید بتدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ اینها فرهنگ‌سازی لازم دارد. همان طور که گفتم، کار نخبگان است، کار فرهنگ‌سازان است. و شما جوانها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است.^{۴۸۹}

برخی توصیه‌های عملی مهم و راهبردی برای ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی در جهت تحقق نهضت تحول اقتصادی:

(۱) معنویت گرایی

دستهای سردمداران و شبکه‌های اختاپوسی مادی، از یکی دو قرن پیش، دنیا را به سوی مادیگری سوق داده و ملت‌ها را در منجلا ب مادیگری غرق کرده است. امروز دنیا در جهت‌گیری خود و راهی که قدرت‌ها و دولت‌ها برای آن پیش‌بینی میکنند، نه تنها هیچ جنبه معنوی ندارد، بلکه به طرف

^{۴۸۹} بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۰۷/۲۳

مادیگری حرکت میکند و معنویات را از انسانها سلب مینماید.^{۴۹۰} جوامع بشری به دلیل دوری از معنویت، حقیقت انسانیت، اخلاق و دوری از خدا، دچار وضعیتی شده که همه‌ی پیشرفت‌های مادی هم نمی‌تواند او را خوشبخت کند. علت این امر چیست؟ آیا بشر امروزی از همیشه ثروتمندتر و عالم‌تر نیست؟ آیا امروز بشر، بیش از همیشه با ابزارهای آسان‌کننده‌ی زندگی مواجه نیست؟ پس چرا زندگی تلخ است؟ چرا این همه اختلاف در عالم است؟ چرا این همه جنگ است؟ چرا این همه نامردمی است؟ چرا جوانان در ثروتمندترین کشورهای عالم، احساس خوشبختی نمی‌کنند؟ بشر برای خوشبختی چه چیزی لازم دارد که در اختیارش نیست؟ جواب، يك کلمه است: بشر، پیام انبیا را کم دارد؛ بشر، نسخه‌ی آرامش‌بخش و آسایش‌بخش انبیا را در دست ندارد، یا به آن عمل نمی‌کند. قرآن، کامل‌ترین نسخه‌ها را در اختیار دارد.^{۴۹۱} جامعه نباید از نظر مادی ثروتمند باشد و از نظر معنی فقیر. جامعه اسلامی بایسته است دارای دو ثروت مادی و معنوی بوده و از فقر اقتصادی، اعتقادی، ماده‌گرایی و معنویت رها شده باشد، در غیر این صورت، هرچند در عرصه اقتصاد ثروتمند باشد همچنان مشکلات بی‌شماری دارد؛ زیرا ثروت مادی تنها برخی از جنبه‌ها و نیازها را پوشش می‌دهد و بسیاری از جنبه‌های وجودی انسانی دچار خلا یا کاستی‌ها است و آرامش را از او - در عین حال که به ظاهر آسایش دارد - سلب می‌کند به تعبیری دیگر، مشکل کسی که عاری از معنویت است، جای دیگر است؛ مشکل او يك بعدی بودن، تهی‌دست بودن از يك ثروت لازم دیگر است مشکل همت را فقط متوجه يك بخش کردن است.^{۴۹۲}

معنویت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛

^{۴۹۰}بیانات در مراسم ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۷۴/۰۳/۱۴

^{۴۹۱}بیانات در مراسم اختتامیه‌ی مسابقات قرآن ۱۳۷۷/۹/۰۱

^{۴۹۲}بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸

بودن آنها، محیط زندگی را حتّی با کمبودهای مادی، بهشت میسازد و نبودن آن حتّی با برخورداری مادی، جهنّم می‌آفریند.

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومتها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویّت، البتّه با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومتها نمیتوانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، امّا اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانونهای ضدّ معنویّت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنّمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنّمی کنند.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانونهای ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد. و این البتّه به معنی رفع مسئولیّت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دوره‌ی پیش‌رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدّت و میان‌مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود؛ ان‌شاءالله.^{۴۹۳}

۲) تقویت سبک زندگی جهادی و تحقق جهاد اقتصادی

آنچه که ملت‌ها را، هم در تاریخ و هم در دوران خودشان، در میان ملت‌های عالم سر بلند میکند، مجاهدت است، تلاش است. این تلاش، البتّه شکل‌های گوناگونی دارد؛ هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم تلاش به معنای تعاون اجتماعی میان افراد، همه لازم است؛ اما در رأس همه‌ی این تلاش‌ها، آمادگی برای جان‌فشانی است که يك ملت را در میان ملت‌ها سرفراز میکند. اگر در میان هر ملتی کسانی وجود نداشته باشند که آماده باشند از جان خود، از راحت خود، در راه رسیدن به آرمان‌ها صرف‌نظر کنند، آن ملت به جایی نخواهد رسید. کاری که انقلاب برای ما

^{۴۹۳} بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب

مردم ایران انجام داد، این بود که این راه را در مقابل ما روشن کرد؛ آحاد ملت ما فهمیدند و احساس کردند که باید در راه آرمانهای بلند، مجاهدت کنند و در مقابل دشمنان این آرمانها بایستند؛ و ایستادند.^{۴۹۴}

جهت دومی که در مفهوم جهاد حتماً بایستی ملاحظه بشود، استمرار و همه‌جانبگی است، هوشمندانه بودن است، مخلصانه بودن است. اینجور تحرکی اسمش جهاد است. بنابراین جهاد اقتصادی یعنی حرکت مستمر همه‌جانبه‌ی هدفدار ملت ایران با نیت خنثی کردن و عقیم کردن تلاش خصم‌آلود و غرض‌آلود دشمن.^{۴۹۵} امروز عرصه‌ی اقتصاد، به‌خاطر سیاستهای خصمانه‌ی آمریکا، یک عرصه‌ی کارزار است، یک عرصه‌ی جنگ است، جنگی از نوع خاص. در این عرصه‌ی کارزار، هر کسی بتواند به نفع کشور تلاش کند، جهاد کرده است... این جهاد است؛ البته جهادی است که ابزار خودش را دارد، شیوه‌های مخصوص خود را دارد، باید این جهاد را همه با تدبیر مخصوص خود و سلاح مخصوص خود انجام بدهند.^{۴۹۶} رها کردن مواضع و عقب‌نشینی منزه‌مانه در مواجهه‌ی با دشمن، از جمله‌ی چیزهایی است که قرآن تأکید میکند که نباید انجام بگیرد؛ در جنگ نظامی و در جنگ سیاسی و در جنگ اقتصادی، در هر جایی که صحنه‌ی زورآزمایی است، در مقابل دشمن باید ایستاد؛ باید عزم شما بر عزم دشمن پیروز بشود، باید اراده‌ی شما بر اراده‌ی دشمن غالب بشود؛ و میشود و این ممکن است. در عرصه‌ی هرگونه جهاد و کارزاری، پشت کردن به دشمن و هزیمت کردن، از نظر اسلام و قرآن ممنوع است.^{۴۹۷}

بخشهای اقتصادی کشور در همه‌ی قسمت‌های دولتی و غیر دولتی اگر به توفیق الهی پایبند به این مجاهدت باشند، یک جهش به وجود خواهد آمد و همه‌ی مردم در این موفقیت سهیمند.^{۴۹۸}

^{۴۹۴} بیانات در یادمان شهدای شرق کارون ۱۳۹۳/۰۱/۰۶

^{۴۹۵} بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور ۱۳۹۰/۰۵/۲۶

^{۴۹۶} بیانات در حرم مطهر رضوی ۱۳۹۴/۰۱/۰۱

^{۴۹۷} بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور ۱۳۹۲/۰۸/۲۹

^{۴۹۸} بیانات در دیدار جمعی از کارگران ۱۳۹۰/۰۲/۰۷

۳) استقامت

عزیزان من فرزندان من مواظب باشید دشمن حرکت شما را متوقف نکند. خدای متعال در دو جای قرآن به پیغمبرش میفرماید: «فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتُ»^{۴۹۹}، «و استقم کما امرت»^{۵۰۰}؛ استقامت کن. استقامت یعنی ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن، متوقف نشدن؛ این رمز کار است.^{۵۰۱} مثلاً فرض کنید نظام اسلامی با فشارهای شرطی دشمن مواجه میشود؛ مراد ما از فشار شرطی این است که یک فشاری را وارد میکنند، مثلاً تحریم را، بعد میگویند این را برمیداریم به شرط اینکه فلان کار انجام بگیرد- این جور نیست که آدم را بکلی مأیوس کنند؛ میگویند برمیداریم اما شرطش این است که این کار باید انجام بگیرد؛ این خب خیلی چیز خطرناکی است، خیلی چیز مهمی است؛ این شرطها ممکن است که شرطهای بشدت گمراه کننده و هلاک کننده ای باشد- در یک چنین وضعی انسان چه کار باید بکنند؟ اینجا انسان متوجه میشود که علاج این، «فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» است؛ چون این مسئله، مسئلهی عمومی است، مسئلهی شخصی که نیست. [مثلاً] در قرآن وجوب صبر، وجوب استقامت برای خود شخص [پیغمبر] هست؛ مخاطب «وَلَرْبِّکَ فَاصْبِرْ»^{۵۰۲} پیغمبر است و به مردم ربطی ندارد اما این [مورد]، ارتباط به مردم دارد: «فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» همه باید استقامت کنید، همه باید بایستید؛ یعنی یک حرکت جمعی صبر و استقامت را از ما میخواهد. پس فهمیدیم که در این قضایا باید این جوری عمل کرد: «فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتُ» باید عمل کرد؛ یا «وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ»^{۵۰۳}؛ توأسی به صبر، یکدیگر را وادار کردن به ایستادگی و مقاومت و تحمل و پایداری. خب وقتی یک چنین چیزی پیش می آید، برای ما آن مفهوم «فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَعَكَ» کاملاً روشن میشود؛ قبل از این، خیلی مفهوم روشنی برای ما ندارد - که خب «و مَنْ تَابَ مَعَكَ» یعنی مردم موظفند که استقامت کنند-

^{۴۹۹} هود: ۱۱۲

^{۵۰۰} شوری: ۱۵

^{۵۰۱} بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

^{۵۰۲} سوره مبارکه المدثر آیه ۷ وَلَرْبِّکَ فَاصْبِر

^{۵۰۳} سوره مبارکه العصر آیه ۳

یک امر کلی است، اما وقتی یک چنین وضعی پیش می‌آید، انسان می‌فهمد که یعنی چه. ما امروز با این مسئله مواجهیم؛ مردم ما دچار مشکلاتی هستند که بخشی از آنها ناشی از فشارهای دشمن است و ما می‌خواهیم مردم در مقابل این [مشکلات] استقامت کنند، بایستند؛ این یک حرکت عظیم و مهمی است که خب بحمدالله در کشور ما دارد انجام می‌گیرد.^{۵۰۴}

باید پیش برویم. این حرکت، حرکت موفقی است؛ چون آفاق روشنی دارد. افق، روشن است. آینده، آینده‌ی بسیار روشنی است. آن روزی خواهد رسید که امت اسلامی به حول و قوه‌ی الهی در اوج اقتدار و استقلال قرار بگیرد... ملتهای مسلمان با حفظ خصوصیات خود، تمایزهای خود، در زیر چتر واحد دعوت الی الله و الی الاسلام قرار بگیرند؛ همه با هم باشند. آن وقت است که امت اسلامی عزت خود را پیدا خواهد کرد.^{۵۰۵}

۴) تقویت ایمان و امید

امید مهم‌ترین ابزار پیشرفت است و دشمن روی این متمرکز شده؛ دشمن از همه‌ی توان دارد استفاده میکند برای القای ناامیدی، برای القای بن‌بست. یک جوانی هم که با مسائل دنیا آشنا نیست، گاهی می‌بیند تحت تأثیر قرار می‌گیرد، او هم مأیوس میشود؛ وقتی مأیوس شد، کار نمیکند. پیشرفت احتیاج دارد به امید. دشمن روی امید ملت ایران متمرکز است. این امکانات گسترده‌ای که دشمن به کار گرفته، این رسانه‌ها، این ماهواره‌ها، این فضای مجازی عجیب و غریب، این تلویزیونهای مزدورِ مأجور، همه‌ی اینها برای این است که این امید را در مردم بکشند. خوشبختانه امید زنده است... اما می‌خواهند نگذارند جوانهای ما امیدوار بمانند، نگذارند مسئولین ما امیدوار بمانند؛ اینها حتی به مسئولین هم طمع دارند که امید را از آنها بگیرند. خب، حالا یک امتدادی هم متأسفانه در داخل دارند؛ من ناچارم این را بگویم. آدم دلش نمی‌خواهد چنین واقعیتی وجود داشته باشد، اما هست؛ اینها در داخل امتداد دارند. امتداد آنها هم همین القای یأس، القای ناامیدی که «فایده‌ای ندارد»، «به جایی نمی‌رسیم»، «چه کار می‌خواهیم بکنیم»

^{۵۰۴} بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

^{۵۰۵} بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «جوانان و بیداری اسلامی» ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

است؛ از این حرفها می شنوید. در داخل هم فلان روزنامه، فلان فعال فضای مجازی، متأسفانه از این چیزها دارند؛ اینها هم امتداد آنها هستند. خب، حالا در مقابل القای آنها یک واقعیتی وجود دارد. آن واقعیت این است که ما داریم پیش میرویم، ما داریم جلو میرویم. [البته] مشکل اقتصادی داریم - من نمیخواهم نفی کنم، انکار کنم مشکلات اقتصادی را؛ آن هم ان شاء الله حل خواهد شد - لکن در بخشهای مختلف دیگر، ما بحمدالله دائم در حال پیشرفتیم، در حال جلو رفتنیم. نمیخواهند بگذارند که بخصوص نسل جوان از این پیشرفتها مطلع بشود، لذا آنها را کتمان میکنند. در همان امتداد داخلی [آنها] هم که گفتم، همین جور است؛ خیلی از پیشرفتهای ما کتمان میشود یا کوچک نمایی میشود.^{۵۰۶} وسوسه میکنند، حقایق را دگرگون نشان میدهند؛ هدفشان سست کردن اراده‌ی ملت است، هدفشان خاموش کردن امیدها است، میخواهند شعله‌ی امید را در دل جوانان ما خاموش کنند، جوان را مأیوس کنند. یأس یعنی بن‌بست؛ وقتی که جوان از پیشرفت مأیوس شد، از آینده مأیوس شد، احساس بن‌بست میکند؛ از کسی که احساس بن‌بست میکند، نمیشود توقع داشت درست کار کند... یک توصیه‌ی مهم من به همه‌ی کسانی که توانایی سخن گفتن با مردم را دارند و رسانه در اختیارشان است - چه در فضای مجازی، چه در مطبوعات، چه در صدا و سیما - امیدآفرینی است. دشمن سعی میکند جوانهای ما را ناامید کند؛ ما باید متقابلاً امیدآفرینی کنیم. مسائل امیدزا در کشور کم نیست؛ همینهایی که من گفتم و ده برابر اینها مطلب هست که همه موجب امید است و انسان را امیدوار میکند. همه موظفند امیدآفرینی کنند؛ این را جدی بگیرید. امیدآفرینی، خودفریبی نیست. بعضی‌ها خیال میکنند امیدآفرینی پنهان کردن ضعفها است، خودفریبی است؛ نه، ضعفها هم باید بیان بشود، اشکالی ندارد؛ اما در کنار بیان ضعفها بایستی امیدآفرینی هم بشود، آینده و افق روشن در مقابل چشم قرار بگیرد و نشان داده بشود. وضع ما بحمدالله وضع خوبی است. ما امروز باید این آیه‌ی شریفه را در نظر بگیریم: «وَلَا تَهِنُوا»، سست نشوید، «وَلَا تَحْزَنُوا»، اندوهگین نشوید، «وَأَنْتُمْ

الْأَعْلُونَ»، شما برترین هستید، «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^{۵۰۷}؛ ایمان شما موجب علوّ شما است، موجب برتری شما است.^{۵۰۸}

آنچه من به ملت ایران، به شما جوانهای عزیز عرض میکنم، این است: من میگویم هر که ایران را دوست دارد، هر که منافع ملی کشور را دوست دارد، هر که بهبود اوضاع اقتصادی را دوست دارد، از مشکلات اقتصادی و معیشتی رنج میبرد و میخواهد آن را اصلاح کند، هر که به دنبال جایگاه باعزت ایران در نظم جهانی پیش رو است، هر که این چیزها را دوست دارد، باید برای ترویج ایمان و ترویج امید در ملت تلاش کند؛ این وظیفه است؛ این وظیفه‌ی همه‌ی ما است؛ این همه‌ی حرف من با نخبگان، با هسته‌های انقلابی، با مجموعه‌های سیاسی، با همه‌ی آحاد مردم متعهد است. باید همه‌ی ما تلاش کنیم تا در این کشور ایمان و امید زنده بماند... حفظ استقلال ملی، به ایمان و امید است. حفظ عزت ملی، حفظ منافع ملی، با ایمان و امید است... ما همه وظیفه داریم؛ نخبگان وظیفه دارند؛ هسته‌های انقلابی وظیفه دارند؛ فعالان دانشگاهی، فعالان حوزوی، صاحبان جایگاه‌های اجتماعی بویژه کسانی که حرف آنها به گوش مردم میرسد، مردم حرف آنها را می‌شنوند، اینها وظیفه دارند؛ وظیفه این است که ایمانها را تقویت کنند، امیدها را تقویت کنند، شبهه‌ها را برطرف کنند، شیوه‌های دشمن در شبهه‌آفرینی و یأس‌آفرینی را خنثی کنند. و من به شما عرض بکنم یکی از این شیوه‌ها، بدبین کردن جوانان به مسئولان کشور، به حرکت کشور، به حرکت سیاسی کشور، به حرکت اقتصادی کشور و بدبین کردن افراد به یکدیگر است؛ این از شیوه‌های دشمن است؛ با این مقابله کنید.^{۵۰۹}

۵) تقوای اقتصادی شخصی و اجتماعی

تقوای اقتصادی؛ یعنی اگر هر کس برای گذران زندگی و ضمناً آباد کردن محیط خود مجبور است تلاش اقتصادی داشته باشد، راه درست را انتخاب کند.

^{۵۰۷} سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۳۹

^{۵۰۸} بیانات در ۱۴۰۲/۱/۱ حرم رضوی

^{۵۰۹} بیانات در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴۰۲/۳/۱۴

غصب کردن، حرام خوری، دست اندازی به مال دیگران - بخصوص به اموال عمومی - از دستاورد عمومی مردم به نفع جیب خود استفاده کردن و احياناً زنگیهایی که علی الظاهر در چارچوب قانون هم می‌گنجد، اما خود انسان میداند که باطن آن چقدر فاسد و تباه است، اینها خلاف تقوای اقتصادی است. تقوای اجتماعی؛ یعنی برخورد با مردم در محیطهای مختلف - چه محیط کسب، چه محیط معاشرت، چه محیط خانواده، چه محیط مدرسه و دانشگاه، چه محیط اداری - همراه با انصاف و خدا ترسی و امانت و صداقت باشد. اگر این نمونه‌ها در جامعه تحقق پیدا کند و عملی شود، اکثر مشکلات مادی و معنوی مردم برطرف خواهد شد.^{۵۱۰} تقوا عبارت است از آن حالت مراقبت دائمی که موجب میشود انسان به کج‌راهه نرود و خارهای دامن گیر، دامن او را نگیرد. تقوا در واقع یک جوشنی است، یک زرهی است بر تن انسان باتقوا که او را از آسیب تیرهای زهرآگین و ضربه‌های مهلک معنوی محفوظ و مصون میدارد؛ البتّه فقط هم مسائل معنوی نیست. وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا* وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ^{۵۱۱}؛ در امور دنیوی هم تقوا تأثیرات بسیار مهمی دارد، این تقوای شخصی است.

عین همین مسئله در مورد یک جامعه و یک کشور قابل طرح است. تقوای یک کشور چیست؟ تقوای یک جامعه چیست؟ یک جامعه، بخصوص اگر مثل جامعه‌ی نظام جمهوری اسلامی آرمانهای والا و بلندی داشته باشد، مورد تهاجم است؛ مورد هجوم تیرهای زهرآگین است؛ این هم تقوا لازم دارد. تقوای جامعه چیست؟ در بخشهای مختلف تقوای اجتماعی را میتوان تعریف کرد؛ در بخش اقتصاد، تقوای جامعه عبارت است از اقتصاد مقاومتی. اگر در مورد اقتصاد میخواهیم در مقابل تکانه‌های ناشی از حوادث جهانی یا در مقابل تیرهای زهرآگین سیاستهای معارض جهانی آسیب نبینیم، ناچاریم به اقتصاد مقاومتی رو کنیم. اقتصاد مقاومتی عامل استحکام است در مقابل آن کسانی و آن قدرتهایی که از همه‌ی ظرفیت اقتصادی و سیاسی و رسانه‌ای و امنیتی خودشان دارند استفاده میکنند برای اینکه به این ملت و این کشور و این نظام

^{۵۱۰} بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه ۱۳۸۱/۰۵/۰۵

^{۵۱۱} سوره‌ی طلاق، بخشی از آیه‌های ۲ و ۳؛ ... «[خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار میدهد. و از جایی که حسابش

را نمیکند، به او روزی میرساند»

ضربه وارد کنند. یکی از راه‌هایی که فعلاً پیدا کردند عبارت است از رخنه از راه اقتصاد. این هشدار را ما سالها است مطرح کردیم و گفتیم؛ مسئولین هم هر کدام به فراخور توانایی‌های خودشان تلاش‌های خوبی کردند لکن ما باید با همه‌ی توان، با همه‌ی ظرفیت موضوع اقتصاد مقاومتی را در داخل دنبال کنیم؛ این میشود تقوای اجتماعی ما در زمینه‌ی مسئله‌ی اقتصادی.^{۵۱۲}

۶) پرهیز از احتکار و انحصارطلبی در بین مردم

من به اطلاع مردم ایران می‌رسانم طبق تحقیقی که کرده‌ایم و اطلاعاتی که به دست آورده‌ایم تمام اجزاء و مایحتاج اولیه‌ی ضروری ملت ایران که برای قوت مردم و معیشت روزمره‌ی مردم لازم است به حد کافی در ایران هست، کسری نداریم. یعنی از امروز تا مدتها، اگر هیچ چیز هم برای ما از خارج از این کشور نیاید مردم ما گرسنه نخواهند ماند، فقط با یک شرط. آن شرط این است که از این موجودی داخل کشور، که بعضی در انبارها موجود است و بعضی در کارگاهها روزبه‌روز تولید میشود، کسانی نخواهند برای خودشان سهم بیشتری بردارند و این اجناس را در خانه‌شان یا انبارشان برای خود احتکار کنند، فقط شرطش این است. اگر من یا شما یا آقا یا هر یک از ما مردم ایران تلاش کنیم که برای خودمان سهم بیشتری جمع کنیم و خودمان را تأمین کنیم یقیناً کسانی در این مملکت گرسنه خواهند ماند و میدانید که این چه جنایت بزرگی است؟ بنابراین دو توصیه‌ی بزرگ به ملت ایران میکنم. توصیه‌ی اول این است که هر کسی فقط به قدر مایحتاج ضروری خود و خانواده‌اش از بازار تهیه کند و نه بیشتر. توصیه‌ی دوم این است که به هیچ قیمتی نگذارید دستگاههای تولیدی ما بخوابد. دشمن مایل است شما احتکار کنید تا عده‌ای گرسنه بمانند. دشمن مایل است که کارخانه‌ها و دستگاههای تولیدی ما کار نکند تا آذوقه‌ی ما کم بیاید. مگر به خاطر کمبود آذوقه مجبور بشویم به دشمن پناه ببریم. البته او نمیداند که ما اگر از گرسنگی بمیریم هم، به دشمن پناه نخواهیم برد.^{۵۱۳}

^{۵۱۲}بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۴/۰۴/۲

^{۵۱۳}اولین نماز جمعه بعد از شروع جنگ تحمیلی ۱۳۵۹/۷/۴

۷) افزایش جمعیت

قضیه‌ی جمعیت یکی از همان نسخه‌های غربی است. اخیراً دستگاه تبلیغاتی دولت انگلیس خبیث تجویز نسخه هم کرده که ایران برای سی میلیون جمعیت، خیلی کشور خوبی خواهد بود چشمتان چهار تا ان شاء الله این جمعیت به ۱۵۰ میلیون هم خواهد رسید. سیاستهای جمعیتی کشور - آنهایی که دنبال می‌کردیم - سیاستهای غلطی بود. قبلاً این را من گفته‌ام؛ البته اولش درست بود؛ شروع درست بود، [ولی] ادامه‌اش درست نبود و غلط بود و ما غفلت کردیم در این زمینه؛ باید جبران بکنیم.^{۵۱۴} ما بیست سال این فرصت (جبران کاهش جمعیت) را داریم؛ اگر در این بیست سال توانستیم پایه‌های کار خودمان را محکم کنیم که بُرد کردیم؛ اگر غفلت کردیم و این بیست سال فرصت از دستمان رفت و کشور وارد عرصه‌ی سالمندی و فرسودگی شد، دیگر کاری نمیشود کرد.

خب در این بیست سال از این فرصت چه استفاده کنیم؟ دو مطلب اساسی هست: یکی مسئله‌ی جمعیت که نگذاریم جمعیت کاهش پیدا کند، نگذاریم جمعیت جوان کاهش پیدا کند، موالید را افزایش بدهیم؛ دوم ایجاد ثروت پایدار برای کشور؛ این دو کار باید انجام بگیرد. اینکه بنده نسبت به موالید و مسئله‌ی فرزندآوری و مانند اینها این همه اصرار میکنم، معنایش این است؛ یعنی اگر چنانچه به این مسئله بی‌توجهی بشود - که متأسفانه در بُرهه‌ی طولانی‌ای بی‌توجهی شده - اگر این بی‌توجهی ادامه پیدا کند و همه به فکر فرزندآوری نیفتند و این حرکت عظیمی که در کشور لازم است انجام بگیرد، انجام نگیرد، بیست سال آینده - که مثل برق خواهد آمد؛ بیست سال زمان زیادی نیست - وارد یک مسیری خواهیم شد که دیگر کار برایمان بسیار مشکل خواهد شد. یکی هم مسئله‌ی ثروت‌آفرینی [است].^{۵۱۵}

^{۵۱۴} بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۷/۳/۰۲

^{۵۱۵} بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی ۱۳۹۸/۰۸/۲۸

۸) اصلاح الگوی مصرف

• اصلاح الگوی مصرف با صرفه جویی و پرهیز از مصرف گرایی و اسراف

عزیزان من این اسراف همان کاری را با کشور می‌کند که دشمن می‌خواهد او از آن طرف به وسیله‌ی نفت، به‌وسیله‌ی تحریم اقتصادی و انواع و اقسام ضربه‌ها بر ملت ایران ضربه وارد می‌کند؛ از این طرف هم خود ما با اسراف و صرفه‌جویی نکردن، ضربه‌ی او را تکمیل می‌کنیم^{۵۱۶} مصرف‌گرایی برای جامعه بلای بزرگی است. اسراف، روزبه‌روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر میکند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاههای مسؤول بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاههای تبلیغاتی و فرهنگی - به‌ویژه صدا و سیما - باید وظیفه خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه‌ی لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدانهای مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیادیه‌ها بزنیم^{۵۱۷}.

برخی مصداق‌های اسراف:

○ اسراف در اقلام مهم مصرفی

اسراف در قلمهای مهم مصرفی کشور، از جمله اسراف در نان. بر حسب بررسی میدانی‌ای که در تهران و بعضی از مراکز استانها شده است، گفته میشود که ۳۳ درصد نان ضایعات است. یک سوم همه‌ی نانی که در این شهرها تولید میشود، دور ریخته میشود. فکرش را بکنید شما؛ یک سوم آن وقت کشاورز ما با آن زحمت گندم را تولید کند و اگر یک سالی بارندگی کم بود - مثل سال گذشته که تولید گندم در کشور کم شد - دولت از پول عمومی، از بودجه‌ی مردم گندم از خارج وارد کند،

^{۵۱۶} بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۳۷۷/۱/۰۱.

^{۵۱۷} بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵.

این گندم آرد بشود، خمیر بشود، نان بشود، بعد یک سوم از این همه ثروت دور ریخته شود. چقدر تأسف آور است متأسفانه این واقعیت دارد، این هست^{۵۱۸}.

○ اسراف در مصرف آب

در مورد آب بررسی‌هایی که کرده‌اند، میگویند تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. کشور ما کشور پرآبی نیست. حداکثر صرفه‌جوئی را ما مردم ایران در آب باید انجام دهیم. آن وقت این آبی که با این زحمت تولید میشود، از راه‌های دور آورده میشود، با بهای سنگین سدهایی به وجود می‌آید؛ این همه دانش، تجربه و تلاش به کار میرود تا این آب به خانه‌ی ما بیاید؛ بعد در خانه‌ی ما ۲۲ درصد از این آب هدر برود این فقط مصرف خانگی است؛ مصرف کشت و مصرف صنعت هم یک جور دیگر اسرافهایی دارد^{۵۱۹}.

پژوهشگران کشورمان تحقیق کردند، به ما اطلاع دادند که اگر آبی که در کشور (برای کشاورزی) مصرف میشود، ده درصد آن صرفه‌جوئی شود، این ده درصد به قدر تمام استفاده‌ای است که امروز برای شرب خانگی و برای صنعت مورد استفاده قرار میگیرد. امروز نود درصد آب کشور در بخشهای کشاورزی مصرف میشود - مصرف غلط، مصرف اسراف‌آمیز - ده درصد دیگر برای آب شرب و برای صنعت و برای مصارف گوناگون به کار میرود. یعنی اگر در کار کشاورزی ما ده درصد صرفه‌جوئی کنیم، مقدار مصرف شرب و صنعت و امثال اینها به دو برابر خواهد رسید؛ اینقدر مسئله مهم است.^{۵۲۰}

○ اسراف در انرژی

آنچه که برحسب بررسیها به عنوان آمار در اختیار ماست، ما مجموعاً بیش از دو برابر مصرف متوسط جهان در انرژی - چه برق، چه حاملهای انرژی - مصرف میکنیم؛ یعنی نفت، گاز،

^{۵۱۸} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا ۱/۱۳۸۸/۱۰

^{۵۱۹} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا ۱/۱۳۸۸/۱۰

^{۵۲۰} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱/۱۳۸۹/۱۰

گازوئیل، بنزین. مصرف این چیزها در کشور ما از دو برابر متوسط جهان بیشتر است. خوب، این اسراف است. اسراف نیست؟

شاخصی به نام شاخص شدت انرژی وجود دارد؛ یعنی نسبت بین انرژی‌ای که مصرف میشود، با کالائی که تولید میشود؛ که هر چه انرژی‌ای که مصرف میشود، کمتر باشد، برای کشور سودمندتر است. در این زمینه گاهی نسبت به بعضی از کشورهای پیشرفته، مصرف شدت انرژی ما هشت برابر بیشتر است اینها اسرافهایی است که در جامعه دارد انجام میگیرد.^{۵۲۱}

○ اسراف در مصارف شخصی

در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت میگیرد. تجمل‌گراییها، چشم و هم‌چشمیها، هوسرانی افراد خانواده، مرد خانواده، زن خانواده، جوان خانواده، چیزهای غیر لازم خریدن؛ اینها از موارد اسراف است. وسائل تجملات، وسائل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه؛ اینها چیزهایی است که ما برای آنها پول صرف میکنیم. پولی که میتواند در تولید مصرف شود، سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد، به فقرا کمک کند، ثروت عمومی کشور را زیاد کند، این را ما صرف میکنیم به این چیزهای ناشی‌شده‌ی از هوس، چشم و هم‌چشمی، آبروداریهای خیالی. مسافرت میروند، می‌آیند، میهمانی درست میکنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است - عروسی میگیرند، عزا میگیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانیها مصرف میکنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محرومند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. نمیگوئیم پول را بردارید بروید حتماً اتفاق کنید - البته اگر انسان اتفاق بکند، بهترین کار است - اما حتی اگر اتفاق هم نکنند، همین پولی که صرف این تجملات میشود، در تولید برای خودشان به کار بیندازند، در کارخانجات سهیم شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است. ما به جای این کارها میهمانی درست میکنیم، عزا درست میکنیم، هی رخت و بر روزبه‌روز دگرگون برای خودمان درست میکنیم؛ چرا؟ چه لزومی دارد؟ عقلای عالم این کار را نمیکند؛ این فقط سخن دین

^{۵۲۱} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا ۱/۱۳۸۸/۱/۱۰

نیست. قرآن میفرماید: «و لاتسرفوا انه لا يحب المسرفین»^{۵۲۲}، «كلوا و اشربوا و لاتسرفوا»؛ بخورید، بیاشامید، اما زیاده روی نکنید. در آیهی شریفه‌ی دیگر: «كلوا من ثمره اذا اثمر و اتوا حقه»^{۵۲۳}، «كلوا من ثمره اذا اثمر و اتوا حقه»؛ بخورید و لاتسرفوا انه لا يحب المسرفین»^{۵۲۳}. خداوند اسراف کنندگان را دوست نمیدارد. ما بندگان خدا هستیم. اینها حرف دین است و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. در روایت دارد که کسی میوه‌ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام (علیه السلام) به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه‌ی خرما استفاده کنید. تا این حد خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتلها میهمانی درست کنند و به یک عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هر چه که غذا ماند، به بهانه‌ی اینکه بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند این مناسب یک جامعه‌ی اسلامی است؟ اینجوری میشود به عدالت رسید؟ باید خودمان را اصلاح کنیم. باید الگوی مصرف جامعه و کشور اصلاح شود. ما الگوی مصرفمان غلط است. چه جوری بخوریم؟ چه بپوشیم؟ تلفن همراه توی جیبمان گذاشته‌ایم؛ به مجرد اینکه یک مدل بالاتر وارد بازار میشود، این را کأنه دور میاندازیم و آن مدل جدید را باید بخریم؛ چرا؟ این چه هوس بازیای است که ما به آن دچار هستیم.^{۵۲۴}

○ اسراف در سطح ملی

مسئولان موظفند. اسراف فقط در زمینه‌ی فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف میشود. همین برق و انرژی که گفتیم اسراف میشود، بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسئولین کشور است. این شبکه‌های ارتباطاتی، شبکه‌های انتقال برق، سیمهای برق، اینها وقتی فرسوده بشود، برق هدر میرود. برق را تولید کنیم، بعد با این شبکه‌ی فرسوده آن را هدر بدهیم، که بخش مهمی هدر میرود. یا شبکه‌های انتقال آب اگر فرسوده باشد، آب هدر میرود. اینها اسرافهای ملی است؛ در سطح ملی است؛ مسئولین آن، مسئولین کشورند.

^{۵۲۲} اعراف آیه ۳۱

^{۵۲۳} انعام آیه ۱۴۱

^{۵۲۴} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا ۱۳۸۸/۱/۰۱

○ اسراف در سطح سازمانی

اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. رؤسای سازمانهای گوناگون مصرف شخصی نمیکنند، اما مصرف بیرویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، میلمانهای گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمانها بایستی نگاه عیب‌جویانه‌ی به اسراف وجود داشته باشد. همان طور که عرض کردیم، با حرف هم تمام نمیشود؛ باید برنامه‌ریزی کنند.^{۵۲۵}

• اصلاح الگوی مصرف با قناعت

یکی از مهمترین فضایل اخلاقی برای یک کشور قناعت است، و اگر امروز ما در برخی زمینه‌ها دچار مصیبت هستیم، به‌خاطر این است که این اخلاق حسنه‌ی مهم اسلامی را فراموش کرده‌ایم.^{۵۲۶}

قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضیها خیال می‌کنند که قناعت مال آدمهای تهیدست و فقیر است و اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند.^{۵۲۷} توقعات مادی زیاد و بالا، موجب تنگی معیشت و موجب ناراحتی خود انسان می‌شود، اگر انسان توقع خودش را از زندگی توقع کمی قرار دهد، این مایه‌ی سعادت خواهد بود. نه فقط برای آخرت انسان خوب است، که برای دنیای انسان هم خوبست.^{۵۲۸}

عزیزان من بنده ملت ایران را به «ریاضت» دعوت نمی‌کنم. بحمدالله ما احتیاجی به این نداریم که ملت خودمان را به ریاضت، دعوت کنیم. فضای غم‌آلود ریاضت، از زندگی این مردم دور باد من

^{۵۲۵} بیانات در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی الرضا ۱۳۸۸/۱/۱۰

^{۵۲۶} بیانات در ۱۳۸۳/۹/۱۱

^{۵۲۷} خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۶/۱/۱

^{۵۲۸} خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۹/۱۲/۲۱

مردم را به «قناعت» دعوت می‌کنم؛ قناعت سرافرازانه، قناعت انسان عاقل و خردمندی که می‌داند آینده خود را با قناعت تأمین می‌کند و زندگی و روال اقتصادی کشور را تسهیل و به مسؤولین کمک می‌کند که بتوانند تدابیر صحیح را در کار اداره مملکت اعمال کنند.^{۵۲۹}

• اصلاح الگوی مصرف با ساده زیستی و زهد و پرهیز از تجمل‌گرایی افراطی

یکی از مشکلات دیگر بین ما مردم تجمل‌گرایی افراطی است؛ تجمل‌گرایی. همین است که ازدواجها مشکل شده؛ جوان در سن ازدواج - چه دختر، چه پسر - قادر به ازدواج نیست؛ چرا؟ چون پدر و مادرش دچار رودربایستی قوم‌و خویش‌ها هستند؛ مهریه‌ی فلان‌جور، جهیزیه‌ی فلان‌جور، تجمّلات فلان‌جور، مهمانی فلان‌جور هزینه‌های ازدواج بالا رفته. از این مسابقه‌ی تجمل‌گرایی باید بیرون بیایید؛ یک عده‌ای در تجمل‌گرایی مسابقه راه انداخته‌اند؛ باید خودتان را از این مسابقه خارج کنید. این یکی از عیوب کار ما است.^{۵۳۰} ساده زندگی کردن منافاتی با رفاه هم ندارد. آسایش هم که اصلاً در سایه ساده زندگی کردن است^{۵۳۱} اسیر تجمّلات و تشریفات و چشم و هم چشمی نشوید. خودتان را در دام مسابقه‌ی مادی در امر زندگی نیندازید. هیچ کس در این مسابقه، خوشبخت و کامیاب نمی‌شود. این ظواهر زرق و برق‌دار زندگی شخصی، اینها هیچ کدام انسان را نه خوشبخت می‌کند، نه دلشاد و راضی می‌کند. اصلاً انسان هر چه گیرش می‌آید، باز چیز بیشتری را می‌خواهد. در حسرت یک چیز بهتری است. در شرع مقدس هست - العفاف و الکفاف - به همان زندگی که بشود گذراند و انسان محتاج کسی نباشد و در عسرت نباشد. این جور پیش ببرید.^{۵۳۲} زندگی تشریفاتی، زندگی تجمّلاتی، زندگی اشراف منشی، زندگی پُرخرج و زندگی مصرفی، انسانها را بدبخت می‌کند. این خوب نیست. زندگی باید کفاف و راحت بگذرد نه پُرخرج و مُسرفانه. این دو تا را بعضیها چرا با هم اشتباه می‌کنند؟ با کفاف یعنی محتاج

^{۵۲۹} پیام به مناسبت حلول سال نو ۱۳۷۷/۱/۱

^{۵۳۰} بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۴۰۱/۱۰/۱

^{۵۳۱} خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۴/۱۸

^{۵۳۲} خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۷/۷/۲۰

کسی نباشد و بتوانند زندگیشان را اداره کنند، بدون احتیاج به هیچ کس. دلخوشی هم باید داشته باشند و آلا زندگی با درآمد زیاد و مخارج زیاد و تشریفات که خوب نیست. اینها اصلاً راحتی نمی‌آورد، دلخوشی نمی‌آورد.^{۵۳۳}

• اصلاح الگوی مصرف با مصرف کالای داخلی

یک بُعد دیگر این مسئله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه‌ی دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند - دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیر ایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگذارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهای خارجی معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارکهای خارجی می‌روند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند.^{۵۳۴}

۹) ورود مردم به عرصه‌ی کار اقتصادی مولد

عزیزان من با تعارف که یک ملت نمیتواند آقایی خودش را حفظ کند با تعارف که نمیشود با دشمنان غدار و خونخوار روبه‌رو شد عمل، تلاش و برنامه‌ریزی لازم است... آحاد مردم باید کمک کنند. یکیک مردم، کنندگان واقعی کار هستند. عزیزان من این خانه، خانه شماست. این مملکت، مملکت شماست. مملکت عظیم، با برکت و ثروتمندی است. خیلی ثروت در این خاک نهفته است که همه‌اش متعلق به شما و نسلهای آینده این کشور است. ثروت معنوی زیادی در این کشور وجود دارد و همه‌اش متعلق به شماست. این همه علم، استعداد، آگاهی و اخلاقیات خوب، به برکت اسلام، فرهنگ کهن اسلامی و سوابق این ملت در این کشور هست که متعلق به شماست. چه وقت میتوانید استفاده کنید؟ وقتی که این ملت، آماده کار باشد؛ کمر بسته باشد؛ هیچ کس در کارهای خود کوتاهی نکند و بیکاری را برای خود مغتنم نشمارد...

^{۵۳۳} خطبه‌ی عقد مورخه‌ی ۱۳۷۸/۱/۲

^{۵۳۴} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۹۱/۰۵/۰۳

...مردمی که کار نکنند، مردمی که ابتکار نداشته باشند، مردمی که خود را موظف به اداره‌ی کشور و تولید نیازهای خودشان ندانند، مردمی که فقط مصرف را بلد باشند و تولید را بلد نباشند، کشور و کسانی را که در رأس کارند در وضعیتی بدی قرار خواهند داد. ملتی می‌تواند در مقابل پُرروها، پرتوقع‌ها، گردن‌بگیرها و زیاده‌طلب‌های دنیا- مثل امریکا- بایستد و مقاومت و از حق خود دفاع کند، که بگوید: «آقا ما خودمان، خودمان را اداره می‌کنیم.» اگر دشمن بگوید به شما فلان چیز را نمی‌فروشیم، بگوید: خوب؛ بهتر نفروشید. شما که به ما بفروشید، ما تنبل می‌شویم و خودمان تولید نمی‌کنیم. می‌گوییم «آقا؛ بسته‌بندی شده می‌آید.» شما که به ما مجانی بدهید، پول هم از ما نگیرید، به ما خیانت کرده‌اید. اگر شما در دادوستد را با ما ببندید و بُنجله‌های خودتان را به طرف مملکت ما سرازیر نکنید، به نفع ماست. برای اینکه ما روحیه‌ی کار، نشاط، تلاش و تولید پیدا خواهیم کرد.^{۵۳۵}

۱۰) مواسات

همه باید خود را موظف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسانهایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر این که یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی است. به همسایه‌ها و فقرا رسیدگی کنید ... جوانان اجتماعات خانوادگی تشکیل دهند و کمکهای افراد خانواده را جمع کنند و در درجه اول به مصرف فقرا و نادارهای همان خانواده و فامیل برسانند و اگر نیازی نبود، به فقرای دیگر رسیدگی کنند.

امروز در جامعه‌ی ما فقر وجود دارد. وظیفه‌ی ما به عنوان نظام اسلامی، ریشه‌کن کردن فقر در جامعه است. نباید در جامعه محرومیت باشد. این تکلیف ماست به عنوان دولت، به عنوان نظام

^{۵۳۵} بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳/۲/۱۳۷۴

اسلامی، به عنوان آحاد مردم. «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة»؛ این وظیفه‌ی همه است. هر کدام به نحوی تجمل و اسراف و زیاده‌روی را کم کنیم. این درس ماه رمضان است. این کار، همت و گذشت و بصیرت و آگاهی می‌خواهد. از خدای متعال کمک بخواهیم. خانواده‌های بسیاری هستند که نه از روی تن‌پروری و تن به کار ندادن، بلکه به معنای واقعی کلمه محروم و مستمندند. باید اینها را شناسایی و پیدا کنید - کار مشکلی هم نیست - و به اینها کمک نمایید.^{۵۳۶}

۱۱) کار جمعی و تعاون

چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه‌ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی»، یا: «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً». یعنی حتّی اعتصام به حبل اللّٰه هم باید دسته‌جمعی باشد.^{۵۳۷} می‌دانید ملت‌ها خصال ملی دارند. بعضی از ملت‌ها خصلتی دارند که خصلت عمومی است، بعضی از ملت‌ها خصلت‌های دیگری دارند که حالا مربوط به تاریخ و جغرافیا و اقلیم است و به عوامل گوناگونی وابسته است. ما این روحیه‌ی شور و شوق را، میل به تحقیق را، کنجکاوی را، خسته نشدن و پیگیری کردن را باید در ملت‌مان به وجود بیاوریم. کار جمعی هم جزو خصال ملی ما نیست. شما به ورزش‌های ما هم که نگاه کنید و مقایسه کنید با ورزش‌هایی که متعلق به اروپائی‌هاست، می‌بینید همین جور است. ورزش ملی ما که کشتی است، یک ورزش انفرادی است. حتّی ورزش باستانی ما هم که یک ورزش دسته‌جمعی است، هر کسی برای خودش ورزش می‌کند. می‌دانید وقتی که توی گود زورخانه می‌روند، کار دسته‌جمعی انجام نمی‌گیرد؛ با هم یک حرکاتی را انجام می‌دهند، هر کسی ورزش خودش را انجام می‌دهد؛ مثل فوتبال یا والیبال نیست که کار این، مکمل کار آن باشد؛ لذا کار، کار جمعی نیست. این یک

^{۵۳۶} بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۰۹/۱۵

^{۵۳۷} بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳

نقص ملی است در ما؛ این را باید درست کرد؛ باید تزریق کرد.^{۵۳۸} وجه غالب زندگی در نظام اسلامی و در نظام ولایت، باید تعاطف، همدلی، تعاون و همکاری باشد.^{۵۳۹} فرهنگ کار جهادی و همکاری و تعاون را مردم بین خودشان، و کسانی که میتوانند، حوزه‌ی نفوذی در بین مردم دارند، ترویج بکنند.^{۵۴۰}

۱۲) ترویج تلاش بدون وقفه برای پیشرفت در همه احاد ملت

هر وقفه‌ای با عقب‌گرد همراه است. ما در یک مسابقه‌ی جهانی هستیم، عقب‌ماندگی‌های زیادی هم داریم؛ بله، الان سرعت پیشرفت ما خوب است اما عقب‌ماندگی این قدر زیاد است که این سرعت پیشرفت هنوز افاقه نکرده است؛ هنوز نتوانسته ما را به آن جایگاه مورد نیازمان برساند. باید ادامه بدهیم و تلاش بشود.^{۵۴۱} تلاش و کار متکی بر ایمان و امید، رمز موفقیت ملت است و همه‌ی قشرها اعم از جوانان، دانشجویان، کارگران، روحانیون، فعالان صنعتی و کشاورزی، صاحبان سرمایه و فعالان سیاسی و اجتماعی باید بر مبنای وظایف و مسئولیت‌های خود، کار و تلاش بی‌وقفه را دنبال کنند و با قدرشناسی وحدت ملی موجود در جامعه و حفظ و تقویت آن، حرکت عمومی کشور را به سمت اهداف انقلاب و مردم سرعت دهند.^{۵۴۲} مسئولین کشور بالخصوص، باید همه‌ی تلاش خودشان را بگذارند که مشکلات را با سرپنجه‌ی تدبیر، کار مستمر، خسته نشدن، شوق و ذوق و توکل به خدا و کمک خواستن از خداوند برطرف و حل کنند. منظور فقط مشکلات سیاسی و امنیتی نیست - اینها جزئی از مشکلات است - پیشبرد اقتصاد و علم کشور، مسائل اجتماعی گوناگون هم بر عهده‌ی مسئولین است. مسئولان قوای سه‌گانه و همه‌ی مسئولان کشور وظیفه‌ی خودشان بدانند که برای این ملت کار کنند؛ کار و کار و کار، تدبیر و تدبیر

^{۵۳۸} بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران ۱۳/۱۱/۱۳۸۸

^{۵۳۹} بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۷/۱/۲۷

^{۵۴۰} بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی ۱۳۹۸/۸/۲۸

^{۵۴۱} بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هشتمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۳/۷/۳۰

^{۵۴۲} سخنرانی رهبر انقلاب در اجتماع پرشور مردم سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۷

و تدبیر؛ یک لحظه غفلت نکنند. ما یک حرکت خوبی داریم به سمت جلو؛ نگذارند این حرکت متوقف بشود؛ نباید این حرکت از دور بیفتد. ما داریم پیش می‌رویم؛ باید همین طور با این پیشرفت ادامه بدهیم، سرعت را بیشتر و همه‌جانبه‌تر کنیم، نقاط کور را هم بگیریم.^{۵۴۳}

۱۳) احساس مسئولیت در جامعه و سرعت عمل در انجام تکلیف

آنچه که برای ما لازم است، این است که آحاد مردم، مسئولین، غیر مسئولین، بخصوص جوانها، بخصوص کسانی که سخن و حرفشان تأثیر دارد، احساس مسئولیت حضور در صحنه را از دست ندهند. هیچ کس نگوید من تکلیفی ندارم، من مسئولیتی ندارم؛ همه مسئولند. مسئولیت معنایش این نیست که اسلحه ببندیم، بیائیم توی خیابان راه برویم؛ در هر کاری که هستیم، احساس مسئولیت کنیم؛ مسئولیت دفاع از انقلاب و از نظام جمهوری اسلامی؛ یعنی از اسلام، حقوق مردم، و عزت کشور.

همه باید این احساس مسئولیت را داشته باشیم. و من می‌بینم که این احساس مسئولیت را داریم. این را مردم کشور ثابت کردند، ثابت میکنند^{۵۴۴} بعضی برای اینکه امید را در دلها بکشند، اشاره میکنند به اینکه در لایه‌های اجتماعی، کسانی هستند که دغدغه‌ی دین و ایمان و انقلاب ندارند؛ خب بله، [اما] مخصوص امروز نیست؛ دهه‌ی ۶۰ هم که جبهه‌ها آن جور مملو و سرشار از جوانهای مؤمن بود، یک عده‌ای در شهرهای بزرگ، در تهران، بی‌خیال و بی‌اعتنا راه میرفتند، نه فقط احساس مسئولیت نمیکردند، مسئولین را مسخره هم میکردند شما نگاه کنید شرح حال شهدا و رزمنده‌ها را؛ اینها وقتی که می‌آمدند در شهرهای بزرگ - بخصوص شهرهای بزرگ - احساس دلتنگی میکردند که [این] به خاطر همین پدیده بود. دهه‌ی ۶۰، دهه‌ی اول انقلاب، از این حوادث وجود داشت؛ این جای تعجب ندارد. امروز هم البته هستند کسانی که نه به انقلاب، نه به اسلام و حتی نه به تعهد ایرانی پایبند نیستند؛ بله، اما ملت ایران اینها نیستند.^{۵۴۵}

^{۵۴۳} دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۶

^{۵۴۴} دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن ۱۳۸۸/۱۱/۶

^{۵۴۵} بیانات در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴۰۲/۳/۱۴

گاهی اوقات مشکل ما این است که تکلیف را زود تشخیص نمیدهیم؛ باید بیایند بنشینند، با ما حرف بزنند، استدلال کنند، و کارهایی مانند اینها؛ [خب] وقت میگذرد. سرعت عمل مردم [قم] در احساس تکلیف که وقتی نگاه کردند دیدند که این جور دارد حرکت میشود، فهمیدند باید چه کار کنند، آمدند میدان. دکان دار آمد، بازاری آمد، طلبه آمد، فضلا آمدند، بزرگانی از حوزه وارد شدند، مردم معمولی عادی آمدند در میدان؛ بسرعت احساس تکلیف کردند.... نباید غفلت کنیم از وظیفه‌ای که عقل و شرع به عهده‌ی ما گذاشته؛ باید بدون تأخیر وارد میدان بشویم. تأخیر نباید داشته باشیم. آن وقت به تناسب اهمیتی که آن کار دارد، خطرات را به جان بخریم. بالاخره در هر حادثه‌ای، هر خطری را نباید انسان به جان بخرد؛ بعضی از حوادث هست که این قدر اهمیت ندارد که انسان جانش را به خطر بیندازد. به تناسب اهمیت حادثه، خطر مترتب بر ورود در میدان را به جان بخریم. مشکل آن وقتی به وجود می‌آید که ما در این وظایف اختلال ایجاد میکنیم: به سرعت احساس تکلیف نمیکنیم، بهنگام وارد نمیشویم، خطر را به جان نمیخریم، ملاحظه میکنیم؛ این [طوری] است. اگر چنانچه این شرایط را رعایت نکنیم، پیشرفت قطعی است؛ یعنی تردید نکنید. نمونه‌اش سالهای دفاع مقدس است. بنده باز هم برای چندمین بار سفارش میکنم شرح حال این خانواده‌های شهدای دوران دفاع مقدس یا دفاع از حرم اهل بیت را بخوانید، ببینید چه سختی‌هایی را اینها متحمل شدند. این جوان، همسر عزیزش، فرزند نور چشمش را رها میکند میرود برای اداء تکلیف. در دفاع مقدس هزارها [نفر] این جوری رفتند وارد میدان شدند؛ خب نتیجه چه میشود؟ نتیجه این میشود که یک دیوانه‌ای مثل صدام با امکانات فراوان وارد میدان میشود، آمریکا کمکش میکند، اروپا کمکش میکند، ناتو کمکش میکند، شوروی کمکش میکند، کشورهای مرتجع عرب مثل ریگ پول به پایش میریزند، آخرش هم هیچ غلطی نمیتواند بکند و دست از پا درازتر برمیگردد. وقتی ما یک جوانی مثل جوانهای دوره‌ی دفاع مقدس در میدان داریم که پشتشان گرم به آن ایمان است و یک کسی مثل امام دست و بازوی اینها را میبوسد، نتیجه این میشود که پیشرفت حتمی است. بله، جنگ احزاب بود و در این جنگ احزاب ایران پیروز شد؛ یعنی همه‌ی قدرتهای دنیا دست به دست هم دادند که ایران را تجزیه کنند، خوزستان را جدا کنند، فلان جا را جدا کنند، [اما] یک وجب از خاک کشور را نتوانستند ببرند؛ این چیز کمی

است؟ این پیروزی کوچکی است؟ وقتی حرکت میکنیم، احساس تکلیف میکنیم، خطر را قبول میکنیم، وارد میدان میشویم، نتیجه این است دیگر؛ این تجربه‌ی ما است.^{۵۴۶}

مرور در یک نگاه فصل چهارم/ بخش هفتم - سبک زندگی اقتصاد محور				
بخش هفتم: سبک زندگی اقتصاد محور		فصل چهارم: راهکارهای عملی در مسیر نهضت تحول اقتصادی		
خردورزی	تبیین و توجه به بنمایه های اصلی فرهنگ ایرانی اسلامی	۱	الزامات کلان تحقق سبک زندگی ایرانی اسلامی ۱۳۹۱/۷/۲۳	۱
اخلاق				
حقوق				
سلوک عملی در مسیر مکتب اسلام ناب محمدی		۲	الزامات تحقق سبک زندگی اقتصادمحور	۲
عدم تقلید از غرب		۳		
معنویت گرایی ۸۵/۸/۱۸-۷۷/۹/۱-۷۴/۳/۱۴		۱		
تقویت سبک زندگی جهادی ۹۳/۱/۶-۹۰/۵/۲۶-۹۰/۲/۷-۹۲/۸/۹۴۲۹/۱/۱		۲		
استقامت ۹۰/۱۱/۱۰-۹۹/۱۲/۴		۳		
تقویت ایمان و امید ۱۴۰۲/۳/۱۴-۱۴۰۲/۱/۱		۴		
تقوای اقتصادی شخصی و اجتماعی ۹۴/۴/۲-۸۱/۵/۵		۵		
پرهیز از احتکار و انحصار طلبی در بین مردم ۵۹/۷/۴		۶		
افزایش جمعیت ۹۸/۸/۲۸-۹۷/۳/۲		۷		
با صرقه جویی و پرهیز از مصرف گرایی ۷۷/۱/۱-۸۱/۹/۱۵		اصلاح الگوی مصرف		
با قناعت ۷۶/۱/۱-۷۹/۱۲/۲۱-۷۷/۱/۱				
با ساده زیستی و پرهیز از تجمل گرایی ۴۰۱/۱/۱-۸۷/۱/۲-۷۷/۷/۲۰				
با مصرف کالای داخلی ۹۱/۵/۳				
ورود مردم به عرصه کار اقتصادی مولد ۱۳۷۴/۲/۱۳		۹		
مواسات ۱۳۸۱/۹/۱۵		۱۰		

کار جمعی و تعاون ۹۱/۷/۲۳-۸۸/۱۱/۱۳-۷۷/۱/۲۷- ۹۸/۸/۲۸	۱۱		
ترویج فرهنگ تلاش بدون وقفه برای پیشرفت در همه آحاد ملت ۸۸/۱۱/۶-۸۵/۸/۱۷-۹۳/۷/۳۰	۱۲		
احساس مسئولیت در جامعه و سرعت عمل در انجام تکلیف ۱۴۰۱/۱۰/۱۹-۱۴۰۲/۳/۱۴	۱۳		

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

یادداشت

آنچه من عرض میکنم این است که
مسأله فوری کشور و مسأله جدی کشور و
اولویت کشور فعلاً مسأله «اقتصاد»
است.^۱ ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را
در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه
ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست
بگیریم تا ملت‌ها بتوانند ببینند که یک
ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام
چگونه می‌تواند پیشرفت کند.^۲

۱- پیام نوروزی رهبر انقلاب در سال ۱۳۹۸
۲- فرازی از بیانات رهبر معظم انقلاب
اسلامی در ابتدای سال جهاد اقتصادی در
حرم مطهر رضوی



@ghararghmelli



fesadsetiz.ir